

کنگره های

سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

فهرست

صفحه

سخن مولف

کنگره اول. (نخستین کنگره ی سازمان).....

کنگره دوم.....

کنگره سوم.....

کنگره چهارم (بیژن جزینی).....

کنگره پنجم.....

کنگره ششم.....

کنگره هفتم (کنگره ی یاد یاران).....

کنگره هشتم (کنگره ی فوق العاده).....

کنگره نهم (کنگره با خاوران).....

کنگره دهم:.....

کنگره اول

سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

مرداد ماه ۱۳۶۹

www.iranarchive.com

اسناد کنگره اول

سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

مرداد ماه ۱۳۶۹

* اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

* در باره ی برگزاری نخستین کنگره ی سازمان

* گزارش اولین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران

* قطعنامه ها

* قطعنامه درباره ی هویت سازمان

* قطعنامه در باره ی هدف سیاسی ما

* قطعنامه درباره ی ارزیابی از نظام سلطنت و سیاست اتحادهای ما

* قطعنامه در باره ی مطبوعات سازمان

* قطعنامه در باره ی تدارک برگزاری کنگره ی دوم

* قطعنامه ((بررسی اجمالی خطاهای سازمان در دهه های اخیر))

اطلاعیه ی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره ی برگزاری کنگره ی سازمان

نخستین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روزهای ۱۳ تا ۲۳ مرداد ماه سال ۱۳۶۹ برگزار شد. ۷۸ درصد نمایندگان که طبق ضوابط کمیته ی مرکزی سابق و ستاد برگزاری کنگره حق شرکت در کنگره نخست را داشتند یا به طور مستقیم و یا از طریق سپردن رای وکالتی در جریان کار کنگره مشارکت کردند.

نخستین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بایک دقیقه سکوت به یاد شهدای ۲۰ سال پیکار سازمان و همه ی "شهدای راه آزادی" گشایش یافت. پس از رسمیت یافتن اجلاس، موارد زیر در دستور کار کنگره قرار گرفت:

- ۱- ارزیابی از مقام و موقعیت اجلاس.
- ۲- بحث پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت و تصویب تزهایی مربوطه.
- ۳- تصویب تزهایی در باره ی مشی و برنامه سیاسی سازمان.
- ۴- تصویب کار پایه ی موقت تشکیلاتی.
- ۵- بررسی گذشته ی سازمان و عمل کرد رهبری و تصمیم گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی.

۶- بررسی وضع نشریات و رادیوی سازمان و تصمیم گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی.

۷- بررسی گزارش عمل کرد مالی سازمان.

۸- صدور پیام ها.

۹- انتخاب کمیسیون هایی برای تهیه اسناد لازم جهت ارائه ی به کنگره دوم.

۱۰- انتخاب ارگان رهبری.

۱۱- تعیین زمان کنگره ی بعدی.

اجلاس پس از بحث و بررسی خود را نخستین کنگره ی سازمان نامید. کنگره بدلیل عدم درک و آمادگی کافی و کمبود وقت موفق نشد به بخش عمده ای از دستور کار پیشنهادی بپردازد صدور قطعنامه درباره ی "بررسی اجمالی گذشته و عملکرد رهبری در دهه اخیر" تعیین هدف سیاسی سازمان در این مرحله و دولت جانشین (شعار استراتژیک)، تصویب دوبند از تره های مربوط به هویت "تصویب قراری برای برگزاری کنگره ی دوم" از جمله مواردی بود که کنگره در مورد آنان اتخاذ تصمیم نمود. متن قطعنامه ها و قرارها به طور جداگانه انتشار خواهد یافت.

کنگره در بخش پایانی خود، گروه های کار ده گانه و رهبری جدید را انتخاب نمود. هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق در شورای مرکزی منتخب کنگره شرکت ندارند. مشروح گزارش کنگره همراه با این اطلاعیه در نشریات سازمان منتشر می شود. شورای مرکزی بزرگترین دستاورد کنگره را حفظ وحدت سازمان و تحکیم همبستگی فدائیان خلق ارزیابی می کند همبستگی ای که کنگره در میان ما پدید آورد می تواند نقطه پایانی بر خطاهای گذشته و دسته بندی های زیان آور باشد و راه ما را در جهت وظایف آتی هموار سازد.

شورای مرکزی، از همه ی فدائیان خلق، از همه ی رفقای که در جریان کشمکش های درونی گذشته و به دلیل اعتراض به مناسبات غیر دموکراتیک از سازمان جدا شده اند دعوت می کند که نیرو و امکانات خویش را در جهت متحد کردن بیشتر سازمان، سربلندی آن و شرکت فعالانه و یک پارچه در جنبش دموکراتیک مردم ایران، بکار گیرند. شورای مرکزی خود با وفاداری به مصوبات نخستین کنگره خواهد کوشید گام در این راه بگذارد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گزارش

اولین کنگره ی

سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثریت)

شورای مرکزی منتخب، نظر به وظایفی که از سوی کنگره بدان محول شد خود را ملزم دانست که گزارش حاضر را تهیه نموده، منتشر سازد. در تنظیم این گزارش، کوشش شده است تا از اظهار نظر و تفسیر پرهیز شود و گزارش در مفهوم اخص کلمه تهیه شود. شورای مرکزی بر آن است که امکانات مطبوعاتی سازمان را در خدمت بحث و تبادل نظر اعضای سازمان و صاحب نظران ترقی خواه کشور پیرامون نخستین کنگره ی سازمان، تصمیمات و دستاوردهای آن را به کار گیرد.

شورای مرکزی، فدائیان خلق و همه ی احزاب، سازمانها شخصیت های ملی و مترقی را به اظهار نظر و مشارکت در این بحث ها فرا می خواند.

اجلاس کنگره با یک دقیقه سکوت به احترام شهدای راه آزادی و شهدای سازمان، از سوی مسئول کمیسیون تدارک کنگره گشایش یافت، سپس ۵ تن از مسن ترین نمایندگان کنگره به عنوان هیئت رئیسه سنی در جایگاه قرا گرفتند. رئیس سنی اجلاس پس از خوشامد گویی به نمایندگان و اظهار امیدواری برای پیروزی کنگره پیشنهاد یکی از نمایندگان را مبنی بر اینکه زنده یاد بیژن جزنی به عنوان ریاست افتخاری کنگره اعلام گردد، قرائت نمود و نمایندگان با استقبال از این پیشنهاد "یاد رفیق بیژن جزنی" بنیان گزار سازمان را گرامی داشتند.

سپس انتخابات هیئت رئیسه صورت گرفت و با قرار گرفتن منتخبین در جایگاه خود، جلسه وارد دستور کار شد پس از بحث های اولیه قرار شد که ابتدا بحث و بررسی گزارش کمیسیون تدارک کنگره در دستور قرار گیرد. در گزارش کمیسیون مذکور، آمار نمایندگانی که بر اساس ضوابط مختلف از قبیل انتخابات، طرح رده قبل از سال ۶۵ طرح رده بعد از ۶۵ و ... به کنگره دعوت شدند. تعداد نمایندگانی که به دلایل مختلف از شرکت در کنگره امتنا کردند، تعداد نمایندگانی که به دلایل موجه نظیر نداشتن مدارک سفر یا ماموریت سازمانی موفق به شرکت در جلسه نشدند، درصد اعضای تشکیلات خارج که از انتخاب و اعزام نماینده خود داری کردند نتایج اجلاسهای پیش کنگره، علل عدم تاثیر گذاری فعالین در داخل کشور بر روند کنگره و تغییراتی که از سوی کمیسیون تدارک در ضوابط مصوب کمیته مرکزی وارد شد مطرح گردید.

اظهار نظر پیرامون گزارش فوق به بعد از گزینش کمیسیون های اعتبار نامه، و آئین نامه موکول گردید و انتخاب این دو کمیسیون در دستور کار قرار گرفت برای تشکیل کمیسیون "اعتبار نامه" تصویب شد که کمیسیون تدارک کنگره از میان خود سه نفر را معرفی نماید و نمایندگان نیز دو تن را برگزینند و کمیسیون اعتبارنامه ها با شرکت پنج عضو تشکیل شود این تصمیم به منظور جلوگیری از پخش اطلاعات و تسریع در امر تصویب اعتبار نامه ها اتخاذ شد.

بدنبال گزینش کمیسیون های مذکور، اظهار نظر پیرامون گزارش کمیسیون تدارک کنگره آغاز شد و بحث های مفصلی در این زمینه انجام گرفت. شماری از نمایندگان به کمبودها و نارسایی های مشخصی که در این یا آن عرصه کار کمیسیون تدارک وجود داشت، پرداختند. اما عموم سخنرانان با بررسی جهات عمومی تر در روند تدارک کنگره، پیرامون «مقام و موقعیت اجلاس جاری در حیات سازمان» اظهار نظر کردند. در این بحث بر موارد ذیل به عنوان ضعف های اساسی اجلاس انگشت گذاشته شد:

- ۱- فقدان تاثیر قابل قبول از سوی فعالین سازمان در داخل کشور .
- ۲- امتناع بخش قابل ملاحظه کادرهای و اعضای تشکیلات خارج کشور از شرکت در اجلاس به دلایلی با خصلت اعتراضی .
- ۳- نارسایی ضوابط گزینش نمایندگان.

۴- عدم وجود اسنادی که بطور سازمان یافته در تشکیلات به بحث گذاشته شده باشد و در نتیجه ی عدم آمادگی نمایندگان برای اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل اساسی در زمینه ی برنامه اساسنامه و نظایر آن.

برخی نمایندگان با استناد به نارسایی های یاد شده ایده «کنگره دایر» را به میان کشیدند و خواستار آن شدند که کنگره در دو اجلاس به فاصله ی شش ماه از یکدیگر تشکیل شود و از این نظر اجلاس خود را جلسه ی مقدماتی نخستین کنگره یا «اجلاس نخست از نخستین کنگره ی سازمان» تلقی کند و ضمن تصمیم گیری پیرامون مسائل مبرم و وظیفه اصلی جاری را بر طرف کردن نواقص مذکور و تدارک اجلاس دوم بداند. سایر سخن رانان ضمن تائید مضامین یاد شده با این نتیجه گیری که کنگره «کنگره دایر» تلقی گردد، مخالفت ورزیدند. آنها بر این نکته تاکید نمودند که اجلاس جاری انعکاس حداکثر توان موجود در سازمان در لحظه ی کنونی است و در شرایط حاضر صالح ترین مرجعی است که می تواند پیرامون حیات سازمان تصمیم بگیرد و از این رو نام آن «نخستین کنگره ی سازمان» است.

این عده از نمایندگان در عین حال تاکید داشتند که کثرت نارسایی های موجود ما را ملزم می سازد تا از هم اکنون جهت تدارک کنگره ی دوم تمهیدات لازم را اتخاذ نماییم. جمعی دیگر از نمایندگان بر این عقیده بودند که اجلاس حاضر باید خود را «مجمع صلاحیت دار» بنامد و وظیفه اصلی خود را بر طرف کردن موانع در راه تشکیل کنگره بداند.

برغم برداشت های متفاوتی که فوقاً مطرح گردید، هیچ یک از سخن رانان صلاحیت اجلاس برای اتخاذ تصمیم در جهت خارج کردن سازمان از وضعیت موجود، از جمله در زمینه انتخاب رهبری آتی را مورد تردید قرار نداد.

بحث ها در این زمینه، در نوبتی دیگر و هنگامی که اعتبار نامه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان از تصویب گذشت و جلسه رسمیت یافت ادامه پیدا کرد و در بیان پیرامون مقام و موقعیت اجلاس رای گیری به عمل آمد و برای اکثریت نمایندگان اجلاس «نخستین کنگره» سازمان نامیده شد. پیش از رسمیت یافتن اجلاس نظام نامه اداره جلسات کنگره در دستور بحث قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم از تصویب گذشت. آنگاه مخبر کمیسیون اعتبار نامه ها گزارش داد و پس از تائید مجموعه اعتبارنامه هایی که شکایت و اعتراضی نسبت به آنها وجود نداشت جلسه به عنوان کنگره رسمیت یافت. جلسه ابتدا پیرامون رای وکالتی در

خارج از کشور و تنظیم رابطه با نمایندگانی که بدلائیل موجه نتوانستند از کشور محل اقامت خود خارج شوند تصمیم گرفت که:

۱- رای وکالتی تنها در خارج از کشور تنها در صورتی نافذ است که: وکیل در جلسه حاضر باشد، عذر موکل برای عدم شرکت در جلسه موجه باشد، گزینش فرد معین به عنوان وکیل محرز شده باشد.

۲- در رابطه با مسائل دارای اهمیت اساسی، رای رفقای حائز شرایط فوق اخذ و به آرای حاضران در اجلاس اضافه شود. این تصمیم به مرحله اجرا در نیامد.

پس از پایان بحث پیرامون گزارش کمیسیون اعتبار نامه ها و اتخاذ تصمیمات فوق، تعیین «مقام و موقعیت» اجلاس در دستور کار قرار گرفت و همان طور که پیشتر یاد آوری شد، با تأیید صلاحیت مجمع برای تصمیم گیری و تثبیت نام کنگره برای آن پایان یافت.

در سومین روز اجلاس دستور کار پیشنهادی هیئت رئیسه برای ادامه کار کنگره تا روز پایانی، مورد بحث قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات به شرح زیر تصویب شد:

۱- بحث پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت تصویب تزهایی مربوطه،

۲- تصویب تزهایی در باره ی خط مشی و برنامه سیاسی سازمان.

۳- تصویب کار پایه تشکیلاتی.

۴- بررسی گذشته ی سازمان و عملکرد رهبری و تصویب تزهایی در این رابطه.

۵- بررسی وضع نشریات و رادیوی سازمان و تصمیم گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی.

۶- بررسی گزارش عملکرد مالی سازمان.

۷- صدور پیام ها.

۸- انتخاب کمیسیون هایی برای تهیه ی اسناد لازم جهت ارائه ی به کنگره دوم.

۹- انتخاب ارگان رهبری.

۱۰ تعیین زمان کنگره ی بعدی.

پس از تصویب دستور کار، موضوع تشکیل کمیسیون هایی در جنب کنگره به بحث گذاشته شد و تشکیل کمیسیون هایی برای مواد یک تا هفت از دستور کار مورد تصویب قرار گرفت و کمیسیون های مربوطه تشکیل شدند. کمیسیون دیگری نیز تشکیل شد تا به مسائل مربوط به خلق ها رسیدگی نماید.

پیش از آن که جلسه وارد دستور شود، پیشنهاد دعوت از میهمانان مطرح شد و پس از صحبت های موافق و مخالف، کنگره تصمیم گرفت مه به علت عدم آمادگی، موضوع دعوت از میهمانان از دستور خارج شود.

در چهارمین روز اجلاس ابتدا اعضا و مخبرین کمیسیون ها معرفی شدند و کنگره به آنها رای اعتماد داد و سپس «بررسی گذشته ی سازمان و عملکرد رهبری و تصویب تزهایی در این رابطه» در دستور کار قرار گرفت.

به علت عدم وجود گزارش از سوی کمیته ی مرکزی سابق کنگره تصمیم گرفت که رفقای عضو هیات سیاسی سابق که در جلسه حضور داشتند شخصاً در باره ی فعالیت دستگاه رهبری سابق اظهار نظر کنند. به سایر اعضا و مشاوران کمیته مرکزی هم وقت معین داده شد تا نظرات خود را پیرامون گذشته سازمان و عمل کرد رهبری آن بیان کنند.

۲۵ تن از نمایندگان نیز در این زمینه اظهار نظر کردند. پس از اظهار نظر نمایندگان بار دیگر به اعضای هیئت سیاسی سابق فرصت داده شد، تا پیرامون مسایل شخصی که در اظهارات نمایندگان عنوان شده بود و نیز در مواردی که کمیسیون، بررسی مشخص آنها را پیشنهاد کرده بود اظهار نظر نمایند بحث پیرامون گذشته ی سازمان و عمل کرد رهبری، روز ششم مجدداً در دستور کار قرار گرفت.

ابتدا کنگره سند پیشنهادی کمیسیون مربوطه را به عنوان سند مبنا پذیرفت و سپس بحث پیرامون بندهای جداگانه ی آن آغاز شد. در دور اول بحث تنها بندهای مربوط به انتقاد از مشی شکوفا سازی جمهوری اسلامی، مسائل تشکیلاتی و اساسنامه ای از تصویب گذشت و سایر مواد جهت تدقیق و تصحیح به کمیسیون عودت داده شد. ادامه بحث پیرامون گذشته سازمان و عملکرد رهبری در روزهای هفتم و هشتم کنگره سرانجام به تصویب سندی در ۷ بند انجامید. در روز نهم پس از انتخاب شورای مرکزی و در آخرین دقایق کنکره بند دیگری به عنوان بند هشتم سند، از سوی یکی از نمایندگان قرائت گردید که نمایندگان با کف زدن های ممتد آن را مورد تصویب تأیید قرار دادند. به پیشنهاد کمیسیون و تصویب کنگره سند مصوب «بررسی اجمالی خطاهای رهبری در دهه گذشته» نامیده شد.

در این سند پیرامون سیاست و برنامه «شکوفایی جمهوری اسلامی» سیاست وحدت با حزب توده ایران، سیاست سازمان در قبال کشورهای متعلق به بلوک موسوم به اردوگاه

سوسیالیسم، ساختار تشکیلاتی و مناسبات رهبری با تشکیلات و ضرباتی که در سال ۶۵ بر پیکر تشکیلات سازمان در داخل کشور وارد آمد با صراحت اظهار نظر شده است. این سند همراه این گزارش انتشار می یابد.

به موازات بحث پیرامون گذشته از زمان و عملکرد رهبری بحث های پیرامون دو موضوع دیگر از دستور کار کنگره یعنی «سمت گیری برنامه ای و هویت» و «خط مشی و برنامه سیاسی» نیز جریان یافت. در بحث «سمت گیری برنامه ای و هویت» ابتدا رفقای که قبلا اسنادی تهیه کرده بودند، پس از دفاع از سند پیشنهادی خود، به سوالات نمایندگان پاسخ گفتند. در این دور از مباحث اسناد پیشنهادی تماما یا قسما بوسیله خود تنظیم کنندگان سند و یا سایر نمایندگان مورد مدافعه قرار گرفت.

در دور دوم بحث حول محورها و فورمول های مشخص که از سوی کمیسیون مربوطه ارائه شده بود تمرکز یافت و پس از سخنان موافق و مخالف و انجام پاره ای اصلاحات در بند ۲ تره های پیشنهادی کمیسیون، مواد ۱، ۲ به شرح زیر از تصویب کنگره گذشت:

«۱- سازمان ما از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان دموکراسی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان، تامین صلح، آزادی، و عدالت اجتماعی برای مردم و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی و سر بلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.

۲- آرمان ما سوسیالیسم است. سازمان ما برای دست یابی به ارزش های سوسیالیستی مبارزه می کند».

پس از تصویب تره های فوق الذکر، کنگره تصمیم گرفت که ادامه بحث و تصمیم گیری پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت را از دستور خارج کند.

در مورد خط مشی و برنامه ی سیاسی نیز پس از بحث های اولیه که مستقیما در کنگره انجام شد، کمیسیون مربوطه از طرح مواردی که پیرامون آنها تفاهم و اتفاق نظر وجود داشت خودداری نمود و تنها چند نکته گرهی و مهم مربوط به خط مشی و برنامه سیاسی را به بحث گذاشت. در این مبحث نیز تنها بخش هایی از سند پیشنهادی مورد بحث قرار گرفت. در این زمینه کنگره توانست هدف سیاسی ما و حکومت جایگزین را به شرح زیر مشخص سازد .:

«پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی واستقرار دموکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو».

در بحث پیرامون این فورمول، توجه نمایندگان عمدتاً بر نقاط اشتراک و افتراق عبارت های «پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی» و «سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی» و نیز تمایزات و تشابهات «رژیم جمهوری اسلامی» و رژیم ولایت فقیه «تمرکز یافت. عمده نمایندگان در اظهارات خود تأکید نمودند که شعار سرنگونی به دلیل مطلق کردن عنصر قهر نمی تواند سیمای مسالمت جوی سازمان و انزجار ما از خون ریزی را منعکس سازد. علاوه بر موارد فوق پیرامون، شعار «انتخابات آزاد» و موضع ما در قبال سلطنت و سلطنت طلبان نیز بحث هایی صورت گرفت. در مورد سلطنت بیش از دو سوم نمایندگان تز پیشنهادی کمیسون خط مشی و برنامه سیاسی را امضاء کردند. متن تز مربوطه به شرح زیر است:

« مردم میهن ما در انقلاب بهمن به رژیم سلطنتی نه گفتند و آن را سرنگون کردند. سازمان ما، نظام سلطنت را نظامی غیر دموکراتیک می شناسد. سازمان در سیاست اتحادها و همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوری خواه طرفدار دموکراسی تأکید دارد و اتحاد با سلطنت طلبان را رد می کند».

تدارک کنگره آتی، موضوع دیگر بود که در دستور کار کنگره قرار گرفت و در این رابطه قطعنامه ای به شرح زیر تصویب شد:

- ۱- کنگره آتی سازمان حداکثر تا یک سال دیگر برگزار می شود و شورای مرکزی منتخب کنگره اول مسئول برگزاری کنگره دوم است.
- ۲- نمایندگان تشکیلات خارج از کشور صرفاً از طریق انتخابات برگزیده می شوند.
- ۳- تعیین حد نصاب بر عهده شورای مرکزی است. شورا موظف است حد نصاب تعیین شده را به اطلاع تشکیلات برساند.
- ۴- نمایندگان فعال سازمان در داخل کشور بر اساس ضوابط مصوب شورای مرکزی به کنگره فرا خوانده خواهند شد.
- ۵- شورای مرکزی موظف است برای شرکت رفقای که به دلیل ماموریت های حزبی خاص در تشکیلات سازمان دهی نشده اند ضوابط ویژه تدوین کرده، به اجرا گذارد.
- ۶- اعضای شورای مرکزی منتخب کنگره اول، با حق رای در کنگره دوم شرکت می کنند.

۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بند های ۴ و ۵ این قطعنامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد).

۸- آخرین موردی که پیش از برگزاری انتخابات به بحث گذاشته شد، سیاست مطبوعاتی سازمان بود. در این مورد نیز به رغم وجود قطعنامه پیشنهادی از سوی «کمسیون نشریه و رادیو» کمبود وقت مانع از بحث همه جانبه و تصمیم گیری جامع شد و کنگره تنها توانست تصویب کند که سازمان همچنان دو نشریه داشته باشد.

انتخاب ارگان رهبری، آخرین موضوع دستور کار کنگره بود. پیرامون این موضوع هم در اجلاس های پیشین کنگره هم در بحث های جنب کنگره و هم در سخن رانی های نمایندگان، نظرات متفاوتی مطرح بود و در کنگره ابتدا ساختار ارگان رهبری و شیوه گزینش به رای گذاشته شد. چندین ساختار و شیوه به صورت طرح، قرار و قطعنامه از سوی نمایندگان به کنگره ارائه شد. سمت گیری عموم طرح ها، کاستن از تمرکز امور در یک ارگان، گسترش دموکراتیسم و افزودن بر کارایی دستگاه رهبری بود. تمایز طرح ها عمدتاً در حد عدم تمرکزی بود که هریک پیشنهاد می کردند. در عین حال طرح هایی نیز وجود داشتند که با نگرشی متفاوت نسبت به مضمون کار حزبی تهیه شده بودند.

در کنگره کوشش به عمل آمد که تلفیقی از طرح های مختلف مبتای کار قرار گیرد و در نهایت قرار بر این شد که:

۱- ده «گروه کار» در زمینه نشریه کار، نشریه اکثریت، تدارک اجرایی کنگره دوم، تدارک اسناد کنگره دوم تشکیلات خارج، امور مالی، امور خلقها، رادیو و روابط عمومی تشکیل شود.

۲- یک شورای مرکزی ده نفره هدایت سازمان تا کنگره آتی راعهده دار شود،

۳- هر یک از اعضای شورا، مسئولیت یکی از گروه های کار را بر عهده گیرند،

۴- تعداد اعضای صاحب رای هر گروه کار پنج (۵) نفر باشند.

۵- انتخاب اعضاء گروه کار از میان لیست داوطلبان به شیوه رای گیری با ورقه و طبق فرمول سه پنجم صورت گیرد.

۶- انتخاب شورای مرکزی از میان لیست داوطلبان به شیوه ی رای گیری با ورقه و طبق فرمول شش دهم انجام گیرد.

پس از پایان ثبت نام داوطلبان، اعلام شد که ۲۲ نفر جهت عضویت در شورای مرکزی سازمان اعلام آمادگی کرده اند. از این عده به جز ۷ نفر، بقیه هیچ گاه در دستگاه رهبری سازمان فعالیت نداشتند.

کنگره با علم به موارد مذکور، تصمیم گرفت که انتخابات شورای مرکزی و گروه‌های کار را از میان لیست های موجود برگزار کند. ابتدا انتخابات شورای مرکزی برگزار شد و بلافاصله کارت های رای گیری جهت گزینش گروه‌های کار توزیع گردید.

پس از شمارش آرا، به دعوت هیئت رئیسه، اجلاس نهایی کنگره برگزار گردید. اسامی واجدان بیشترین آرا جهت عضویت در شورای مرکزی قرائت شد در ترکیب اعلام شده هیچ یک از اعضاء هیئت سیاسی سابق وجود نداشت. ۴ عضو کمیته مرکزی سابق به همراه ۶ تن از کادر های سازمان به عنوان شورای مرکز برگزیده شدند.

حادث بحران در رهبری و عوارض آن در تشکیلات سبب شده بود که انتخاب رهبری آینده، از همان روز نخست به مشغله ی ذهنی همه ی نمایندگان تبدیل شود.

وجود نظرات متفاوت و گاهی متضاد در زمینه ترکیب رهبری، یافتن راه حل مناسب را دشوار کرده بود. با نزدیک شدن زمان انتخابات دشواری تصمیم گیری هر چه بیشتر آشکار می شد و نمایندگان احساس می کردند هر اشتباهی در این زمینه ممکن است عوارض جبران ناپذیری به بار آورد. اکنون نمایندگان انتخاب خود را کرده بودند و نتایج انتخابات روشن شده بود؛ ولی هنوز هم بیم و نگرانی وجود داشت و این سوال که «بعد از این چه خواهد شد؟». اما نگرانی نمایندگان دیری نپایید و هنگامی که اعضای هیئت سیاسی سابق، خسته از سالها مبارزه درونی و بیرونی، در جایگاه هیئت رئیسه یکدیگر را در آغوش گرفتند، فضای کنگره به تدریج منقلب شد: اولین فطرات اشک بر گونه ها نشست، نسیم جان نوازی وزیدن گرفت و دمی بعد به امواجی از عواطف انسانی بدل شد و سراسر سالن بزرگ کنگره را در نوردید. سرود آزادی به ترنم در آمد:

آن زمان، که بنهادم، سر به پای آزادی / دست خود زجان شستم، از برای آزادی ،...

و لحظاتی بعد:

ایران ای سرای امید.....

نمایندگان یکدیگر را در آغوش گرفتند و ساعت ها اشک شوق ریختند. اعضای هیئت سیاسی سابق در میان ابراز احساسات شدید نمایندگان، تک-تک پشت تریبون قرار گرفتند. پیام همه یکی بود: ضرورت کار بیشتر، درس آموزی از گذشته و کمک رسانی به کسانی که در این شرایط سخت عهده دار مسئولیت شده اند....

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

قطعه نامه های

کنگره ی اول

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

در باره ی هویت سازمان (مصوب کنگره اول)

- ۱- سازمان ما از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان دموکراسی خواهی و سوسیالیسم شکل گرفت برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان، تامین صلح، آزادی، و عدالت اجتماعی برای مردم و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی و سربلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.
- ۲- آرمان ما سوسیالیسم است. سازمان ما برای دست یابی به ارزش های سوسیالیستی مبارزه می کند».

در باره ی هدف سیاسی ما(مصوب کنگره ی اول)

پایان دان به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو.

در باره ی ارزیابی از نظام سلطنت و سیاست اتحادهای ما:

« مردم میهن ما در انقلاب بهمن به رژیم سلطنتی نه گفتند و آن را سرنگون کردند. سازمان ما، نظام سلطنت را نظامی غیردموکراتیک می شناسد. سازمان در سیاست اتحادها و همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوری خواه طرفدار دموکراسی تاکید دارد و اتحاد با سلطنت طلبان را رد می کند».

در باره ی مطبوعات سازمان(مصوب کنگره اول)

- ۱- تا کنگره دوم سازمان دو نشریه «کار» و اکثریت» را منتشر می کند.
- ۲- کنگره هئیت رهبری را موظف می سازد تا از ایده انتشار یک نشریه دموکراتیک خبری - سیاسی و اجتماعی استقبال کرده همه ی امکانات خود را برای ایجاد زمینه های انتشار چنین نشریه ای به طور فعال بکار گیرد.

قطعنامه در باره ی تدارک برگزاری کنگره ی دوم(مصوب کنگره ی اول)

- ۳- تعیین حد نصاب به عهده ی شورای مرکزی است. شورا موظف است حدنصاب تعیین شده را به اطلاع تشکیلات برساند.
- ۴- نمایندگان فعالین سازمان در داخل کشور بر اساس ضوابط مصوب شورای مرکزی به کنگره فرا خوانده خواهند شد.

۵- شورای مرکزی موظف است برای شرکت رفقای که به دلیل ماموریت های خاص در تشکیلات سازمان دهی نشده اند ضوابط ویژه را تدوین کرده به اجرا گذارد.

۶- اعضای شورای مرکزی منتخب کنگره اول با حق رای در کنگره دوم شرکت می کنند.

۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطعنامه را به اطلاع تشکیلات رسانده به نظر خواهی بگذارد.

قطعنامه «بررسی اجمالی خطاهای سازمان در دهه اخیر» (مصوب کنگره ی اول)

۱- کنگره سیاست و برنامه سازمان در راه شکوفایی جمهوری اسلامی را به جهت تقابل آن با دموکراسیم پیشرفت و تجدد، بزرگترین خطای سیاسی سازمان ارزیابی می کند. این سیاست و برنامه محصول بینشی بود که جهان را به دو جبهه تقسیم می کرد و با توجه به ضد امپریالیسم ارتجاعی رژیم خمینی که آن زمان این گونه تصور نمی شد ادامه حیات آن را به سود مردم ایران به سود یک جبهه و به طور مشخص اردوگاه سوسیالیسم ارزیابی می کرد. در تدوین این مشی به منافع و نیازهای عاجل مردم ایران توجه نشد. بی اعتنایی به دموکراسی و عدم شناخت دستگاه روحانیت، از جمله عوامل موثر در شکل گیری این سیاست و برنامه بودند.

سیاست شکوفاسازی جمهوری اسلامی به سود رژیم و بر ضد منافع ملت ایران بود. این مشی ضربات بسیار سختی به اعتبار جنبش فدایی، جنبش دموکراتیک و حق طلبانه مردم ایران، به ویژه خلق کرد و ترکمن وارد ساخت و موجب اتخاذ سیاست های ستیزه جویانه و خصمانه نسبت به دیگر نیروها و فعالات جنبش گشت.

کنگره این سیاست را محکوم می کند و مسئولیت اصلی آن را متوجه رهبران وقت سازمان می داند.

۲- سیاست وحدت با حزب توده که در روند خود به سیاست ادغام سازمان درحزب منجر می گردید ناقض استقلال سازمان بود و به اعتبار جنبش فدایی ضربات جدی وارد آورد. این سیاست یکی از عوامل موثر و جدی جدایی بخشی از فعالان جنبش فدایی محسوب می شود. کنگره کمیته ی مرکزی سابق را مسئول اصلی این خطای بزرگ می شناسد و بر آن است که بخشی از کادرهای موثر سازمان نیز در دوره های معین در تسریع این روند موثر بوده اند.

کنگره گرایش در رهبری را که تا سالها بعد مصرا نه بر صحت سیاست وحدت با حزب توده پافشاری کرد، منفی ارزیابی می کند.

۳- کنگره سیاست سازمان در برخورد با اتحاد شوروی و سایر کشورهای «اردوگاه سوسیالیسم» را نادرست ارزیابی می کند. این سیاست که پس از پذیرش اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونیستی ۵۷، ۶۰، ۶۹ و بر پایه این اسناد اتخاذ شده بود بر واقعیت انطباق نداشت. ناباوری نسبت به وجود برتری طلبی در حزب کمونیست اتحاد شوروی، صحنه گذاشتن بی قید و شرط بر سیاست ها و عملکرد های آنها، تبلیغات غیر واقعی به سود این کشورها و معرفی جامعه ی شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مثابه تنها مدل سوسیالیسم و جامعه آرمانی، به اعتبار سازمان به مثابه نیرویی که از منافع ملی مردم ایران پیگیرانه دفاع می کند لطمات جدی وارد ساخت.

۴- کنگره ساختار تشکیلاتی سازمان را که بر پایه تمرکز قدرت در دستگاه رهبری بی حقوق کامل اعضاء و نیز پرورش روحیه فرمانبری استوار بود مانع شکوفایی اندیشه ها و بهره گیری از خرد جمعی می گشت، ساختار غیر دموکراتیک می داند. دستگاه رهبری با نقض مکرر حقوق اعضا تا حد نادیده گرفتن اساسنامه مصوبه خویش، موجب تخریب روابط درون سازمان، تشدید منازعات و گسترش بحران، شکل گیری دسته بندی و تخریب روابط سالم در بین فعالان سازمان در تمامی سطوح تشکیلات گردید. کنگره بدین وسیله از رفقایی که به دلیل اقدامات غیر مسئولانه رهبران و یا مسولان، سازمان را ترک کرده اند، دعوت می کند که به سازمان خود باز گردند.

۵- کنگره رژیم جمهوری اسلامی را عامل ضربات فاجعه بار سال ۶۵ که موجب دستگیری و شهادت صدها تن از فدائیان گشت، اعلام می دارد. کنگره در عین حال ارزیابی نادرست از اوضاع سیاسی کشور عوارض چپ روانه سیاسی - سازمانی پس از سال ۶۲ را که به سازمان دهی نا

درست و تعرض تبلیغاتی - تشکیلاتی انجامید، از عوامل موثر در وقوع این فاجعه می شناسد. کنگره در عین حال خاطر نشان می سازد که برای مهار ضرباتی که در شرف وارد آمدن بر پیکر سازمان در داخل کشور بود امکانات عملی معینی وجود داشت ولی به علت نارسایی های حاصل از دسته بندی های درون کمیته مرکزی، ارگانهای ذیربط از پرداختن به این مهم غفلت ورزیدند و نتوانستند ابعاد فاجعه را در سال ۶۵ و بعد از آن، تا حد ممکن تقلیل دهند.

۶- فدائیان خلق راه بسیار سختی را با تمام مسائل و بغرنجی های یاد شده طی کرده اند. راهی که دشواری های آن در اساس بر عهده ی فدائیان خلق در داخل کشور بوده است. کنگره از تمامی رفقا که در سخت ترین شرایط پرچم مبارزه علیه جمهوری اسلامی را برافراشته داشتند، قدردانی می نماید و نقش والای آنان در بالا بردن اعتبار جنبش فدایی را می ستاید. کنگره از تمام تلاش هایی که تاکنون در جهت تداوم پیکار فدائیان در راه سعادت و بهروزی مردم ایران و در جهت طرد انحرافات گذشته و برون رفت از بحران صورت گرفته، قاطعانه دفاع می کند.

۷- کنگره کمیسیونی را جهت بررسی دقیق تر عملکرد کمیته مرکزی شعب و یکایک اعضای آن انتخاب می کند. شورای مرکزی منتخب کنگره، موظف است کلیه اسناد موجود را در اختیار این کمیسیون قرار دهد. گزارش این کمیسیون به کنگره دوم ارائه خواهد شد.

۸- کنگره از رفقای هئیت سیاسی و کمیته مرکزی که فروتنانه جای خود را به شورای مرکزی منتخب سپردند، صمیمانه سپاس گزاری می کند.

www.iran-archive.com

کنگره ی دوم

www.iran-archive.com

اسناد کنگره دوم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

مرداد- شهریور ۱۳۷۰

- * اطلاعیه دبیر خانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- * پیرامون دومین کنگره سازمان
- * گزارش کنگره ی دوم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- * دیدگاهها و آماج های سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- * خط مشی سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- * طرح ساختار دستگاه رهبری
- * پیام دومین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به مردم ایران
- * پیام دومین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به اعضاء و هواداران سازمان.

اطلاعیه دبیر خانه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیرامون برگزاری دومین کنگره سازمان

در روزهای ۲۷ مرداد الی ۳ شهریور (۱۸-۲۵ اوت) دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» با حضور جمع قابل توجهی از نمایندگان منتخب و تعدادی مدعو برگزار شد. دومین کنگره سازمان، بررسی عملکرد شورای مرکزی منتخب کنگره اول، بررسی و تعیین خط مشی سیاسی سازمان، آماج‌ها و اهداف آن، موازین تشکیلاتی و نیز بحث پیرامون سیاست تشکیلاتی در داخل کشور را در دستور کار خود داشت. کنگره در راستای تعیین فعالیت های سازمان در عرصه های فوق کار خود را با موفقیت به انجام رساند. شرکت کنندگان در کنگره گزارش فعالیت شورای مرکزی و گروه های کار در فاصله بین دو کنگره را مورد بررسی قرار داده و در مورد آن اظهار نظر کردند. بحث ها در کنگره دوم عمدتاً پیرامون تعیین خط مشی سیاسی متمرکز بود. کنگره سندی را به عنوان راستا های اساسی و مبنای تعیین سیاست سازمان تا کنگره بعدی تعیین نمود. کنگره هم چنین در زمینه آماج ها و اهداف سازمان سندی را به عنوان مبنای عملکرد سازمان و رهبری آن مورد تایید قرار داد. در زمینه ی کار پایه تشکیلاتی، کنگره مقرر داشت که سندی تشکیلاتی مصوب شورای مرکزی منتخب کنگره اول، همراه با اصلاحات مصوب کنگره ی دوم مبنای تنظیم روابط تشکیلاتی قرار گیرد. کنگره در آخرین روز کار خود، اعضای شورای مرکزی سازمان را برگزید. مشروح گزارش کار کنگره و اسناد آن، در ارگان مرکزی سازمان انتشار خواهد یافت.

دبیر خانه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

۵ شهریور ۱۳۷۰

گزارش

کنگره ی دوم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» از یکشنبه ۲۷ مرداد (۱۸ اوت) تا یکشنبه ۳ شهریور (۲۵ اوت) برگزار شد. با گشایش کنگره دوم تصمیم کنگره نخست سازمان دایر بر برگزاری دومین کنگره ی حداکثر تا یک سال پس از آن تحقق می یافت.

کنگره با اعلام یک دقیقه سکوت به گرمی داشت یاد فدائیان شهید و شهدای راه آزادی و عدالت، توسط مسئول هماهنگی شورای مرکزی افتتاح شد. سپس ۵ تن از سالمند ترین نمایندگان به عنوان هیئت رئیسه سنی اجلاس معرفی شده و اداره اجلاس را تا انتخاب هیئت رئیسه کنگره به عهده گرفتند.

از این پس، برابر طرح آئین نامه اجلاس های کنگره ابتدا مسئول ستاد برگزاری کنگره گزارش انتخابات واحد ها و وضع اعتبارنامه نمایندگان را به سمع حاضران رساند. گزارش حاوی نام و تعداد نمایندگان منتخب هر واحد و سایر کسانی که طبق مصوبه کنگره نخست حق شرکت در کنگره را داشتند، شرح اعتراض صورت گرفته به انتخابات یک واحد و تعداد و نام نمایندگان حاضر در اجلاس بود.

با ختم گزارش مذکور و نظر به تامین حد نصاب لازم از اعتبار نامه های تصویب شده برای رسمیت یافتن کنگره هیئت رئیسه سنی، رسمیت جلسه را اعلام کرد. سپس کنگره وارد انتخابات هیئت رئیسه شد و ۵ تن از صاحبان بیشترین آرا از میان داوطلبان عضویت در هیئت

رئیس برگزیده شدند. به این ترتیب کار هیئت رئیسه سنی پایان یافت و هیئت رئیسه منتخب، کار اداره ی اجلاس و پیشبرد دستور را به عهده گرفت.

مقدمات دستور:

پیش از ورود به دستور کار، اجلا ی می بایست به بعضی امور مقدماتی رسیدگی می کرد. این مقدمات شامل رسیدگی به مساله حق رای مدعوی پذیرش یا عدم پذیرش رای وکالتی، تصویب دستور کار و انتخاب کمیسیون های ضرور می شد.

حق رای مدعوین:

شورای مرکزی وقت، عده ای از اعضای سازمان را به کنگره دعوت کرده و تصمیم گیری در مورد حق رای آنان را به کنگره سپرده بود هیئت رئیسه کنگره ابتدا همین مساله را به بحث و تصمیم گیری گذاشت. مسئول فرهنگی شورا در این باره گزارش داد:

نظر به کیفیت جغرافیایی توزیع نیروهای سازمان به نحوی که حصول نمایندگی جامع سازمان صرفا از طریق انتخابات ممکن نمی شد شورا تصمیم گرفته بود عده ای از اعضا را با در نظر داشت تاثیر حضور شان در کنگره و زحماتشان به کنگره دعوت کند. پیشتر در طرح آیین نامه اجلاس های منطقه ای نمایندگان کنگره حق پیشنهاد ها دعوت از افراد به این اجلاس ها سپرده شده بود و شورا می بایست به این پیشنهاد ها رسیدگی کند، اما عدم برگزاری این اجلاس ها منجر به اقدام مستقیم شورا شده بود.

شورا در میان لیست نمایندگان کنگره اول تعدادی پیشنهاد تشکیلات و یک لیست مکمل، عده ای معادل ۲۰ درصد نمایندگان کنگره دوم را از طریق رای مخفی انتخاب کرده بود. سپس در جریان ابلاغ دعوت ها، بر اثر پیشنهاد های جدید و اعتراضات، تعدادی مدعوین به ۳۰ درصد رقم مذکور افزایش یافته بود. پس از گزارش مسئول هماهنگی و پاسخگویی به سوالات نمایندگان، اجلاس به اظهار نظر پیرامون این اقدام شورا پرداخت. قریب به اتفاق سخنرانان اصل اقدام شورا را که هدف گسترش دادن کم و کیف کنگره را تعقیب می کرده است تأیید کردند اما به روش متخذه انتقاد داشتند.

عده ای از آنان این روش را نوعی ارزش گذاری ناروا بر اعضا سازمان می دانستند و عده ای دیگر بر لزوم دعوت از شمار وسیع تر، از جمله تمامی اعضای کمیته پیشین و اعضای گروه های کار تأکید داشتند. بدنبال اظهار نظر نمایندگان و توضیح بعضی از اعضای شورا، چند

قرار ارائه و پس از بحث موافق و مخالف به رای گذاشته شدند. قرار زیر با اکثریت ۷۱ درصد از تصویب کنگره گذشت:

«کنگره با حق رای قطعی رفقای که، با پیشنهاد رای از سوی شورای مرکزی به اجلاس دعوت شده اند، موافق است»

نقاط مشترک سایر قرارهای پیشنهادی، توافق با حق رای مدعوین و لزوم پیش بینی روش های متناسب برای دوره های آتی بود. به این ترتیب مدعوین نیز از این پس با حق رای در جریان مباحث و تصمیم گیری های کنگره شرکت جستند. درصد گروه های مختلف نمایندگان حاضر در اجلاس با احتساب مدعوین، به شرح زیر بود: نمایندگان منتخب تشکیلات ۶۹ درصد، اعضای شورا ۷ درصد افراد واجد شرایطی که در یک ساله اخیر از ایران خارج شده بودند ۳ درصد، کسانی که در ماموریت های حزبی بودند ۳ درصد، مدعوین ۱۸ درصد.

رای وکالتی:

عدم حضور تعدادی از نمایندگان در اجلاس، به دلایل غیر قابل پرهیز، کنگره را با مساله پذیرش یا عدم پذیرش اعتبار وکالتی مواجه کرد. در مراحل تدارک کنگره ی شورای مرکزی تفویض حق رای نماینده دیگر را نپذیرفته بود. از این رو در اجلاس کسی با رای وکالتی حضور نداشت. پیرامون این مساله نیز چند قرار، پاره ای موافق اعتبار حق رای وکالتی و پاره ای مخالف، به اجلاس پیشنهاد شدند. پس از سخنان موافق و مخالف، قرار ها به رای گذاشته شدند و قرار زیر با ۵۲ درصد آرا تصویب شد:

« اکنون که در کنگره هستیم وامکان گرفتن رای وکالتی بسیار محدود است و در صورت اجرا نیز تاثیر چندانی در روند کنگره نخواهد داشت، رای وکالتی حذف می شود».

سایر قرار ها که به نحوی از انحا سمت پذیرش حق رای وکالتی را داشتند، ضوابط مختلفی را در این باره پیشنهاد می کردند.

تصویب طرح آیین نامه اجلاس های کنگره:

این طرح که بر مبنای طرح آیین نامه ی ارائه شده به کنگره نخست، پیشنهاد های مطروحه حول آن و تجربیات دیگری تدوین شده بود پیشتر در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود و در نشریه «کار» شماره ی ۱۱ نیز درج شده بود. در اجلاس، ابتدا کلیات طرح به رای گذاشته شد

که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان به آن رای مثبت دادند. به منظور تسریع در کار، اجلاس تأیید کرد که پیشنهادها حول جزئیات طرح، توسط کمیسیونی جمع آوری شده و بعداً مورد رسیدگی قرار گیرد. پس، اجلاس با اتکا به کلیات آیین نامه به کار خود ادامه داد. در زمان دیگری که تصویب آیین نامه در دستور قرار گرفت. سخنگوی کمیسیون مربوطه گزارش داد و پیشنهادهای پذیرفته و

رد شده را قرائت کرد، پس از آن آیین نامه به رای گذاشته شد که به اتفاق آرا به تصویب رسید.

پس از تصویب کلیات آیین نامه کنگره به تعیین و تصویب دستور کار خود پرداخت. شورای مرکزی دستور کاری را برای اجلاس های کنگره به قرار زیر پیشنهاد کرده بود:

- ۱- مقدمات طرح کنگره ی مطابق طرح آیین نامه ی کنگره.
- ۲- بررسی و اظهار نظر پیرامون گزارش شورا و گروه های کار.
- ۳- پیرامون هویت .
- ۴- برنامه ی خط مشی سیاسی.
- ۵- کار پایه تشکیلاتی.
- ۶- صدور قطعنامه ها.
- ۷- دستگاه رهبری و اختتامیه.

علاوه بر این ، پیشنهاد های دیگری نیز، عموماً در همین چهار چوب، از جانب نمایندگان در اجلاس مطرح شدند. بعضی از آنها مجموعه فوق الذکر را با این یا آن پیشنهاد تکمیل می کردند و بعضی دیگر نظر به تغییر و یا حذف موضوعی از صورت موضوعات آن داشتند

بر سر «بررسی و اظهار نظر پیرامون گزارش شورا و گروه های کار»، «خط و مشی سیاسی»، «صدور قطعنامه ها» و «انتخاب دستگاه رهبر» به عنوان موضوعات در دستور کار کنگره اتفاق نظر وجود داشت. اما پیرامون دیگر موارد فوق الذکر به شرح مختصری که در زیر می آید، تفاوت نظراتی وجود داشتند.

پیرامون هویت

در این باره سه گرایش وجود داشت. گرایش نخست بر آن بود که کنگره و به طور کلی هیچ ارگان سازمانی نمی باید در باره هویت اظهار نظر کند. گرایش دوم بیان فشرده آماج ها و

آرمان های بلند مدت سازمان را در مقدمه سند خط و مشی سیاسی کافی می دانست و گرایش سوم تاکید میکرد که: اینکه ما که هستیم و چه می خواهیم باید در سندی مستقل منعکس شود. این گرایش ها در دو پیشنهاد متفاوت متجلی شدند :

ایجاد یک کمیسیون برای هویت و خط مشی سیاسی، و ایجاد دو کمیسیون مجزا هر یک برای یکی از این دو موضوع. دو پیشنهاد به رای گذاشته شدند هیچ یک واجد رای اکثریت مطلق آرا نبودند. در آیین نامه آمده است که همه ی مصوبات با رای اکثریت مطلق حاضران در اجلاس به تصویب می رسند، مگر در مواردی که به جریان کار کنگره یا مواردی مانند اساسنامه و برنامه مربوط است.... مواردی که به جریان کار کنگره مربوط است با اکثریت نسبی آراء مصوبه محسوب می شوند. آیا ایجاد یک یا دو کمیسیون، موردی صرفا مربوط به جریان کار کنگره است یا چهار چوبی مضمونا، فراتر از آن دارد؟ کنگره بر نظر اول قرار گرفت و موضوع «یک یا دو کمیسیون» در دور دیگری از کار اجلاس مجددا به رای گذاشته شد.

پیشنهاد دو کمیسیون ۴۱ درصد و پیشنهاد یک کمیسیون ۳۹ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. به این ترتیب «هویت» نیز به عنوان یک موضوع مستقل در دستور کار کنگره قرار گرفت.

پیرامون برنامه:

عده ای از نمایندگان پیشنهاد حذف «برنامه اجتماعی- اقتصادی» را از دستور کار مطرح کردند. پیرامون این پیشنهاد رای گیری شد و پیشنهاد با ۶۴ درصد موافق و ۱۲ درصد مخالف به تصویب رسید.

کارپایه تشکیلاتی:

در این باره نیز دو نقطه نظر وجود داشت. عده ای تدوین و تصویب یک کار پایه تشکیلاتی را به نحوی که مناسبات درون سازمانی را حتی الامکان جامع تر بیان کند، ضروری می دانستند و عده ای دیگر پیشنهاد می کردند که به جای کار پایه تشکیلاتی وظایف و وظائف و مناسبات نیروها و تشکیلات سازمان در خارج از کشور و چند تر کلی تشکیلاتی تدوین شود. از آنجا که این دو نقطه نظر، هر دو بر سر تدوین موازین تشکیلاتی توافق داشتند؛ این پیشنهاد که: «تدوین موازین تشکیلاتی در دستور کار کنگره قرار گیرد و صاحبان نظر پیشنهاد هایشان را با کمیسویی که به این منظور ایجاد می شود، در میان بگذارند. آن گاه کمیسیون جمع بندی کارش را به کنگره ارائه دهد» به اتفاق آراء تصویب شد.

دستور کار به موارد فوق محدود نماند. در تکمیل موضوعات فوق پیشنهاد شد که « عرصه ها و اشکال فعالیت در داخل کشور» نیز در دستور قرار گیرد. کمیسیونی نیز در این رابطه تشکیل شود. پیشنهاد به رای گذاشته شد و با اکثریت ۶۹ درصد به تصویب رسید. آراء مخالف ۳ درصد بود به این ترتیب دستور کار کنگره سوای مقدمات، به فرا زیر تعیین شد:

- ۱- بررسی گزارش عملکرد شورا و گروه های کار
- ۲- پیرامون هویت
- ۳- خط مشی سیاسی.
- ۴- موازین تشکیلاتی.
- ۵- عرصه ها و اشکال فعالیت در داخل کشور.
- ۶- دستگاه رهبری
- ۷- قطعنامه ها.

و جز برای موضوع اول، برای هریک از موضوعات دیگر کمیسیونی تشکیل شد. برابر تعریف آیین نامه ی « کمیسیون کنگره گروهی از اعضای داوطلب برای انجام وظایفی است که کنگره در دستور کار آن قرار داده است». از این رو ترکیب کمیسیونها مه از طریق انتخابات بلکه با شرکت افراد داوطلب کار در آنها تعیین شد. ضمنا پیشنهادهای دیگری نیز برای تکمیل دستور کار مطرح شدند که یا توسط اجلاس پذیرفته نشدند و یا به یکی از کمیسیون های فوق الذکر احاله شدند. اهم این پیشنهادها عبارت بودند از: «بررسی عملکرد رهبری سابق». در رای گیری ۱۱ درصد نمایندگان به این پیشنهاد رای مثبت دادند. « بررسی مسائل تشکیلات داخل کشور بین سالهای ۶۲ تا ۷۰ و « بررسی مسائل مالی سازمان بین سالهای ۶۲ تا ۷۰ » دو پیشنهاد اخیر توسط هیئت رئیسه به عنوان جزئی از « بررسی عملکرد رهبری گذشته» تشخیص داده شد و رد شد. «بررسی جوانب مسائل ملی در ایران»، پیرامون وظایف عملی رهبری در زمینه احیای وحدت صفوف فدائیان خلق و همگرایی نیروهای چپ»، «پیرامون وظائف عملی فعالیت های انتشاراتی» سه پیشنهاد اخیر به کمیسیون قطعنامه ها احاله شدند.

در نیمه روز دوم ، مقدمات کنگره به انجام رسید بودند و کنگره وارد دستور کار خود می شد. از این پس به استثنای موضوع نخست سایر موضوعات در نوبت های متعدد در اجلاس کنگره به بحث گذاشته شدند. در هر نوبت با بررسی هر موضوع و اخذ تصمیماتی در باره آن

موضوع برای انجام کار بعدی کمیسیون روی آن آماده می شد، تا سرانجام به قضاوت نهایی کنگره گذاشته شود. در زیر شرح یکپارچه این بررسی ها و تصمیمات پیرامون هر موضوع بدون ترتیب زمانی آن آمده است:

بررسی عملکرد شورا و گروه های کار:

ابتدا بررسی عملکرد شورا در دستور قرار گرفت. گزارش تفصیلی فعالیت شورای مرکزی در دوره یک ساله آن در نخستین روز کنگره در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود. مجموع تصمیمات شورا که در آن آراء اعضای شورا در باره هر موضوع منعکس شده بود، نیز به کنگره ارائه شد. در گزارش مذکور تجربه یک ساله کار شورا چنین چکیده شده است:

«شورا محصول دو روند اساسی در وضعیت پیش از کنگره نخست بود: جناح بندی و عدم اعتماد به رهبری پیشین، این دو روند تغییر رهبری را اجتناب ناپذیر کرده بودند. به این اعتبار آلترناتیو دیگری در مقابل کنگره وجود نداشت. و انتخاب احتمالی رهبری با ترکیبی که رهبران پیشین سازمان در آن تسلط می داشتند، می توانست به نتایج فوق العاده شکننده ای منجر شود در عین حال ترکیب انتخاب شده آلترناتیو اثباتی و نظری رهبری پیشین نبود.

کنگره با امید به شکل گیری اندیشه ها و بر این بنیان رهبری هدایت فقط یک سال سازمان را به آن سپرد و صراحتاً فقط یک وظیفه را از آن خواست:

«کنگره دوم». «شورای مرکزی نه فقط به عنوان یک آلترناتیو ناگزیر رهبری پیشین، که در چهار چوب عمومی ترین ممکنات نیز تجربه ای مثبت را بجا گذاشت که فشرده آن توانایی سازمان برای غلبه بر بحران رهبری، بدون توسل به انقلابی گری از سویی و غلتیدن به محافظه کاری از سوی دیگر است.

کمبود تجربه توان و جسارت برای پا گذاشتن به میدان بیرونی فعالیت سیاسی، ضعف های اساسی شورا بودند. این ضعف ها عمل سیاسی شورا را محدود کرده و شورا را به تحرک در عرصه های درونی می کشاندند. وزن نیروی پشتیبان شورا که آن را آلترناتیو اثباتی- بالفعل و یا بالقوه- رهبری پیشین می دانست و فعالانه از آن حمایت می کرد، در قیاس با دو نیروی دیگر که یکی شورا و کل دوره یک ساله را محمل حل بحران عدم اعتماد به رهبری پیشین می دانست و دیگری ناظر بی اعتنای کار بود، اندک بود. این کیفیت، ضعف ضعف پیش گفته در شورا را تکمیل می کرد.»

«ماحصل این عوامل، یعنی مجموعه عوامل حاکم بر جنبش، پروسه شکل گیری شورا محدودیت حمایت تشکیلات مجموعه توانایی های شورا و ترکیب آن علیرغم آگاهی و تاکید شورا بر لزوم هدایت سیاسی سازمان، ایفای این نقش را در خطوط استراتژیک میسر نکرد».

کنگره کار خود را در زمینه ی بررسی عملکرد شورا با پرسش از اعضای شورا پیرامون جهات مختلف فعالیت آن، حول گزارش ارائه شده آغاز کرد. اعضای شورا هریک به تناسب، به سوالات مطروحه پاسخ گفتند. سپس نمایندگان به اظهار نظر در باره ی عملکرد یک ساله شورا پرداختند. قریب به اتفاق نمایندگان عملکرد شورا را مثبت ارزیابی کردند. قبول مسئولیت در شرایط بسیار دشوار سازمان، برگزاری کنگره تدارک یافته دوم در زمان تعهد شده، توفیق های شورا در مناسبات با سایر سازمان های سیاسی، به عنوان بعضی نقاط قوت کار شورا مورد تاکید سخن رانان قرار گرفتند. در عین حال نمایندگان ضعف ها و خطاهای شورا را از نظر دور نداشتند. تمرکز فعالیت درونی و نتیجتاً محدودیت دامنه و تحرک در فعالیت بیرونی شورا، محدودیت مناسبات شورا با تشکیلات، عدم توجه به کار در داخل، عدم نظارت کافی بر کار بعضی گروه های کار، پیشبرد مشی سیاسی که واجد بعضی جهات چپ روانه بود و برخورد منفعلانه به هنگام تعطیل رادیو زحمتکشان، اهم انتقاداتی بودند که این یا آن نماینده بر این یا آن مورد از آنها تاکید داشت نمایندگانی نیز، از تشکیلات به دلیل عدم حمایت کافی آن از شورا انتقاد کردند. در پایان این قسمت، بعضی از اعضای شورا بار دیگر توضیحاتی را در باره ی آنچه که در سخنان سخنرانان مطرح شده بود، عرضه کردند.

سپس نوبت به بررسی عملکرد گروه های کار رسید. گزارش های گروه های کار شامل: تدارک اسناد کنگره تشکیلات خارج، خلق ها، رادیو، روابط عمومی مالی و نشریه در خلال روزهای اول و دوم کنگره در اختیار نمایندگان قرار گرفته بودند. در این مورد کنگره به طرح سوالات نمایندگان، پاسخگویی مسئول هر گروه و اظهار نظر کوتاه نمایندگان اکتفا کرد. موضوع مالی، که گروه کار آن، گزارش مفصلی به کنگره ارائه کرده بود و در آن نه فقط فعالیت مالی دوره ی یک ساله اخیر بلکه وضعیت مالی از سال ۸۴ به بعد نیز بررسی شده و تراز آن استخراج شده بود، جدا از سایر موضوعات مورد رسیدگی کنگره قرا گرفت.

علاوه بر موارد یاد شده شورا گزارش تفصیلی اوضاع سیاسی را نیز به کنگره ارائه کرد و بر آن پایه قرار هایی را پیشنهاد کرده بود. کنگره تصویب کرد که گزارش با امضای شورای مرکزی انتشار یابد و قرار ها به کمیسیون قطعنامه ها ارائه شوند.

به هنگام بررسی عملکرد شورا بود که خبر وقوع کودتا در شوروی و دستگیری گارباجف به کنگره رسید. این توافق در کنگره وجود داشت که پیرامون این وقایع باید اظهار نظر شود. چند تن از نمایندگان موضع گیری در این باره را زود هنگام می دانستند.

کنگره تصویب کرد که اطلاعیه ای در این باره صادر شود. شورای مرکزی انجام این کار را بر عهده گرفت. اطلاعیه تهیه و سپس به تعدادی از رسانه های گروهی مخابره شد. عصر روز سوم کار بررسی عملکرد شورا و گروه های کار خاتمه یافت. از این پس کار کمیسیون های مختلف که در شب دومین روز کنگره تشکیل شده بود و مخبر و تعدادی را به عنوان تحریریه کمیسیون از میان خود برگزیده بودند، موضوع به موضوع دنبال می شود.

هویت، دیدگاه ها و آماج ها

سند مصوب کمیسیون همراه با پیشنهادهای پذیرفته نشده، در چهارمین روز کنگره به کنگره ارائه شد. این سند بر مبنای سند دیگری که پیشتر توسط گروه کار تدارک اسناد کنگره تهیه و در کار شماره ی ۵ (دوره ی سوم) چاپ شده بود، فراهم آمده بود. از جمله پیشنهادهای پذیرفته نشده، سند رفیق جواهری بود که در کار شماره ی ۸۲ (دوره ی دوم) چاپ شده است. پس از سخنان موافق و مخالف مبنای قرار گرفتن سند کمیسیون، روی سند رای گیری شد؛ ۵۸ درصد نمایندگان به سند رای موافق دادند، ۳ درصد مخالف و ۱۵ درصد ممتنع. ۲۴ درصد نمایندگان در رای گیری شرکت نکردند سند رفیق جواهری نیز به درخواست یکی از نمایندگان به رای گیری گذاشته شد؛ نتیجه آرا به قرار زیر بود:

۶ درصد موافق ، ۳۶ در صد مخالف ، ۲۴ در صد ممتنع. سایرین در رای گیری شرکت نکردند.

به این ترتیب سند کمیسیون به عنوان مبنای کار پذیرفته شد و کمیسیون کار بعدی خود را روی آن متمرکز کرد و سند نهایی را همراه پیشنهادهایی که متوجه حذف تغییر و یا تکمیل اجزایی از سند مبنای بوده و توسط کمیسیون پذیرفته نشده بودند، به کنگره آورد موافقان و مخالفان هر پیشنهاد صحبت کردند و پیشنهادهایی از جمله پیشنهاد حذف واژه هویت از عنوان

سند، مورد پذیرش اجلاس قرار گرفتند. سرانجام سند مورد رای گیری قرار گرفت. نتیجه چنین بود: ۵۲ درصد موافق، ۵ درصد مخالف، ۳۴ درصد ممتنع، و نه درصد در رای گیری شرکت نکردند. (سند شماره ی یک - دیدگاهها و آماج های سازمان)

برابر آیین نامه، برای اینکه یک سند مصوب کنگره محسوب شود، می بایست اکثریت ۶۰ درصد موافق را می داشت. بعضی از نمایندگانی که به سند رای ممتنع داده بودند، اظهار تمایل به تغییر رای خود کردند. این تغییر رای پذیرفته نشد. عده ای از نمایندگان پیشنهاد اخذ(رای تمایل) روی سند کردند. رای تمایل مفهومی تعریف نشده در آیین نامه بود. از این رو پیشنهاد رای گیری مجدد مطرح و توسط اجلاس پذیرفته شد. نتیجه رای گیری مجدد به قرار زیر بود: ۵۸ درصد موافق، ۳ درصد مخالف، ۳۱ درصد ممتنع. بقیه در رای گیری شرکت نکردند.

خط مشی سیاسی:

موضوع تدوین و تصویب خط و مشی سازمان، به جهات مختلف برجسته ترین موضوع در دستور کار کنگره بود: بیشترین وقت کنگره (۲ روز) به این موضوع اختصاص یافت. بیشترین تعداد اسناد حول این موضوع ارائه شده بود (۶ سند) کمیسیون آن بیشترین تعداد اعضا را داشت (۳۴ نفر) و بیشترین تعداد سخنران حول این موضوع سخن رانی کردند. اسناد ارائه شده به کنگره در این رابطه عبارت بودند از: سند مصوب شورای مرکزی مندرج در نشریه اکثریت شماره ی ۳۳۵، سند ارائه شده توسط رفیق جواهری (کار شماره ی ۸۲)، سند رفیق خسرو شاهی (کتاب کنگره) سند رفیق خلیق (کار شماره ی ۱۵) سند ارائه شده توسط رفیق علی. ع کارون) که بر اساس نامه تعدادی رفقای داخل (مندرج در کار شماره ۱۶)ظ) تدوین شده بود و سند رفیق نگهدار(کتاب کنگره)پیشتر سندی نیز توسط رفیق فرج الله ممبینی به کنگره ارائه شده بود،

اما رفیق ممبینی خود خواهان رسیدگی به سند توسط کمیسیون و کنگره نشد. کمیسیون خط و مشی سیاسی کار خود را با بررسی اسناد فوق آغاز کرد و در نخستین گزارش خود به کنگره دو پیشنهاد زیر را مطرح کرد تا کنگره یکی را برگزیند:

۱- با قبول این که اساساً دو خط مشی متفاوت وجود دارد، یکی از اسناد مبنای کار کمیسیون قرار گیرد و کمیسیون این سند و سند مربوط به دیدگاه دیگر را همراه با جمیع ملحقات و پیشنهاد های مربوط به هر یک از آنها به کنگره ارائه کند.

۲- رئوس و محورهای اساسی خط مشی تعیین گردد و پیشنهاد های وارده مربوط به هر یک از رئوس بررسی و به کنگره ارائه شود. در کنگره بحث روی رئوس فوق متمرکز گردد. در این صورت یا: الف- کنگره یک سند را مبنا قرار دهد و با ملاحظه پیشنهادهای رسیده روی آن کار کند. و یا: ب- کنگره بر روی محورها و رئوس اساسی کار کند، بدون آنکه سندی را مبنا قرار دهد. تدوین سند پس از روشن شدن گرایش غالب کنگره در مورد محورهای اساسی صورت گیرد.

محورهای اساسی مورد نظر کمیسیون نیز عبارت بودند از: موضع ما نسبت به حکومت، هدف اصلی خط مشی ما شیوه های مبارزه، مناسبات با نیروهای سیاسی کشور، شعارها و مطالبات.

هئیت رئیسه، دوپیشنهاد کمیسیون را به بحث گذاشت. اجلاس با اکثریت نسبی ۴۴ درصد به پیشنهاد دوم رای داد. موافقان پیشنهاد یک ۳۴ درصد نمایندگان را تشکیل می دادند. پس از آن اجلاس به اظهار نظر پیرامون محورهای یاد شده پرداخت. به صاحبان اسناد وقت بیشتری داده شد تا هر کدام سند خود را توضیح داده و فورمول های مندرج در آن را پیرامون این محورها و محورهای احتمالی دیگر تشریح نمایند و سپس تعداد کثیری از نمایندگان اظهار نظر کردند. به دنبال یکی دو اظهار نظر پیرامون محورهای اساسی خط مشی، موافقان و مخالفان یکی از دو شق پیشنهاد دوم صحبت کردند. موافقان شق اول پیشنهاد ۴۲ درصد و موافقان شق دوم ۳۹ درصد آرا را داشتند.

به این ترتیب شق اول پیشنهاد، یعنی انتخاب سند مبنا از میان اسناد ارائه شده، تصویب شد. برای انتخاب سند، مجدداً صاحبان اسناد از سند خود دفاع کردند. سپس موضوع انتخاب سند مبنا به رای کنگره گذاشته شد. به دلیل عدم حضور رفیق خسرو شاهی در کنگره و عدم دفاع کسی از اسناد او از مجموعه اسناد مورد بررسی حذف شد. سند دیگری توسط رفیق کیومرث به کمیسیون ارائه شده بود که به مجموعه افزوده شد. نتایج آرا به قرار زیر بود:

سند شورا ۴۷ در صد موافق، ۳۴ درصد مخالف، ۱۰ درصد ممتنع باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند جواهری: ۳۲ درصد موافق، ۳۷ درصد مخالف، ۱۵ درصد ممتنع باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند خلیق: ۳۲ درصد موافق، ۱۱ در صد مخالف، ۳۲ در صد ممتنع باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند علی.ع: ۹ درصد موافق ۵۵ در صد مخالف ۱۲ درصد ممتنع باقی در رای گیری شرکت نکردند.

سند کیومرث: ۱۹ درصد موافق ۴۲ درصد مخالف ۹ درصد ممتنع سایرین در رای گیری شرکت نکردند.

سند نگهدار: ۳۴ در صد موافق ۴۲ درصد مخالف ۹ درصد ممتنع بقیه در رای گیری شرکت نکردند.

هیچ یک از اسناد رای اکثریت مطلق را نیاورده بود و نمی توانست به عنوان سند مبنای کار کمیسیون معرفی شود. در این هنگام مسئول هماهنگی شورای مرکزی اعلام کرد که شورا نظر به نزدیکی بین سند شورا و سند رفیق خلیق و به منظور گشودن راه کنگره سند خود را پس می گیرد و پیشنهاد تجدید رای را دارد. دو پیشنهاد دیگر نیز مطرح شد:

هر نظر کمیسیون هم نظران خود را تشکیل دهد تا روی سند کار تکمیلی کنند و نتیجه را به کنگره ارائه دهند. دیگر پیشنهاد این که سند دارای اکثریت نسبی مبنای کار کمیسیون قرار گیرد. تا خط مشی سیاسی در نوبت دیگری در دستور قرار گیرد،

رفقا جواهری و نگهدار بر پایه دو سند ذکر شده قبلی سند واحدی را تنظیم کردند و رفیق کیومرث نیز سند خود را پس گرفت. نظر به تمایل تعدادی از نمایندگان به حفظ سند شورا در مجموعه اسناد و تغییرات فوق الذکر، اقدام به رای گیری مجدد روی همه اسناد شد. نتایج در زیر آمده اند:

سند شورا: ۴۸ درصد موافق، ۳۹ درصد مخالف، ۹ درصد ممتنع.
سند ارائه شده ی توسط رفقا جواهری و نگهدار: ۳۹ در صد موافق، ۴۱ در صد مخالف، ۸ در صد ممتنع.

سند خلیق: ۵۰ درصد موافق، ۲۷ درصد مخالف، ۱۰ درصد ممتنع.

هنوز سند مبنا تنظیم نشده بود. مسئول هماهنگی شورای مرکزی پیشنهاد شورا دایر بر رای گیری مجدد روی سند رفیق خلیق را تکرار کرد و از نمایندگانی که به سند شورا رای داده بودند، خواست که به سند مذکور نیز رای دهند.

اجلاس با ۷۱ درصد آرا به پیشنهاد مذکور رای داد و در رای گیری مجدد سند مذکور ۵۹ درصد آرا را بدست آورد و به عنوان سند مبنا انتخاب شد.

با تعیین سند مبنا، داوطلبان کار روی این سند کمیسیون جدیدی تشکیل دادند و در نوبت دیگری سند تصحیح شده را همراه پیشنهاد های پذیرفته نشده برای اظهار نظر به کنگره آوردند. پس از اظهار نظر و تدقیق سند، سند تصحیح شده به رای گذاشته شد. ۵۶ درصد موافق، ۲۷ درصد مخالف و ۱۴ درصد ممتنع رای دادند ۳ درصد نمایندگان نیز در رای گیری شرکت نکردند. (سند شماره ۲- رئیس خط مشی سیاسی)

این سند نیز رای توافق اکثریت مطلق نمایندگان را داشت ولی مصوبه کنگره محسوب نمی شد. هیئت رئیسه ماده واحده ای را به کنگره پیشنهاد کرد متن ماده واحده چنین بود:

(کنگره مقرر میدارد که دوسند: «آماج ها و دیدگاه ها» و «رئوس خط مشی سیاسی» که به ترتیب ۵۸ درصد و ۵۶ درصد آرای کنگره را حائز گردیده اند، راهنمای عمل و سیاست گذاری شورای مرکزی منتخب قرار گیرند)

این پیشنهاد بدون مخالف با ۸۹ درصد موافق و ۳ درصد ممتنع در میان کف زندهای نمایندگان به تصویب کنگره رسید.

موازین تشکیلاتی:

پیشتر گفته شد که زیر عنوان موازین تشکیلاتی، دو نظر وجود داشت :

موافقان یک کارپایه تشکیلاتی که حتی الامکان جامعیت داشته باشد و موافقان تدوین تروهای تشکیلاتی که اساسا بر تعریف مناسبات و وظایف نیروها و تشکیلات خارج از کشور ناظر باشد.

نخستین گزارش کمیسیون موازین تشکیلاتی حاکی از آن بود که اکثر اعضای کمیسیون موافق تدوین کار پایه تشکیلاتی بوده و بر ضرورت یک سند مبنا که بتوان بر اساس آن نسبت به شرایط عضویت، حقوق ووظایف عضو، منبای مناسبات درون سازمانی، منبای ساختار

تشکیلات، حقوق و وظائف شورای مرکزی، چگونگی انتخاب شورای مرکزی چگونگی انتخاب شورای مرکزی و گروه های کار، جایگاه کنگره سازمان و .. اظهار نظر کرد، تاکید داشتند.

همچنین اکثریت بر این نظر بوده است که سند مصوب شورای مرکزی می تواند مبنای کار قرار گیرد. علاوه بر سند شورای مرکزی ۳ سند دیگر به کمیسیون ارائه شده بود. سند ارائه شده توسط رفیق اردشیر. این سند در کنگره به کمیسیون ارائه شد و شامل چند تر پیرامون مناسبات و وظائف تشکیلات سازمان در خارج از کشور می شد. سند ارائه شده توسط رفیق طاهری پور، مندرج در «کار شماره ۱۳» دوره سوم. سند ارائه شده توسط رفیق نگهدار مندرج در «کار شماره ۸۲» دوره دوم.»

لازم بود سند مبنای کار کمیسیون موازین تشکیلاتی نیز توسط کنگره تعیین شود مدافعان اسناد از سند مورد نظر خود دفاع کردند و انتقادات خود را به دیگر اسناد مطرح کردند. سپس رای گیری برای انتخاب سند مبنا انجام شد:

سند شورای مرکز با ۴۸ درصد موافق و ۲۶ درصد مخالف و ۱۶ درصد ممتنع، سند رفیق اردشیر با ۲۸ درصد موافق و ۲۲ درصد مخالف و ۳۳ درصد ممتنع، سند رفیق طاهری پور با ۱۵ درصد موافق و ۱۸ درصد مخالف و ۴۳ درصد ممتنع، سند رفیق نگهدار با ۳۳ درصد موافق و ۳۹ درصد مخالف و ۱۹ درصد ممتنع.

هیچ کدام از اسناد رای کافی را برای آنکه مبنای کار کمیسیون قرار گیرد، نیاورده بود. تکرار رای گیری روی اسناد نیز به نتیجه نرسید اجلاس با پیشنهاد کمیسیون دائر بر اینکه سند شورا مبنای کار قرار گیرد و ترکیب جدیدی به کار روی سند پردازد موافقت کرد. کمیسیون موفق به تهیه ی سندی بر پایه سند شورا شد و آن را به کنگره ارائه کرد. اما جهت پیشرفت سریعتر کار به اجلاس پیشنهاد کرد که نه روی تک تک مواد سند بلکه تنها در باره چند ماده که در کل آن دارای بیشترین اهمیت بودند اظهار نظر و تصمیم گیری کند.

مواد پیشنهادی عبارت بودند از:

از عنوان عضویت و شرایط آن، هر سه ماده. از عنوان حقوق عضو، ماده ۵. از عنوان وظائف عضو، ماده ۹ و تبصره ماده ۴۸، از عنوان ساختار تشکیلات ماده ۲۳. از عنوان مناسبات درون سازمانی ماده ی ۴۸.

پیشنهاد کمیسیون پذیرفته شد و اجلاس تنها موفق شد که در باره ی شرایط عضویت تصمیم گیری کند. به موجب تصمیم کنگره ماده ۳ از عنوان عضویت و شرایط آن، حذف و دو ماده ی دیگر باقی ماندند.

عرصه ها و اشکال فعالیت در داخل:

توسط گروه کار داخل، طرح قطعنامه ای در باره ی عرصه ها و اشکال فعالیت در داخل کشور به کنگره ارائه شده بود کمیسیون داخل، طرح مذکور و پیشنهاد های رسیده را مورد رسیدگی قرار داده و طرحی همراه با پیشنهاد های پذیرفته نشده از جمله یک طرح کامل دیگر به امضای سه نفر از نمایندگان زیر همان عنوان را، به کنگره ارائه کرد. کنگره پس از بحث کافی و رسیدگی به پیشنهادها، طرح کمیسیون و طرح مذکور را به کمیسیون باز گرداندند تا مجددا هر دو طرح را مورد رسیدگی قرار داده و در صورت امکان طرح واحدی را به کنگره ارائه دهد. طرح واحد تهیه و مجددا در دستور کار اجلاس قرار گرفت. پس از رسیدگی به پیشنهاد های مختلف حول طرح، سرانجام طرح به رای گذاشته شد و با اکثریت ۶۷ درصد آرا به تصویب رسید. (سند شماره ۳)

در خلال اوقاتی که موضوع عرصه های و اشکال فعالیت در داخل کشور در دستور کار قرار داشت، ماده واحده ای به اجلاس پیشنهاد شد که با ۶۴ در صد آرا از تصویب کنگره گذشت. متن ماده واحده چنین بود:

«گروه کار داخل وجود نخواهد داشت و شورای مرکزی سازمان مسئولیت پیشبرد امور داخل را به عهده خواهد داشت.»

انتخاب دستگاه رهبری:

(انتخابات) مقدماتا مستلزم تصویب طرحی برای ساختار دستگاه رهبری بود. از این رو کمیسیون دستگاه رهبری وظیفه داشت چنین طرحی را به کنگره ارائه کند و تواما در گفتگو با افراد مختلف، امکانات مناسب برای انتخاب یک دستگاه رهبری را به نحوی که دشواری های موجود در کار شورای مرکزی پیشین را نداشته باشد و خاصه بر مشکل پراکندگی اعضا فائق آمده باشد، جستجو کند. توسط شورای مرکزی پیشین، طرحی برای ساختار و دستگاه رهبری به کنگره ارائه شده بود. دو طرح یکی توسط رفیق آتا و دیگری توسط رفیق خلیق ((کارشماره ۱۵)) تهیه و در اختیار کمیسیون قرار گرفته بودند. کمیسیون هیچ یک از طرح ها را مبنای کار

خود قرار نداده بلکه با اتکا به همه آنها طرح چهارمی تهیه کرده بود. کنگره در نخستین دور بحث به مساله سند مبنا پرداخت. نظر به مشابهت های اساسی بین طرح کمیسیون و طرح شورا ، شورا اعلام کرد پیشنهاد بحث روی طرح خود را ندارد و طرح کمیسیون را منطبق بر ایده های منعکس در طرح خود می داند.

پس از تشریح طرح ها و بحث موافق و مخالف، طرح ها به رای گذاشته شدند که در نتیجه طرح کمیسیون با ۶۱ در صد آرا به عنوان سند مبنا انتخاب شد. بر پایه این سند، کار ادامه یافت و سند مصوب کمیسیون جهت تصویب نهایی به کنگره آورده شد و پس از تکمیل جزئی با ۸۰ در صد آرا از تصویب آن گذشت (سند شماره ی ۴). از جمله تکمیلات سند آن بود که در سند گروه کار خلق ها پیش بینی نشده بود. پیشنهادی دایر بر این که در جنب شورای مرکزی، گروه کار یا کمیسیون خلق ها نیز ایجاد شود، مطرح شد و با ۵۶ درصد آرا به تصویب رسید. ضمناً پیش نهادی نیز دایر بر برگزای کنگره سوم، حداکثر پس از یک سال طرح شد. این پیشنهاد تصویب نشد.

کنگره به پایان وقت خود نزدیک می شد. بخش اعظم مهم دستور کار به انجام رسیده بود اما نه همه ی آن. مهم ترین بخش باقی مانده از دستور، انتخاب رهبری بود. از روز نخست، کوشش برای تعیین شورای مرکزی صورت می گرفت. در ساعات پایانی کنگره شورای مرکزی انتخاب شد. مجاللی برای پیشنهاد اعضای گروه های کار به کنگره باقی نمانده بود. شورای منتخب تشکیل جلسه داد و به عاجل ترین مسائل خود رسیدگی کرد. سپس به اطلاع کنگره رساند: «بنا به ضرورت های موجود، دوره ی تناوب انتشار نشریه تغییر خواهد یافت». در ادامه کنگره بر مبنای این گزارش و نیز برای راه گشایی برای دستوراتی که به انجام نرسیده بودند، چند قرار زیر را تصویب کرد:

«کنگره به شورای مرکزی منتخب، اختیار می دهد که بنا به نیاز، خود را از میان داوطلبان با دو سوم آرا حداکثر تا ۳ عضو دیگر گسترش دهد. هر مورد تنها در صورت تأیید اجلاس وسیع (پیش بینی شده در مصوبه ساختار دستگاه رهبری) رسمیت خواهد یافت».

((کنگره اختیار میدهد:

۱- شورای مرکزی با مشاوره و صحبت با داوطلبان هر گروه کار اعضای گروه های کار را تعیین نماید.

۲- در اولین جلسه اجلاس وسیع، اعضای گروه های کار به تأیید اجلاس خواهند رسید.

۳- در هر مورد که شورا با هر یک از داوطلبان به توافق نرسد، اجلاس وسیع با حضور آن رفیق،

به مساله رسیدگی می کند».

پیرامون مساله ی گروه های کار، پیشنهاد دیگری نیز مطرح شد که به تصویب نرسید. پیشنهاد چنین بود: «امکانات مالی و با شرکت همه داوطلبان (گروه های کار) شورا و مسئولان کشورها فرا خوانده شود و طرح گروه های کار و ترمیم شورا و طرح ساختار دستگاه مرکزی سازمان را به تصویب برساند».

هم چنین دوقرار زیر نیز از تصویب کنگره گذشت:

۱- «کنگره به شورای مرکزی اختیار می دهد که بر پایه اسناد ارائه شده به کنگره، طرح مصوب کمیسیون جنب کنگره و مصوبات کنگره طرح کار پایه تشکیلاتی را تهیه کند و آن را به تأیید اجلاس وسیع آتی برساند. تا تصویب طرح توسط اجلاس وسیع کار پایه تشکیلاتی مصوب شورای مرکزی پیشین و مصوبات کنگره مبنای کار آن قرار خواهد گرفت»

۲- «کنگره به شورای مرکزی اختیار می دهد که دو پیام به مردم ایران و نیروهای هوادار سازمان، با امضای کنگره سازمان صادر کند».

در اینجا هئیت رئیسه ضمن قدردانی از رفقای بی که در امور تدارکاتی کنگره و در طول آن بی دریغ کوشیدند و با آرزوی موفقیت برای شورا و سایرین، خاتمه کنگره دوم سازمان را اعلام داشت. نمایندگان نیز با آرزوی پیروزی برای شورا بر حمایت از آن تأکید کردند، آن گاه دمی را در جشن کوچکی سپری کرده و بعد به قصد محل زندگی خویش با یکدیگر وداع کردند.

دومین کنگره سازمان برگزار شده بود. شاخص این کنگره تلاش اندیشه و رودررویی اندیشه ها برای برون رفت از بحران همه جانبه جامعه مان بود. اختصاص سهم درخوری به سیاست در این کنگره، انعکاس نیازهای امروزی ما و درک درست کنگره از این نیازها بود.

کنگره ی دوم، در تداوم نخستین کنگره گامی دیگر برای نهادینه کردن دموکراسی و مبین یک دموکراسی نهادی شده در سازمان ما بود. بسط و تعمیق دموکراسی، اگر بر هرج و مرج نام دموکراسی گذاشته نشود نمی تواند با عرصه و استحکام مبنای نو در منایبات افراد، به جای

مناسبات آمرانه پیشین همراه نباشد. اندیشه احترام و تعهد متقابل در این کنگره عرضه گردید تا کنگره تداومی باشد در حصول این مبانی نو.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» ۱۷ شهریور ۷۰

دیدگاه ها آماج های

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»، از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه شاه، با آرمان آزادی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان و تامین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی ایران بوده است.

سازمان ما در طی دو دهه پیکار خود فراز و نشیب هایی بسیار را پشت سر خود گذاشته، و تجارب بسیار اندوخته و برای تصحیح و تکامل دیدگاه ها برنامه و سیاست خود کوشیده است

سازمان ما اکنون با درس آموزی از تجاب «انقلاب بهمن» و مرزبندی و با دیدگاه هایی که منجر به حمایت سازمان از رژیم ضد دموکراتیک و ارتجاعی جمهوری اسلامی گردید و نیز با بهره گیری از تجارب ناشی از فرو پاشی «اردوگاه سوسیالیسم» و تحولات چپ در عرصه بین المللی، می کوشد برنامه سیاست و عمل خود را منطبق با واقعیات جامعه ما و جهان امروز تنظیم نماید.

در دو دهه اخیر، هزاران تن از بهترین فرزندان مردم کشور ما علیه دیکتاتوری و برای آزادی های سیاسی، استقلال، عدالت اجتماعی و تامین رفاه زحمتکشان، در صفوف سازمان پیکار

کرده، رنج‌ها کشیده و جان‌ها باخته‌اند. ما سازمان و پیکار آن را بخشی از جنبش چپ ایران و پیکار تاریخی آن در طول بیش از ۸۰ سال مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی می‌دانیم. سازمان ما یک سازمان ادولوژیک، یعنی؛ سازمانی که از نظام فکری - فلسفی خاص پیروی می‌کند، نیست و در تدوین و تنظیم برنامه، خط و مشی سیاسی و امور تشکیلاتی خود، از مجموعه اندیشه و دانش پیشرو و معاصر بهره می‌گیرد.

سازمان ما مدافع حقوق بشر و دموکراسی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و رفاه مردم ایران است و در راستای باور به ارزش‌های انسانی و عموم بشری، خواهان تامین منافع ملی و استقلال

کشور، صلح و ارزش‌های سوسیالیستی می‌باشد.

سازمان ما بر آن است که برای نوسازی فرهنگی و اجتماعی کشور باید جهل، سنن و ارزش‌های خرافی و غیر انسانی و خوار داشت دانش و اندیشه، مبارزه‌ای پیگیر داشت. ما مردم سالاری، نابرابری حقوق زن و مرد و ستم ملی، نژادی، مذهبی، عقیدتی را از نمودهای بارز عدم تعادل و ناهنجاری جامعه می‌شناسیم و مبارزه در راه آن‌ها را از اهداف و آلای خود می‌دانیم.

به باور سازمان: بنیاد آزادی فردی است و فرد باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشد. ما در راه جامعه‌ای پیکار می‌کنیم که در آن تکامل آزاد هر فرد، شرط تکامل همگان است. ما حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را جز ارزش‌های عموم بشری به شمار آورده و آنها را محصول پیکار نیروهای آزادی‌خواه جهان در طی قرن‌ها و مبارزات جنبش کارگری و دموکراتیک در دو قرن اخیر می‌دانیم. ما آزادی افراد در باور به مکاتب فلسفی و ادیان و مذاهب مختلف جانبداری می‌کنیم و از آزادی فعالیت دگر اندیشان و مخالفان سیاسی دفاع نموده و برای تامین حقوق دموکراتیک آنها تلاش می‌کنیم.

سازمان ما حاکمیت قدرت و قدرت را ناشی از اراده مردم می‌داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت، و به نظام چند حزبی معتقد است. هدف سازمان تامین گسترده عدالت اجتماعی، رهایی انسان از هر گونه ستم اجتماعی و طبقاتی، بهره‌کشی فرد از فرد، تامین رفاه انسانها و رشد آزادانه و همه جانبه آنها است.

مادموکراسی و عدالت اجتماعی را در پیوند با هم نزدیک می دانیم. تامین عدالت اجتماعی پشتوانه دموکراسی و مناسبات صلح آمیز در جامعه است و تحقق گسترده ی عدالت اجتماعی در شرایط وجود و گسترش دموکراسی و حقوق دموکراتیک مردم امکان پذیر است.

ما به الویت منافع اقتصادی بر منافع گروه بندی های اجتماعی و به درهم آمیزی عدالت اجتماعی با رشد اقتصادی، معتقد هستیم. عدالت اجتماعی بر بستر رشد اقتصادی، رفاه مردم، غلبه بر عقب ماندگی و اعتلای فرهنگی می تواند تامین شود. ما تامین عدالت اجتماعی را روندی طولانی می دانیم و مبارزه در راه تعدیل نابرابری های اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی را وظیفه دائمی خود می شماریم. سازمان ما به تامین منافع ملی و استقلال کشور و پی ریزی ایران آزاد و مستقل و به شرکت گسترده ی ایران در روابط بین المللی و برقراری مناسبات با دیگر کشورها، تامین منافع ملی کشور، اتخاذ تصمیمات مستقلانه و تضمین برابری حقوق با دیگر کشورها است .

سازمان ما خواهان صلح پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشریت و خلع سلاح همگانی است. سازمان، خواستار تضمین حق بین الملل در تعیین سرنوشت خویش، استقرار نظم اقتصادی عادلانه و برابر حقوقی در مناسبات بین المللی و امحا مناسبات نابرابر و غارتگرانه بین شمال و جنوب، پاسداری خردمندانه از محیط زیست در کره ی زمین، بهره وری دموکراتیک از دستاوردهای علمی و فنی توسط تمام کشورها، الغا نژادپرستی، زدایش فقر و بیسوادی، رعایت بودن قید و شرط حقوق بشر در همه کشورها، زدایش قهر در مناسبات بین انسانها است. ما مدافع اشکال متنوع همبستگی جهانی در دفاع از صلح حفظ محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه اقتصادی و سیاسی جهان کنونی و در تلاش عمومی برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی هستیم. سازمان ما در راه سوسیالیسم به مثابه یک آرمان اجتماعی و نظام ارزشی پیکار می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

خط مشی سیاسی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

جامعه ما از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بحران عمیق و همه جانبه ای به سر می برد. رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی حل بحران، تامین حقوق بشر و استقرار دموکراسی در کشور و پیشبرد سیاست های ضرور در عرصه های مختلف اجتماعی است. ما خواهان پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی هستیم و می کوشیم از طریق انتخابات آزاد به این هدف برسیم.

خط مشی سیاسی ما:

مبارزه علیه استبداد و برای تامین آزادی های سیاسی - اجتماعی، نقش محوری را در مبارزه ما علیه رژیم دارد که باید تمام مبارزات حول آن متمرکز گردد. در عین حال ضروری است که کار فرهنگی وسیعی برای ایجاد زمینه های تحول دموکراتیک در جامعه و دگرگونی فرهنگ سیاسی

کشور صورت گیرد. در این راستا، باید مبارزه فرهنگی - سیاسی را که در مین ما جاری است؛ تقویت کرد.

ما در راه پیشبرد خط مشی سیاسی خود بر تقویت ارتباط با مردم و بسیج و تشکل آنها متکی بوده و مبلغ حقوق بشر، دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی هستیم. ما در این راستا، از خواست ها و مبارزات مردم حمایت می کنیم.

سازمان ما در مبارزه علیه رژیم، تنها بر کار بست اشکال دموکراتیک و مسالمت آمیز مبارزه تاکید دارد و به کارگیری قهر، خشونت، شیوه های غیر انسانی و غیراخلاقی را برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی، مردود می شمارد. سازمان استقامت و مقابله مردم، در شرایط ناگزیر، علیه قهر و سرکوب رژیم را موجه می داند.

ما برای تامین حاکمیت مردم و گذار از استبداد به دموکراسی، بر خواست انتخابات آزاد تاکید کرده و. برای تحقیق آن مبارزه می کنیم. شرایط تحقق انتخابات آزاد در سایه گسترش جنبش توده ای و قدرتگیری اپوزیسیون می تواند فراهم شود. از جمله پیش شرط های تحقق انتخابات

آزاد در کشور، تامین آزادی های سیاسی، بویژه آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی است. سازمان ما خواهان تشکیل جبهه ی گسترده از شخصیت های سیاسی و اجتماعی، احزاب و سازمان های ملی - دموکرات، برای پایان دادن به حاکمیت رژیم کنونی و استقرار جمهوری پارلمانی و دموکراسی در کشور را جزء وظایف خود می شمارد و می کوشد این جبهه به آلترناتیو رژیم تبدیل شود. سازمان، مخالف نظام سلطنتی و حکومت ایدولوژیک مذهبی است.

ما خواهان همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهایی هستیم که علیه استبداد و برای آزادی های سیاسی و حقوق بشر مبارزه می کنند. ما از هر نوع همکاری و اتحاد عمل با نیروهای ملی، ملی مذهبی طرفدار مرجعیت مردم و مخالف ولایت فقیه استقبال می کنیم.

سازمان از حق موجودیت و فعالیت آزادانه تمام نیروهای سیاسی کشور، صرف نظر از عقاید آنها، دفاع می کند و حق و سهم هر یک از آنها را برای حل و فصل مسائل اجتماعی و در اداره ی کشور به رسمیت می شناسد. سازمان در مناسبات با نیروهای اپوزیسیون کشور، بر اصل مذاکره و گفتگو، با هدف تقویت دموکراسی تکیه دارد و خواهان زدودن مناسبات خصمانه و مقابله جویانه میان نیروهای سیاسی کشور و دموکراتیزه کردن این مناسبات، بین آنها است.

ما معتقد به نزدیکی نظری و علمی نیروهای چپ ایران در راستای ایجاد یک تشکل چپ، که می تواند بر اساس آرمان مشترک و توافق کلی دیدگاهی و برنامه ای تامین شود، هستیم و در راه آن مبارزه می کنیم.

www.iran-archive.com

قطعهنامه در باره

فعالیت فدائیان خلق در داخل کشور

دومین کنگره سازمان، با اعتقاد بر اینکه تصمیم در باره عرصه ها و اشکال فعالیت فدائیان خلق در داخل کشور، متناسب با شرایط داخل، باید توسط خود آنها اتخاذ گردد، توجه فعالان فدایی در داخل کشور را به موارد زیر جلب می نماید:

۱- با استفاده از امکانات علنی و قانونی و فعالیت در تشکل های توده ای و دموکراتیک، در تقویت زمینه برای استقرار دموکراسی در کشور، کوشش نمایند. در این میان، حضور موثر در نهضت روشنگری، در راستای ترویج افکار ترقی خواهانه، از اهمیت جدی برخوردار است.

- ۲- فعالیت مشترک خود را بر مناسبات محدود، غیر متمرکز و طبیعی متکی سازید. از حفظ و ایجاد هر گونه تشکیلات حرفه ای و مخفی و سطوحی از فعالیت که نتیجه آن گزینس زندگی مخفی است پرهیز نمائید.
- ۳- سازمان، در خارج از کشور ارگان هایی چون کمیته ارتباطی یا کمیته ی مرزی ندارد .

www.iran-archive.com

طرح ساختار دستگاه رهبری

بنداول ۱:

شورای مرکزی سازمان، مرکب است از یک جمع ۱۱ تا ۱۵ نفره که از بین داوطلبان عضویت در شورای مرکزی، توسط کنگره برگزیده می شوند.

تبصره ۱: شورای مرکزی میتواند در صورت محروم شدن از همکاری برخی از اعضای خود با دو سوم آرا اقدام به ترمیم خود بنماید و سپس آن را به تصویب اجلاس وسیع برساند.

تبصره ۲: تا موعود تشکیل اجلاس وسیع، اعضای که شورا توسط آنها ترمیم شده است، دارای حق رای مشورتی خواهند بود.

بند دوم:

شورای مرکزی از میان اعضای خود، یک نفر را به عنوان مسول شورا انتخاب می کند. وظیفه مسئول شورای مرکزی، برنامه ریزی و هماهنگی شورای مرکزی و هدایت اجرایی است و دبیرخانه شورا تحت مسئولیت وی عمل می کند.

بند سوم:

جلسات شورای مرکزی حداقل هر سه ماه یک بار تشکیل می شود. در فاصله ی دو اجلاس شورای مرکزی، هدایت اجرایی منتخب شورای مرکزی، که متشکل از مسئل شورا و مسئولین گروه کار است، مسئولیت پیشبرد وظائف سیاسی و اجرایی را به عهده خواهد داشت. تبصره ۱: هدایت اجرایی در برابر شورای مرکزی مسئول خواهد بود.

بند ۴:

گروه های کار شامل: نشر و مالی، روابط عمومی، تدارک اسناد و پژوهش، نشریه و گروه کار خارج می باشد. اعضای هر یک از گروه های کار، توسط شورای مرکزی، از میان داوطلبان، به کنگره پیشنهاد شده و به تائید آن می رسند. تبصره ۱: سیاست و برنامه های گروه های کار باید به تصویب شورای مرکزی برسد. گروه های کار، در پیشبرد آن از استقلال عمل برخوردارند.

تبصره ۲: در صورت ضرورت، با پیشنهاد گروه کار مربوطه و تائید شورای مرکزی و یا بنا بر تصمیم شورای مرکزی و توافق گروه های کار، گروه کار ترمیم می گردد. تبصره ۳: هر یک از اعضای گروه های کار می توانند با حق رای در کنگره آتی شرکت نمایند.

بند پنجم:

شورای مرکزی موظف است هر سال یک بار و یا در فاصله ی یک سال بنا بر ضرورت، اجلاس وسیع متشکل از شورای مرکزیو اعضای گروه های کار و مسئولین کشور ها، با حق رای برابر را فرا خواند. اجلاس وسیع، پس از استماع گزارش شورای مرکزی، به اظهار نظر و تصمیم گیری در موارد لازم می پردازد.

تبصره ۱- بند ۵ در صورت فقدان کار پایه تشکیلاتی و یا عدم پیش بینی کنفرانس سراسری در آن معتبر خواهد بود.

تبصره ۲: اجلاس وسیع اختیار دارد اصلاحات لازم در مصوبات کنگره را، در چهارچوب کلیات آن به عمل آورد. در سایر موارد در چهار چوب مصوبات کنگره تصمیمات اجلاس در صورتی قانونی است که به تائید شورا برسد.

تبصره ۳: اجلاس وسیع می تواند با ۶۰ درصد آراء تصمیمات شورای مرکزی در ترمیم خود و ترمیم گروه های کار را به تائید برساند.

بند ۶:

در جنب شورا، یک گروه کار یا کمیسیون خلق های ایجاد می شود.

www.iran-archive.com

پیام دومین کنگره ی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

به مردم ایران

هم میهنان!

دومین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»، به شما هموطنان آزادی خواه درود می فرستد. و برای میهن مان ایران، آزادی آبادی امنیت و پیشرفت و صلح و سعادت آرزو می کند. در این کنگره، نمایندگان اعضای سازمان گرد آمده اند تا در پاس به تعهدات آزادی خواهانه تجددطلبانه و عدالت جویانه خود، به همفکری بنشینند و برای برون رفت کشور از سیطره استبداد و فلاکت عمومی چاره جویند.

کنگره با پی کاوی این وظیفه، بر این نتیجه گیری تاکید کرد که راه رهایی کشور از یوغ استبداد و بحران همه جانبه کنونی، از پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی پالمانی و فدرالیسم می گذرد. کنگره ی فدائیان خلق، همه ی نیروهای دموکرات را دعوت می کند که بکوشند تا این اهداف از طریق انتخابات آزاد تحقق یابد.

هم میهنان آزادی خواه!

کنگره بر آن است که کشور ما کماکان در سیطره ی استبداد ولایت فقیه است.

پیگرد شکنجه ترور و اعدام ادامه دارد و سرکوب خواست های آزادی خواهانه، همچنان سیاست رسمی رژیم جمهوری اسلامی است. اگر چه رژیم در تحمیل افکار ارتجاعی خود بر پهنه ی کشور و وادار کردن بخش عظیمی از مردم برای تمیکن به تمایلات و مقررات زورگویانه ی آخوندی ناکام مانده است، اما هنوز زندان و تعزیر است که بر کشور فرمان می راند. رژیم که هر روز بیشتر پایگاه خود را از دست می دهد، به هر منتقدی به چشم مخالف می نگرد. رژیم از استقرار آزادی های سیاسی در ایران و رهگشایی کشور به سوی دموکراسی، پیش از هر چیز هراسان است و از این رو همه نیروهای خود را صرف به غل و زنجیر کشیدن آزادی کرده است. تامین آزادی، بیش از هر زمان به خواست وسیع ترین اقشار جامعه بدل شده و مردم در مطالبه ی حداقل آزادی ها، بلافاصله رژیم را در برابر خود می بیند.

هم میهنان دردمند!

کنگره سازمان معتقد است که میهن ما در بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی فرو رفته و فلاکت عمومی گریبانگیر آن شده است. عدم توانایی دولت حاکم در چاره جویی حداقل برای رونق اقتصادی کشور و جلوگیری از فقر فزاینده ی همگانی، به فضاوت عمومی کشور بدل می شود. بیش از پیش آشکار می گردد که رژیم آخوندی صلاحیت اداره کشور را ندارد و نصیب

کشور از این حکومت، نه بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور، که تعمیق ورشکستگی اقتصاد ملی و تشدید فاصله و ثروت است.

مردم ایران به درستی رژیم را مسئول فلاکت عمومی کشور می دانند

هم میهنان !

کنگره ی سازمان با تحلیل اوضاع سیاسی کشور، بر آن است که هر روز امکانات بیشتری برای عقب نشاندن رژیم و تحقیق مطالبات روز مردم به وجود می آید. اتکای اپوزیسیون دموکرات رژیم بر امکانات واقعی موجود، حائز اهمیت جدی است. در این شرایط ضرورت دارد تا هر مبارزه ای برای آزادی، تجدد و ترقی و عدالت، آگاهانه در راستای تضعیف حاکمیت رژیم و تقویت پایگاه نیروهای جمهوری خواه دموکرات قرار گیرد و مبارزات مردمی علیه حاکمیت، هر چه بیشتر حول محور مبارزه برای استقرار آزادی ها و دموکراسی در کشور تمرکز یابد .

کنگره بر این باور است که شکل گیری جبهه ی جمهوری خواهان آزادی خواه و معتقد به دموکراسی و مرجعیت مردم، یک ضرورت تاخیر ناپذیر است و تلاش اصلی همه نیرو های آزادی خواه و دموکرات باید منوجه تامین همین هدف باشد کنگره در عین حال تاکید دارد که اتحاد عمل های گسترده و انواع همکاری های سازنده بین مخالفان و منتقدان آزادی خواه رژیم، یک نیاز روز است و می تواند در خدمت شکل گیری تحکیم و تقویت جبهه جمهوری خواهان آزادی خواه قرار گیرد

نیروهای دموکرات و آزادیخواه!

کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» دست شما را به گرمی می فشارد و شما را به تشدید فعالیت مشترک برای شکل گیری جبهه جمهوری خواهان آزادی خواه فرا می خواند. کنگره از شما دعوت می کند که همه ی کوشش خود را به خاطر عمل مشترک در راستای مبارزه برای آزادی و دموکراسی و مبارزه علیه مظاهر استبداد رژیم جمهوری اسلامی به کار گیرند. بر همه ما است که در این برهه خطیر، حساسیت تاریخی وظیفه ی خود را درک کرده و مجدانه به این وظیفه عمل کنیم کنگره ی شورای مرکزی منتخب سازمان را موظف کرده و همه اعضا و هواداران سازمان را فرا خوانده است تا هیچ امکان و ابتکاری را برای شکل دادن وسیع

ترین و متنوع ترین اتحاد عمل ها، از دست ندهند و با شما آزادیخواهان به همکاری و اتحاد برخیزند.

هم میهنان آزادی خواه و عدالت خواه!

کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»، شما را منبع نیروی تحقق آرمانهای و آماج های سازمان و نیروی شما را پشتوانه پیروزی تلاش انسانی فدائیان خلق می داند. فدائیان خلق، در مبارزه برای آزادی و بهروزی مردم ایران و رفع هر گونه ستم و اجحاف در ایران، از مبارزه ی به حق و شرافتمندانه شما الهام می گیرند. کنگره ی سازمان، به پیروزی اراده و خواست آزادی خواهانه و عدالت جویانه شما بر رژیم استبداد و ستمگر باور دارد و با امید به آینده می نگرد. کنگره یقین دارد که این روزهای سخت و دردآور خواهد گذشت، ایرانیان از چنگال سرکوبگران و ایران از سیطره ی ویرانگران رهایی خواهد یافت و پرچم آزادی، امنیت، پیشرفت، رفاه و سعادت، بر فراز ایران به اهتزاز در خواهد آمد.

دومین کنگره سازمان فدائیان خلقی ایران «اکثریت»

سوم شهریور ماه ۱۳۷۰

پیام دومین کنگره ی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

به اعضا و هواداران سازمان.

رفقا!

دومین کنگره سازمان که به همت مسئولان سابق سازمان و همه فعالان دست اندر کار، در موعد مقرر برگزار گردید. در سوم شهریورماه ۱۳۷۰ با سرافرازی به کار خود پایان داد، به شما رفقای گرامی درود می فرستد.

کنگره کار خود را با یک دقیقه سکوت به احترام رفقای شهید و همه شهدای راه آزادی و بهروزی مردم ایران آغاز کرد و در تجدید پیمان با آرمانهای انسانی همه ی مبارزان جان باخته و در فضایی مشحون از عزم به ادامه راه، کار خود را پایان برد. در کنگره اعضای منتخب شما، اراده ی سازمان را تجلی دادند و به وظایفی که پیش روی کنگره قرار داشت، با موفقیت عمل کردند. کنگره از غیاب عده ای از رفقا در اجلاس عالی سازمان اظهار تاسف کرد و از شورای مرکزی سازمان خواست تا با تمهیدات ضرور، کنگره سوم را در شکل جامع تر برگزار کند.

رفقا!

برگزاری دومین کنگره سازمان نشان داد که دموکراسی در سازمان ما روندی بازگشت ناپذیر شده و همچنان در حال گسترش و تعمیق است. شرایط دموکراتیک پیش از کنگره برای ابراز دیدگاه ها، انتقادات و پیشنهادهای اعضا و هواداران سازمان و فضای دموکراتیک حاکم بر کنگره وضع مطلوبی را برای همه ی ما فراهم آورد تا در آن امکان اندیشیدن و انتخاب آزادانه و آگاهانه هرچه بیشتر به واقعیت بدل شود. این امر زمینه تقویت روحیه اعتماد متقابل و تنظیم مناسبات براساس اهداف مشترک و افکار متنوع را فراهم آورده است. آموزش و تمرین دموکراسی در درون سازمان، تضمین نیرومند در مبارزه صادقانه ما برای استقرار دموکراسی در کشور و پاسداری از آن در جامعه است.

رفقا!

دومین کنگره سازمان در شرایطی برگزار شد که جهان ما شتابناک، دوره گذار را پشت سر می گذارد و شاهد تلاطم های سیاسی دارای اهمیت عظیم بین المللی است. این وضع ما را به اندیشیدن جدی پیرامون آنچه که در جهان می گذرد، دعوت می کند. کنگره بر آن است که سازمان باید با وفاداری به آماج های اصلی و بنیادین خود، یعنی دموکراسی، صلح، رشد و پیشرفت و عدالت اجتماعی، به تبیین روند های چند سویه کنونی در جهان بیندیشد و جایگاه خود را برای تحقق این ارزش ها و مبارزه علیه موانع تحقق آنها به درستی باز یابد. کنگره همه ی اعضاء و هواداران سازمان را فرا می خواند تا در این مهم، سازمان را یاری دهند
رفقا!

میهن ما همچنان در سیطره ی استبداد فقهاتی رنج می برد. سرکوب آزادی و آزادی خواهان، گماکان در دستور روز رژیم است. اکنون شرایط برای بهره گیری از روزنه هایی که در اثر غلبه مقاومت مردم آزادیخواه بر رژیم سرکوب گر پدید می آید، بیش از هر زمان مساعد می شود. بر ماست که در مبارزه برای تأمین آزادی های سیاسی و عقب نشاندن استبداد حاکم، از هر امکان موجود در جهت اشاعه اندیشه های آزادیخواهانه تجدد طلبانه و ترقی خواهانه بهره بگیریم. تصریح و تأکید کنگره بر آن است که مبارزه برای آزادی های سیاسی و دموکراسی در کشور عرصه مقدم مبارزه علیه رژیم است. و وسیع ترین اتحاد عمل ها را باید حول مطالبه آزادی ها و مخالفت با مظاهر استبداد شکل داد. کنگره شما فعالان سازمان را به تشدید فعالیت در این عرصه فرا می خواند.

رفقا!

رژیم کشور ما را به ویرانی و افلاس کشانده، اقتصاد کشور را فلج کرده است. فقر و فاقه هر روز بیشتر می شود و بحران اقتصادی همه جانبه کشور را به کام خود می کشد. وضع معیشتی میلیون ها انسان زحمتکش، غیر قابل تحمل می شود و اعتراضات توده ای علیه مظالم ستمگران، گسترش می یابد. در چنین شرایطی، توضیح دلایل عدم صلاحیت و بی کفایتی رژیم در سر و سامان دادن به وضع اقتصاد کشور و بهبود سطح زندگی مردم از یک سو و تشریح امکانات واقعی برای خروج کشور از بن بست فاجعه بار کنونی و راهایی مردم از شر این حاکمیت نالایق از سوی دیگر، از اهم وظایف ما است. اکنون فعالان سازمان بایستی با شرکت

فعال در مبارزات مطالباتی بر حق مردم بکوشند تا سطح این اعتراضات را ارتقا دهند و انواع تشکل های مردمی را سازمان داده و در جهت تحمیل آنها بر رژیم برآیند.
رفقا!

شرایط کنونی از ما پایدردی در اهداف و آماج سازمان، قاطعیت در مبارزه با رژیم استبدادی و فلاکت آفرین روحیه تشکل پذیری، تلاش برای نزدیکی بیشتر نیروهای چپ کشور در راستای تامین وحدت آنها، کوشش به خاطر تشکیل جبهه جمهوری خواهان آزادی خواه و دموکرات و ابتکار در شکل گیری انواع اتحادهای گسترده علیه مظاهر استبداد، حاکمیت دین بر دولت و ستم اجتماعی را می طلبد. در اوضاع دشوار کنونی که سازمان ما دیگر نیروهای دموکرات، ترقی خواه و عدالت جو در آن بسر می برند، تلاش برای تقویت اعتماد رفیقانه بر پایه روابط دموکراتیک و برقراری ارتباط با نیروهای پراکنده ی سازمان و جنبش ما شاخص ترین معیار برای سنجش احساس مسئولیت عمیق هر عضو و هواداران سازمان است. در این موقعیت سخت، اهمیت حیاتی دارد که شعله باورمندی به پیروزی آزادی، دموکراسی، تجدد طلبی بر ارتجاع و استبداد حاکم را در دل خود فروزان بداریم و نهال این امید واقعی را در دل مردم بنشانیم.

رفقا!

وحدت خود را مستحکم تر کنیم. دست همدیگر را بگیریم تا راه پیروزی عدالت و دموکراسی با گام های بزرگ و استوار طی شود. با همه آزادی خواهان کشور دست اتحاد بکشیم و سلب اعتماد توده وسیع مردم از رژیم را با جلب اعتماد آنان به نیروهای جمهوری خواه و دموکرات و جبهه ای که این نیروها موظف به تشکیل آنند، گره بزنیم. پیروز باشید!

دومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سوم شهریور ماه ۱۳۷۰

www.iran-archive.com

کنگره سوم

www.iran-archive.com

اسناد کنگره سوم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

مرداد ۱۳۷۲

- گزارش سومین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
 - دیدگاهها و آماج های سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
 - خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
 - موازین و مناسبات تشکیلاتی در خارج از کشور
 - قطعنامه در باره ی همکاری و گسترش روابط سیاسی با نیروهای اپوزیسیون
 - قطعنامه ی سیاسی
 - قطعنامه سومین کنگره سازمان در باره ی زنان کشور.
 - قطعنامه در باره ی مسائل مالی
 - قرارها
- ۱- قرار در باره «وظایف سازمان در قبال داخل»
 - ۲- قرار کنگره سوم در مورد اوضاع منطقه
 - ۳- کنگره سوم سازمان در مورد پشتیبانی از مردم کوبا و عراق
 - ۴- قرار همبستگی کنگره سوم با مردم کشورهای قربانی جنگ

- ۵- قرار در مورد سند «دیدگاهها و آماج های سازمان»
- ۶- قرار در مورد سند «جهات عمومی برنامه توسعه»
- پیام سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به مردم ایران
 - پیام کنگره سوم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به اعضا و هواداران

گزارش

سومین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به مدت ۵ روز، از ۶ تا ۱۰ مرداد سال جاری برگزار شد. این کنگره نیز همچنان که کنگره پیشین مقرر کرده بود، در فاصله زمانی تا دو سال پس از آن برگزار می شد.

کنگره با معرفی اعضای شورای مرکزی، منتخب کنگره دوم، و اعلام یک دقیقه سکوت به یاد فدائیان شهید، شهدای راه آزادی و رفیق بهادر ملکی نماینده کهن سال دو کنگره پیشین که در سال گذشته دیده بر جهان فرو بست، افتتاح شد.

از جمع حاضران در کنگره ۵۹ درصد نمایندگان واحد های تشکیلاتی ۲۷ درصد نمایندگان مبتنی بر مصوبات عمومی و ۱۴ در نمایندگان مدعو بودند.

اجلاس آئین نامه دومین کنگره را همراه با توضیحاتی که شورای مرکزی بر پایه تجربیات همان کنگره که در آن پیشنهاد کرده بود، به عنوان مبنای کار خود پذیرفت.

پیشتر شورای مرکزی، دستور کار مفصلی را به قرار زیر به کنگره پیشنهاد و این دستور را نسبتاً جامع تدارک کرده بود:

- ۱- بررسی گزارش عملکرد شورای مرکزی و گروههای کار.
 - ۲- تصویب سند «دیدگاهها و آماج های سازمان»
 - ۳- بررسی سند «جهات عمومی برنامه توسعه در ایران»
 - ۴- تصویب سند «خط مشی سیاسی سازمان»
 - ۵- تصویب قطعنامه سیاسی.
 - ۶- تصویب سند «موازین تشکیلاتی در خارج از کشور»
 - ۷- تصویب قطعنامه در باره ی «مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون»
 - ۸- تصویب قرار در باره ی «وظائف سازمان در قبال داخل کشور»
 - ۹- تصویب قرار مالی
 - ۱۰- تصویب «طرح دستگاه رهبری» و انتخاب رهبری جدید سازمان.
- پیشنهاد هایی برای حذف پاره ای از مواد فوقالذکر (۱، ۲، ۳) ارائه شدند. کنگره دستور فوق را تماماً پذیرفت و بر لزوم رسیدگی به موضوعاتی چون «خط مشی سازمان»، «قطعنامه سیاسی»، مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون، وضعیت مالی و دستگاه رهبری تأکید کرد. نیز چندین کمسیون را برای رسیدگی های ضرور به موضوعات فوق برگزید.

بررسی عملکرد شورای مرکزی و گروه های کار

گزارش عملکرد شورای مرکزی و نیز گروه های کار پیشتر در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود. در گزارش شورا شرح مواضع و اقدامات شورا در دو عرصه سیاست و تشکیلات به تفصیل به دست داده شده و عملکرد دوساله آن چنین جمع بندی شده است :

((در کار جمع بندی عملکرد دو ساله شورای مرکزی سازمان، باید بیش از هر چیز بر این نکته تأکید کنیم که عملکرد عمومی سازمان در مقایسه با آن چه امروز نیازهای مبارزه از آن طلب می کند، ناچیز است. بحران همه جانبه و دیر پای جامعهمان بروز حرکت های نسبتاً گسترده اما بی سامان و سازمان مردم در این دوساله تداوم اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور تنش ها و تشنج های مخاطره آمیز در منطقه ما... همه و همه وظایف گسترده و خطیری را پیش روی ما قرار می دهند. در چنین اوضاع و احوالی، هنوز هم

قوای واقعی سازمان، ولو که محدود و با دشواری های متعدد روبرو باشد، به میدان پاسخگویی به این الزامات نمی آید.

در چهار چوب امکانات محدودتری که در اختیار شورا بوده اند، اما شورا کارنامه دو ساله خود را مثبت ارزیابی می کند و بر آن است که کوشش آن برای پاسخگویی به وظایفی که پیش روی داشت، مثمر ثمر بوده است. شورا به درستی تحرک سیاسی را در مرکز توجه خود قرار داد. باید تاکید کرد که سطح نازل ارتباط فعال سیاسی با داخل کشور، دامنه اثر بخشی اقدامات و برد مواضع سازمان را بطور جدی محدود کرده است.

راهیابی برای رفع موانع عظیم بر سر این راه گامی بزرگ برای گشایش های بعدی در فعالیت های سیاسی است. هم چنین می توان گفت که امروز سازمان به لحاظ تعداد روابط اش با نیرو های اپوزیسیون، در موقعیت ویژه ای قرار گرفته است، اما به هنگام ارزیابی از این موقعیت، باید ضعف عمومی اپوزیسیون و وجود و بروز تنگنهایی در مناسبات بین نیروهای اپوزیسیون را نیز در نظر داشت. شورا در بسط کمی روابط اش با نیروهای اپوزیسیون و در بهبود کیفی این روابط، کامیابی هایی کسب نمود. اینک تمهیدات برای بسط کیفی این روابط باید فراهم آورده شوند.

وضع در عرصه تشکیلات را می توان باز آفرینی نسبی اعتماد ها، در دنباله ی روندی که از پیش از دورهی کار شورا آغاز شده بود، جمع بندی کرد. پاسخ تشکیلات به فراخوان مالی، مشرکت بیشتر در فعالیت های تشکیلاتی کشورها و در امور عمومی در مقایسه با قبل، نشانه های مثبتی در کار تشکیلات بوده اند. ولی این واقعیات نافی برخورد انفعالی بخش هایی از تشکیلات، چه به فعالیت سیاسی به طور کلی و چه به آنچه شورا می کرد یا می طلبید نیست)).

در گزارش شورا فعالیت ناکافی در زمینه تدقیق سیاست ها در مورد بازگشت مهاجرین، عدم سازمان گری فعال و عملی کردن ابتکارها به هنگام کنفرانس اطریش پیرامون وضع حقوق بشر، مورد انتقاد قرار گرفته و تصریح شده پیشرفت های بیشتر در مناسبات با سایر نیروهای اپوزیسیون و ابتکارهای سیاسی به موقع در این رابطه اقدام سریع تر و وسیع تر برای تخفیف بحران مالی و اتخاذ تدابیری برای تبدیل رابطه گروه کار خارج کشور و تشکیلات کشورها به رابطه ای پر اثر نیز ممکن بود.

در خاتمه، تجربه دو ساله شورا برای ارائه به کنگره چنین جمع بندی شده است:

«عدم تجهیز سازمان به دیدگاههای اساسی برنامه ای، به عنوان کمبود بزرگی در سازمان که هر گونه برخورد به مسائل جامعه را محدود می کند، مورد توجه شورا قرار گرفت و شورا گام هایی برای تجهیز سازمان به چنین دیدگاه هایی برداشت. باز نویسی سند کنگره دوم در باره آماج ها و اهداف، ارائه تحلیل پایه از اوضاع سیاسی ایران و جهان و مبتنی بر آن گزارش فشرده سیاسی و قطعنامه سیاسی، ارائه سندی تدقیق و تکمیل شده در باره خط مشی سازمان، که در آن زاویه ی تازه ای در نگاه به وضعیت جامعه مان اختیار شده تعیین مشی دقیق تر درباره ی روابط با نیروهای اپوزیسیون که غلبه بر بن بسط کنونی در این مناسبات در مرکز توجه آن قرار گرفته است، طرح موازین مناسبات سازمان که حاصل لمس ضرورت ها برای باز سازی اسانامه ای سازمان است، طرح ساختار دستگاه رهبری که تجربه ی شورا را در سازمان دهی ممکنه دستگاه رهبری در خود منعکس دارد، قرار پیرامون وظایف ما در قبال داخل، در احوالی که چنان که گفته شد، راه یابی در این عرصه گام بزرگ گشایش های آتی است و سرانجام طرح قرار مالی که هدف آن غلبه بر بحران تهدید کننده ی مالی با مشارکت و تعهد کل تشکیلات است؛ اینها جهات اساسی تجربه شورا در دوره دو سال فعالیت است.»

نمایندگان به اظهار نظر در باره عمل کرد شورای مرکزی و گکروه های کار پرداختند. عموم سخن رانان کار انجام یافته دوره دو ساله را مثبت ارزیابی کرده و از شورا تقدیر کردند. در سخنرانی ها تاکید بر ضعف های کار شورا در انتظام بخشیدن به تشکیلات و در ایجاد و پیگیری روابط با احزاب و نهاد های خارجی و بین المللی بود. عملکرد گروه های کار نیز در همین چهار چوب مورد بررسی و اظهار نظر نمایندگان قرار گرفت.

در مورد سند «دیدگاه ها و آماج های سازمان»:

زیر عنوان «دیدگاه ها و آماج های سازمان» پیشتر، سندی توسط شورای مرکزی تهیه و برای تصویب به کنگره پیشنهاد شده بود (رجوع شود به نشریه کار شماره ۶۳). این سند بر پایه سند «دیدگاه ها و آماج های سازمان»، مصوب کنگره دوم تهیه شده و کوشش شده بود تا ارتباط ضرور و منطقی دارد «با دو سند دیگری که به کنگره ارائه شده بودند، یعنی سند «جهت عمومی برنامه توسعه» و «خط و مشی سازمان»، تامین شده باشد. در این زمینه جز این سند، سند دیگری به کنگره پیشنهاد نشده بود.

کمیسنوی که برای کار روی این موضوع تشکیل شده بود بر اساس رای کنگره سند مذکور را مبنا قرار داد و با اعمال تغییراتی در آن، سندی را تهیه و از تصویب خود گذراند و سپس آن را به کنگره ارائه داد. رسیدگی های بیشتر به سند مصوب کمیسیون مذکور، میسر نشده و کنگره به تصویب قرار در این باره اکتفا کرد. قرار مذکور، شورای مرکزی منتخب کنگره سوم را موظف می کند که بر پایه سند مصوب کمیسیون، سندی را تهیه و به کنگره آتی سازمان ارائه کند. در قرار مذکور بر اعتبار مصوبه کنگره دوم در این باره به عنوان راهنمای عمل سازمان تاکید شده است.

بررسی سند ((جهات عمومی برنامه توسعه در ایران)) و صدور قرار پیرامون آن شورای مرکزی منتخب کنگره دوم، با تشخیص کمبود بزرگی که در سازمان وجود دارد- یعنی فقدان یک سند برنامه ای که مبتنی بر آن بتوان راه های برون رفت جامعه از توسعه نیافتگی را نشان داد و به ارزیابی سایر برنامه هایی که از سوی نیروهای مختلف جامعه اعم از حکومتی یا غیر حکومتی، ارائه می شود نشست- دست به تدارک و اقداماتی برای رفع این نقصان زده بود. در این راستا سندی زیر عنوان ((جهات عمومی برنامه توسعه)) تهیه و در نشریه «کار» شماره ۵۸ منتشر شده بود. شورای مرکزی با ابراز نظر مثبت به این سند و با علم و تاکید به این نکته که دست یابی به یک برنامه توسعه، امری فراتر از عهده ی سازمان سیاسی و مستلزم کار وسیع پژوهشی است، سند مذکور را جهت بررسی و برای راه گشایی های آتی به کنگره ارائه کرده بود.

سخن رانان غالباً جهات اساسی سند را تایید کردند، نواقص آن را نیز از جهات گوناگون خاطر نشان کردند. در سرانجام کار، کنگره قراری را در این باره تصویب کرد. در این قرار از کار انجام یافته تقدیر شده و به شورای مرکزی منتخب کنگره سوم وظیفه سپرده است که اقدامات ضرور را بر پایه سند مذکور برای تدوین نهایی سند ((جهات عمومی برنامه توسعه)) به عمل آورد و نتیجه کار را به کنگره آتی گزارش کند.

تصویب سند «خط مشی سازمان»

در این باره ۵ سند به کنگره ارائه شدند:

«پیش نویس سند خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران» اکثریت. مصوب شورای مرکزی، مندرج در نشریه «کار» شماره ۶۰ (سند شماره ۱)

((واقعیت انقلاب سرنگونی))، مندرج در نشریه «کار» شماره ی ۶۱ (سند شماره ی ۲)،
 «خط مشی مبارزه برای تامین آزادی و دموکراسی» مندرج در نشریه «کار» شماره ی ۶۲ سند
 شماره ی ۳،
 «خط مشی سیاسی پیشنهادی برای ارائه به کنگره سوم سازمان» مندرج در «کار» شماره ی ۶۴،
 سند شماره ی ۴)

علاوه بر این «طرح انحلال جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری موقت آزادی خواهان»
 مندرج در «کار» شماره ی ۶۴ نیز برای ارائه به کنگره منظور شده بود، لیکن در کنگره مدافعی
 نداشت و از بحث و بررسی خارج شد.

کمیسیون منتخب کنگره برای خط مشی سازمان با مبنا قرار دادن سند مصوب شورای
 مرکزی و ملاحظه تمایلات ابراز شده، در سند مذکور تغییراتی اعمال کرده و پس از تصویب
 آن، سند شورای مرکزی را به کنگره پیشنهاد کرد. نتیجه رای گیری در مورد آن که کدام سند
 مبنا قرار گیرد، به قرار زیر بود:

سند شماره ۴: موافق ۱۶ درصد، مخالف ۵۷ درصد.

سند شماره ۲: موافق ۵ درصد، مخالف ۷۶ درصد.

سند شماره ۳: موافق ۶۹ درصد، مخالف ۱۰ درصد.

سند مصوب کمیسیون: موافق ۶۹ درصد، مخالف ۱۰ درصد.

به این ترتیب کنگره سند مصوب کمیسیون را به عنوان سند مبنا انتخاب کرد. آنگاه به
 پیشنهاد های رسیده پیرامون این سند، رسیدگی شد. پاره ای از پیشنهاد ها مورد تصویب کنگره
 قرار گرفتند. ۵۵ درصد حاضران به کلیت سند رای مثبت دادند و ۱۴ درصد رای منفی. نظر
 به این که مطابق آیین نامه کنگره، اسناد اساسی باید حائز ۶۰ درصد آرا باشند، سند مذکور نمی
 توانست مصوبه کنگره تلقی شود. قرار به رای گیری مجدد گذاشته شد.

در نتیجه ۵۹ درصد به کلیت سند رای مثبت و ۱۴ درصد رای منفی دادند. در این مرحله
 کنگره قراری را با ۷۹ درصد رای موافق از تصویب گذراند:

«کنگره مقرر می دارد که تا کنگره آتی، سند حائز اکثریت ۵۹ درصد رای کنگره مبنای عمل
 سازمان قرار گیرد».

تصویب قطعنامه سیاسی:

در جریان تدارک کنگره، شورای مرکزی، گزارشی از روند سیاسی مهم جهان، منطقه و ایران را در فاصله دو کنگره تهیه کرده بود، گزارش مذکور، که خود چکیده گزارش مفصل دیگری بود، تصویر نسبتاً جامع از «جهان پس از فرو پاشی «سوسیالیسم واقعا موجود» و از اوضاع کشور در جهات مختلف را به دست می داد. این گزارش و قطعنامه ی مبتنی بر آن، به کنگره ارائه شده بودند.

سخنرانان غالباً جهات گزارش را مورد تأیید قرار داده و در جهت تدقیق و تکمیل مواضع و ارزیابی های آن، تذکرات و نکاتی را مطرح کردند. مشابه اسناد دیگر، در این مورد نیز کمیسیون مربوطه با مینا قرار دادن قطعنامه مصوب شورای مرکزی و با ملاحظه اظهار نظرات صورت گرفته، قطعنامه ارائه شده را تدقیق کرد و برای تصویب در اختیار کنگره قرار داد. بخش اعظم قطعنامه مصوب کمیسیون از تصویب کنگره گذشت و تنها مواردی از آن که به مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون مربوط می شدند، مورد رسیدگی قرار نگرفتند. این مواد از نظر مضمون در قطعنامه پیرامون مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون آمده اند. از این رو کنگره طی قراری به شورای مرکزی منتخب خود اختیار داد بر پایه سایر مصوبات آن، تغییراتی ضرور در بخش مذکور را وارد کرده و قطعنامه سیاسی را انتشار دهد.

تصویب سند «موازین تشکیلاتی در خارج از کشور»:

در این باره سندی زیر همین عنوان توسط شورای مرکزی تدوین و تصویب و به کنگره پیشنهاد شده بود (رجوع شود به «کار» شماره ۴۰).

همچنین سند دیگری به نام «پیشنهاد اصلاحی در رابطه با طرح موازین تشکیلاتی در خارج از کشور» به کنگره پیشنهاد شده بود (رجوع شود به کار شماره ۴۲).

قریب به اتفاق سخن رانان، نیاز سازمان به اساسنامه ای که موجب آن بتوان به نابسامانی های موجود در تشکیلات خارج از کشور رسیدگی کرد را مورد تأیید قرار دادند. هم چنین غالب سخن رانان با راستا های سند مصوب شورا توافق داشتند. کار تدوین سندی تدقیق و تکمیل شده، به کمیسیون سپرده شد. در رسیدگی بعدی کنگره به موضوع، ضمن رسیدگی به پیشنهاد هایی که در کنگره پذیرفته نشده بودند، سند تنظیمی کمیسیون، جز بخشی از آن که به دستگاه رهبری مربوط می شد، از تصویب کنگره گذشت. تصویب بخش مذکور موکول به تصویب طرحی برای دستگاه رهبری آتی سازمان بود. مورد اخیر به عنوان موضوع

مستقلی در دستور کار کنگره بود. با تصویب طرح برای دستگاه رهبری می بایست وجوه کلی آن استخراج شده و در اساسنامه کنجانده شود. در کنگره این فرصت حاصل نشد و کنگره طی قرار، اختیار اعمال این تغییر را در طرح مصوب کمیسیون، به شورای منتخب سپرد. آنگاه کلیت اساسنامه به رای گذاشته شد. ۷۷ درصد به کلیت سند رای مثبت و ۲ درصد رای منفی دادند.

تصویب قطعنامه پیرامون « مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون »

روابط سازمان با دیگر نیروهای اپوزیسیون، یکی از موضوعاتی بود که مورد توجه فوق العاده کنگره قرار داشت این توجه در اظهار نظر نمایندگان پیرامون عملکرد شورای مرکزی منتخب کنگره دوم، در علاقمندی به راه های برون رفت از بن بست موجود در عرصه همکاری ها میان نیروهای اپوزیسیون و در هنگام تصویب قطعنامه پیشنهادی شورای مرکزی به کنگره در این زمینه بروز داشت.

سند مصوب کمیسیون که مبتنی بر طرح ارائه شده از سوی شورا تهیه شده بود، مورد قضاوت کنگره قرار گرفت. سند دیگری که مورد پذیرش کمیسیون واقع نشده بود، در این نوبت از کار به کنگره پیشنهاد شد ابتدا در این باره که کدامیک از اسناد سند پایه باشد، رای گیری صورت گرفت. نتیجه رای گیری به قرار زیر بود:

سند مصوب کمیسیون: موافق ۶۲ درصد، مخالف ۶ درصد سند دیگر: موافق ۳۳ درصد مخالف

۱۴ درصد. در نتیجه سند مصوب کمیسیون مبنای کار کنگره قرار گرفت. ۷۵ درصد نمایندگان به کلیت سند رای دادند.

تصویب قرار در باره ی « وظایف سازمان در قبال داخل »

مساله ی راه یابی برای رفع موانع عظیمی که بر سر راه ارتباط فعال سیاسی با داخل کشور وجود دارند و در این راستا، تبدیل موضوع داخل کشور به امر عمومی تشکیلات خارج از کشور و احیا امکانات باقی مانده تا در میان مدت و بلند مدت حد معینی از اثر بخشی بر روند های داخل کشور میسر گردد» محتوای این موضوع از دستور کار کنگره بود. سخنرانان غالباً بر لزوم توجه به مسائل داخل کشور و مشارکت تشکیلات خارج در پیشبرد امور مربوط به داخل

تاکید ورزیده و بر این یا آن وظیفه معین انگشت گذاشتند. آنگاه در مورد مبنا قرار گرفتن طرح ارائه شده از سوی کمیسیون رای گیری شد که با ۵۷ در صد آرا موافق و ۱۱ در صد مخالف، طرح به عنوان مبنا پذیرفته شد. پس از دوری از کار کمیسیون جزئیات قرار نیز به رای گذاشته شدند که با تغییراتی مورد تصویب قرار گرفتند. کلیت قرار نیز با ۶۵ در صد آرای موافق تصویب شد.

پیش از ادامه گزارش در باره باقی موضوعات پیش گفته دستور کار کنگره لازم به توضیح است که در نیمه سومین روز کنگره طرحی با یک فوریت از سوی یازده تن از نمایندگان به کنگره پیشنهاد شد. این طرح خواهان بررسی عاجل تنگناهای موجود در سازمان که پیشبرد فعالیت های آن را اکیدا به خود مشروط کرده اند، بود: تنگناهایی که بیش و پیش از همه به صورت محدودیت های فزاینده منابع انسانی و مالی برای پیشبرد فعالیت های اساسی سازمان، مقدم بر همه، انتشار نشریه «کار» و سازمان دهی دستگاه رهبری آن بروز می یابند.

کنگره به اظهار نظر در باره ی فوریت طرح پرداخت. ابتدا تنی چند از مسئولات و دست اندر کاران فعالیت های سازمان، در تشریح دشواری های گریبانگیر سازمان سخن گفتند، و بر این نکته که کنگره باید نسبت به عمق و دامنه ی این دشواری ها اشراف یابد، تاکید کردند. آن گاه پیرامون فوریت بررسی مساله رای گیری شد. کنگره به آن رای مثبت داد و کوشش های خود را در جنب اجلاس های خود برای یافتن راه های برون رفت از تنگناها، آغاز کرد. طرح مذکور، راه را بیش از همه برای حل مساله دستگاه رهبری و تامین نیازهای انسانی نشریه «کار» گشود و اقدامات در کنگره پس از آن در این جهت دنبال شدند.

تصویب قرار مالی:

در راستای رفع پاره ای از دشواری هایی که فوقاً به آنها اشاره شد، شورای مرکزی، قراری را در مورد وضعیت مالی و چگونگی تامین نیازهای مالی برای پیشبرد فعالیت های جاری سازمان، تدوین و تصویب و به کنگره پیشنهاد کرده بود. این قرار، بودجه معینی را برای پیشبرد فعالیت های مرکزی سازمان در دو سال آینده پیش بینی کرده و تشکیلات کشورها را موظف به تامین این بودجه می کرد.

توافق عمومی وجود داشت که مشکل مالی باید با تعهد همگی برای تامین نیازهای مالی سازمان رفع شود و هرکس به فراخور توانایی خود، در این امر مشارکت ورزد. تعدادی از نمایندگان نیز بر دشواری هایی که برای اجرای طرح در حوزه انتخاباتی شان خواهد داشت. اشاره داشتند. عده ای از نمایندگان نیز بر لزوم ضمانت های اجرایی تاکید کردند.

سرانجام قرار به رای گذاشته شد. کمیسیون مربوطه، قرار مصوب شورای مرکزی را به عنوان ماده واحده به کنگره پیشنهاد کرده بود. نتیجه رای گیری از این قرار بود: ۸۹ درصد موافق و ۲ درصد مخالف.

تصویب طرح دستگاه رهبری و انتخاب رهبر آتی:

موضوع دستگاه رهبری نیز یکی از دشواریهای عملی بزرگ کنگره شوم بود. چنانکه فوقا گذشت، کوشش های کنگره برای حل این مشکل از سومین روز شکل مشخصی به خود گرفته بود. پیشتر از آن نیز شورای مرکزی، اقداماتی در این باره به عمل آورده بود و طرحی را برای دستگاه رهبری آتی سازمان نیز تهیه سازند و به کنگره پیشنهاد کرده بود. علاوه بر این طرح، ۲ طرح دیگر نیز به کنگره ارائه شدند. در طرح شورا پیش بینی شده بود که کنگره جمع نسبتا محدودی را به عنوان شورای مرکزی برگزیند، آنگاه شورای مرکزی گروه های کار و شعب لازمه را از بین خود و دیگر داوطلبان، سازمان دهد.

در طرح دیگر، کنگره جمع گسترده ای را به عنوان شورای مرکزی بر می گزید و این جمع گروه های کار و شعب لازمه را و نیز هیئت مسئولین را از بین خود سازمان می داد.

در طرح سوم نیز، کنگره جمع گسترده ای را به عنوان شورای مرکزی بر می گزید و این جمع ضمن انتخاب هیئت اجرای- سیاسی از بین خود، دیگر گروه های کار و شعب لازمه را از بین

خود و داوطلبین، سازمان می داد.

پس از رای گیری، طرح دوم به عنوان طرح مبنی برگزیده شد و از آن پس اقدامات حول اجرای این طرح متمرکز شدند. سرانجام شورای مرکزی آتی، از میان نامزدهای عضویت در شورا، که بیش از نیمی از آراء کنگره را کسب کرده بودند، انتخاب شد.

انتخاب شورای مرکزی پایان کار کنگره نبود:

به هنگام بحث و تصویب اساسنامه تشکیلات خارج کشور و نیز در ارتباط با تصویب قرار مالی، پیشنهادی در کنگره مطرح شد دایر بر انتخاب کمیسیونی توسط کنگره برای نظارت بر امور مالی سازمان. این پیشنهاد مورد توافق کنگره قرار گرفت. از این روی اعضای کمیسیون نظارت نیز می بایست نیز انتخاب می شدند. که این کار توسط کنگره انجام شد.

آن گاه کنگره به صدور چندین قرار و قطعنامه پرداخت :

* قرار در مورد اختیار شورای مرکزی برای تکمیل خود حداکثر تا یک سوم تعداد منتخب در کنگره.

* قرار در مورد اختیار شورای مرکزی برای صدور ۲ پیام برای مردم ایران و به اعضا و هواداران سازمان با نام کنگره.

* قطعنامه درباره ی وضعیت زنان در ایران.

* قطعنامه در محکومیت فشارهای امریکا علیه کوبا و عراق.

* قطعنامه همبستگی با مردم برخی از کشورهای درگیر جنگ.

در پایان، نمایندگان قرار حاکی از قدردانی از شورای مرکزی منتخب کنگره دوم و همه ی رفقای که در پایدار نگاه داشتن سازمان در ۲ ساله ی گذشته تلاش کردند. و نیز تقدیر هیئت رئیسه از اعضای ستاد برگزاری کنگره سوم را با کف زدن های ممتد، مورد تایید قرار دادند.

سومین کنگره ی سازمان مصادف بود با پنجمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، نمایندگان کنگره، در یکی از شب ها به یاد جانباخته گان این فاجعه گرد آمدند و یاد رفقای از دست رفته ی خود را گرمی داشتند. سخن هایی که در این مراسم گفته شد، همه در جهت زنده نگه داشتن آرمان هایی بود که رفقای ما در رها آنها جان باختند و کنگره در آن شب بار دیگر به این آرمانها اعلام وفاداری کرد.

سومین کنگره سازمان چنانکه دومین کنگره مقرر کرده بود، بموقع برگزار شد و با رسیدگی به دستور که پیش روی خود نهاده بود، و به اعتباری چیزی هم بیشتر، به کار خود خاتمه داد.

برگزاری به موقع کنگره سوم را، دیگر نمی توان تصادفی در زندگی سازمان تلقی کرد. می توان آنرا تجلی لازمه ی یک دموکراسی نهادینه شده در سازمان دانست. این واقعیت در کنگره و فضای آن نیز متجلی بود: فضایی که اندیشه های گوناگون، وجود یکدیگر را تهدیدی برای موجودیت خود حس نمی کنند و درها را برای تبلیغ خود، بسته نمی بینند.

تعدد موضوعاتی که در دستور کنگره قرار داشتند و توفیق کنگره در اخذ تصمیمی پیرامون جهات مختلف فعالیت سازمان، در تجربه سازمان بی سابقه بود: پس از طوفانی از تحولات که همه ی عرصه های زندگی سازمانی را در نوشته بود، این توفیق نشان از آمادگی برای ترسیم همه جانبه و جامع سیمای نوین سازمان بود.

اما فراتر از همه ی اینها کنگره ی سوم موجبی برای آگاهی سازمان به موقعیت دشوار و پیچیده ی خود بود، موجبی برای خود آگاهی آن تا این آگاهی چراغی باشد فرا روی آن برای طی طریق در مسیر ناهموار اما، تابناکی که پیشرویی نیروهای چپ و دموکرات گشوده شده است.

دیدگاه ها و آماج های

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»، از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه، با آرمان آزادی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن، خدمت به کارگران و زحمتکشان و تامین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی ایران بوده است.

سازمان ما در طی دو دهه پیکار خود فراز و فرود هایی بسیار را پشت سر گذاشته، تجارب بسیار اندوخته و برای تصحیح و تکامل دیدگاه ها برنامه و سیاست خود کوشیده است. سازمان ما اکنون با درس آموزی از تجارب «انقلاب بهمن» و مرز بندی با دیدگاه هایی که منجر به حمایت سازمان از رژیم ضد دموکراتیک و ارتجاعی جمهوری اسلامی گردید و نیز با بهره گیری از تجارب ناشی از فرو پاشی «اردوگاه سوسیالیسم» و تحولات چپ در عرصه بین المللی، می کوشد برنامه سیاست و عمل خود را منطبق با واقعیات جامعه ما و جهان امروز تنظیم نماید. در دو دهه اخیر، هزاران تن از بهترین فرزندان مردم کشور ما علیه دیکتاتوری و برای آزادی های سیاسی، استقلال، عدالت اجتماعی و تامین رفاه زحمتکشان، در صفوف سازمان و پیکار آن را بخشی از جنبش چپ ایران و پیکار تاریخی آن در طول بیش از ۸۰ سال مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی می دانیم.

سازمان ما یک سازمان ایدئولوژیک یعنی سازمانی که از نظام فکری- فلسفی خاص پیروی می کند، نیست و در تدوین و تنظیم برنامه خط مشی سیاسی و امور تشکیلاتی خود، از مجموعه ی اندیشه و دانش پیشرو و معاصر بهره می گیرد.

سازمان ما مدافع حقوق بشر و دموکراسی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و رفاه مردم ایران است و در راستای باور به ارزش های انسانی و عموم بشری خواهان تامین منافع ملی و استقلال کشور، صلح و ارزش های سوسیالیستی می باشد.

سازمان ما بر آن است که برای نوسازی فرهنگی و اجتماعی کشور باید با جهل، سنن و ارزش های خرافی و غیر انسانی و خوار داشت دانش و اندیشه، مبارزه پیگیر داشت. ما عدم مردم سالاری، نابرابری حقوق زن و مرد و ستم ملی، نژادی، مذهبی، عقیدتی را از نمود های بارز عدم تعادل و ناهنجاری جامعه می شناسیم و مبارزه در راه رفع آن را از اهداف والای خود می دانیم.

به باور سازمان ما:

بنیاد آزادی، آزادی فردی است و فرد باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشد. ما در راه جامعه ای پیکار می کنیم که در آن تکامل آزاد هر فرد، شرط تکامل همگان است. ما حقوق بشر و آزادی های سیاسی و اجتماعی را جز ارزش های عموم بشری به شمار آورده و آنها را محصول پیکار نیروهای آزادی خواه جهان در طی قرن ها و مبارزات جنبش کارگری و دموکراتیک در دو قرن اخیر می دانیم. ما از آزادی افراد در باور به مکاتب فلسفی و ادیان و مذاهب مختلف جانبداری می کنیم و از آزادی فعالیت دگر- اندیشان و مخالفین سیاسی دفاع نموده و برای تامین حقوق دموکراتیک آنها تلاش می کنیم.

سازمان ما:

حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده ی مردم می داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت، و به نظام چند حزبی معتقد است.

هدف اساسی سازمان، تامین گسترده عدالت اجتماعی، رهایی انسان از هرگونه ستم اجتماعی و طبقاتی، بهره کشی فرد از فرد، تامین رفاه انسانها و رشد آزادانه و همه جانبه آن ها است.

ما دموکراسی و عدالت اجتماعی را در پیوند نزدیک با هم می دانیم، تامین عدالت اجتماعی پشتوانه دموکراسی و مناسبات صلح آمیز در جامعه است و تحقق گسترده عدالت اجتماعی در شرایط وجود گسترش دموکراسی و حقوق دموکراتیک مردم امکان پذیر است.

ما به الویت منافع رشد اقتصادی بر منافع گروه بندی اجتماعی و به درهم آمیزی عدالت اجتماعی با رشد اقتصادی، معتقد هستیم. عدالت اجتماعی بر بستر رشد اقتصادی، رفاه مردم، غلبه بر عقب ماندگی و اعتلای فرهنگی می تواند تامین شود. ما تامین عدالت اجتماعی را روندی

طولانی می دانیم و مبارزه در راه تعدیل نابرابری های اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی را وظیفه دائمی خود می شماریم .

سازمان ما، به تامین منافع ملی و استقلال کشور و پی ریزی ایرانی آزاد و مستقل و به شرکت گسترده ایران در روابط بین المللی و برقراری مناسبات با دیگر کشورها، در جهان به هم پیوسته کنونی اعتقاد داریم. مبنای برقراری مناسبات با سایر کشورها، تامین منافع ملی کشور، اتخاذ تصمیمات مستقلانه و تضمین برابری حقوق با دیگر کشورها است .

سازمان ما خواهان صلح پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشریت و خلع سلاح همگانی است. سازمان خواستار تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، استقرار نظم اقتصادی عادلانه و برابر حقوقی در مناسبات بین المللی و امحا مناسبات نابرابر و غارتگرانه بین شمال و جنوب، پاسداری خردمندانه از محیط زیست در کره زمین بهره وری دموکراتیک از دستاوردهای علمی و فنی توسط تمام کشورها ، الغا نژاد پرستی، زدایش فقر و بی سوادگی، رعایت بدون قید و شرط حقوق بشر در همه کشورها، زدایش قهر در مناسبات بین انسانها است. ما مدافع اشکال متنوع همبستگی جهانی در دفاع از صلح، حفظ محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه اقتصادی و سیاسی جهان کنونی و در تلاش عمومی برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی هستیم.

سازمان ما در راه سوسیالیسم به مثابه یک آرمان اجتماعی و نظام ارزشی پیکار میکند.

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

خط مشی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

معضل دیر پای جامعه ما، توسعه نیافتگی است. سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به عنوان نیروی مدافع و مروج دموکراسی تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی، تلاش در راه غلبه بر موانع توسعه را در صدر وظائف خود قرار میدهد. فعالیت ما در خدمت زمینه سازی و پایه ریزی برنامه توسعه و اجرای آن است.

در راستای تحقق این سمت گیری، سازمان سلطه و نفوذ اقشار انگل و غارتگر در اقتصاد کشور و خصلت فقهاتی و استبداد جمهوری اسلامی و سیاست های حاکم بر آن را مغایر منافع مردم و مصالح کشور می شناسد و خواهان دگرگونی ساختار سیاسی حاکم بر کشور و نیز تحول دموکراتیک در فرهنگ و نهاد های سیاسی جامعه است. مبارزه فکری و سیاسی با رژیم؛ کار سیاسی و فکری - فرهنگی گسترده برای ایجاد زمینه های دگرگونی دموکراتیک در جامعه و تلاش در راه متحول کردن فرهنگ سیاسی در کشور، جهات اصلی خط مشی سازمان است. رژیم جمهوری اسلامی جامعه ما را از جهان مختلف به عقب برده و مانعی اجدی در راه تحقق دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشور است. با ادامه حاکمیت این رژیم، دور نمایی برای تحقق اهداف فوق وجود ندارد. لذا مردم ایران برای رسیدن به دموکراسی تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی، ناگزیر سلب حاکمیت از حکومت گران مستبد و فقهاتی و استقرار حاکمیت مبتنی بر دموکراسی، به جای رژیم حاکم هستند. رای آزادانه مردم، باید نوع حکومت و قانون اساسی را تعیین کند. سازمان ما جمهوری مبتنی بر دموکراسی را، یگانه شکل مناسب و ضرور نظام حکومتی در ایران می داند. مبارزه برای این هدف از ارکان اساسی خط مشی سازمان ما است.

در مشی سیاسی ما مبارزه علیه استبداد و برای تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد.

مابرای پیشبرد این خط مشی بر تحکیم ارتباط با مردم روشنگری، بسیج و سازماندهی توده ها تکیه داریم. ما دفاع از حقوق اجتماعی- اقتصادی مردم و حمایت از مطالبات و مبارزات ترقیخواهانه آنها را از وظایف مهم خود می دانیم. ما می کوشیم نارضایتی و مبارزه مردم علیه رژیم در جهت تحولات دموکراتیک و ترقی خواهانه را سمت گیرد و رژیم را هرچه بیشتر به عقب نشینی وا دارد.

برای ایجاد تحول دموکراتیک در کشور، دگرگونی اساسی در فرهنگ سیاسی کشور امری است ناگزیر و از این رو روشنگری و مبارزه با هر نوع گرایش و حرکت واپس گرایانه و مستبدانه، سنت های استبداد ریشه دار جهل و خرافات و انحرافات و بدآموزی های سیاسی در میان مردم و نیروهای سیاسی کشور، از اهم وظایف ماست.

حرکت فرهنگی ترقی خواهانه و دموکراتیک جاری در کشور، جریانی رو به گسترش علیه اندیشه های ارتجاعی و سرکوب گرایانه است. سازمان ما این حرکت را از اشکال موثر مقابله با تحمیلات واپس گرایانه رژیم ارزیابی می کند و مشارکت در این حرکت فرهنگی و حمایت از آن را جزو وظایف خود می داند.

ما از تلاش در جهت اداره علمی کشور و نهاد های حکومتی، و از تلاش برای عرفی کردن شئون کشور، که هر دو از فراگیرترین اشکال مقابله ی جامعه با حاکمیت فقه است، پشتیبانی می کنیم و بازتاب این تلاش ها را در حکومت جمهوری اسلامی، به سود جامعه می دانیم. رفع موانع بازگشت مهاجران به کشور برای حضور و فعالیت و مشارکت موثر آنان در امر بازسازی، به سود کشور است. سازمان در راه رفع موانع موجود بر سر راه بازگشت مهاجرین تلاش می کند.

سازمان ما در راه شکل گیری جبهه ای از جمهوری خواهان دمکرات مبارزه می کند. ما در راه رسیدن به چنین جبهه ای، همکاری ها و اتحادهای دو جانبه و چند جانبه بین نیرو های دموکراتیک ملی و چپ را ضروری دانسته و برای تامین آن مبارزه می کنیم.

برای تحقق دموکراسی؛ تجدد، پیشرفت، و عدالت اجتماعی در کشور به حضور موثر و متشکل چپ دموکرات در جامعه نیاز است. ما مبارزه به خاطر نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ ایران را از وظایف خود می شناسیم.

سازمان ما، سیاست اتحاد عمل با همه ی بخش های اپوزیسیون علیه نقض حقوق بشر و اقدامات سرکوب گرانه رژیم در برابر مخالفان خود را فعالانه پیگیری می کند. طیفی از نیروهای مذهبی در جهت پذیرش دموکراسی و حاکمیت قانون و تعهد به آن حرکت می کند. ما با این روشنفکران مذهبی سیاست بحث و گفتگو در پیش می گیریم و ضمن مخالفت با مواضع منفی آنها، در جهت تقویت مخالفت آنان با استبداد مذهبی حاکم و تقویت مواضع مثبت شان می کوشیم.

ما در مبارزه علیه رژیم، سمت اصلی مبارزه خود را متوجه قشری ترین و سرکوب گرتترین مواضع و گرایش ها در حکومت می کنیم.

سازمان ما مدافع حق موجودیت و فعالیت سیاسی همه جریان های سیاسی و فکری کشور و امکان مشارکت آنان در انتخابات و مدیریت جامعه بر اساس رای مردم به شرط اعلام تعهد و پای بندی به حقوق مخالفان می باشد. ما خواهان دموکراتیزه شدن مناسبات بین نیروهای سیاسی کشور هستیم و در این را تلاش می کنیم.

برای آنکه تحولات سیاسی کشور در جهت استقرار دموکراسی جریان یابد لازم است مبارزه سیاسی و فکری با هر شکل از حکومت دینی و سلطنتی و هرگونه سیادت ایدولوژیک ادامه یابد.

سازمان ما در پیشبرد مشی سیاسی خود می کوشد از امکانات و فشارهای بین المللی در جهت مصالح دموکراسی و منافع کشور بهره گیرد. ما برای رسیدن به ایرانی دموکراتیک و فدرال که در آن همه ی ملیت ها و اقوام کشور خود را عضو برابر حقوق میهن واحد بدانند، علیه هر شکلی از ستم ملی در کشور از یک سو و برای یکپارچگی ایران و مقابله با هر نوع توطئه خارجی علیه تمامیت میهنمان از سوی دیگر توأمان مبارزه می کنیم.

در مبارزه علیه رژیم خود کماه ما بر کاربست اشکال سیاسی و مسالمت آمیز تاکید داریم. سازمان ما می کوشد مبارزه با رژیم از طریق فعالیت سیاسی گسترده و متشکل و حتی

المقدور در اشکال مسالمت آمیز به نتیجه برسد. ما با تروریسم به هر شکلی و به خاطر هر هدفی و از سوی هر نیرویی مخالفیم .

سازمان ما برای گذار از استبداد حاکم به دموکراسی و نهادینه شدن دموکراسی در کشور بر انتخابات آزاد، تامین آزادی های سیاسی به ویژه آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی در کشور، و تعهد به رعایت این آزادی از سوی هر شرکت کننده در انتخابات است.

موازین و مناسبات تشکیلاتی در خارج از کشور

مصوب کنگره سوم

مقدمه:

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمانی سیاسی است که برای تامین دموکراسی توسعه و عدالت اجتماعی می کند. آرمان سازمان، سوسیالیسم است. باور به ارزش های مشترک و یگانگی در راستاهای اساسی برنامه و موازین مناسبات تشکیلاتی (اساسنامه) مبنای فعالیت مشترک در سازمان است. مناسبات تشکیلاتی سازمان بر بیشترین دموکراسی، علنیت و تعهد آگاهانه استوار است .

شرایط عضویت:

- ۱- ایرانی بودن.
 - ۲- حداقل سن ۱۸ سال.
 - ۳- تعهد به رعایت اساسنامه و فعالیت در راه آماج های مشترک سازمان.
 - ۴- تقاضای عضویت، به همراه معرفی نامه دو عضو سازمان.
- تبصره ۱: واحد پایه در مورد تقاضا عضویت تصمیم می گیرد و تصمیم خود را به اطلاع ارگان بالاتر می رساند.

تبصره ۲: کسانی که تاکنون رسماً از سازمان استعفا نداده اند و یا عضویت آنها از طرف ارگان های سازمان لغو نشده است، با اعلام آمادگی برای فعالیت مجدد، کماکان عضو سازمان محسوب شده مشمول الزامات متقابل این اساسنامه می شوند.

حقوق و وظایف اعضا:

۵- اعضا حق دارند:

- نظرات پیشنهادات و انتقادات خود را به ارگان های سازمانی ارائه داده و توضیح بخواهند.
 - از فعالیت ها و تصمیمات ارگان های بالاتر و همچنین از پیشنهادات و نظرات موجود در تشکیلات مطلع شوند.
 - در واحد های سازمانی و کنفرانس ها، خود را برای مسئولیت های مختلف نامزد نموده و نمایندگان خود را انتخاب کنند
 - برای تهیه اسناد و ارائه آن به ارگان های سازمانی، در هر سطح از تشکیلات همفکری کنند.
- ۶- اعضا وظیفه دارند:

- حق عضویت خود را بپردازند
 - در ارتباط ممکنه با واحد سازمانی، به تناسب امکانات شان، سازمان را در پیشبرد وظایف اش یاری رسانند.
- حق گرایش های فکری:

۷- گرایش های مختلف فکری در سازمان، حق انتشار نظراتشان را در ارگان های سازمانی دارند.

ارزش گذاری:

۸- فعالیت در راستای تحقق وظایف سازمان، یک ارزش است. فعالیت اعضا در سطوح مختلف سازمان، ارج گذاشته می شود.

۹- نقض اساسنامه در اجلاس سازمانی مورد رسیدگی و قضاوت قرار می گیرد.

۱۰- شورای مرکزی، به درخواست احتمالی دایر بر لغو عضویت عضوی توسط ارگان مربوطه رسیدگی و تصمیم ضرور را اتخاذ می نماید.

۱۱- ساختار تشکیلات عبارت است از: واحد های محلی (شهری) واحد های کشوری و دستگاه رهبری.

- ۱۲- حداقل تعداد اعضا یک واحد (شهری یا کشوری) سه نفر است.
- ۱۳- مسئول یا ارگان مسئول واحد محلی، در اجلاس عمومی واحد و مسئول یا ارگان مسئول واحد کشوری در کنفرانس کشوری انتخاب می شود.
- ۱۴- واحد کشوری در چهار چوب مصوبات کنگره و شورای مرکزی برنامه فعالیت خود را تنظیم کرده و پیش می برد.

کنگره:

- ۱۵- کنگره عالی ترین ارگان سازمان است.
- ۱۶- کنگره خط مشی برنامه، اساسنامه و جهات عمومی سیاست های سازمان را تعیین می کند و فعالیت های سازمان و ارگان های رهبری آن در فاصله دو کنگره را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد و اعضای شورای مرکزی و کمیسیون نظارت مالی را بر می گزیند.
- ۱۷- کنگره عادی به فاصله دو سال از کنگره قبلی تشکیل می شود.
- ۱۸- کنگره فوق العاده، به درخواست یک سوم اعضای سازمان یا شورای مرکزی تشکیل می شود.
- ۱۹- اعضای واحدهای سازمانی، با حق رای مساوی، نمایندگان کنگره را انتخاب می کنند. تبصره: ۱- تعداد مدعوین به کنگره، حداکثر یک چهارم نمایندگان کنگره می باشد. تبصره ۲: شورای مرکزی، پیشنهاد های ارگانهای سازمان و توافق کمیته های کشوری مربوطه را برای دعوت از نمایندگان مبنای کار قرار می دهد.
- ۲۰- اعضای شورای مرکزی با حق رای در کنگره شرکت می کنند. این افراد در انتخاب نمایندگان شرکت ندارند.
- ۲۱- شورای مرکزی، شش ماه قبل از تشکیل کنگره، نسبت بین تعداد نمایندگان و اعضای تشکیلات را تعیین می کند.

دستگاه رهبری در فاصله ی دو کنگره:

- 22- شورای مرکزی که عالی ترین ارگان رهبری سازمان در فاصله دو کنگره می باشد، تعدادی از اعضای خود را به عنوان هیئت اجراییه انتخاب کرده و بقیه را در گروه های کار سازماندهی می کند.

- 23- اجلاس شورای مرکزی، فعالیت های هیئت اجرائیه را در همه ی عرصه های سیاسی، تشکیلاتی و مالی، در فاصله دو اجلاس خود بررسی نموده و راستاهای فعالیت آن را تا اجلاس بعدی شورا تعیین می کند.
- 24- شورای مرکزی، حق ترمیم و تکمیل خود را، حداکثر تا یک سوم تعداد منتخب کنگره دارا است.
- 25- شورای مرکزی بر پایه مصوبات کنگره، مواضع سازمان را در قبال رویدادهای کشور تعیین و سازمان را در رابطه با دیگر نیروهای سیاسی، اعم از ایرانی و خارجی، نمایندگی می کند.
- 26- شورای مرکزی، فعالیت های گروه های کار و دیگر ارگان های سازمان را هدایت می کند.
- 27- شورای مرکزی، مسئول تنظیم امور مالی سازمان و ارائه ی گزارش کامل فعالیت مالی به کمیسیون نظارت مالی است.
- 28- کمیسیون نظارت مالی موظف است نظر و ارزیابی خود را درباره ی چگونگی فعالیت مالی دستگاه رهبری، به کنگره ی بعدی ارائه دهد.

قطعه نامه

در باره ی همکاری و گسترش روابط سیاسی با نیروهای اپوزیسیون مصوب کنگره سوم

بررسی وضعیت عمومی نیروهای اپوزیسیون رژیم و مناسبات میان این نیروها نشان می دهد که هنوز اپوزیسیون رژیم در زمینه ی فعالیت سیاسی دچار «رکود» و در زمینه اتحاد، با موانع جدی روبرو است. ارزیابی ما از مناسبات و حد آمادگی نیروهای آزادیخواه کشور برای تشکیل جبهه جمهوری، این است که در چشم انداز نزدیک چنین جبهه ای تشکیل نخواهد شد. در عین حال نشانه های مثبتی بر پذیرش و تحمل موجودیت یکدیگر تقویت روح همکاری در بدنه ی تشکل های سیاسی و همین طور موضع گیری های سیاسی مشترک میان احزاب و منفردین سیاسی در سطح اپوزیسیون وجود دارد..

ما بر این نظر هستیم که علیرغم وجود موانع و مشکلات فراوان برای تشکیل جبهه، زمینه همکاری سیاسی میان نیروهای ملی دموکراتیک (چپ و ملیون) فراهم می شود. جهات عمده ی فعالیت ما:

1- سازمان ما در راه شکل گیری جبهه ای از جمهوری خواهان دمکرات و تبدیل آن به آترناتیو رژیم مبارزه می کند. ما به چنین جبهه ای، همکاری سیاسی و اتحاد عمل های دو جانبه و چند جانبه بین نیروها و شخصیت های ملی دموکراتیک (چپ و ملیون) و جریان های ملی محلی را در شرایط کنونی ضرور می دانیم و برای تامین آن تلاش می کنیم. در این جهت اقدامات زیر را ضروری می دانیم:

الف - تهیه و انتشار یک نشریه مشترک خبری - سیاسی،

ب - ایجاد یک نهاد برای همکاری سیاسی و اتحاد عمل، مرکب از نمایندگان احزاب، سازمان ها جمعیت ها و افراد وابسته به نیرو های ملی - دموکراتیک یا با شرکت افراد مستقل.

ج - تشکیل کمیسیونی مرکب از این نیرو ها جهت سازمان دادن بحث و گفتگو در اشکال گوناگون پیرامون مسائل و موانع همکاری ها و اتحاد و اصول ناظر بر آن

۲- سازمان برای تحقق دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشورمان مبارزه می کند برای تحقق این اهداف، حضور متشکل و نیرومند چپ در جامعه، امر ضروری است. ما مبارزه به خاطر نزدیکی نظری و عملی این نیروها را از وظایف خود می دانیم. ما تحقق این هدف را از طریق فعالیت مشترک میان نیروهای چپ در زمینه ی همکاری های عملی گسترده، تشکیل سمینارها، بحث های آزاد، تشکیل میزگرد و انتشار نشریه مشترک، امکان پذیر می دانیم.

۳- سازمان ما در جهت تنظیم و تحکیم مناسبات دموکراتیک با احزاب سازمان ها جمعیت ها کانون ها و شخصیت ها ی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی ،که هرکدام به شکلی علیه واپس گرایی و استبداد حاکم و برای تامین آزادی و حقوق مردم در ایران مبارزه می کنند،کوشش می کند.

سازمان ما در راه برقرای پیوند بین نیروهای منتقد و مخالف رژیم در داخل کشور با نیرو های اپوزیسیون در خارج از کشور تلاش می ورزد.

سازمان مدافع همکاری سیاسی حول دفاع از حقوق بشر و مخالفت با سیاست های سرکوب گرانه و تروریستی رژیم با مشروطه خواهانی است که موضع روشن نسبت به رژیم استبداد پهلوی دارند.

قطعه نامه ی سیاسی

مصوب کنگره سوم

درباره ی روندهای جهانی :

۱- تشدید تضاد همه سویه میان قدرت های بزرگ صنعتی - نظامی با کشورهای کم رشد یافته تلاش برای حفظ و گسترش بازار تسلیحات نظامی و کانون های جنگ و تنش از سوی این قدرت ها علیرغم پایان جنگ سرد تلاش انحصارات صنعتی - نظامی برای تامین منافع خویش از طریق غارت دیگر کشورها تخریب مناسبات میان ملت ها و ویران سازی محیط زیست، و نیز بحران های سیاسی- اجتماعی کشورهای نا رشد یافته و ناتوانی آن ها در غلبه بر مشکلات بی شمار خویش، منشا اصلی بحران های و ناهنجاری های کنونی در جهان است تلاش برای تعدیل و از میان برداشتن این بحران ها و کوشش برای مهار اوضاع جهان در راستای تامین صلح و مناسبات عادلانه میان ملت ها نیاز بزرگ و حیاتی و مبرم این دوران است.

۲- واپس گرایی و افراطی گری، ستیزه جویی ها قومی، بنیادگرایی، استبداد و سلطه جویی و قدرت طلبی در کشورهای در حال رشد از یک سو موانع عمده بر سر راه توسعه این کشور ها و از سوی دیگر موجبات افزایش در گیری های منطقه ای هستند. در برابر اینگونه تمایلات، سازمان ما از ایده ی صلح و دموکراسی، همبستگی جهانی و ارزش های عموم بشری دفاع می کند و در راه همکاری ملل و بسط پیوندهای اقتصادی و فرهنگی میان آنان تلاش می نماید.

۳ - ما ضمن دفاع از اصل حق تعیین سرنوشت ملت ها و مبارزه ملیت های تحت ستم برای دست یابی به حقوق پایمال شده خود از بیشترین حد همکاری و نزدیکی میان ملت ها دفاع می کنیم. در کشورهای کثیر المله از همزیستی عادلانه ملت ها در چهار چوب یک کشور واحد استقبال می کنیم .

۴- ما خواهان نقش فعال همه ی نهادهای حقوق بشر در سراسر جهان به ویژه نهاد های رسمی مانند سازمان ملل متحد در جلوگیری از نقض حقوق بشر در همه ی کشور ها هستیم

سازمان ملل متحد برای حل مسائل پیچیده بین المللی و پاسداری از حقوق در مقیاس جهانی نیازمند تحولی دموکراتیک، از جمله افزایش حقوق و اختیارات مجمع عمومی و لغو

حق «وتو» است. سوء استفاده قدرت های بزرگ از سازمان ملل برای پیشبرد اهداف سیاسی، به اعتبار و حیثیت این سازمان لطمه می زند.

در باره مسائل منطقه و سیاست خارجی کشور :

۵- ما خواهان مناسبات دوستانه با همه ی کشورهای جهان و همکاری و حسن هم جواری با همه ی همسایگان خود، بر پایه موازین بین المللی و احترام متقابل به حاکمیت ملی یکدیگر هستیم. ما صدور بنیاد گرایی، خارجی ستیزی و دشمن تراشی رژیم اسلامی را ضد مصالح و منافع ملی ایران می دانیم و علیه مداخله گری و ماجراجویی های سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در سایر کشور های مسلمان، مبارزه می کنیم. ما خواهان جهت گیری سیاست خارجی به سود برقراری صلح امنیت در منطقه هستیم. در عین حال ما مداخله جویی و سیاست های توسعه طلبانه رژیم حاکم بر سایر کشورهای منطقه به ویژه اسرائیل و ترکیه را نیز محکوم می کنیم.

۶- ما خواهان شکل گیری سیستم امنیت و همکاری کشور های منطقه برای جلوگیری از تکرار فجایعی مانند تجاوز عراق به ایران و کویت هستیم. ما با حضور نظامی قدرت های بزرگ، به ویژه ایالات متحده آمریکا، در خلیج فارس و کل خاور میانه مخالفیم خواهان قطع مسابقه تسلیحاتی تهدید کننده در میان کشورهای منطقه هستیم. ما برآنیم که امنیت و ثبات در منطقه حساس خلیج فارس، تنها با مشارکت و همکاری همه کشورهای ساحلی خلیج فارس قابل تامین است.

۷- ما خواهان اجرای کامل مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد برقراری صلح میان ایران و عراق و انعقاد هر چه زود تر قرار داد صلح میان دو کشوریم. ما سیاست کوتاه بینانه جمهوری اسلامی در جهت سو استفاده از ضعف عراق را محکوم می کنیم.

۸- سازمان، ماجراجویی و سرکوبگری های رژیم صدام حسین را محکوم می کند. به نظر ما قصد این رژیم برای یورش به کردستان و قتل عام شیعیان، باید با حضور قاطع سازمان ملل، مهار و خنثی شود. در عین حال ما معتقدیم که آینده عراق باید توسط مردم این کشور و به دور از مداخله های خارجی و یا سرکوب حکومتی، تعیین شود.

۹- ما ادعای ارضی امارات متحده عربی نسبت به سه جزیره ایرانی در خلیج فارس را بی اساس می شناسیم و محکوم می کنیم. این گونه اقدامات و تحرکات به زیان امنیت و ثبات منطقه حساس خلیج فارس است. در عین حال ما خواهان حل اختلاف طرفین از طریق مذاکره هستیم.

توافقات قبلی میان ایران و امارات در باره ابو موسی ، مبنای مناسبی برای حصول به توافق جدید است .

۱۰- جنگ قدرت خونین و ویرانگر در افغانستان ابعاد فاجعه باری یافته است. ما کشور های منطقه و همسایه افغانستان را به تشکیل کنفرانسی زیر نظر سازمان ملل متحد برای پایان دادن به فاجعه افغانستان فرا می خوانیم .

۱۱- ما خواهان حل مسالمت آمیز اختلافات اعراب و اسرائیل هستیم. بدین منظور کنفرانس صلح خاورمیانه باید اسرائیل را به ترک بلندی های جولان جنوب لبنان و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه و استقرار پایتخت آن بیت المقدس شرقی، ملزم نماید. در عین حال ، دولت اسرائیل نیز باید از حق موجودیت و داشتن مرزهای امن برخوردار باشد.

۱۲- ادامه جنگ میان آذربایجان و ارمنستان ،امنیت و ثبات این منطقه را،که در مجاورت مرزهای شمال غربی کشور ما است، در معرض مخاطره قرار داده است. ما ضمن محکوم کردن عملیات تهاجمی ارمنستان به خاک آذربایجان، خواهان عقب نشینی کامل آن به مرزهای سابق و قطع جنگ و حل فصل اختلافات دو کشور همسایه از طریق مذاکره و راه های مسالمت آمیز با رعایت اکید منافع دو ملت هستیم .

۱۳- ما خواهان افزایش موثر اقدامات نهاد های صلاحیت دار بین المللی و کشورهای جهان ، برای وادار کردن رژیم استبدادی ایران به رعایت حقوق بشر و موازین بین المللی هستیم .

درباره ی روند های اقتصادی:

۱۴- برنامه ی تعدیل اقتصادی آقای رفسنجانی، در جهات عمده ی آن، آشکارا شکست خورده است. علت این شکست در وهله اول سلطه ولایت فقیه بر کشور و نیز عمل کرد شخص

هاشمی رفسنجانی است که حفظ موقعیت خود را بر حل و فصل مسائل مملکت و اقتصاد آن مقدم می‌داند. روند های دوساله ی اخیر نشان میدهد که هاشمی رفسنجانی و دولت او نه می‌توانند و نه می‌کوشند یک سیاست سازنده اقتصادی را به اجرا بگذارند.

درباره ی نیروهای مختلف جمهوری اسلامی :

در حال حاضر مسئولیت اصلی فلاکت اجتماعی و تباهی کشور با دو گروه اجتماعی انگل، یعنی، روحانیت حاکم و تجار بزرگ متحد آنها است. نمایندگان سیاسی این دو گروه، هسته اصلی بلوک قدرت را تشکیل می‌دهند مبارزه با این بلوک قدرت، مضمون اصلی مبارزه سیاسی و اجتماعی سازمان ما در شرایط فعلی است.

۱۶- مخالفت پیگیر با استبداد حاکم، متوجه کردن سمت اصلی مبارزه علیه راست گرایان قشری و واپس گرایان حزب اللهی به پرچم داری خامنه ای که کارزار مقابله با تهاجم فرهنگی را به راه انداخته است، افشا پی گیر اقدامات و توهم پراکنی های رفسنجانی، که درصدد حفظ استبداد فقهاتی است و در عین حال تلاش برای سمت دادن تکنوکرات های حکومتی به پایداری در برابر فشارهای روحانیت حاکم و تقویت موقعیت خود جهات سیاست و تاکتیک های سازمان ما با نیروهای گروه بندی حاکم است .

۱۷- آیت الله منتظری در نظام جمهوری اسلامی از امکانات بالفعل و بالقوه برخوردار است. سازمان ما از آن بخش از انتقاد های آیت الله منتظری نسبت به گروه بندی حاکم که با جهت گیری های نیروهای دموکراتیک کشور همسو است، حمایت می‌نماید و تضحیقات سیاسی رژیم علیه وی را محکوم می‌کند.

۱۸- گروهی از نیروهای اسلامی طی دو سال گذشته در جهت فاصله گیری از مواضع قشری و ضد دموکراتیک و در راستای نزدیک شدن به برخورد غیر سرکوب گرانه و نیز خردمندانه با مسائل سیاسی - اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، گامهای مثبتی برداشته اند. ما از این تحولات استقبال می‌کنیم و ضمن تداوم سیاست خود ناظر بر انتقاد از مواضع منفی این نیروها، آنها را بیش از پیش به اتخاذ مواضع سازنده با خصلت مترقی و آزادیخواهانه فرا می‌خوانیم. ما سیاست فشار گروه بندی حاکم علیه این نیروها را محکوم می‌کنیم .

ما در عین حال حرکت فکری خردگرا و تحول طلبی را که در میان بخشی از روشنفکران مسلمان درون و جنب نظام آغاز شده است، علیه استبداد روحانیت حاکم و تحجر دینی ارزیابی می کنیم و آن را، تحولی مثبت در جامعه می دانیم که همچنان ادامه خواهد یافت. ما اقدامات سرکوب گرانه ی نهادهایی چون «دادگاه ویژه ی روحانیت»، روزنامه هایی نظیر: *کیهان*، *رسالت* و *جمهوری اسلامی و افرادی از قبیل جنتی و آذری قمی*، علیه حاملین و مدافعان این حرکت را محکوم می کنیم .

در قبال فشار های وارده بر مردم از سوی رژیم :

۱۹- گرانی وحشتناک، فقر فزاینده و فاصله طبقاتی با عمقی بیشتر از هر زمان، واقعیت کنونی زندگی مردم ماست. تحت حاکمیت این رژیم بی تدبیر و ویرانگر، چشم انداز روشنی برای گشایش این وضع نابهنجار دیده نمی شود. ما برآنیم که اعتراض و مبارزه علیه وضع موجود و علیه تجار غارتگر، می تواند رژیم را به تعدیل هایی در فشارهای کمر شکن معیشتی و ادار نماید.

۲۰- زنان، آماج نخستین کارزار «نهی از منکر» هستند. پوشش اجباری، اعمال انواع قیودات واپس گرایانه، راندن زنان به کنج خانه و تحقیر و آزار آنان در ملا عام عملکرد رژیم در قبال زنان میهن مان است. سازمان ما با تاکید بر جایگاه و مقام مبارزه آزادیخواهانه زنان در مبارزه علیه رژیم فقهاتی حاکم، از حقوق عرفی و انسانی زنان میهن مان پشتیبانی کرده و آنان را به استقامت در برابر فشارها و تحمیلات رژیم فرا می خواند.

۲۱- جنجالی که حکومت تحت عنوان مبارزه با تحاجم فرهنگی به راه انداخته است، قبل از همه تهاجم علیه جامعه روشنفکری است. ما فعالیت فرهنگی مستقلانه روشنفکران را که علیه قیودات ارتجاعی حاکم در حال گسترش است، ارج می نهمیم و آن را رکن مهم جنبش دموکراتیک و ترقی خواهانه ارزیابی می کنیم. سازمان ما، سرکوب و سانسور علیه روشنفکران و هنرمندان کشور را قویا محکوم کرده و از حقوق آنان در آفرینش آثار هنری و ارائه آزادانه تحقیق، تالیف و ترجمه در همه ی زمینه ها، دفاع می کند.

۲۲- در سالهای اخیر کارفرمایان و مدیران، تعرض علیه دست آورد های کارگران را تشدید کرده اند و اخراج های کارگری ابعاد نگران کننده یافته است. با آن که جنبش کارگری خصلت

تدافعی دارد و با مقاومت در برابر بی‌اعتنایی رژیم به عوارض سیاست تعدیل اقتصادی قابل تبیین است، اما واحد‌های تولیدی کشور، شاهد انواع اعتراض‌ها و حرکت‌های کارگری است. ما از مبارزه کارگران در راه افزایش دستمزد‌ها، علیه بیکاری برای حق تشکل، حق مسکن و تامینات اجتماعی و دیگر مطالبات عادلانه، دفاع می‌کنیم و در مختصات کنونی، بر ضرورت دفاع آنان از قانون کار موجود علیرغم پابرجا بودن ضرورت مبارزه برای اصلاح کاستی‌های جدی آن و گنجاندن حق تشکل مستقل کارگری در این قانون تاکید می‌ورزیم. سازمان ما، بر نقش مهم کارگران واحد‌های صنعتی بزرگ در برآمدهای سیاسی آتی تاکید دارد و می‌کوشد تا این نقش، سمت ترقی‌خواهانه و دموکراتیک به خود بگیرد.

۲۳- سطح زندگی و موقعیت اجتماعی کارمندان و کارکنان دولتی مدام در جهت نزول است. آنها از نظر معیشتی تحت مضیقه‌های شدید و از نظر فرهنگی زیر فشارهای جریانات قشری هستند و رژیم مسئول اصلی این وضع فاجعه‌بار است. ما از مطالبات اقتصادی و خواست‌های دموکراتیک کارکنان دولتی حمایت کرده و علیه فشارهای رژیم به این اقشار زحمتکش به ویژه فرهنگیان و اساتید و نیز پرسنل نیروهای مسلح، مبارزه می‌کنیم.

۲۴- علیرغم پاره‌ای پیشرفت در روستاها، بسیاری از مطالبات اولیه میلیون‌ها زحمتکش روستایی، همچنان بی‌پاسخ مانده است. اکنون پایه پای رو آمدن عواض سیاست‌های (تعدیل اقتصادی) فشارهای تازه‌ای بر روستائیان وارد می‌شود. ما از خواست‌های دهقانان و دامداران زحمتکش دفاع می‌کنیم و بر جلب جوانان آگاه روستا به سوی برنامه و مشی خود، تاکید می‌ورزیم.

۲۵- افزایش سرپام‌آور جمعیت جوان کشور و رشد بسیار ناچیز امکانات آموزشی و فرصت‌های اشتغال، انبوه جوانان را به سوی سرنوشت مبهم و خطرناکی سوق می‌دهد. چنانچه اگر رژیم این شکاف میان رشد شمار جوانان و فقدان امکانات کار و تحصیل را جبران ننماید، کشیده شدن جوانان به طغیان و انفجار، ناگزیر خواهد بود. ما از خواست‌های جوانان و دانشجویان برای برخورداری از حق کار و تحصیل و سایر مطالبات مشروع پشتیبانی کرده و آنان را به مبارزه متشکل در این راستا فرا می‌خوانیم.

۲۶- حاشیه نشینان جزو محروم ترین اقشار کشورند. تشدید مداوم مشکلات آنها زمینه انفجارهای شهری را فراهم می آورد که در دوسال گذشته، به شکل تنش های عدیده، و چند شورش بزرگ نمایان شدند. سازمان ما از تامین شرایط برای برخورداری حاشیه نشین ها از یک زندگی انسانی حداقل و از مبارزات آنها، به خاطر این مطالبه ی مشروع دفاع کرده و به بی توجهی و زورگویی های دولت در مورد آنها معترض است. حل مشکل حاشیه نشین ها بر تلفیقی از اقدامات کوتاه مدت و دراز مدت استوار است.

۲۷- ما فشارهای غیر بشری از سوی رژیم اسلامی علیه اقلیت های ملی - مذهبی را محکوم نموده و از حقوق آنها برای عمل به باورهای دینی و انتخاب آزادانه ی شغل دفاع می کنیم. ما از مقاومت اقلیت های آسوری، ارمنی، بهایی، زرتشتی، و یهودی کشور در برابر تعرضات واپس گرایان حاکم و برای برخورداری آنان از حقوق طبیعی خود پشتیبانی می کنیم.

در باره ی مسائل ملی:

ما اعمال ستم و تبعیض علیه اقلیت های ملی کشور در آذربایجان، بلوچستان، ترکمن صحرا، کردستان، و مناطق عرب نشین را محکوم می کنیم و شرط تحکیم وحدت ملی کشور را، سیستم غیر متمرکز حکومتی مبتنی بر حل مساله ملی می دانیم. سازمان ما خواهان ایرانی واحد و دموکراتیک است که در آن ستم ملی بر چیده شده باشد. از نظر ما مبارزه با رژیم سرکوبگر و وحدت شکن، باید با مبارزه علیه هرگونه ناسیونالیسم افراطی تکمیل شود.

سازمان ما توجه همگان را به این واقعیت جلب می کند که بستر تحولات بین المللی و بر اثر وقوع تغییرات بزرگ ژئوپلیتیک پیرامون ایران، مساله ملی در کشور ما نیز، صورت بسیار بغرنج تر و در جهانی حادثتر از گذشته می یابد. همفکری همه ایرانیان برای رسیدن به تحلیل و تصمیم های درست و مشترک برای جلوگیری از حدت روند ها و در مخاطره قرار گرفتن سرنوشت کشور و یا هر بخش از آن، اهمیت روز افزون یافته است. سازمان، همه نیرو های سیاسی کشور را به این چاره جویی مشترک و مسئولانه فرا می خواند. امتناع از انجام این وظیفه خطیر، قطعاً به سود عوامل ضد ایرانی، در منطقه و جهان تمام خواهد شد.

قطعه‌نامه سومین کنگره سازمان

در باره ی زنان کشور

کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت با ابراز انزجار از تداوم اقدامات سرکوب گرانه و ارتجاعی رژیم علیه زنان کشورمان، همه مردم آگاه و ترقی خواه و همه سازمان های سیاسی و شخصیت های ترقی خواه و مبارز را به گسترش مبارزه برای دفاع از حقوق زنان کشورمان فرا می خواند.

ما برآنیم که اعمال سرکوب گرانه و اسارت بار رژیم علیه زنان، بارزترین مظهر تبهکاری های استبداد حاکم است و مبارزه در راه آزادی زن، یکی از بنیادی ترین جلوه های مبارزه در راه آزادی است.

سومین کنگره سازمان، از مبارزات زنان ایران پشتیبانی کرده و به مبارزه خود برای دست یابی به حقوق حقه ی زنان ادامه می دهد. کنگره از همه اعضا و هواداران سازمان می خواهد تا به وظایف خطیر خویش در این عرصه، با همه امکانات عمل کنند.

کنگره ی سازمان ما همه ی مجامع مترقی جهان، به ویژه جنبش های ترقی خواهانه زنان را برای احقاق حقوق زنان ایرانی، به یاری می طلبد.

کنگره ی سوم سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

قطعه نامه

در مورد مسائل مالی

مشی مالی سازمان، در اساس متکی است بر مشارکت همه اعضا و هواداران سازمان، در تامین نیازهای مالی آن برای:

الف - پیشبرد امور جاری.

ب- سرمایه گذاری های سود آور به منظور کاهش فشار مالی بر اعضا و بهبود وضع مالی سازمان.

ت- توسعه فعالیت های سازمان.

در این راستا:

۱- کنگره، کلیه ی واحد های سازمانی و تک- تک اعضای خود را متعهد می داند، ابزار لازم برای تامین نیازهای مالی سازمان را فراهم آورند

۲- تک- تک اعضای کنگره متعهد می شوند در حوزه ی نمایندگی و فعالیت خود، همکاری های لازمه را با شورای مرکزی منتخب کنگره برای تامین مالی سازمان و سامان وضع مالی به عمل آورند.

۳- شورای مرکزی منتخب کنگره سوم، مبتنی بر اقدامات و توافقات کنگره، در آغاز کار خود تعهد مالی هر کشور به صندوق مرکزی را بر پایه گزارش کشورها از ترکیب و موقعیت تشکیلات و نیروهای سازمان در آن کشور تعیین کرده و به آن ابلاغ خواهند کرد.

کلیه ی واحد های سازمانی موظفند تا ۲ ماه پس از ابلاغ شورای مرکزی ۲۵ درصد سهمیه تعیین شده را به صندوق مرکزی واریز کنند.

توضیح: بند ۵ قطعنامه، شامل ارزیابی از میزان هزینه های مربوطه به دوره دو ساله آتی فعالیت سازمان است.

کنگره ی سوم سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

قرارهای کنگره سوم

قرار در باره ی «وظایف سازمان در قبال داخل»

1- کنگره سوم سازمان، توجه جدی به مجموعه مسائل داخل کشور را مورد تاکید قرار می دهد.

2- شورتی مرکزی منتخب کنگره موظف است، در پاسخ به الزامات ناشی از مصوبات کنگره، اقدامات ضرور در قبال داخل کشور را به اشکال مقتضی به عمل آورد.

3- کنگره بر وظیفه مشارکت همه اعضا و هواداران سازمان در خارج از کشور، جهت پیشبرد مجموعه و رهنمودهای شورا در رابطه با داخل تاکید دارد.

قرار کنگره سوم در رابطه با اوضاع منطقه:

کنگره سازمان، در ابراز نگرانی شدید از تحولاتی که توسط قدرت های بزرگ علیه کشور ما و در منطقه صورت می گیرد، مردم و حکومت را به هشیاری اکید و احساس مسئولیت جهت خنثی کردن این توطئه ها، فرا می خواند. تلاش برای متشنج کردن هر چه بیشتر منطقه خلیج فارس، به منافع همه ی ملت های منطقه آسیب می رساند و خطرات بزرگی را متوجه صلح و امنیت جهانی می سازد.

قرار کنگره ی سازمان در مورد پشتیبانی از مردم عراق و کوبا.

کنگره محاصره اقتصادی کوبا توسط آمریکا و برخی دیگر از قدرت های بزرگ را محکوم می کند و آن را تجسمی خشن، از دخالت غیر قانونی در امور دیگر کشورها می داند. هم چنین، کنگره سازمان ما، بهره گیری از محاصره همه جانبه اقتصادی علیه عراق، که قبل از همه باعث فجایع غیر قابل شمار در زندگی مردم آن کشور شده است را، محکوم می کند.

قرار همبستگی کنگره سوم با مردم کشورهای قربانی جنگ:

کنگره نسبت به مردم افغانستان، سومالی، جمهوری های یوگسلاوی سابق، لبنان، فلسطین و دیگر ملیت هایی که هر کدام به نوعی در شرایط فاجعه باری به سر می برند، ابراز همدردی می کند و نگرانی عمیق خود را نسبت به تحریکات و دخالت های ناشی از منافع قدرت های بزرگ در منازعات داخلی این کشورها ابراز می دارد. کنگره بر این است که از این فجایع میتوان و باید با اتکا به راه های سیاسی و دیپلماتیک جلوگیری کرد.

قرار در مورد سند «دیدگاه ها و آماج های سازمان» کنگره ی شورای مرکزی منتخب را موظف می کند که با توجه به نظرات و پیشنهادهای ارائه شده در کنگره پیرامون سند آماج ها و دیدگاه ها، این سند را در دستور کار خود قرار دهد و حاصل کار را برای تصویب به کنگره آتی ارائه دهد.

سند «دیدگاه ها و آماج های سازمان فدائیان خلق ایران» اکثریت، مصوب کنگره دوم، همچنان مبنای عمل سازمان است.

قرار در مورد سند «جهات عمومی برنامه توسعه» کنگره ضمن ارزش گذاری بر کار و تلاشی که برای تهیه و تنظیم سند «جهات عمومی برنامه توسعه» انجام گرفته است، به شورای منتخب وظیفه می دهد بحث روی سند در سازمان و جامعه را پیگیری کند، نا پس از تصحیح و تکمیل آن برای تصویب به کنگره آتی ارائه شود.

پیام سومین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

به مردم ایران

هم میهنان!

سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به شما هم میهنان عزیز درود می فرستد و برای شما در مبارزه به خاطر آزادی و پیشرفت و عدالت اجتماعی، آرزوی پیروزی دارد.

برگزاری سومین کنگره سازمان ما با یکی از حساس ترین شرایط تاریخی میهن مصادف است. بر منطقه حساس ما، فضای تحریک، تشنج در گیری های قومی و ملی و جنگ بر سر مرزها، حاکم است. مداخله قدرت های دور از منطقه در مسائل منطقه بر بی ثباتی وضع موجود می افزاید. این وضع به سود هیچ یک از کشورهای منطقه نیست و تا آنجا که بر کشور ما برمی گردد، تهدیدی علیه موجودیت و تمامیت کشور و بر ضد مصالح عمومی ما است. در چنین شرایطی، رژیم حاکم، به جای در پیش گرفتن سیاستی که به رفع تشنج و ایجاد تفاهم و امنیت دسته جمعی در منطقه و ایجاد حداکثر وحدت ملی در کشور یاری رساند با صدور بنیادگرایی و اقدامات ماجراجویانه ی نظامی، وخامت اوضاع را دوچندان می کند و مردمی دچار تفرقه را در وضعی خطرناک قرار می دهد. کنگره سوم سازمان، با بررسی اوضاع خطیر منطقه و اوضاع حساس پیرامون ایران، همه ی هموطنان ایران دوست را فرا می خواند تا مانع از ماجراجویی رژیم شوند و اجازه ندهند که سرنوشت کشور ما در اوضاع بحرانی منطقه، بازیچه سران رژیم قرارگیرد.

هم میهنان!

گسست اجتماعی در کشور، بر زمینه ی تشدید فقر و فاقه در حال تعمیق است. کاهش بی وقفه ی قدرت خرید و گرانی روز افزون بیکاری، بی مسکنی، و دیگر مشکلات اقتصادی، همراه با فقدان امنیت اجتماعی و تحمیل انواع فشارها از سوی واپس گرایان، ده ها میلیون ایرانی را تحت فشار خرد کننده ای قرار داده است. ادامه ی این وضع نگران کننده، آینده تیره تری را در چشم انداز قرار می دهد. در چنین شرایطی، مبارزه علیه مسببین فلاکت اجتماعی و سیاست های فقر گسترده رژیم، پیش از هر زمان دیگر در دستور قرار دارد. تجربه نشان می دهد که رژیم در برابر اعتراض های مردمی مجبور به عقب نشینی است. سازمان ما از مبارزات مطالباتی شما هم میهنان

پشتیبانی کرده و شما را به تداوم مبارزه علیه گرانی، بیکاری، بی مسکنی، بی درمانی و دیگر دشواری های معیشتی فرا می خواند.

هم میهنان!

حکومت اسلامی، دشمن دموکراسی و آزادی های سیاسی است. این رژیم، تمایلات ارتجاعی خود را، بر همه مردم کشور ما و به ویژه زنان، بر اقلیت های ملی کشور و بر اقلیت های مذهبی تحمیل می کند.

رژیم با علم کردن مخالفت با تهاجم فرهنگی و کشیدن دگر باره حزب الله به صحنه مبارزه با هرگونه افکار خارج از تمایلات حکومت گران را تشدید کرده است. سرکوب و ترور مخالفان سیاسی، همچنان ادامه دارد. مردم از بدیهی ترین حقوق خود برای دفاع متشکل از خواسته های خود محرومند. در کشور استبداد زده ی ما، نیاز به آزادی هرگز به اندازه ی امروز احساس نمی شده و هیچ گاه از نیروی حمایتی به میزان کنونی، برخوردار نبوده است. کنگره سوم سازمان، بر این موضع سازمان پای می فشارد که مبارزه در راه آزادی حلقه مقدم در مبارزات مردم میهن مان علیه وضع موجود است.

هم وطنان آزادی خواه!

کنگره ی سوم سازمان، از سوی همه ی فدائیان خلق ایران «اکثریت» بار دیگر ضرورت مبارزه متحد در راه آزادی های و دموکراسی را اعلام می دارد و همه نیروهای آزادیخواه را به اتحاد علیه استبداد حاکم دعوت می کند. کنگره سوم، با امید به این که مبارزه حساس و دشوار مردم ایران در برپایی ایرانی آزاد و دموکراتیک به ثمر خواهد نشست، شرایط اصلی پیروزی را ایجاد هماهنگی در مبارزه علیه رژیم مستبد حاکم، همراهی و اتحاد با یکدیگر بر سسر مواضع آزادی خواهانه مشترک می داند. کنگره ما در لحظه - لحظه ی جریان کار خود، در همه ی سخن رانی ها و در تمام اسناد و قطعنامه های خود بر امر اتحاد تاکید کرده است. ما امیدواریم که اتحاد مردم برای دست یابی به آزادی و دموکراسی در ایران، علیرغم همه ی مشکلات موجود، تحقق یابد. ما

امیدواریم مبارزه ی مشترک ما، در راه برقراری میهنی آزاد و شکوفان، زودتر به نتیجه
برسد.

کنگره ی سوم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

www.iran-archive.com

پیام کنگره سوم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

به اعضا و هواداران

رفقا!

سومین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت « به شما هم رزمان فدایی درود می فرستد و خاطره همه ی یارانی را که در راه آرمان های سازمان جان باختند، گرامی می دارد. کنگره سوم سازمان، از تلاش مسئولانه و فداکارانه همه ی رفقای که در این شرایط سخت فعالیت سازمان را تداوم بخشیدند، صمیمانه قدردانی می کند.

برای همه ی ما دردآور است که سومین کنگره ی سازمان نیز دور از میهن و محروم از فدائینی که در ایران اهداف سازمان در راه دموکراسی و عدالت اجتماعی را پی می گیرند، برگزار شد. استبداد، مانع از آن شده است که ما بتوانیم در میهن خود به هم فکری و چاره جویی نسبت به سرنوشت مردم و کشور خویش، که یکی از دشوارترین دوران حیات خود را می گذراند، بنشینیم. استبداد، مانع از زندگی و فعالیت آزادانه ی ما در ایران شده است، اما نتوانسته است قلب ما را از تپیدن و مغزهای ما را از اندیشیدن برای ایران باز دارد. کنگره ی سوم سازمان، در لحظه به لحظه خود، به یاد ایران و در فکر چاره اندیشی برای رهایی کشور از چنگال استبداد حکومت اسلامی بود. رفقا!

سومین کنگره ی سازمان توانست در مورد مسائلی مختلف تصمیم بگیرد. این تصمیمات راهنمای فدائیان خلق در پیکار علیه حکومت اسلامی و برای دست یابی به دموکراسی، عدالت اجتماعی و پیشرفت در کشور خواهد بود. اما کنگره در عین حال واقف بود که سازمان ما به دلایل گوناگون در موقعیت دشواری قرار گرفته است. شرایطی که می توانست و می تواند هر حزب سیاسی را از فعالیت، تحرک و پویایی باز دارد. از همین رو بخش مهمی از وقت و انرژی کنگره صرف چاره جویی برای غلبه بر دشواری ها و ادامه بهتر کار سازمان شد. پذیرش فعالانه تر مسئولیت برای پیشبرد اهداف و وظائف سازمان و حل دشواری های توان فرسای مالی، عمده ترین مسائلی بود که در این بخش در برابر کنگره قرار داشت شور، تعهد و تعقلی که اعضای کنگره به نمایندگی از سوی شما همزمان برای غلبه بر این دشواری ها نشان دادند، نمونه ای

از اراده ی همیشگی فدائیان خلق در مقابله با دشواری ها بود . نمایندگان کنگره از جانب انتخاب کنندگان خود تعهد کردند که ارگان های هدایت کننده ی سازمان را فعالانه تر از پیش یاری دهند و پشتیبانی کنند. تعهد نمایندگان کنگره به پذیرش فعالانه مسئولیت و پیشبرد وظائف سازمان، در انتخابات شورای مرکزی نمایان شد. کنگره توانست در این زمینه، به موفقیت بزرگی دست یابد و شورای مرکزی را گسترش داده و متناسب با وظایفی که در دوره آتی در مقابل سازمان قرار دارد برگزیند. در کنگره خط مشی ها و نظرات متفاوتی در برابر هم قرار گرفتند. اما زمانی که انتخابات شورای مرکزی فرا رسید، هیچ نماینده ای به دلیل نظرات خود از پذیرش مسئولیت سرباز نزد ترکیب جدید شورای مرکزی سازمان به عیان نشان داد که همه ی فدائیان خلق، صرف نظر از نظرات متفاوت خود، در یک نکته هم نظرند: سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» که محصول تلاش فکر و فداکاری و از جان گذشتگی هزاران انسان شریف میهن ما است باید با همه ی توان و با استفاده از همه ی ظرفیت های خود برقرار بماند و در راه اجرای وظایف خویش مبارزه کند. مناسبات دموکراتیک و رفیقانه موجود در سازمان، پشتوانه ی اجرای این هدف است.

کنگره تحقق این هدف را در خدمت تقویت جنبش چپ ایران می داند و تاکید می کند که سرنوشت سازمان ما از سرنوشت جنبش چپ در ایران جدا نیست. تقویت چپ در ایران، نزدیکی هرچه بیشتر بخش های جداگانه این جنبش را طلب می کند. کنگره سازمان با وقوف به اهمیت این امر ، همه ی اعضای سازمان را دعوت می کند که کماکان مشوق همکاری و وحدت با سایر همزمان خود باشند و در هر جا که می توانند، در تحقق عملی این هدف پیش قدم شوند.

رفقا!

با کنگره سوم ما یک گام دیگر به پیش گذاشتیم. اکنون با اطمینان بیشتری می توانیم به وظایف بسیاری که در پیش رو داریم بیندیشیم. کنگره به خوبی واقف است که موفقیت های به دست آمده، هم در زمینه تعیین سیاست ها و هم در زمینه ی بسیج

نیروها و امکانات، انتظارات بیشتری را نیز بر می انگیزد. این انتظارات زمانی می تواند به اجرا در آید که فضای مسئولیت و تعهد موجود در کنگره ی سوم از سوی همه ی فعالین سازمان ، مورد پشتیبانی قرار گیرد.

سومین کنگره ی سازمان، همه ی فدائیان خلق را متناسب با امکانات خویش به مشارکت بیشتر و فعالانه تر در پیشبرد سیاست های سازمان فرا می خواند، و با این امید به کار خود پایان می دهد که شروعی باشد برای بسیج همه ی امکانات سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» در پیکار دشوار علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و بر پا نگاه داشتن پرچم دموکراسی و سوسیالیسم در ایران.

سومین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

مرداد ماه ۱۳۷۲

کنگره چهارم

(ییزن جزئی)

www.iran-archive.com

اسناد کنگره چهارم (بیژن جزنی)

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

مرداد ماه ۱۳۷۴

- اطلاعیه شورای مرکزی در باره ی چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- گزارش چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
(کنگره ی بیژن جزنی)
- خط مشی سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- قطعنامه پیرامون اوضاع سیاسی
- راستا های فعالیت عملی سازمان در چشم انداز موجود
- قطعنامه در مورد زنان
- قطعنامه در باره ی تشکیل نهاد یاری به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی
- ساختار شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- قطعنامه در باره ی مسائل مالی
- وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت مالی
- پیام کنگره ی چهارم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

- پیام کنگره ی چهارم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران سازمان

اطلاعیه ی

شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

در باره ی چهارمین کنگره فدائیان خلق

چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مرداد ماه امسال برگزار گردید. این کنگره که در بیست و پنجمین سال بنیانگذاری و بیستمین سالگشت شهادت بیژن جزنی، بنیان گذار سازمان تشکیل شد به نام رهبر فقید سازمان کنگره بیژن جزنی نام گذاری گردید.

فدائیان خلق در این کنگره بار دیگر برخواست اساسی خود یعنی استقرار دموکراسی در ایران تاکید کردند کنگره تایید کرد که مردم ایران برای رسیدن به دموکراسی تجدید، پیشرفت و عدالت اجتماعی، ناگزیر از پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیتی مبتنی بر دموکراسی هستند. کنگره تصریح کرد که فدائیان طرفدار انتقال مسالمت آمیز قدرت به مردم هستند و برای برگزاری انتخابات آزاد در ایران می کوشند. کنگره ی فدائیان ، برای تحقق این اهداف بزرگ، خواهان ایجاد جبهه ای از نیروهای آزادیخواه ملی وچپ کشور گردید و همه نیروهای آزادیخواه را به پیکار مشترک علیه استبداد و برقراری دموکراسی در ایران ، دعوت کرد.

کنگره چهارم سازمان، اوضاع بحرانی ونابسامان کشور را مورد بررسی قرار داد و جمهوری اسلامی را مسبب بحران و سقوط کشور دانست.

کنگره مبارزه مردم ایران علیه استبداد حاکم را مورد پشتیبانی قرار داد و سرکوب و کشتار مردم توسط حکومت اسلامی را محکوم کرد. چهارمین کنگره فدائیان؛ از مبارزه آزادیخواهان ایران در داخل کشور حمایت کرد و یافتن راه های مناسب برای پیشبرد یک مبارزه مشترک و متحد با این نیرو ها را ضرورتی تاخیر ناپذیر دانست .

کنگره چهارم سازمان، فشارهای حکومت اسلامی به زنان، روشنفکران ، اقلیت های مذهبی و ملیت های تحت ستم کشور را محکوم ساخت و با مبارزات آنان علیه استبداد حاکم، اعلام همبستگی نمود.

کنگره چهارم سازمان که هم زمان با سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در ایران در سال ۳۶۷ برگزار گردید. طی مراسم ویژه ای خاطره همه ی قربانیان این فاجعه دردناک را گرامی داشت و با تشکیل « نهاد یازی به خانواده ی شهدا و زندانیان سیاسی» خواستار تشدید کمک های مادی و معنوی به بازماندگان قربانیان مبارزه برای دموکراسی در ایران گردید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» مرداد ماه ۱۳۷۴

گزارش چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»-

کنگره ی بیژن جزنی

گزارش چهارمین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

(کنگروه ی بیژن جزنی)

چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» از عصر شنبه ۷ مرداد تا بعد از ظهر ۵ شنبه ۱۲ مرداد سال ۱۳۷۴ به مدت ۵ روز برگزار شد. بیش از ۵۸ درصد اعضا کنگره را نمایندگان انتخابی و ۲۳ درصد را اعضای شورای مرکزی و کمیسیون نظارت مالی منتخب کنگره شوم تشکیل می دادند. کمتر از ۱۹ درصد نمایندگان، مدعوین شورای مرکزی به کنگره بودند.

افتتاح کنگره چهارم

کنگره چهارم، با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد شهدای سازمان و همه شهدای را آزادی، توسط مسئول هماهنگی شورای مرکزی منتخب کنگره سوم، و با حضور اعضای هیئت اجراییه شورای مرکزی هیئت رئیسه کار خود را آغاز کرد و سپس هیئت رئیسه سنی کنگره به جایگاه دعوت شد. پس از گزارش مسئول ستاد برگزاری کنگره، اعتبارنامه ی نمایندگان مورد رسیدگی قرار گرفت و با حصول حد نصاب لازم برای رسمیت کنگره، انتخابات هیئت رئیسه دائم برگزار گردید و با حضور اعضای هیئت رئیسه دایم در جایگاه کنگره چهارم رسماً افتتاح شد.

نخستین کمیسیونی که که در کنگره تشکیل شد، کمیسیون رسیدگی به شکایات در

مورد روند تشکیل کنگره بود.

کنگره با سخنان مسن ترین نماینده ی شرکت کننده و سپس قرائت پیام هایی که از سوی احزاب و افراد دوست سازمان به کنگره داده شده بود، کار خود را آغاز نمود. به مناسبت همزمانی کنگره با بیستمین سال شهادت رفیق بیژن جزئی رهبر و بنیانگذار سازمان و با تائید نمایندگان کنگره چهارم سازمان «کنگره بیژن جزئی» نام گرفت.

دستور کار کنگره چهارم

شورای مرکزی منتخب کنگره سوم ، دستور کار کنگره چهارم را به صورت زیر پیشنهاد کرده بود:

- 1- بررسی گزارش عملکرد شورای مرکزی.
 - 2- بررسی خط مشی سازمان و تغییرات و اصلاحات ضرور در آن
 - 3- تصویب یک قطعنامه سیاسی پیرامون اوضاع جاری کشور، منطقه و جهان،
 - 4- بررسی راستاهای عملی فعالیت سازمان تا کنگره ی بعدی.
 - 5- تصویب طرح دستگاه رهبری و انتخاب شورای مرکزی جدید،
 - 6- تصویب قرارهای ضرور از سوی کنگره چهارم.
- پیشنهاداتی در مورد اضافه کردن بررسی وضعیت خانواده ی شهدا، حذف قطعنامه سیاسی از دستور کار و افزودن مسائل مربوط به هویت و موازین تشکیلاتی نیز از سوی نمایندگان ارائه شد در ۳ مورد آخر، رای گیری به عمل آمد و هیچ یک از پیشنهادات فوق به تصویب نرسید. کنگره دستور کار پیشنهادی شورا را، دستور کار خود قرار داد.

بررسی عملکرد شورای مرکزی در فاصله دو کنگره

پیشتر، شورای مرکزی منتخب کنگره سوم، گزارش عملکرد دو ساله خود را ، به طور مشروح در اختیار نمایندگان کنگره قرار داده بود. جمع بندی این گزارش چنین بود:

((در متن وضعیت دشواری که ضعف و پراکندگی نیروهای سیاسی شورمان هنوز از شاخص های اصلی آن هستند، شورا توانست به وظیفه اصلی خود که همانا حفظ و تامین ادامه کاری سازمان دست کم در سطح موجود در زمان کنگره سوم بود، عمل کند. کنگره سوم ایجاد گر انتظاراتی چه در بیرون و چه در درون سازمان بود، که مبتنی بر واقعیات نبودند. واقعیت این است که ظرفیت، امکانات و روحیه موجود کلیت نیروهای سازمان و عدم امکان برخورداری از کار حرفه ای در مختصات وقت سازمان و نیروهای آن، برآوردن آن انتظارات را میسر نمی ساختند)).

در گزارش شورا گفته شده بود:

((روابط فیما بین با نیروهای ملی بهبود یافت و باب دیالوگ با دیگر نیروهای اپوزیسیون، جز با مجاهدین، گشوده شد. انتشار نشریه «کار» در سطح کیفی پیشین تداوم یافت و به لحاظ کمی و نیز بد آن، تغییرات مثبتی در تیراژ و تنوع بیشتر نویسندگان پدید آمد. مناسبات با تشکیلات و در تشکیلات تا حدودی استحکام یافت و میزان مشارکت در امور سازمان افزایش یافت. اوضاع مالی سرو سامان بیشتری یافت، اما تنگناهای متعدد مالی نیز ادامه یافت)).

در باره آنچه که آنها پیشرفتی حاصل نشد، در گزارش شورا آمده بود:

((در میزان تاثیر سیاسی سازمان بر وقایع پیرامون آن تغییر محسوسی حاصل نشد. مناسبات با نیروهای چپ دموکرات در سطح سابق باقی ماند و در مناسبات با دیگر نیروهای چپ، پیشرفت عملی حاصل نشد. در شناخت نیروهای خارجی از سازمان، به عنوان یک نیروی تاثیرگذار بر روندهای کشور، و نیز در مناسبات پایدار با آنان تغییری پدید نیامد)).

نمایندگان کنگره در سخنان خود پیرامو گزارش شورای مرکزی، به طور عمده، دو مساله را مورد توجه قرار دادند. آنها خواهان تقویت بیشتر رابطه شورای مرکزی با تشکیلات سازمان گردیدند و از شورای مرکزی جدید خواستند که این رابطه را مورد

توجه بیشتری قرار داده و اعضای سازمان را به طور فعال تری در جریان تصمیم گیری ها قرار دهد. فعالیت گروه کار روابط عمومی نیز مورد توجه و حساسیت نمایندگان قرار داشت.

نمایندگان کنگره تاکید کردند که شورای مرکزی و روابط عمومی آن باید به فعالیت مشترک و همکاری با همه گروه های چپ، توجه نشان دهند.

در دستور کار کنگره تصویب گزارش شورا پیش بینی نشده بود. بررسی عملکرد شورای مرکزی، بدون تصویب گزارش مذکور و یا قرار معینی به پایان رسید.

کمیسیون نظارت مالی نیز گزارش خود درباره ی وضعیت مالی سازمان را به کنگره ارائه داد. هم این گزارش و هم سخنان نمایندگان، فعالیت و عملکرد مالی سازمان در دو سال گذشته را مثبت دانسته و مورد تأیید قرار می داد.

در باره خط مشی سیاسی:

بیشترین توجه و داغ ترین مباحثات در پیرامون خط مشی سیاسی سازمان صورت گرفت و هر شب بعد از جلسات رسمی کنگره تا، پاسی از شب، بحث های گسترده ای در این مورد بین نمایندگان صورت می گرفت. آنچه در این کنگره چشمگیر بود، شرکت فعالانه تقریباً همه نمایندگان در این بحث ها بود. در مورد خط و مشی سازمان^۴ طرح و سند جداگانه به کنگره ارائه شده بود. سند شماره ۱ به نام «طرح سند خط مشی». سند شماره ی ۲ به نام «تنها راه نجات مردم ایران، مردم سالاری و آشتی ملی است». سند شماره ۳ به نام «برای نجات ایران»، و سند شماره ۴ که از سوی کمیسیون سیاسی منتخب شورای سوم به کنگره ارائه شد. این سند همان سندی بود که در کنگره سوم راهنمای عمل سازمان قرار گرفت و کمیسیون برخی تغییرات را در آن وارد کرده بود. این تغییرات به دلیل کمبود وقت در شورای مرکزی به تصویب نرسید و سند مذکور به نام کمیسیون به کنگره داده شد. پس از بحث هایی که پیرامون اسناد فوق صورت

گرفت، کلیات این اسناد، برای آن که کدامیک مبنای کار کنگره قرار گیرد، به رای گذارده شد. حاصل رای گیری چنین بود:

سند شماره ۱: ۱۱ درصد موافق و ۵۵ درصد مخالف.

سند شماره ۲: ۲۱ درصد موافق و ۴۹ درصد مخالف.

سند شماره ۳: ۴۱ درصد موافق و ۳۵ درصد مخالف

سند شماره ۴: ۵۱ درصد موافق و ۱۶ درصد مخالف.

به این ترتیب سند ارائه شده از سوی کمیسیون مبنای کار کنگره قرار گرفت و کمیسینی برای پیشنهادات تشکیل گردید. برای این کمیسیون ۳۱ نفر کاندیدا شده بودند که ۷ نفر انتخاب شدند. کمیسیون پیشنهادات نمایندگان را بررسی کرد و برخی تغییرات را در سند وارد نمود و آن را برای تصویب نهایی به کنگره ارائه داد.

در دور نهایی بحث ها و پیشنهادات به طور عمده بر روی ماده سوم سند ارائه شده متمرکز شد. دو پیشنهاد اصلی روی این ماده وجود داشت. پیشنهاد اول آن بود که به جای ماده سوم نوشته شود: «رژیم جمهوری اسلامی از موانع اصلی در راه تحقق دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشور ما است. لذا مردم ایران برای تحقق اهداف فوق، خواهان استقرار حاکمیت مردم مبتنی بر دموکراسی به جای نظام جمهوری اسلامی هستند» این پیشنهاد ۳۳ درصد رای موافق داشت و به تصویب نرسید. پیشنهاد دوم این بود که بجای: «با ادامه حاکمیت این رژیم، دور نمایی برای تحقق اهداف فوق نوجود ندارد. لذا مردم ایران برای رسیدن به این اهداف، ناگزیر از پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیتی مبتنی بر دموکراسی هستند»، نوشته شود (برای رسیدن به دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی، باید حاکمیت مردم مبتنی بر دموکراسی، جانشین استبداد حاکم گردد) این پیشنهاد نیز با ۳۲ درصد رای موافق به تصویب نرسید و پیشنهاد کمیسیون به جای خود باقی ماند.

مطابق آیین نامه کنگره های، برای اینکه اسناد پایه ای مصوب کنگره باشند بیش از ۶۰ درصد آرا نیاز است و به همین دلیل در دو کنگره قبلی خط مشی سیاسی علیرغم

آنکه بیش از ۵۰ درصد آرا را به دست آورده بود، به تصویب کنگره نرسیده بود و با صدور قرارهایی، به عنوان راهنمای عمل سازمان قرار گرفته بود. در این کنگره، حد نصاب بدست آمد و خط مشی سیاسی به تصویب کنگره رسید. نتیجه رای گیری نهایی بر روی سند کمیسیون به این ترتیب بود: ۶۳ درصد موافق ۱۰ درصد مخالف و ۲۶ درصد ممتنع.

تصویب قرار در مورد قطعنامه سیاسی:

شورای مرکزی بر بایه گزارش سیاسی که برای کنگره چهارم تهیه کرده بود، یک قطعنامه سیاسی نیز به کنگره ارائه داد. این قطعنامه در دستور کار کنگره قرار گرفت و کمیسیونی نیز برای آن تشکیل شد، اما به دلیل آن که تصویب خط مشی سیاسی بیش از زمان پیش بینی شده به طول انجامید کنگره موفق به تصویب قطعنامه سیاسی نشد و با صدور قرار موافقت کرد که شورای مرکزی منتخب کنگره، قطعنامه سیاسی را با در نظر گرفتن تغییراتی که درخط و مشی سازمان وارد شده و هم چنین پیشنهاداتی که از سوی نمایندگان ارائه شده است؛ اصلاح و به نام کنگره منتشر سازد. این قرار با اکثریت آرا به تصویب رسید.

راستا های فعالیت عملی سازمان در چشم انداز موجود:

شورای مرکزی، به ضمیمه گزارش عملکرد خود در کنگره چهارم، قرار را «باره ی راستا های فعالیت عملی سازمان در چشم انداز موجود» به کنگره ارائه کرد. طرح و یا سند دیگری در این زمینه موجود نبود. پس از بحث اولیه برای این که این سند ارائه شده، مبنای کار بعدی قرار گیرد رای گیری شد ۸ درصد نمایندگان با مبنا قرار گرفتن سند مخالفت کردند. کمیسیونی برای کار بر روی سند «راستا های...» ایجاد شد و پس از بررسی پیشنهادات سند اصلاح شده برای تصویب نهایی به کنگره داده شد.

توجه اصلی نمایندگان بر روی دو بند سند متمرکز شد. شورای مرکزی در باره بند ۲ طرح خود نوشته بود: «نشریه ی کار با هدف انتشار هفتگی از هر باره تقویت شود».

امکانات چنین اقدامی در کنگره مورد بحث قرار گرفت و بند مذکور به صورت زیر تغییر کرد: «نشریه کار از هر باره تقویت شود».

موضوع دوم و اصلی که در بند یک طرح شورا آمده بود، به چگونگی فعالیت در ارتباط با داخل کشور مربوط می شد. کنگره در این مورد قراری به تصویب رساند که تدوین و تدقیق بند اول طرح، به شورای مرکزی آتی واگذار شود. این قرار، با اکثریت آرای نمایندگان به تصویب رسید.

پس از رسیدگی به همه پیشنهادها کلیات سند «راستاهای فعالیت عملی سازمان در چشم انداز های موجود» به رای گذاشته شد و با ۹۴ درصد رای موافق به تصویب کنگره رسید.

موضوع مالی:

در زمینه مسائل مالی سازمان ۳ طرح به کنگره ارائه شده بود که هر سه به تصویب رسید. طرح اول به نام «حدود وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت مالی» از سوی کمیسیون نظارت مالی، منتخب کنگره سوم تهیه شده بود. این طرح با ۸۰ درصد رای موافق حاضرین در جلسه به تصویب رسید. کمیسویی که به منظور بررسی مسائل مالی تشکیل شده بود نیز، قطعنامه ای به نام «قطعنامه در مورد مسائل مالی» به کنگره ارائه کرد. این قطعنامه با ۹۷ درصد رای موافق به تصویب کنگره رسید. طرح دیگر در باره «ساختار مالی و حساب دارای سازمان» بود. این طرح نیز با بیش از ۹۰ درصد آرا به تصویب رسید.

مسئول کمیسیون امور مالی گزارشی نیز از رئوس بودجه آتی دوساله را به نمایندگان ارائه نمود و به سوالاتی که در مورد آن وجود داشت، پاسخ داد.

قرارهای مصوب کنگره چهارم

از سوی نمایندگان، قرارهای مختلفی برای تصویب به کنگره پیشنهاد داده شد؛ این قرارها در «کمیسیون قرارها» مورد رسیدگی قرار گرفت و بخشی از آنها در کنگره به تصویب رسید و بخش دیگر، به دلیل کمبود وقت، به شورای مرکزی آتی ارائه شد، تا آنها را به نام کنگره منتشر سازد و دلایل مخالفت خود با قرارهایی را که نیز به تصویب نمی‌رساند، به تشکیلات سازمان اطلاع دهد.

از جمله قرارهایی که در کنگره تصویب شد:

قرار در مورد «وظایف در قبال اعضای سازمان در خارج از کشور».

قرار در مورد تشدید همکاری های دو جانبه و چند جانبه با همه ی سازمانها و گروه های چپ. قرار در مورد نام گذاری کنگره چهارم به نام رفیق بیژن جزینی.

تصویب ساختار دستگاه رهبری . شورای مرکزی و کمیسیون نظارت مالی

در مورد ساختار دستگاه رهبری، دو طرح و چند پیشنهاد به کنگره ارائه شد. طرح نخست، مصوب شورای مرکزی منتخب کنگره سوم بود و طرح دوم از سوی یکی از نمایندگان ارائه شد. این طرح برای سازمان یک «مسئول اول» پیشنهاد می کرد که همکاران خود در شورای مرکزی را برمیگزید و به تائید کنگره می رساند. در رای گیری برای اینکه کدام طرح مبنای کار کنگره قرار گیرد، طرح مذکور تنها از جانب پیشنهاد دهنده آن مورد پشتیبانی قرار گرفت و طرح مصوب شورا با بدست آوردن بیش از ۵۰ درصد آرا به عنوان مبنای کار پذیرفته شد. در بحث پیرامون ساختار رهبری سازمان سه نکته مورد توجه نمایندگان قرار گرفت. موضوع اول این بود که آیا یک شورای مرکزی وسیع با یک هیئت اجراییه وظیفه رهبری سازمان را عهده داشته باشد، یا یک جمع کوچکتر، بدون هیئت اجراییه برای دوساله آتی برگزیده شود. کنگره به نظر نخست رای داد. رابطه بین مسئولین و ارگان ها نیز از جمله موارد مورد بحث بود که سرانجام کنگره تائید کرد مسئولیت هر ارگان به عهده ی مسئول آن ارگان و نه خود ارگان است. بحث های گستره ای نیز پیرامون انتخاب مسئول برای سازمان صورت

گرفت. کنگره انتخاب مسئول برای سازمان را تأیید نکرد. با در نظر گرفتن مجموعه مسایل سازمان، نمایندگان تأیید کردند که شورای مرکزی برای خود یک سخنگو برگزیند.

پس از تصویب طرح ساختار دستگاه رهبری، که ۷۵ درصد آرا موافق را به دست آورد، کنگره انتخاب شورای مرکزی جدید را آغاز کرد. در این کنگره، خلاف کنگره های پیشین، تمایل نمایندگان برای عضویت در شورای مرکزی وسیع بود. ۲۹ در صد نمایندگان حاضر در کنگره کاندیدای عضویت در شورای مرکزی شدند. رای گیری به صورت مخفی صورت گرفت و کسانی که موفق شدند بیش از ۵۰ درصد آرای کنگره را به دست آورند به عنوان اعضای شورای مرکزی منتخب کنگره ی چهارم برگزیده شدند.

بعد از انتخاب شورای مرکزی، انتخاب اعضای کمیسیون نظارت مالی برگزار شد و سه تن از کاندیداها به عنوان اعضای این کمیسیون برگزیده شدند.

در خاتمه کار، کنگره قراری به تصویب رساند که شورای مرکزی، دو پیام خطاب به مردم ایران و اعضا و هواداران سازمان به نام کنگره منتشر سازد.

بزرگداشت خاطره ی شهدای فاجعه ملی :

امسال نیز کنگره ی ما همزمان بود با سالگشت فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به مناسبت بزرگداشت خاطره ی شهدای این فاجعه عظیم کنگره بخشی از ساعات رسمی کار خویش را به تجدید پیمان با کسانی اختصاص داد که علیرغم آنکه امروز در میان ما نیستند، اما حضورشان در لحظه به لحظه زندگی سازمان ما جاری است. چند تن از نمایندگان کنگره که در جریان این فاجعه عظیم عزیزان خود را از دست داده و یا خود در آن روزهای تیره در زندان ها شاهد و ناظر اعدام های دسته جمعی رفقایشان بوده اند برای نمایندگان کنگره سخنرانی کردند و داستان دردی را بر زبان آوردند که اگر هزار بار نیز گفته شود، تازه و تکان دهنده است و دردی که نه

کهنه می شود و نه می توان آن را فراموش کرد. سخن رانی ها همه ار اراده ای شکست ناپذیر برای ادامه پیکار در راه آزادی و دموکراسی و عدالت، حکایت داشتند. بزرگداشت خاطره یاران از دست رفته، شور انگیزترین لحظات کنگره ی سازمان بود. لحظاتی که یک بار دیگر نشان داد، فدائیان علیرغم همه اختلاف نظرات در مقابله علیه استبداد و برای رساندن ایران به آزادی و دموکراسی، همچون تنی واحدند.

کنگره قطعنامه ای را در باره تشکیل نهاد یاری به خانواده ی شهدا و زندانیان سیاسی به تصویب رساند که بدون رای گیری و در میان کف زدن های شدید همه ی نمایندگان مورد تأیید قرار گرفت.

دبیر خانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

مرداد ماه ۱۳۷۴

خط مشی سیاسی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

معضل دیر پای جامعه ما، توسعه نیافتگی است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان یک نیروی چپ مدافع و مروج دموکراسی، تجدد، پیشرفت، استقلال کشور و عدالت اجتماعی، تلاش در راه غلبه بر موانع توسعه را در صدر و ظایف خود قرار می دهد. فعالیت ما در خدمت زمینه سازی و پایه ریزی برنامه توسعه و اجرای آن است.

لازمه تحقق این سمت گیری، استقرار حاکمیت دموکراسی در کشور و نیز تحول دموکراتیک در فرهنگ و نهادهای سیاسی جامعه است.

رژیم جمهوری اسلامی، به دلیل خصلت فقهاتی و استبدادی آن جامعه ما را از جهات مختلف به عقب برده و مانع اصلی تحقق دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی در ایران است. با ادامه حاکمیت این رژیم، دورنمایی برای تحقق اهداف فوق وجود ندارد. لذا مردم ایران برای رسیدن به این اهداف، ناگزیر از پایان دادن به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیتی مبتنی بر دموکراسی هستند. سازمان ما برای استقرار جمهوری پارلمانی مبتنی بر دموکراسی که شکل مناسب و ضرور نظام حکومتی برای ایران است، مبارزه می کند.

ما برای گذار از استبداد حاکم به دموکراسی و نهادی ساختن آن، بر روش های دموکراتیک مبارزه تکیه می کنیم و می کوشیم این گذار از طریق انتخابات انجام پذیرد. از جمله پیش شرط های تحقق انتخابات آزاد، تامین آزادی های سیاسی و به ویژه آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی است. برای برگزاری انتخابات آزاد باید

مقاومت رژیم حاکم از طریق فشار جنبش سیاسی و توده ای و فشارهای بین المللی خنثی شود.

سازمان ما برای تشکیل یک آلترناتیو دموکراتیک که در برگیرنده تمام نیروهای معتقد به دموکراسی و جمهوری باشد، مبارزه می کند به این منظور، مذاکره، همکاری ها و اتحادهای وسیع و محدود، دو جانبه و چند جانبه بین احزاب و شخصیت های سیاسی چپ و ملی و کانون ها و تشکل های دموکراتیک، ضروری است. ما خواهان تشکیل جبهه ای از جمهوری خواهان هستیم و اتحاد نیروهای چپ و ملی را پایه این جبهه می شناسیم. آلترناتیو دموکراتیک مورد نظر باید بکوشد با سایر آلترناتیو ها بر سر چگونگی گذار به نظام منتخب مردم، به توافق برسد. شرایط این توافق، تعهد و پای بندی هر نیرو به پذیرش موجودیت و حق فعالیت سیاسی دیگر نیروها است. سازمان ما خواهان دموکراتیزه شدن مناسبات بین نیروهای سیاسی کشور است.

در مثنی سیاسی ما، مبارزه علیه استبداد و برای تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد. ما برای پیشبرد خط مثنی خود بر تحکیم ارتباط با مردم، روشنگری، بسیج و سازماندهی توده ها تکیه می کنیم. ما دفاع از حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم و حمایت از مطالبات و مبارزات ترقی خواهانه آنها را از وظایف مهم خود می شناسیم و معتقدیم مبارزه مردم و حضور متشکل آنها در نهاد های سیاسی دموکراتیک، صنفی و محلی از ارکان مهم تحول دموکراتیک در جامعه است. ما با کاربست تروریسم در مبارزه سیاسی مخالفیم و می کوشیم مبارزه در جهت تحولات دموکراتیک در جامعه سمت گیرد و رژیم را به عقب نشینی هر چه بیشتر وا دارد.

برای نهادینه کردن دموکراسی در کشور، دگرگونی اساسی در فرهنگ سیاسی جامعه ضرور است.

روشنگری و مبارزه با هر نوع گرایش و حرکت واپس گرایانه و مستبدانه، سنت های استبداد ریشه دار، جهل و خرافات و بد آموزی های سیاسی در میان مردم و نیروهای سیاسی کشور، از اهم وظایف ما است.

مبارزه با سیاست زن ستیزانه رژیم پیوسته نیرو می گیرد. ما پشتیبان این مبارزه دموکراتیک هستیم و از فعالیت روشنگرانه ی کار فکری و سازمان گرانه در زمینه تامین برابری حقوق مردان و زنان، حمایت می کنیم.

حرکت فرهنگی دموکراتیک در کشور، جریانی رو به گسترش علیه اندیشه های ارتجاعی و سرکوب گرانه است. سازمان ما مشارکت در این حرکت فرهنگی و حمایت از آن را وظیفه ی همه ی نیرو های دموکراتیک می شناسد.

ما برای رسیدن به ایرانی دموکراتیک و فدرال، که در آن همه ملیت ها و اقوام کشور، خود را عضو برابر حقوق میهن واحد بدانند، علیه هر شکلی از ستم ملی در کشور مبارزه می کنیم.

فشار حکومت فقها بر پیروان دیگر ادیان و تبعیض علیه مسلمانان غیر شیعه ادامه دارد. ما از حقوق برابر این هم میهنان و مبارزه در برابر ستم گری مذهبی رژیم حاکم حمایت می کنیم.

ما از تلاش در جهت اداره علمی کشور و نهاد های حکومتی، و از تلاش برای عرفی کردن شئون کشور، که از اشکال فراگیر مقابله با حاکمیت فقه است، پشتیبانی می کنیم و بازتاب این تلاش ها در حکومت جمهوری اسلامی را به سود جامعه می دانیم.

ما خواهان رفع موانع موجود در مقابل بازگشت مهاجرین به کشور هستیم. ما برای تحقق اهداف خود حضور موثر و متشکل چپ، در ایران را ضروری می دانیم و برای نزدیکی نظری و عملی نیرو های چپ مبارزه می کنیم.

طیفی از نیروهای مذهبی در جهت پذیرش دموکراسی و حاکمیت قانون و تعهد به آن حرکت می کنند. ما با این نیروها سیاست بحث و گفتگو را در پیش می گیریم

و ضمن مخالفت با مواضع منفی آنها از مقاومت شان در برابر استبداد مذهبی حاکم حمایت کرده و از تحولات مثبت در میانشان استقبال می کنیم.

ما مبارزه سیاسی و فکری با حکومت دینی و سایر اشکال سیادت ایدولوژیک و نظام سلطنتی را ادامه می دهیم.

سیاست خارجی کشور ما باید بر پایه تامین منافع ملی، پذیرش قوانین و مقررات بین المللی، همکاری های اقتصادی و سیاسی با کشورهای جهان و برقراری مناسبات حسن همجواری با همه کشورهای منطقه بنا شود. سازمان ما علیه تشنج آفرینی، تروریسم و صدور انقلاب اسلامی در سیاست خارجی رژیم، مبارزه می کند.

سازمان ما می کوشد، از امکانات و فشارهای بین المللی در جهت مصالح دموکراسی و منافع کشور، بهره گیرد. ما، دفاع از منافع ملی و مقابله با هر نوع تجاوز خارجی علیه میهن مان را، از اهم وظایف خود می شناسیم.

سازمان ما، خواهان فعالیت آزادانه و علنی در کشور است و برای بدست آوردن این حق مبارزه می کند. در پیشبرد این خط مشی، ما بر کاربست اشکال سیاسی، سازمان یافته و مسالمت آمیز تکیه می کنیم و می کوشیم مبارزه مردم با رژیم حتی المقدور در اشکال مسالمت آمیز به نتیجه برسد.

قطعنامه

پیرامون اوضاع سیاسی

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

1- بحران در کشور ما به مرحله خطرناکی رسیده است. اقتصاد کشور ورشکسته و تولید ملی به شدت سقوط کرده است. اختلافات طبقاتی گسترش بی سابقه ای یافته، فقر بیداد می کند. جامعه و بیش از آن دستگاه ملی و اداری دولت، افزایش جمعیت، تخریب منابع ملی، تشدید آلودگی محیط زیست، از جوانب دیگر مصائبی است که جامعه ما با آن روبرو است. این وضع نتیجه حاکمیت رژیم فقها است. برنامه تعدیل اقتصادی که ظاهراً برای غلبه بر بحران اقتصادی طراحی شده بود، به دلایل مختلف به ویژه ساختار سیاسی رژیم فقها، شکست خورد.

حکومت اسلامی هم چنان بر سیاست سرکوب، اختناق تروریسم پای می فشارد و از آزادی بیان و مطبوعات و فعالیت آزادانه تشکل های سیاسی، صنفی و دموکراتیک ممانعت می کند. استبداد فقهاتی بزرگترین مانع حل مشکلات کشور ماست.

حل بحران جامعه ما مستلزم همفکری و همکاری وسیع ترین نیرو های سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال مردم در تعیین سرنوشت کشور است. شرط مقدم این امر، تامین آزادی های سیاسی است. اما در شرایط کنونی، دورنمایی برای تحول دموکراتیک در حکومت اسلامی مشاهده نمی شود.

۲ - در نتیجه تشدید بحران اقتصادی و تداوم استبداد سیاسی و فشارهای اجتماعی، اعتراضات مردم و جنبش کارگری از رشد قابل توجهی برخوردار شده است. تنها در یک ساله گذشته، ده ها اعتصاب کارگری و اعتراض مردمی روی داده است. ما از خواست های

بر حق مردم و حرکت های اعتراضی آنان حمایت می کنیم و معتقدیم مبارزه مردم و حضور متشکل آنها در نهاد های سیاسی، دموکراتیک، صنفی و محلی یکی از پایه های مهم تحول دموکراتیک در جامعه ی ما است.

سازماندهی این مبارزات و ارتقا آنها به یک جنبش سیاسی با خواست تامین آزادی های سیاسی، کار روشنگرانه برای سوق دادن این مبارزات در اشکال مسالمت آمیز و سازمان یافته، وظیفه تمامی نیرو های دموکراتیک است. این نیرو ها باید بکوشند مبارزات مردم در جهت استقرار دموکراسی و پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی سمت پیدا کند.

اشکال شورشی و انفجاری مبارزات مردم، نتیجه خفقان و استبداد حاکم است که امکان اعتراض در اشکال مسالمت آمیز را از مردم سلب کرده است. ما ضمن حمایت از اعتراضات توده ای، توجه مردم را به پیامد های منفی حرکات تخریبی و بهره برداری رژیم حاکم و نیز گرایش های مستبد در اپوزیسیون جلب می کنیم.

۳- حرکت های اعتراضی مردم جنبش روشنگرانه ی سیاسی- فرهنگی، حدت یافتن بحران اقتصادی، اختلاف در حکومت و نیز فشارهای بین المللی، زمینه را برای تشدید فعالیت نیرو های مخالف رژیم در داخل کشور فراهم آورده است. این فعالیت ها متوجه لغو سانسور، تامین دموکراسی در کشور و عمدتا در جهت استقرار جمهوری پارلمانی به جای رژیم جمهوری اسلامی، قابل ارزیابی است. فعالیت نیروهای آزادیخواه، هنوز با حرکات اعتراضی مردم و خواسته های آنان پیوند نخورده است و در سمت دهی آنها نقشی ندارد.

ما ار خواست های این جنبش حمایت می کنیم و بر پیوند این جنبش با حرکات اعتراضی مردم و مبارزات نیرو های اپوزیسیون در خارج از کشور تاکید می کنیم و می کوشیم از درون این مبارزات آلترناتیو دموکراتیکی پدید آید. ما تشکیل یک آلترناتیو دموکراتیک از سازمان های سیاسی، تشکل های دموکراتیک و شخصیت های سیاسی معتقد به دموکراسی و نظام جمهوری پارلمانی مبتنی بر دموکراسی را ضرور و مبرم می دانیم.

4- توازن قوا در حکومت به سود جناح رسالت به هم خورده و موقعیت رفسنجانی به شدت تضعیف شده است. گروه بندی رسالت درصدد است در انتخابات آتی مجلس شورا و ریاست جمهوری، قوه مجریه را نیز تحت کنترل خود در آورد. قبضه قوه مجریه توسط رسالت، وضع کشور را از این نیز بدتر خواهد کرد و در درون

حکومت نیز با مخالفت های جدی روبرو است. ما خواهان آنیم که به دخالت شورای نگهبان در انتخاب کاندیداها و سایر مراحل انتخابات پایان داده شود. روند تجزیه در بین نیروهای موسوم به خط امام بیشتر شده است. بخشی از این نیرو بر مواضع ارتجاعی خود باقی مانده است و بخش دیگر به مواضع دموکراتیک تمایل پیدا کرده است. فاصله گرفتن دسته ای از نیروهای اسلامی از برخورد قشری و ضد دموکراتیک، روندی مثبت است. ما ضمن ادامه ی برخورد انتقادی نسبت به مواضع منفی این نیروها، آنها را به اتخاذ مواضع دموکراتیک و پذیرش مناسبات عادی با دول و مجامع بین المللی فرا می خوانیم.

مناسبات با سایر نیروهای اپوزیسیون

- 5- برای تحقق دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی، حضور نیرومند و متشکل نیرو های چپ و ملی ضرور است. ما نیرو های چپ را به همکاری و اتحاد عمل های وسیع و گفتگو پیرامون مسائل نظری و حل اختلافات سیاسی فرا می خوانیم.
- 6- ما مدافع همکاری و اتحاد عمل های وسیع نیرو های چپ و ملی هستیم. اتحاد نیرو های چپ و ملی پایه اتحاد جمهوری خواهان دموکرات است. این همکاری ها در شرایط کنونی ضعیف است و سیاست سرکوبگرانه رژیم، بویژه در داخل کشور، مانع نزدیکی آزادیخواهان با یکدیگر می شود. ما پیگیری و ایستادگی برای همکاری و اتحاد عمل نیروهای چپ و ملی و یافتن راه های مناسب برای تقویت این همکاری را از وظایف مهم خود می شناسیم.
- 7- ما سیاست و اعمال ضد دموکراتیک مجاهدین در رابطه با مردم، اپوزیسیون و هم چنین علیه معترضین درون این سازمان را مغایر با اصول دموکراسی و منافع ملی می دانیم. انتخاب رئیس جمهور و کابینه موقت از سوی مجاهدین به نیابت از مردم، نفی حق انتخاب مردم و عملی ضد دموکراتیک است. ما مبارزه با این سیاست ها و اعمال و نقد پیگیر آنها را جزو وظایف خود می شماریم.
- ما خواستار آنیم که مجاهدین از روش های خصمانه و کینه توزانه دست بردارند. ما از مناظره و مباحثه با مجاهدین در هر سطح، استقبال می کنیم
- 8- ما با بازگشت رژیم پهلوی و سلطنت به کشور مخالفیم. ما پذیرش برخی مواضع دموکراتیک از سوی بخش «مشروطه خواه» سلطنت طلبان را مثبت می دانیم و آنها را به

کاربست این مواضع در رابطه با اعمال رژیم شاه و در مناسبات با سایر نیروها فرا می خوانیم. ما از مناظره و مباحثه با این نیرو و پیرامون مسائل مختلف جنبش، از جمله مسائل مربوط به گذار و حکومت آتی و عمل کرد های رژیم شاه استقبال میکنیم.

پیرامون مسائل روز

۹- حکومت اسلامی همچنان به دستگیری و اعدام مردم بی گناه، ترور مخالفین و تعطیل مطبوعات ادامه می دهد و به درخواست های مجامع بین المللی و سازمان های حقوق بشر، وقعی نمی گذارد. ما این اقدامات را محکوم می کنیم و از همه نیروهای آزادیخواه در خارج از کشور می خواهیم همه ی امکانات خود را برای جلب افکار عمومی جهان و مجامع مخالف بین المللی، جهت اعمال فشار به حکومت اسلامی علیه سرکوب و کشتار مردم بی گناه به کار گیرند.

۱۰- ما از فشار های بین المللی برای وادار کردن رژیم اسلامی به پذیرش صلح خاورمیانه اجتناب از صدور تروریسم و انقلاب اسلامی و رعایت حقوق بشر، حمایت می کنیم و تحریم صدور تکنولوژی مورد استفاده در تولید سلاح اتمی را قابل پذیرش می دانیم. اما ما مخالف تحریم اقتصادی ایران هستیم. تحریم اقتصادی، به زندگی مردم ما، منافع ملی و آینده کشور زیان می رساند. مردم ما نباید تاوان اقدامات و سیاست های ضد ملی، ماجرا جویانه و ضد دموکراتیک رژیم اسلامی را بپردازند

۱۱- تجهیز بیش از پیش کشور های منطقه به سلاح های مدرن و تبدیل منطقه به زرادخانه عظیم، غیر قابل پذیرش است. تحریم اقتصادی، ماجراجویی ها نظامی در منطقه و صدور بی محابای سلاح به کشور های منطقه تهدیدات اسرائیل به بمباران تاسیسات اتمی ایران و تعیین جانشینی برای حکومت اسلامی از سوی بیگانگان، مورد مخالفت ما و هر نیروی دموکرات و میهن دوست است. ما خواهان برقراری مناسبات عادی بین ایران و امریکا هستیم و این مناسبات را به سود دو کشور و تامین امنیت در منطقه می دانیم. ما با اقدامات و سیاست کشور های غربی، هر آنجا که با منافع و مصالح مردم مغایرت یابد مخالف خواهیم کرد.

اوضاع منطقه

12- ماتلاش قدرت های خارجی به ویژه آمریکا، برای گسترش حضور نظامی در منطقه را مغایر با منافع کشورهای منطقه می دانیم. و معتقدیم امنیت منطقه ای، نه علیه

این یا آن کشور، بلکه با مشارکت همه کشورهای منطقه در یک سیستم امنیت جمعی منطقه ای قابل دسترس است.

13- ما از تلاش برای عادی سازی مناسبات ایران و عراق جانبداری می کنیم و به این

منظور خواهان روشن شدن سرنوشت همه اسرای جنگی و آزادی آنان ، به رسمیت شناختن متقابل مرزها بر مبنای قرار داد ۱۹۷۵، پذیرش و اجرای کامل و بدون قیدو شرط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از جانب تهران و بغداد و عدم مداخله دو طرف در امور داخلی یکدیگر می باشیم.

14- ما سرکوب خلق کرد توسط دولت های ترکیه عراق و ایران را محکوم می کنیم و

خواهان حل سیاسی مساله کردها در کشورهای منطقه هستیم. تا هنگامی که تضمین های کافی برای جلوگیری از حمله رژیم عراق به شمال این کشور به وجود نیاید، ما از اقدامات و تدابیر سازمان ملل متحد برای حفظ امنیت مردم کردستان عراق دفاع می کنیم.

15- ما ضمن رد ادعاهای امارات متحده ی عربی در مورد جزایر ایرانی و مخالفت با

دخالت های خارجی در این اختلاف خواهان انجام مذاکرات دو جانبه بین ایران و امارات متحده عربی و حل و فصل این مساله به طور مسالمت آمیز و بدون کاربرد قهر یا تهدید به قهر هستیم. توافقات قبلی میان ایران و امارات متحده عربی در باره ی جزایر، مبنای مناسبی برای حل اختلافات است.

16- ما خواهان پایان فوری جنگ در افغانستان، از طریق مشارکت و همکاری همه ی

طرف های جنگ داخلی در این کشور هستیم. کمک های نظامی و تسلیحاتی قدرت های خارجی و کشورهای همسایه از جمله عربستان و پاکستان و ایران، به طرف های درگیر در جنگ باید قطع شود و سازمان ملل متحد در افغانستان نقش فعال تری بر عهده گیرد. ما بی تفاوتی جامعه ملل را نسبت به فجایعی که در کشور همسایه ی شرقی ما می گذرد، تقبیح می کنیم.

17- ما از صلح خاورمیانه حمایت می کنیم و خواهان تامین کلیه حقوق ملی فلسطینی

ها تخلیه ی کامل اراضی اشغالی در کرانه غربی رود اردن بیت-المقدس شرقی نوار غزه جنوب لبنان و بلندی های جولان هستیم. ما از تشکیل دولت مستقل

فلسطینی و از موجودیت و امنیت اسرائیل در چهار چوب مرزهای قبل از ژوئن ۱۹۶۷ دفاع می کنیم.

ما موضع رژیم جمهوری اسلامی در مورد صلح خاورمیانه را مخرب می شناسیم و آن را به زیان منافع ملی کشور و امنیت منطقه و حقوق مردم فلسطین می دانیم. ما از عادی سازی روابط ایران و اسرائیل استقبال می کنیم و آن را در خدمت صلح می دانیم.

18- ما خواهان گسترش و تحکیم مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشور های تازه استقلال یافته آسیایی شوروی هستیم. ما تلاش های جمهوری اسلامی در جهت صدور ایدولوژی خود به این جمهوری ها را که مانع گسترش روابط فی مابین است، محکوم می کنیم. ما خواهان توافق بر اساس قراردادهای شناخته شده بین المللی و منافع کشورهای همجوار دریای خزر، برای استفاده از منابع این دریا می باشیم و با سیاست دور نگه داشتن ایران از بهره برداری از منابع موجود در این دریا مخالفیم.

19- ما از گسترش همکاری های سیاسی، اقتصادی فرهنگی و زیست محیطی کشورهای منطقه استقبال می کنیم و خواهان گام برداشتن در جهت ایجاد بازار مشترک منطقه ای هستیم.

اوضاع جهان:

20- نظام ناعادلانه اقتصاد جهانی، یکی از علل مهم فقر و عقب ماندگی کشورهای کم رشد یافته است. ملل این کشورها، علیرغم آن که اکثریت جمعیت جهان را تشکیل می دهند، تنها از بخش اندکی از منابع و ثروت های جهانی بهره می برند. برای غلبه بر این بی عدالتی، باید درنظام مبادلات جهانی، نیروهای کار انسانی و مواد خام، کشورهای جهان سوم ارزش و موقعیت خود را بیابند. مکانیزم های موثر برای جلوگیری از اعمال فشار اقتصادی کشورهای ثروتمند بر کشورهای فقیر ایجاد شود، بدهی کشورهای فقیر به جهان ثروتمند لغو گردد و همکاری اقتصادی بین المللی در جهت رشد و توسعه کشورهای عقب مانده، گسترش یابد.

21- بحران و جنگ های منطقه ای که با پایان جنگ سرد، به خطر اصلی علیه صلح و امنیت جهانی تبدیل شده است باید از طریق سیاسی و با مشارکت همه طرف های

ذینفع فیصله یابد. بدین منظور باید صادرات اسلحه از سوی کشورهای ثروتمند محدود شود و همکاری های بین المللی و منطقه ای جای مسابقه تسلیحاتی را بگیرد.

22- کره زمین بر اثر استثمار بی رحمانه منابع آن بویژه کشورهای ثروتمند، در شرایط نگران کننده ای قرار گرفته است که موجودیت آینده نسل های آتی بشر را به زیر سوال برده است. برای پایان دادن به بحران اکولوژیک، باید حقوق بین الملل، موازین و معیارهای زیست بومی را نیز در برگیرد و ابزار های موثر بین المللی اقتصادی و سیاسی برای اعمال کنترل جامعه بین المللی بر چگونگی بهره برداری از منابع کره زمین ایجاد گردد.

23- آفت ناسیونالیسم افراطی و بنیاد گرایی، عامل بسیاری از فجایع جهان امروز است. در مقابله با این افکار و روحیات ارتجاعی، ما مدافع انتر ناسیونالیسم همبستگی ملت ها، جدایی دین از دولت و برابری همه انسانها صرف نظر از جنس، ملیت و مذهب هستیم. این اصول باید به اصول حاکم بر زندگی انسانها تبدیل شود و در مقیاس بین المللی، ابزار سیاسی و فرهنگی برای دفاع موثر از آن ایجاد شود.

24- ما مدافع همکاری هرچه بیشتر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در مقیاس منطقه ای و بین المللی هستیم. برای این همکاری ها در مقیاس بین المللی بر مبنای عادلانه و برابر حقوق صورت گیرد ما از رفرم در سازمان های بین المللی و به ویژه سازمان ملل متحد، دفاع می کنیم. ما ضمن این که از افزایش نقش این سازمان در حیات بین المللی دفاع می کنیم، برای این که سازمان ملل به ابزار اعمال مقاصد قدرت های بزرگ تبدیل نشود، خواهان لغو حق وتوی اعضای دائمی شورای امنیت و پیوستن نمایندگان از کشور های کم رشد یافته به جمع این اعضای دائمی هستیم.

25- ما تروریسم، در همه ی اشکال دولتی و غیر دولتی آن را محکوم می کنیم و خواهان تعهد همه دولت ها به عدم حمایت از تروریسم هستیم.

قطعهنامه

در مورد زنان

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نفی و پایمال ساختن حقوق زنان در کشور ما و اعمال فشارهای شدید در محیط کار و زندگی بر آنان ادامه دارد. زنان همچنان انسانهای درجه دوم به حساب می آیند. دفاع از حقوق پایمال شده زنان و بسیج و تشکل آنان، بخش جدایی ناپذیر مبارزه در راه دموکراسی و انسانیت است.

کنگره چهارم سازمان شورای مرکزی را موظف می سازد:

- از مبارزات زنان کشور و تلاش آنان برای سازمان یابی حمایت کند:
- با سازمان های دموکراتیک زنان در خارج از کشور همکاری و از فعالیت های آنان پشتیبانی کند.
- امکانات مناسب در جهت انعکاس مسائل و خواست های زنان، در نشریه «کار» ایجاد کند.
- پیگیری این وظائف بر عهده ی کمیسیونی خواهد بود که در جنب هئیت اجرائیه تشکیل می شود.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

قطعنامه در باره ی

تشکیل نهاد یاری به خانواده شهدا و زندانیان

سیاسی

زیر نظر خانم محسنی

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کنگره چهارم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»، با ابراز شادمانی بسیار از حضور خانم محسنی، این پیکارگر راه آزادی و بهروزی مردم ایران، و با تعظیم در برابر درد بزرگ ایشان به مثابه مادری که گرامی فرزندش را در راه آرمانهای این جنبش و این کشور تقدیم کرده است، و با احترام به مقام والای همه مادران و پدران که در این سالیان سیاه، عزیزانشان را در راه جاودان میهن سرفراز ما از دست داده اند، از خانم محسنی دعوت میکند مسئولیت و سرپرستی یک نهاد را برای یاری به خانواده ی شهدا و زندانیان سیای بر عهده گیرند. کنگره شورای مرکزی را موظف می کند که با تشکیل نهاد یاری به خانواده و زندانیان سیاسی، زیر نظر خانم محسنی، امکانات و تسهیلات ضرور، برای پیشرفت این امر را فراهم سازد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ساختار شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- 1- شورای مرکزی مرکب از ۱۳ الی ۱۷ عضو است که توسط کنگره انتخاب می شوند و هر یک حائز اکثریت مطلق آرای کنگره هستند. هر نماینده کنگره حق دارد نام حداکثر ۱۷ نفر کاندیدای مورد نظر خود را روی ورقه رای گیری بنویسد. حائزین اکثریت مطلق آرا به عنوان اعضای شورا برگزیده می شوند. شورای مرکزی حق دارد با دوسوم آرا و حداکثر به اندازه ی یک سوم تعداد اعضای خود را ترمیم کند.
- تبصره: در صورتی که در انتخابات، تعداد اعضای شورا مرکزی به حداقل تعیین شده در این بند نرسد؛ کنگره تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.
- 2- شورای مرکزی، ارگانی است سیاست گذار، برگزیننده و کنترل کننده.
- 3- شورای مرکزی از میان خود، عده ای را به عنوان هیئت اجراییه انتخاب می کند. اختیار برکناری مسئولین در هیئت اجراییه با شورای مرکزی است.
- 4- انجام وظائف در هر عرصه برعهده ی ارگان هایی است که برحسب ضرورت برای انجام آن وظائف ایجاد خواهند شد. مسئول هر ارگان در برابر هیئت اجراییه پاسخگو است.
- 5- هیئت اجراییه در فاصله دو اجلاس شورای مرکزی، مسئولیت هدایت سیاسی سازمان را برعهده دارد و موظف است گزارش جامعی از فعالیت های خود را، هر شش ماه یک بار، به اطلاع تشکیلات برساند
- 6- شورا موظف است ۳ ماه پیش از برگزاری کنگره، طرح اسناد لازم را تهیه و جهت بحث و تبادل نظر، در اختیار تشکیلات قرار دهد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

www.iran-archive.com

قطعه‌نامه

در باره ی مسائل مالی

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مشی مالی سازمان بر مشارکت همه اعضا و هواداران سازمان در تامین نیازهای مالی برای پیشبرد امور جاری و توسعه فعالیت های سازمان مبتنی است. در این راستا، کنگره چهارم کلیه واحدهای سازمانی و تک- تک اعضای خود را متعهد می داند ابزار لازم را فراهم و همکاری های در خور را با شورای مرکزی منتخب به عمل آورند.

کنگره، نیاز مالی سازمان، علاوه بر منابع موجود، را برآورد و با توافق رفقای عضو واحد های مختلف سازمانی، سهمیه ی تشکیلات سازمان در کشورهای مختلف را تعیین نموده است. واحدهای مختلف سازمانی موظف اند هر شش ماه یک بار، یک چهارم سهمیه فوق را به صندوق مرکزی سازمان واریز نمایند. موعد اولین پرداخت تا دو ماه پس از پایان کنگره می باشد.

www.iran-archive.com

وظائف و اختیارات کمیسیون نظارت مالی

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیسیون نظارت مالی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»، نقش حسابرس و بازرس مالی سازمان را داشته و مرکب از سه عضو است .

اعضای کمیسیون نظارت توسط کنگره سازمان انتخاب و در برابر کنگره پاسخگو می باشد.

تبصره: اعضای کمیسیون ن نظارت مالی ، با حق رای در کنگره شرکت خواهندکرد.

2- وظائف:

۲-۱- کمیسیون نظارت مالی موظف است هر سال یک بار ، نتیجه حساب رسی مالی و مقایسه برنامه بودجه بندی شده با هزینه شده را، در اختیار شورای مرکزی و تشکیلات قرار دهد.

۲-۲. کمیسیون نظارت مالی موظف است در فاصله یک ماه بعد از دریافت سوال و یا هرگونه درخواست رسیدگی مالی از سوی اعضا یا واحد تشکیلاتی، موضوع مربوطه را بررسی و پاسخ کتبی بدهد.

۲-۳. کمیسیون نظارت مالی، موظف است گزارش نهایی درمورد بودجه بندی سالانه و اسناد حساب داری را تهیه و به کنگره ارائه دهد.

3- اختیارات:

1- ۳ . کمیسیون نظارت مالی حق دسترسی به تمامی اسناد، مدارک و دفاتر مالی سازمان(اعم از شورای مرکزی و تشکیلات را دارد.

2- ۳. یک نسخه از کلیه گزارشات مالی شورای مرکزی و تشکیلات سازمان، از طریق مسئول مالی شورای مرکزی، در اختیار کمیسیون نظارت مالی قرار می گیرد.

3- ۳. بودجه بندی دوره ای(سالانه) سازمان برای بررسی، نظر خواهی و مشورت، در اختیار کمیسیون نظارت مالی قرار داده می شود.

4- ۳ . کمیسیون نظارت مالی حق تماس با تشکیلات (با اطلاع شورای مرکزی) به صورت مستقیم یا مکاتبه ای را دارا می باشد.

www.iran-archive.com

پیام

کنگره ی چهارم (کنگره ی بیژن جزنی)

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مردم ایران

هم میهنان گرامی!

چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» با هدف مرکزی بررسی مجدد اوضاع کشور و تدقیق سیاست های سازمان در مبارزه ملی برای نجات میهن از وضعیت فلاکت بار کنونی، در فاصله ۷ تا ۱۳ مرداد، تشکیل شد. با دریغ بسیار باید گفت، کنگره ما هیچ نشانه ای از بهبود، در هیچ یک از جهات اصلی فعالیت حکومت مشاهده نکرده است. اقتصاد از هم پاشیده کشور، کماکان در بن بست بسر می برد و دولت جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته است به اختلافات درونی خود بر سر چگونگی سازمان دهی اقتصاد، که به تیول عوامل حکومتی و مثنی سوءاستفاده چی غارتگر تبدیل شده است، پایان دهد. بی سیاستی و بی لیاقتی در بکار گیری منابع و امکانات ملی، بی اطلاعی کامل از شرایط ملی و بین المللی رشد اقتصادی، نا امنی در محیط فعالیت کار و سرمایه، و به تبع آن فرار متخصصین و سرمایه های کشور به خارج، اختصاص بخش بزرگ درآمدهای کشور به امور نظامی و انتظامی و اداری، ادامه سیاست خارجی ماجراجویانه و راهزانه و در نتیجه آن به انزوا کشیدن بیش از پیش کشور و افزودن مداوم بر شمار دشمنان رشد و توسعه ایران، بخشی از کارنامه این حکومت است. در چنین شرایطی زندگی مردم سخت و سخت تر می شود، تا جایی که برای میلیون ها ایرانی تامین نان مسکن، مستلزم دو نوبت کار شاق است. زندگی در کشور ما به یک تنازع بقا بیرحمانه تبدیل شده است؛ تنازعی که طی آن به خصوص مردم زحمتکش دچار شور بختی می گردند و از همه سو غارت می شوند.

بحران کهنه و پر دامنه اقتصادی به تخریب فرهنگ و آداب و اخلاق دامن زده است و کشور را از همه سو به سمت ویرانی سوق می دهد. حکومت گران بنیاد گرا با تخریب سیستم آموزشی کشور و جدا کردن آن از سیستم جهانی و با ویران سازی فرهنگ تاریخی و تجدد گرای ایران، هزار بار بیشتر از جنگ، به امروز و آینده ی این کشور آسیب وارد کرده اند. با این فرهنگ و سیستم آموزشی، امکان تربیت نیرو های متخصص و کاردان و کار آمد برای ساختن این کشور، کم و کمتر می شود و آینده کشور سخت به خطر می افتد.

در کشور ما تبعض های شدید اجتماعی به موازات تشدید اختلافات طبقاتی، شیرازه ی وحدت ملی را از هم می گسلد. خلق های کشور و اقلیت های مذهبی در چهار چوب این سیاست ها خود را از حقوق حقه خویش محروم می بینند و بسیاری از آنها به اشکال گوناگون مورد آزار قرار می گیرند. زنان که بزرگترین قربانیان سیاست های بنیاد گرایانه جمهوری

اسلامی هستند، هر روز بیشتر موقعیت خود را در جامعه از دست می دهند. سرکوب زنان و تنزل موقعیت آنان تا حد انسانهای درجه دو، شدیدترین نمودار سیاست های ارتجاعی حکومت ایران است. جمهوری اسلامی چنان فرهنگ ترقی خواهانه ناظر بر مناسبات زن و مرد را فرو کوبیده است که چندین دهه طول می کشد تا در پرتو یک سیاست مترقی، وضع به شکل عادی برگردد

سرکوب آزادی های سیاسی که امکان تاثیر گذاری نیرو های ملی و دموکرات را به حداقل رسانده است، سنگر اول در مقابله حکومت با مردم است. حکومت با زیر پا گذاشتن همه مواعید نخستین سران جمهوری اسلامی؛ می کوشد تا هرگونه امکانی بر ای حضور سیاسی نیرو های مترقی را از میان بردارد. همه واقیعت ها نشان می دهند که نبرد مرکزی با استبداد حاکم درست در همین عرصه مبارزه برای آزادی است. مردم ما بیش از پیش این واقیعت را در می یابند که عوامل اصلی شوربختی آنان، استبداد فقهاتی حاکم است و رابطه تنگاتنگ بین خواست های اقتصادی - اجتماعی خود و سلطه استبداد می بینند.

ما اعتقاد راسخ داریم که اگر مردم ما برای آزادی بسیج شوند و حکومت را در این راستا زیر فشار بگذارند، اگر مردم هماهنگ با پیشروان سیاسی، تامین آزادی های سیاسی را در راس مبارزه خود قرار دهند، قادر خواهند شد مقاومت رژیم را در هم بشکنند و میهن ما راه بهروزی پیدا خواهد کرد. این حق مردم است که آزادانه در باره زندگی خود و امروز و آینده کشور خویش تصمیم بگیرند. این حق غیر قابل انکار احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی کشور ما است که آزادانه برای آبادی و بهروزی وطن خویش مبارزه کنند. پایمال کردن این حق، آشکارترین نمودار ناحق بودن استبداد حاکم است و از سوی مردم ایران و جهان به شدید ترین شکل محکوم می شود. حکومتی که خواست مردم را رعایت نمی کند، سرانجام ناچار خواهد شد سنگر بسپارد. رهبران جمهوری اسلامی اگر کوچک ترین حرمتی برای واقیعت قائل بودند، می توانستند دریابند که ایستادگی آنها در برابر خواست های آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم راه به جایی نخواهد برد.

پیش از اینکه کشور در بحران غرق شود، باید فضای باز سیاسی ایجاد شود و نیروهای سیاسی کشور ما قادر شوند به گونه ای متمدنانه، در چهار چوب دموکراسی، برای نجات کشور

خود راه جویی کنند. ایران دیگر جایی برای تحمل خشونت و تخریب و خون ریزی ندارد. ایران نیازمند سازندگی است. این کشور باید ساخته شود

هم وطن!

آینده ایران در دست توست. همه چیز بستگی دارد به این که تو کی و چگونه برای نجات خود بپا می خیزی. بیا تا آزمون های انقلاب بهمین را بدرستی بکار گیریم بیا تا بکوشیم از راه هایی هر چه بی دردتر، از راه هایی میرا از انتقام جویی و خشونت و تخریب بیهوده و ناخودآگاهانه، بسوی آزادی و بهروزی پیش برویم. فراموش نکنیم که هر سنگ و آجر این سرزمین مال ما است. هر مزرعه و هر باغ هر خیابان و هر ساختمان، جزیی از ثروت ملی ماست. ما باید این بار هدفمند و تا حد ممکن متشکل، برای آزادی و سازندگی و علیه استبداد به پا خیزیم و هدف های خود را تا حد ممکن از کم زیان ترین راه ها دنبال کنیم.

فدائیان خلق، به ویژه بخش متشکل مردم ایران یعنی احزاب و سازمان های سیاسی مدافع دموکراسی و حقوق بشر را فرا می خوانند تا برای ملت خود نمونه ای از اتحاد و همکاری ملی برای نجات کشور ارائه دهند. نیاز میهن ما آن است که روندهای واگرایی در صفوف ملت، بر پایه هدف های مشترک ملی و دموکراتیک، کاملاً جای خود را به هم گزایی بدهند.

امروز ایران دوست واقعی کسی است که از خود به سود میهن خود می گذرد. همایش ایرانیان در جنبشی بزرگ و واحد برای حقوق بشر و آزادی های سیاسی و اجتماعی، در گرو گذشت آنان از برخی منافع فردی و گروهی، بسود منافع ملت است. میزان موفقیت ایرانیان در همگرایی و اتحاد برای دموکراسی، خود نمودار واقعی میزان پیشرفت آنها در این راه است. باشد که میهن باستانی ما از شب استبداد به صبح آزادی برسد و مردم ما در پناه دموکراسی و همبستگی ملی، پا به راه پیشرفت و بهروزی بگذارند.

زنده باد آزادی!

کنگره چهارم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیام کنگره ی چهارم

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کنگره بیژن جزنی

به اعضا و هواداران سازمان

رفقا!

کنگره چهارم سازمان، که در بیست و پنجمین سال حیات سازمان برگزار شد، حاصل مبارزه ی بی گسست هزاران فدایی خلق است که در طی این مسیر پر پیچ و خم، رنج فراوان برده اند و بهای بس گران پرداخته اند.

کنگره، با تاکید بر این حقیقت، کار خود را باگرامی داشت یاد فدائیان جان باخته که از جان مایه گذاشتند تا در این بیست و پنج سال، درفش صلح، آزادی، پیشرفت و عدالت اجتماعی برفراز میهنمان به اهتزاز در آید، آغاز کرد و آن را با عزم یاری به خانواده ی همه جان باختگان سازمان و جنبش دموکراتیک به پایان برد. کنگره ی چهارم، این حقیقت درخشان را، که راز ماندگاری سازمان و پشتوانه تداوم حیات آن همانا در پایداری و پیکار تک- تک فدائیان خلق در راه آزادی و سعادت مردم ایران نهفته است، بار دیگر اعلام داشت. کنگره چهارم سازمان، به شما یاران درود می فرستد و کوشش ما را در راه تحقق آرمان های سازمان و پیشبرد سیاست های آن، ارج می نهد.

رفقا!

کنگره چهارم سازمان ما در شرایطی برگزار می شود که میهن ما در یکی از موقعیت های خطیر تاریخی قرار گرفته است. مردم، امید خود را به بروز تدبیر و کیاست در حکومتیان از دست داده اند. برنامه «تعدیل اقتصادی» شکست خورده است تولید ملی بیش از پیش سقوط کرده است، بدهی های کلان به خارج بر دوش مردم سنگینی می کند، اختلاف طبقاتی و فقر و بیکاری در ابعاد حیرت آوری گسترش یافته است. مردم به عیان شاهد تدارک جایجایی بدترها به جای بدها در حکومت هستند. این حقیقت برای مردم ایران روشن تر میشود که مسئول اوضاع فاجعه بار کنونی، حکومت گران هستند و هیچ یک از جناح های عمده حکومتی ظرفیت ایجاد تغییرات اساسی برای پایان دادن به این وضع را ندارند.

خواست ها و مطالبات اقتصادی و اجتماعی مردم افزایش می یابد و از آن جا که این خواست ها با انکار و استبداد حکومت گران مواجه می شود، مبارزات مردم اشکال انفجاری و شورشی به خود می گیرد. حضور موثرتر در مبارزات برحق مردم، تقویت پیوند با این مبارزات و سمت دادن آنها به سوی اشکال سیاسی پیکار و پی ریزی و تحکیم نهاد های دموکراتیک مستقل که از درون جنبش های اعتراضی می تواند سربر آورد، وظیفه تاخیر ناپذیر ما مبارزان دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی است.

رفقا!

گسترش نارضایتی و روحیه انتقاد و اعتراض جسورانه در میان مردم و اقدام آنان به مقابله های شورشی گونه در برابر عاملان زور از یک سو و درماندگی و از دست دادن روحیه اعتماد به خود در میان طیف وسیعی از گردانندگان امور در نظام ولایت فقیه از سوی دیگر زمینه ی تحرک سیاسی کشور را فراهم آورده است. فقهای حکومتی، روبرو با بن بست در مدیریت اقتصادی و سیاسی کشور و گرفتار در چنبره اختلافات درونی، عاجز، عاجز از مهار این جنبش امید برانگیز هستند. کوشش برای تحکیم پیوند با این جنبش و نقش بر آب کردن توطئه های حکومت برای انحراف آن و تبدیل این جنبش به یک محور نیرومند دموکراتیک در کشور، حلقه مقدم ضروری در مبارزه برای امر دموکراسی و نجات کشور از سیطره استبداد و فقاقت است جنبش سیاسی هرگاه با جنبش مطالباتی توده های مردم گره نخورد، و اگر به پیوند همه نیرو های دموکراتیک میهن مان نینجامد و از پشتیبانی سیاست های بین المللی به دور از نقض

حاکمیت ملی ایران، برخوردار نگردد قادر به ایفای نقش موثری نخواهد بود که باید در مبارزه علیه رژیم استبدادی آخوندی داشته باشد.

وظیفه تک تک ما است که هوشیارانه و مبتکرانه تاکیدات کنگره چهارم سازمان در این زمینه را ناظر بر فعالیت سیاسی روزمره سازیم و ملاک عمل پیکار سیاسی کنونی قرار دهیم.

رفقا!

در چنین شرایط حساسی وظیفه ما از یک طرف تلاش بی وقفه در زمینه ی تامین همکاری و اتحادها با همه نیروها و شخصیت های سیاسی است که در گفتار و کردار خواهان استقرار دموکراسی در کشور هستند و از طرف دیگر کمک به تسریع روند غلبه بر بقای عوارض ناگوار بحرانی که جنبش چپ و از جمله سازمان ما سال ها از آن رنج برده و آسیب دیده است. هر یک از ما باید به باز سازی و نیرومندی سازمان در همه زمینه ها، اعم از تحرک سیاسی، انسجام سازمانی، تقویت بنیه ی مالی و گسترش ارتباطات برون سازمانی، یاری رسانیم.

دموکراسی در سازمان، که پیوسته در مسیر دوام و قوام گام بر می دارد، ضامن نیرومندی برای تامین خلاقیت های فکری و عملی در درون سازمان است تا سازمان ما به نحو قدرتمندی در صحنه سیاسی کشور بر آمد کند.

رفقا!

کنگره ی چهارم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به همه شما اعضا و هواداران سازمان درود می فرستد و با این امید به آینده می نگرد که، جنبش دموکراتیک کشور و سازمان ما، به نحو کارا و کارآمد از عهده ی وظایف خود بر آید.

کنگره چهارم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

کنگره ی پنجم

www.iran-archive.com

اسناد کنگره پنجم

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دیماه ۱۳۷۶

- * گزارش پنجمین کنگره ی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- * دیدگاه ها و آماج های سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- * برنامه ی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) برای دموکراسی و عدالت اجتماعی
- * اوضاع کنونی و سیاست های ما
- * درتأمین حقوق زنان
- * قرارهای مصوب کنگره پنجم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت
- * پیام پنجمین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران
- * پیام پنجمین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به یاران و دوستداران سازمان در ایران
- * پیام حزب دموکرات کردستان ایران به کنگره پنجم سازمان
- * سیمای آماری پنجمین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

گزارش پنجمین کنگره ی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

پنجمین کنگره ی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در فاصله ی روزهای ۱۳ تا ۱۸ دی ماه (سوم تا هشتم ژانویه) برگزار شد رویداد های مهم سیاسی در فاصله ی یک ساله گذشته در کشور، حدت و حساسیت اوضاع سیاسی در ایران و ضرورت بررسی و برنامه ریزی جدی در قبال آن، بحث ها و موضع گیری های در کنگره را از شور و هیجان کم نظیری بر خوردار کرده بود. این واقعیت که اکنون دیگر سیاست ها و موضع گیری ها جهت ثبت در اسناد و نشریات نبوده و به درجات گوناگون در سطح جامعه باز تاب یافته و در حد معینی به نیروی مادی تبدیل می شود؛ حساسیت ویژه ی نمایندگان کنگره با نظرگاه های سیاسی گوناگون را بر انگیخته بود.

کنگره طی شش روز کار طاقت فرسا که گاه تا ساعاتی پس از نیمه شب ادامه داشت، توانست برنامه و دستور کار سنگین خود را با موفقیت به انجام برساند. تدارک بررسی تائید و تصویب اسناد دیدگاه ها و آماجهای سازمان برنامه ی سیاسی، وظایف و قطعنامه های سیاسی «برای تامین حقوق زن»، بررسی طرح های گوناگون پیرامون ساختار رهبری سازمان و بحث و اتخاذ تصمیم پیرامون قرار های ارائه شده به کنگره از جمله مهم ترین عرصه های فعالیت کنگره ی پنجم بود. از ویژگی های قابل تاکید در کنگره پنجم، تبارز اراده ی واحد نیرومندی بود که در برنامه های سیاسی پیرامون ضرورت و نیاز به استقرار یک حکومت دموکراتیک در شکل جمهوری به جای جمهوری اسلامی به مثابه ی هدف برنامه ی سیاسی و در سیاست و وظایف روز پیرامون ضرورت تمرکز مبارزه علیه ولایت فقیه و جناح خامنه ای شکل گرفت. نمایندگان

حاضر در کنگره این اراده ی واحد را با درصد بالای آرای خود به این بخش از اسناد به نمایش گذاشتند.

برای نخستین بار در سازمان ماو به عنوان اقدامی کم نظیر در صفوف اپوزیسیون، شورای مرکزی منتخب کنگره‌ی چهارم از سازمان ها و احزاب چپ و ملی-جمهوری خواه دعوت به عمل آورده بود که با حضور در کنگره در بحث های سیاسی و نظری شرکت کرده و میهمان کنگره پنجم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» باشند. سازمان ها، احزاب و تشکل های دعوت شده عبارت بودند از: حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، حزب توده ی ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران «راه کارگر»، برای چپ نو» و نشریه «پیام فردا». به جز سازمان راه کارگر و سازمان اتحاد فدائیان خلق، دیگر دعوت شدگان نمایندگانی به کنگره پنجم سازمان اعزام داشتند.

از سوی شورای مرکزی، جمعی از فدائیان خلق، یاران قدیمی که بخشی از آنان در سالهای گذشته در صفوف سازمان رزمیده اند، و بخشی نیز هم اکنون در تشکیلات سازمان حضور دارند نیز به کنگره دعوت شدند که میهمانان کنگره پنجم سازمان بودند.

آغاز کار کنگره

کنگره پنجم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» روز شنبه ۱۳ دیماه (سوم ژانویه) به یاد احترام فدائیان جان باخته با اعلام یک دقیقه سکوت کشایش یافت. پس از آن پنج تن از مسن افراد حاضر، در جایکه هئیت رئیسه سنی ادارهی اجلاس را برعهده گرفتند و روند تائید اعتبار نامه ی نمایندگان کنگره (که بطور جمعی بدون هیچ مورد اعتراض تائید شد، اعلام رسمیت کنگره و انتخاب هئیت رئیسه دائمی کنگره را به پیش بردند. پس از آن هئیت رئیسه ی دائمی اداره ی اجلاس کنگره را بر عهده گرفتند. کنگره دستور کار خود را به شرح زیر تنظیم کرد:

- بررسی عملکرد شورای مرکزی و گروه های کار
- دیدگانه ها و آماج ها
- برنامه ی سازمان برای دموکراسی و عدالت اجتماعی
- اوضاع کنونی و سیاست های ما

- طرح ساختار دستگاه رهبری و نحوه ی انتخاب شورای مرکزی
- رئوس فعالیت های آتی سازمان وسایر قرارها
- اظهار نظر در قبال مسئله ی جوانان و اهمیت آن
- بررسی عملکرد شورای مرکزی وگروه های کار

در این بخش نمایندگان به اظهار نظر پیرامون شورای مرکزی و نقد کارکرد آن پرداختند. بسیاری از آنان با ذکر این نکته که از برشمردن نقاط و عملکرد های مثبت و قابل تائید و تقدیر می گذرند و بر عرصه های قابل انتقاد جهت رفع آنها تاکید می کنند، به اظهار نظر پرداختند.

گزارش کتبی جمع بندی شورا مرکزی منتخب کنگره ی چهارم، قبلا در اختیار نمایندگان کنگره قرار گرفته بود.

مهم ترین عرصه هایی که در این بخش از کنگره در مورد آن اظهار نظر شد عبارت بودند از: مواضع در قبال انتخابات ریاست جمهوری کیفیت رابطه ی شورای مرکزی با اعضای تشکیلات در خارج از کشور، حد تلاش برای پیوند با فعالین و جنبش سیاسی داخل کشور، مواضع و سیمای سیاسی کار ارگان مرکزی سازمان، سیاست ها ومواضع در قبال خاتمی ، نامه سرگشاده ی شورای مرکزی به خامنه ای، مناسبات بین المللی و روابط با احزاب و رسانه های بین المللی، ضرورت گزارش دهی منظم به تشکیلات، امر فراکسیون های نظری در سازمان نحوه ی پیشرفت اتحادها و همکاری ها با فراکسیون های نظری در سازمان، نحوه ی پیشرفت اتحادها و همکاری ها با احزاب وسازمانهای چپ و با دوسازمان دیگر امضا کننده ی «منشور همکاری..» اقدامات در دفاع روشنفکران و دگراندیشان کشور و علیه سرکوب و ترور جمهوری اسلامی، امر تدارک مضمونی کنگره و ناکافی بودن تلاشها در این راستا و ...

پس از سخنان نمایندگان کنگره که هریک از نظرگاهی واز زاویه ای متفاوت به یک یا چندین عرصه از موارد فوق پرداختند کنگره برآن شد که کمیسیونی جهت بررسی وجمع بندی پیشنهادهای مختلف تعیین کند. در نوبتی دیگر و پس از ارائه ی حاصل کار این کمیسیون به کنگره با اکثریت آرا تصمیم گرفت در ۳ مورد از موارد پیشنهاد شده از سوی کمیسیون به صدور و انتشار قرارها پردازد.

متن این قرارها به شرح زیر است:

1- انتخابات دوم خرداد ماه به دلیل کیفیت عمل مردم، رویداد بزرگی در حیات سیاسی کشور بود. ما به درستی ضد دموکراتیک بودن انتخابات را افشا کردیم. اما تحریم انتخابات از جانب شورای مرکزی را امری نادرست ارزیابی می کنیم. این امکان وجود داشت که ما با اشکال دیگر با انتخابات برخورد می کردیم.

این قرار با ۶۶ درصد آرا کنگره به تصویب رسید.

2- کنگره صدور نامه ی شورای مرکزی سازمان به آقای خامنه ای را نادرست ارزیابی می کند.

این قرار با ۶۰ درصد آرا کنگره به تصویب رسید.

3- سیاست های فعال، روشن و افشاگرانه ی شورا در مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی، بخصوص در ارتباط با دادگاه میکونوس و دستگیری فرج سرکوهی درست بود. شورای مرکزی در حمایت از نویسندگان و دگراندیشان تحت فشار، برخورد فعالی داشت.

این قرار با ۶۶ درصد آرا کنگره به تصویب رسید.

در مورد سایر قرارهایی که از سوی کمیسیون ((رئوس فعالیت های آتی و قرارها)) بر اساس پیشنهادهای نمایندگان کنگره شورای مرکزی منتخب را مجاز دانست تا به تصمیم خود بخشی از آن قرارها را به نام کنگره منتشر کند.

دیدگاه ها و آماج ها

در روز دوم کنگره موضوع و سند دیدگاهها و آماج های سازمان در دستور کار قرار گرفت. قبل از آغاز کار هیات رئیسه ی کنگره حضور نمایندگان میهمانان، احزاب و سازمانهای دعوت شده را اعلام کرد و خوش آمد گفت. نمایندگان «برای چه نو» (جدا شدگان از سازمان راه کارگر)، جمهوری خواهان ملی ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، نشریه ی پیام فردا (جداشدگان از حزب توده ی ایران) و اندکی دیرتر دو نماینده ای از حزب دمکرات کردستان ایران و نماینده ی حزب توده ی ایران.

سند آماج ها و دیدگاههای سازمان قبلا در کمیسیونی که جنب شورای منتخب کنگره چهارم تشکیل شده بود، تدوین و به تصویب رسیده بود سند دیگری به کنگره پیشنهاد نشد و همان سند مبنای بحث کنگره قرار گرفت. عموم اظهار کنندگان با تایید سمت کلی سند، اصلاحات معینی را پیشنهاد می کردند. بیشترین اظهار نظرها روی تعریف سوسیالیسم به مثابه ی یک مظام اجتماعی-اقتصادی و یا یک نظام فکری و ارزشی صورت گرفت. رابطه ی ایدولوژی با سازمان موضوع مهم دیگری بود که در کنگره مطرح شد. عموم اظهار نظر کنندگان این ایده که دست یابی به سوسیالیسم را از طریق تحقق انقلاب سیاسی و کسب قدرت عملی است را، غیر واقعی تلقی می کردند. در عین حال تعاریفی که اندیشه ی سوسیالیسم را آرمانی دست نیافتنی و بی ارتباط با سیر تحولات کنونی جامعه تلقی می کند نیز در کنگره مدافعی نداشت. بحث جالب دیگر پیرامون رابطه ی ایدولوژی و سازمان بود. این برداشت که سازمان فاقد برنامه و ایدولوژی است، در اظهار نظر سخن رانان برداشتی غیر واقعی و بی پایه تلقی شد. در عین حال این فکر نیز در میان نمایندگان کنگره مدافعی نداشت که سازمان میتواند و باید درک و فهم معینی از ایدولوژی را به تصویب برساند و همان درک و فهم را مبنای مرزبندی خود با دیگران قرار دهد. در پایان مباحثات سند دیدگاه ها و آماج ها با ۹۵ درصد آرای مثبت از کنگره رای تمایل گرفت و برای تدقیق و انتشار به شورای منتخب محول شد.

بنامه ی سازمان برای دموکراسی و عدالت اجتماعی

در آغاز بحث های مربوط به برنامه های سیاسی و سیاست های روز نخست سخنرانان در کنگره به اظهار نظر کلی و توضیح نظر خود پیرامون این امر پرداختند. قریب ۳۵ درصد نمایندگان برای اظهار نظر در این زمینه ثبت نام کردند پس از بحث ها و اظهار نظرهای اولیه کنگره به تعیین سند مبنا برای انجام کار کمیسیونی پرداخت. دو سند، سند ارائه شده از سوی کمیسیون منتخب شورای مرکزی و سند دکتر رضا جوشنی به رای گیری گذاشته شد. سند کمیسیون تحت عنوان «برای ایرانی آزاد پیشرفته و مرفه» با ۷۷ درصد آرای موافق به عنوان سند مبنا پذیرفته شد. سند رفیق جوشنی ۳۱ درصد آرای موافق را به خود اختصاص داد. در نوبتی دیگر کنگره به پیشنهاد کمیسیون تصمیم گرفت که به جای یک سند پیرامون خط مشی سیاسی، دو سند بهم پیوسته، سند برنامه ی سیاسی، که بعدا با نام «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی» به تصویب کنگره رسید و سند «اوضاع کنونی و سیاست ما» تهیه شود.

پس با ارائه ی سند «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی» به پیشنهاد کمیسیون و تصمیم هئات رئیسه کنگره دو ماده از این سند که مهم و کلیدی تشخیص داده شد، به بحث و رای گیری جداگانه گذاشته شد. در سایر موارد کلیات سند به رای کنگره گذاشته شد.

پاراگراف هشتم از سند «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی که ناظر بر هدف برنامه های سیاسی سازمان است با متن زیر به رای کنگره گذاشته شد و با ۷۵ درصد آرا مثبت به تصویب رسید:

کشور ما نیازمند حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری به جای جمهوری اسلامی است. ما برای تحقق چنین هدفی مبارزه می کنیم. تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت آمیز متحقق شود.»

همچنین پاراگراف ۱۱ با متن زیر: «حکومت دموکراتیک بر پایه اشکال غیر متمرکز، از فدرالیسم که منطبق بر ساختار و ویژگی های فرهنگی و ملی کشور ما است، پی ریزی می شود. در این حکومت خود مختاری با دیگر اشکال دموکراتیک اداره ی امور محلی ملیت ها(اقوام) تضمین شده و امور هر منطقه توسط مجلس و شورای منطقه ای و محلی اداره می گردد.»

جداگانه به رای گذاشته شد و با ۶۹ درصد آرا موافق به تصویب رسید. آن گاه کلیات سند «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی» به رای گذاشته شد که با ۸۳ درصد آرای مثبت، کنگره به آن رای تمایل داد.

اوضاع کنونی و سیاست های ما

بحث ارزیابی دقیق از تحولات اخیر در کشور و آن چه که رهبری جمهوری اسلامی پس از رویداد عظیم خرداد به وقوع پیوست و اتخاذ سیاست درست همان گونه که انتظار می رفت جایگاه ویژه ای در پنجمین کنگره ی ما فدائیان یافت. نمایندگان حاضر در کنگره با وحدت آرای خود بر تکیه شان بر مردم ایران و مبارزه ی آنان تاکید کردند و مردم را نیروی اصلی تحولات دانستند. بند ناظر بر این امر با ۱۰۰ درصد آرای نمایندگان به تصویب رسید. کنگره ی پنجم سازمان بایکپارچگی سمت اصلی مبارزه را افشاگری و بسیج نیروها علیه

ولایت فقیه و جناح خامنه ای خواند و خواهان کوتاه کردن دست جناح خامنه ای از قدرت سیاسی شد و تاکید کرد: ما برای برقراری آزادی های سیاسی و اجتماعی در کشور مبارزه می کنیم.

برای تامین حقوق زنان

پس از آنکه کنگره تصمیم گرفت ارائه ی سند مستقلی در این زمینه را در دستور قرار دهد کمیسیونی برای آن تعیین کرد.

از سوی کمیسیون زنان منتخب کنگره طرحی ارائه شد. کنگره ضمن تاکید بر برابری حقوقی زنان و مردان مخالفت خود را با هر گونه جدایی جنسی در امور آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی اعلام کرد. حول برخی ماده ها در طرح از جمله در مورد تفویض حق حضانت و ولایت (نگهداری و سرپرستی) فرزند، بخت داغی در گرفت. پس از بحث و بررسی و رای گیری حول برخی ماده های آن ، کلیت سند به رای گذاشته شد و سند « برای تامین حقوق زنان» با ۸۸ درصد آرا به تصویب رسید.

جوانان

در ماه های اخیر جوانان ایرانی با شور و نشاط چهره ی دیگری از میهن به نمایش گذاشتند. نقش جوانان در تحولات اجتماعی و سیاسی میهن ما در کنگره بازتاب ویژه ای داشت. برای نخستین بار در تاریخ کنگره های سازمان ، کمیسیون جوانان انتخاب شد. این کمیسیون پس از بحث و مشورت در امور جوانان سندی به کنگره ارائه داد. کلیات این سند با ۵۸ در صد آرا به تصویب رسید.

گزارش عملکرد مالی

بنا به رسم کنگره های قبل ، هر کنگره برای تاملن نظارت موثر خود بر عملکرد شورای منتخب هئیتی به نام هیئت نظارت مالی را انتخاب و به آن مسئولیت می داد که کلیه حساب ها و اسناد مالی شورای مرکزی را واری و گزارش خود را پیرامون نحوه ی عملکرد مالی شورا، به کنگره ی بعدی گزارش کند. گزارش هیئت نظارت مالی برای دوره ای که گذشت به کنگره ارائه شد. این گزارش حاکی از آن بود که در دوره ی مورد گزارش ، به همت

مسئول مالی، امور مالی سازمان به اسناد عملکرد مالی مجهز و لذا به روش حسابداری قابل رسیدگی و کنترل مجهز بوده است. هیئت نظارت مالی ضمن تأیید صحت و اصولیت سیستم کنترل هزینه ها و درآمدها توصیه های خود را به کنگره و شورای آتی ارائه داد.

طرح ساختار رهبری و انتخاب اعضا شورای مرکزی

کنگره در دو نوبت موضوع ساختار رهبری و طرح های مختلف در مورد آن را در دستور کار قرار داد. یک لایه با دو لایه بودن ارگان شورای مرکزی، حد گستردگی آن، نقش و رابطه ی هیئت سیاسی - اجرایی با شورای مرکزی و انتخاب مستقیم مسئول هماهنگی شورای مرکزی، سردبیر نشریه کار و سخنگو در کنگره، از جمله مباحث در این زمینه بود. سرانجام کنگره طرحی را به تصویب رساند که بر مبنای آن کنگره از میان داوطلبین اعضای شورای مرکزی را با رای مخفی و از طریق رای گیری با ورقه انتخاب می نماید. این جمع از میان خود هیئت سیاسی - اجرایی را تعیین می کند. هیئت سیاسی - اجرایی در فاصله دواجلس شورای مرکزی هدایت سازمان را بر عهده دارد. شورای مرکزی مسئولین گروه های کار و عرصه های مختلف را از بین اعضای خود تعیین می کند.

در آخرین روز کار کنگره، انتخابات برای تعیین اعضای شورای مرکزی سازمان برگزار شد. طبق قراری که به امضای بیش از ده نفر از اعضای کنگره رسیده بود، ضوابطی برای نامزدی عضویت در شورای مرکزی به کنگره پیشنهاد شد، که با اصلاحاتی به تصویب کنگره رسید. مطابق این قرار مقرر شد هر نامزد عضویت در شورای مرکزی باید دست کم ده سال سابقه ی عضویت در تشکیلات سازمان را دارا بوده و دست کم سه نفر از کسانی که این سوابق را تأیید می کنند معرف او باشند.

ثبت نام از داوطلبان بر اساس همین ضوابط صورت گرفت و از سوی هیئت رئیسه کنگره کنترل شد. میزان داوطلبین ورود به شورای مرکزی در پنجمین کنگره سازمان به کلی بی سابقه بود. قریب به ۴۰ درصد حضار در کنگره به عنوان نامزد عضویت در شورا ثبت نام کردند. این رقم نشانه ی بارز تغییر روحیات در پرتو تغییر جدی فضای سیاسی کشور بود. این تعداد افزایش امید به ثمر بخشی مبارزه ی سیاسی سازمان را بارزتر می کرد.

فضای عمومی

ویژگی همه ی کنگره های سازمان در آمیزی فضای صمیمی و عاطفی عموم نمایندگان با مباحثات حاد و طرح صریح و پیگیرانه ی دیدگاه ها ، نقطه نظر و پیشنهاد های مختلف بوده است. این ویژگی کنگره های سازمان در پنجمین کنگره هم بوضوح نمایان بود. حضور بیش از نیمی از اعضای کنگره در کمیسیون ها و انبوه بحث ها و پیشنهاد های نمایندگان اگر چه وقت زیادی را از اجلاس می گرفت، اما در عوض فضای مشارکت و مداخله ی فعال و همگانی در تصمیم گیری ها را آشکارا تقویت کرده بود.

اظهار نظر ها و مباحثات در اجلاس رسمی کنگره بخش محدودی از مجموعه ی کاری که در ۶ روز صورت گرفت را تشکیل می داد. کنگره بهترین فرصت را فراهم کرده بود که فعال ترین نیرو های سازمان طی ۶ روز نه تنها در باره ی امر مشترک صدها دیدار و گفتگو با رفقای خود داشته باشند و در باره ی بسیار کارها هم اندیشی کنند بلکه بسیاری از امکانات ارتباط و قرار ها برای همکاری و مراودت را زنده یا تحکیم کنند.

در کنگره برنامه های فرهنگی یا تفریحی پیش بینی نشده بود. اما طی ۶ شبانه روزی که اجلاس جاری بود کمتر رفیقی بود که فرصت می کرد بیش از ۲ یا ۳ ساعت را برای خوابیدن کنار بگذارد. از نیمه شب تا بامدادان و گاه از سحرگاهان تا سپیده دمان، جمع یاران را توای شعر و موسیقی و ترانه ها و پایکوبی ها که از چهار گوشه ی آن میهن دور جان مایه می گرفت برای روزی دیگر و پیگیری امری سترگ تازه جان و نو نفس می کرد. و آخرین شب، آنگاه که لحظه ی بازگشت و زمان سپردن رهبری سازمان به اعضای شورای جدید می رسید تا سحرگاهان و تا بامدادان انبوه نمایندگان سرود خوانان و پای کوبان پایان کنگره را جشن گرفتند، فشردن دست ها روبوسی گرم و آرزوی پیروزی و بازگشت سربلند به میهن آخرین کلام یارانی بود که یکدیگر را برای دورانی دیگر و بس پرتلاطم و بغرنج وداع می کردند.

دیدگاه ها و آماج های

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

آماج ها

- 1- سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» و مدافع دموکراسی، پیشرفت، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم است. صلح در مقیاس ملی و بین المللی خواست بزرگ انسانها و ضامن اساسی موفقیت در راستای آماج های فوق است. ما دفاع پی گیر از استقلال کشور و منافع ملی را با دفاع از مناسبات برابانه و برادرانه میان همه ی ملل جهان پیوند می دهیم. سازمان ما مدافع حقوق بشر است و بر همین پایه علیه هر گونه ستم ملی، طبقاتی جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می کند. در شرایط جهان امروز حفظ محیط زیست و ممانعت از مداخلات زیان بار در طبیعت زیست یکی از هدف های بزرگ بشریت است. این هدف یکی از آماج های اصلی برنامه های سازمان است.
- 2- به نظر ما مبارزه ی طبقاتی امر است عینی و واقعی. ما در مبارزه ای که هم اکنون در نظام سرمایه داری جهانی میان کار و سرمایه در جریان است، در اردوی کار مبارزه می کنیم.
- 3- جامعه ی ایران جامعه ای تفکیک شده به طبقات گوناگون است. شکاف طبقاتی چنان است که گروهی صاحبان سرمایه و برخوردار از رفاه بسیار هستند و در مقابل گروهی دیگر، یعنی؛ کارگران و رنجبران، بی بهره از امکانات تولیدی و محروم از یک زندگی انسانی هستند. سازمان ما جامعه ی طبقاتی و این تبعیضات بیدادگرانه را مغایر شان و شرف انسانی می داند و علیه آن پیگیرانه مبارزه می کند. بر همین پایه ما دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان روستا، روشنفکران و همه ی مزد بگیران و کارورزان جسمی و فکری جامعه معاصر را جان مایه ی برنامه ی خود می دانیم. از آن جایی که زنان، جوانان، و اقلیت های ملی و مذهبی غالباً برای دست یابی به نیازهای خود با موانع بیشتری روبرو هستند، ما دفاع از منافع ویژه ی این گروه های اجتماعی را رکن دیگر برنامه ی سیاسی- اجتماعی خود می دانیم.

4- آزادی و حقوق بشر آماج های مقدم برنامه سیاسی سازمان ما هستند. همه ی مردم باید در اندیشه و اعتقاد- اعم از اعتقاد سیاسی فلسفی، مذهبی، علمی و غیره- و در بیان کردن ، نوشتن و دفاع از اندیشه ها و باورهای خود، کاملاً آزاد باشند. ما مدافع جدای دین از دولت هستیم و هرگونه سیادت ایدئولوژیک و هر شکل از دیکتاتوری را ضد منافع مردم می دانیم.

5- سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده ی مردم می داند و به مردم سالاری بر پایه ی رای و انتخاب آزادانه ی مردم در تعیین دولت ، به محدودیت زمانی قدرت، به تناوب و انتقال قانونی آن، به حزبیّت و نظام چند حزبی معتقد است.

6- ما معتقد به تلفیق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هستیم. توزیع هرچه بیشتر قدرت در جامعه و مشارکت و دخالت مستقیم و آگاهانه ی مردم در حیات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی، کنترل دولت از طریق تقویت جامعه ی مدنی و نهاد های سیاسی، صنفی و دموکراتیک و جنبش های اجتماعی زنان، جوانان ، محیط زیست و صلح لازمه ی بسط و ژرفش همه ی جانبه ی دموکراسی است و ما برای آن برجسته ترین مقام ارزشی را قائل هستیم.

7- به نظر ما دموکراسی و عدالت اجتماعی در پیوند تنگاتنگ با هم قرار دارند تامین عدالت اجتماعی پشتوانه ی دموکراسی و مناسبات صلح آمیز در جامعه است و تحقق گسترده ی عدالت اجتماعی در شرایط وجود و گسترش دموکراسی و حقوق دموکراتیک مردم امکان پذیر است .

برای توسعه و تجدد

8- در تاریخ صد سال اخیر کشور ما ، همواره پیکار بین سنت و تجدد و تلاش برای غلبه بر عقب ماندگی جامعه جریان داشته است. با وجود کسب موفقیت هایی در این عرصه، هنوز معضل دیر پای جامعه یعنی توسعه نیافتگی و سنت گرایی پا بر جا است . عقب ماندگی و سنت گرایی زمینه ساز استبداد سیاسی و فلاکت مردم است. ما ضمن ارج گذاری به سنت هایی که به مثابه عوامل مثبت در توسعه جامعه عمل می کنند، معتقدیم پیکار برای دموکراسی و عدالت اجتماعی در پیوند تنگاتنگ با مبارزه برای نوسازی فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی قرار دارد.

برای حفظ محیط زیست

9- بحران زیست محیطی یکی از مهم ترین مسائل در مقیاس ملی و بین المللی است. در نتیجه رشد انفجاری جمعیت، رشد کنترل نشده ی شهرها و صنعت و بهره برداری غارتگرانه تولید سرمایه درای از منابع طبیعی، شرایط حیات در کره زمین مورد مخاطره ی جدی قرار گرفته است. در کشور ما نیز به خاطر رشد انفجار گونه ی جمعیت و سیاست های مخرب جمهوری اسلامی، مسئله ی محیط زیست به یک معضل جدی تبدیل شده است. اقتصاد بازار ناب به خاطر منافع فردی و خودخواهانه قادر به حل معضل محیط زیست نیست. باید تخریب محیط زیست متوقف شود و کل روش تولید و مصرف به طور بنیادی دگرگون گردد و تکنولوژی جدید سازگار با طبیعت مورد استفاده قرار گیرد. باید از انتقال فعالیت ها و فرآورده های مضر برای محیط زیست به کشورهای درحال رشد جلوگیری شود و استعمار زیست محیطی پایان پذیرد.

زنان

10- در کشور ما به خاطر فرهنگ مرد سالاری که جمهوری اسلامی پاسدار و تشدید کننده ی آن است، زنان تحت ستم شدیدی قرار دارند و انسانهای درجه دوم به حساب می آیند. مرد سالاری در اساس مبتنی بر ستم بر زنان و پایمال نمودن حقوق انسانی آنها و تضمین کننده ی قدرت ستم بر زنان است. به نظر ما باید تمام قوانین و مقررات ضد زن ملغا گردد و ساختارهای مرد سالارانه در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی دگرگون شود و زن به منزلت، موقعیت و حقوق یکسان با مرد دست یابد. تامین برابر حقوق زن و مرد یکی از پایه های دموکراسی و جامعه ی مدنی و در زمره ی ارکان اصلی حقوق بشر است. تامین دموکراسی بدن تامین حقوق زنان مفهومی ندارد. زنان برای تامین برابری حقوق اجتماعی و انسانی با مردان، نیازمند تشکل مستقل زنان هستند.

ملیت ها

11- ایران کشوری است که در آن ملیت ها مختلف زندگی می کنند ما معتقد به برابری و هم زیستی آزادانه و داوطلبانه ی ملیت ها در چهار چوب یک کشور واحد

و خواهان اختیارات سیاسی فرهنگی و اجتماعی وسیع برای مناطق مختلف کشور و به ویژه مناطق سکونت اقلیت های ملی هستیم. اشکال غیر متمرکز اداره ی جامعه از جمله فدرالیسم را ضامن تامین حقوق اقلیت های ملی می دانیم. ما علیه برتری طلبی قومی، ملی و نژادی مبارزه می کنیم و برای تامین حقوق اقلیت های ملی می کوشیم.

جنبش ها

۱۲- سازمان ما حمایت خود را از ایجاد و گسترش جنبش های ترقی خواهانه در همه ی عرصه های زندگی اجتماعی اعلام می کند. ما معتقدیم، رشد روز افزون جنبش های فمینیستی، زیست محیطی و جوانان و سایر جنبش های اجتماعی در خدمت و در جهت رشد فرهنگ دموکراسی و تعمیق موازین حقوق بشر در جهان است .

منافع ملی و مناسبات بین المللی

۱۳- سازمان ما مدافع پیگیر منافع ملی و استقلال کشور در چهار چوب مناسبات برابر و برادرانه با دیگر کشور های جهان است. مناسبات کشورهای شمال با کشورهای جنوب نابرابر، غارتگرانه و سلطه جویانه است. این مناسبات به تحکیم توسعه نیافتگی کشورهای جنوب و تداوم حیات رژیم های مستبد و تشدید فقر منجر می شود. سازمان ما خواستار دگرگونی در این مناسبات و برقراری نظامی واقعا نوین بر پایه ی برابر حقوقی کامل کشورها است.

همبستگی بین المللی

۱۴- ما مدافع همبستگی های بین المللی در دفاع از صلح، محیط زیست، مبارزه علیه نظام اقتصادی غیرعادلانه جهان کنونی و سلطه طلبی کشور های پیشرفته سرمایه داری و تلاش عمومی برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی هستیم و از مبارزات آزادی خواهانه و عدالت خواهانه ی مردم سایر کشور ها حمایت می کنیم.

سوسیالیسم

۱۵- ما در راه تحقق ارزش هایی که برشمرده شد پیکار می کنیم و سوسیالیسم را به عنوان آرمان والای خود که تجسم چنین ارزش ها و تمایلات انسانی است، می دانیم. به نظر ما سرمایه داری سرچشمه ی ستم طبقاتی، بی عدالتی، بهره وری غارتگرانه از طبیعت، جنگ و بیکاری توده ای و منشا بسیاری از نابسامانی ها و ناهنجاری های اجتماعی است. سرمایه داری

در استانه ی قرن بیست و یکم آشکارا ناتوانی خود را در پاسخ گویی به معضلات بشر که خود موجد بسیاری از آنها بوده است، نشان می دهد. ما سوسیالیسم را که در «انسان در مرکز توجه قرار دارد، به عنوان یک ضرورت برای حل این معضلات می دانیم.

۱۶- سوسیالیسم نظامی است انسانی و دموکراتیک که در آن رشد آزادانه و همه جانبه ی انسان تامین می گردد و انسان ها از حق و ارزش برابر برای بهره مندی از مواهب زندگی برخوردار میشوند. از نظر ما سوسیالیسم جامعه ای است بر پایه ی سیستم خود گردانی، دموکراسی وسیع سیاسی و اقتصادی با حداکثر مشاورت مردم، جامعه ای هم بسته، آشتی جو و عاری از قهر. سوسیالیسم برای ما نه غایت تاریخی، بلکه مبارزه ای هدفمند برای فرارفتن از مناسبات سرمایه داری است.

۱۷- به نظر ما ارزش های سوسیالیستی در بطن جامعه سرمایه داری شکل می گیرد و سوسیالیسم می تواند برپایه ی آنها گسترش یابد. ما مبارزه برای تحقق این ارزش ها را نه کار فردا بلکه وظیفه ی امروز می دانیم. تحقق ارزش های سوسیالیستی علاوه بر مبارزه ی سیاسی، به کار فکری- فرهنگی مداوم و دراز مدت نیاز دارد. ما خواهیم کوشید تا اندیشه ی دموکراسی، عدالت خواهی، برابری حقوق زن و مرد تنظیم رابطه ی انسان با طبیعت در جامعه اشاعه یابد و نهادی شود

۱۸- قدرت سیاسی به تنهایی قادر به دگرگونی پایه ای جامعه نیست. برای تحول پایه ای و پایدار، آگاهی و فرهنگ نقش برجسته ای ایفا می کند. جنبش فکری- فرهنگی، مبارزه با سنت گرایی، عقب مانده و غیر علمی و ترویج نوگرایی و تفکر علمی، از الزامات تعیین کننده برای پی ریزی جامعه سوسیالیستی است.

خصلت سازمان

۱۹- ما معتقدیم به این که سازمانی هستیم و بر پذیرش ایده های نو و تحول پذیری سازمان تاکید داریم. ما حق فعالیت گرایش های فکری بر مبنای دیدگاه ها و آماج های عام و آزادی بیان اعضا در درون و بیرون از تشکیلات را به رسمیت می شناسیم و وجود تنوع فکری و وحدت عمل در سازمان را یک امر ضروری تلقی می کنیم. ما می کوشیم نیرو های سازمان حول این آماج و دیدگاه های عام گرد آیند. ما بر همزیستی گرایش های فکری و سیاسی

مختلف در اشکال گوناگون از جمله در تشکیل قانونی فراکسیون به جای طرد و انشعاب تکیه می نمایم.

برنامه ی سازمان

فدائیان خلق ایران «اکثریت»

برای دموکراسی و عدالت اجتماعی

پس از گذشت دو دهه از انقلاب بهمن، جامعه ی ما هم چنان در همه ی عرصه ها دچار بحران است. این بحران ها قبل از همه ناشی از سیاست های رژیم حاکم و در آمیزی دین و دولت است که در حکومت جمهوری اسلامی تجسم یافته است. در حکومت جمهوری اسلامی ، ولایت فقیه اصل و جمهوریت فرع بر ولایت است. ولی فقیه مافوق قانون است و برنامه و سیاست های اصلی نظام را تعیین می کند.

در کشور ما، احزاب سیاسی و تشکل های صنفی و دموکراتیک ممنوع بوده و حق آزادی بیان، قلم، مطبوعات و اجتماعات از مردم سلب شده است. مخالفین عقیدتی و سیاسی هم چنان دستگیر، شکنجه و اعدام می شوند و اعتراضات مردم سرکوب گردد مامورین حکومت در همه ی عرصه های زندگی مردم دخالت کرده و حریم خصوصی را به نحو خشن نقض می کنند. قوانین حاکم مبتنی بر برتری مردان بر زنان است و زنان همواره مورد تحقیر، توهین و آزار مامورین حکومت قرار میگیرند. اقتصاد کشور به جهات مختلف با بحران عمیقی روبرو است. بر اثر سیاست های مخرب صورت های عظیم در دست یک عده غارتگر متمرکز شده و اکثریت مردم به سوی فقر رانده می شوند. تورم فزاینده زندگی کارگران ، کارمندان و سایر زحمتکشان را به فلاکت کشانده است. بخش بزرگی از نیروی کار کشور، به ویژه جوانان از میدان کار و تولید رانده شده اند. در مقابل این نا امنی اقتصادی، مردم از خدافل تامین اجتماعی

برخوردار نیستند. دسنگاه بورکراسی به شدت متورم شده و بخش اعظم بودجه ی کشور را می بلعد. فساد و ارتشا در تار و پود سازمان ها و نهاد های حکومتی ریشه دوانده است.

بخشی ازبورژوازی از جمله بورژوازی بوروکراتیک از قبل غارت ثروت های کشور و دست رنج زحمت کشان، از طریق احتکار ودلالی، ارتشا و زد و بند با گردانندگان رژیم حاکم، رشد کرده و به صورت های کلان دست یافته است. رشد سرمایه داری دلال صفت و بوروکراتیک تاثیرات مخربی بر حیات جامعه گذاشته است .

جامعه ما از ناهنجاری ها و نابسامانی های متعدد اجتماعی از جمله رشد شتابان جمعیت و کمبود امکانات، تخریب محیط زیست، عدم تامین نیازها و خواست های جوانان، رشد بی سابقه ی خود کشی ها و بیماری های روانی و رشد فرهنگ غیر مولد رنج می برد.

انبوه کثیر یک نسل از صاحبان امکانات مادی و معنوی(متخصصین و روشنفکران، سیاسیون ، فرهنگ سازان و صاحبان سرمایه) از حوزه ی تاثیر گذاری در حیات کشور جدا مانده اند.

کشور ما نیازمند حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری به جای جمهوری اسلامی است. ما برای تحقق چنین هدفی مبارزه می کنیم تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت آمیز متحقق شود.

در حکومت دموکراتیک دین رسمی وجود ندارد، دین و مکاتب فلسفی از دسنگاه دولتی و آموزشی خفا است و آزادی وجدان وحق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می شود.

در حکومت دموکراتیک، نهادهای قدرت و محلی از نمایندگان مردم از طریق انتخابات دوره ای و با شرکت تمام احزاب و سازمانهای سیاسی انتخاب می شوند، تشکیل می گردد. در تمام انتخابات باید حق رای مستقیم، مخفی و برابر و نیز حق انتخاب شدن به عنوان نماینده برای تمام شهروندان واجد شرایط تضمین شود.

حکومت دموکراتیک بر پایه ی اشکال غیر متمرکز؛ ازجمله فدرالیسم که منطبق بر ساختار و ویژگی های فرهنگی و ملی کشور ما است. پی ریزی می شود. در این حکومت خود مختاری یا دیگر اشکال دموکراتیک اداره ی امور محلی ملیت ها(اقوام) تضمین شده و امور هر منطقه توسط مجلس و شورای منطقه ای و محلی اداره می گردد.

ما علیه هر شکلی از ستم ملی مبارزه می کنیم.

در این حکومت اصل برابر حقوقی زنان و مردان در همه ی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان اصلی تغیر ناپذیر تامین می گردد. شرط نحقق این هدف جدایی تمامی قوانین از احکام مذهبی است. در عرصه ی سیاسی، زنان حق دارند بدون هر نوع تبعیض برای احراز مقام های عالی حکومتی با مردان رقابت کنند.

تامین زندگی بهتر

- استقرار یک جامعه عادلانه و برخورداری مردم ایران از یک زندگی بهتر و آسوده. کاهش فاصله ی عظیم طبقاتی در جامعه، مقابله با فقر آشکار و پنهان، تامین حقوق فردی و اجتماعی توده های مردم به ویژه اقشار زحمت کش.
- استفاده از امکانات کشور در جهت افزایش توام اقتصادی و توسعه و تاسیس یک شبکه ی کارای تامین اجتماعی برای غلبه بر فقر و تنگ دستی توده ی مردم.
- تعدیل اساسی در درآمدها (ثروت ها) به نفع توده ی مردم و اقدامات موثر اقتصادی- اجتماعی و حقوق جهت مقابله با گرانی و تورم
- مبارزه جدی با بیکاری و کوشش برای تامین کار برای همه ایجاد شرایط انسانی و عادلانه در محیط های کار.
- کوشش برای تامین مسکن مناسب برای مردم از طریق باز تقسیم امکانات موجود و برنامه ریزی برای ایجاد مسکن مناسب.
- تامین امکانات آموزشی برای همه از طریق اصلاح و گسترش شبکه ی آموزشی، گسترش مداوم حوزه ی آموزش رایگان.
- اتخاذ سیاست های مالی، مالیاتی و بودجه گذاری در جهت تامین منافع محرومان جامعه و برای کاستن از فاصله ی بین فقر و ثروت.
- بکار گیری اهرم مالیات تصاعدی برای کنترل سود سرمایه داران و جلوگیری از تمرکز فوق العاده ی ثروت و قدرت اقتصادی در دست عده ای محدود.
- سهیم کردن کارگران و کارمندان در مالکیت واحد های تولیدی و خدماتی و....

- تامین درمان و بهداشت همگانی، حمایت از صندوق های بیمه، بازمشستگی و سازمان های تامین اجتماعی، حمایت و تقویت تعاونی های مثرفی و اتخاذ سیاست های ضرور برای حذف واسطه ها و دلال ها.
- بهره گیری از سیاست سوبسید در کوتاه مدت در مورد کالاهای اساسی جهت تامین حداقل معیشت اقشار کم درآمد جامعه.

اوضاع کنونی و سیاست های ما

اوضاع کنونی

انتخابات دوم خرداد ۷۶ سرآغاز یک دگرگونی بزرگ در اوضاع سیاسی ایران شد. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که بحران اقتصادی- سیاسی، مردم را در تنگنا قرار داده و نارضایتی ابعاد تازه ای یافته بود. بر این زمینه اعتراضات مردم در اشکال کوناگون چون تظاهرات و اعتصایات جریان داشت. در این انتخابات غیر دموکراتیک، ولی فقیه و نهادها و نیرو های گوش به فرمان وی اپوزیسیون را از شرکت در انتخابات باز داشتند، نامزدی وابسته به دیگر گروه بندی های درون جمهوری اسلامی را از حق شرکت در انتخابات محروم کردند، و با تبلیغ علیه خاتمی که تنها نامزد تائید شده ی ادارای موضع انتقادی بود کوشیدند نماینده ی خویش را به مردم تحمیل کنند. اما مردم به ستوه آمده ی ایران با هوشیاری و قدرت تمام به میدان آمدند و این نقشه را به شکست کشاندند.

مردم در این شرایط بسیار غیر دموکراتیک با حمایت از آقای خاتمی و خنثی کردن نقشه ی جناح خامنه ای به ولایت فقیه «نه» گفتند و اراده ی سترگ خویش را در پیکار برای آزادی و نجات از استبداد به نمایش گذاشتند. وعده های خاتمی برای آزادی و نجات اصلاحات و مقابله با سیاست ها و اقدامات سرکوبگرانه انگیزه ی مردم برای شرکت در انتخابات را تقویت کرد.

گسترش رویارویی میان مردم و ولایت فقیه باعث بالا گرفتن تنش در بین نیروهای جمهوری اسلامی شده است. نیرو های جمهوری اسلامی از راس تا قاعده به صف آرایی کشیده شده اند و شکافی بزرگ در بین آنان پدید آمده است. جناح حاکم- مرکب از مدافعات سرسخت ولایت و ولی فقیه- در برابر مردم، اپوزیسیون و منتقدین درونی بر تلاش های خود برای حفظ موقعیت خویش و جلوگیری از هرگونه اصلاح جدی در ساختار حکومت می افزاید. در برابر آن گروهی دیگر از نیروهای جمهوری اسلامی خواستار تغییرات و اصلاحاتی در ساختار و کارکرد حکومت هستند.

شکست سنگین جناح خامنه ای در انتخابات به تقسیم آشکار تر اهرم های قدرت سیاسی میان نهاد رهبری و نهاد ریاست جمهوری منجر گشت.

علاوه بر نهاد های وابسته به ساختار ولایت فقیه، نهادهای نظامی، انتظامی، امنیتی، دستگاه تبلیغات و قوه ی قضائیه هم چنان در کنترل ولایت فقیه قرار دارند. بدین گونه ولی فقیه اهرم های اصلی اعمال حاکمیت را در چنگ خود نگه داشته است و از آنها برای سرکوب مردم و خنثی کردن تلاش های اصلاح طلبان بهره می گیرد.

سیر رویدادها نشان می دهد که شکاف میان جریان های مخالفان در درون جمهوری اسلامی گسترش می یابد و بر شمار و توان منتقدین درون حکومت افزوده می گردد. در جریان این انتخابات علاوه بر توده ی مردم و نیروهای سیاسی مخالف حکومت، بخش بزرگی از نیرو های جمهوری اسلامی و نیز نیروی عمده ای از روحانیت به مصاف با جناح حاکم کشیده شدند. این نیرو ها بیش از پیش منافع خود را با حاکمیت استبدادی فقیه در تضاد می بینند و با آن درگیر می شوند. ولایت فقیه به موزات بهره گیری از قدرت دستگاه دین برای انحصار قدرت سیاسی، به بهره گیری از قدرت سیاسی برای انحصار قدرت دستگاه دین دست یازیده

است. این امر اکنون منجر به تشدید بی سابقه ی کشاکش میان بخشی از روحانیت با ولایت خامنه ای شده است.

بحران در جامعه ی ما رو به شدت دارد مناسبات مردم و حکومت دگرگون شده است. مردم خواهان تغییر وضع موجود هستند ولی فقیه و جناح حاکم نمی توانند همان سیاست های قبلی را پیش ببرند. تضاد های درون حکومت و کشمکش جناح ها امکان پیشبرد سیاست واحد و شیوه ی یکسان اداره ی کشور را دشوار کرده است وضع موجود پایدار نیست جامعه آبیستن رویداد های جدی است.

محور نبرد گسترده در جامعه ما در تقابل مردم، نیرو های سیاسی آزادیخواه و روشنفکران با ولایت فقیه است. دگرگونی های درون صفوف نیرو های حاکم به شدت زیر تاثیر مبارزه ی مردم قرار دارد. گسترش انگیزه ی پیکار در میان مردم اکنون امید تازه ای به کالبد جنبش دمیده است. سازمان ما با توجه به این شرایط، سیاست خود را به شرح زیر اعلام می کند.

سیاست ها و وظایف ما

- سمت اصلی مبارزه ی ما در شرایط کنونی افشاگری و بسیج نیروها علیه ولایت فقیه و جناح خامنه ای است. ما این جناح را عامل عمده ی استمرار استبداد در کشور و مانع اصلی استقرار آزادی های سیاسی می شناسیم و برای کوتاه کردن دست آن از قدرت سیاسی و برقراری و گسترش آزادی های سیاسیو اجتماعی در کشور مبارزه می کنیم.
- ملاک برخورد سازمان ما با خاتمی و عملکرد او در قبال خواست های مردم است. ما از اقدامات مثبتی که برای تحقق آزادی های سیاسی و فرهنگی و به سود مردم توسط خاتمی ودولت وی صورت می گیرد، استقبال می کنیم و از مواضع و سیاست های نادرست او انتقاد می کنیم. ما بر استقلال جنبش های دموکراتیک و مردمی و عدم وابستگی آنها به حکومت و یا جناحی از آن تاکید میکنیم.
- خاتمی از یک سو از استقرار جامعه مدنی سخن میگوید واز سوی دیگر از ولایت فقیه دفاع می کند. این دو با هم مغیرت دارند. ما باید همواره این تناقض را نشان دهیم .
- ما خاتمی را به انجام وعده های انتخاباتی خود دعوت می کنیم.
- در چند سال گذشته تحولات مثبتفکری و سیاسی در بین بخشی از نیروهای درون و پیرامون حکومت پیش رفته است. در ماه های اخیر مبارزه ی این نیرو ها متوجه استبداد

فقهاتی شده است این مبارزه در راستای تضعیف استبداد فقهاتی است و با مبارزه ی مردم و اپوزیسیون برای آزادی هم سواست.

- ما نیرو های اصلی تحول در کشور را مردم می دانیم و بر تحکیم ارتباط با مردم، روشنگریف بسیج وسازماندهی آنها تکیه می کنیم. ما دفاع از حقوق سیاسی- اجتماعی و اقتصادی مردم و حمایت از مطالبات و مبارزات ترقی خواهانه آنها را از وظایف اصلی خود می دانیم. ما معتقدیم مبارزه مردم و حضورمتشکل آنها در نهاد های صنفی- دموکراتیک، رکن اصلی تحول دموکراتیک در جامعه است .

- سازمان ما در جهت تامین حق فعالیت آزادانه ی خود و دیگر نیرو های اپوزیسیون در کشور مبارزه می کند.

- سازمان در راه تامین آزادی و دموکراسی از همکاری واتحاد عمل دو جانبه و چند جانبه با کلیه ی نیرو های سیاسیکه اهداف فوق را دنبال می کنند و به آن پایبندی نشان می دهند، استقبال می کند.

- ما برای رسیدن به اهداف برنامه ای خود، بر مبارزه ی مشترک و اتحاد دموکراتیک نیرو های آزادیخواه معتقد به جمهوری تکیه می کنیم. به این منظور مذاکره و همکاری و اتحادهای وسیع و محدود دو جانبه و چند جانبه ی بین احزاب و شخصیت های سیاسی چپ وملی، کانونها و تشکل های دموکراتیک را ضروری می دانیم.

- ما برای همکاری با تمام نیرو های چپ حول ازادی های سیاسی پیشرفت و عدالت اجتماعی می کوشیم.

خواسته های ما

- تامین آزادی بی قید و شرط بیان، قلم، عقیده، مطبوعات و اجتماعات تظاهرات،انتخاب شغل و محل سکونت.

- تامین آزادی فعالیت سیاسی، سندیکا های کارگری و تشکل های صنفی و دموکراتیک.

- آزادی کلیه ی زندانیان سیاسی؛لغو پی گرد ها.

ممنوعیت قانونی و عملی هر گونه شکنجه جسمی و روحی:

- لغو کلیه ی قوانین ارتجاعی و مغایر با حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و حقوق بشر و منع دخالت نهاد های مذهبی و ارگان های دولتی در زندگی خصوصی شهر و ندادن.
- تضمین حق اعتصاب برای کارگران و دیگر زحمتکشان.
- علنیت و حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و اخبار.
- تشکیل شورای ده ، بخش ، شهر، شهرستان و استان.
- برداشتن موانع موجود بر سر راه بازگشت پناهندگان و مهاجرین و اعلام منع پیگرد همگانی و التزام به آن توسط جمهوری اسلامی.
- تامین امکان فعالیت علنی و قانونی سازمان های سیاسی اپوزیسیون.
- انحلال فوری دستجات حکومتی انصار حزب الله گروه های نهی از منکر ف دادگاه های ویژه ی روحانیت و باند های فشار و سرکوب.

مصوبه کنگره پنجم

برای تامین حقوق زنان

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راستای مبارزه در راه تامین کامل حقوق زنان کشور موارد زیر را راهنمای عمل خود قرار می دهد:

۱- در قوانین ایران باید اصل برابر حقوقی زنان و مردان در همه ی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان اصلی تغییر ناپذیر گنجانده شود. شرط لازم آن جدایی

تمامی قوانین از اصول و احکام مذهبی است و همه ی قوانین و مقرراتی که آشکار و یا در محتوای خود مغایر با این اصل یعنی برابر حقوقی کامل زن و مرد هستند، باید لغو شوند.

۲- در عرصه ی سیاسی زنان حق دارند بدون هر نوع تبعیض برای احراز مقام های عالی حکومتی با مردان رقابت کنند. هرگونه منع قانونی در این زمینه باید لغو شود.

۳- ما خواهان برابر حقوقی کامل زنان و مردان در کسب مشاغل هستیم. اصل دستمزد برابر برای کار برابر در قوانین کار کشور باید تصریح گردد و هر گونه تبعیض در استخدام، ارتقاء شغل و استفاده از حقوق کار مانند مرخصی، بازنشستگی، بیمه ی بیکاری و از کار افتادگی باید ممنوع شود.

۴- حق برابر زنان و مردان در استفاده از کلیه امکانات آموزشی، ورزشی، فرهنگی و هنری باید تضمین گردد. ما مخالف هر گونه جدائی جنسی در این عرصه ها هستیم. آموزش دختران و پسران باید تا سن ۱۶ سالگی اجباری گردد.

۵- انتخاب آزادانه لباس و پوشش از حقوق اولیه انسانی است و قانون باید آن را تضمین کند.

۶- آزادی و برابری کامل حقوق زن و مرد در امر ازدواج و طلاق باید تامین شود. حق زن برای سرپرستی فرزند باید به رسمیت شناخته شود. قانون باید در هنگام طلاق اصل تقسیم مساوی ماحصل مادی زندگی مشترک را تضمین کند.

۷- چند همسری چه در شکل رسمی ازدواج و چه در شکل صیغه باید ممنوع شود. سن قانونی ازدواج ۱۸ سال اعلام شود.

۸- ما خواهان آن هستیم که برای زنان کم درآمد امکانات بهداشتی رایگان در زمان بارداری تامین شود.

۹- قانون باید حق تصمیم گیری درباره ی جلوگیری از بارداری و سقط جنین را برای زنان محفوظ دارد و دولت را موظف به حمایت از آن کند.

۱۰- قانون باید با هر گونه اعمال خشونت علیه زنان از جانب مردان مقابله کند. تجاوز و سوءاستفاده ی جنسی تحت هر عنوان از جمله ازدواج با دختران خردسال تحت پی گرد قانونی قرار گیرد. هر قانونی از جمله قانون تمکین که ایداء روحی و جسمی زن از طرف شوهر را

امکان پذیر می سازد، باید لغو گردد. برای دفاع از زنانی که قربانی خشونت و تجاوز جنسی قرار می گیرند، باید با تمهیدات قانونی و ایجاد خانه های امن از آنان حمایت به عمل آید.

۱۱- ارتقاء فرهنگ یکی از راه های مبارزه با تبعض جنسی و در راستای تحقق برابری جنسی است. همه ی نهادهای اجتماعی که به نحوی در این مبارزه می توانند موثر واقع شوند باید در ترویج اندیشه برابری زن و مرد بکوشند.

۱۲- ما از جنبش های فمینیستی و مستقل زنان که در جهت کسب آزادی و برابری برای زنان تلاش می کنند حمایت می کنیم. ما گسترش و تحکیم تشکل های مستقل زنان را به سود تامین حقوق زنان و گسترش دموکراسی می دانیم.

قرارهای مصوب کنگره پنجم

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت

انتخابات دوم خرداد ماه به دلیل کیفیت عمل مردم، رویداد بزرگی در حیات سیاسی کشور بود. ما به درستی، ضد دموکراتیک بودن انتخابات را افشا کردیم. اما تحریم انتخابات از جانب

شورای مرکزی را امری نادرست ارزیابی میکنیم. این امکان وجود داشت که ما با اشکال دیگر با انتخابات برخورد می کردیم.

- کنگره صدور نامه ی شورای مرکزی سازمان به آقای خامنه ای را نادرست ارزیابی می کند.
- سیاست های فعال ، روشن و افشاگرانه ی شورا در مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی، بخصوص در ارتباط با دادگاه میکونوس و دستگیری فرج سرکوهی، درست بود. شورای مرکزی در حمایت از نویسندگان و دگراندیشان تحت فشار برخورد فعالی داشت .

کنگره ی پنجم سازمان با احساس مسئولیت و با انگیزه ی احیا و تقویت پیوند ها و افزایش توافق سازمان در شرایط حساس کنونی میهن مان پیوند ها و افزایش توافق سازمان در شرایط حساس کنونی میهن مان همه ی رفقای سازمان را که در تمامی سالهای حیات و در دوره های گوناگون یاران سازمان بوده اند به همراهی و همکاری فرا می خواند. کنگره شورای منتخب خویش را موظف می دارد که امکانات و توجه خود را در جهت تحقق مراتب فوق منظور کند.

پیام

پنجمین کنگره ی

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

به مردم ایران

هم میهنان!

پنجمین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» در دی ماه امسال برگزار شد. این کنگره نیز مانند همه ی کنگره های پیشین سازمان ما به ناچار در خارج از کشور تشکیل شد. ما علیرغم اشتیاق و آرزوی برگزاری معتبرترین گرد همایی فدائیان در کشور ، به دلیل ادامه و

استمرار استبداد حاکم و به دلیل سرکوب و پی گرد سازمانهای سیاسی و نبود آزادی احزاب در ایران، مجبور شدیم کنگره های خود را دور از میهن تشکیل دهیم. ما در کنگره ی خود عهد بستیم که با کوشش باز هم بیشتری در جهت تغییر وضع موجود و تامین آزادی های سیاسی در کشور مبارزه کنیم و حق خود برای فعالیت و زندگی آزادانه در کشور را با همه توان دنبال کنیم. این یکی از مهم ترین تصمیم های کنگره ی ما بود.

هم میهنان!

کنگره ی پنجم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» با عزم، اراده و شوری چشم گیر برگزار شد. عزم و اراده و شوری که در حضورسرنوشت ساز مردم از دوم خرداد به بعد در جای جای میهن ما بر پا کرده، کنگره ما را نیز تحت تاثیر خود قرار داده بود. نگره ی فدائیان خلق توجه اصلی خود را به همین وضعیت تازه معطوف نمود و راه های تشدید مبارزه ی توده ای در جهت خواست و آمال مردم را مورد بررسی قرار داد.

کنگره ی فدائیان خلق اسناد مهمی را تصویب کرد. سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به عنوان یک سازمان چپ و سوسیالیستی آماج و غایت مبارزه ی خود را برقراری جامعه ای عادلانه و سوسیالیستی می داند که در آن از رنج و ستم طبقاتی خبری نباشد و مردم در فضایی آزاد و برابر زندگی و سعادت خود و فرزندان خود را بنا کند. کنگره ی فدائیان خلق ایران در برابر بداندیشانی که ایجاد چنین جامعه ای را ناممکن می دانند و برای بشریت حال آینده ای همانند امروز و مآمال از رنج و ستم تصویر می کند، قاطعانه اعلام کرد جامعه ای دموکراتیک و برابر را دست یافتنی و حق انسانها می شناسد و با همه ی توان در برابر آن مبارزه می کند.

کنگره ی پنجم در جهت این هدف سترگ، برنامه ی خود را برای کشور ما ایران را استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی اعلام کرد. ما فدائیان با حکومت استبدادی و فقهاتی کنونی مخالفیم و می خواهیم به جای حکومت جمهوری اسلامی، یک حکومت دموکراتیک در شکل جمهوری بر پا شود که دموکراسی و آزادی های سیاسی را در ایران برقرار سازد و راه را برای عدالت اجتماعی و برابری انسانها هموار سازد.

هم میهنان!

بسیاری از مسئولین حکومت و پیشاپیش همه ی آنها علی خامنه ای بسیار کوشیده اند و هنوز هم می کوشند تا رای تاریخی شما در دوم خرداد را رای به جمهوری اسلامی و حمایت

از «نظام» وانمود سازند. اما پیام آن انتخابات چنان رسا و پرطنین بود که همه ی جهانیان آن را شنیدند و در یافتند کسی که به دروغ خود را رهبر ایران و مورد اعتماد مردم می داند تا چه اندازه در کشور بی اعتبار و مورد نفرت است. رای تاریخ و حرکت مردم در دوم خرداد جامعه ما را وارد مرحله ای تازه کرد و نشان داد که مردم خواهان تغییر سیاست های موجود و گذار از استبداد به شسوی آزادی هستند. مردم ایران برقراری آزادی های سیاسی را می خواهند و امروز دیده اند که ولایت فقیه و باند فاسدی که در اطراف رهبر جمهوری اسلامی گرد آمده اند، مانع عمده ی تحقق خواسته های مردم هستند. کنگره ی سازمان ما خواست و هدف مردم را پشتیبانی قرار داد. ما فدائیان در شرایط کنونی همه ی توان خود و تجربه ی خود را دوشادوش روشنفکران، دانشجویان، کارگران و همه ی اقشار مردم در مبارزه ی یک پارچه علیه ولایت فقیه به کار می گیریم. هدف ما از این مبارزه، کوتاه کردن دست خامنه ای و جناح متحد او از قدرت است.

مردم برای تحقق خواسته های خود، برچیدن بساط استبداد و برقراری آزادی های سیاسی به آقای خاتمی و دولت او امید بسته اند. کنگره ما تصریح کرد که فدائیان خلق هر جا قدمی در جهت مقابله با ولایت فقیه و محدود کردن اختیارات آن برداشته شود، از این قدم پشتیبانی می کنند. اما پیام کنگره ما به مردم ایران چنین است:

هم میهنان! در مبارزه ی خود علیه ولایت فقیه و استبداد و برای استقرار آزادی های سیاسی در کشور به خود و به نیرو های خود متکی است. این نیرو بی پایان و شکست ناپذیر است و آن چه را که اراده کند، اگر بخواهد می تواند بدست آورد.

دوم خرداد گذشته تنها خاطره ای از دریای قدرت خلق بود که حیات سیاسی تازه ای در کشور پدید آورد و حکومت را در بدترین وضعیت گرفتار ساخت این، نیروی لایزالی که در دوم خرداد به میدان آمد اگر در میدان بمان، ایران راه خود را به سوی آزادی و دموکراسی را خواهد پیمود.

مردم!

برای کوتاه کردن دست جناح حاکم به رهبری خامنه ای، از رئیس جمهور بخواهید به گفتهی خود و به خواسته های شما عمل کند و در جهت برقراری آزادی های سیاسی از جمله آزادی اتحادیه ها و سندیکاها، آزادی احزاب و آزادی مطبوعات، به اقدامات واقعی دست بزند.

هر جا اعتماد شما را مورد سوء استفاده قرار داده اند هر جا به آن گفته اند و آن چه شما می خواهید عمل نکردند، به اعتراض و مبارزه برخیزید! اهرم اصلی تحولات، سازمان ها و تشکل های توده ی مردم است. در کارخانه، اداره، دانشگاه، محله و هر جا که امکان دارد سازمان ها و تشکیلات صنفی و سیاسی برای دفاع از خود و از حقوق خود و برای دموکراسی و آزادی های سیاسی فراهم آورید.

خواسته های خود برای برچیدن ولایت فقیه و برقراری آزادی های سیاسی را با استفاده از هر فرصت، در هر کوی و برزن اعلام کنید!

کنگره پنجم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به مردم ایران که با «نه» پر شکوه خود به استبداد در دوم خرداد، فصل تازه ای از امید و باور به پیروزی را در سراسر میهن سال خورده ی ما گشودند، درود می فرستد و پیمان می بندد تا همه ی توان، تجربه و نیروی خود را در پیکار مردم ایران برای برچیدن استبداد به کار گیرد.

پنجمین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

دی ماه ۱۳۷۶

پیام پنجمین کنگره ی

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

به یاران و دوستان سازمان در ایران

رفقا و دوستان گرامی!

بدین وسیله سلام و درود گرم ما را از راه دور بپذیرید. ما در اینجا گرد هم آمده ایم تا راه های تحقق همان آرمان ها و آرزو های مشترک را جستجو کنیم که قلب و روح همه ی ما را از دیر باز تا امروز به یکدیگر پیوند داده است. آزادی و عدالت برای همه ی مردم زحمت کش و شریف ایران، سربلندی برای کشور و به زیستی و برابری و رفاه برای همه ی ساکنین این کره ی خاکی.

پیش از ما فدائیان ، نیز دیگر مبارزان راه عدالت اجتماعی برای تحقق همین ایده آل های شریف انسانی قدم در راه نهاده و راه و رسم از خود گذشتگی ، راه و رسم فرد را در خدمت جامعه دیدن و جامعه را در رکاب سعادت فرد کشیدن را آزموده اند.

اکنون یکصد سال پس از نهضت رهایی طلب عدالت پژوه ما ۹۰ سال پس از انقلاب مشروطه، نیم قرن پس از نهضت ملی شدن نفت و ۲۰ سال پس از آغاز خیزش عظیم و میلیونی مردم ایران علیه دیکتاتوری پهلوی و سرنگونی آن در بهمن ماه ۵۷ هنوز این آی و خاک رافضا آنگونه نیست که ما فدائیان خلق بتوانیم همه در میهن خود جایی که همه در آن زاده شده به آن دل بسته ایم، بدون سرکوب گرد هم آئیمو برای تحقق آرمان های شریف انسانی ره جویی کنیم. سران مستبد و ستم کار دو حکومت صدها فدایی را به صرف دگر اندیشی به قتل رسانده

و ده ها هزار را به زندان برده و یا از میهن خودش آواره کرده اند. آنها با دیگر دگر اندیشان نیز چنین کرده اند.

همه ی این سنگ دلی ها و ستم ها نتوانست که ریشه این نهضت رهایی طلب عدالت خواه را از این کشت زار اندیشه و عمل ایرانیان برکند و نه قادر شد پایه های حکومت مستبدین و ستم کاران را در این کشور استوار سازد. گرچه ما فدائیان خلق و دیگر آزادیخواهان ایران نمی توانیم برای ره جویی مسائل و چاره کردن مشکلات و مطالبات مردم میهن خود آزادانه در میهن خود گرد هم آئیم و در بنای ایران فردا به سوی مردم زحمتکش، به سود آرمان های ترقی خواه و سازگار با دنیای امروز سهم خویش را بر دوش گیریم.

اما یاران و هم زمان عزیز!

آن چه این روزها به همت و نیروی عظیم میلیون ها مردم به ویژه جوانان پی گرفته می شود، این امید را در دل همه ی ایرانیان شکوفا کرده است که عمر استبداد در کشور ما به سر می آید. نقش شگفت انگیز شما دختران و پسران جوان در دوم خرداد و جشن و سرور که علیرغم همه ی تلاش های مذبوحانه عمال ولی فقیه پس از پیروزی ملبورن در سراسر کشور بر پا کردید این امید را در دل های شرکت کنندگان در پنجمین کنگره ی سازمان دامن رده است که دور نخواهد بود روزی که همه ی ایرانیان آزادیخواه نه در غربت که در میهن خویش گرد هم آیند و هم دوش و هم دست و هم زبان با مردم در راه تحقق آرزوهای نیک رکاب زنند.

سخن صمیمانه و یکانه ی ما نمایندگان کنگره با شما که سال ها رابرای به ورزی و سربلندی مردم ایران رزمیده و از خود گذشته اید، آن است که دست کم در این سالی که گذشت برای ما نظر و نحوه ینگاه شما عزیزانی که در سراسر کشور خود درسیر رویدادها سهیم و حاضر بوده اید منبع الهام، عامل موثر و یاریگر تشخیص درست و انتخاب موضع صحیح و منطبق بر نیازها و روند های واقعی در کشور بوده است.

این که کنگره حاضر موفق می شود با نگاهی تازه به اوضاع کشور بنگرد و در راستای دست یابی به حکومت دموکراتیک در شکل جمهوری به جای جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که دست جناحی که شما آن را در دوم خرداد با شکستی مفتضحانه مواجه ساختید باید از قدرت کوتاه شود، تحت تاثیر حرکت مردم و تلاش فوق العاده موثر و کار سازی بوده است که شما یاران و دوست داران این سازمان همراه با سایر آزادیخواهان و آزاد اندیشان کشور، در کنار

یک میلیون دختر و پسر دانشجوی ایرانی، در سراسر کشور پیش برده اید. فضای پنجمین کنگره ی سازمان ما را نگاه ها و پیام های نادیده و نانوخته ی یاران و خویشان دور و نزدیک تک _ تک نمایندگان زیر تاثیر خود داشت و این تاثیر بر اسیست ها و مصوبات کنگره بوضوح آشکار است.

ما نمایندگان کنگره با شادی بسیار شاهد بسط زمینه ها و امکانات گسترش فعالیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در جامعه و در پرتو آن بسط ارتباط و مجادلات فکری میان فعالان و اندیشمندان مقیم داخل و خارج کشور هستیم. بکوشیم تا از فضایی که دید می آید برای تاثیر پذیری و تاثیر گذاری متقابل میان فعالان داخل و خارج کشور بهره گیریم.

یاران و دوستان عزیز!

ما فدائیان در سالهای سیاه دهه ی ۶۰ شاهد پرپر شدن همه ی غنچه های امید شکفته در انقلاب بهمین، شاهد سیطره ی سیاهی و مرگ در کشورمان بوده ایم. سالهایی که در آن جنایت از حد گذشت. در آن سالها در پهنه ی جهان نیز پلید ترین جناح سرمایه داری جهانی بهزعم خود خاک سپاری اندیشه های سوسیالیستی را جشن گرفته و از پایان تاریخ سخن گفتند.

اکنون یک دهه از آن روزها گذشته است و عمر یکه تازی راست گرایان به کوتاهی عمر حبایی بر آب از کار درآمد. امروزه ما جهانی را شاهدیم که چپ در آن- در هر کجا- از نو- و با سیمایی نو- سربلند می کند و در عرصه ای به پهنای همه ی جهان علیه هر نوع نابرابری و در راه دست یابی به جهانی امن تر و عادلانه تر، راه خود را آغاز کرده است. سمت تحول اوضاع در همه جا در سمت حضور و تاثیر کارسازتر بخش های وسیع تری از جامعه در حیات اجتماعی رقم می خورد. اندیشه ی چپ در سیمای نوین خود به سمت تعیین یابی نهایی حرکت می کند و این حرکت به نوبه ی خود قلب و روح میلیون ها فعال چپ در سراسر جهان را از نو از شوری تازه سرشار می سازد.

پنجمین کنگره ی ما نیز این خیزش فکری نو را شاهد بود کنگره ی ما نشان داد که فدائیان امروز دیگر راهایستادگی در برابر سرمایه داری و سازمان دهی تعرضی متقابل و در مقیاس جهان را نه در ایستادن بر همه ی آن ایده ها و اندیشه های تجربه شده و ناموفق دیروز که در طراحی و در اندازی طرحی نو می جویند که در آنه فقط چون دیروز بر اندازی نابرابری در توزیع قدرت اقتصادی را هدف می گیرد، بلکه با هر نوع نابرابری، با نابرابری در توزیع

قدرت سیاسی میان انسانها، با هر نوع توزیع نابرابر قدرت میان زنان و مردان، میان ملیت های و نژاد ها ، میان فرهنگ ها و تمدن ها می ستیزد و جویای جهانی است که در آن نه سلطه ی انسان بر انسان های دیگری تحمل می شود و نه سیطره ی بی محابای آن بر طبیعت، اماج ها و دیدگاه ها و. ارزش هایی که کنگره ی ما بر آن صحه نهاد نگاره ای است که به سوی دنیای فردا گشوده است. دنیایی که ما آن را سوسیالیسم نامیده ایم.

دوستان و یاران گرامی!

چرخش و تحول متفاوت در ایران و در جهان زمینه ساز چرخش و تحولی مثبت در حیات سازمان ما است. اکنون در حین بازترین و متنوع ترین در ک ها و برداشت ها از آماج ها و آمال مشترک ، سازمان ما موفق شده است سیاست و اراده ی واحد و یک پارچه را در عصه ی پیکار های روز به نمایش بگذارد. آزادی اندیشه و وحدت اراده ی سازمان ما و سلوک درک ها و برداشت های گوناگون از امر مشترک بر اعتماد و احترام همه ی فعالان چپ به سازمان ما می افزاید: پنجمین کنگره ی سازمان ما نشان داد که هر گاه ما موفق شویم ایده آل ها و آرمانهای دموکراتیک و سوسیالیستی را قبل از همه در زمینه ی تنظیم مناسبات در خانه ی خویش- در سازمان خویش- پاس داریم و به کار بندیم ، هر گاه اراده ی سازمان ما تا حد ممکن به برآیند واقعی اراده ی نهفته در پایه ی اجتماعی آن- به اراده ی همه ی نیرو های چپ در جامعه- نزدیک شود، آنگاه می توان باور داشت که در ایران ما نیز نیرو یی پایدار گشته و پا گرفته است که خود می داند که می خواهد جامعه را به کدام سو سوق دهد و چگونه اندیشه ی دموکراسی و اندیشه ی سوسیالیسم، هم آرمان و هم، راهنمای مادر هر عمل روز مره است.

پیام ها به کنگره پنجم سازمان

www.iran-archive.com

پیام حزب دموکرات کردستان ایران به کنگره ی پنجم سازمان

از سوی حزب دموکرات کردستان ایران پیامی به پنجمین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» داده شد. متن این پیام توسط نماینده ی این حزب در کنگره قرائت شد. در زیر بخشی از پیام را می خوانید:

دوستان گرامی !

برگزاری کنگره وگردهمایی شما نمایندگان اعضای سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» را تبریک می گوئیم و برای کنگره تان آرزومند موفقیت می باشیم.....

تحلیل واقع بینانه از شرایط کنونی و اتخاذ سیاست متناسب با آن، شرط تداوم جدی مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. در این راستا و در شرایط حساس کنونی، تصمیمات کنگره ی سازمان شما به عنوان یکی از نیروهای اپوزیسیون حائز اهمیت می باشد.

ما با توجه به اهمیتی که حزبمان برای مبارزه مشترک و متحدانه ی تمامی نیروهای آزادیخواه قائل است، معتقدیم که در لحظات کنونی آنچه به موج عظیم نارضایتی مردم پاسخ میدهد، نه توهم پراکنی، بلکه پافشاری هر چه مصمم تر بر تشدید همکاری ها در مبارزه ی مشترک برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه است. زیرا بر این باوریم که هر گونه تحول پایدار و دموکراتیک به سمت آزادی، استقرار جامعه ی مدنی و حاکمیت قانون در گرو طرد «رژیم ولایت فقیه» در کلیت آن می باشد.

بار دیگر برگزاری کنگره را به شما تبریک می گوئیم و برای سازمان شما در اتخاذ تصمیمات مفید و پربار، آرزوی موفقیت می کنیم.

حزب دمکرات کردستان ایران

کردستان - ۳ ژانویه ۱۹۹۸

پیام

حزب کمونیست عراق

به پنجمین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

رفقای عزیز!

حزب کمونیست عراق از صمیم قلب به پنجمین کنگره سازمان برادر درود می فرستد و در تدوین قطعنامه ها و تلاش جهت گسترش سیاست و تحکیم سازمانها آرزوی موفقیت می نماید.

رفقای عزیز!

بحران اخیر رژیم دیکتاتوری رژیم عراق با سازمان ملل متحد و سیاست های نظامیگری تشنج زای ایالات متحده امریکا، یک بار دیگر بحران های عمیق داخلی رژیم را به نمایش گذاشت و

تهدیدات خطرناکی را برای خلق ما که تحت دشواریهای روزمره هستند، بوجود آورده است همه اینها خاص رهبری رژیم دیکتاتوری و تروریستی است که در سراسر کشور حاکم است. حزب ما همراه با خلق عراق سیاست های دیکتاتور منشانه و قلدر مآبانه و رفتار ناشایست ایالات متحده ی امریکا را محکوم می نماید و از راه حل مسالمت آمیز و راه دیپلماسی جهت برون رفت از بحران ها دفاع می کند. حزب ما هر نوع راه حل نظامی را تحت هر برنامه ای، رد می کند و نسبت به نتایج شوم ضربات نظامی علیه خلق ما و نیز برای صلح در منطقه ی حساس خاور میانه هشدار می دهد و حزب ما همچنان خواهان برداشتن تحریم اقتصادی علیه خلق است و در عوض خواهان تحریم سیاسی و نظامی علیه رژیم مخوف صدام می باشد. حزب ما همچنان بدون خدشه در راه پایان دادن به رژیم مخوف و برای برقراری اتحاد دموکراتیک فدرال عراق مبارزه می کند. چنین آلت رتاتیوی دمکراتیک آرزوی همه ی نیروها برای صلح و ثبات منطقه خلیج می باشد. رفقای عزیز! از این موقعیت استفاده نموده بار دیگر همبستگی ما را با خلق ایران و سازمان شما اعلام کرده و خواهان بسط روابط دو جانبه می باشیم و برای کنگره شما موفقیت آرزو مندیم.

بادرودهای گرم

کمیته ی مرکزی حزب کمونیست عراق

۲۴ دسامبر ۱۹۹۷

پیام

حزب کمونیست فرانسه

به پنجمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

ما میل داریم به مناسبت برگزاری پنجمین کنگره سازمان شما، درودهای صمیمانه ی خود را برای همه ی مبارزان سازمان شما تقدیم بداریم.

ما می دانیم که اختناق شدید هم چنان در ایران ادامه دارد. ما حمایت خود را در مبارزه ی دشوار و شجاعانه ی شما برای دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی اعلام می داریم. از اینکه برای اولین بار در تاریخ مبارزاتی شما، نمایندگان دیگر نیروهای دمکرات و چپ در این کنگره شرکت می کنند، آرزوی موفقیت داریم. حزب کمونیست فرانسه بار دیگر همبستگی و احساسات گرم و دوستانه خود را به شما اعلام می دارد.

کمیته ی کشوری حزب کمونیست فرانسه

۳۱ دسامبر ۱۹۹۷

www.iran-archive.com

پیام

کمیته ی مرکزی حزب توده ایران

از سوی کمیته مرکزی حزب توده ی ایران پیامی به پنجمین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» داده شد. متن پیام توسط نماینده ی حزب توده ایران در کنگره قرائت شد. در زیر بخشی از این پیام را می خوانید:

رفقای گرامی!

کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران، درودهای گرم رفقای توده ای را به شما شرکت کنندگان در پنجمین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» تقدیم می کند. جنبش فدائیان امسال ۲۷ ساله می شود و علیرغم همه ی فراز و نشیب ها و دشواری ها فدائیان خلق ایران در طول حیات خود در راه آرمان های توده های کار و زحمت رزمیده اند،

در این راه صد ها شهید داده اند، زندانها کشیده اند و مصائب و زجرهای زیادی را تحمل کرده اند. حزب توده ی ایران علی رغم تفاوت های دیدگاهی که در مقاطع مختلف این تاریخ با جنبش فدائیان داشته و دارد، همواره به این مبارزه به دیده ی احترام نگریسته است و آن را بخش جدا ناپذیری از جنبش رهایی بخش خلق های میهنمان ارزیابی کرده است. ما صمیمانه امیدواریم که کنگره ی شما بتواند وظایف خود را در تعیین «دیدگاه و آماج های سازمان» با موفقیت به انجام برساند و راه را برای تشدید و گسترش مبارزه ی فدائیان خلق علیه رژیم «ولایت فقیه» برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باز نماید.

رفقای عزیز! موضوع «تعیین سیما و هویت چپ» و تحولات پرشتابی که در میهن ما در جریان است دو مسئله ی کلیدی بحث ها و مذاکرات کنگره ی شما را تشکیل میدهد. حزب ما با دقت و علاقه بحث های درون سازمان شما را دنبال کرده می کند و معتقد است که طرح این بحث ها در سطح جنبش و برخورد آزاد اندیشه ها و آرا می تواند بی گمان به غنای فکری جنبش چپ میهنمان یاری رساند و از همین برخورد آرا و اندیشه ها است که می توان نظرات را به یکدیگر نزدیک کرد و راه را برای اشتراک عمل و در انتها وحدت چپ هموار ساخت.

.....
کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران

دی ماه ۱۳۷۶

سیمای آماری

پنجمین کنگره ی سازمان

به رسم کنگره های پیشین، در این کنگره پرسش نامه ای که برای گرد آوری اطلاعات پیرامون اعضای کنگره بود بین حاضران توزیع گردید. منایج استخراج شده این پرسش نامه نشان می دهد که نزدیک به ۲۰ درصد ترکیب را زنان تشکیل میدادند.

ترکیب سنی کنگره: بین ۲۶ تا ۲۵ سال، ۱۴ درصد- بین ۳۶ تا ۴۵ سال ۶۷ درصد - بین ۴۵ تا ۵۵ سال ۱۹ درصد.

درمیان نمایندگان کنگره ۳۷ درصد مزد و حقوق بگیر، ۲۸ درصد شغل آزاد، ۱۲ درصد دانشجو، ۱۹ درصد غیر شاغل بوده و وضعیت شغلی ۴ درصد نامعین بوده است. حدود ۲۰ درصد از نمایندگان کنگره مجرد و بقیه متاهل هستند. تعداد فرزندان در پرسش نامه استخراج نشده است بررسی وضعیت تحصیلی نمایندگان نشان داد که همه ی اعضای کنگره دارای تحصیلات بوده اند. ۲۶ درصد دارای دیپلم متوسطه و کم تر بوده اند. ۲۰ درصد دارای فوق دیپلم، ۳۵ در صد دارای مدرک لیسانس و ۱۸ درصد دارای مدرک بالاتر از لیسانس بودند.

اکثریتی معادل ۵۸ درصد از نمایندگان از قبل از انقلاب فعالیت سیاسی خود را آغاز کرده و بقیه بعد از انقلاب به سازمان پیوسته اند. سابقه ی همکاری همه ی اعضای کنگره با سازمان بیش از ده سال بوده است. از میان نمایندگان ۱۸ درصد برای اولین بار در کنگره های سازمان شرکت می کردند. حدود ۲۰ درصد در هر کنگره شرکت داشته اند. ۲۹ درصد فقط در ۲ کنگره و بقیه در ۳ یا ۴ کنگره از ۵ کنگره شرکت داشته اند. ۳۸ درصد از نمایندگان در نخستین کنگره سازمان نیز شرکت داشتند.

www.iran-archive.com

کنگره ششم

www.iran-archive.com

اسناد

کنگره ششم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

* گزارش ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

* مصوبات کنگره

* پیام های کنگره

* پیام های سازمان ها و احزاب ایرانی به کنگره

* پیام های سازمانها و احزاب خارجی به کنگره

www.iran-archive.com

گزارش

ششمین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

ششمین کنگره نوبتی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» از صبح شنبه ۷ اسفند (برابر با ۲۶ فوریه تا ۱۱ اسفند) برابر با ۲ مارس ۲۰۰۰) برگزار شد.

برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورا، هفته ای پیش از کنگره و اوضاع متحول جامعه مان بر فضا و مباحثات کنگره نشان آشکاری به جا گذاشته و به آن ویژگی می بخشیدند؛ اظهار نظر نمایندگان پیرامون عملکرد شورای منتخب کنگره پنجم اساسا متوجه کنش ها و ابتکارات شورا در قبال آن اوضاع متحول، راهیابی ها برای تقویت حضور سیاسی سازمان در جنبش اصلاح طلبانه و آزادخواهانه جاری در کشور، و پیام کنگره خوشنودی پیروزی های حاصله و امید پروژهای بیشتر بودند.

حضور میهمانان از دیگر نیرو های اپوزیسیون، با پیام همدلی و هم راهی، سیمای ویژه کنگره ششم را تکمیل می کردند.

لازم به ذکر است که رفقا بابک امیر خسروی و فرهاد فرجاد از حزب دموکراتیک مردم ایران، نوید شمال از حزب توده ایران، پرویز نویدی از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و ذولفقاری از جبهه ملی ایران میهمانانی از سایر احزاب بودند که در کنگره حضور داشتند. از سوی حزب دمکرات کردستان و سازمان جمهوری خواهان ملی ایران نیز که امکان حضور در کنگره را نیافته بودند پیام هایی به کنگره داده شده بود.

افتتاح کنگره

ششمین کنگره سازمان با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد همه شهدای راه آزادی، که دیگر در میان یارانشان نیستند تا تجلی دیگری از پیروزی مدم میهنمان را درنیل به آزادی شاهد باشند، و به یاد رفیق از دست رفته در فاصله دو کنگره رفیق به ماندنی توسط مسئول هماهنگی شورای مرکزی منتخب کنگره پنجم گشایش یافت سپس هیات رئیسه سنی کنگره هدایت آن را تا انتخاب هیات رئیسه دائمی کنگره به عهده گرفت. گزارش مسئول تشکیلات از روند برگزاری و ترکیب نمایندگان صورت گرفت؛ و اعتبار نامه آنان مورد تایید قرار گرفت. با حصول حد نصاب لازم برای رسمیت کنگره شرایط برای انتخاب هیات رئیسه دائمی فراهم آمد. پیش از این انتخابات پیشنهاد شد که میهمانان کنگره نیز حق عضویت در ارگان های دائمی کنگره را داشتند. این پیشنهاد به پس از انتخاب هیات رئیسه دائم موکول شد.

انتخاب هیات رئیسه دائمی کنگره و ۵ نفر صاحبان بیشترین آرا به عنوان اعضای آم برگزیده شدند. با انتخاب هیات رئیسه کنگره رسماً کار خود را آغاز کرد و مقدماتاً به پیشنهاد فوق‌الذکر رسیدگی کرد. رای کنگره به پیشنهاد مثبت بود. به این ترتیب میمانان کنگره نیز می توانستند در ارگان دائمی کنگره عضویت یابند. در کنگره پنجم تصویب شده بود که هر کس حق عضویت در تنها یک ارگان دائمی را دارد. پیشنهادی دایر بر لغو این مصوبه و تبدیل «یک ارگان به» «حداکثر دو ارگان» مطرح شد، این پیشنهاد رای نیاورد.

دستور کار کنگره

کنگره با تعیین دستور کار خود ادامه یافت. شورای مرکزی پنجم بیشتر دستوری را به کنگره پیشنهاد کرده بود که موضوعات زیر را شامل می شد:

- 1- بررسی عملکرد شورای مرکزی منتخب کنگره پنجم
 - 2- تدقیق جهات سیاسی فعالیت سازمان
 - 3- تصویب برنامه عمل سیاسی دو ساله آتی
 - 4- ابزار ساختاری- سازمانی ضرور برای برنامه عمل
 - 5- تدقیق طرح دستگاه رهبری و انتخاب آن
- در کنگره پیشنهادهایی برای ادغام پاره ای موارد فوق و نیز برای افزودن به دستور مطرح شدند؛ پس از بحث موافق و مخالف پیرامون آن پیشنهادها دستور نهایی زیر تعیین شدک

- 1- بررسی عملکرد شورا
- 2- جهان و جایگاه ما
- 3- جهات سیاسی و برنامه عمل دو ساله سازمان
- 4- تصویب قطعنامه سیاسی
- 5- ابزار ساختاری، سازمانی ضرور برای عمل دو ساله
- 6- تصویب طرح در باره مساله ملی
- 7- تصویب طرح در موضوع جوانان
- 8- تدقیق دستگاه رهبری
- 9- انتخابات و ..
- 10- فرارهای احتمالی

پیشنهاد در دستور روز گذاشتن موضوع اساسنامه نیز مطرح شد، اما این پیشنهاد رای نیاورد. در سطور زیر موارد دستور فوق الذکر گزارش می شوند. این گزارش نه بر حسب ترتیب زمانی کنگره بلکه موضوعی است

1- بررسی عملکرد شورای

مرکزی منتخب کنگره پنجم

شورای مرکزی منتخب کنگره پنجم، پیشتر جمع‌بندی عملکرد ۲ ساله خود را در اختیار تشکیلات گذاشته بود. علاوه بر این در ۳ نوبت ۶ مانه نیز گزارش عملکرد شوراهای پتجم تهیه و به تشکیلات ارائه شده بود.

اعضای کنگره در اظهارات خود بیش از هر چیز به برآمدهای سیاسی شورا، از جمله در قبال حرکات اعتراضی دانشجویان و انتخابات ششمین دوره مجلس شورا، مناسبات با دیگر نیرو های سیاسی کشور و نیز مناسبات بین المللی توجه نشان دادند. همچنین دشواری های کار برای حضور موثرتر سازمان در تحولات جاری کشور مورد پرس و جو و بحث اعضای کنگره بود.

سخنرانان، ضمن تایید رئوس فعالیت های شورا و مواضع آن، بر تشدید فعالیت ها و ابتکارات سیاسی سازمان در پاسخگویی به تحولات مذکور، جلب حمایت وسیع تر نیرو های خارجی با تحکیم مناسبات با آنها و اطلاع رسانی به آنان، کاربرد گسترده تر شبکه اینترنت، وجدیت بیشتر در کار سخنگویی تاکید می ورزیدند.

2- جهان و جایگاه ما

طرح سند پیشنهادی در این مورد، نوشته ای زیر همین عنوان توسط رفقا ماشالله سلیمی و حشمت رئیسی، مندرج در کار شماره ۲۲۱ بود چنان که پیشتر آمد، شورا چنین دستور را به کنگره پیشنهاد نکرده بود و پیشنهاد دهندگان این دستور نیز نه بررسی و تصویب تفصیلی آن بلکه اظهار نظر کنگره پیرامون کلیات نوشته مذکور، در صورت تایید سپردن آن به شورای آتی برای تکمیل آن خواستار بودند.

پس از دوری از بحث، طرح سند، به رای گذاشته شد تا، توافق کنگره با آن به عنوان سند پایه کار روشن شود. برنامه هیات رئیسه این بود که در صورت تأیید سند به عنوان سند پایه کار

کمیسیون روی آن انجام شود اما ماحصل کار به رای کنگره جهت تصویب جزئیات آن گذاشته نشود.

کنگره سند را را به عنوان سند پایه نپذیرفت و متعاقبا، پیشنهادی دایر بر خارج کردن موضوع از دستور کنگره این پیشنهاد را پذیرفت موضوع از دستور خارج شد.

۳- جهت سیاسی فعالیت

و برنامه عمل دو ساله سازمان

این مورد که پیشتر در دستور کار کنگره پیش بینی شده بود، دارای بیشترین طرح ها بود: در این موضوع مجموعاً ۷ سند به کنگره ارائه شده بود:

- 1- طرح مصوب کمیسیون اسناد کنگره زیر عنوان «اهداف سیاسی ، پیشنهاد ها و سیاست های فدائیان خلق ایران «اکثریت»» مندرج در کار شماره ۲۲۷؛
- 2- طرح رفیق ممینی زیر عنوان «برای توسعه سیاسی و به سازی زندگی مردم» مندرج در کار شماره ۲۲۱ با اندکی تغییر،
- 3- طرح رفقا ماشالله سلیمی و حشمت رئیسی بخش سیاسی طرح پیش گفته زیر عنوان «جهان و جایگاه ما مندرج در شماره های ۲۲۱ و ۲۲۳ نشریه کار
- 4- طرح رفقا جوشنی و فرخ نگهدار زیر عنوان «در راه» زرفش جنبش اصلاح طلبی در کشور» مندرج در کار شماره ۲۲۱؛
- 5- طرح رفیق علی اکبر زیر عنوان «برای عدالت و آزادی و حقوق انسانی علیه نابرابری و استبداد و تخریب طبیعت در ایران» مندرج در کار شماره ۲۲۳
- 6- طرح رفیق مهدی فتاپور زیر عنوان «گسترش و تعمیق اصلاحات» مندرج در کار شماره ۲۲۲.

پس از دوری از بحث عمومی و نیز معرفی و مدافعه از طرح های ارائه شده نوبت به تعیین سند مبنا رسید و کلیه اسناد به رای گذاشته شدند. در این مورد نحوه تعیین سند مبنا این پیشنهاد نیز مطرح شد که ابتدا به تدوین کنندگان اسناد و نیز اعضای کنگره فرصت داده شود تا برای ندقیق آنها، ارائه ی پیشنهاد روی آنها به تدوین کنندگان و محتملا یکی کردن ۲ یا چند تا از آنها اقدام شود، آنگاه حاصل کار به کنگره ارائه شود و کنگره در مورد سند مبنا اخذ تصمیم کند.

این پیشنهاد پذیرفته نشد و کنگره مستقیماً وارد کار تعیین سند مبنا شد، پیش از رای گیری رفیق سلیمی (طرح شماره ۳) اعلام کرد که به نفع طرح شماره ۱ از طرح خود صرف نظر می کند. نتیجه به قرار زیر شد:

طرح شماره یک : ۶۶ در صد موافق ، ۲۴ در صد مخالف، ۱۰ درصد ممتنع
 طرح شماره دو: ۳۸ درصد موافق، ۳۰ درصد مخالف، ۳۶ درصد ممتنع
 طرح شماره ۴ : موافق ۳۲ درصد، مخالف ۵۷ درصد، ممتنع ۱۱ درصد
 طرح شماره ۵: موافق ۲۶ درصد، مخالف ۱۷ درصد، ممتنع ۵۲ درصد
 طرح شماره ۷: موافق ۴۶ درصد، مخالف ۴۷ درصد، ممتنع ۱۷ درصد.

به این ترتیب طرح شماره یک (طرح مصوب کمیسیون ایناد کنگره) با دو سوم آرای موافق به عنوان سند مبنا انتخاب شد.

پس از کار کمیسیونی سند یا تغییرات اندکی مجدداً به اجلاس کنگره ارائه شدن پیشنهاد ارائه شده از سوی رفیق سلیمی برای افزودن به سند جهات سیاسی فعالیت سازمان در زمینه خارجی:

- پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین مل و کشورهای مختلف جهان و عدم مداخله در امور داخلی آنها؛
 - تلاش برای ایجاد و تحکیم رابطه ی دوستانه و برابر حقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه
 - دفاع از تمامیت ارضی میهنمان در برابر تهدیدات خارجی و تلاش برای حل اختلافات لزومی و یا سایر اختلافات از طریق گفتگو و دیالوگ سیاسی؛
 - برقراری رابطه ی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با تمامی ملل و دولت های گیتی با در نظر داشت منافع ملی،
 - دفاع و همبستگی با تمام جنبش های آزادیخواهانه در سرتاسر دنیا.
- این جهات به یکباره به رای گذاشته شدند. نتیجه رای گیری ۵۱ در صد موافق، ۱۰ درصد مخالف و ۳۹ درصد ممتنع بود به این ترتیب پیشنهاد تصویب شد.
- از رفیق جوهری:

ما خواهان مخالفت علنی و قانونی در کشورمان هستیم، جمهوری اسلامی تاکنون حق فعالیت قانونی و علنی نیروهای سیاسی اپوزیسیون را نادیده گرفته است. ما معتقدیم تلاش و مبارزه برای به رسمیت شناختن این حق از طرف جمهوری اسلامی، وظیفه همه ی نیرو های سیاسی معتقد به دموکراسی در جامعه است. ما استفاده از همه امکانات برای نیل به هدف مذاکره علنی با جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار می دهیم. بحث موافق و مخالف در بره این پیشنهاد صورت گرفت. اما به هنگام رای گیری رفیق جوهری اعلام انتراف از پیشنهاد در این بخش از دستور را کرد.

لازم به تاکید است که در جریان بحث ها پیرامون جهات سیای فعالیت سازمان، از بحث های جنبی کنگره، از سخنرانی های پیش از دستور و نمایندگان احزاب میهنمان... آشکار شده بود که موضوع «الزام به قانون اساسی» و «فعالیت علنی و قانونی» موضوعاتی گرهی و مرکزی در کار کنگره اند. در این ارتباط چندین پیشنهاد، از جمله پیشنهاد رفیق جوهری، یه کمیسیون «جهات سیاسی» و نیز به کمیسیون «قطعنامه سیاسی» ارائه شده بودند و هیات رئیسه در این ارتباط بر آن شده بود که این موضوعات را به استقلال و به بحث و تصمیم گیری بگذارد.

پس از رسیدگی به پیشنهادهای پذیرفته نشده، کمیسیون «جهات سیاسی» کلیات سند به رای گذاشته شد و در نتیجه کلیات سند با ۷۳ در صد آرا موافق ۲ در صد مخالف و ۲۶ درصد ممتنع به تصویب رسید.

3- الزام به قانون اساسی فعالیت قانونی و علنی

چنان که در بالا آمده اهمیت در این دو موضوع در رتبه کنگره آشکار و آشکارتر گردید و به بحثی مستقل منجر شد. پیرامون این دو موضوع ۵ پیشنهاد به کنگره ارائه شده بودند:

- 1- پیشنهاد ۱۲ نفره (پیشنهادی که به تحریر رفیق ف. تابان و امضای ۱۲ تن از رفقا ارائه شد): کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» با تاکید بر خواست قاطعانه مردم ایران در جهت انتخابات ۲۹ بهمن ۷۸ اعلام شد، از دولت و مجلس جمهوری اسلامی می خواهد با منطبق ساختن قوانین جمهوری اسلامی ایران بر اصول دموکراتیک و التزام به بیانیه جهانی حقوق بشر، راه فعالیت آزادانه احزاب سیاسی کشور و تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» را هموار سازند.

2- پیشنهاد ۵ نفره (رفقا: امیر ممبینی، رضا جوشنی، فرخ نگهدار، منوچهر مقصود نیا و مهدی فتاپور):

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» که فعالانه در انتخابات مجلس شورا مشارکت داشته است اعلام

می کند که مجلس جدید و دولت وقت موظف هستند وظیفه و تعهد خود را در التزام به آزادی سیاسی

عملی کنند و در یک رابطه مبتنی بر التزام متقابل به قانون حق حضور و فعالیت سازمان ملتزم به فعالیت

قانونی خواهان تعیین شرایط فعالیت قانونی سازمان خود و دیگر نیرو های دمکراتیک هستیم.

۳- پیشنهاد رفیق بهزاد کریمی، جمهوری اسلامی تاکنون حق فعالیت قانونی و آزاد نیروهای سیاسی اپوزیسیون را نادیده گرفته است. کنگره همه نیرو های سیاسی معتقد به دمکراسی و مبارزه مسالمت آمیز سیاسی را به تلاش و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن این حق از طرف جمهوری اسلامی فرا می خواند.

ما ضمن بهره گیری از همه امکانات برای نیل به هدف فوق، مذاکره علنی با دولت جمهوری اسلامی پیرامون تمکین به حق فعالیت قانونی و آزاد سازمان را در دستور کار خود قرار داده و برای پیشبرد این امر کمیسیونی را جهت پیگیری تشکیل می دهیم

۴- پیشنهاد رفیق حسین جواهری: به سطور پیشین (بخش «جهت سیای») رجوع کنید.

۵- پیشنهاد رفیق علی پور نقی: سازمان برای تامین حق فعالیت علنی و قانونی، خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ملزم خواهد دانست. این التزام مشروط به تامین حق فعالیت سازمان در چارچوب قانون اساسی برای حصول به قانون اساسی مورد نظر خویش است.

پیشنهاد دهندگان فرصت یافتند تا پیشنهاد هایشان را تشریح کرده و از آنها دفاع کنند. آنگاه رای گیری شد. نتیجه رای گیری به قرار زیر شد.

پیشنهاد ۱- موافق ۵۲/۳ درصد، مخالف ۳۵/۶ درصد، ممتنع ۱۲/۱ درصد

پیشنهاد ۲- موافق ۴۲/۴ درصد، مخالف ۵۱ درصد، ممتنع ۱۷/۶ درصد

پیشنهاد ۳- موافق ۴۶/۵ درصد، مخالف ۳۴/۳ درصد، ممتنع ۱۹/۲ درصد

پیشنهاد ۴- موافق ۴۱/۶ درصد، مخالف ۴۶/۷ درصد، ممتنع ۱۱/۳ درصد

پیشنهاد ۵- موافق ۵۱/۹ درصد، مخالف ۴۴/۲ درصد، ممتنع ۳/۹ درصد.

به این ترتیب پیشنهاد نخست بیشترین درصد آرا موافق را آورد. اما نظر به این که، پیشنهاد پنجم نیز بیش از نیم آرا موافق را کسب کرده بود و اختلاف بین درصد آرا موافق این دو پیشنهاد اندک بود، کنگره اعلام کرد یکی از این دو پیشنهاد به عنوان مصوبه را بر پایه رای گیری صورت گرفته، شتاب زده دانست. آیا بایست رای گیری روی این دو تجدید می شود، یا هر دو پذیرفته تلقی می شدند یا ترکیبی از دو پیشنهاد به کنگره ارائه می شد؟ پس رسیدگی به پیشنهادها پروسدوری در این باره، پیشنهاد زیر از تصویب کنگره گذشت. «شورای مرکزی منتخب کنگره ششم بحث پیرامون این موضوعات (التزام به قانون، فعالیت علنی و قانونی و مذاکره) را در تشکیلات جاری می کند و حداکثر در مدت ۶ ماه با جمع آوری آرای اعضای تشکیلات، بر این اساس اتخاذ تصمیم می کند.».

۴- تصویب قطعنامه سیاسی

در این مورد نیز در دستور پیشنهادی شورای مرکزی پنجم به کنگره پیش بینی نشده بود. اما تحولات جاری در کشور و خاصه برگزاری ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و اعلام نتایج آن که مقارن روز نخست کنگره در قبال این تحولات را ایجاب میکردند. به لحاظ پیشگفته طرح پیشنهادی ای در این باره وجود نداشت و رسیدگی به موضوع با بحث عمومی آغاز گردید و سپس کمیونی جهت تهیه طرح اسناد ضرور انتخاب شد. کمیسیون عهده دار کار تنظیم پیامی از سوی کنگره خطاب به نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم نیز شد. طرح پیام بالنسبه به سرعت تهیه و به کنگره ارائه شد.

کنگره پیشنهاد هیات رئیسه دایر بر رای گیری تنها روی کلیت پیام را تایید کرد. به این ترتیب در نیمه کار کنگره پیام به نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم از تصویب کنگره گذشت و در اختیار رسانه های فارسی زبان گذاشته شد. نتیجه رای گیری روی کلیت پیام: موافق ۷۸ درصد، مخالف ۱۰ درصد، ممتنع ۱۲ درصد.

اقدام دیگر «کمیسیون قننامه» تنظیم طرح قطعنامه سیاسی بود. این طرح در آخرین روز کنگره تنظیم شد و به اطلاع کنگره رسانده شد. کنگره طی قرار تنظیم و تصویب نهایی آنرا به عهده شورای مرکزی منتخب کنگره ششم خود گذاشت و آن را موظف کرد که با رسیدگی به

مجموعه پیشنهادی های رسیده ، سند را نهایی کرده انتشار دهد. همچنین کنگره از شورای ششم خواست که گزارش کار خود را در این باره و کیفیت آنرا به تشکیلات گزارش کند.

5- ابزار ساختاری، سازمانی ضرور

برای برنامه عمل دوساله

گرچه این مورد در دستور پیشنهادی شورای پنجم کنگره منظور شده بود، اما امکان تدارک آن در دوره فعالیت آن شورا فراهم نیامده بود. از این رو کار در این مورد نیز با اظهار نظر عمومی آغاز شد و به همین حدود نیز محدود ماند. سخنرانان پیشنهادهای متعدد و گاه بدیعی را برای برنامه عمل دوساله آتی سازمان مطرح کردند، اما پیشرفت بحث ها آشکار کرد که بدون انجام کار گسترده تخصصی و بدون اشراف جامع به امکانات و محدودیت ها، تنظیم سندی در این باره بیشتر می تواند به ابزاری دست و پاگیر شورای آتی تبدیل گردد. از این رو کنگره پیشنهادی دایر بر خارج کردن موضوع از دستور موافقت کرد و با صدور قراری مقرر کرد که مجموع پیشنهادهای ارائه شده د اختیار شورای ششم گذاشته شوند. شورا موظف به رسیدگی به پیشنهادها و گزارش دهی به تشکیلات شد.

6- تصویب سند در باره ی مسئله ی ملی در ایران

در این باره بیشتر توسط توسط گروه کار امور ملیت ها طرح سندی تهیه و در کار شماره ۲۲۲ منتشر شده بود. این کار تدارکاتی با انعکاس نظرات موجود در سازمان پیرامون مسئله ملی تکمیل شده بود. بی سبب نبود که کنگره بدون دشورای موفق به تعیین سند پایه و متعاقبا تصویب آن شد. غیر از طرح پیشگفته طرح دیگری به کنگره پیشنهاد نشده بود. از این رو مرحله تعیین سند پایه در واقع روشن کردن این نکته بود که کنگره طرح مذکور را به عنوان سند پایه کار می پذیرد یا خیر، طرح به بحث گذاشته شد. طرح به بحث موافق، مخالف و سپس به رای گیری گذاشته شد. طرح با ۸۵ درصد آرای موافق، و بدم رای مخالف به عنوان سند پایه پذیرفته شد. پس از یک نوبت کار کمیسیونی بر روی آن به کنگره ارائه شد. نکته جالب در این نوبت از بررسی سند این بود که میهمانان کنگره از سایر نیروهای سیاسی نیز در بحث شرکت فعالی داشتند. هسته ی بحث در این نوبت ((تعیین)) ملیت های تشکیل دهنده مردم ایران بود. تصمیم کنگره این شد که سند نوبتی دیگر به کمیسیون احاله شود. کمیسیون با کار

متمرکز تری بر روی سند، آن را برای دومین بار به اجلاس کنگره ارائه کرد. پس از رسیدگی به پیشنهادهای رسیده و نیز تغییراتی که در سند وارد شده بودند، کلیت سند به رای کنگره گذاشته شد. ۶۹ درصد موافق، ۳ درصد مخالف و ۷۸٪ در صد ممتنع نتیجه رای گیری در مورد کلیت سند «تزهایی پیرامون مساله ملی در ایران» بود.

7- تصویب طرح موضوع جوانان

مقدمتا باید تصریح کرد که حضور دو رفیق بسیار جوان «آراز» ۱۸ ساله و «نیشتمان» ۲۱ ساله، جوانترین هایی که شش کنگره سازمان به خود دیده است؛ و فعالیت و جنب جوش چشمگیر شان، یکی از جهات ویژه کنگره ششم سازمان بود. موضوع جوانان بیشتر در دستور کنگره نشده بود و طرحی نیز در این باره وجود نداشت. از این رو با وارد شدن این موضوع و بحث مقدماتی و انتخاب کمیسیون، که دو رفیق نامبرده نیز به عضویت در آن نایل شدند؛ کمیسیون در دستور کار خود را با جمع آوری پیشنهادها و تهیه طرح بر این پایه آغاز کرد و در مدت کوتاهی طرح خود را به کنگره ارائه کرد. فشرده گی دستور کنگره موجب شده بود که روند ارائه طرح ها به کنگره به کیفیتی متفاوت از کنگره های پیشین صورت گیرد؛ مادام که کمیسیونی نیازی به طرح مسابه ای به اجلاس کنگره برای تصمیم گیری کنگره نداشت، طرح تهیه شده تنها به اطلاع کنگره دسانده می شدند و اعضای کنگره امکان ارائه پیشنهاد هایشان را به کمیسیون ذریبط می یافتند.

کمیسیون با کار بعدی روی پیشنهادها، سرانجام طرح نهایی خود را برای تصویب به اجلاس کنگره ارائه می کرد. این کیفیت در مورد طرح پیشنهادی کمیسیون جوانان نیز پیش می رفت و نتیجتا تنها یکی بار برای تصویب به اجلاس کنگره بازگشت. پیرامون کلیت سند رای گیری شده که با اکثریت قاطعی (۸۵٪) به تصویب رسید (شمارش آرا موافق، مخالف و ممتنع در گزارش ها قید نشده است).

8- تدقیق طرح دستگاه رهبری

تجربه چندین ساله همواره تغییراتی را در ساختمان دستگاه رهبری ایجاد می کرده است. مشارکت نمایندگان از سوی تشکیلات کشورها به عنوان عضو مشاور شورا، عنصری بود که در کنگره پنجم وارد دستگاه رهبری سازمان شد.

تجربه دوساله اخیر نیز به نوبه خود به بعضی تغییرات رهنمون شده بودند. این تغییرات در طرحیکه بیشتر تهیبه و به کنگره ارائه شده بودند منعکس بودند. طرح مذکور سند مصوب کنگره پنجم را در پایه حفظ کرده بود. تغییرات وارده و آنچه متعاقبا توسط کمیسیون منتخب کنگره آورده شد متوجه تغییر در تعداد اعضای شورا، تفکیک بین مسئولیت هماهنگی شورا و مسئولیت هیات سیاسی- اجرایی و نیز تغییراتی متناسب با کیفیتی که کنگره ششم برگزار شد، یعنی کنگره یک به یک بودند. در این موضوع، این موارد بحث چندانی را بر نیانگيختند. بحث ها در این موضوع بیشتر بر پیشنهادهایی که سهمیه بندی (امتیاز) برای مشارکت زنان در ارگانهای سازمان و با ایجاد تناسب بین ترکیب جنسی در ارگانها و در کل سازمان و فراهم آوردن شرایط برای حضور افرادی که پیشتر در ارگانهای رهبری عضو نبوده اند در این ارگانها متمرکز بود. در زیر این پیشنهادها و وضع آرا پیرامون آنها گزارش شده اند.

پیشنهاد کمیسیون زنان به کنگره ششم:

- کنگره ششم اصل سهمیه بندی (امتیاز مثبت) برای زنان را می پذیرد. هدف این است که بین تعداد زنان و مردان در این ارگانها تعادل بوجود آید.
- هدف نهایی سهمیه بندی برای زنان، رسیدن به تژساوی زنان مردان در ارگان رهبری سازمان در آینده است .:
- در شرایط امروز، برا اساس پذیرش اصل سهمیه بندی، در صورت بودن کاندیدا نسبت یک چهارم به عنوان مشارکت زنان پذیرفته می شود. این پیشنهاد یک جا به بحث و رای گیری گذاشته شد و از زمره مواردی بود که کنگره تصمیم به افزودن تعداد سخنرانان موافق و مخالف گرفت. نتیجه رای گیری ۲۳ درصد موافق، ۲۳ درصد مخالف و ۵۵ درصد ممتنع.

پیشنهاد ۱۹ نفره:

- به منظور گسترش حضور رفقای زن در رهبری سازمان و جبران بخشی از بی توجهی و کم توجهی گذشته و تاکنون ما، به مسالهزنان کشورمان و نقش رفقای زن در هیات سیاسی سازمان «حق رای ترجیحی» در خواست می شود:

به آرای رفقای زن نامزدی رهبری سازمان به تعدد دو درصد کل رای های به صندوق ریخته شده رای ترجیحی اضافه گردد.

نتیجه رای گیری: پیشنهاد تصویب نشد (آرا شمارش نشدند)

پیشنهاد رفیق پور نقوی: به ترکیب تمامی ارگانهای سازمان، نمایندگی ها و کمیسیونهایی که توسط ارگانهای سازمانی تناسب داشته باشد.

نتیجه رای گیری: پیشنهاد تصویب شد (آرای مخالف و موافق شمارش نشده اند)

پس از این پیشنهاد رفیق بهزاد گریمی به قرار زیر مورد بحث و رای گیری قرار گرفت.

- حداقل یک پنجم اعضای شورای مرکزی باید از کسانی باشند که نخستین بار عضو شورای مرکزی می شوند.

- پیشنهاد تصویب نشد (آرا شمارش نشده اند)

سر انجام پیشنهاد زیر از رفقا اسد، بیژن و کاوه به رای گذاشته شد.

- در ترکیب شورای مرکزی از نسبت برنامه ای پیروی خواهد شد و براساس آرا برنامه های مختلف در کنگره اعضای شورا برگزیده می شوند.

این پیشنهاد نیز پذیرفته نشد (آرا شمارش نشده اند)

کار رسیدگی به پیشنهاد های رسیدگی نشده که الزاما باید پیش از انتخابات رسیدگی می شدند به اتمام رسید و طرح دستگاه رهبری با تغییرات وارده در آن در کلیت به رای گذاشته شد. ۸۸ درصد موافق، ۴ درصد مخالف و ۸ درصد ممتنع بودند.

۹- انتخابات

سند دستگاه رهبری ((شیوه انتخابات نسبی ساده)) را برای انتخابات تعیین کرده و تعداد اعضای شورا را ۱۹ نفر منظور کرده بود. پس از بحث و رای گیری تصمیم بر این شد که هر رای دهنده حق دادن رای حداکثر به ۱۲ نفر را داشته باشد. پس از این نوبت به ثبت نام کاندیداها

و متعاقبا معرفی آنها از خود شد. شمار قابل توجهی از اعضای کنگره که در بین شان «چهره های جوان» بسیاری وجود داشتند خود را برای عضویت در شورای مرکزی نامزد کرده بودند.

برگه های آرا توزیع شدند و رای گیری آغاز شد. کار سنگینی پیش روی بود: شمارش آرا؛ این کار تا پاسی از چهارشنبه شب به درازا کشید و سرانجام ۱۹ نفر صاحبان بیشترین آرا که همگی بیش از ۵۰ درصد آرا را کسب کرده بودند توسط کنگره ششم و به عنوان اعضای شورای مرکزی انتخاب شدند. در بین اعضای شورا سه رفیق زن وجود دارند و ۶ نفر از جمله یک رفیق زن کسانی هستند که برای نخستین بار به عضویت شورای مرکزی سازمان برگزیده می شوند.

کنگره با تبریک به اعضای شورای جدید از تدارک کنندگان و کسانی که در جریان کنگره زحمات بسیاری را بدوش گشیدند؛ و با تصویب قراری که تنظیم نهایی قطعنامه سیاسی در رسیدگی به پیشنهادهای و قراهای بررسی نشده را به شورای منتخب خود می سپرد، در دیر وقت چهارشنبه شب خاتمه یافت.

www.iran-archive.com

اهداف سیاسی، پیشنهادهای و سیاست های

تزهایی پیرامون مسئله ی ملی

قطعه نامه سیاسی مصوب کنگره ششم

اهداف سیاسی، پیشنهادهای و سیاست های

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

مصوب کنگره ششم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

اهداف سیاسی ما

سازمان ما با تاکید مجدد بر مفاد دو سند مصوب کنگره پنجم سازمان تحت عناوین ((دیدگاه ها و آماج ها)) و «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی» بار دیگر اعلام میکند که: سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» مدافع دموکراسی، پیشرفت عدالت اجتماعی و سوسیالیسم.. و مدافع حقوق بشر است و بر همین پایه هرگونه ستم طبقاتی، ملی، جنسی، نژادی، مذهبی، و عقیدتی، مبارزه میکنند...

کشور ما میزبند حکومتی دموکراتیکتر شکل جمهوری است. ما بای نحقق چنین هدفی مبارزه میکنیم، تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت آمیز متحقق شود. در حکومت دموکراتیک دین رسمی وجود ندارد؛ دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی و آموزشی جدا است و آزادی وجدان و حق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می شود.

سازمان سیاست های جاری خود را بر مبنای آرمانهای و اهداف سیاسی و بر پایه تحلیل اوضاع سیاسی کشور تدوین میکند.

ارزیابی از جنبش آزادی خواهانه و اصلاح طلبی

* جامعه ما از یک سو با بحران عمیق اقتصادی روبرو است که نشانه های ارز آن در بیکاری وسیع کاهش مداوم قدرت خرید و فقر و فلاکت فزاینده آنها، تشدید شکاف طبقاتی، تورم لجام گسیخته و رکود اقتصادی متجلی است و چشم اندازی هم برای برون زفت از این بحران مشاهده نمی شود. از سوی دیگر مقابله دامن گستر جامعه با حکومت دینی و مظاهر آن خصلت فراگیر و ملی پیدا کرده و جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه روز بروز در حال تعمیق و گسترش است و نیروهای وسیع تری از مردم را به صحنه ی پیکار سیاسی می کشاند. روندهای سیاسی اجتماعی در کشور را عمدتاً این دو شاخص سمت می دهند.

* جنبش آزادی خواهانه و اصلاح طلبانه مردم ما از دوم خرداد سال ۷۶ فراز جدیدی یافت، بازتاب نیاز جامعه و از حواست های مردم ریشه گرفته است .

هدف این جنبش طرد استبداد حاکم و استقرار آزادی های سیاسی و اجتماعی در کشور است. این جنبش از طریق مبارزه مسالمت آمیز برای پیشبرد رفرم های سیاسی اجتماعی در راه اهداف

خود قدم بر می دارد. آرای میلونی مردم در انتخابات دوم خرداد؛ انتخابات شوراها و انتخابات مجلس ششم نشان داد اکثریت مردم کشورما نیروی اصلی جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه هستند. نیروی بالفعل این جنبش شامل آگاه ترین گروه های مردم از میان کارگران، زحمتکشان، روشنفکران و اقشار متوسط است. در این جنبش نقش روشنفکران زنان، جوانان، وئ دانشجویان، چشمگیر و بارز است.

* روحانیت سنتی حاکم، تجار متحد این روحانیت و عوامل و حامیان استبداد در دستگاه بوروکراتیک- نظامی جمهوری اسلامی، منافع طبقاتی خود را مغایر با اهداف جنبش جاری آزادی خواهی می بینند و با این جنبش مقابله می کنند. این گروه بندی استمرار قدرت خود را در دوام و قوام ولایت فقیه می داند.

نبرد سرنوشت سازی بین نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب بانبروهای تمامیت گرا و سرکوبگر مخالف جنبش ۲ خرداد جریان دارد. جنبش آزادی خواهانه و اصلاح طلبانه علیرغم افت و خیزهای، پیش رفته و موقعیت آن در جامعه تقویت شده است. و امید در بین مردم برای حل مشکلات جامعه از راه اصلاحات دموکراتیک و کار بست شیوه های مسالمت آمیز افزایش می یابد..

* مطبوعات مستقل ومنتقد در صف مقدم مبارزه علیه تمامیت گرایان و خشونت طلبان قرار دارندو آنها علاوه بر تحقق وظیفه اطلاع رسانی، در پیش برد توسعه سیاسی - فرهنگی و مبارزه برای تامین آزادی بیان و عقیده نقش جدی دارند.

* تظاهرات دانشجویان در تیر ماه سال جاری که ارکان حکومت ولایت فقیه را به لرزه انداخت، نشان داد که جوانان و به ویژه دانشجویان در شرایط کنونی فعال ترین نیروی پیشبرد توسعه سیاسی در کشور هستند.

* فعالیت فرهنگی، دبی و هنری نویسندگان، شعرا، هنرمندان و روشنفکران مستقل کشور در پی ریزی تحولات فکری و فرهنگی و اشاعه فرهنگ دمکراتیک و مبارزه فرهنگ سازان ایران علیه سانسور گسترش یافته است.

نویسندگان ایران با احیای فعالیت کانون صنفی مستقل خود به موفقیتی بزرگ در این مبارزه دست یافته اند.

* نقش زنان در فعالیتهای اجتماعی و مبارزات سیاسی و حقوقی و مقاومتشان در برابر فشارهای حکومت در حال افزایش است.

* اعتراضات کارگری، در سالهای اخیر علیه تعطیل واحدهای تولیدی، اخراج وسیع کارکنان، به تعویق افتادن پرداخت دستمزد، تغییر قانون کار و به خاطر افزایش دستمزدها گسترش یافته است. جنبش کارگری برای رفرم های سیاسی در جامعه مبارزه می کند.

* در سالهای اخیر، حضور نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب غیر حکومتی (ملی- مذهبی، ملی و چپ در صحنه ی سیاسی و فرهنگی کشور افزایش یافته است. این حضور در اشکال مختلف از وجود نهادهای مدنی گرفته تا نشریات مستقل و غیر وابسته به حکومت مشهود است. افزایش این حضور، به تعمیق شتاب گیری پیشرفت رفرم های سیاسی و اجتماعی یاری می رساند و در عین حال به ارتقای ظرفیت اصلاح طلبانه بخش حکومتی جنبش دوم خرداد و تصحیح و تدقیق مواضع آن کمک می کند.

* اصلاح طلبان حکومتی نقش مثبت در پیشبرد رفرم های سیاسی و فرهنگی ایفا نموده اند. آنان با این حال به علت پایبندی به ولایت فقیه، ارج شمردن منافع حکومت اسلامی بر منافع جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه و دیدگاه محدود نسبت به امر دموکراسی و جامعه مدنی، نتوانسته اند همپا با رشد جنبش در جامعه گام بردارند. شتاب حرکت و سمت و خواستههای جنبش آزادی خواهی فراتر از عملکرد و ظرفیتی است که اصلاح طلبان حکومتی تا کنون از خود نشان داده اند. برای گسترش و تداوم جنبش دوم خرداد ضروری است که اصلاح طلبان حکومتی هر چه بیشتر بر نیروی اجتماعی این جنبش متکی شوند.

* هر چند تاکنون، سیاست تمامیت گرایان حکومت در مقابله با جنبش آزادیخواهانه مردم، اعمال سرکوب بوده است؛ اما بهتناسب پیشرفت و قدرت گرفتن جنبش اصلاحات، برای این جناح بهره گرفتن از سیوه های خشونت آمیز با هزینه های سیاسی بیشتری همراه میشود.

انتخابات پیروزمند مجلس شورا در بهمت ماه امسال فراز بزرگ دیگری در جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه و پیروزی شکوهمندی برای آزادی و مردم ایران بوده است. مردم ستم دیده ی ایران که از دیکتاتوری و سرکوب و خشونت بجان آمده اند یک بار دیگر با صدای هر چه رساتر عزم خویش را برای تامین آزادی و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی نمودار ساختند. در شرایطی که همه دگراندیشان و نیروهای آزادیخواه مخالف و منتقد ولایت فقیه از شرکت در

انتخابات محروم شدند در شرایطی که بخش بزرگی از نیروهای حکومتی جبهه دوم خرداد با کار بست روش های انحصار طلبانه از گردونه انتخابات دور شدند، مردم ایران نومیث نشدند و با شرکت حداکثر خود در انتخابات از امکانات موجود به سود آزادی بهره جستند و سرانجام مجلس را از چنگ مخالفین اصلاحات بیرون آوردند.

پیشنهاد ها و سیاست های ما برای پیشبرد اصلاحات

اصلاحات آری ، ولایت فقیه نه!

پیشنهاد های ما برای نداوم و تعمیق اصلاحات سیاسی و فرهنگی

تامین آزادی بی قید و شرط بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات و تامین آزادی های اجتماعی و فردی و لغو ممنوعیت ها در این زمینه.

-تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی، سندیکاهاى کارگرى، تشکل های مستقل زنان و دانشجویان و تشکل های دموکراتیک.

- تامین حق برابری زن و مرد و لغو کلیه قوانین و مقررات ضد زن و تامین آزادی پوشش.

- ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی و لغو کلیه قوانین جزایی اسلامس نظیر سنگسار، قصاص، حد و لغو تبعیضات مذهبی.

- آزادی کلیه زندانیان سیاسی، اعلام منع پیگرد همگانی و رفع موانع بازگشت مهاجرین.

- لغو نظارت استصوابی و انحلال نهادهای گزینش، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاههای انقلاب و تامین مشارکت بابر حقوق همه شهر وندان در حیات سیاسی کشور.

- حق دسترسی کلیه شهر وندان به اخبار و اطلاعات.

- پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین ملل و کشورهای مختلف جهان و تلاش برای ایجاد و تحکیم رابطه ی دوستانه و برابر حقوق با تمامی کورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه.

برای تداوم تعمیق اصلاحات سیاسی و فرهنگی ضروری است. قانون اساسی بر پایه موازین دمکراسی و حقوق بشر تغییر یابد، ساختار سیاسی دموکراتیک جایگزین ساختار سیاسی ولایت فقیه گردد، همه ارگانهای سیاسی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از سوی مردم در انتخابات

آزاد بر گزار شوند، قوانینی که ناقض حقوق بشر است، ملغی و اصول ناظر بر مبنای عرفی و اصول دموکراتیک باز سازس شود. مجازات اعدام لغو گردد.

برای مهار بحران اقتصادی و بهسازی زندگی مردم

برای برون رفت از بحران اقتصادی و ساماندهی اقتصاد کشور، تغییر ساختار اقتصادی از طریق پیشبرد برنامه توسعه امری است ضروری. ما خواهان پیشبرد آن برنامه توسعه ای هستیم که، بر تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی گسترش دموکراسی، بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت اجتماعی مبتنی باشد.

اصلاحات سیاسی شرط رشد اقتصادی است اما در عین حال همزمان با اصلاحات سیاسی ضروری است اقدامات مناسب جهت مهار بحران اقتصادی و بهبود زندگی مردم صورت گیرد. در این راستا ما اقدامات زیر را پیشنهاد می کنیم:

- سرمایه گذاری در بخش مولد صنعتی، تکنولوژی، پژوهشی و کشاورزی در کلیه مناطق کشور مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و موانع موجود در این عرصه برطرف شود.
- برنامه ریزی برای جلوگیری از متورم شدن بیشتر سرمایه های تجاری - دلالی و سرمایه های سرگردان و سرازیر شدن آنها بسوی بخش های مولده جامعه اتخاذ گردد.
- برقراری رابطه با تمامی ملل و دولت های گیتی با در نظر داشت منافع ملی.
- بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن تحت نظارت و هدایت دولت قرار گیرد و از آنها مالیات اخذ گردد.

- رانت های اقتصادی حذف و کمک های اقتصادی به جریان های اسلامی در دیگر کشورها قطع گردد.

- نهادهای موازی درهم ادغام شود و نهادهای زاید و هزینه زا منحل گردد.
- از اهرم مالیاتی، بودجه گذاری و سوبسید برای افزایش قدرت خرید اقشار کم در آمد و کاستن از فاصله فقر و ثروت بهره گیری شود.

- دستمزد کارگران و کارمندان در شرایط بحران اقتصادی کنونی، از طریق افزایش آن به میزان تورم سالانه تثبیت شود.

- تدابیر ضروری برای کاهش بیکاری در کشور اتخاذ گردد

- در مان و بهداشت همگانی تامین و از صندوق های بیمه بازنشستگی و سازمان های تامین اجتماعی حمایت شود و سیاست های ضرور برای حذف واسطه ها و دلال ها اتخاذ گردد.

ما و نیرو های اجتماعی جنبش آزادیخواهانه و اصلاطلبانه

مطبوعات مستقل ومنتقد ، جنبش های دانشجویی، کارگران و رنان، نویسندگان و هنر مندان، خلق های محروم از حقوق ملی و فرهنگی و مدافعان محیط زیست، نیروهای اجتماعی جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه کشور هستند.

ما مبارزه برای پیشبرد اصلاحات سیاسی و فرهنگی بر این نیرو ها تکیه داریم. دئوس سیاست های ما در قبال این نیروها عبارتند از:

- دفاع از مطبوعات مستقل و منتقد در برابر یورش ارتجاع و حمایت از مبارزه آنها برای تامین آزادی بیان و عقیده در برابر مدافعان جامعه تک صدایی و پیشبرد همکاری با آنها.
- حمایت از خواست های جوانان و نوجوانان، مشارکت و فعالیت آنها در حیات سیاسی اجتماعی و فرهنگی کشور، دفاع از آزادی فعالیت گروه های دانشجویی با دیدگاه ها و گرایش های سیاسی متفاوت، از تامین استقلال برای جنبش دانشجویی در قبال حکومت و جناح های حکومتی.
- دفاع از نویسندگان، هنرمندان و فرهنگ سازان در مقابل اقدامات سرکوبگرانه و حمایت از تشکل های مستقل آنها بویژه کانون نویسندگان.
- مبارزه علیه مقررات ضد زن، فرهنگ مرد سالاری و مبارزه برای تامین حق برابری زن و مرد و دفاع از ایجاد تشکل های مستقل زنان.
- کوشش در جهت تقویت پیوند جنبش کارگری با جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه، حمایت از مبارزات و مطالبات صنعتی کارگران و از تلاش فعالان کارگری برای ایجاد سندیکاهاى مستقل.
- مبارزه با هرگونه ستم ملی، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواسته های دمکراتیک و وحدت طلبانه جنبش های ملی، تقویت تفاهم و اتحاد بین همه خلق های ایران به منظور تقویت جنبش برای توسعه سیاسی کشور که زمینه ساز تحقق فدرالیسم و عدم تمرکز در کشور است.

- مبارزه برا حفظ محیط زیست و تلاش برای فرا رویاندن آن به یک جنبش فراگیر.

موضع ما نسبت به اصلاح طلبان حکومتی

- اصلاح طلبان حکومتی در مبارزه برای گشایش فضای سیاسی در کشور و در مبارزه علیه نیرو های تمامیت گرا و خشونت طلب با نیرو های آزادیخواه و اصلاح طلب همسو هستند. مواضع سیاسی اصلاحطلبان در جوهی با مواضع ما دارای اشتراکاتی است. ما از سیاست ها و اقدامات آنها در پیشبرد وجوه مشترک و از مبارزه آنها برای تحقق اصلاحات سیاسی و فرهنگی استقبال کرده و در جهت تقویت آن می کوشیم و تعلل و محافظه کاری های آنها را در این زمینه مورد انتقاد قرار می دهیم و تلاش می کنیم تناقض در مشی نیروهای اصلاح طلبان حکومتی بین سیاست رفرم و پابندی به مبانی غیر دموکراتیک نظام سیاسی ولایت فقیه، بسود سیاست رفرم حل شود. ما گفتمان سیاسی با اصلاح طلبان حکومتی را پیش می بریم.

- در بین نیروهای چپ مذهبی تفکیک های بارزی صورت گرفته است. طیفی از آنها همچنان در مواضع سنتی باقی مانده و طیف دیگری در جهت پذیرش دیدگاهها و مواضع نو در زمینه تفکر مذهبی، جمهوریت مشارکت مردمی، مسایل بین المللی و بخشی در رابطه با نیروهای اپوزیسیون گامهای مثبتی برداشته اند. ما این تحول را به سود اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور می دانیم و در جهت تقویت ان تلاش می کنیم.

- در بین کارگزاران که یکی از نیروهای اصلاح طلبان حکومتی است هم تنابیل به تمامیت گرایان وهم تمایل به چپ های مذهبی وجود دارد. ما بر تقویت گرایشات مثبت در درون صفوف کارگزاران تاکید داریم.

موضع ما نسبت به تمامیت گرایان و خشونت طلبان حکومتی

تمامیت گرایان و خشونت طلبان در سالهای اخیر مجبور به تحمل عقب نشینی ها و شکست های جدی شده اند. تمامیت گرایان در حال فاصله گرفتن از جریان های افراطی و خشونت طلب هستند. این روندها می تواند امکانات نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب را افزایش دهد. تمامیت گرایان و خشونت طلبان مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی فرهنگی در کشور هستند و سیاست ما همچنان افشا برنامه سیاست ها و اقدامات آنها است. ما ضمن مخالفت با حذف فیزیکی مخالفین، بر طرد انزوای نیروهای افراطی خشونت طلب و انحلال باندهای جنایتکار تاکید داریم.

قانونیت و فعالیت علنی، آزاد و قانونی

ما از قانونیت مدنی و برابری همه شهروندان در مقابل قانون دفاع می کنیم و معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروند علیه قوانین غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر و علیه کاربرد قهر برسمیت شناخته شود.

ما لازمه پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور را در آن می دانیم که جنبش جاری آزادیخواهی و اصلاح طلبی در قالب احزاب و سازمانهای سیاسی و تشکلهای دموکراتیک متشکل شود و حضور سیاسی آنها شکل قانونی بخود گیرد. به نظر ما دولت ملتزم است حق فعالیت آزاد احزاب سیاسی را تامین و تضمین نماید و شرایط فعالیت قانونی ما و سایر نیروهای سیاسی را فراهم آورد.

سازمان برای دستیابی به فعالیت علنی، آزادانه و قانونی در ایران تلاش می کند و اقدامات خود را متناسب با پیشروی جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه گشایش فضای سیاسی و تغییر توازن قوا به زیان نیروهای تمامیت گرا و خشونت طلب پیش میبرد.

تزیای پیرامون

مسئله ی ملی در ایران

الف) بنیانهای ناظر بر حل دموکراتیک مسئله ی ملی

تجارب دور و نزدیک چه در کشور ما و چه در سطح جهانی نشان داده است که حل مسئله ی ملی بر اساس دیدگاههای ایدئولوژیکی، مذهبی، شونیستی و تمرکز گرایانه نتیجه ای جز تفرق، تفرقه و خصومت میان ملل ندارد. انتخاب دموکراتیک بنیان حل مسئله ملی است و از این رو حق تعیین سرنوشت، اصل ناظر بر روابط خلق ها است.

اجرای اصول دموکراسی و رعایت حقوق بشر، تامین شرایط رشد موزون هر بخش از کشور صرفنظر از تعداد ساکنین و سطح رشد اجتماعی - اقتصادی و تعلقات فرهنگی و مذهبی آنها و برابری حقوق همه ملیت های ساکن در میهن مشترک ایران راهنمای ما برای حل مسئله ملی در جامعه ما است.

ب) ساختار حکومتی و سیوه اعمال حکومت مردم بر مردم

۱- ایران کشوری است چند ملیتی که در آن فارس ها ، آذری ها ، کردها، ترکمن هاف بلوچ ها، عرب ها و دیگر گروه های قومی هزاران سال است که در ایجاد گسترش، غنا و تداوم تمدن ایران کوشیده اند و در طی قرنها با هم از نظر تباری، قومی ، فرهنگی و اقتصادی در آمیخته و با هم تفاوت ها و ویژگی ها، ایران امروز را بوجود آورده اند. با وجود اشتراکات ساکنین ایران با یکدیگر در عین حال آنان به لحاظ ویژگی های ملی و فرهنگی، از یکدیگر متمایز هستند. هر حکومت و ساختار دموکراتیک در ایرات، این واقعیت را باید در قانون اساسی خود بازتاب دهد.

۲- ایجاد حکومت های خود مختار ملی در چارچوب جمهوری فدراتیو ایران مناسب ترین اهرم رفع ستم ملی و رشد و شکوفایی ملیت های ساکن ایران می باشد. حکومت های خود مختار محلی، توسط نمایندگان منتخب مردم در مجلس ملی مناطق تشکیل خواهد شد.

۳- هر مجلس ملی ارزشق وضع قوانین محلی در چارچوب قانون اساسی جمهوری فدراتیو برخوردار میباشد. هر حکومت خود مختار ملی حق دارد با توجه به امکانات و ویژگی های منطقه خود، شکل اداره امور منطقه خود را در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تنها در چارچوب سیاست های عمومی جمهوری فدراتیو پیش برد.

۴- بر اساس اصل برابر حقوقی همه ملیت های ساکن ایران، نمایندگان مناطق خود مختار ملی، در اداره امور دولت مرکزی شرکت مستقیم خواهند داشت.

۵- اقلیت های ملی مذهبی که در مناطق ملی ساکن می باشند، از حق کامل آزادیهای ملی، فرهنگی و مذهبی خود برخوردار بوده و حکومت خود مختار موظف به رعایت و پاسداری این حقوق می باشد.

۶- سازمان ما مناسب ترین شیوه تحقق حق تعیین سرنوشت ملیت های ایران را اتحاد داوطلبانه آنها در چارچوب ایرانی یکپارچه؛ آزاد و دمکراتیک در مرزهای کنونی می شناسد و با همه قوا در ترویج این برنامه و اجرای آن می کوشد. سازمان هر آنچه در توان دارد در راه تفاهم اتحاد حلق های ایرانی به کار می گیرد. سازمان ما تلاش های جدایی طلبانه و تجزیه طلبانه را به سود هیچ کدام از ملیت های ساکن ایران نمیداند و استفاده از خشونت برای حل مسئله ملی را از طرف هر نیرویی رد می کند.

۷- سازمان ما میکوشد خواست های فدرالیسم و عدم تمرکز با سایر خواست های دمکراتیک جنبش آزادیخواهانه جاری مردم ایران پیوند یابد.

سازمان با استقبال از جنبش فرهنگی جاری در مناطق ملی کشورمان در راه شکوفایی این جنبش ها و پیوند آنها با جنبش آزادیخواهانه عظیمی که در یرایر کشور جریان دارد، تلاش می کند.

۸- در اتخاذ سیاست کلان در مورد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان ، باید الویت با آن مناطقی باشد که بدلیل سیاست تبعیض آمیز حکومت کنونی و رژیم سابق بشدت عقب نگه داشته شده اند.

پ) مسئله زبان در ایران

۱- زبان مشترک همه ی ملیت های ساکن در ایران زبان فارسی است که همراه زبان هر ملیت در موسسات آموزشی کشورمان تدریس می گردد.

۲- به رسمیت شناختن حق تحصیل به زبان مادری هر ملیت در مدارس و دانشگاه های کشورمان. دولت مرکزی موظف می باشد که امکانات کافی و ضرور را برای این امر مهم فراهم نماید.

۳- اقلیت های ملی ساکن در مناطق ملی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار می باشند.

ج) واحدهای سازمان در مناطق ملی وناسبات ما با نیروهای ملی

۱- واحدهای سازمان در ناطق ملی در چارچوب سمت گیری برنامه ای سازمان از استقلال کامل سیاسی- تشکیلاتی برخوردار می باشند.

۲- نمایندگان واحدهای سازمان در مناطق ملی با حق رای قطعی به عنوان عضو شورای مرکزی سازمان محسوب می شوند. این نمایندگان توسط خود واحدهای مناطق ملی انتخاب می شوند.

۳- سازمان مناسبات خود را با احزاب وسازمانهای ملی دمکراتیک در مناطق ملی، بر پایه حفظ رابطه برابر حقوق، گسترش همکاری های متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر برقرار می نماید.

قطعنامه سیاسی مصوب کنگره ششم

مانمایندگان ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» که نشستمان در روزهای ۷ تا ۱۱ اسفند ماه ۱۳۷۸ و یک هفته پس از برآمد تاریخی مردم در جریان انتخابات مجلس برگزار شد. در پایان تصمیم گرفتیم نظر خود را پیرامون برخی موضوعات مبرم را که در مرکز توجه میلیون ها نفر از ایرانیان است اعلام بداریم و همگان را به مبارزه متحد برای تحقق آنها دعوت کنیم:

1- جمعی از فرزندان آزاده میهنمان توسط قوه قضاییه و بیدادگاه های تابعه آن ، به زندان افکنده شده اند. گروهی در خطر مرگ قرار دارند که از جمله آنها دانشجوی مبارز اکبر محمدی در انتظار اعدام است. از تعدادی چون رفیق علی توسلی کوچکترین اطلاع رسمی در دست نیست و گروهی دیگر چون امیر انتظام ، کدیور و عبدالله نوری به دلیل عقایدشان در زندان به سر می برند. کنگره این اعمال قوه ی قضاییه را مجکوم

می شناسد و خواهان آزادی بی قید و شرط همه زندانیان ایران است. کنگره حکم حصر خانگی آقای منتظی را که اکنون بیش از دو سال می گذرد، مغایر با حقوق بشر می شناسد و خواهان لغو فوری آن است.

2- عوامل وزارت اطلاعات به فرموده کسانی که هنوز نام آنان اعلام نشده طی ۲۰ سال اخیر دست به قتل های فجیعی زده اند که در سال گذشته گوشه هایی از آنها افشا شده است.

کنگره خواهان آن است که پرونده کامل این قتل های زنجیره ی فورا در اختیار وکلای مدافع مقتولان قرار گیرد، کمیته ملی حقیقت یاب در رابطه با پیگیری این پرونده تشکیل شود و کلیه آمرین و عاملین قتل های در یک دادگاه علنی صالحه محاکمه شوند.

۳- قانون احزاب باید در جهت انطباق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و پذیرش حق فعالیت آزاد همه احزاب تغییر کند. کنگره از نمایندگان مجلس ششم می خواهد هر گونه مانع در راه آزادی و فعالیت احزاب سیاسی کشور را از میان بردارند.

۴- مجلس شورای اسلامی با کمال تاسف در آخرین روزهای حیات خود شمار عظیمی از کارگران میهن مان را از شمول قانون کار محروم کرده است.

ما به شدت به این رای مجلس نعترص هستیم و لغو فوری آن را طلب میکنیم، کنگره همدردی خود را با کارگرانی که سرنوشت آنها گرفتار رای مرتجعین ضد کارگر شده است اعلام و لغو فوری این مصوبه را از مجلس در خواست می کند. کنگره از نمایندگان اصلاح طلبان مجلس ششم می خواهد که با صراحت مخالفت خود را با این مصوبه ضد کارگری را اعلام و از کارگران پشتیبانی کند.

۵- کنگره خواهان آن است که پرونده دزدی های کلان بنیاد مستضعفان در دادگاه های صالحه هر چه زود تر گشوده شود. کنگره از مجلس ششم می خواهد با تصویب قوانین ضرور راه فساد و غارت اموال عمومی در بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای چپاولگر زیر نظر رهبری را مسدود و آنها را تحت نظارت و کنترل دولت قرار دهند.

۶- کنگره هشدار میدهد که کندی پیشبرد روند اصلاحات داخلی و سیاست خارجی همراه باشتاب رشد بیکاری و تورم از یک سو اوضاع فاجعه بار مردم را بدتر و بدتر می کند و از سوی دیگر مردم را نسبت به تحولات مثبت دلسرد کرده و راه شکست خوردگان را برای میوه چینی می گشاید.

کنگره توجه اکید دولت آقای خاتمی را به شرایط طاقت فرسای معیشت مردم جلب می کند. کنگره از دولت انتظار دارد تورم بیکاری افزایشده را در مرکز توجه قرار دهد.

۷- در نیم قرن اخیر دولت ایالت متحده امریکارفتاری باکشور ما داشته که به اختلال جدی و سپس قطع روابط دو کشور پس از انقلاب و زیان های متقابل ناشی از وخامت روابط منجر گردیده است.

۸- رفتار خصمانه حکومت ایالات متحده امریکا علیه مردم ما و بر این زمینه اقدامات ماجراجویانه و غیر مسئولانه جمهوری اسلامی پس از انقلاب علیه این کشور، به قطع مناسبات دوکشور و زیان های متقابل ناشی از وخامت روابط منجر شده است. اگر چه اکنون اوضاع جهان و ایران دست خوش تحولات گردیده اما اختلالات جدی دوکشور همچنان لاینحل مانده است. به اعتقاد ما ابراز اراده از سوی جمهوری اسلامی برای برقراری مناسبات با امریکا و اقدام مثبت دولت امریکا در آزاد کردن دارایی ها و لغو تحریم اقتصادی ایران نیاز لحظه است.

ششمین کنگره سازمان از دولت آقای خاتمی می خواهد که مذاکره مستقیم با دولت ایالات متحده را آغاز کند کنگره هرگونه کار شکنی و توطئه علیه دولت از سوی نرتجعین برای جلو گیری از مذاکره را محکوم می کند.

پیام های

کنگره ششم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیام کنگره ی ششم سازمان به مردم ایران
پیام ششمین کنگره سازمان به اعضا و هوادارن
پیام ککنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به نمایندگان
اصلاح طلب مجلس ششم

www.iran-archive.com

کنگره ی ششم سازمان به مردم ایران

هم میهنان!

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» در فاصله دو جشن بزرگ ما ایرانیان برگزار شد. یک هفته پس از جشن عظیمی که شما در ۲۹ بهمن ماه بر پا کردید و در آن، متحد و آگاه یکبار دیگر به ارتجاع و استبداد، ((نه)) گفتید و نیز دیگر بار اراده سترگ خود برای تحقق آزادی و دموکراسی در کشور را نشان دادید، و سه هفته پیش از جشن نوروز که نشانه تازگی، شادی و امید به پیروزی در پیش ما ایرانیان است کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» این دو جشن را به شما هم میهنان شاد باش میگوید و با ستایش عظمت کار شما در پایانه سال ۱۳۷۸ سال نو را برای شما، سال کامیابی های بیشتر در راه غبه بر موانع اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشور آرزو می کند.

مردم آزاده ایران!

جنبشی که همه ما آغاز کرده ایم، جنبشی است بی بازگشت. ایران ما، دیگر نمی تواند به قیودات ارتجاعی و تحمیل های استبدادی بیست سال گذشته تن در دهد. ایران ما دیگر نمی خواهد در سیطره گروهی انحصار زلب که همه کشور را در خدمت خود می خواهند، قرار بگیرد. به یمن خیزش همگانی، استبداد ناچار از واگذاری مواضع خود است و همچنان سنگرهای مقاومت را یک به یک از دست خواهد داد. جوانان ما دیگر نمی خواهند مقهور حکومت سیاه ناله و ندبه باشند. آنها شادی می خواهند، آزادی می طلبند و کار و پیشرفت می جویند. زنان ما حاضر نیستند در برابر تحقیری که جنبه حکومتی و قانونی به خود گرفته است، سر بر زمین بسایند. زنان ما آزادی و برابری حقوقی با مردان را میخواهند و آن را هم مرحله به مرحله بدست می آورند. کارگران، کارمندان، هنرمندان، و فرهنگ سازان کشور در برابر استبداد دینی به پا خاسته و حتی اکنون بسیاری از اهل دین و مذهب نیز علیه حکومت ولایت فقیه هستند. در چنین شرایطی که اصلاحات، خواست عمومی است و مخالفت با ولایت فقیه به

تمایل همگانی بدل می شود. قطعی است که سیستم استبداد امریت و انتصاب مجبور به عقب نشینی دیرتر نظام سالاری جمهوری و انتخاب است. راه شمامردم، راهی بی بازگشت است. نیروهای آزادیخواه!

در این روزهای آستانه عید نوروز که کام همه ما از پیروزی بزرگمان شیرین است، بکوشیم تا این همدلی عمومی برای به فرجام رساندن مبارزه علیه آمران و عاملان قتل و پیگرد آزادیخواهان و علیه غارتگران اموال عمومی را از دست ننهیم. ایران برای همه ایرانیان است و هر گاه همه ی ایرانیان امکان یابند که با فکر خود، برنامه و سیاست های خود به شیوه ای که خود می پسندند در صحنه حضور یابند. آنگاه و فقط آنگاه است که اتحاد واقعی و پایدار مردمی در برابر بدخواهان مردم معنی خواهد یافت. ما در کنگره خود بر این حقیقت تاکید کردیم و اتحاد از این دست را راه پیشرفت جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه در کشور دانستیم. ما دست اتحاد را به سوی هر نیرو، جریان و فردی که در مبارزه علیه مستبدان انحصار طلب، خود نخواهد از نوع دیگری از استبداد پیروی کند و خود نخواهد که دست به نحوه دیگری از انحصار طلبی دست بزند، دراز می کنیم و یقین داریم که چنین اتحادی می تواند رهگشای مردم ما در ایجاد ایرانی آزاد و دموکراتیک باشد. ایرانی که در آن، همه توانها و خلاقیت ها برای پیشرفت، و ترقی کشور هزینه شود و ما طرفداران عدالت اجتماعی نیز بتوانیم بر زمینه این پیشرفت، در راه تحقق اهداف مردمی خود پیش برویم.

زنده باد جنبش عظیم مردم ایران در راه آزادی و اصلاحات

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

اسفند ماه ۱۳۷۸

پیام

ششمین کنگره سازمان

به اعضا و هواداران

رفقا!

ششمین کنگره ششم سازمان به یاری همه شما اعضا هواداران سازمان که از جان و جوانی خود مایه گذاشته اید تا سازمان را به این منزلگه رسانده اید، با موفقیت برگزار شد. این کنگره نیز همچون کنگره های پیشین، با عالم یک دقیقه سکوت به یاد همه یارانی که در بیست و نه سال گذشته در راه پاسداری از آرمانهای سازمان و برای تحقق اهداف آن جان باخته اند، آغاز به کار کرد. کنگره ششم ما، اگر چه همچون پنج کنگره پیشین متأسفانه در خارج از کشور برگزار گردید، اما خوشبختانه فضای کنگره تماما در تسخیر تحولات سیاسی شگرفی بود که در ایران ما در می نوردد. ما جای همه رفقای را که می خواستند ولی نتوانستند در این کنگره حضور یابند؛ خالی یافتیم؛ اما در طول پنج روز کار کنگره همواره دل نگرانی و چشم انتظاری این رفقا را مد نظر داشتیم.

دوستان سازمان در داخل کشور!

جنبش عظیم مردم ما برای عقب راندن نیروهای مرتجع و راسنگرا واراده ملی در کشورمان برای انجام اصلاحات در جریان انتخابات مجلس ششم بر آمد دیگری و اینبار برآمد قدرتمندی کرد و صحنه سیاسی کشور را به نحو تکان دهنده ای به سود آزادی، اصلاحات و پیشرفت تغییر داد. همگان اعم از مخالفان و با موافقان ما می دانند که شما در این حرکت مردمی چه میزان موثر بوده اید. شما با آگاهی از خصلت تحولاتی که طی این سالها در کشور جریان دارد، فعالانه در صحنه حضور یافته اید و با اتکا به اندوخته های غنی خود و با بکارگیری خلاقیت و ابتکار در روش کار، نقش خود را به نحو موثری ایفا کرده نموده اید. جنبش دوم خرداد، جنبش مردم برای آزادی و اصلاحات است و این جنبش قبل از همه بر نیروهایی تکیه دارد که از سالهای دور برای آزادی دموکراسی و پیشرفت مبارزه می کنند. کنگره نقش تحسین برانگیز شما دوستان خود در داخل کشور را در گسترش و تعمیق این جنبش می ستاید و به شما که هیچ چشم داشتی و در شرایط سخت، پیگیرانه به وظیفه خود عمل می کنید درود می فرستد. این شما و دیگر فعالان پیگیر دموکراسی هستید که می توانید و باید افق های وسیع تری را پیش روی جنبش بکشایند.

فعالان سازمان در خارج از کشور!

ما به جنبش عظیم مردمی در داخل کشور رنده ایم. ما ادامه حیات بالنده سیاسی خویش را مدیون حرکت زندگی ساز در جامعه هستیم. ما، در همانحال وظایف بس خطیری در قبال جنبش آزادی و اصلاحات در کشور داریم. ما باید نقشه ها و توطئه های مخالفان این جنبش را که با هر شکست و عقب نشینی چون حربا رنگ تازه ای به خود می گیرند؛ در گسترده ترین شکل عیان کنیم و به افکار عمومی جهان که اوضاع ایران را با حساسیت تعقیب می کنند بشناسانیم. ما باید قاطعانه از حقوق همه کسانی که به خاطر جانبداری از جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه جاری در کشور تحت فشار مرتجعان و راستگرایان حکومتی شده اند و می شوند دفاع کنیم. ما باید از هر حرکت و جنبش مردمی آزادیخواهانه و ترقی طلبانه و عدالت طلبانه، به هر طریق ممکن حمایت به عمل آوریم و در خدمت آنها باشیم.

رفقا!

کنگره ششم موفق شد سندی تحت عنوان ((اهداف سیاسی، پیشنهاد ها و سیاست های سازمان)) را، از تصویب بگذراند که راهنمای سمتگیری سیاسی ما در اوضاع و احوال جدید

است. این سند بیانگر آن است که فدائیان خلق با همه ی توان در راه گسترش و ژرفش جنبش اصلاح طلبانه گام بر می دارند. با ولایت فقیه و هر نهاد غیر انتخابی مخالف هستند، برای تغییر قوانین و مقررات ارتجاعی و ضد دمکراتیک می کوشند و از اصلاح طلبان حکومتی دعوت می کنند تا در راه اصلاحات گام های در خور جنبش مردم بردارند و در عمل به وعده های خود پیگیری نشان دهند و این سند زمانی ارزش واقعی خود را خواهد یافت که هر فدایی خلق و دوستدار سازمان، مفاد آنرا به میان مردم ببرد و آنرا در جنبش به راهنمای عمل تبدیل کند..

سازمان ما مانند سایر نیروهای اپوزیسیون، بیش از بیست سال است که از حضور قانونی و آزاد در داخل کشور محروم است. جمهوری اسلامی، این حق طبیعی ما را از ما سلب کرده است. کنگره سازمان، وقت زیادی را صرف این بحث کرد که، ما در شرایط جدید پدید آمده در کشور چگونه باید جویای استیفای این حق پایمال شده باشیم. اکنون که بخشی از حکومتیان اعلام کرده اند «ایران برای همه ی ایرانیان» اینک که در میان اصلاح طلبان حکومتی از «برگشت شرافتمندانه ایرانیان به داخل کشور» است، و حال که روندها در سمتی سیر می کند که پوچی نظریه «خودی و غیر خودی» بیش از پیش آشکار می شود؛ این اندیشه در میان ما قوت گرفته است که باید راهکارهایی یافت تا جمهوری اسلامی را به تامین حق حضور قانونی سازمان در داخل کشور وا داشت. کنگره سازمان، با عنایت به اینکه باید قوی ترین اراده در جهت اعمال این سیاست تامین شود، تصمیم گرفت که طی چند ماه آتی در این باره بحث های گسترده ی سازمان یابد و آنگاه در یک اجلاس وسیع و صاحب اراده سازمانی، نتیجه ی بحث ها به سیاست سازمان فرا بروید. کنگره همه ی اعضای سازمان را فرا می خواند که با همه توان در این بحث ها شرکت جویند و خود را برای این تصمیم گیری سیاسی آماده کنند.

رفقا!

کنگره ششم سازمان، موفق شد سندی را پیرامون نظر و مواضع سازمان در قبال مسئله ملی در کشورمان و ارائه راهکارهایی برای غلبه بر این معضل دیر پا تصویب کند. این سند می تواند مبنای مناسبی برای پیوند سازمان با جنبش های دمکراتیک و حق طلبانه در مناطق ملی کشور باشد و از این طریق توان دمکراسی در میهنمان " ایران را" افزایش دهد. کنگره همه ی دوستداران سازمان را فرا می خواند تا در تبلیغ و ترویج ایده ها و مواضع سازمان در زمینه حل مسئله ملی در کشورمان بکوشند.

رفقا!

ایران متحول ما در انتظار تحولات بزرگی است. بکوشیم تا سهم خود در این تحولات مثبت و سازنده را به شایستگی ایفا کنیم. کنگره ششم سازمان ملهم از عظمت جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه در کشور و با امید به آینده همه شما دوستداران سازمان دعوت می کند که دست در دست دیگر نیروها و جریان های آزادیخواه و با گام های استوار در مسیر جنبش سرنوشت ساز کنونی پیش بروید. کنگره از شما دوستداران سازمان که عمری را در راه اهداف جنبش چپ و در راه سوسیالیسم و عدالت اجتماعی طی کرده اید، برای متشکل کردن کارگران و زحمتکشان در ایفای حقوق شان و در تقویت جنبش مردمی علیه زور گویان و غارتگران بکوشید. پیروز باشید

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیام

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

به نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم

نمایندگان اصلاح طلب دوره ششم مجلس شورای اسلامی!

ما اعضای کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» که از روز ششم اسفند ماه همایش رسمی خود را آغاز کرده و هم اینک آنرا با حضور بخشی از نمایندگان دیگر احزاب و جریانهای فکری- سیاسی اپوزیسیون ادامه می دهیم، تصمیم گرفتیم تا نظر به اهمیت لحظه ی تاریخی که همه ی ما در آن قرار داریم، از طریق صدور پیام، با شما سخن به نیکخواهی

بگشاییم و آرزو کنیم که شما در عمل به مسئولیت بزرگی که مردم بر دوش شما قرار داده اند سرفراز از آزمون در آیید.

بیش از هر چیز، با مسرت بسیار، پیروزی بزرگ مردم کشور علیه مقاومت تمامیت خواهان حکومتی در جریان انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی را به شما که در تحقق این پیروزی ملی نقش داشتید، شادباش می گوئیم. میزان کامیابی و محبوبیتی که شما در این چند سال بدست آورده اید، متناسب است با حد چهره نمایی شما در عرصه اصلاح طلبی و تحول خواهی، و لازمه حفظ و ارتقای آن نیز، همانا پاسبندی و پیگیری شما در این عرصه می باشد.

آنچه که در روز ۲۹ بهمن ماه رخ داد؛ نه یک انتخابات معمولی که در عمل یک رفتارند تاریخی بود. درست در شرایطی که همه دگر اندیشان و نیروهای آزادیخواه مخالف و منتقد ولایت فقیه از شرکت در انتخابات محروم شدند و درست در وضعیتی که بخش عمده ای از شاخص ترین چهره های اصلاح طلبان حکومتی با کاربست زوش های انحصار طلبانه و بویژه در نتیجه عملکرد زورمدارانه شورای نگهبان از ردونه انتخابات دور ماندند، مردم سرشار از انگیزه تحول جویی و امید به تحول در کشور، یکبار دیگر هم چون دوم خرداد و اینبار در فرازی بمراتب بالاتر، دست به اعمال اراده زدند. مردم به دخشتاترین وجه به اقتدار جویان و خشونت گرایان «نه» گفتند و با صراحت تمام پیام های آزادیخواهانه؛ تحول طلبانه و مسالمت جویانه خود را هم به شما و هم به مخالفان شما در حکومت رساندند. وعده های انتخاباتی اصلاح طلبانه و بویژه شعار «ایران برای همه ی ایرانیان» که جبهه مشارکت اسلامی آنرا به درستی به پرچم مبارزاتی انتخاباتی خویش بدل کرد، بالاترین سطح از ابراز اعتماد مردم از آنها را به نمایش گذاشت و امکان فراهم آورد تا مردم به این وسیله نفرت سیاسی خود را از بیست سال استبداد؛ تبعیض و قتل های آشکار و پنهان نشان دهند. از قاطعیت مردم ما همین بس که در تهران حتی یک نفر از اقتدار گرایان را نگذاشتند به مجلس راه یابد و از شفافیت تصمیم آنان این یک نشانه بس که کسی را که مدعی اصلاح بود اما در صدر لیست محافظه کاران و اقتدارگرایان جا گرفت، به آخر جدول راندند و اثبات کردند که به هیچ وجه رو با کسانی که پیام جامعه مدنی را نگرفته اند و از توسعه سیاسی چیزی نفهمیده اند کنار نخواهند آمد.

نمایندگان اصلاح طلب دوره ششم مجلس!

امروز در نتیجه بر آمد تاریخی مردم ایران، تغییرات بزرگی در صحنه سیاسی کشور صورت گرفته و تحولات باز هم بزرگتری پیش روی جامعه ما است. اگر دوم خرداد سال ۱۳۷۶ تجلی برگشت ناپذیری روند تحولات در جامعه بود، ۲۹ بهمن ماه سمبل شتاب گیری این روند است. اکنون دیگر هیچ کس نمی تواند در انجام رفرم ها تاخیر ورزد و تعلل جوید و نرفتن پای اصلاحات جدی و ضرور را با سرعت و بزرگ بودن موانع توجیه کند. ۲۹ بهمن ماه نشان داد که اصلاحات در کشور، خواست قاطع اکثریت عظیم مردم ایران است و اصلاح طلبی نیروی خود را از همه جامعه می گیرد و در همه جای کشور نیرو دارد. اینک به یمن دخالت تاریخی مردم، تیز هوشی و تلاش شور انگیز زنان و جوانان ایرانی دومین سنگر بزرگ اقتدار گرایان تسخیر شده و راه برای وضع قوانین ضرور باز شده است. حال شرایطی فراهم آمده است که لویح اصلاح طلبانند از سوی دولت آقای خاتمی با طرح های اصلاح طلبانه از طرف مجلس ششم تکمیل شود این شماست که به دلیل برخورداری از اهرم قدرت قانونگذاری، می توانید و باید بی هیچ درنگی دست به کار شوید و به وعده هایی که به میلیونها مردم تشنه آزادی اصلاحات داده اید عمل کنید. در این راستا، اتخاذ تدابیر قانونی توسط شما برای حل مسایل فوری زیر ار اولویت ویژه برخوردار است:

- تامین فعالیت آزادانه احزاب و سازمانهای سیاسی.
- آزادی زندانیان سیاسی و منع پیگرد نیروهای سیاسی.
- تشکیل کمیته ی حقیقت یابی ملی برای رسیدگی به قتل های زنجیره ای.
- تضمین انتشار آزادانه ی مطبوعات و لغو همه ی قوانین و مقررات آزادی ستیزانه که مانع از آزادی مطبوعات هستند.
- تغییر قانون انتخابات و لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان..
- الغا قوانین نغایر با اصل برابر حقوقی زنان با مردان.گ
- تامین شرایط بازگشت مهاجرین سیاسی..
- انحلال دادگاه ویژه ی روحانیت و دادگاههای انقلاب و رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاههای عام با حضور هیئت منصفه.
- تغییر قوانین و ساختار قوه قضاییه جهت تطبیق آنها با موازین حقوق بشر بر پایه برابر حقوق شهروندان.

- پیگیری سیاست خارجی صلح جویانه و مبتنی بر منافع ملی و اقدام برای برقراری رابطه ی سیاسی با امریکا.

ما فداییان خلق ایران اکثریت» اعلام می کنیم که از هر گام شما در این راستا ها پشتیبانی خواهیم کرد و در همان حال با تاکید مستمر بر مسئولیت شما در عمل به خواسته های فوری مردم و تحقق وعده هایی که داده اید شما را با عملتان خواهیم سنجید. موفق باشید

کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

نهم اسفند ماه ۱۳۷۸

www.iran-archive.com

پیام های

سازمانها و احزاب خارجی

به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیام حزب سبز های سوئد

پیام حزب سبز های فرانسه

پیام حزب کمونیست فرانسه

پیام حزب کمونیست کانادا

www.iran-archive.com

پیام

حزب سبز های سوئد

تبریکات حزب سبز سوئد به سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

حزب سبز سوئد آرزوی برقراری آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در ایران را دارد. آخرین نتایج انتخابات در ایران نشان داد که کشور به سمت قانون و دموکراسی می رود. در روز ۱۸ فوریه مردان و زنان ایرانی برای تغییرات و رفرفرم به پای صندوق های رای رفتند.

امیدواریم که این فقط آغاز گر شروع رفرفرم و پروسه آن باشد. حکومت ضد دموکراتیک و مذهبی رو به پایان است. باید برنامه ای نو برای انتخابات نمایندگان واقعی بوسیله مردم و برای مردم ارائه دهند.

حزب سبز در سوئد آرزوی موفقیت برای حاضرین در کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» و آرزوی موفقیت در کار و پیکار برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران دارد. از طرف حزب - ارسال مولار

پیام

حزب سبز های فرانسه

دوستان عزیز،

برگزاری کنگره شما حدودا چند روز بعد از انتخابات ششمین دوره مجلس قانون گذاری در ایران خود بخود دارای اهمیت ویژه می باشد
این انتخابات که دارای اهمیت استراتژیک بود و بین نیروهای هوادار اصلاحات از یک طرف و نیروهای ارتجاعی از یک طرف دیگر صف بندی ایجاد گردیده است.
شرایط نوین و داده های جامعه ایران دیگر مثل گذشته نیست.

جمعیت ایران دو برابر شده و ۶۰٪ ایرانیان کمتر از بیست سال دارند و هیچ سیستم حکومتی دیگری را به چشم خود ندیده اند. جوانان ایران خواهان تحولات جدی می

باشند. این نیروی جوان خواست های خود را وسیعاً در ماه ژوئیه ۱۹۹۹ بیان و اعلام کردند که دیگر خواهان ادامه حیات تحت رژیم های توتالیتر نیستند.

سرانجام مبارزه برای دست آورد های دمکراتیک یک آزمایش بزرگ برای نیروهای اصلاح طلب در حکومت خواهد بود. این نیروها اگر نتوانند برای آزادی های پایمال شده و حقوق دمکراتیک مردم دست به اقدامات جدی بزنند و جلوی نیروهای سرکوب قد علم کنند، قادر نخواهد بود این محبوبیت خود را حفظ کنند.

برخورد با حقوق زنان و حقوق خلق کرد از مسایل خیلی جدی می باشند.

برابری حقوق زنان در نظام تمامیت گرای فعلی در ایران غیر قابل تحمل است.

ژاکوبینسم افراطی حقوق خلق ها را نفی می کند مختص رژیم ایران نیست. در ترکیه و عراق شاهد برخورد رژیم های این دو کشور در رابطه با خلق کرد ساکن آنها که فقط با اعمال خشونت پاسخگوی خواست های آنها است. نیروهای مترقی و دمکرات ایرانی هم باید حمایت از این مبارزات را در دستور کار خود قرار دهند.

بدون پذیرش خود مختاری، بدون قبول فدرالیسم، ایران همیشه با این خطر مواجه خواهد بود که بین دو شکل دیکتاتوری فعلی جمهوری اسلامی و یا قبلی یعنی دیکتاتوری ساواک- شاه دور بزند.

دوستان عزیز!

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» واٹ یک سنت مبارزاتی چپ ایرانی است و این از افتخاراتش است. سازمان شما در حال مدرنیزه کردن پایه ها و اساس این چپ در جامعه ایران است. برای تکمیل این نوسازی توجه جدی به فمینیسم و اکولوژی از اهمیت جدی برخوردار می باشد. اکولوژی سیاسی اگر یک واقعیت سیاسی در ایران امروز نباشد، ولی مسایل حیاتی رادر کشور شما مطرح می کند که جمعیت آن در ۵۰ سال آینده دو برابر خواهد شد. این مسئله معضلات جدی محیط زیستی شهری خیلی جدی به ویژه بعد از جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج را برای کشور شما و منطقه که با باران های اسیدی و مواد خطرناک دیگر و هم چنین مسئله ی حیاتی آب که یک

مشکل اساسی ژنو پولیتیک در منطقه ی خاور میانه خواهد بود را در بر دارد. مطمئن هستیم که شما با اتحاد و همکاری با نیروهای اکولوژیست(هوادر محیط زیست) که حتما در دمکراسی آینده ی ایران اظهار وجود خواهند کرد، وارد همکاری های جدی خواهید شد.

همکاری ما در اروپا با هم می تواند در راستاهای یاد شده بالا موثر باشد
دوستان عزیز!

با امید به اینکه بتوانیم به عنوان میهمان در کنگره ی آتی سازمان شما که بطور کاملا عینی در تهران برگزار شود شرکت کنیم.

زننده باد همستگی بین المللی

با تقدیم احترامات برادرانه

پاتریک فریباز رئیس کمیسیون بین المللی حزب سبزها

فوریه ۲۰۰۰

پیام

حزب کمونیست فرانسه

از حزب کمونیست فرانسه

به رهبری سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

از طرف دپارتمان سیاست بین المللی - اروپا

بدین وسیله شادی و مسرت و سلام برادرانه خود را برای بیست و نهمین سال تولد و

تاسیس سازمان شما و برگزاری ششمین کنگره سازمانتان اعلام می کنیم

در جریان کامل مبارزات نیروهای دمکرات ایرانی بویژه سازمان شما فدائیان خلق ایران- اکثریت برای دمکراسی و آزادی و عدالت اجتماعی در ایران قرار داریم. این مسائل که هسته ی مرکزی انتخابات اخیر ششمین دوره مجلس قانون گذاری ایران نیز می باشد، محور اصلی مبارزه برای امیدها و آرزوها و آماج مردم ایران است که بیشتر از بیست سال اختناق سیاسی و اجتماعی رژیم دیکتاتوری را تحمل کرده اند. حزب کمونیست فرانسه به شما اطمینان می دهد که در این مبارزه از شما حمایت می کند و خود را در کنار شما احساس می کند.

یک بار دیگر هم بستگی خود را به شما اعلام می کنیم و برای تان آرزوی موفقیت داریم. حزب کمونیست فرانسه

۱۶ فوریه سال ۲۰۰۰

حزب کمونیست کانادا

رفقای گرامی:

از طرف حزب کمونیست کانادا، صمیمانه ترین شادباش های خود را به مناسبت برگزاری ششمین کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» ارسال می داریم و آرزوی موفقیت راهتان در جهت توسعه دموکراسی و بازیابی حقوق دموکراتیک مردم ایران و پیروزی سوسیالیسم برای توده های مردم را داریم.

شما در شرایط بسیار حساس و پیچیده ای در کشورتان کنگره خود را برگزار می کنید. مبارزه در راه قانونی کردن فعالیت احزاب که از طرف رژیم غیر قانونی اعلام شده است. از اهم کارهای حساس در این کنگره است آنطور که مطلع هستیم از جمله اهداف شما در حال حاضر همچنین طرد جریان ضد اصلاحات و خشونت طلبی از حاکمیت است. در این راه افزایش همستگی و پشتیبانی جهانی در دفاع از نیروهای مدافع دموکراسی در کشورتان از اهمیت اساسی برخوردار است. کمونیست های کانادایی در حمایت و پشتیبانی از این خواست مردم شما و نیروهای مترقی از هیچگونه اقدام کوتاهی نمی نمایند. شما پشتیبانی تمامی احزاب کمونیست و نیروهای مترقی در جهان را در پشت سر خود دارید.

به این جهت روابط بین ما به عنوان حزب کمونیست کانادا و شما به عنوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یک رابطه ی زنده و صمیمانه خواهد بود.

ما اعتقاد داریم که تعادل قوا در سطح بین المللی به نفع زحمتکشان است. حزب کمونیست کانادا اعتقاد به ایجاد جبهه متحد دموکراتیک ضد امپریالیستی به مثابه یک استراتژی فوری در جهت طرد امپریالیسم و ارتجاع جهانی دارد.

حزب کمونیست کامادا امیدوار است با تشکیل جبهه مردمی قدرتمندی متشکل از تمامی نیروهای انقلابی و مترقی کشورهای جهان این مبارزه را پیش برد. در حال حاضر در کانادا مبارزه برای دموکراسی و مخالفت با لیبرالیسم نو در جریان است.

در مبارزات سیاتل هزاران کانادایی از اتحادیه ها و سازمانهای مترقی مردمی در اعتراض به فعالیت های سازمان تجارت جهانی حضور گسترده داشتند. به نظر ما سیاتل نقطه عطف مبارزات مردمی علیه جهانی شدن سرمایه است که ما را از یک وضعیت تدافعی به موضع حمله هدایت نمود و مبارزه علیه متمرکز شدن سرمایه، در حال رشد و پیشروی است.

اما از جمله دیگر مسایل محوری در کانادا مسئله کبک است. دولت فدرال کانادا به جای یافتن یک راه حل دموکراتیک در این قضیه به وضع قوانین علیه فرانسه زبانان یک تهدید جدی در ایجاد نا امنی و گسترش اعتراضات خشونت بار را دامن می زند. راه حل دموکراتیک ایمن قضیه کوشش در راه ایجاد یک قانون اساسی نوین است که در آن ایالت کبک با رفع تبعیضات کنونی با حق خود مختاری کامل به رسمیت شناخته شود. این چنین حقوقی باید متضمن حق داوطلبانه شراکت کبک با بقیه مردم کانادا مانند مردمان اصلی بومی و انگلیسی زبانان باشد.

کمونیست های کانادایی، هم در کبک و هم در قسمت های انگلیسی زبان سعی در اتحاد نیروهای زحمتکش دارند. چنین اتحادی تنها متضمن یک کانادای دموکراتیک با آینده ی سوسیالیسم است.

رفقا در خاتمه ما صمیمانه ترین درودهای خود را به کنگره ششم شما ابراز می داریم و موفقیت های روز افزون شما را در ادامه کارتان در جهت برقراری سوسیالیسم در ایران خواهانیم.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم

زنده باد همبستگی پرولتاریایی جهانی

زنده باد روابط دوستانه و صمیمانه ما بین سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» و حزب

کمونیست کانادا

بادرودهای رفیقانه

الیزابت رولی

مسئول کمیته ی اجرایی حزب کمونیست کانادا

www.iran-archive.com

کنگره هفتم

کنگره هفتم

اسناد کنگره هفتم "یاد یاران یاد باد"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سند مشی سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

مصوب کمیسیون منتخب کنگره هفتم

گزارش هفتمین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

کنگره "یاد یاران یاد باد"

ضمائم و گزارش و پیام ها

پیش نویس اسناد کنگره هفتم

سند مشی سیاسی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

مصوب کمیسیون منتخب کنگره هفتم

توضیحی پیرامون سند مشی سیاسی منتخب کنگره هفتم

کنگره هفتم سازمان در آخرین ساعات پایانی کار خود با انتخاب یک کمیسیون ۹ نفره، به این کمیسیون وظیفه داد تا بر پایه مفاد اسناد سیاسی مد نظر کنگره در عرصه تدوین مشی سیاسی را به اتمام رسانده و حاصل کار را خد اکثر تا یکماه انتشار دهد. کمیسیون منتخب ارگ چه امکان نیافت تا تحریر و تصویب سند سیاسی را در زمان مقرر به انجام رساند معهدا با کسب موافقت شورای مرکزی برای تمدید وقت، سرانجام موفق شد سندی را تهیه کند که از تصویب همه ی اعضای کمیسیون بگذرد. آنچه در زیر می آید، نتیجه کار کمیسیون منتخب کنگره هفتم است.

نگاه راهنمای ما در تدوین مشی سیاسی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» با تأکید مجدد بر مفاد اسناد مصوب کنگره پنجم تحت عنوان «دیدگاه ها و آماج» و «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی» و اسناد مصوب کنگره ششم در همین زمینه ها بار دیگر اعلام می کند:

مدافع حقوق بشر، دموکراسی، پیشرفت، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم است، و بر این پایه علیه هرگونه ستم طبقاتی، جنسی، ملی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می کند. حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده ی مردم می داند، و به محدودیت زمانی قدرت، به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز آن، و به حزبیت و نظام چند حزبی معتقد است. استقرار حکومتی دموکراتیک و لائیک در شکل جمهوری را نیاز دیرینه و مبرم مردم ایران است، هدف خود قرار می دهد و بعنوان اپوزیسیون چپ دمکرات بر آن است تا این هدف از راه مسالمت آمیز تحقق یابد.

در حکومت دموکراتیک دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی جدا است و در آن، آزادی و جدان و حق فعالیت های سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می شود. راه حل های پیشنهادی در زمینه سیاست را بر اساس تحلیل اوضاع مشخص و سمتگیری های اجتماعی خویش عرضه می کند و میکوشد سیمای یک سازمان چپ ملی، دموکرات، نوگرا و سکولار را در مواضع سیاسی خود باز تاب دهد.

سیاست ما

تغییر قانون اساسی برای حذف ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه

طرد نهاد های انتصابی، دموکراتیزه کردن نهاد های انتخابی!

* در راستای پاسخ به نیاز جامعه برای دستیابی به مردم سالاری، حذف ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و تغییر بنیادی قانون اساسی بر پایه منشور جهانی حقوق بشر ضروری است. ما برای این ضرورت مبارزه می کنیم.

* ما خواهان حذف نهاد های غیر منتخب برخاسته از ساختار سیاسی ولایت فقیه هستیم و برای انتخابی و دموکراتیزه کردن همه ی نهاد های حکومتی مبارزه می کنیم، ما در عین حال از

کوشش برای کاستن و کم اثر نمودن نقش نهاد های انتصابی و تقویت موقعیت نهاد های انتخابی در برابر آنها، حمایت به عمل می آوریم.

* افشای برنامه ها، سیاست ها و اقدامات نهاد ولایت فقیه و ارگان های منصوب و وابسته آن به مثابه مانع اصلی پیشرفت اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مقابله با آنها در صدر وظایف سیاسی ما قرار دارد.

* ما افشای نقش سرکوبگرانه ی قوه ی قضائیه، وابستگی این قوه به باند ثروت و قدرت، و تعلق آن به نهاد ولایت فقیه را از جمله وظایف خود میدانیم و در پاسخ به ضرورت ایجاد یک دستگاه قضایی دموکراتیک و مستقل، بر مبنای قوانین عرفی، پیگیرانه مبارزه می کنیم.

* سیاست های راهبردی و کاربردی و شیوه های تاکتونی اصلاح طلبان حکومتی در پیشبرد جنبش اصلاحات به شکست رسیده و آنرا به رکود کشانده است. به باور کا شکست تاکتیک های سیاسی آنان همچون «آرامش فعال» و بن بست پروژه سیاسی مردم سالاری دینی به معنای استقرار دموکراسی در عین حال حفظ حکومت مذهبی، اینک به امری آشکار تبدیل شده است.

* ما انتقاد از ناپیگیری های اصلاح طلبان حکومتی و نقد مستمر اندیشه ها، برنامه ها و سیاست های آنان را جزو وظایف جاری سیاسی خود تلقی می کنیم و در این میان بر نقد اندیشه و شعار غیر دموکراتیک «مردم سالاری دینی» و روشنگری پیرامون آن تاکید داریم. ما ضمن استقبال از هر اقدام مثبت اصلاح طلبان حکومتی و دینی در راستای تعمیق مبارزه دموکراتیک مردم، و استقبال از هرگونه کوششی که تغییرات در قانون اساسی را در سمت ترقیخواهانه پی بگیرد، آنها را به انجام اقدامات زیر فرا می خوانیم:

نقد میراث خمینی و فاصله گیری از آن.

دفاع از آزادی فعالیت جریانهای سیاسی غیر حکومتی.

و عمل به شعار «ایران برای همه ی ایرانیان»

* ما برای تقویت سیاست رادیکال در جنبش اصلاحات تلاش می کنیم و خنثی کردن گرایش های محافظه کارانه در میان اصلاح طلبان و تقویت موقعیت مدافعان اصلاحات پیگیر را یک ضرورت تاخیر ناپذیر می شناسیم.

* نیروی سوم به عنوان بخش مهمی از جنبش مردمی اصلاحات از پراکندگی رنج میبرد و لذا قادر به تاثیرگذاری جدی بر تحولات سیاسی کشور و بر روند اصلاحات نیست. ما سازمان یابی

نیروی سوم (جمهوری خواه و دموکرات) و تقویت موقعیت آنرا برای جنبش اصلاحات و تحول دموکراتیک در کشور امری مبرم می دانیم و برای تحقق آن تلاش می کنیم. در همین راستا، سازمان ما در جهت بسط مناسبات مبتنی بر همکاری و اتحاد با نیروهای لائیک، دموکرات و چپ و ایجاد زمینه اتحاد وسیع این نیروها می کوشد.

* جنبش اصلاحات برای برون رفت از رکود و پیشروی هیچ راهی جز اتکا بر مردم و مشارکت جنبش های اجتماعی و نهاد های مدنی در مبارزه جاری ندارد. در همین راستا ما بر بهره گیری از راهکار های همه پرسی (رفراندوم) بعنوان یک اقدام همراه با ارادی عمل، تاکید داریم.

* ما عدم تمکین به قوانین ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی را حق مسلم مردم و نیاز مبرم لحظه می دانیم و مردم را به نافرمانی مدنی دعوت می کنیم. ما گسترش حرکات اعتراضی مسالمت آمیز از جانب جنبش های اجتماعی و نهاد های مدنی را شرط ضرور پیشرفت روند اصلاحات و در خدمت مبارزه برای خذف ولایت فقیه می شناسیم. تلاش برای سازمان یابی مبارزات مردم و سمت دهی ابن مبارزات، جزو وظایف جاری ما است.

ما از مبارزه شهروندان برای تحقق موازین دموکراتیک، حقوق فردی و سیاسی و اجتماعی شان حمایت کرده و از رفع موانع شکل گیری نهادهای مدنی و سازمان یابی گروه های مختلف اجتماعی دفاع می کنیم. ما علیه کاربست قهر در قبال حرکات اعتراضی و مطالباتی مردم هستیم.

* ما در راه موجودیت رسانه ها و مطبوعات آزاد و مستقل، حضور روزنامه نگاران آزادیخواه، آزادی گروه های دانشجویی و استقلال تشکل های آنها که جملگی از ارکان دموکراسی در کشور و از الزامات پیشرفت روند اصلاحات هستند، مبارزه می کنیم.

* از نظر ما، تامین حق فعالیت آزاد، علنی و قانونی احزاب سیاسی در کشور ما که از ضعف سنت های دموکراسی حزبی رنج می برد، برای تامین دموکراسی و نهادینه کردن آن، دارای اهمیت حیاتی است. به باور ما دولت ملتزم است این حق را تامین و تضمین نماید. سازمان ما برای حصول این حق پیگیرانه فعالیت می کند.

* ما مدافع حق روشنفکران در آفرینش های هنری و فرهنگی فارغ از سانسور و پیگرد حکومتی هستیم. ما با تاکید بر نقش مهم روشنفکران در جنبش روشنگری، از مبارزه آنان در کسب حقوق خود پشتیبانی کرده و فعالیت آنها را ارج می نهیم.

* دفاع از حقوق زنان ایرانی و در قدم نخست تلاش در راه حذف قوانین زن ستیز، مبارزه با فرهنگ سلطه بر زن و به رسمیت شناختن تشکل های مستقل زنان، از الزامات دموکراسی است. ما برای تحقق حقوق زنان مبارزه می کنیم.

* ما مدافع آزادی های فردی و اجتماعی جوانان، خواهان مشارکت آنان در حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور و حامی تجمع های جوانان برای ابراز شادی، اعتراض و بیان مطالبات دموکراتیک آنان در این گردهم آیی ها هستیم.

* افشای سیاست های فریبکارانه ی تمامیت گرایان و نقد سیاست های دولت در عرصه مسائل ملی کارگری، دفاع از جنبش اعتراضی کارگران و کوشش در جهت پیوند آن با جنبش دموکراتیک و سیار جنبش های اجتماعی، حمایت از مطالبات و حقوق کارگران و تلاش آنها برای ایجاد تشکل های سراسری و مستقل کارگری و پایان دهی به سلطه ی خانه کارگر بر تشکل های موجود و نیز رسمیت یافتن حق اعتصاب کارگران از عمده ی وظایف ما است.

* تامین خواسته های سیاسی اقتصادی فرهنگی و اداری اقلیت های ملی و مذهبی، نیاز مبرم برای تحقق مشارکت تمامی مردم ایران در راه ساختمان دموکراتیک میهن مشترک ما و عامل یاری رسان به توسعه هرچه بیشتر پایه اجتماعی جنبش اصلاحات و دموکراتیزه کردن کشور است ما با تاکید بر عدم تمرکز در ساختار سیاسی اداری کشور به مثابه کلید حل مسئله ی ملی در کشور، برای تحقق مصوبه کنگره ششم سازمان خود در این راه مبارزه می کنیم.

* ما بر ضرورت مبارزه با فساد مالی و اداری در هر سطح و در هر دو جناح از حکومت، مقابله با پدیده ی رانت خواری، اقدام برای حسابرسی ثروت وابستگان حکومت و «آفازاده ها» و زیر کنترل قرار گرفتن «بنیاد کستضعفان»، تولید آستان قدس رضوی» و دیگر نهاد های مشابه، ادغام نهاد های موازی و انحلال ارگان های زاید که منابع عظیم تغذیه مالی و سیاسی تمامیت گرایان را تشکیل می دهند، پای می فشاریم.

* ما پیگیرانه بر اتخاذ یک رشته تمهیدات عاجل اقتصادی به سود اقشار زحمتکش و توجه فوری به خواست های برحق زحمتکشان، آموزگاران و کارکنان کم درآمد دولت تاکید می ورزیم و در همین راستا، خواهان کاهش سریع نرخ بیکاری از طریق تمهیدات اقتصادی ضرور هستیم.

* در موقعیت بحرانی و تنش آلود منطقه و در شرایطی که کشور ما با تهدید نظام روبرو است، ما بر اتخاذ بیدرنگ یک سیاست خارجی ملی و صلح آمیز تاکید داریم. ما موکدا اعلام می داریم که راه نجات کشور ما از وقوع فجایع ناشی از ارتقاع احتمالی بحران به سطح جنگ، نه از بگو - مگو های پشت در های بسته بارگاه ولایت فقیه که از تفکیک صریح سیاست های ملی از نقشه های فقهاتی می گذرد. لازمه ی مقابله با جنگ افروزان آمریکایی، مخالفت با توطئه های نیرو های مجتمع در زیر علم ولایت فقیه است. ما یادآور می شویم که شرط تامین نیرو های اجتماعی برای هر مشی سیاسی ملی، شفافیت و علنیت و شرط تضمین صحت سیاست ملی، اتکا به نظرات کارشناسان میهن دوست است.

راهکارهای پیشنهادی ما برای پیشرفت جنبش اصلاحات

در عرصه سیاسی، اجتماعی و حقوقی

بیرون آمدن مطبوعات مستقل و منتقد از محاق توقیف، اصلاح قانون مطبوعات برای انتشار آزادانه روزنامه ها و نشریات و لغو سانسور، تامین آزادی بی قید و شرط، قلم، بیان، اجتماعات و تظاهرات، تحقق آزادی های فردی و اجتماعی و اعلام ابطال هر نوع ممنوعیت در این زمینه. غیر قانونی اعلام کردن زندانی شدن شهروندان به دلایل سیاسی عقیدتی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، اعلام غیر قانونی بودن زندان های مخفی و منع پیگردهای همگانی. رفع موانع بازگشت امن مهاجران به کشور و تامین حق رفت و آمد آزادانه و بی قید و شرط ایرانیان به داخل و خارج و افشای موانع اعمال شده از سوی ازگان های امنیتی تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی، تشکل های دموکراتیک و صنفی و حمایت از سازمان یابی گروه های اجتماعی و نهاد های مدنی و تقویت آنها. الحاق بی قید و شرط کشور ما به مطالبه دموکراتیک و انسانی لغو اعدام، اعلام ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی، ابطال کلیه قوانین جزایی اسلامی نظیر سنگ سار، قصاص و حد و

مخالفت صریح با هرگونه اعمال تبیض علیه پیروان هر اندیشه و مکتب فلسفی و تبعیض مذهبی در کشور علیه سنی ها، مسیحیان، یهودیان، بهایی ها، و هرفرقه ی دینی دیگر. لغو نظارت استصوابی» و بازنگری در قانون انتخابات با هدف تامین و تضمین حق مشارکت تمامی نیروهای سیاسی کشور، انحلال «نهادهای گزینش»، شورای عالی انقلاب فرهنگی»، دادگاه ویژه روحانیت»، دادگاه انقلاب» و تامین حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور. لغو نظارت ولایت فقیه بر قوه ی قضائیه و دموکراتیزه کردن ساختار آن بر پایه انتخابی بودن مسئولان ارگانهای این نهاد.

پافشاری بر حضور و شرکت هئیت منصفه مستقل در باصلاح دادگاههایی که علیه سیاسیون و مطبوعات جریان دارد.

لغو نظارت ولی فقیه بر صدا و سیما و سامان دهی اداره ی دموکراتیک، مستقل و بدون سانسور آن

تامین حق دسترسی کلیه شهروندان به اخبار و اطلاعات و تامین گردش آزادانه آنها. تغییر قوانین ناعادلانه در عرصه ی حقوق زنان و در زمره ظانها لغو همه مقررات تحمیلی برای پوشش اجباری، دفاع از انتخاب آزادانه پوشش، رفع ممنوعیت سفر و اشتغال از زنان و العا هرگونه ممانعت از شرکت آنان در فعالیت، مسئولیت ها و مجامع سیاسی، فرهنگی ورزشی و اجتماعی.

لغو هرگونه مقررات فقهی در برابر فعالیت جوانان و پاسخگویی به نیاز های جوانان و نوجوانان اعم از آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی.

کنار گذاشتن سیاستهای ضد کارگری از سوی هر نهاد رسمی کارگری، در جمهوری اسلامی که باشد و به رسمیت شناختن حق تشکل مستقل زحمتکشانش یدی و فکری. . تحقق نیازهای نوجوانان و جوانان در عرصه های آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی.

حمایت از حق دانشجویان برای میتینگ، تظاهرات و اعتصاب، احترام به استقلال جنبش دانشجویی، و دفاع از اصل تکثر در این جنبش.

تحقق این اصل حقوق بشری در کشور ما که: دین و مکاتب فلسفی باید از دستگاه آموزشی جدا باشند.

احیا گسترش و ارتقای نقش شورا های محلی در مشارکت امور و نظارت بر اداره مناطق بمتابه یکی از مجاری مشارکت اجتماعی مردم در روندهای جاری کشور.

به رسمیت شناختن و تحقق حق آموزش به زبان مادری آذربایجانی ها ، بلوچ ها، ترکمن ها، عرب ها، و کرد ها، سپردن مسئولیت های محلی به اهالی بومی، سرمایه گذاری در جهت تربیت کادرهای ملی برای اداره یامور محل، اتخاذ سیاست های مالی ویژه برای رشد اقتصادی این مناطق، اعلام ممنوعیت تبلیغات نفاق افکنانه و تحقیر آمیز از رسانه های جمعی حکومت علیه هر ملیت از کشور ما، سازمانیابی بحث و گفتگو در مورد گزینه ها در این زمینه.

ارائه ی برنامه ی عمل برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست و همراهی با مدافعان آن برای فرارویاندن حفظ محیط زیست به جنبشی فراگیر.

اعلام برنامه برای کاستن از نابسامانی اجتماعی (ارتشاء اعتیاد، فحشا، خود کشی، خشونت و جنایت و)

پی ریزی و اعلام سیاست خارجی فعال بر اساس منافع ملی، پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و رفع تنش بین ملل و کشورهای جهان، تلاش برای ایجاد و تحکیم مناسبات دوستانه و برابر حقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه، محکوم کردن تروریسم و فاصله گرفتن از جریان های افراطی و بنیاد گرا دفاع از «دولت خود گردان فلسطین» که می خواهد از طریق مذاکره دولت مستقل فلسطین را در جوار دولت مستقل اسرائیل بنا کند، عذم مخالفت با موجودیت دولت اسرائیل ، برقراری مناسبات نزدیک با کشورهای اروپا و مذاکره مستقیم و علنی با امریکا جهت عادی سازی روابط دوکشور شرکت فعال در بازسازی افغانستان در چهارچوب طرح سازمان ملل متحد و کمک به تامین ثبات سیاسی در این کشور، و بالاخره مشارکت مسئولانه در رهجویی های بین المللی برای یاجاد جهانی و متعادل در برابر مشی «نظم نوین جهانی» هیئت حاکمه ی امریکا که جهان را تک قطبی و زیر نگیں خود می خواهد.

در عرصه های اقتصادی

خارج کردن بنیادهای بزرگ مالی نظیر «بنیادمستضعفان»، تولید آستان قدس رضوی» و دیگر نهادهای مشابه از کنترل نهادهای غیر انتخابی و واگذاری تعیین سرنوشت آنها به مجلس به منظور ندوین قوانین ضرور در مورد چگونگی اداره ی این نهادها با هدف تامین منافع جامعه.

شفافیت در برنامه نویسی و بودجه گذاری و پرتوافکنی بر فعالیت های پنهان اقتصادی، حسابرسی ثروت وابستگان و رانت خواران حکومتی، حذف رانت های اقتصادی و قطع کمک های اقتصادی از منابع مالی دولت به جریان های اسلامی دردیگر کشورها. ادغام نهادی های موازی درهمدیگر و انحلال نهادهای زاید و هزینه زا.

بهره گیری از اهرم مالیاتی، بودجه گذاری، سوسید(ویا راههای جایگزین سوسید) برای افزایش قدرت خرید اقشار کم درآمد، کاستن از فاصله فقر و ثروت و جلوگیری از تمرکز فوالماده ی ثروت و قدرت اقتصادی در دست عده ای معدود.

تثبیت دستمزد کارگران و کارمندان از طریق افزایش آن به میزان تورم سالانه .

اخذ تدابیر ضرور برای کاهش بیکاری در کشور.

تامین درمان و بهداشت همگانی و حمایت از صندوق های بیمه ی بازنشستگی و سازمان تامین اجتماعی..

در پیش گرفتن سیاست های مقتضی برای تقویت تعاونی های مصرف.

برقراری مناسبات اقتصادی با تمام کشورهای جهان با نظر داشت منافع ملی.

جلوگیری از متورم شدن سرمایه های تجاری دلالی که نقش ارتجاعی و مخربی در اقتصاد کشور دارند و سوق دادن آنها به سوی بخش های تولیدی از طریق برنامه ریزی و سیاست های پولی و مالی.

تحدید دستگاه بوروکراسی، افزایش برنامه ریزی و نظارت دولت بر اقتصادتوام با کاستن از نقش کارفرمایی در آن. همراه کردن خصوصی سازی بخشی از واحد های تولیدی طبق برنامه ریزی سنجیده با اجرای سیاست های حمایتی از کارگران و زحمتکشان.

تشویق و حمایت از سرمایه گذاری در بخش مولد صنعتی تکنولوژی، پژوهشی و کشاورزی و بر طرف ساختن موانع موجود در این سمتگیری تعیین کننده برای شکوفا سازی اقتصاد کشور. افزایش کارآمدی اقتصادی از طریق تحول در ساختارهای پژوهشی.

استفاده از کارشناسان خردمند و مستقل در عرصه ی تصمیم گیری های اقتصادی و جایگزین کردن سیستماتیک «کارشناسان قدرت» با آنها و تامین امنیت سرمایه گذاران از طریق تصویب و اجرای قوانین ناظر بر این امور و نیز تامین امنیت شغلی کارگران و کارکنان با اتکا به قوانین ضرور و از طریق توافق های جمعی بین کارگران و کارکنان با مدیران و صاحبان موسسات اقتصادی.

گزارش هفتمین کنگره ی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

(کنگروه ی یاد یاران)

هفتمین کنگره ی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت در روزهای نهم تا دوازدهم فروردین سال جاری برگزار شد. این کنگره که مطابق کار پایه تشکیلاتی سازمان درست ۲ سال پس از کنگره ی ششم برگزار شد بررسی موضوعات زیر را در دستور کار خود داشت:

1- عملکرد ارگانهای مرکزی سازمان در فاصله ی دو کنگره.

2- خط ومشی سیاسی سازمان در دوره ی آتی فعالیت آن

3- اساسنامه

4- انتخاب شورای مرکزی.

این دستور از سوی شورای مرکزی منتخب کنگره ششم سازمان به کنگره پیشنهاد شده بود و علاوه بر این موضوعات «جهان پس از ۱۱ سپتامبر» و چند قرار زیر را نیز شامل می شد. کنگره پیشنهادی برای تغییر دستور پیشنهادی نداشت. به قرار ها رسیدگی کرد و در جریان بررسی ها تصمیم به ضبط موضوع «جهان پس از ۱۱ سپتامبر» در خط مشی سازمان در دور آتی فعالیت آن گرفت.

در سطور زیر وجوه مختلف کنگره گزارش شده اند.

تدارک کنگره

کار تدارک مضمونی کنگره هفتم ۶ ماه پیش از برگزاری آن آغاز شد. شورای مرکزی ششم و از سوی شورا هیات رئیسه آن عهده دار کار تدارک کنگره بودند. برای تدارک مضمونی کنگره اقدامات زیر به عمل آمده بودند:

- گزارش تمامی جلسات شورای مرکزی ششم مفصلا آماده شده و در اختیار تشکیلات قرار گرفته بود، همچنین دو گزارش میان دوره ای از فعالیت ه هیات سیاسی اجرایی و سرانجام گزارش ارزیابی تفصیلی از عملکرد هئات سیاسی اجرایی در دو سال گذشته تهیه و به تشکیلات ارائه شده بودند. این مجموعه بعلاوه گزارش میان دوره ای و پایانی گروه های کار و کمیسیون های دائمی و نیز گزارش از فرازهایی از عملکرد هئات رئیسه شورا ندادکات موضوع نخست دستور، یعنی بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی سازمان در فاصله ی دو کنگره را تشکیل می دادند.

- برای خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن این بار اقدامی جهت تهیه طرح سند ارگانی صورت نگرفت، بلکه هئات رئیسه شورا مبتنی بر تصمیم شورا سازماندهی و هماهنگی تدوین اسناد توسط داوطلبان و بحث روی طرح ها از طریق کنفرانس های پیش کنگره را به عهده داشت. در ابتدا با مراجعه به نیروهای سازمان ار عموم کسانی که می خواستند فردا و یا به اشتراک با همفکرانشان طرحی ارائه دهند، خواسته شد که تا زمان معین

طرح هایشان را تهیه کنند سپس این طرح ها در کمفرانس های پیش کنگره به بحث و اظهار نظر گذاشته شدند. ماحصل این بحث ها بازنویسی طرح های اولیه بود که در شکل نهایی شان به کنگره ارائه شدند.

- در ارتباط با اساسنامه کمیسیونی توسط شورا انتخاب شد. این کمیسیون نیز ابتدا طرحی مقدماتی را تهیه کرد، که پس از دوری از بحث و اظهار نظر پیرامون آن باز نویسی و بعنوان طرح نهایی کمیسیون به کنگره ارائه شد. علاوه بر این، یک طرح آلت رناتیو برای اساسنامه هم ارائه شده بود.

- برای تامین آشنایی بیشتر نمایندگان کنگره با کاندیدای عضویت در ارگان مرکزی آتی نیز، شورای ششم کمیسیونی را برگزیده بود. وظیفه این کمیسیون استخراج شمای مسئولیت های ضرور در فعالیت های آتی سازمان، تماس فعال با نیرو های سازمان جهت جلب کاندیداتوری آنان و تهیه ی اطلاعات همگون در باره ی کاندیدا ها و ارائه ی آن به کنگره بود.

- مضاف بر این، قرارهای چندی از سوی ارگانهای مرکزی دوره ی ششم به کنگره پیشنهاد شده بودند که موردی از آنها، یعنی قرار در مورد نشریه کار، حاصل کار جستجوگرانه ی قابل توجهی توسط این ارگانها بود. تدارک اجرایی این کنگره نیز از شش ماه پیش از برگزاری آن آغاز شده بود. علاوه بر گروهی از اعضای سازمان، که بطور خاص این وظیفه را پیش می بردند، حجم بزرگی از انرژی و فعالیت گروه کار تشکیلات در شش ماه آخر کار آن مصروف تدارک اجرایی کنگره شد.

میهمانان کنگره

هم چون کنگره های پنجم و ششم، در کنگره ی هفتم نیز هیات ها و نمایندگانی از سازمانها و احزاب سیاسی، ایرانی و خارجی، از رسانه های گروهی و مطبوعات، تعدادی از شخصیت ها و صاحب نظران سیاسی یا فرهنگی کشورمان به عنوان میهمان حضور داشتند. در این نوبت تعدادی از فعالان سیاسی نیز در کنگره حضور داشتند. همچنین به رسم تمام کنگره های سازمان، عده ای از کادرها و اعضای پیشین و نیز دستداران سازمان میهمان کنگره بودند. هیات ها یا نمایندگان سازمان ها و احزاب سیاسی و نیز رسانه های همگانی حاضر در کنگره عبارت بودند از:

جمهوری خواهان ملی ایران، حزب توده ی ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، حزب سوسیالیست دموکراتیک آلمان، حزب کمونیست عراق، سازمان آزادیبخش فلسطین؛ مجامع اسلامی ایرانیان و نشزیات آرش و میهن از دعوت سازمان استقبال کرده بودند اما امکان حضور نمایندگانشان در کنگره میسر نشد.

شخصیت ها و فعالان سیاسی یا فرهنگی زیر بنا به دعوت سازمان در کنگره حضور یافتند: خانم ها: نسرين بصیری و شیرین فامیلی، و آقایان: محمد آرام، آرش برومند، غنی بلوریان، عیسی پهلوان، محمود روغنی، حشمت رئیسی، فرج سرکوهی، توفیق سهرابی، جلال شالگونی، حسین علوی، کانی علوی، فرامرز فیضی، رضا مرزبان، و حسن نظری، علی شیرازی، و علی واحدی.

دعوت سازمان دامنه ی وسیعتری داشت. مدعوین زیر که موفق به حضور در کنگره با اعزام نماینده ای به کنگره نشده بودند، به کنگره پیام فرستادند:

جبهه متحد اسپانیا، جبهه ملی ایران در اروپا، حزب چپ سوئد، حزب چپ سوئد در وستمانلند، حزب سبز های فرانسه، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست کانادا، نهضت مقاومت ملی ایران، و آقای دکتر محیط که به دلیل بیماری امکان حضور در کنگره را نیافته بود.

سازمان اتحاد فدائیان خلق دعوت سازمان را نپذیرفته و سایر نیرو های مدعو به دعوت پاسخی ندادند.

نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی و سایر تشکل ها امکان یافتند که پیام تشکل خود را به کنگره ابلاغ کنند و در مواردی یافته ها و تاثرات خود از کنگره و کار آن را ابراز دارند. نکته ای که مورد توجه مکرر میهمانان قرار گرفته بود مباحثات باز کنگره پیرامون موضوعات در دستور و طرح نظرات مورد اختلاف، تلاش راسخ حاملان این نظرات برای تاثیر گذاری بر تصامیم کنگره، در عین همدلی و صمیمیت رفیقانه آنان بود.

عموم میهمانان کنگره حق داشتند که در مباحث نظری و سیاسی کنگره شرکت کنند و حول این مباحث به کنگره و ارگانهای آن پیشنهاد دهند.

جریان کنگره

کنگره در روز و ساعت مقرر توسط هیات رئیسه ی شورای مرکزی ششم بعنوان هیات رئیسه ی موقت کنگره گشایش یافت. ابتدا به یاد همه ی جانب‌باختگان راه آزادی و سعادت و مردم کشورمان یک دقیقه سکوت اعلام شد و سپس سرود انترناسیونال، که توسط حاضران هم‌نوایی می شد نواخته شد.

ارائه گزارش مسئول گروه کار تشکیلات از روند تدارک اجرایی کنگره تعداد نمایندگان حاضر از هر یک از تشکیلات کشور ها ، تعداد آرا وکالتی و دیگر جهات اجرایی، تصویب اعتبار نامه ی نمایندگان بر پایه گزارش پیشگفته و سپس اعلام رسمیت کنگره اقدامات بعدی، پیش از انتخاب هیات رئیسه دائمی کنگره بودند. متعاقبا ۵ نفر به عنوان هیات رئیسه ی دائمی کنگره انتخاب شدند و کار هدایت کنگره را به عهده گرفتند.

نخستین اقدام هیات رئیسه رسیدگی به قرار زیر بود:

نظر به تقارن برگزاری کنگره ی هفتم با ۳۰ مین سالگرد جانب‌باختگان بنیانگذار سازمان در سال ۱۳۵۰ و ۲۵ مین سالگرد فدائیان جانب‌باخته در سال ۱۳۵۵ نام کنگره ی هفتم سازمان را کنگره ی «یاد یاران یاد باد» اعلام می کنیم)) این قرار با تأیید عمومی کنگره تصویب شد و کنگره نام «یاد یاران یاد باد!» را بخود گرفت.

اقدام بعدی رسیدگی به پیشنهاد شورای مرکزی ششم دایر بر پخش زنده ی مباحث سیاسی و نظری کنگره از طریق شبکه ی اینترنت بود. توضیح این که ایده ی پخش مباحث کنگره از طریق شبکه اینترنت در شورای مرکزی ششم مطرح و با آن توافق شده بود. شورا به کمیسیون رسانه ها ماموریت داده بود که امکانات را بررسی کرده و طریق و کیفیت مناسب را تحقیق کند و لوازم تحقق آن را فراهم آورد. همه ی این مراحل طی شده و با نظر داشت امکان ارتباط متقابل بین کنگرهو «گیرندگان» آن تصمیم بر آن شده بود که به این منظور از «اتاق اینترنتی» سازمان استفاده شود. طبعاً شورا تصمیم گیری نهایی در این باره را به کنگره سپرده بود. کنگره این پیشنهاد را پذیرفت و با ورود کنگره به مباحث مضمونی ایده به اجرا در آمد.

رسیدگی به چند پیشنهاد آئین نامه ای، که مهمترین آنها مشروط کردن رسیدگی به پیشنهاد های رد شده در کمیسیون ها به داشتن ده درصد حامی از میان نمایندگان کنگره و قطعیت

یافتن آن سایر اقداماتی بودند که کار مقدماتی جریان کنگره را به انجام رساندند. از این پس کنگره وارد کار مضمونی روی دستور خود شد.

پیش از پرداختن به جریان کار مضمونی کنگره، قابل ذکر است که در روزهای کنگره نیز، عملیات ارتش اسرائیل علیه مردم فلسطین ادامه داشت. کنگره در دومین روز، در پیامی به یاسر عرفات، مراتب همبستگی سازمان را با مبارزات مردم فلسطین برای تحقق دولت مستقل فلسطینی ابراز داشت و سیاست تشنج زا و سرکوبگرانه ی شارون در مسائل اسرائیل-فلسطین را محکوم کرد.

چنان چه پیشتر گفته شد بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی سازمان در فاصله ی دو کنگره خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن، اساسنامه جدید سازمان، قراردادهای پیشنهادی به کنگره و انتخاب شورای مرکزی دوره ی هفتم موضوعات دستور کار کنگره را تشکیل میدادند. در سطور آتی جریان کار کنگره حول این موضوعات به تفکیک گزارش شده است.

بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی در دوره ششم

کار مضمونی کنگره روی دستور، با بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی دوره ی ششم

آغاز شد «فرازهای از عملکرد هیات رئیسه شورای مرکزی منتخب کنگره ششم» گزارش تفضیلی عملکرد هیات سیاسی اجرایی و نیز گزارش عملکرد گروه های کار و کمیسیون های دائمی این دوره پیشتر تهیه شده و در اختیار نمایندگان کنگره قرار گرفته بود. کار بررسی عملکرد ارگانها ومسئولان و پاسخ آنان، اظهار نظر عمومی کنگره پیرامون عملکرد ارگانها و سرانجام پاسخ گویی نهایی مسئولان می شد. سخنرانان به وجوه گوناگون فعالیت ارگانهای مرکزی در دو ساله گذشته پرداخته، قوت ها و ضعفهایی را که در کار آنها تشخیص داده بودند، تصریح کردند. افزایش سطح فعالیت سیاسی سازمان در ایندوره و مطرح شدن نام و نظر سازمان در پاره ای محافل سیاسی و روشنفکری داخل کشور از زمره موارد قوت در کارنامه ارگانها تشخیص داده شد که تواما با ضعف «در پس رویدادها» بودن همراه بوده است. موضوعات شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ و رای به خاتمی مکررترین موضوع صحبت سخن رانان چه در تائید و چه در نقد آن بود. پس از مراحل فوق کمیسوی جدا از سایر کمیسیون ها، که عضویت ارگانهای مورد بررسی در آن مجاز نبود، تشکیل شد.

نمایندگان می توانستند قراردادهای پیشنهادی خود در مورد عملکرد این ارگانها را به این کمیسیون بدهند و کمیسیون با تنظیم و اخذ موضع در قبال آنها، آنها را برای تصمیم گیری به کنگره می آورد. قرار می، که موضوع آن عملکرد سیاسی ارگانهای مرکزی دوره ششم باشد، به کمیسیون پیشنهاد نشد.

خط مشی سیاسی

موضوع خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت خود موضوع مرکزی کنگره هفتم بود. در جریان تدارک کنگره پنج طرح سند در این باره به قرار زیر ارائه شده بودند:

1- «خط مشی سیاسی پیشنهادی به کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت» از رفیق آزاد.

2- سند خط مشی سیاسی پیشنهادی به کنگره هفتم سازمان: حذف ولایت فقیه، رفراندوم برای تغییر قانون اساسی» از رفقا مهدی ابراهیم زاده فریدون احمدی، بیژن اقدسی، ماشالله سلیمی، محمد صادق عسکری، منوچهر مقصود نیا. این طرح از توافق طرح رفیق احمدی از یک سو و طرح سایر رفقای نامبرده از دیگر سو، که در مرحله نخست تدارک کنگره ارائه کرده بودند حاصل آمده بود.

3- «سند سیاسی پیشنهادی به کنگره هفتم سازمان: اصلاحات، سیاست ها، راه کارها» از رفیق بهروز خلیق.

4- «سند سیاسی برای ارائه به کنگره هفتم سازمان: جنبش مدنی و اصلاح طلبانه ی مردم ایران» از رفیق حجت :

5- «سند پیشنهادی به کنگره هفتم: برنامه و راهکارهای سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» در دو سال آینده برای تداوم جنبش اصلاحات و عقب راندن مقاومت محافظه - کاران» از رفیق حجت نارنجی.

همچنین اسنادی نیز، خارج از چهارچوب زمانبندی تدارک کنگره در مطبوعات سازمان انتشار یافته بودند. تعدد اسناد رسیدگی به موضوع را مطابق آیین نامه ی خاص ایجاد می کرد: از این رو نخستین اقدام کنگره در این باره تصویب آیین نامه ویژه این مبحث بود. به موجب این آیین نامه ابتدا می بایست در مورد طرح اسنادی که خارج از زمانبندی تدارک کنگره انتشار یافته بودند تصمیم گیری می شد. هر طرح سند به شرط داشتن حمایت ۱۰ درصد از

نمایندگان و یک سخنگو، به عنوان طرح ارائه شده به کنگره منظور می شد. به این ترتیب در طرح زیر نیز در مجموعه طرح های ارائه شده به کنگره قرار می گرفتند:

6- «برآمدی دیگر، روالی دیگر» از رفیق جوشنی:

7- سند پیشنهادی به کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت»، از رفقا فریبا جمشید

و ایرج. رفیق فرهاد سخنگویی از این طرح را به عهده گرفت.

برای اختصار از این پس طرحهای نامبرده با همان شماره گذاری بالا نامیده خواهند شد. تمامی این طرح ها پیشتر از کنگره از طریق این یا آن رسانه منتشر شده بوده اند و در حال حاضر نیز در مقر اینترنتی سازمان به آدرس www.fadai.org موجودند.

اقدام بعدی، پس از دوری از توضیح سخنگویان طرح ها پرسش و پاسخ و اظهار نظر عمومی درباره آنها رای گیری ترجیحی روی طرحها بود در این رای گیری نمایندگان ترتیب ترجیح خود به طرح ها را تعیین می کردند و بنابراین هر کس مجاز بود ترجیح خود به هر تعداد از اسناد را تعیین کند: ترجیح اول، ترجیح دوم... این کیفیت حد نزدیکی و دوری طرح های مختلف برای حصول به ائتلاف ممکنه را کمأ ترسیم می کرد. نتیجه این رای گیری در جدول پایین آمده است.

متعاقباً مذاکره بین مدافعان طرح ها برای حصول به ائتلاف و یکی کردن دو یا چند سند جریان یافت. نتیجه این مرحله کنار کشیدن طرح های شماره پنج شش و هفت به نفع طرح شماره چهار، بدون تغییری در آن بود. سه طرح دیگر بدون تغییر مجدداً به کنگره ارائه شدند.

رای گیری روی طرح ها در نوبت دوم چنان که آئین نامه تعیین کرده بود، متوجه تعیین طرح سند مبنا برای کمیسیون بعدی روی آن بود. در این رای گیری هر کس مجاز بود تنها به یک سند، سندی که با آن به عنوان مبنا توافق دارد، رای بدهد. رای گیری دوم روی چهار طرح انجام و نتیجه زیر حاصل شد:

طرح شماره یک: ۸۳/۲ درصد

طرح شماره ددو: ۴۵/۲۸ درصد

طرح شماره سه: ۱۶/۴

طرح شماره چهار: ۳۵/۸۵ درصد.

از آنجا که هیچ یک از طرح‌ها ۵۰+ درصد آرا را نیاورد، بنا به پیش‌بینی آیین‌نامه رای‌گیری روی دو سند واجد بیشترین آرا بایست تکرار می‌شد. در این نوبت نیز فقط آرا موافق به طرح‌ها اخذ می‌شدند و سند واجد بیشترین آرا، صرف‌نظر از درصد آن، به عنوان سند مبنا انتخاب می‌شد. نتیجه رای‌گیری به قرار زیر شد:

طرح شماره دو: ۴۶/۲۳ درصد

طرح شماره چهار: ۴۹/۶۰ درصد

و ۴/۷۱ درصد از نمایندگان در این نوبت انتخابی از میان دو سند نکردند.

به این ترتیب طرح شماره چهار به عنوان سند مبنای کار کمیسیونی که می‌بایست آن را برای تصویب کنگره آماده کند، انتخاب شد. کمیسیون نیز عنوان «سند سیاسی کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت» از این پس به اختصار: (طرح سند کمیسیون) ضمیمه گزارش است (ضمیمه شماره ۱).

طرح سند کمیسیون، پس از توضیح مخبر کمیسیون و بحث موافق مخالف پیرامون آن، به رای کنگره گذاشته شد، اما تنها ۳۹/۲۸ درصد آرا موافق را اخذ کرد.

آرا مخالف سند ۵۵/۳۶ درصد و ممتنع ۵/۳۶ درصد بود بنابراین سند تصویب نشد و تعیین طرح سند دیگری بعنوان سند مبنا مجدداً ضرورت یافت. در نوبت بعدی که موضوع خط مشی سیاسی سازمان در دستور کار کنگره قرار گرفت، بنا به درخواست تعدادی از نمایندگان کنگره طرح دیگری زیر عنوان «تزهای پیشنهادی خط مشی سیاسی به کنگره هفتم سازمان: حذف ولایت فقیه، تغییر قانون اساسی» و عنوان فرعی «جایگزینی نهاد های انتصابی با نهاد های انتخابی دموکراتیک» از این پس به اختصار: تزها، ضمیمه شماره دو» که در این فاصله توسط تدوین‌کنندگان سند شماره دو و رفقا وهاب انصاری، داراب شکیب و علی مختاری، تهیه شده بود به رای کنگره گذاشته شد. این سند نیز به اخذ ۵۰+ درصد آرا موفق نشد.

آرا این سند: موافق: ۴۸/۶۰ درصد

مخالف ۴۴/۸۶ درصد

و ممتنع ۶/۵۴ درصد بود.

در همین فاصله مجموعه تزهای دومی نیز با عنوان «سیاست ما: تغییر قانون اساسی در راستای پرد ساختای سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و جایگزینی نهاد های انتخابی به جای نهادهای

انتصابی» مبتنی بر طرح شماره ۳ تهیه شده بود(ازباین پس به اختصار: سیاست ما، ضمیمه شماره سه). این طرح به رای گذاشته نشد و با معلوم شدن نتیجه آرا روی طرح ترها، رسیدگی به پیشنهاد های مضمونی خاتمه یافت و کنگره به رسیدگی به پیشنهاد های «پروسدوری» برای حصول به سند نهایی پرداخت.

از میان پیشنهاد ها، دو پیشنهاد به رای گذاشته شدند. پیشنهاد اول به قرار زیر بود:

الف - کنگره کمیسیونی^۹ نفره را برای تنظیم سند نهایی خط مشی سیاسی برمی گزیند؛

ب - سند مصوب کنگره ششم مبنای کار کمیسیون خواهد بود؛

پ- سه طرح ارائه شده به کنگره یعنی «طرح سند کمیسیون»، «ترها»، و «سیاست ما» در تکمیل، تصحیح و ندقیق سند مبنا ملحوظ خواهد شد؛

ت - کمیسیون حداکثر یکماه پس از کنگره سند نهایی را تنظیم و منتشر خواهد کرد؛

ث - مصوبات کمیسیون با دو سوم آرا اعضا آن معتبرند.

پیشنهاد دوم تنها در بند پ با اولی متفاوت بود. در بند پ پیشنهاد دوم به جای سه طرح دو طرح مطرح، یعنی «ترها» و «سیاست ما»، برای تکمیل، تصحیح و ندقیق سند مبنا ملحوظ می شدند. دو پیشنهاد به رای گذاشته شدند. ابتدا پیشنهاد دوم تصویب شد، اما متعاقبا تعدادی از نمایندگان خواهان تجدید رای گیری روی دو پیشنهاد شدند. رای گیری تجدید شد و در نتیجه پیشنهاد اول بیشترین آرا را آورد و بعنوان روال کار بعدی برای حصول به سند نهایی تصویب شد. در ساعات پایانی کار کنگره کمیسیون^۹ نفره انتخاب شد و به این ترتیب کار کنگره روی موضوع خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن پایان یافت.

اساسنامه :

مدت ها پیش از کنگره و در جریان تدارک آن شورای مرکزی ششم کمیسیونی را به مسئولیت رفیق احمد فرهادی ، برای ندوین اساسنامه سازمان برگزیده و موضوع اساسنامه را در دستور پیشنهادی به کنگره کنجانده بود.

کمیسیون نتیجه کار خود را در دو نوبت، ابتدا به صورت طرح مقدماتی و پس از دوری از اظهار نظر شورا و تشکیلات بصورت طرح نهایی ارائه کرده بود.

علاوه بر طرح کمیسیون، طرح آلترناتیوی نیز از جانب رفیق بیژن اقدسی، از اعضای کمیسیون، تهیه شده بود. این هر دو طرح به کنگره پیشنهاد شده بودند.(طرح مصوب کمیسیون و طرح

آلترناتیو در نشریه کار شماره های ۲۷۵ و ۲۷۶ مندرج و در مقر اینترنتی سازمان موجودند. کار کنگره روی اساسنامه با توضیحات سخنگویان دو طرح حول آنها، پرسش و پاسخ و اظهار نظر عمومی آغاز شد. غالب سخنرانان بر نیاز سازمان به یک اساسنامه ی جدید که انعکاس دهنده وضع و نظرات امروزی در عرصه تشکیلات باشد، تاکید داشتند. تردید در این باره که در شرایط کنونی فعالیت سازمان باید به تدوین اساسنامه دست زد و یا کار پایه تشکیلاتی کفایت خواهد کرد نیز در پاره ای اظهار نظرات ابراز شد.

پس از اظهار نظر کنگره، سند مبنا انتخاب شد. ابتدا طرح بیژن اقدسی به رای گذاشته شد، که ۵۰+ درصد لازم را برای سند مبنا نیاورد (آرا موافق ۱۸/۵ درصد بود) سپس روی طرح کمیسیون رای گیری شد. این طرح ۵۱/۸ درصد آرا را آورد و بعنوان سند مبنا انتخاب شد.

کار کمیسیون که در کنگره برای تنظیم نهایی سند انتخاب شد محدود بود. این کمیسیون در یک نوبت کار درونی قرازی را تنظیم کرد و به اجلاس عمومی کنگره آورد. این قرار باملاحظه قرار دیگری که شورای مرکزی ششم به کنگره پیشنهاد کرده بود و در آن بندی هم در ارتباط با اساسنامه پیش بینی شده بود (به سوتیتر «قراها») در ادامه این

گزارش رجوع کنید) تنظیم شده بود. در زیر متن قرار کمیسیون اساسنامه آمده است:

کنگره کمیسیونی دایر بر کار روی سند پایه اساسنامه انتخاب می کند. این کمیسیون موظف است در ارتباط با شورای مرکزی کلیه پیشنهاد های دریافته شده و آتی را بررسی کند و طرح اصلاح شده را حداکثر ۶ ماه قبل از کنگره ی هشتم ارائه دهد. این قرار بدون مخالفتی از سوی نمایندگان تصویب شد و کار بررسی اساسنامه خاتمه یافت.

قراها:

هم از سوی ارگانهای کنگره دوره ی ششم و هم در کنگره قراهای چندی برای تصمیم گیری کنگره به آن پیشنهاد شده بودند. در دومین کنگره کمیسیونی انتخاب شد که بر عهده داشت به قرا های پیشنهادی، سوای قراهای مزبوط به عملکرد دو سال گذشته، رسیدگی کرده و پس از اخذ موضع آنها را به کنگره بیاورد. مهمترین قراهایی که از سوی کمیسیون ارائه شدند و به تصویب کنگره رسیدند عبارتند از:

الف- قرار کمیسیون کارگری به کنگره (به ضمیمه شماره ۴ نگاه کنید)

ب- قرار شورای مرکزی ششم در باره ی مسائل کلان سازمان (به ضمیمه شماره ۵ نگاه کنید)

ج- قرار کمیسیون رسانه ها در مورد نشریه ی الکترونیکی. این قرار شورای منتخب کنگره هفتم را موظف می کند که سازماندهی لازم را برای انتشار نشریه کار بصورت الکترونیکی و کاغذی فراهم آورد.

همچنین قابل ذکر است که در قرار پیشنهادی شورای مرکزی ششم در باره ی کسائل کلان سازمان (قرار ب فوق الذکر) این نیز پیش بینی شده بود که شورای آتی ((در مورد اسم سازمان و نوع تشکل (تداوم فعالیت سازمان با عنوان سازمان، حزب و یا اسم فراگیرتر از آن دو و یا...)) بحث های ضرور را سازمان و پیشنهاد معین به کنگره هشتم دهد)) این بخش از قرار تصویب نشد. سایر قرار های ارائه شده متوجه چگونگی تدارک کنگره هشتم بودند.

انتخاب شورای مرکزی

آخرین دستور کار کنگره انتخاب شورای مرکزی دوره هفتم بود. پس از تنظیم لیست کاندیداها و قطعی شدن آن در کنگره هر کاندیدا فرصت یافت تا اطلاعاتی در مورد زندگی و فعالیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی... خود را به اختصار در اختیار نمایندگان بگذارد. سرانجام رای گیری بصورت مخفی انجام شد و از میان ۳۱ کاندیدای حاضر ۱۸ نفر، با احراز ۵۰+ درصد آرا به عضویت شورای مرکزی دوره ی هفتم برگزیده شدند. آرای سه کاندیدای بعدی برابر بود و از آنجا که تعدادی اعضای شورا ۱۹ نفر تصویب شده بود، تصمیم گیری در مورد آخرین عضو به شورا سپرده شد. شورا در نشستی که همان فردای کنگره برگزار کرد در این باره تصمیم گرفت و به این ترتیب یک روز پصص از کنگره ترکیب شورا با آخرین عضو آن تکمیل شد.

در ترکیب جدید شورا ۲ رفیق زن حضور دارند^۷ رفیق در شورای پیشین عضویت نداشتند، که از این عده ۶ رفیق برای نخستین بار است که به عضویت شورای مرکزی در می آیند. شمارش آرا انتخابات شورای مرکزی تا دیر هنگام شب چهارم ادامه یافت. بیشتر از آن هیات رئیسه قرار پیشنهادی کمیسیون قرار ها را، که در آن از عموم رفقای که در روزهای پیش از کنگره و در جریان کنگره زحمات سنگینی را برای تدارک آن و رتق و فتق امور جاری آن متحمل شده بودند، قدر دانی می شد قرائت کرده بود و قرار با کف زدن حاضران به تصویب رسیده بود

به این ترتیب کنگره هفتم پس از چهار شبانه روز به کار خود خاتمه داد. چهار روز کار فشرده در جلسات رسمی کنگره، و پس از پایان جلسات رسمی گرد آمدن به دور یکدیگر تا پاسی از شب، که از باز گویی خاطرات تلخ و شیرین از رزم مشترک، گرامیداشت یارانی که از میانمان رفته اند، و ترنم ترانه ها و سرود هایی از ملیت های مختلف میهنمان سرشار بود.

یاد یاران یاد باد!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

منتخب کنگره ی هفتم سازمان

آوریل ۲۰۰۲

www.iran-archive.com

اسناد کنگره هفتم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

ضمایم گزارش و پیام ها

- ❖ ضمیمه شماره ۱ گزارش کنگره
- ❖ سند ارائه شده از سوی کمیسیون به کنگره هفتم
- ❖ ضمیمه شماره ۲ گزارش کنگره
- ❖ تزه‌ای پیشنهادی سند خط مشی سیاسی به
- ❖ کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- ❖ جایگزینی نهاد های انتصابی بانهادهای انتخابی دمکراتیک
- ❖ ضمیمه شماره ۳ گزارش کنگره
- ❖ سیاست ما:
- ❖ تغییر قانون اساسی در راستای طرد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه
- ❖ و جایگزینی نهاد های انتخابی بجای نهاد های انتصابی
- ❖ ضمیمه شماره ۴ گزارش کنگره
- ❖ قرار پیشنهادی کمیسیون کارگری به کنگره
- ❖ ضمیمه شماره ۵ گزارش کنگره
- ❖ قرار پیشنهادی شورای مرکزی سازمان به کنگره هفتم در باره ی مسائل
- ❖ کلان سازمان
- ❖ پیام کنگره به آقای یاسر عرفات رئیس دولت فلسطین
- ❖ پیام برخی احزاب سیاسی به هفتمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران
- ❖ «اکثریت»

ضمیمه شماره ۱ گزارش کنگره

سند ارائه شده از سوی کمیسیون به کنگره هفتم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

ژرفش جنبش مدنی

جنبش مدنی در کشور ما از قدمت صد ساله برخوردار است. آماج تصلی این جنبش استقرار مردم سالاری، جمهوری دمکراتیک و لائیک و نفی هر گونه ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد در کشور ما است. جنبش مدنی که از دوک خرداد سال ۷۶ به این سو در شکل جنبش اصلاح طلبانه بر آید کرده است، طی این سالها تعمیق یافته، در جامعه ریشه دوانده و به دستاوردهای ارزنده ای نایل آمده است.

ما از جایگاه جنبش مدنی و از موضع تقویت آن حرکت می کنیم.

۲- جنبش اصلاحات و دستاوردهای آن

- جنبش اصلاح طلبانه به مثابه ظرف کنونی جنبش مدنی، برخاسته از نیاز جامعه ما به تحول بنیادی و پیامد دگرگونی در ساخت اجتماعی است، و جنبشی است که ریشه در مطالبات اقشار مدرن جامعه برای تحولات اساسی در کشور دارد. سمت و سوی این جنبش دمکراتیزه کردن ساختار قدرت و ایجاد نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروه های مختلف اجتماعی است. خصلت این جنبش مسالمت آمیز و گفتمان آن اصلاح طلبانه و قانون گرایانه است.

اکثریت مردم کشور ما نیروهای اجتماعی این جنبش هستند، در این جنبش نقش روشنفکران، روزنامه نگاران، جوانان، دانشجویان و زنان چشمگیر و بارز است.

جنبش اصلاح طلبانه با آن که در سالهای اخیر دستاوردهای قابل توجهی داشته ولی هنوز به اهداف اساسی خود دست نیافته است، تقویت گرایش به مردم سالاری ارتقای آگاهی مردم به حقوق شهروندی خود و پی بردن آنها به ارزش و جایگاه رای خود از دستاوردهای جنبش اصلاح طلبانه اند.

مروری کوتاه بر روند اصلاحات

از دوم خرداد به این سو، اصلاح طلبی قویترین و گسترده ترین گرایش سیاسی اجتماعی در کشور ما است. نتایج انتخابات ۸۰ نیز نشان داده که این جنبش همچنان از پایگاه وسیعی برخوردار است.

جنبش اصلاح طلبی ضیف بسیار وسیعی از نیروهای سیاسی و اجتماعی را در بر میگیرد که بخشی از آن اصلاح طلبان حکومتی هستند. بخش عظیمی از نیروهای اصلاح طلب در خارج از حکومت قرار دارند که علیرغم سرکوب حکومتی، در شکل گیری و قدرت مدنی جنبش از اهمیت حیاتی برخوردارند. تحولات سیاسی در کشور همچنان و عمدتاً تحت تاثیر چالش بین اصلاح طلبان و تمامیت خواهان درون حکومت قرار دارد.

محافظه کاران پس از دوم خرداد و یک دوره سرگردانی به انسجام خود پرداخته و با استفاده از اهرم فشار بخش افراطی، با تکیه بر قوانین غیر دموکراتیک با قانون شکنی آشکار و یا با استفاده ابزاری از قوانین بر فشارهای خود بر اصلاح طلبان افزوده اند.

محافظه کاران مصمم هستند با سرکوب گرایش رادیکال اصلاح طلبان، خنثی کردن گرایش معتدل و جذب گرایش محافظه کاران آن، وضعیت را به حالت قبل از ۲ خرداد ۷۶ باز گردانند و در بهترین حالت خود ((اصلاحات فقاهتی)) بدون توسعه سیاسی را عرضه درانند. از سوی دیگر اصلاح طلبان حکومتی با در پیش گرفتن استراتژی آرامش فعال با نا دیده گرفتن عامل فشار از پایین با کم توجهی به امر تشکیل و تقویت نهادهای دموکراتیک بهای لازم را ندادند، لذا چالش با محافظه کاران، اساسا در محدوده تنگ ساختار سیاسی، جایی که تمامیت خواهان با اتکا به امکانات خود قدرت مانور بیشتری داشتند، باقی مانده است.

واقعیت اما آن است که سرنوشت اصلاحات اساسا در میان مردم رقم می خورد. کانون و تکیه گاه اصلی جنبش اصلاحات حمایت مردمی مبتنی بر نهادهای مدنی، روزنامه نگاران، دانشجویان و احزاب و سازمانهای سیاسی است.

اکنون چالش بین جنبش مردم سالاری و جمهوریت با ساختار مبتنی بر ولایت فقیه هر چه عمیق تر شده است. همه شواهد و ارزیابی ها حاکی از آن است که حاکمیت روحانیت آینده ای ندارد. اصلاحات می تواند و باید از همه ظرفیت های خود برای تامین حاکمیت مردم بهره گیرد.

روندهای بین المللی و کشور ما

رویداد ۱۱ سپتامبر و سزح مبارزه با تروریسم فضای جدیدی را در سطح جهانی بوجود آورد که می توان به تضعیف موقعیت بنیادگرایان در منطقه و ایران منجر گردد. با این همه این امکان مثبت از سوی مشی برتری طلبانه و ماجرا جویانه هیات حاکمه امریکا تهیه می شود.

سیاست های جنگ طلبانه جرج بوش و قرار دادن ایران همراه با عراق و کره شمالی به عنوان محور اهریمنی، وضعیت خطرناکی را برای کشور ما بوجود آورده است. تداوم دشمنی کور با مریکا، مخالفت با حل صلح آمیز مساله ی فلسطین، حمایت از برخی گروه های اسلامی و برخی حرکات تحریک آمیز در افغانستان، موضع گیری های غیر مسئولانه، خصومت بین دو کشور را تشدید و فضای بحرانی بین آنها بوجود آورده است.

جناح محافظه کار با اتخاذ سیاست تشنج زا بین دو کشور می کوشد بر اصلاحات نقطه پایان گذارد. این سیاست منافع ملی ما را با خطرات جدی مواجه ساخته است.

خروج از تنگنا، پیشبرد اصلاحات

- راه پیشروی اصلاحات تغییر توازن قوای موجود به سود اصلاح طلبان و به زیان تمامیت خواهان، تاکید بر دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی کشور است. تحقق این امر در درجه ی اول محتاج تدوین استراتژی اصلاحات و مقاومت سازمان یافته در برابر تهاجمات تمامیت گرایان از طریق اطلاع رسانی و برقراری پیوند های محکمتر با مردم و تکیه بر سازماندهی و بسیج اجتماعی است .

ضرورت دارد که راه های مختلف مشارکت مردم فراخوان آنها برای اعمال اراده و خشتی نمودن خشونت طلبی جستجو شود.

از آن میان رفتارندم یکی از این شیوه ها است.

- اخیرا بخشی از اصلاح طلبان استراتژی باز دارندگی فعال را مطرح نموده اند که هنوز جوانب و تفاوت کاربردی آن با استراتژی آرامش فعال دقیقا روشن نیست، ولی نیاز جامعه حکم می کند که اصلاح طلبان حکومتی با جمع بندی تجارب گذشته در عرصه مسائل نظری و علمی و نائل آمدن به آن که برای پیشبرد اصلاحات تغییرات عمیق دموکراتیک در ساختار سیاسی کشور ضروری است، راه کارهای موثر ارائه نمایند.

- عدم قاطیعت و ایستادگی مسجلس و رئیس جمهوری خاتمی در وضع حاضر موجب آسیب پذیری وضربات جدی به اصلاحات است.

سیاست های ما

- مسئله ی مرکزی در رابطه با جنبش اصلاح طلبانه در این مرحله عبارت است از بسیج همه انکانات برای تقویت هر چه بیشتر اعمال اراده مردم و نهادهای انتخابی و هر چه کم اثرتر نمودن نقش نهادهای غیر انتخابی . تحقق این امر یعنی تعمیق جنبش اصلاحات به میزان موفقیت آن در گرو تامین و افزایش سطح همکاری سیاسی بین اصلاح طلبان پیگیر درون و پیرامون حکومت با نیرو های ملی مذهبی و نیروهای اصلاح طلب سکولار خواهد بود.

- سیاست سارمان ما تقویت جبهه اص^۳لاحات و سهم گیری در شکل گیری و تحکیم نهادهای مدنی به منظور حضور متشکل و سازمان یافته ی مردم در تقویت اصلاحات و کسب مطالعات برحق و دموکراتیک آنها است .

- گسترش تماس و همکاری بین اصلاح طلبان خارج از حکومت تقویت کننده اصلاحات پیگیر و قاطع است. تقویت این نیرو موجب تداوم و تعمیق جنبش اصلاحات است. سازمان فدائیان خلق ایدان «اکثریت» در راه تحقق این امر می کوشد.
- باند ثروت و قدرت و همه ی نهادهای زیر پوشش ولی فقیه مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی هستند. سیاست ما افشا برنامه و سیاست های ضد اصلاحات آنها است.
- ما قاطعانه از موازین دموکراتیک، حقوق اساسی و اجتماعی و فردی شهروندان، بازگشت بدون مانع ایرانیان خارج از کشور و حق همگان برای بیان مطالبات خود و مبارزه در راه کسب آنها دفاع می کنیم. مطبوعات آزاد و مستقل، روزنامه نگاران آزادیخواه، آزادی گروه های دانشجویی استقلال تشکل های آنها، جنبش های کارگری و تشکل های مستقل آنها، ضامن پیشبرد دموکراسی پایدار در کشور ماست. نامین حق فعالیت آزاد و قانونی احزاب سیاسی در کشور ما (که فقدان ستهای دموکراسی حزبی در تاریخ معاصر زنج میبرد) اهمیت کلیدی در این روند دارد.
- دفاع از حقوق زنان ایرانی و در قدم نخستین حذف قوانین زن ستیز و به رسمیت شناختن تشکل های مستقل زنان، پاسخ به نیاز نیمی از جمعیت کشور است.
- تامین خواست های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اداری اقلیت های مذهبی نیاز مبرم برای تامین مشارکت تمامی مردم ایران در راه بازسازی دموکراتیک میهن است.
- سیاست های فوق را در راستای طرد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه قدرت گیری نهادهای انتخابی و سرانجام تغییر قانون اساسی است.

راهکارهای جنبش اصلاح طلبانه

راه برون رفت اصلاحات از شرایط کنونی از یک سو مستلزم بازنگری در قانون اساسی و تغییر قوانینی است که در مقابل اعمال اراده ی مردم و در مسیر تکامل جامعه مدنی موانع جدی ایجاد نموده اند و از سوی دیگر برطرف کردن موانع از راه اجرای آن دسته از مواد قانون اساسی است که به آزادی، پیشرفت و عدالت اجتماعی در جامعه یاری می رساند و از جمله در این مرحله:

الف) در عرصه حقوقی

- 1- انحلال نهادهای گزینشی (مثل دادگاه ویژه ی روحانیت، دادگاههای انقلاب...)

- 2- تامین مشارکت برابر حقوق همه ی شهروندان در حیات سیاسی کشور ضروری است.
- 3- استفاده ابزاری جناح سیاسی معینی از قوه قضائیه برای پیشبرد مقاصد تنگ نظرانه باید پایان یابد و مکانیسم های کنترل و نظارت مردم بر این نهاد باید تعبیه گردد.
- 4- لغو قوانین ناقض حقوق بشر.

ب) در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

1. بایستی از مطبوعات رفع توقیف و سانسور شود، آزادی بیان، قلم و مطبوعات، حق تشکیل اجتماعات، تظاهرات و تشکیل کانون های صنفی تضمین گردد.
 2. حق داشتن وکیل مدافع و هیات منصفه تامین گردد.
 3. حق فعالیت احزاب سیاسی و تامین شعار ایران برای همه ی ایرانیان قاطعانه پیگیری شود.
 4. جوانان ایرانی باید بتوانند شکل های مدافع خود را در مدارس دانشگاهها ایجاد و نیز در گروه های ورزشی آزادانه فعالیت نمایند.
- نیروهای فشار نباید با ارباب و زور، احساسات جوانان را سرکوب نمایند

ج- در عرصه های بین المللی

- ۱- برقراری مناسبات نزدیک با کشورهای اروپایی و مذاکره مستقیم برای عادی سازی مناسبات برابر حقوق با ایالات متحده ی امریکا.
- ۲- محکوم کردن تروریسم و فاصله گرفتن از جریان های افراطی بنیادگرا.
- ۳ دفاع از دولت فلسطین، عدم مخالفت با موجودیت کشور اسرائیل
- ۴- حمایت از دولت فراگیر در افغانستان، تحت نظارت سازمان ملل متحد.

د- مسائل اقتصادی:

- 1) موانع سیاسی و حقوقی که امنیت سرمایه گذاری داخلی و خارجی را در کشور مختل می کند باید از میان برداشته شوند. همان گونه که گسترش سرمایه گذاری کلید رشد اقتصاد بیمار ایران است تامین امنیت کار لازمه استحکام بخشیدن به امنیت اجتماعی است.
- 2) بنیاد مستضعفان و دیگر بنیادهای مشابه باید زیر نظارت کامل دولت و مجلس در آیند. این موسسات باید نظیر سایر بنگاههای اقتصادی شامل قوانین مالیاتی کشور باشند.

- 3) نهادهای اداری موازی باید ادغام شوند. نهادهای زاید و هزینه ساز باید منحل گردند.
- 4) رشوه خواری و رانت خواری اقتصادی و سپس تامین زندگی در سطح قابل قبول برای مامورین اردارات کشور است. مبارزه با فساد تنها در شرایط آزادی مطبوعات و مبادله ی آزاد اطلاعات امکان پذیر خواهد بود.
- 5) تامین امنیت سرمایه گذاری، سرمایه گذاری دراز مدت را تشویق می کند و سرمایه ها را از بخش دلالی و بازرگانی و سرمایه های سرگردان را به بخش تولیدی، صنعت و ساختمان هدایت خواهد کرد.
- 6) سرمایه گذاری در امر پژوهش های اقتصادی و تکنولوژیک به منظور تامین اقتصاد مستقل و شکوفان در ایران
- 7) سرمایه گذاری گسترده دولتی و حمایت از بخش خصوصی برای تولید اشتغال و مهار بیکاری.
- 8) جلب مشارکت ایرانیان علاقمند و تحصیل کرده و صاحب سرمایه در خارج از کشور به ارتباط و سرمایه گذاری در ایران.
- 9) اهرم های مالیاتی، در خدمت تقسیم ثروت ملی مورد استفاده قرار گیرند. بودجه گذاری و سوبسید برای کالاهای اساسی مورد نیاز اقشار کم درآمد کشور در راستای افزایش قدرت خرید این اقشار بهره گیری شود.
- 10) بیمه های اجتماعی، بیمه های بهداشت و درمان و صندوق های بازنشستگی که همه افراد جامعه را در بر می گیرد باید از سوی دولت در راستای تامین زندگی بیدغدغه و به دور از فقر شهروندان ایرانی تامین شود.
- 11) سرمایه گذاری در بخش های زیربنایی و بهداشت درمان و آموزش
- 12) دستمزد کارگران، کارمندان دولت و بازنشستگان باید به نسبت میزان تورم سالانه افزایش یابد.
- 13) کمکهای اقتصادی به گروه های افراطی در خارج از ایران باید بلادرنگ قطع شوند.

ضمیمه شماره ۲ گزارش کنگره

ترزای پیشنهادی سند خط مشی سیاسی

به کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

((خذف ولایت فقیه، تغییر قانون اساسی))

جایگزینی نهادهای انتصابی با نهادهای انتخابی دموکراتیک))

کشور ما نیازمند حکومتی لائیک و دموکراتیک در شکل جمهوری است. سازمان ما به عنوان یک نیروی اپوزیسیون چپ و دموکرات برای تحقق چنین هدفی مبارزه می کند. تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت آمیز تامین شود. سازمان ما تامین برابر حقوقی زن و مرد را یکی از پایه های دموکراسی و جامعه مدنی و در زمره ارکان اصلی حقوق بشر میداند.

تغییر قانون اساسی برای دگرگونی ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و جایگزینی نهادهای انتخابی به جای نهادهای انتصابی، استقرار مردم سالاری، تامین حقوق شهروندان، آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی، ایجاد و تقویت نهادهای مدنی، تامین مطالبات گروه های مختلف اجتماعی، لغو قوانین ناقض حقوق بشر، باز سازی نظام قضایی بر مبنای عرف و اصول دموکراتیک، از جمله نیازهای جامعه و خواسته های ما را تشکیل می دهند.

- ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن باند ثروت و قدرت، مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند. سیاست ما افشای برنامه سیاست ها و اقدامات آنها و دگرگونی ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است.

- مردمایران در شرایط کنونی خواهان تحولات بنیادی و دگرگونی ساختار سیاسی هستند. جنبش آزادی خواهانه و اصلاح طلبانه مردم علیرغم سرکوب گری ها و توطئه های جناح

کحافظه کار حکومت، ممایشات و واپس نشینی اصلاح طلبان حکومتی، هم از نظر گستردگی پایگاه اجتماعی، هم از نظر ژرفش خواسته ها و اهداف و هم از نظر سطح آگاهی های سیاسی مردم نعمق و گسترش یافته است.

- پیش برد اهداف سیاسی بدون اعمال نیرو ناممکن است. مردم نیروی اصلی تحول در جامعه هستند. از این رو تلاش برای سازماندهی و سمت دهی مبارزات مردم باید به یکی از وظایف جاری سازمان تبدیل شود.

- اصلاح طلبان حکومتی به جای آن که مطالبات مردم و رادیکالیزه شدن جمیش را به وسیله ای برای ((فشار از پایین)) و در خدمت شکستن بن بست اصلاحات قرار دهند در هراس از مداخله ی مستقل مردم گام بگام در برابر تعرضات ولایت فقیه و نهادهای انتصابی وابسته به آن عقب نشستند. اکنون شکست تاکتیک های سیاسی آنان همچون ((آرامش فعال)) بن بست پروژه سیاسی مردم سالاری دینی و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی در پاسخ گویی به نیازهای جنبش اصلاحات آشکار شده است.

- راه پیشروی اصلاحات، تغییر قانون اساسی، پایبندی به حق حاکمیت مردم، تامین فعالیت آزادانه و علنی احزاب سیاسی غیر حکومتی، تشکیل و تقویت نهادهای مدنی و سلب قدرت از نهادهای انتصابی وانتقال قدرت به نهادهای انتخابی است.

- در کشور ما عدم تمکین به قوانین ضد دموکراتیک عین قانونیت است. ما از قانونیت مدنی و برابری همه ی شهروندان در برابر قانون دفاع می کنیم ومعتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق دموکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود. شهروندان علیه قوانین غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر از حق نافرمانی مدنی برخوردارند.

- نیروی سوم به عنوان بخش مهمی از جنبش اصلاح طلبانه از عدم تشکیل رنج می برد. ما سازمان یابی نیروی سوم را یک ضرورت مبرم برای ایجاد زمینه های تشکیل آلترناتیو دموکراتیک می دانیم.

ضمیمه شماره ۳ گزارش کنگره

سیاست ما:

تغییر قانون اساسی در راستای طرد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و جایگزینی نهادهای انتخابی به جای نهادهای انتصابی

- 0- برای تداوم و تعمیق اصلاحات ضروری است قانون اساسی در راستای تامین موازین دموکراتیک و حقوق بشر تغییر کند و نظام قضایی بر مبنای عرف و وصول دموکراتیک بازسازی شود. ماضمن تمرکز تلاش در این جهت از اقدامات اصلاح طلبان حکومتی در استفاده از ظرفیتهای مثبت قانون اساسی موجود پشتیبانی میکنیم.
- 1- باندثروت و قدرت، ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی هستند. سیاست ما افشا برنامه، سیاستها و اقدامات آنها و طرد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است.
- 2- سازمانهای سیاسی اصلاح طلب در داخل و خارج کشور، جنبشهای اجتماعی و نهادهای مدنی، روزنامه نگاران آزادیخواه، روشنفکران و چهره های سیاسی اصلاح طلب، جوانان، زنان، کارگران و تولیدکنندگان مستقل، نیروهای اصلاحات رادیکال و پیگیر هستند. وزمه اصلی این نیرو در پیرامون و خارج از حاکمیت است. تلاش ما این است که اصلاح طلبان غیر حکومتی (نیروی سوم) سازمان پیدا کرده و موقعیتشان در جامعه تقویت شود.
- 3- ما ضمن حمایت از اصلاح طلبان حکومتی در مقابل تهاجم سازمان یافته تمامیت گرایان، برای همکاری و اتحاد عمل نیروهای اصلاح طلب داخل و خارج حکومت تلاش می کنیم.
- 4- ما ضمن گفتگوی انتقادی با اصلاح طلبان حکومتی و نقد ناپیگیری هایشان در زمینه تحقق شعار "ایران برای همه ی ایرانیان" نظر آنان را به این امر جلب می کنیم که امکان پیشبرد اصلاحات تنها از طریق سازماندهی مردم میسر است.
- 5- ما از گسترش حرکات اعتراضی مسالمت آمیز، نافرمانی مدنی و اعمال فشار از پایین از جانب جنبشهای اجتماعی و نهادهای مدنی دفاع می کنیم و آنرا در خدمت تداوم و تعمیق اصلاحات و بهم خوردن توازن قوای موجود در بالا و طرد ولایت فقیه می دانیم.

ضمیمه شماره ۲ گزارش کنگره قرار پیشنهادی کمیسیون کارگری به کنگره

- 1- در روزهای پایانی سال گذشته و در آستانه نوروز مجلس شورای اسلامی در هماهنگی کامل با وزیر کار و در راستای سیاست عمومی دولت در رابطه با مسائل کارگری و اقتصادی با حذف کارگران قالبیاف از شمول قانون کار بخش بزرگ دیگری از کارگران ایران را از یک حق بدیهی محروم کرد. بدین ترتیب حذف رسمی کارگران از شمول قانون کار که با تصویب لایحه حذف کارگاههای دارای تا ۵ نفر کارگر در مجلس پنجم تحت کنترل محافظه کاران آغاز شد و به وسیله مجلس و دولت اصلاح طلب نیز ادامه یافته است، در مجموع اکثریت کارگران ایران در اثر این مصوبات از شمول قانون کار خارج گردیده اند
- 2- کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» حذف کارگران از شمول قانون کار را قویا و خواهان لغو مصوبات مربوطه می باشد. ما ضمن حمایت از مبارزات حق طلبانه ی کارگران و مزد بگیران برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی شان، برخورداری کارگران و مزد بگیران از یک قانون کار دموکراتیک را جز حقوق بدیهی آنان می دانیم.
- 3- کارگران و مزد بگیران ایران خواهان تشکیل آزادانه تشکل های سندیکایی و حرفه ای خود هستند. دولت تاکنون از پذیرش این حق بدیهی خود داری کرده است. ما ضمن حمایت از این خواست برحق کارگران خواهان آن هستیم که دولت این حق را بژه رسمیت شناخته و مانع تشکیل آزادانه سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری نگردد.
- 4- یکی دیگر از خواسته های مبرم کارگران و مزد بگیران برخورداری از حق

اعتصاب است. ما ضمن حمایت از این خواست خواهان به رسمیت شناختن حق اعتصاب به وسیله دولت و عدم دخالت نیروهای انتظامی در اعتصابات و اجتماعات مسالمت آمیز کارگری هستیم.

ضمیمه شماره ۵ گزارشی کنگره

قرار پیشنهادی شورای مرکزی سازمان به کنگره هفتم در باره ی مسائل کلان سازمان

با توجه به:

- ۱- تحولات سیاسی کشور و ضرورت ارتقا برنامه) ویا خطوط برنامه ای) در عرصه های مختلف،
- ۲- تحولات فکری- سیاسی سازمان و ارائه دیدگاههای روشن و پخته در مقولات مرتبط با چپ،
- ۳- ضرورت تعیین جایگاه سازمان در بین نیروهای دموکراتیک و چپ
- ۴- ضرورت تعیین نوع و خصوصیات تشکل چپ و تعیین پرنسپب های حزبی شورای مرکزی از کنگره هفتم سازمان در خواست می کند که کنگره به شورای آتی مسئولیت دهد:
- سند دیدگاه و آماج ها را تدقیق و تکمیل کند.
- سند اساسنامه را تدقیق و نوع تشکل چپ را مشخص کند.
- برای پیشبرد این امر سه کمیسیون تحت هدایت و نظارت شورای مرکزی تشکیل شود و وظایف آنها از هئیت سیاسی - اجرایی منفک گردد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

www.iran-archive.com

پیام ها
به کنگره هفتم

پیام کنگره هفتم

به آقای یاسر عرفات رئیس دولت فلسطین

آقای یاسر عرفات!

در لحظات آغازین کار کنگره ی هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» در روز ۲۹ مارس با کمال تاسف باخبر شدیم که دولت جنگ طلب اسرائیل تحت رهبری آریل شارون دفتر شما را مورد حمله ی نظامی قرار داده است. ما از این عمل غیر انسانی به شدت بر آشفته و خشمگین گشته، آنرا محکوم نموده و با شما و مردم فلسطین ابراز همدردی می کنیم. این حمله در ادامه ی حملات نظامی و اعمال خشونت و نقض قراردادهایی صورت میگیرد که آریل شارون از آغاز زمامداری خود برای متوقف کردن روند صلح بین فلسطین و اسرائیل و از بین بردن دست آوردهای آن بدون توجه به کلیه ی مصوبات سازمان ملل و عرف بین المللی آغاز کرده و با سو استفاده از فضای پس از ۱۱ سپتامبر به آن شدت بخشیده است. افکار عمومی جهان با حساسیت فراوان با این اعمال غیر انسانی برخورد کرده و دولت های مختلف جهان، از جمله دولت های اروپایی، گرچه با تاخیر، آن را محکوم و صدای خود را بر علیه آن، روز به روز بلند تر کرده اند. تنها رئیس جمهور ابالات متحده ی امریکا آقای بوش و دولت تحت رهبری وی تائید آمیز در مقابل این تجاوز جنگی خشن سکوت اختیار کرده اند.

حمله ی نظامی آریل شارون به فلسطین برای گروه های خشونت طلب فلسطین امکان عمل فراخ تری فراهم کرده و آنها نیز در مقابل به گسترش خشونت و حالت جنگی خدمت کرده و در بهترین حالت بهانه ی ادامه ی اعمال خشونت را برای آریل شارون فراهم نموده اند.

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» همانند اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران، همواره به مبارزات مردم فلسطین برای آزادی و استقرار دولت مستقل خود با علاقه و احترام تگریسته خود را در کنار شما احساس کرده و آرزومند ایجاد شرایط برای زندگی صلح آمیز فلسطینی ها و اسرائیلی ها نحت حاکمیت دو دولت مستقل در کنار همدیگر بوده و در همین راستا با سیاستهای تشنج آفرین حکومت جمهوری اسلامی در رابطه با مسئله ی فلسطین مخالفت کرده است. سازمان ما همچنین عملیات تروریستی علیه اتباع اسرائیل را محکوم کرده و با ابراز تاسف شدید از کشتار مردم بیگناه امیدوار بوده است که رهبری فلسطین بتواند گروه های بنیاد گرا و افراطی را از انجام چنین اقداماتی باز دارد

آقای عرفات!

ما از نماینده ی دولت شما برای شرکت در کنگره ی هفتم دعوت به عمل آورده بودیم که مورد پذیرش وی قرار گرفته بود که متأسفانه بدلیل حمله ی اخیر ارتش اسرائیل به دفتر شما و تشدید خشونت، تیشان نتوانستند حضورا شاهد ابرازهمبستگی کنگره ی ما با مبارزات مردم فلسطین به رهبری شما باشند. ما مجدداً این حملهی وحشیانه و کلیه اقدامات خشونت آمیز را به شدت محکوم و همبستگی صمیمانه خود را با مردم فلسطین و شخص شما ابراز و برای شما سلامت و زندگی طولانی و توفیق در جهت هدایت مردم فلسطین به زندگی صلح آمیز آرزو می کنیم.

کنگره ی هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیام برخی احزاب سیاسی

به هفتمین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیام حزب

کمونیست فرانسه

ما دعوت به شرکت در هفتمین کنگره سازمان شما را دریافت نمودیم. از این بابت بی نهایت متشکریم. متأسفانه در این شرایط سخت زندگی سیاسی در فرانسه که انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس (پارلمان) در پیش روی ما است، نمی توانیم در کنگره شما شرکت نمائیم. صادقانه از این بابت متأسفیم.

بنام حزب کمونیست فرانسه آرزوی موفقیت هرچه بیشتر را برای کنگره تان داریم ما از مبارزات شما برای دموکراسی، آزادی، پیشرفت اجتماعی و احترام به استقلال و وحدت مردم ایران و نیز برای اینکه ایران بتواند نقش مثبت و ترقی خواهانه ای در جهان ایفا نماید کاملاً آگاه هستیم.

از این فرصت استفاده نموده تا بار دیگر همبستگی مان را در راستای روابط دوستی که حزب ما و سازمان شما را به هم نزدیک می نماید، اعلام بداریم.

با درود های گرم و صمیمانه برای شما

دانیل سی یرا

پیام حزب سبزهای فرانسه

دوستانه عزیز

برگزاری کنگره شما در این شرایط در برگیرنده مفهوم ویژه ای می باشد. این کنگره بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برگزار می شود. جنگ در افغانستان پایه ی استراتژیکی جدیدی در سطح جهان را تشکیل میدهد. بعد از این تاریخ امریکا در این منطقه و نیز در جهان، سیاست یک جانبه ای را پیش می برد که کل منطقه و از جمله ایران را بی ثبات سازد. در مقابل این سیاست امپریالیستی باید سیاست پیشگیری از درگیری را گسترش داد و مانع از فراگیر شدن درگیری و جنگ شد. به این جهت ما پیشنهاد می کنیم تا یک کنفرانس منطقه ای برای صلح و توسعه با شرکت همه دولت ها و نمایندگان خلقهای منطقه، شبیه سازمان امنیت و همکاری اقتصادی اروپا (OSGE) صورت بگیرد.

دوستان عزیز

کشور شما بعد از انقلاب ۷۹ عمیقاً دگرگون شده، ۶۰٪ جمعیت را کمتر از ۲۰ ساله ها تشکیل میدهند و آنان چیزی جز رژیم کنونی را ندیده اند. آنان خواهان تغییر و اصلاحات هستند و ما این را در دو دور انتخابات ریاست جمهوری و مجلس دیده ایم. جنبش دانشجویی ژوئیه ۱۹۹۹ بطور چشم گیری آنرا نشان داد. جوانان دیگر بازگشت به یک نظام بسته و خشونت گرا را نمی پذیرند. آنها علیرغم همه تشبثات نیرو های ارتجاعی و محافظه کار در جریان ۴ انتخابات اخیر که منجر به پیروزی اصلاح طلبان شد ضرورت دگرگونی را بخوبی نشان دادند. بدون شک ایران در یک مرحله انتقالی قرار دارد.

دوستان عزیز

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» که وارث سنت چپ ایران است و در دمکراتیزه کردن سیاست سیاسی مبارزه میکند باید داده ها و دستاوردهای جنبش های زنان و سبز(اکولوژیک) را در برنامه ی خود مدنظر قرار دهد. اکولوژی سیاسی مسائلی را آشکار می نماید که برای کشوری مثل ایران که جمعیت آن در ۵۰ سال آینده دوبرابر خواهد شد تعیین کننده است. از جمله موضوع گسترش شهرها، جنگ عراق و ایران و جنگ خلیج فارس و آثار شومی نظیر بارانهای سیاه و اسیدی از خود برجای گذاشتند. این مسئله بعلاوه مسئله ی آب از مسائل عمده ی خاور میانه خواهد بود. شما باید به این مسائل توجه کرده و دست به ائتلاف با نیرو های هوادار اکولوژی در ایران بزنید.

همکاری و همفکری ما در اروپا با هم می تواند برای نزدیک کردن جریانات فکری برخاسته از مارکسیسم و پیش جدید انترناسیونالیست سبزها کمک نماید.

دوستان عزیز! ما امیدواریم بتوانیم در کنگره آینده شما در تهران و بطور علنی برگزار شود شرکت کنیم.

زنده باد همبستگی بین المللی

با درود های فراوان

پاتریک واریباز رئیس کمیسیون بین المللی سبزها و

۱- یوزید مسئول گروه خاورمیانه و نزدیک

پیام

حزب کمونیست های ایتالیا

از هیات رهبری حزب کمونیست های ایتالیایی

به سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

رفقای گرامی

به مناسبت کنگره ی سازمان شما مایلیم بهترین آرزوهایمان در جهت توفیق کنگره تان را به شما ابلاغ کنیم. با امید و آرزوی پیروزیمان آرمانهای شما در گستره جهان، به مثابه آرمان همهخلقهایی که در گیر کارزار دفاع از حقوق مدنی، اجتماعی و انسانی هستند، فرصت را مناسب دیده بار دیگر علاقمندی حزبمان به تقویت و گسترش روابط و همکاری با شما را اعلام کنیم. این همکاری ها بویژه پس از حضور هیئت نمایندگی سازمان شما در کنگره سراسری حزب ما بیش از پیش گسترش یافته و همین جا از حضور نمایندگان شما در کنگره

مان سپاسگزاریم

با گرمترین درود ها!

خوش کار باشید

هیئت رهبری حزب کمونیست های ایتالیا

پیام

حزب چپ سوئد

به کنگره فدائیان خلق ایران «اکثریت

رفقای عزیز

ما سالهای متمادی مبارزه مردم ایران علیه اختناق آخوندی را دنبال کرده ایم. مردم ایران در این مبارزه روز بروز آبدیده تر شده و هر زمان اهداف بارزتری چون دموکراسی، برابری اجتماعی و احترام به حقوق بشر را فرا روی خود قرار می دهند.

در سالهای حکومت روحانیون در ایران، ما شاهد انحصارطلبی، ناتوانی فساد و ضعف مدیریت بوده ایم. بیکاری به طور دائم افزایش یافته است.

حقوق ها پرداخت نمی شود و اعتصاب ها سرکوب می گردد. دانشجویان و جوانان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان افتاده و شکنجه می شوند. نویسندگان و روشنفکران شکنجه شده و به قتل می رسند. نمایندگان مجلس و پارلمان به علت سخنرانی در مجلس دستگیر شده، زنانی را که به خاطر آزادی خویش و حقوق برابر مبارزه کرده اند، تحت پیگرد قرار می دهند. چنین رژیم برای همیشه پایدار نخواهد ماند و حیات آن هر چه بیشتر به تنفس مصنوعی ای که اعمال خشونت را فراهم می کند متکی می گردد. چنین رژیمی به خودی خود سرنگون نخواهد شد. این رژیم سرنگون نخواهد شد مگر با یک آلترناتیو واقعی که بر اراده و خواست توده های مردم استوار باشد.

در هر حال قدرت ها و نیرو های سیاسی وجود دارند که تلاش می کنند از وضع موجود ایران به سود خود بهره گیری کنند. قدرتهایی که ایران را به مثابه حومتی خشن یا حکومتی مشکوک معرفی می کند. دستگاه حکومتی در ایران تحت رهبری کسانی است که وضعیت وخیمی را برای مردم پدید آورده اند. اما این امر به هیچ وجه توجیهی برای تحمیل جنگ یا شبه جنگ به ایران نیست. این امر تنها می تواند به بروز مشکلات بیشتر و تحمل مصیبت های عظیمتر به مردم ایران منجر گردد.

ما واقف هستیم که شما، همراه سایر نیرو های داخلی و خارجی از ایران، در این تلاش سنگین و پرکار برای یافتن و شکل بخشیدن به راهی نو برای جامعه ایران و آینده مردم ایران مشارکت دارید

برای شما در مبارزه تان بهترین آرزوها را داریم.

دوستدار شما

آن ماری اوگاره

دبیر بین الملل حزب چپ سوئد

پیام حزب چپ سوئد

منطقه وست مان لند

دوستان و رفقای عزیز

حزب چپ سوئد در منطقه ی وست مان لند سلام های گرم و صمیمانه خود را به شما تقدیم میکند. و آرزوی کنگره ای موفق و پر بار را برای شما دارد

با درود های سوسیالیستی

تانیا لیندبوری

سخنگوی کمیته ی شهر وست مانلند

پیام حزب کمونیست کانادا

شادباشهای ما به هفتمین کنگره فدائیان «اکثریت»

رفقای گرامی!

از طرف کمیته ی مرکزی حزب، خوشبختیم که گرمترین شاد باش های خود را به مناسبت برگزاری کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» نثار شما نماییم. ما مطمئن هستیم که ماموریت شما با موفقیت توأم خواهد بود

رفقای گرامی!

کنگره شما در مقطعی از زمان برگزار می شود که مردم ایران و جهان در لحظات حساس و بحرانی بسر می برند، امپریالیسم آمریکا، کشور شما و بعضی کشورهای دیگر را تهدید به بکار گیری سلاح اتمی بر علیه آنان نموده است. علیرغم اختلافاتی که بین دو حکومت ایران و آمریکا می تواند وجود داشته باشد، بکارگیری ویا تهدید به بکار گرفتن سلاح اتمی، سلاحی که کشنده ترین و مرکبار ترین وسیله کشتار جمعی است، قابل سرزنش و به هیچ رو پذیرفتنی نیست. حزب کمونیست کانادا همواره مخالف سیاست ها و روش های دولت بوش بوده است. و مخالف آنچه که طرح و رؤوس تز

معروف او ((مثلث شیطان)) نام گرفته می باشد و در حقیقت چگونگی تجدید نظر در بکارگیری سلاح های اتمی می باشد.

حزب ما سازمان ملل و اعضای آن را با تمامی نیرو های صلح در سرتاسر جهان را فرا می خواند تا این گونه سیاستهای خطرناک و تحریک کننده را بلافاصله و بدون شک و تردید محکوم نمایند.

پیشامدهایی که در سیر زندگی مردم جهان پس از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و اقمار سوسیالیستی اتفاق افتاده است، بخصوص پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، کافی هستند که به ما یاد آوری کنند که امپریالیسم هیچگاه در اصول و باورهای چپ گرانه و استثمار گرانه خود معتدل نخواهد شد.

محو اتحاد جماهیر شوروی و زنه ای در معادلات بین المللی، به امپریالیسم این اجازه را داد که هر چه بیشتر غرنگر، ضد دموکراتیک ن و جنگ طلب شود. امروزه سرمایه مالی جهانی و سیستم امپریالیستی - در راس آن آمریکا - به عنوان دشمنان اصلی بشریت قد علم کرده اند، آنها:

- نیروی عمده در بهره برداری و استثمار نیروی کار و ثروت اجتماعی
 - چپاول گر اصلی منابع طبیعی و محیط زیست
 - نقض کننده حقوق دموکراتیک و آزادی مردم
 - متجاوزکارترین دشمن حاکمیت و استقلال ملت ها و
 - اصلی ترین تهدید علیه صلح منطقه ای و جهانی می باشند.
- انتخاب نهایی انسانها، امروز بین سرمایه داری و بقا است، چیزی که شاید قبلا نبوده است.

آلترناتیو میانی دیگر در برابر سرمایه داری مدرن به غیر از سوسیالیسم ناب و خالص وجود ندارد.

حزب ما قویا اعتقاد دارد که این دوره بسیار مشکلی که شما با آن مواجه هستید، احتیاج به یک وحدت همه گیر بین نیروهای دمکراتیک و مترقی چه در سطح ملی و چجه در سطح بین المللی دارد که از هر زمان دیگری مبرم تر است.

با چنین روحیه ای ما بهترین آرزوهای خود را به سازمان شما در جهت تحقق شعار دمکراسی و ضد امپریالیسم در میان مردم ایران که در دو وجه ارتجاع داخلی و فشارهای امپریالیسم مبارزه میکنند، اعلام می داریم و آرزوی پیروزی شما را در ایجاد یک ایران متحد با دمکراسی واقعی سکولار را داریم.

ما همچنین خواستار داشتن روابط عمیق تر مابین سازمانهایمان به مثابه یک کوشش همه جانبه در راه تحقق همکاری های پر دامنه و حرکت متحد بین المللی برای دستیابی به صلح و سوسیالیسم هستیم.

بار دیگر گرمترین درود های رفیقانه ی ما به رهبری، هئیت ها و اعضای سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» را بپذیرید، با آرزوی فراوان جهت برگزاری موفقیت آمیز کنگره تان.

ارادتمند

میگل فیگورا

هئیت اجرایی کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا

پیام حزب کمونیست

چپ متحد اسپانیا

چپ متحد

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

احمد فرهادی

رفیق عزیز

دعوت صمیمانه شما را برای شرکت در هفتمین کنگره سازمانتان را که در تاریخ بیست و نهم مارس آغاز می شود دریافت کردیم.

ریاست فدرال چپ متحد اسپانیا بدین وسیله صمیمانه ترین آرزوهایش را برای موفقیتکار کنگره تان به شما ابلاغ می کند. به این باور هستیم که نتایج کار کنگره شما سهم ارزنده ای در پیکار برای صلح ودموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی و در عین حال در راه اتحاد وسیع نیرو های دمکرات و مردمی ایران خواهد داشت. در عین حال

اعتقاد داریم که برگزاری هفتمین کنگره شما به معنای تشدید مبارزه علیه تروریسم، امپریالیسم و گلوبالیزاسیون نئولیبرال بخاطر حل صلح آمیز منازعات، بخاطر هم زیستی و صلح عادلانه و همیشگی خاور نزدیک که شرط اول آن تحقق خواست های قانونی خلق فلسطین می باشد خواهد بود.

با خواست اینکه در آینده نزدیک اطلاعات کافی در رابطه با بحث های انجام شده در کنگره و قرارها و مصوبات آن داشته باشیم.

رفقای عزیز! سلام های صمیمانه و همبسته ما را بپذیرید.

نماینده ی پالمان اروپا

پدرو ماریت

دبیر روابط بین المللی

پیش نویسی اسناد

www.iran-archive.com

پیش نویسی اسناد

پیش نویسی اساسنامه

طرح پیش نویسی اساسنامه ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

نگارش دوم

نگارش اول

کارپایه سازمانی فدائیان خلق ایران «اکثریت»

چند پیشنهاد برای اساسنامه سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیش نویسی های سند سیاسی

اصلاحات، سیاست ها و راهکارها

نگارش دوم

نگارش اول

اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست های سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

نگارش دوم : ترکیب دو سند

نگارش اول

یادداشت تکمیلی

برآمدی دیگر ، روالی دیگر

برنامه ی راهکارهای سیاسی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

برای تداوم جنبش اصلاحات در دو سال آینده

نگارش دوم

نگارش اول

جنبش مدنی و اصلاح طلبانه ی مردم ایران

نگارش دوم

نگارش اول

حذف ولایت فقیه و رفراندم برای تغییر قانون اساسی

نگارش دوم : ترکیب دو سند

نگارش اول

خط مشی پیشنهادی به کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سند پیشنهادی به کنگره هفتم سازمان

اساسنامه

اساسنامه ی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیشنهاد کمیسیون تدوین اساسنامه ی منتخب شورای مرکزی برای تصویب در کنگره

هفتم

www.iran-archive.com

فهرست

فصل نخست: سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

فصل دوم: بنیان های زندگی حزبی در سازمان

فصل سوم: عضویت

1- کلیات

2- شرایط عضویت

3- پذیرش عضویت

4- پایان عضویت

5- وظایف و حقوق عضو

فصل چهارم «فراکسیون ها و گرایش های فکری

فصل پنجم: ساختار تشکیلات

- 1- کلیات
- 2- سازمان پایه
- 3- کنگره
- 4- شورای مرکزی
- 5- هیئت داروی و کنترل
- 6- هیئت سیاسی- اجرایی
- 7- گروه های کار
- 8- شرایط عضویت در ارگانهای مرکزی

فصل ششم: همه پرسی و نظر سنجی

فصل هفتم: فدائیان جوان، رفقای غیر تشکیلاتی و نهادهای مدنی همجهت با سازمان

فصل هشتم: امور مالی سازمان

فصل نهم: بخش پایانی

فصل نخست:

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

1-1 سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» بخشی از جنبش فدائیان خلق ایران است که پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ آمریکا و شاه در روند پیکار با رژیم دیکتاتوری از جنبش تاریخی آزادیخواه و عدالت جوی چپ ایران برخاست و در ۱۹ بهمت ماه ۱۳۵۹ در جنگل های سیاهگل با نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران موجودیت خود را آشکار کرد. فدائیان خلق ایران همواره علیه استبداد و نابرابری های اجتماعی - طبقاتی و در راه

آزادی و دموکراسی، صلح، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم پیکار کرده، شدیدترین مصائب را منحمل شده و بسیاری از آنان جان باخته اند.

2-1 سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» تشکل داوطلبانه ی کسانی است که به منظور تلاش هماهنگ در راه آرمانها و اهداف سیاسی و اجتماعی ای که به رای خود برگزیده اند گرد هم آمده اند و سازمان را بر اساس رای اکثریت، با تضمین حق انتقاد و آزادی بیان افراد و گرایش ها، اداره میکنند.

3-1 سازمان مدافع دموکراسی، پیشرفت، عدالت اجتماعی، سوسیالیسم، صلح، استقلال کشور، برابر حقوقی همه ی ملل جهان حقوق بشر، آزادی اندیشه، و اعتقاد به جدایی دین از دولت و مخالف هرگونه سیادت ایدولوژیک و هر شکل از دیکتاتوری، تبعیض طبقاتی، ملی، جنسی، نژادی، مذهبی، و عقیدتی است سازمان در مبارزه ی طبقاتی عینی و واقعی در اردوی کار مبارزه میکند. حفظ محیط زیست، یکی از آماج های اصلی برنامه ی سیاسی سازمان است.

4-1 سازمان حاکمیت و قدرت را ناشی از آزاده ی مردم می داند و به مردم سالاری برپایه ی رای و انتخاب آزادانه ی مردم در تعیین دولت، به محدودیت زمانی قدرت به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز آن به و به نظام چند حزبی معتقد است. سازمان معتقد به برابری و هم زیستی برابر حقوق ملیت های مختلف میهن مان در چارچوب ایران واحد و خواهان اختیارات سیاسی فرهنگی و اجتماعی وسیع برای آنها هست و اشکال غیر متمرکز اداره ی جامعه از جمله فدرالیسم را ضامن تامین حقوق همه ی ملیت های کشورمان میداند.

5-1 سازمان مدافع همبستگی بین المللی در دفاع از صلح، محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه ی جهان کنونی و سلطه طلبی کشورهای سلطه جوی سرمایه داری و تلاش عممی برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی هست و مبارزات آزادیخواهانه ی مردم سایر کشورها حمایت می کند.

6-1 سازمان در راه تحقق ارزش های فوق پیکار میکند و سوسیالیسم را به عنوان آرمان والای خود که تجسم چنین ارزش ها و تمایلات انسانی است میداند.

سوسیالیسم برای سازمان نه یک غایت تاریخی، بلکه مبارزه ای هدفمند برای فرا رفتن از مناسبات سرمایه داری است. از نظر سازمان جامعه ی سوسیالیستی جامعه ای است بر پایه

سیستم خود گردانی، دموکراسی وسیع، همبسته، آشتی جو و عاری از قهر. سازمان مبارزه برای ارزش های سوسیالیستی را کار همین امروز می داند. (پانویس) اسناد مبین آرمان ها و اصول برنامه ی سازمان، دیدگاهها و آماج ها" برای دموکراسی و عدالت اجتماعی" تزهایی در باره ی مسئله ی ملی" برای تامین حقوق زنان" و جهان و جایگاه ما" ضمیمه ی این اساس نامه است.

فصل دوم

بنیان های زندگی حزبی در سازمان

- ۱-۲ دموکراسی و رعایت متقابل حقوق اقلیت و اکثریت.
- ۲-۲ تنوع فکری و وحدت عمل.
- ۲-۳ حق فعالیت فراکسیون ها و گرایش های اندیشه ای و سیاسی در چارچوب آرمانها و اهداف سازمان.
- ۲-۴ برابر حقوقی تمام اعضای سازمان.
- ۲-۵ انتخابی بودن تمام ارگانهای رهبری و مسئولین در تمام سطوح و پاسخگو بودن آنان در رابطه با کارکردهایشان.
- ۲-۶ شناسایی حق اتخاذ تصمیم از جانب تشکیلات منطقه ای در چارچوب مصوبات کنگره در حوزه ی مسئولیت خود.
- ۲-۷ انتشار نظرات مخالف تصامیم ارگانی.

فصل سوم:

عضویت

3-1 کلیات:

عضویت در سازمان رابطه ای است داوطلبانه، دو جانبه و متقابل بین داوطلب عضویت و سازمان. داوطلب عضویت درخواست خود را به سازمان ارائه می دهد و با اعلام پذیرش از طرف سازمان به عضویت آن در می آید.

۲-۳ شرایط عضویت:

- ایرانی بودن.
- حداقل سن ۱۸ سال.
- پذیرش آرمانها و اصول برنامه ای سازمان.
- داشتن دو معرف از اعضای سازمان.

۳-۳ پذیرش عضویت:

۱-۳-۳ ارگان مسئول پذیرش عضویت موظف است طی یک ماه شرایط متقاضی را بررسی و در صورت وجود شرایط ذکر شده در این اساسنامه متقاضی را به عضویت پذیرفته و پس از کسب تایید شعبه به فرد داوطلب اطلاع دهد.

۲-۳-۳ در صورتی که در خواست داوطلبی رد شده باشد او می تواند بهیئت داوری و کمنرل شکایت کند. هیئت داوری و کنترل حداکثر طی دو ماه به موضوع رسیدگی کرده و تصمیم نهایی را می گیرد.

۳-۴ پایان عضویت:

۱-۴-۳ عضویت در سازمان با کناره گیری شخصی یا بانصمیم شعبه تشکیلات و تائید هیئت داوری و کنترل پایان می یابد.

۲-۴-۳ کسی که عضویت اش بهتصمیم ارگانهای رهبری سازمان پایان یافته می تواند به کنگره ی بعدی شکایت کند.

۵-۳ - حقوق عضو:

- ارائه ی آزادانه ی دیدگاهها و پیش نهادها درزمینه های مختلف.
- آگاهی از دیدگاهها و پیشنهادهای دیگران در سطوح مختلف سازمان و هم فکری و مکاری با دیگر اعضای سازمان برای تنظیم سند و ارائه به ارگان ها برای بررسی و تصویب.
- نامزدی برای پذیرش مسئولیت های سازمانی و رای آزادانه به نامزدهای دیگر.
- آگاهی از فعالیت های و تصمیمات ارگانهای سازمان و انتقاد از کلیه ی ارگانها و تصامیم حزبی، پی گیری و پاسخ خواهی در مورد آنها.
- انتشار دیدگاهها و انتقادات خود در باره ی همه ی زمینه های زندگی سازمان در رسانه های سازمانی و غیر سازمانی.

۳-۶ وظایف عضو:

- پرداختن حق عضویت.
- رعایت اسانامه
- کوشش در راستای ((آماج ها و دیدگاهها)) و اصول برنامه‌ی سازمان،
- برخورد مسئولانه فعال و انتقادی با ارگانها، مسئولین، اعضا و کلیه ی مسائل سازمان

فصل چهارم:**فراکسیون ها و گرایش های فکری**

- ۱-۴ اعضای سازمان مجازند با هر عضو دیگر سازمان در هر جای تشکیلات برای تنظیم اسناد و ارائه به ارگانها جهت بررسی و تصویب، یا برای مشورت در رابطه با هر موضوع سازمانی از جمله تعیین و معرفی نامزد برای انتخابات مختلف هم فکری و هم کاری کنند.
- ۲-۴ فراکسیون ها و گرایش های مختلف فکری در سازمان حق دارند نظراتشان را در ارگانهای سازمانی انتشار داده و از ارگانهای رهبری خواستار انتشار نظرات مخالف تصامیم ارگانی گردند. در این صورت کلیه ی فرمولبندی های ارائه شده الزاما همراه با درصد آرای آنها ضمیمه گزارش تصمیمات می گردند.
- ۳-۴ تصمیماتی که در ارگانهای سازمانی، بر مبنای موازین اساسنامه و آیین نامه های معتبر سازمانی با رای اکثریت مجاز اتخاذ می شوند تصمیمات ارگانی محسوب می گردند.
- ۴-۴ در اکثریت و اقلیت قرار گرفتن در سازمان مبارزه ی سیاسی - اندیشگی و به لحاظ زمانی موقتی و گذرا تلقی می شود و هیچ عضو با راگانی مجاز به ایجاد مانع در راه تلاش متکی بر اساسنامه ی اقلیت برای تبدیل به اکثریت نیست.
- ۵-۴ انتشار دیدگاهها و انتقادهای خود در باره ی همه ی زمینه های زندگی سازمان در رسانه های سازمانی و غیر سازمانی حق هر عضو و هر گرایش فکری در سازمان است ولی هیچ عضو سازمانی و هیچ گرایش فکری مجاز نیست سیاسی مخالف سیاست رسمی سازمان را برای اجرا به جامعه عرضه کند.

فصل پنجم:

ساختار تشکیلات

4-1 - کلیات:

1-5 - هنگامی که امکان فعالیت متشکل سازمان در داخل کشور فراهم شود ساختار تشکیلات سازمان بر پایه ی تقسیمات کشوری و سند تزهایی در باره ی مسئله ی ملی " مصوبه ی کنگره ی ششم " انطباق خواهد یافت. در بخش حاضر ساختار سازمان با توجه به وضع فعلی فعالیت آن در خارج از کشور مورد نظر قرار دارد.

2-1-5 - اعضای سازمان در خارج از کشور برای فعالیت های سازمانی در واحدهای جغرافیای، که در سازمانهای پایه در خارج از کشور هستند، و گروه های کار متشکل می شوند. ارتباط در این ساختار را میتوان شبکه ای نامید(گروههای کار عمودی، حوزه ی جغرافیایی افقی). ارتباط اعضای سازمان پایه و گروههای کار با استفاده از ترکیبی از دفاتر یاباشکاهای حزبی و ابزارهای ارتباطی دیگر از قبیل اینترنت قابل تامین می باشد.

2-5 - سازمان پایه:

1-2-5 - سازمان پایه در تشکیلات خارج از کشور برابر است با واحد جغرافیایی، محدوده ی یک واحد جغرافیایی، که می تواند شهر، منطقه(مجموعه ای از چند شهر) و یا کشور باشد، را اعضای سازمان ساکن در آن محدوده تعیین کرده و به تائید شعبه ی تشکیلات می رسانند.

2-2-5 - هر سازمان پایه برای خود مسئول، و در صورت نیاز و متناسب با تعداد اعضای خود هیئت مسئولین انتخاب می کند.

3-2-5 - سازمان پایه از رفقای غیر تشکیلاتی برای شزکت در بحث های سیاسی و نظری در تشست های خود دعوت می کنند.

3-5 - کنگره:

1-3-5 - کنگره عالی ترین ارگان سازمان و متشکل از جمع نمایندگان تمام اعضای سازمان است و اختیار کامل تصمیم گیری و لغو یا تغییر هر تصمیم پیشین در تمام امور سازمانی، یعنی تعیین سیاست و خط مشی سیاسی و تشکیلاتی، انتخاب ارگانها و مسئولین یا عزل آنها، نظارت و کنترل بر تمام امور حزبی و دسیدگی به اختلافات را دارا است.

۲-۳-۵ _ تصمیم گیری در مورد امور اساسنامه ای، اسناد مربوط به آماج ها و دیدگاهها و برنامه ی سازمان با حداقل دو سوم آرای اعضای کنگره و در دیگر موارد طبق آئین نامه ی کنگره انجام می گیرد.

۳-۳-۵- کنگره های عادی هر دو سال یک بار و کنگره ی فوق العاده به درخواست یک سوم اعضای سازمان یا یک سوم اعضای شورای مرکزی، با ذکر دستور کار و حداکثر تا سه ماه پس از تاریخ درخواست ، برگزار میشود.

۴-۳-۵- مصوبات کنگره های سازمان تا زمانی که توسط کنگره ی دیگری کنار گذاشته نشوند معتبر هستند.

۵-۳-۵- ارگان برگزار کننده ی کنگره های سازمان ترتیب حضور وسیع رفقای غیر تشکیلاتی علاقمند را بهعنوان مهمان، فراهم می آورد.

۴-۵- شورای مرکزی:

۱-۴-۵- شورای مرکزی سازمان منتخب کنگره وعلیترین ارگان فراگیر برگمارنده ی کنترل کننده و سیاستگذار، در چهارچوب مصوباتکنگروه، در فاصله دو کنگره است و در مقابل کنگره پاسخ گو می باشد. کنگره شورا از به گونه ای انتخال می کند که گرایش های فکری - سیاسی تقریباً به نسبتی برابر با کنگره در ا حضور داشته باشند.

۲-۴-۵- شورای مرکزی دارای اختیارات و وظایف زیر است:

- سیاست گذاری های عمومی و تصمیم گیری های سیاسی حیاتی . تشخیص مسایل سیاسی اجتماعی، که تصمیم گیری شورا را نیازمند باشد با اجلاس شورا است.

یک سوم اعضای شورا می توانند اجلاس فوق العاده ی شورا را برای تصمیم گیری در این مورد فرا خوانند.

- انتخاب، تجدید انتخاب و ترمیم هیئت سیاسی- اجرایی.

- کنترل و نظارت بر هیئت سیاسی- اجرایی و بحث، اظهار نظر پیرامون گزارش آن.

- تصویب برنامه فعالیت های آتی هیئت سیاسی- اجرایی و بودجه ی آن

- برگزاری کنگره و تهیه طرح اسناد لازم و انتشار آنها برای بحث و تبادل نظر تا چهار ماه پیش از زمان برگزاری کنگره

- قرار دادن سیمتاتیک و مرتب اعضای شورا در جریان کار.

- ارائه ی گزارش از فعالیت کل سازمان به کنگره.

۳-۴-۵- شورای مرکزی دارای ۲۱ عضو و تعدادی مشاور است.

۴-۴-۵- مشاوران شورا عبارتند از مسئولین گروه های کار مرکزی و اعضای شورای سردبیری رسانه های مرکزی هرگاه عضو شورا نباشد و منتخبین سازمانهای کشوری. هر سازمان کشوری تا یک ماه پس از پایان کار کنگره، از بین خود رفیقی را که پذیرای مشاورت شورا برای دوره ی بین دو کنگره بوده و هم چنین پذیرای شرکت در همه ی نشست های عادی و فوق العاده ی شورا (مگر به دلیل موجه) باشد به عنوان مشاور انتخاب و به شورا معرفی می کند. هزینه ی کامل شرکت در جلسات شورا از جانب واحد انتخاب کننده تامین می شود. بدیهی است این هزینه نباید از محل نهادهای مالی واحدهای سازمانی در برابر هئیت سیاسی- اجرایی باشد.

۵-۴-۵- شورای مرکزی سازمان هئیت رئیسه ی سه تا پنج نفره ی دائم دارد. شورا هئیت رئیسه ی خود را به گونه ایانتخاب می کند که از هر گرایش فکری- سیاسی یک نفر در آن حضور داشته باشد. اعضای هئیت رئیسه شورا نمی توانند برای عضویت در هئیت - سیاسی- اجرایی یا مسئولیت آن کاندیدا شوند. شورا از بین اعضای هئیت رئیسه یک نفر را به عنوان مسئول شورا و در عین حال مسئول هئیت رئیسه انتخاب می کند. در صورت تأیید شورا اعضای هئیت رئیسه این مسئولیت را به صورت گردشی به عهده می گیرند.

۶-۴-۵- شورا مرکزی حق دارد با دو سوم آرای و حداکثر به اندازه یک سوم تعداد اعضای امنخابی خود اولیه خود را ترمیم کند.

۷-۴-۵- اعضای شورای مرکزی با حق رای در کنگره آتی سازمان شرکت خواهند کرد. اعضای مشاور در صورت عدم انتخاب در واحد مربوطه بدون حق رای درکنگره آتی سازمان حق شرکت خواهند داشت.

۵-۵- هئیت داوری و کنترل:

۱-۵-۵- کنگره از بین اعضای داوطلب سازمان، مستقل از حضور در کنگره ۷ نفر را به عنوان اعضای هئیت داوری و کمنرل برای دوره ی زمانی بین دوکنگره انتخاب میکند. شیوه ی انتخاب ساده است و حائزین دوسوم آرای موافق کنگره اعضای هئیت داوری و کنترل محسوب میگردند.

۲-۵-۵- اعضای هیئت داوری و کنترل نمیتوانند عضو هیئت رئیسه ی شورا یا هیئت سیاسی- اجرایی شوند .

۳-۵-۵- هیئت داوری و کنترل دارای اختیارات و وظایف زیر اسن:

- نظارت بر اجرای اساسنامه

- نظارت و کنترل امور مالی بصورت مستقیم یا از طریق انتخاب هیئت نظارت مالی

- رسیدگی و داوری در مورد کلیه ی شکایت های محوله علیه اعضا یا ارگانهای سازمان- تصمیم گیری در مورد اختلافات مربوط به عضویت و پایان دادن به عضویت .

۴-۵-۵- هیئت داوری و کنترل آیین نامه ای برای فعالیت خود تنظیم و به تصویب اجلاس مشترک شورای مرکزی و هیئت داوری و کنترل می رساند. اگر کنگره ی بعدی تغییر یا اصلاح این آیین نامه را در دستور قرار ندهد به معنای تأیید آن می باشد.

۵-۵-۵- فقط کنگره حق اتخاذ تصمیم در مورد تصمیم هئات داوری و کنترل را دارد.

۶-۵-۵- اعضای هئات داوری و کنترل با حق رای در کنگره ی آتی سازمان حق شرکت خواهند داشت.

۶-۵- هیئت سیاسی - اجرایی:

۱-۶-۵- هئات سیاسی - اجرایی سازمان منتخب شورای مرکزی و مسئول هدایت سیاسی- تشکیلاتی سازمان در چهارچوب مصوبات کنگره و شورای مرکزی است و هر یک از اعضای آن یکی از مسولیت های مرکزی را به عهده خواهد گرفت.

شیوه ی انتخاب چنان است که گرایش اکثریت به تنهایی یا در اعتلاف با گرایشی دیگر، مسولیت هیات سیاسی- اجرایی را به عهده می گیرد. شورا از میان اعضای داوطلب خود برای عضویت در هیئت سیاسی- اجرایی به صورت ساده اعضای هیئت را برمی گزیند.

هر عضو هیت یاسی- اجرایی در این انتخاب باید حائز اکثریت مطلق آرای همه ی اعضای شورا شود. در صورت عدم احراز اکثریت مطلق برای ۷ نفر، برای انتخاب افراد باقی مانده دوباره اقدام می شود. انتخاب مسئول هیت سیاسی- اجرایی به صورت مستقل توسط شورا انجام می گیرد. نتیجه ی انتخابات پس از اعلام پذیرش نتایج از جانب تمام افراد انتخاب شده قطعیت می یابد. در صورتی که فردی اعلان انصراف کند شورا فردی دیگر را به جای او انتخاب میکند.

- ۲-۶-۵ - هئیت سیاسی - اجرایی دارای اختیارات و وظایف زیر است:
- تعیین مواضع سازمان در قبال رویدادهای کشور
 - نمایندگی سازمان در رابطه با دیگر نیروهای سیاسی، تعام از ایرانی و خارجی.
 - هدایت و هماهنگی فعالیت گروه کار، واحد های محلی و دیگر ارگان های سازمان،
 - تهیه برنامه فعالیت های سازمان در فاصله دو کنگره و بودجه های مربوطه.
- ۶-تهیه مرتب و پرودیک گزارش از کار های هئیت برای شورا و تشکیلات، حداکثر هر ۶ ماه یکبار.
- تحقیق و تفحص پیوسته در رابطه با شیوه ی اداره ی موثرتر سازمان.
- ۳-۶-۵- هئیت سیاسی - اجرایی از ۷ عضو شورا تشکیل می شود.
- ۴-۶-۵- مسئول شعبه ی تشکیلات (هرگاه عضو هئیت سیاسی - اجرایی نباشد) مشاور هئیت است.
- ۵-۶-۵- مسئول هئیت سیاسی - اجرایی توسط شورای مرکزی برگزیده می شود؛
- ۶-۶-۵- در فاصله ی جلسات هئیت سیاسی - اجرایی هر مسئول موظف به پی گیری کارهای مربوطه و مسئول هئیت موظف به پی گیری کلیه کارهای مرکزی سازمان ، از جمله انجام درست و بهنگام وظایف اعضای هئیت میباشد.
- ۷-۵- گروه های کار:
- ۱-۷-۵- عضویت در گروه های کار داوطلبانه است. گروه های کار می توانند به تعداد نامحدود و عضو داشته باشند و هر عضو سازمان می تواند هم زمان در چند گروه کار عضو باشد.
- ۲-۷-۵- شعبه ی تشکیلات (گروه کار تشکیلات سازمان به نام شعبه تشکیلات خوانده می شود) سازمان موظف است، همزمان با آغاز کار ارگانهای مرکزی سازمان، طی همه پرسی از اعضای سازمان فهرستی از علاقمندان به عضویت در گروه های کار را تهیه و در اختیار سرپرستان گروه های کار قرار دهد.
- ۳-۷-۵- هییت سیاسی - اجرایی، حداکثر تا نشست دوم خود، مسئولیت گروه های کار را بین اعضای خود تقسیم و برای گروه های باقی مانده از خارج از هئیت مسئول انتخاب می کند. جز در مواردی ویژه ی مورد تائید شورا هیچ کس مجاز نیست مسئولیت بیش از یک گروه کار را داشته باشد.

۴-۷-۵- مسئولین گروه های کار حداکثر تا سه ماه پس از پذیرش مسئولیت گروه کار خود را سازمان دهی می کنند. برای سازمان دهی گروه های کار آیین نامه ی جداگانه ای از طرف هیئت سیاسی- اجرایی تدوین و به تصویب شورا خواهد رسید.

۵-۷-۵- گروه های کار از تخصص و تجربه ی رفقای غیر تشکیلاتی در حوزه ی کاری خود بهره مند شده و از آنان برای شرکت در بحث های تخصصی نشست خود دعوت می کنند.

۸-۵- شرایط عضویت در ارگانهای مرکزی:

۱-۸-۵- برای عضویت در شورای مرکزی و هیئت داوری داشتن دست کم ده سال سابقه ی عضویت در سازمان و تائید کاندیداتوری توسط پنج عضو باده سال سابقه ی عضویت در سازمان ضروری است.

۲-۸-۵- برای عضویت در هیئت های مسئولین سازمان های پایه، سازمان های کشوری و گروه های کار، همچنین برای مشاورین شورا، داشتن دست کم پنج سال سابقه ی عضویت در سازمان و تائید کاندیداتوری توسط سه عضو با پنج سال سابقه ی عضویت در سازمان ضروری است.

۳-۸-۵- نامزد عضویت در هیئت سیاسی- اجرایی باید از پذیرش دستکم یکی از مسئولیت های مرکزی باشد.

۴-۸-۵- نامزد پذیرش هر مسئولیت باید زمان ، تجربه دانش و امکانات کافی برای آن مسئولیت داشته باشد.

فصل ششم:

همه پرسی و نظر سنجی

۱-۶- درموردی بنا به تصمیم کنگره، شورا ، یا هیئت سیاسی- اجرایی اتخاذ، اصلاح و یا اجرای تصمیم به همه پرسی از کلیه ی اعضای تشکیلات موکول می شود.

در صورتی که یک سوم از اعضای تشکیلات درخواست همه پرسی کنند؛شورا موضوع را بررسی و تصمیم لازم را اتخاذ می کند.

- ۲-۶ - شورای مرکزی یا هیئت سیاسی - اجرایی مجازند بنا به تشخیص خود برای آگاهی از نظرات اعضای سازمان اقدام به نظرخواهی کنند. نتیجه ی نظر سنجی برای دستگاه مرکزی سازمان تعهد آور نیست.
- ۳-۶ - هیئت سیاسی - اجرایی آیین نامه ی همه پرسی و نظر سنجی را تنظیم خواهد کرد.

فصل هفتم:

فدائیان جوان، رفقای غیر تشکیلاتی

و نهادهای مدنی هم جهت با سازمان

- ۱-۷ - هیئت سیاسی - اجرایی موظف است سازماندهی فدائیان جوان و امکان فعالیت آنان در شرایط فعلی را فراهم کند و نتیجه را به اطلاع شورا و کنگره آتی برساند.
- ۲-۷ - در شرایط کنونی بسیاری از اعضا و فعالین باسابقه ی سازمان، به دلایل گوناگون، آمادگی کار تشکیلاتی ندارند ولی کماکان خود را فدایی می دانند و نگران سیاست ها و تاکتیک های سازمان هستند. کلیه ی ارگانهای سازمان موظف هستند ضمن حفظ ارتباط تنگاتنگ با این رفقا، آنان را بنا به تمایل و امکانات خودشان در فعالیت های سازمان دخالت دهند.
- ۳-۷ - علاوه بر رفقای فوق هستند کسانی که علاقمند به سیاست ها و مشی سازمان بوده ولی آمادگی پذیرش تعهدات متقابل اساس نامه ای و تمایل به عضویت در سازمان را ندارند. ارگانهای سازمان با هر یک از این رفقا که دو معرف از اعضای سازمان داشته باشند در سطح تمایل و امکانات خودشان ارتباط برقرار کرده و در فعالیت های سازمان دخالت می دهند.
- ۴-۷ - ارگانهای سازمان هنگام نظر خواهی از اعضای سازمان در مورد اتخاذ تصمیم های سیاسی از رفقای غیر تشکیلاتی نیز نظر خواهی می کنند. هیئت سیاسی - اجرایی موظف است شیوه هایی برای تاثیر گذاری نتایج این نظر خواهی هادرنظر گرفته و نتیجه را به اطلاع شورا و کنگره برساند.

۵-۷- سازمان سندیکاهای، اتحادیه‌ها و دیگر انجمن‌های صنفی، فرهنگی، هنری و دیگر نهادهای مدنی را در انکشاف دموکراسی و تکامل جامعه بسیار موثر و ضرور شناخته و ضمن اعتقاد کامل به استقلال آنها از احزاب سیاسی، رابطه‌ی متقابل سازمان و این نهادها را به نفع گسترش دموکراسی در کشورمان می‌داند و اعضای خود را تشویق می‌کند در فعالیت‌های این نهادها مجدانه شرکت کنند. سهم معینی از کرسی‌های نمایندگی کنگره در اختیار نهادهایی قرار خواهد گرفت که سازمان فعالیت آنها را در راستای اهداف خود تشخیص می‌دهد.

۶-۷- تعیین روشهای علمی دیگر برای تاثیر دادن نظرات رفقای پیرامونی و نهادهای مدنی هم جهت با سازمان در تصمیم‌گیری‌های سازمان و تکامل دائمی این روشها وظیفه ارگانهای سازمان می‌باشد.

فصل هشتم: امور مالی

- ۱-۸- امکانات مالی سازمان براساس آیین‌نامه‌ی مالی توسط ارگانهای رهبری اداره می‌شوند. درآمدهای سازمان را حق عضویت‌های اعضا و کمک‌های مالی اعضا و دوستان سازمان و درآمدهای حاصل از دارایی‌های سازمان تشکیل می‌دهند.
- ۲-۸- برای تضمین فعالیت سیاسی سازمان، اعضای سازمان بر پایه‌ی درآمدهای حق عضویت می‌پردازند. میزان و سیوه‌ی پرداخت حق عضویت را آیین‌نامه‌ی مالی که به تصویب شورای مرکزی سازمان می‌رسد تعیین می‌کند.
- ۳-۸- تمام ارگانهای سازمان موظف هستند برای دوره‌ی فعالیت خود برنامه‌ی مالی (بودجه) تنظیم کنند. فقط در چارچوب این بودجه است که منابع مالی برای فعالیت در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

فصل نهم: بخش پایانی

- ۱-۹- تمام آیین‌نامه‌ها یا مجموعه‌ی مقررات دیگر در هر سطح از سازمان باید در انطباق با این اساسنامه باشند. در صورت بروز تناقض بروز حکم اساسنامه معتبر است.
- ۲-۹- این اساسنامه شامل ۹ فصل و ۷۹ بند به شمول این بند، در کنگره‌ی هفتم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تصویب شد و به مثابه قانون زندگی حزبی لازم‌الاجرا است.

طرح پیش نویس اساسنامه ی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت»

اشاره:

تصویب اساسنامه جدید در دستور کار کنگره هفتم سازمان ماقرار دارد شورای مرکزی کمیسیونی را برای تدوین اساسنامه و ارائه آن به کنگره انتخاب کرد. ((طرح)) حاضر حاصل کار کمیسیون است. این ((طرح)) جهت اظهار نظر انتشار می یابد.

از کلیه رفقا و علاقمندان تقاضا داریم نظرات و پیشنهادهای خود را به کمیسیون ندوین اساسنامه ارسال دارند. کمیسیون نظرات و پیشنهادهای رسیده را بررسی و طرح اساسنامه را مورد باز بینی قرار خواهد داد. مسئول کمیسیون تدوین اساسنامه - فرهای.

فهرست:

فصل نخست: سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

فصل دوم: بنیان های زندگی حزبی در سازمان

فصل سوم: عضویت

۱- شرایط عضویت

۲- پذیرش عضویت

۳- پایان عضویت

۴- حقوق عضو

وظایف عضو

فصل چهارم « فراکسیون ها و گرایش های فکری

فصل پنجم: ساختار تشکیلات

1- سازمان پایه

2- کنگره

3- شورای مرکزی

4- هیئت داروی و کنترل

5- هیئت سیاسی- اجرایی

6- گروه های کار

7- شرایط عضویت در ارگانهای مرکزی

فصل ششم: همه پرسی و نظر سنجی

فصل هفتم: فدائیان جوان، رفقای غیر تشکیلاتی و نهادهای مدنی هم جهت با سازمان

فصل هشتم: امور مالی

فصل نهم: بخش پایانی

فصل نخست: سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» بخشی از جنبش فدائیان خلق ایران است که پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ آمریکا و شاه در روند پیکار با رژیم دیکتاتوری از جنبش تاریخی آزادیخواه و عدالت جوی چپ ایران برخاست و در ۱۹ بهمت ماه ۱۳۵۹ در جنگل های سیاهگل با نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران موجودیت خود را آشکار کرد. فدائیان خلق ایران همواره علیه استبداد و نابرابری های اجتماعی - طبقاتی و در راه آزادی و دموکراسی، صلح، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم پیکار کرده، شدیدترین مصائب را منحمل شده و بسیاری از آنان جان باخته اند.

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» تشکیل داوطلبانه ی کسانی است که به منظور تلاش هماهنگ در راه آرمانها و اهداف سیاسی و اجتماعی ای که به رای خود برگزیده اند گرد هم آمده اند و سازمان را بر اساس رای اکثریت، با تضمین حق انتقاد و آزادی بیان افراد و گرایش ها ، اداره میکنند.

سازمان مدافع دموکراسی، پیشرفت، عدالت اجتماعی، سوسیالیسم، صلح، استقلال کشور، برابر حقوقی همه ی ملل جهان حقوق بشر، آزادی اندیشه، و اعتقاد به جدایی دین از دولت و مخالف هرگونه سیادت ایدئولوژیک و هر شکل از دیکتاتوری، تبعیض طبقاتی، ملی، جنسی، نژادی، مذهبی، و عقیدتی است سازمان در مبارزه ی طبقاتی عینی و واقعی در اردوی کار مبارزه میکند. حفظ محیط زیست، یکی از آماج های اصلی برنامه ی سیاسی سازمان است.

سازمان حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده ی مردم می داند و به مردم سالاری برپایه ی رای و انتخاب آزادانه ی مردم در تعیین دولت، به محدودیت زمانی قدرت به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز آن به و به نظام چند حزبی معتقد است. سازمان معتقد به برابری و هم زیستی برابر حقوق ملیت های مختلف میهن مان در چارچوب ایران واحد و خواهان اختیارات سیاسی فرهنگی و اجتماعی وسیع برای آنها هست و اشکال غیر متمرکز اداره ی جامعه از جمله فدرالیسم را ضامن تامین حقوق همه ی ملیت های کشورمان می داند.

7-1 سازمان مدافع همبستگی بین المللی در دفاع از صلح، محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه ی جهان کنونی و سلطه طلبی کشورهای سلطه جوی سرمایه داری و تلاش عمومی برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی هست و از مبارزات آزادیخواهانه ی مردم سایر کشورها حمایت می کند.

8-1 سازمان در راه تحقق ارزش های فوق پیکار میکند و سوسیالیسم را به عنوان آرمان والای خود که تجسم چنین ارزش ها و تمایلات انسانی است میداند.

سوسیالیسم برای سازمان نه یک غایت تاریخی، بلکه مبارزه ای هدفمند برای فرا رفتن از مناسبات سرمایه داری است. از نظر سازمان جامعه ی سوسیالیستی جامعه ای است بر پایه سیستم خودگردانی، دموکراسی وسیع، همبسته ، آشتی جو و عاری از قهر. سازمان مبارزه برای

ارزش های سوسیالیستی را کار همین امروز می داند. (پانویس) اسناد مبین آرمان ها و اصول برنامه ای سازمان، دیدگاهها و آماج ها" برای دموکراسی و عدالت اجتماعی" تزهایی در باره ی مسئله ی ملی" برای تامین حقوق زنان" و جهان و جایگاه ما" ضمیمه ی این اساس نامه است.

فصل دوم

بنیان های زندگی حزبی در سازمان

- دموکراسی و رعایت متقابل حقوق اقلیت و اکثریت.
- _ تنوع فکری و وحدت عمل.
- حق فعالیت فراکسیون ها و گرایش های اندیشه ای و سیاسی در چارچوب آرمانها و اهداف سازمان.
- برابر حقوقی تمام اعضای سازمان.
- انتخابی بودن تمام ارگانهای رهبری و مسئولین در تمام سطوح و پاسنخگو بودن آنان در رابطه با کارکردهایشان.
- شناسایی حق اتخاذ تصمیم از جانب تشکیلات منطقه ای در چارچوب مصوبات کنگره در حوزه ی مسئولیت خود.
- آزادی بیان عقیده وانتقاد از تمام ارگانها و تصمیم حزبی در سطح سازمان و جامعه.
- انتشار نظرات مخالف تصمیم ارگانی.

فصل سوم:

عضویت

:

عضویت در سازمان رابطه ای است داوطلبانه، دو جانبه و متقابل بین داوطلب عضویت و سازمان. داوطلب عضویت درخواست خود را به سازمان ارائه می دهد و با اعلام پذیرش از طرف سازمان به عضویت آن در می آید.

۱ شرایط عضویت:

- ایرانی بودن.
- حداقل سن ۱۸ سال.
- پذیرش آرمانها و اصول برنامه ای سازمان.
- داشتن دو معرف از اعضای سازمان.

۲- پذیرش عضویت:

- ارگان مسئول پذیرش عضویت موظف است طی یک ماه شرایط متقاضی را بررسی و در صورت وجود شرایط ذکر شده در این اساسنامه متقاضی را به عضویت پذیرفته و پس از کسب تایید شعبه به فرد داوطلب اطلاع دهد.

- در صورتی که در خواست داوطلبی رد شده باشد او می تواند به هئیت داوری و کنترل شکایت کند. هئیت داوری و کنترل حداکثر طی دو ماه به موضوع رسیدگی کرده و تصمیم نهایی را می گیرد.

۳- پایان عضویت:

- عضویت در سازمان با کناره گیری شخصی یا باتصمیم شعبه تشکیلات و تایید هئیت داوری و کنترل پایان می یابد.

-- کسی که عضویت اش به تصمیم ارگانهای رهبری سازمان پایان یافته می تواند به کنگره ی بعدی شکایت کند.

۴- - حقوق عضو:

- ارائه ی آزادانه ی دیدگاهها و پیش نهادها در زمینه های مختلف.
- آگاهی از دیدگاهها و پیشنهادهای دیگران در سطوح مختلف سازمان و هم فکری و همکاری با دیگر اعضای سازمان برای تنظیم سند و ارائه به ارگان ها برای بررسی و تصویب.
- نامزدی برای پذیرش مسئولیت های سازمانی و رای آزادانه و برابر به نامزدهای دیگر.
- آگاهی از فعالیت های و تصمیمات ارگانهای سازمان و انتقاد از کلیه ی ارگانها و تصامیم حزبی، پی گیری و پاسخ خواهی در مورد آنها.
- نوشتن و گفتن دیدگاهها و انتقادات خود در باره ی همه ی زمینه های زندگی سازمان در رسانه های سازمانی و غیر سازمانی.

۵- وظایف عضو:

- پرداختن حق عضویت.
- رعایت اساسنامه
- کوشش در راستای ((آماج ها و دیدگاهها)) و اصول برنامه ی سازمان،
- برخورد مسئولانه فعال و انتقادی با ارگانها ، مسئولین، اعضا و کلیه ی مسائل سازمان

فصل چهارم:**فراکسیون ها و گرایش های فکری**

- اعضای سازمان مجازند با هر عضو دیگر سازمان در هر جای تشکیلات برای تنظیم اسناد و ارائه به ارگانها جهت بررسی و تصویب، یا برای مشورت در رابطه با هر موضوع سازمانی از جمله تعیین و معرفی نامزد برای انتخابات مختلف هم فکری و هم کاری کنند.
- فراکسیون ها و گرایش های مختلف فکری در سازمان حق دارند نظراتشان را در ارگانهای سازمانی انتشار داده و از ارگانهای رهبری خواستار انتشار نظرات مخالف تصامیم ارگانی گردند. در این صورت کلیه ی فرمولبندی های ارائه شده الزاما همراه با درصد آرای آنها ضمیمه گزارش تصمیمات می گردند.
- تصمیماتی که در ارگانهای سازمانی، بر مبنای موازین اساسنامه و آیین نامه های معتبر سازمانی با رای اکثریت مجاز اتخاذ می شوند تصمیمات ارگانی محسوب می گردند.
- در اکثریت و اقلیت قرار گرفتن در سازمان مبارزه ی سیاسی - اندیشگی و به لحاظ زمانی موقتی و گذرا تلقی می شود و هیچ عضو با راگانی مجاز به ایجاد مانع در راه تلاش متکی بر اساسنامه ی اقلیت برای تبدیل به اکثریت نیست.
- نوشتن و گفتن دیدگاهها و انتقادهای خود در باره ی همه ی زمینه های زندگی سازمان در رسانه های سازمانی و غیر سازمانی حق هر عضو و هر گرایش فکری در سازمان است ولی هیچ عضو سازمانی و هیچ گرایش فکری مجاز نیست سیاستی مخالف سیاست رسمی سازمان را برای اجرا به جامعه عرضه کند.

فصل پنجم:

ساختار تشکیلات

: هنگامی که امکان فعالیت متشکل سازمان در داخل کشور فراهم شود ساختار تشکیلات سازمان بر پایه ی تقسیمات کشوری و سند تزهایی در باره ی مسئله ی ملی " مصوبه ی کنگره ی ششم " انطباق خواهد یافت. در بخش حاضر ساختار سازمان با توجه به وضع فعلی فعالیت آن در خارج از کشور مورد نظر قرار دارد.

اعضای سازمان در خارج از کشور برای فعالیت های سازمانی در واحدهای جغرافیایی، که در سازمانهای پایه در خارج از کشور هستند، و گروه های کار متشکل می شوند. ارتباط در این ساختار را میتوان شبکه ای نامید(گروههای کار عمودی، حوزه ی جغرافیایی افقی). ارتباط اعضای سازمان پایه و گروههای کار با استفاده از ترکیبی از دفاتر یا باشگاههای حزبی و ابزارهای ارتباطی دیگر از قبیل اینترنت قابل تامین می باشد.

۱- سازمان پایه:

سازمان پایه در تشکیلات خارج از کشور برابر است با واحد جغرافیایی، محدوده ی یک واحد جغرافیایی، که می تواند شهر، منطقه (مجموعه ای از چند شهر) و یا کشور باشد، را اعضای سازمان ساکن در آن محدوده تعیین کرده و به تائید شعبه ی تشکیلات می رسانند. هر سازمان پایه برای خود مسئول، و در صورت نیاز و متناسب با تعداد اعضای خود هیئت مسئولین انتخاب می کند.

سازمان پایه از رفقای غیر تشکیلاتی برای شرکت در بحث های سیاسی و نظری در تشست های خود دعوت می کنند.

۲- فدائیان جوان

هیئت سیاسی- اجرایی موظف است سازماندهی فدائیان جوان و امکان فعالیت آنان در شرایط فعلی را فراهم کند و نتیجه را به اطلاع شورا و کنگره آتی برساند.

کنگره:

کنگره عالی ترین ارگان سازمان و متشکل از جمع نمایندگان تمام اعضای سازمان است و اختیار کامل تصمیم گیری و لغو یا تغییر هر تصمیم پیشین در تمام امور سازمانی، یعنی تعیین

سیاست و خط مشی سیاسی و تشکیلاتی، انتخاب ارگانها و مسئولین یا عزل آنها، نظارت و کنترل بر تمام امور حزبی و رسیدگی به اختلافات را دارا است.

- تصمیم گیری در مورد امور اساسنامه ای، اسناد مربوط به آماج ها و دیدگاهها و برنامه ی سازمان با حداقل دو سوم آرای اعضای کنگره انجام می گیرد.

- کنگره های عادی هر دو سال یک بار و کنگره ی فوق العاده به درخواست یک سوم اعضای سازمان یا یک سوم اعضای شورای مرکزی، با ذکر دستور کار و حداکثر تا سه ماه پس از تاریخ درخواست، برگزار میشود.

- مصوبات کنگره های سازمان تا زمانی که توسط کنگره ی دیگری کنار گذاشته نشوند معتبر هستند.

- ارگان برگزار کننده ی کنگره های سازمان ترتیب حضور وسیع رفقای غیر تشکیلاتی علاقمند را به عنوان مهمان، فراهم می آورد.

۴- شورای مرکزی:

- شورای مرکزی سازمان منتخب کنگره و عالیترین ارگان فراگیر برگمارنده، کنترل کننده و سیاستگذار، در چهارچوب مصوبات کنگره، در فاصله دو کنگره است و در مقابل کنگره پاسخ گو می باشد. کنگره شورا از به گونه ای انتخاب می کند که گرایش های فکری - سیاسی تقریباً به نسبتی برابر با کنگره در آن حضور داشته باشند.

- شورای مرکزی دارای اختیارات و وظایف زیر است:

- سیاست گذاری های عمومی و تصمیم گیری های سیاسی حیاتی. تشخیص مسایل سیاسی حیاتی، که تصمیم گیری شورا را نیازمند باشد با اجلاس شورا است. یک سوم اعضای شورا می توانند اجلاس فوق العاده ی شورا را برای تصمیم گیری در این مورد فرا خوانند.

- انتخاب، تجدید انتخاب و ترمیم هئیت سیاسی - اجرایی.

- کنترل و نظارت بر هئیت سیاسی - اجرایی و بحث، اظهار نظر و تصمیم گیری پیرامون گزارش آن.

- تصویب برنامه فعالیت های آتی هئیت سیاسی - اجرایی و بودجه ی آن

- برگزاری کنگره و تهیه ی طرح اسناد لازم و انتشار آنها برای بحث و تبادل نظر تا چهار ماه پیش از زمان برگزاری کنگره

- قرار دادن سیتما تیک و مرتب اعضای شورا در جریان کار.
- ارائه ی گزارش از فعالیت کل سازمان به کنگره.
- شورای مرکزی دارای ۲۱ عضو و تعدادی مشاور است.
- مشاوران شورا عبارتند از:
 - مسئولین گروه های کار مرکزی و اعضای شورای سردبیری رسانه های مرکزی هرگاه عضو شورا نباشد و منتخبین سازمانهای کشوری. هر سازمان کشوری تا یک ماه پس از پایان کار کنگره، از بین خود رفیقی را که پذیرای مشاورت شورا برای دوره ی بین دو کنگره بوده و هم چنین پذیرای شرکت در همه ی نشست های عادی و فوق العاده ی شورا (مگر به دلیل موجه) باشد به عنوان مشاور انتخاب و به شورا معرفی می کند. هزینه ی کامل شرکت در جلسات شورا از جانب واحد انتخاب کننده تامین می شود. بدیهی است این هزینه نباید از محل تعهدات مالی واحدهای سازمانی در برابر هیئت سیاسی - اجرایی باشد.
 - شورای مرکزی سازمان هیئت رئیسه ی سه تا پنج نفره ی دائم دارد. شورا هیئت رئیسه ی خود را به گونه ایانتخاب می کند که از هر گرایش فکری - سیاسی یک نفر در آن حضور داشته باشد. اعضای هیئت رئیسه شورا نمی توانند برای عضویت در هیئت - سیاسی - اجرایی یا مسئولیت آن کاندیدا شوند. شورا از بین اعضای هیئت رئیسه یک نفر را به عنوان مسئول شورا و در عین حال مسئول هیئت رئیسه انتخاب می کند. در صورت تأیید شورا اعضای هیئت رئیسه این مسئولیت را به صورت گردشی به عهده می گیرند.
 - شورا مرکزی حق دارد با دو سوم آرای و حداکثر به اندازه یک سوم تعداد اعضای انتخابی خود اولیه خود را ترمیم کند.
 - اعضای شورای مرکزی با حق رای در کنگره آتی سازمان شرکت خواهند کرد. اعضای مشاور در صورت عدم انتخاب در واحد مربوطه بدون حق رای در کنگره آتی سازمان حق شرکت خواهند داشت.

۵- هیئت داورى و کنترل:

- کنگره از بین اعضای داوطلب سازمان، مستقل از حضور در کنگره، ۷ نفر را به عنوان اعضای هیئت داورى و کنترل برای دوره ی زمانی بین دو کنگره انتخاب می کند. شیوه ی انتخاب ساده است و حائزین دوسوم آرای موافق کنگره اعضای هیئت داورى و کنترل محسوب می گردند.

- اعضای هیئت داوری و کنترل نمیتوانند عضو هیئت رئیسه ی شورا یا هیئت سیاسی - اجرایی شوند .

هیئت داوری و کنترل دارای اختیارات و وظایف زیر است:

- نظارت بر اجرای اساسنامه نظارت و کنترل امور مالی بصورت مستقیم یا از طریق انتخاب هیئت نظارت مالی، رسیدگی و داوری در مورد کلیه ی شکایت های محوله علیه اعضا یا ارگانهای سازمان و تصمیم گیری در مورد اختلافات مربوط به عضویت و پایان دادن به عضویت .

هیئت داوری و کنترل آیین نامه ای برای فعالیت خود تنظیم و به تصویب اجلاس مشترک شورای مرکزی و هیئت داوری و کنترل می رساند. اگر کنگره ی بعدی تغییر آیین نامه را در دستور قرار ندهد به معنای تأیید آن می باشد.

فقط کنگره حق اتخاذ تصمیم در مورد تصامیم هئات داوری و کنترل را دارد.

اعضای هیئت داوری و کنترل با حق رای در کنگره ی آتی سازمان حق شرکت خواهند داشت.

۶- هیئات سیاسی - اجرایی

- هئات سیاسی - اجرایی سازمان منتخب شورای مرکزی و مسئول هدایت سیاسی - تشکیلاتی سازمان در چهارچوب مصوبات کنگره و شورای مرکزی است و هر یک از اعضای آن یکی از مسولیت های مرکزی را به عهده خواهد گرفت. شیوه ی انتخاب چنان است که گرایش اکثریت به تنهایی یا در ائتلاف با گرایشی دیگر، مسولیت هیات سیاسی - اجرایی را به عهده می گیرد. شورا از میان اعضای داوطلب خود برای عضویت در هیئت سیاسی - اجرایی به صورت ساده ی اعضای هیئت را برمی گزیند. هر عضو هیت یاسی - اجرایی در این انتخاب باید حائز اکثریت مطلق آرای همه ی اعضای شورا شود. در صورت عدم احراز اکثریت مطلق برای ۷ نفر، برای انتخاب افراد باقی مانده دوباره اقدام می شود. انتخاب مسئول هیت سیاسی - اجرایی به صورت مستقل توسط شورا انجام می گیرد. نتیجه ی انتخابات پس از اعلام پذیرش نتایج از جانب تمام افراد انتخاب شده قطعیت می یابد. در صورتی که فردی اعلان انصراف کند، شورا فردی دیگر را به جای او انتخاب میکند.

- هیئت سیاسی - اجرایی دارای اختیارات و وظایف زیر است:

- تعیین مواضع سازمان در قبال رویدادهای کشور
 - نمایندگی سازمان در رابطه با دیگر نیرو های سیاسی، اعم از ایرانی و خارجی.
 - هدایت و هماهنگی فعالیت گروه کار، واحد های محلی و دیگر ارگان های سازمان،
 - تهیه برنامه فعالیت های سازمان در فاصله دو کنگره و بودجه های مربوطه.
 - تهیه مرتب و پر بودیک گزارش از کارهای هئیت برای شورا و تشکیلات، حداکثر هر ۶ ماه یکبار.

- تحقیق و تفحص پیوسته در رابطه با شیوه ی اداره ی موثرتر سازمان.
 - هئیت سیاسی- اجرایی از ۷ عضو شورا تشکیل می شود.
 - مسئول شعبه ی تشکیلات (هرگاه عضو هئیت سیاسی- اجرایی نباشد) مشاور هئیت است.
 - مسئول هئیت سیاسی- اجرایی توسط شورای مرکزی برگزیده می شود؛
 - در فاصله ی جلسات هئیت سیاسی- اجرایی هر مسئول موظف به پی گیری کارهای مربوطه و مسئول هئیت موظف به پی گیری کلیه کارهای مرکزی سازمان ، از جمله انجام درست و بهنگام وظایف اعضای هئیت میباشد.

۷- گروه های کار:

- عضویت در گروههای کار داوطلبانه است. گروههای کار می توانند به تعداد نامحدود و عضو داشته باشند و هر عضو سازمان می تواند هم زمان در چند گروه کار عضو باشد.
 - شعبه ی تشکیلات (گروه کار تشکیلات سازمان به نام شعبه تشکیلات خوانده می شود)
 سازمان موظف است، همزمان با آغاز کار ارگانهای مرکزی سازمان، طی همه پرسى از اعضای سازمان فهرستی از علاقمندان به عضویت در گروه های کار را تهیه و در اختیار سرپرستان گروه های کار قرار دهد.

- هیئت سیاسی- اجرایی، حداکثر تا نشست دوم خود، مسئولیت گروه های کار را بین اعضای خود تقسیم و برای گروه های باقی مانده از خارج از هئیت مسئول انتخاب می کند. جز در مواردی ویژه ی مورد تأیید شورا هیچ کس مجاز نیست مسئولیت بیش از یک گروه کار را داشته باشد.

مسئولین گروه‌های کار حداکثر تا سه ماه پس از پذیرش مسئولیت، گروه کار خود را سازمان دهی می‌کنند. برای سازماندهی گروه‌های کار آیین‌نامه‌ی جداگانه‌ای از طرف هیئت سیاسی-اجرایی تدوین و به تصویب شورا خواهد رسید.

گروه‌های کار از تخصص و تجربه‌ی رفقای غیر تشکیلاتی در حوزه‌ی کاری خود بهره‌مند شده و از آنان برای شرکت در بحث‌های تخصصی نشست خود دعوت می‌کنند.

۸- شرایط عضویت در ارگانهای مرکزی:

۱- برای عضویت در شورای مرکزی و هیئت داوری داشتن دست کم ده سال سابقه‌ی عضویت در سازمان و تأیید کاندیداتوری توسط پنج عضو با ده سال سابقه‌ی عضویت در سازمان ضروری است.

۲- برای عضویت در هیئت‌های مسئولین سازمان‌های پایه، سازمان‌های کشوری و گروه‌های کار، همچنین برای مشاورین شورا، داشتن دست کم پنج سال سابقه‌ی عضویت در سازمان و تأیید کاندیداتوری توسط سه عضو با پنج سال سابقه‌ی عضویت در سازمان ضروری است.

۳-۸-۵- نامزد عضویت در هیئت سیاسی-اجرایی باید از پذیرش دستکم یکی از مسئولیت‌های مرکزی باشد.

۴-۸-۵- نامزد پذیرش هر مسئولیت باید زمان، تجربه دانش و امکانات کافی برای آن مسئولیت داشته باشد.

فصل ششم:

همه‌پرسی و نظر سنجی

۱- در مواردی بنا به تصمیم کنگره، شورا، یا هیئت سیاسی-اجرایی اتخاذ، تصمیم به همه‌پرسی از کلیه‌ی اعضای تشکیلات موقوف می‌شود. در صورتی که یک سوم از اعضای تشکیلات درخواست همه‌پرسی کنند؛ شورا موضوع را بررسی و تصمیم لازم را اتخاذ می‌کند.

- ۲- شورای مرکزی یا هیئت سیاسی- اجرایی مجازند بنا به تشخیص خود برای آگاهی از نظرات اعضای سازمان اقدام به نظرخواهی کنند. نتیجه ی نظر سنجی برای دستگاه مرکزی سازمان تعهد آور نیست.
- ۳-۶- هیئت سیاسی- اجرایی آیین نامه ی همه پرسی و نظر سنجی را تنظیم خواهد کرد.

فصل هفتم:

رفقای غیر تشکیلاتی

و نهادهای مدنی هم جهت با سازمان

- ۱- در شرایط کنونی بسیاری از اعضا و فعالین باسابقه ی سازمان، به دلایل گوناگون، آمادگی کار تشکیلاتی ندارند ولی کماکان خود را فدایی می دانند و نگران سیاست ها و تاکتیک های سازمان هستند. کلیه ی ارگانهای سازمان موظف هستند ضمن حفظ ارتباط تنگاتنگ با این رفقا، آنان را بنا به تمایل و امکانات خودشان در فعالیت های سازمان دخالت دهند.
- ۲- علاوه بر رفقای فوق هستند کسانی که علاقمند به سیاست ها و مشی سازمان بوده ولی آمادگی پذیرش تعهدات متقابل اساسنامه ای و تمایل به عضویت در سازمان را ندارند. ارگانهای سازمان با هر یک از این رفقا که دو معرف از اعضای سازمان داشته باشند در سطح تمایل و امکانات خودشان ارتباط برقرار کرده و در فعالیت های سازمان دخالت می دهند.
- ۳- ارگانهای سازمان هنگام نظرخواهی از اعضای سازمان در مورد اتخاذ تصمیم های سیاسی از رفقای غیر تشکیلاتی نیز نظر خواهی می کنند. هیئت سیاسی- اجرایی موظف است شیوه هایی برای تاثیرگذاری نتایج این نظر خواهی ها در نظر گرفته و نتیجه را به اطلاع شورا و کنگره برساند.
- ۴- سازمان سندیکاها، اتحادیه ها و دیگر انجمن های صنفی، فرهنگی، هنری و دیگر نهادهای مدنی را در انکشاف دموکراسی و تکامل جامعه بسیار موثر و ضرور شناخته و ضمن اعتقاد کامل به استقلال آنها از احزاب سیاسی، رابطه ی متقابل سازمان و این نهادها را به نفع گسترش دموکراسی در کشورمان می داند و اعضای خود را تشویق می کند در فعالیت های این نهادها

مجدانه شرکت کنند. سهم معینی از کرسی های نمایندگی کنگره در اختیار نهادهایی قرار خواهد گرفت که سازمان فعالیت آنها را در راستای اهداف خود تشخیص می دهد.

۵- تعیین روشهای علمی دیگر برای تاثیر دادن نظرات رفقای پیرامونی و نهادهای مدنی هم جهت با سازمان در تصمیم گیری های سازمان و تکامل دائمی این روش ها وظیفه ارگانهای سازمان می باشد.

فصل هشتم: امور مالی

امکانات مالی سازمان براساس آیین نامه ی مالی توسط ارگانهای رهبری اداره می شوند.

درآمدهای سازمان را حق عضویت های اعضا و کمک های مالی اعضا و دوستداران سازمان و درآمدهای حاصل از دارایی های سازمان تشکیل میدهند.

برای تضمین فعالیت سیاسی سازمان، اعضای سازمان بر پایه ی درآمدشان حق عضویت می پردازند. میزان و سیوه ی پرداخت حق عضویت را آیین نامه ی مالی که به تصویب شورای مرکزی سازمان می رسد تعیین می کند.

تمام ارگانهای سازمان موظف هستند برای دوره ی فعالیت خود برنامه ی مالی (بودجه) تنظیم کنند. فقط در چارچوب این بودجه است که منابع مالی برای فعالیت در اختیار آنان قرار می گیرد.

فصل نهم: بخش پایانی

این اساسنامه در کنگره ی هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» تصویب شد و به مثابه قانون زندگی حزبی لازم الاجرا است.

تمام آیین نامه ها یا مجموعه ی مقررات دیگر در هر سطح از سازمان باید در انطباق با این اساسنامه باشند. در صورت بروز تناقض بروز حکم اساسنامه معتبر است.

تغییرات در اساس نامه باید با دستکم دو سوم آرای موافق کنگره های سازمانی صورت گیرد.

کار پایه سازمانی

فدائیان خلق ایران «اکثریت»

پیشنهادی به هفتمین همایش سراسری نمایندگان سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت)

بیژن اقدسی

اشاره :

کمیسیون منتخب شورای مرکزی سازمان برای تدوین اساسنامه، حاصل کار خود را تحت عنوان ((پیش نویس طرح اساسنامه)) در شماره ۲۷۱ نشریه کار منتشر کرد. کمیسیون تمام پیشنهادهای رسیده تا تاریخ انتشار پیش نویس را بررسی و پیشنهادهای پذیرفته شده را در پیش نویس وارد کرد. رفیق بیژن یکی از اعضای کمیسیون ((طرح اساسنامه ای)) را برای مبنا قرار گرفتن به کمیسیون ارائه داده بود. کمیسیون طرح وی را به عنوان مبنا نپذیرفت ولی آن طرح را همراه پیشنهادهای دیگر مورد بررسی قرار داد و موارد پذیرفته شده را در سند دخالت داد.

طبق روال کار کمیسیونی در سازمان، پیشنهاد دهنده در صورتیکه بر این نظر باشد که پیشنهاد هایش در سند کمیسیون مربوطه وارد شده می تواند در خواست انتشار پیشنهادهایش را داشته باشد. طبق این روال و بنا به در خواست رفیق بیژن، طرح وی منتشر میشود.

مسئول کمیسیون

احمد فرهادی

پیش نویس یکجا آماده شده برای نشست گروه کار در روز ۲۹ آبان ۱۳۸۰ واپسین کار بر روی سند
۱۱ اسفند ۱۳۸۰

فهرست:

- پیش سخن-** در باره کاریست این کارپایه سازمانی
پیش در آمد- سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
بخش نخست - نام، نشان و نشانی سازمان
بخش دوم- بنیان های زندگی سازمان فدائیان خلق ایران
بخش سوم- شیوه ها و روش های بنیادی کار سازمانی
 بند ۰۱ - انتخاب ها
 بند ۰۲ - تصمیم گیری ها و مصوبات
 بند ۰۳ - شرایط عضویت در نهادهای سراسری سازمان و پذیرش مسئولیت های سازمانی
 بند ۰۵ - نامها
 زیر بند ۰۱ - بخش های تشکیلاتی
 زیر بند ۰۲ - نهادهای سازمانی بخش های تشکیلاتی
 زیر بند ۰۳ - بخش اعضای همگون
 زیر بند ۰۴ - نهادهای دیگر سازمانی
 بند ۰۶ - کارپایه ها و آیین نامه ها
بخش چهارم- عضویت

- بند ۰۱- شرایط عضویت
- بند ۰۲- پذیرش عضو
- بند ۰۳- وظایف عضو
- بند ۰۴- حقوق عضو
- بند ۰۵- پایان عضویت
- زیربند ۰۱- کنار گذاشتن از سازمان
- بخش پنجم** - تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- بند ۰۱- تشکیلات سازمان در کشور
- زیربند ۰۱- سازمان پایه ی کشوری
- زیربند ۰۲- سازمان روستا
- زیربند ۰۳- سازمان بخش
- زیربند ۰۴- سازمان شهر
- زیربند ۰۵- سازمان شهرستان
- زیربند ۰۶- سازمان استانی
- زیربند ۰۷- سازمان ایالتی
- بند ۰۲- تشکیلات سازمان در خارج از کشور
- زیربند ۰۱- سازمان پایه خارج از کشور
- زیربند ۰۲- سازمان کشوری
- بخش ششم**- سازمان جوانان پیشگام(بخش جوانان سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»)
- بخش هفتم**- همایش سراسری نمایندگان(کنگره سراسری)سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- بند ۰۱- اختیارات و وظایف
- بند ۰۲- دوره برگزاری
- بند ۰۳- گروه پیش برد
- بند ۰۴- مصوبات
- بند ۰۵- مسائل دیگر
- بخش هشتم** - نهاد رهبری سراسری(شورای مرکزی) سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»
- بند ۰۱- اختیارات و وظایف
- بند ۰۲- شمار اعضا
- بند ۰۳- رای زنان
- بند ۰۴- شیوه ی انتخاب

بند ۰۵- گروه سرپرستی

بند ۰۶- نشست ها

بند ۰۷- گروه های کار سراسری در کنار نهاد رهبری سراسری

زیربند ۰۲- بنیاد روزگاران جنبش فدائیان خلق ایران

زیربند ۰۲- گروه کار سراسری پژوهش و برنامه

زیربند ۰۳- گروه کار سراسری کارپایه سازمانی، آیین نامه ها و شیوه های مدیریت

زیربند ۰۴- گروه کار سراسری نامزدی برای مسئولیت های سراسری

بخش نهم- شورای سراسری سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

بند ۰۱- گروه سرپرستی

بخش دهم- نهاد اجرایی سراسری (هئیت سیاسی- اجرایی) سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

بند ۰۱- اختیارات و وظایف

بند ۰۲- شمار اعضا و ترکیب

بند ۰۳- رای زنان

بند ۰۴- شیوه انتخاب

بند ۰۵- نشست ها

بخش یازدهم- نهادهای داروی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

بند ۰۱- اختیارات و وظایف

بند ۰۲- انتخاب

بند ۰۳- نهاد داوری سراسری

بخش دوازدهم- گروههای کار سراسری در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بخش سیزدهم- گرایش ها و گروه بندی های دورن سازمانی در سازمان فدائیان خلق ایران

«اکثریت»

بخش چهاردهم- بخش های اعضای هم گون سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

بخش پانزدهم- همه پرسی و نظر سنجی در سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

بخش شانزدهم- فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان و نیرو های هم سو و هم آرمان با سازمان

بخش هفدهم- خزانه داری سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

بخش هژدهم- آیین نامه های پیرو

بخش نوزدهم- بخش پایانی

قرار های پیوستی

01- در باره ی اجرای این کارپایه سازمانی

- 02- در باره ی کارپایه ها و آیین نامه ها
 03- عضو گیری در خارج از کشور

پیش سخن

در باره ی کاربرست این کارپایه سازمانی

در شرایط کنونی کشور امکان حضور آزاد و فعالیت منسکل سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» در ایران وجود ندارد. این امر سازمان دهی کامل زندگی و کار سازمان بر مبنای این کار پایه سازمانی در کشور را ناممکن میکند
 با توجه به سرکوب موجود در کشور سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت در ایران تشکیلات ندارد.

اعضای سازمان و محافل سازمانی در کشور هم چنان مجازند خود روابط و پیکارشان را در چارچوب اسناد آرمانی، اصول برنامه سازمانیو مبانی اندیشه ای این کار پایه ساماندهی و سازمان دهی کنند و این کار پایه را تنها بسته به شرایط و امکانات اجرا کنند.

از آنجا که به ناچار امکان تاثیر گذاری مستقیم شفاف ودموکراتیک اعضای سازمان در ایران بر مصوبات رسمی سازمان و فعالیت های دستگاه رهبری سراسری سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» موظف است همه راه کارهای ممکن برای گرد آوری هر

چه گسترده ترو موثق تر نظرات و دیدگاههای اعضا و فعالین سازمان در کشور را در راستای تاثیر گذاری بهینه آن بر زندگی سازمان به کار برد.

هنگامی که فعالیت متشکل و آزاد سازمان در ایران امکانپذیر شود، زندگی و پیکار همه سازمان بر اساس این کار پایه سازمانی و آیین مامه های پیرو آن تنظیم خواهد شد. این کار پایه باید در دومین همایش سراسری دوره ای یا بویژه نمایندگانه سازمان در ایران که حداکثر دو سال پس از فراهم شدن امکانات فعالیت آزاد سازمان برگزار می شود، به رای دوباره همایش سراسری نمایندگان و همه پرسى پس از آن گذارده شود.

پیش در آمد

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» بخشی از جنبش فدائیان خلق ایران است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ امریکا و شاه در روند پیکار با رژیم دیکتاتوری از دل جنبش تاریخی آزادیخواه و عدالت جوی چپ ایران برخاست و در ۱۹ ۱۳۴۹ در جنگل های سیاهگل با نام فدائیان خلق ایران موجودیت خود را آشکار کرد.

فدائیان خلق ایران علیرغم خطاهای گاه بزرگ خود همواره با تحمل سختی های بسیار علیه استبداد و نابرابری های اجتماعی و در راه آزادی، دموکراسی، صلح، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم پیکار کرده اند و بسیاری از آنان در راه این پیکار جان باخته اند.

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» تشکل میهن دوستان چپ ایرانی است که به منظور تلاش هماهنگ در راه آرمان ها و اهداف سیاسی واجتماعی ای که به رای خود برگزیده اند گرد هم آمده اند و سازمان را بر پایه آزادی بیان افراد و گرایش ها تضمین حق انتقاد آنها بر اساس رای اکثریت قانونی اداره می کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یک سازمان چپ سوسیالیستی است. آماج های راه بردی سازمان تلاش در راه پیاده کردن منشور جهانی حقوق بشر است.

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به برابری همه ی انسانها صرف نظر از خواستگاه اجتماعی و اقتصادی آنان برابری زن و مرد، برابری همه دین ها و آیین های انسانی گوناگون و برابری همه ملت ها و ملیت ها در برابر قانون باور دارد و با همه ی توان خود در راه این باورها پیکار

می کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پاسداری از محیط زیست را از پایه های باور خود می داند.

سازمان راه تحقق آرمان های خود را برپایی یک جمهوری فدرال و دموکراتیک پارلمانی می داند.

سازمان بخشی از اردوی جهانی کار و بخش جدایی ناپذیر جنبش های صلح، تحول طلبی، آزادی خواهی و عدالت جویی جهان است. سازمان برای جهانی شدن عادلانه برای دموکراتیزه کردن روابط اقتصادی و سیاسی جهان و دگرگونی ساختار مبتنی برحق ویژه کشورهای قدرتمند اقتصادی و برای جلوگیری از سلطه کشورهای امپریالیستی بر جهان مبارزه می کند. پیوست ۰۱- آرمان و اصول برنامه ای سازمان در «دیدگاهها و آماج ها»، «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی»، «تزهایی در باره ی مسئله ی ملی»، «برای تامین حقوق زنان» و «جهان و جایگاه ما» بازتاب یافته است. اسناد نام برده پیوست این کار پایه سازمانی است.

بخش نخست

- نام و نشانی سازمان

نام سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» است
 نشان سازمان گلی سرخ رنگ با ساقه و برگ سبز رنگ و بخش میانی زردرنگ است. سر گل به سمت چپ گرایش دارد.

نشانی سازمان بنا به شرایط فعالیت سازمان در ایران، سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» در ایران نشانی رسمی ندارد. نشانی ستاد سازمان در شبکه جانی رایانه ای www.fadai.org است.

رسانه سراسری بازتاب دهنده مصوبات و دیدگاههای رسمی سازمان و اعضای و نهادهای آن «کار» است.

بخش دوم

- بنیانهای زندگی سازمان فدائیان خلق ایران

حقوق و وظایف یکایک اعضا و نهادهای سازمان و روابط میان آنان در کار پایه سازمانی فدائیان خلق ایران «اکثریت» روشن و بر پایه آن ساماندهی می شود. این کارپایه سازمانی بر بنیان های زیر استوار است:

- 01- کاستن هر چه بیشتر از کارسازی رابطه ها و افزودن هر چه بیشتر بر کار سازی ضابطه ها؛
- 02- برابر حقوقی همه اعضای سازمان در برابر کارپایه سازمانی
- 03- دموکراسی و رعایت حقوق اقلیت و اکثریت
- 04- کاربست شبکه های نهادها، بخش های تشکیلاتی و سیوه های گوناگون همفکری و همکاری درون سازمانی در پیش برد پیکار سازمان؛
- 05- تنوع فکری و هماهنگی عمل
- 06- حق فعالیت گرایش ها و گروه بندی های اندیشه ای، برنامه ای، سیاسی در چارچوب آرمانها و اهداف سازمان
- 07- حق پذیرش مسئولیت و وظیفه پاسخ گو بودن در رابطه با کارکردها
- 08- تمرکز زدایی ساختاری و کشوری
- 09- حق بخش های تشکیلاتی مختلف سازمان در تصمیم گیری در چارچوب آرمانها و برنامه سازمان در حوزه مسئولیت خود
- 10- آزادی بیان اندیشه و دیدگاه و انتقاد از همه ی نهادها و تصامیم سازمانی در سطح سازمان و جامعه
- 11- انتشار نظرات مخالف تصامیم نهادها
- 12- حق اقلیت در تلاش برای اکثریت شدن
- 13- حق بازخواست از برگزیدگان از سوی نمایندگان

بخش سوم-

شیوه ها و روش های بنیادین کار سازمانی

بند ۱- انتخاب ها

- 01- انتخاب افراد در سازمان همیشه با رای مخفی صورت می گیرد.
- 02- همه ی سرپرستان نهادهای سازمان جانشین دارند.
- 03- سرپرست هر نهاد و جانشین او از سوی خود آن نهاد انتخاب می شوند، مگر در جاهایی که این کارپایه سازمانی معین کرده باشد.
- 04- انتخاب سرپرستان و جانشینان مگر در جاهایی که این کارپایه سازمانی معین کرده باشد، بر پایه رای موافق بیش شصت درصد و دیگر اعضای هر گروه سرپرستی یا گروه کار با رای موافق دستکم پنجاه درصد و یم تن صورت می گیرد. در سومین دور رای گیری داشتن رای موافق بیش تر از رای مخالف برای انتخاب شدن بسنده است. هر گاه نامزدی در دور سوم رای گیری رای کافی رای نآورد، باید نامزد دیگری برای آن مسولیت پیش نهاد شود.

- 05- هیچ عضو سازمان نمی تواند همزمان سرپرست دو نهاد هم پایه باشد، مگر با رای موافق دو سوم اعضای گروه سرپرستی یا نهاد اجرایی بخش تشکیلاتی خود. در باره دستگاه رهبری سراسر سازمان موافقت نهاد اجرایی سراسری و عدم مخالفت نهاد رهبری سراسری سازمان مورد نیاز است.
- 06- اعضای همایش نمایندگان نمایندگان (کنگره های) سازمان در سطوح گوناگون به جز مواردی که در این کار پایه سازمانی به ویژگی ذکر شده اند، در سازمان پایه برگزیده می شوند، مگر هنگامی که شمار اعضای سازمان های پایه کم تر از شمار اعضای باشد که حق دارند یک نماینده برای همایش نمایندگان برگزینند.
- 07- انتخاب سرپرست و گروه سرپرستی بخشهای تشکیلاتی سازمان در نشست بالاترین نهاد هر یک از آنها انجام می شود.
- بند ۰۲- تصمیم گیری ها و مصوبات
- 01- نتیجه هر رای گیری باید در همان نشست روشن و اعلام شود.
- 02- تصمیماتی که در نهاد های سازمانی بر مبنای کار پایه و آیین نامه های سازمانی با رای اکثریت قانونی گرفته می شود، تصمیمات نهادی اند.
- 03- سیاست گذاری کلان همایش های نمایندگان استان و ایالتی باید دارای رای موافق دست کم دو سوم نمایندگان آن همایش و دست کم دو سوم همه اعضای آن بخش تشکیلاتی در همه رسی پس از آن باشد.
- بند ۰۳- اختیارات
- بخش های تشکیلاتی سازمان در محدوده فعالیت خود حق تصمیم گیری در باره ائتلاف و همکاری بانبروهای سیاسی دیگر را دارند. دستگاه رهبری سراسری سازمان و بخش های تشکیلاتی فراگیرتر حق دخالت در این زمینه ها را ندارند.
- بند ۰۴- شرایط عضویت در نهادهای سراسری سازمان و پذیرش مسئولیت های سازمانی،
- 01- برای عضویت در نهاد رهبری سراسری و نهاد داور سراسری داشتن دست کم بیست و پنج سال سن و در مجموع دست کم ده سال سابقه ی عضویت در سازمان و تأیید نامزدی از سوی پنج عضو با ده سال سابقه عضویت در سازمان ضروری است.
- 02- برای عضویت در گروه های سرپرستی همه ی بخش های تشکیلاتی، نهادهای داروی به جز نهاد دآوری سراسری و گروه های کار، هم چنین برای رایزنی نهاد رهبری سراسری داشتن دست کم پنج سال سابق عضویت در سازمان و تأیید نامزدی از سوی سه عضو با پنج سال سابقه عضویت ضروری است.
- 03- نامزد پذیرش هر مسئولیت باید زمان، تجربه، دانش وامکانات کافی برای آن مسئولیت را داشته باشد.

بند ۰۵ - نام ها

نام بخش تشکیلاتی و نهادهای سازمانی بر پایه الگوهای زیر تعیین می شود.

زیر بند ۰۱ - بخش های تشکیلاتی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - (نام بخش تشکیلاتی بدون کلمه سازمان) «نام جغرافیایی»

نمونه ۰۱ - سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» - استان یزد

نام سازمانهای زیر پایه چنین است - سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» - سازمان پایه ((نام محله، محل کار یا شماره سازمان پایه))

نمونه ۰۱ - سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» - سازمان پایه شهرک اکباتان

زیر بند ۰۲ - نهادهای سازمانی بخش های تشکیلاتی

«نام نهاد» سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» ((نام بخش تشکیلاتی بدون کلمه سازمان)) «نام جغرافیایی»

نمونه ۰۱ - نهاد اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» - استان یزد

زیر بند ۰۳ - بخش اعضای همگون

۱ - سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» - بخش ((زمینه هم گونی اعضای این بخش))

نمونه ۰۱ - سازمان فداییان خلق ایران «اکثریت» - بخش کارگری

زیر بند ۰۴ - نهادهای دیگر سازمانی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» - (نام نهاد) «نام بخش تشکیلاتی بدون کلمه ی سازمان، اگر مورد داشته باشد» «نام جغرافیایی، اگر مورد داشته باشد

نمونه ۰۱ - سازمان فداییان خلق ایران «اکثریت» - نهاد داوری سراسری

نمونه ۰۲ - سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» نهاد داوری استان یزد

بند ۰۶ - کارپایه ها و آیین نامه ها

دیگر زمینه های مربوط به شیوه ها و روش های زندگی و کار سازمانی در کارپایه ها و آیین نامه های سازمان نوشته خواهد شد.

کارپایه ها و آیین نامه هایی که جنبه سراسری دارند از سوی گروه کار آن که در کنار نهاد رهبری سراسری سازمان کار میکند تهیه میشود.

آیین نامه های مورد نیاز هر بخش تشکیلاتی از سوی خود آن بخش تنظیم میشوند.

بخش چهارم

- عضویت

عضویت در سازمان رابطه ای است داوطلبانه و دو جانبه بین عضو و سازمان.

داوطلب عضویت در خواست خود را به یکی از بخشهای تشکیلاتی یا گروه کار سراسری تشکیلات سازمان ارائه می دهد و با اعلام پذیرش از طرف سازمان به عضویت در می آید.

بند ۰۱- شرایط عضویت

01- داشتن دست کم پانزده سال تمام

02- پذیرش ارمان ها و اصول برنامه ای سازمان

03- پذیرش پای بندی به کار پایه سازمانی

04- عضو نبودن در یک سازمان سیاسی دیگر

بند ۰۲- پذیرش عضویت

درخواست عضویت در یک سازمان باید به یکی از بخشهای تشکیلاتی یا به گروه کار سراسری تشکیلات داده شود. نهاد دریافت کننده درخواست عضویت باید تا یک ماه شرایط درخواست کننده را بررسی کند.

در صورت پذیرش درخواست عضویت این تصمیم باید برای تایید نهایی به گروه کار سراسری تشکیلات واگذار شود. گروه کار سراسری تشکیلات باید تا دو هفته پاسخ خود را به نهاد مربوطه بدهد

در صورت نپذیرفتن، درخواست عضویت این تصمیم به اطلاع درخواست کننده و به آگاهی گروه کار سراسری تشکیلات می رسد.

کسی که درخواست عضویت او در سازمان پذیرفته نشده باشد، می تواند تا یک ماه به نهاد داوری مزبوطه شکایت کند. نهاد داوری باید تا دو ماه به موضوع رسیدگی کند و تصمیم خود را بگیرد. درخواست کننده می تواند در صورت موافق بودن با رای آن نهاد داوری شکایت خود را به ترتیب به نهادهای داوری بالاتر تا نهاد داوری سراسری سازمان ارائه دهد. در خارج از کشور تنها گروه کار سراسری تشکیلات حق تصمیم گیری در باره ی پذیرش یا نپذیرفتن عضویت را دارد.

بند ۰۳- وظایف عضو(هموند)

01- پرداخت ماهیانه عضویت

02- پای بندی بهکار پایه سازمانی

03- کوشش در راستای «آماج ها و دیدگاهها» و اصول برنامه سازمان

04- برخورد مسئولانه ی فعال و انتقادی با نهادها، مسئولین، اعضا و همه مسائل سازمان

بند ۰۴- حقوق عضو(هموند)

۰۱- انتخاب آزادانه چگونگی فعالیت سازمانی در چار چوب های کارپایه ای و آیین نامه ای سازمان؛

۰۲- نوشتن و گفتن دیدگاهها، پیشنهادها و انتقادهای خود در باره همه ی زمینه های زندگی سازمان در درون و بیرون آن؛

۰۳- نامزدی برای پذیرش مسئولیت های سازمانی و رای آزادانه و برابر به نامزدهای دیگر

۰۴- آگاهی ازدیدگاهها و پیش نهادها دیگر اعضای سازمان و هم فکری و هم کاری با آنها از جمله در چارچوب گروه بندی های درون سازمانی برای تنظیم سند و ارائه به نهادها برای بررسی و تصویب با حقوق برابر با دیگر اسناد پیشنهادی

۰۵- آگاهی از کارها و تصمیمات نهادهای سازمان و انتقاد از همه نهادها و تصامیم سازمانی و پی گیری و پاسخ خواهی در مورد آنها.

۰۶- حق تشکل آزادانه گروه های کار اعضا در همه زمینه های کار و پیکار سازمان

۰۷- حق تعیین چگونگی تاثیر گذاری رای خود در سازمان از جمله در همایش های اعضا و همایش های نکابندگان سازمان در چارچوب امکانات فنی موجود

۰۸- در خواست داوری از نهادهای داوری سازمان

پیوست ۰۱- به رسمیت شناختن یا شناختن گروه های کار اعضا در چارچوب اختیارات یکی از نهادهای اجرایی سازمان است.

۰۲- گروه های کار اعضا دارای هیچ گومه اختیارات و وظایف رسمی نیستند، مگر آن که اختیارات ووظایفی از سوی یکی از نهادهای مسئول سازمانی به آنها واگذار شود.

بند ۰۵- پایان عضویت

عضویت در سازمان با کناره گیری، کنار گذاشتن از سازمان و مرگ پایان می یابد.

ریزبند ۰۱- کنار گذاشتن از سازمان

گروه کار سراسری تشکیلات سازمان حق دارد به عضویت یک عضو در سازمان پایان دهد هرگاه او:

01- بدون دلیل موجه ششماه پایپی از پرداخت ماهانه عضویت خود داری کند

02- کارپایه سازمانی را آگاهانه و به شدت زیر پا گذارد و

03- در سازمان برای کسان، نیروها، نهادها و کشورهای دیگر جاسوسی کند.

پیوست ۰۱- هر عضو سازمانی کهکنار گذاشته شدن او از سازمان درخواست شده باشد، باید از آغاز کار از سوی گروه کار سراسری تشکیلات از این درخواست و روند رسیدگی به آن آگاهی یابد.

پیوست ۰۲- عضویت که از سوی گروه کار سراسری تشکیلات از سازمان کنار گذاشته شده باشد می تواند تا یک ماه از نهاد داوری بخش تشکیلاتی خود درخواست رسیدگی کند. نهاد داوری باید تا دو ماه به موضوع رسیدگی کند و تصمیم خود را بگیرد. آن عضو حق دارد در

صورت موافق نبودن با تصمیم نهاد داوری شکایت خود را به ترتیب تا نهاد داوری سراسری سازمان پیگیری کند.

پیوست ۳- کسی که عضویت اش به تصمیم نهاد داوری سراسری پایان یافته است، می تواند به همایش سراسری بعدی نمایندگام سازمان شکایت کند.

بخش پنجم

- تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

تشکیلات سازمان محل هم فکری و فعالیت مشترک همه ی اعضای سازمان در همه زمینه های زندگی آن و همه مسائل موضوع کار سازمان به دور از دلپسنگی آنان به هر یک از زمینه های کاری یا گرایش آنان به هر یک از گرایش ها . گروه بندی های درون سازمان است .

بخش های تشکیلاتی سازمان در چارچوب جغرافیایی یا کاری فعالیت خود سازمان را نمایندگی میکنند و حق سیاست گذاری برای فعالیت سازمان در چارچوب «دبدهاها و آماج ها» و برنامه سازمان را دارند.

سازمان فداییان خلق ایران اکثریت» غیر از بخش های تشکیلاتی نام برده شده در این کار پایه سازمانی بخش تشکیلات دیگر ندارد.

گروه کاتر سراسری تشکیلات می تواند با برپایی هر یک از بخش های تشکیلاتی مخالفت کند. در این صورت اعضای سازمان در آن بخش حق شکایت به نهاد داوری بخش تشکیلاتی خود و نهادهای داوری بالاتر به ترتیب تا نهاد داوری سراسری را دارند.

تشکیل هر بخش تشکیلاتی باید به تصویب بالاترین نهاد اجرایی بخش تشکیلاتی فراگیرتر برسد. اگر شمار اعضای سازمان در جایی کمتر از شمار لازم برای تشکیل سازمان پایه بود، بخش فراگیرتر تشکیلاتی در باره چگونگی ارتباط آن اعضای سازمان با تشکیلات تصمیم گیری می کند.

بند ۰۱- تشکیلات سازمان در کشور

بخش های تشکیلاتی سازمان در کشور سازمانهای پایه در روستا، بخش، شهر شهرستان، استان و ایالتی است.

بخش بندی تشکیلاتی سازمان در کشور هماهنگ با تقسیمات کشوری است. سازمان ایالتی تنها سازمان ویژه ناهمخوان با تقسیمات کشوری است.

زیر بند ۰۱- سازمان پایه کشوری

سازمان پایه کوچکترین بخش تشکیلاتی سازمان است. سازمان پایه کشوری در محدوده جغرافیایی یا کاری تشکیل می شود. سازمان پایه باید دستکم ده عضو داشته باشد.

- بالاترین نهاد سازمان پایه نشست همگانی آن است.
سازمان پایه سرپرست و گروه سرپرستی دارد.
زیر بند ۰۲ - سازمان روستا
سازمان روستا در برگرفته یک یا چند سازمان پایه است
بالاترین نهاد سازمان روستا همایش همگانی است.
سازمان روستا سرپرست و گروه سرپرستی دارد.
زیر بند ۰۳ - سازمان بخش
سازمان بخش در برگرفته یک یا چند سازمان روستا و در مناطق شهردر برگرفته یک یا چند سازمان پایه است.
بالاترین نهاد سازمان بخش همگانی است، مگر شمار اعضای سازمان در یک بخش به اندازه ای باشد که برگزاری همایش همگانی ممکن نباشد. در اینصورت همایش نمایندگان بالاترین نهاد سازمان بخش است.
سازمان بخش سرپرست و گروه سرپرستی دارد.
زیر بند ۰۴ - سازمان شهر
سازمان شهر در برگرفته چند سازمان بخش در مناطق شهری است.
بالاترین نهاد سازمان شهر همایش نمایندگان است، مگر شمار اعضای سازمان در یک شهر به اندازه ای باشد که برگزاری همایش همگانی امکان پذیر باشد. در این صورت همایش همگانی بالاترین نهاد سازمان بخش است.
سازمان شهر در یک شهر کوچک سرپرست و گروه سرپرستی دارد. سازمان شهر در یک شهر بزرگ دستگاه سرپرستی همانند دستگاه رهبری سازمان دارد.
زیر بند ۰۵ - سازمان شهرستان
سازمان شهرستان در برگرفته یک سازمان شهر و یک یا چند سازمان روستا است. بالاترین نهاد یازمان شهرستان همایش نمایندگان است.
سازمان شهرستان در یک شهرستان کوچک سرپرست و گروه سرپرستی دارد. سازمان شهرستان در یک شهرستان بزرگ دستگاه سرپرستی همانند دستگاه رهبری سراسر سازمان دارد
زیر بند ۰۶ - سازمان استان
سازمان استان در برگرفته یک یا چند سازمان شهرستان است.
بالاترین نهاد سازمان استان همایش نمایندگان است.
سازمان استان دستگاه سرپرستی همانند دستگاه رهبری سراسر سازمان دارد
زیر بند ۰۷ - سازمان ایالتی

سازمان ایالتی تنها بخش تشکیلاتی سازمان است که با تقسیمات کشوری هماهنگ نیست. سازمان ایالتی دربرگیرنده بخش هایی از کشور است که در آن یک ملیت ژیا گروه قومی زندگی می کند. برجستگی سیاست گذاری های سازمان ایالتی در برخورد های فرهنگی و زبانی آن است.

بالاترین نهاد سازمان ایالتی همایش نمایندگان است.

سازمان ایالتی دستگاه سرپرستی همانند دستگاه رهبری سراسر سازمان دارد مگر شمار اعضای سازمان در یک ایالت به اندازه ای باشد که تنها به سرپرست و گروه سرپرستی نیاز باشد.

بند ۲-۰ - تشکیلات سازمان در خارج از کشور

بخش های تشکیلاتی سازمان در خارج از کشور سازمان پایه و سازمان کشوری است

زیر بند ۱-۰ - سازمان پایه

سازمان پایه کوچکترین بخش تشکیلاتی سازمان است. محدوده ی جغرافیایی سازمان پایه در خارج از کشور به انتخاب اعضای سازمان در هر محدوده تعیین می شود و می تواند در بر گیرنده ی یک یا چند شهر و یا یک کشور باشد. سازمان پایه هنگامی به رسمیت شناخته می شود که دست کم سه عضو داشته باشد.

سازمان پایه سرپرست و در صورت نیاز و متناسب با تعداد اعضای خود، گروه سرپرستی دارد.

زیر بند ۲-۰ - سازمان کشوری

سازمان کشوری در برگیرنده ی یک یا چند سازمان پایه است. وظایف اصلی سازمانهای کشوری هماهنگی مجموعه فعالیت های سازماندر آن کشور، برگزاری نشست های گوناگون و تنظیم و گسترش رابطه با نیروهای ایرانی و غیر ایرانی است.

هر سازمان کشوری سرپرست و بسته به شمار و ارزیابی اعضای خود و متنایب یا وظایف و مسئولیت هایش گروه سرپرستی دارد

بخش ششم

- سازمان جوانان پیشگام (بخش جوانان سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

آن گروه از اعضای سازمان که سن شان از پانزده تا هژده سال است و دانشجویان فدایی تا بیست و پنج سالگی در سازمان جوانان پیشگام گرد هم می آیند. دیگر اعضای سازمان نیز می توانند تا بیست سالگی داوطلبانه در سازمان جوانان پیشگام به فعالیت بپردازند.

چارچوب کار پایه سازمان جوانان پیشگام در یکی از همایش های سراسری آینده نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» به تصویب خواهد رسید.

جوانان فدائی زیر هژده سال در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دارای همه ی وظایف و حقوق غیر از موارد زیر هستند.

- ۰۱- وظیفه پرداخت ماهانه عضویت
- ۰۲- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن
- ۰۳- حق رای دادن به اسناد سازمان
- ۰۴- حق رای دادن در همه پرسى ها

بخش هفتم

— همایش سراسری نمایندگان (کنگره سراسری) سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

همایش سراسری نمایندگان بالاترین نهاد سازمان و گرد هم آیی نمایندگان همه اعضای سازمان است .

بند ۰۱- اختیارات و وظایف

01- همایش سراسری نمایندگان اختیار کامل تصمیم گیری و لغو یا تغییر هر تصمیم پیشین در تمام امور سازمانی، یعنی تعیین سیاست و خط مشی سیاسی تشکیلاتی انتخاب نهاد رهبری سراسری و نهاد داوری سراسری یا برکناری آنها، نظارت و کنترل بر تمام امور سازمان و وظیفه رسیدگی به اختلافات را دارا است.

02- همایش سراسری ویژه نمایندگان سازمان تنها می تواند به موضوعاتی رسیدگی کند که در دستور آن قرار دارد.

03- همایش های سراسری نمایندگان سازمان حقدخالط در آن بخش از تصمیم گیری های بخش های تشکیلاتی که چارجوب این کار پایه سازمانی و آیین نامه های پیرو آن در حیطه اختیار آن بخش های تشکیلات است را ندارند.

04- در باره پیوستن گروه های دیگر به سازمان، در باره یکی شدن سازمان بایک گروه سیاسی دیگر، در براه ائتلاف های بلند مدت و راه برئی و در باره ی تغییر نام و نشان سازمان باید همایش سراسری دوره ای یا ویژه نمایندگان سازمان و همه پرسى پس از آن برگزار شود.

05- برای تصمیم گیری در این زمینه ها رای موافق دست کم نود درصد اعضای سازمان در همه پرسى لازم است.

بند ۰۲- دوره ی برگزاری

01- همایش سراسری دوره ای نمایندگان هر دو سال یکبار و همایش سراسری ویژه نمایندگان به در خواست یک چهارم اعضای سازمان یا یک چهارم اعضای نهاد رهبری سراسر حداکثر تا سه ماه پس از تاریخ در خواست برگزار مس شود. اگر گروه سرپرستی نهاد

- رهبری سراسری از برگزاری همایش ویژه نمایندگان سازمان خود داری کرد درخواست کنندگان می توانند خود آن را برگزار کنند.
- بند ۰۳- گروه پیش برد
- 01- هدایت همایش سراسری نمایندگان سازمان بر عهده گروه پیش برد آن است .
- 02- گروه پیشش برد همایش هفت تن عضو دارد.
- 03- هر گرایش یا گروه بندی درون سازمانی باید دست کم یک نماینده در گروه پیش برد داشته باشد.
- 04- هر عضو گروه پیشبرد باید دارای رای موافق دست کم پنجاهدر صد و یک تن از اعضای همایش باشد. در دوره سوم رای گیری آوردن رای موافق بیش تر از رای مخالف بسنده است .
- 05- گروه پیش برد سرپرست ندارد.
- 06- پس از انتخاب گروه پیش برد همایش سراسری دوره ای نمایندگان سازمان، همه نهادهای سراسری سازمان و سرپرستان آنها از سمت خود برکنار می شوند.
- 07- اعضای نهاد داوری سراسری، گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسری و نهاد اجرایی نمی-توانند عضو گروه پیشبرد باشند.
- بند ۰۴- مصوبات
- ۰۱- مصوبات همایش های سراسری نمایندگان سازمان تا زمانی که توسط همایش سراسری دیگری کنار گذاشته نشوند معتبر هستند.
- ۰۲- مصوبات همایش سراسری نمایندگان سازمان در پیوند با همه پرسى مربوط به هر مصوبه بالاترین مصوبات هستند.
- ۰۳- تصویب و تغییر اسناد کار پایه ای ، اسناد مربوط به آماج ها و دیدگاهها و برنامه ی سازمان با اراس موافق دست کم سه چهارم همه ی اعضای همایش سراسری نمایندگان و رای موافق دست کم سه چهارم همه اعضای سازمان در همه پرسى صورت می گیرد.
- ۰۴- خط مشی و قطعنامه های سیاسی با رای موافق دست کم شصت درصد اعضای همایش سراسری نمایندگان به تصویب می رسند.
- ۰۵- مصوبات و تصمیمات همایش سراسری نمایندگان برای همه الزام آور و تعهد آور است هیچ نهاد و مجموعه ای حق نقض تصمیمات همایش های سراسری نمایندگان را ندارند.
- ۰۶- همایش سراسری نمایندگان سازمان از میان سندهای خط مشی ارائه شده به آن سند مبنا سند مبنا انتخاب نمی کند. در همایش سراسری نمایندگان برای کار روی هر سند گروه کار جداگانه تشکیل می شود. پس از پایان کار گروه های کار سند ها به رای همایش گذاشته می

شوند. هر عضو همایش تنها می تواند به یک سند رای دهد. هر سندی که رای موافق دست کم شصت درصد اعضای همایش را بیاورد مصوب آن است.

هرگاه هیچ سندی نتواند دست کم شصت درصد آرای موافق همایش را بدست آورد، پشتیبانان دو یا چند سند که آماده همکاری با هم تا همایش بعدی هستند و اسنادشان در مجموع دارای «اکثریت» دست کم شصت درصد اعضای همایش است باید سند مشترکی به همایش ارائه دهند که بتواند اکثریت لازم را به دست بیاورد یا دست کم باید ائتلاف خود را به رای همایش بگذارند.

بند ۰۵ - مسائل دیگر

01- در همایش سراسری نمایندگان باید گرایش ها و گروه بندی های درون سازمانی به نسبت نیروی شان در سازمان نماینده داشته باشند.

بخش هشتم

- نهاد رهبری سراسری (شورای مرکزی) سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

نهاد رهبری سراسری سازمان منتخب همایش سراسری نمایندگان و در نبود آن بالاترین نهاد سراسری فراگیر، برگمارنده و کنترل کننده و در چارچوب مصوبات همایش سراسری نمایندگان سازمان سیاست گزار است.

نهاد رهبری سراسری سازمان در باره ی همه تصمیمان و اقدامات خود در برابر همایش سراسری نمایندگان سازمان پاسخگو است.

بند ۰۱ اختیارات و وظایف

۰۱- سیاست گذاری های عمومی و کلان و تصمیم گیری های سیاسی حیاتی و برخورد های بی پیشینه و تازه

۰۲- انتخاب، تجدید انتخاب و تکمیل نهاد اجرایی سراسری

۰۳- کنترل و نظارت بر نهاد اجرایی سراسری و بحث ، اظهار نظر و تصمیم گیری پیرامون گزارش آن

۰۴- تصویب برنامه فعالیت های نهاد اجرایی سراسری و بودجه آن

۰۵- برگزاری همایش سراسری نمایندگان سازمان و سازماندهی تهیه طرح اسناد لازم و انتشار آنها برای بحث و تبادل نظر تا چهارماه پیش از برگزارای همایش سراسری نمایندگان (کنگره)

۰۶- قرار دادن منظم و مرتب اعضای خود در جریان کارها

۰۷- گزارش دهی فعالیت هنه سازمان به همایش سراسری نمایندگان

۰۸-۸- انتخاب سرپرست و گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسری

۰۹- انتخاب سرپرستان همه گروه های کار سراسری
 ۰۱۰- نظارت بر اجرای مصوبات همایش سراسری نمایندگان سازمان
 ۱۱- گزارش دهی دست کم هر چهار ماه یکبار از فعالیت های نهاد رهبری سراسری به سازمان

۱۲- تشخیص نقض تفسیری مصوبات سازمان با دست کم ۸۰ درصد آرای موافق خود پیوست ۰۱- تشخیص مسائل سیاسی حیاتی که نیازمند تصمیم گیری شورا باشد با نشست شورا است. یک چهارم اعضای شورا می توانند نشست ویژه شورا را برای تصمیم گیری در این مورد فرا بخوانند.

پیوست ۰۲- تشخیص کلات بودن و حیاتی بودن یک برخورد و یا بی پیشینه و تازه بودن آن با رای موافق دست کم پنجاه درصدو یک تن از رایزنان آن صورت می گیرد.
 پیوست ۰۳- برای در پیش گرفتن برخوردی بی پیشینه و تازه رای موافق دست کم سه چهارم اعضای نهاد رهبری سراسری لازم است.

پیوست ۰۴- نهاد رهبری سراسری نمی تواند برخورد های کلات با رویداد ها و روندهای کشور برخورد های بیپیشینه و تازه، انتخاب سرپرستان گروه های کار و تکمیل نهاد اجرایی سراسری را به نهاد اجرایی سراسری واگذار کند.
 بند ۰۲- شمار اعضا

شمار اعضای نهاد رهبری سراسری بیست و یک تن است.
 شمار پیش بینی شده نهاد رهبری سراسری باید در همایش سراسری نمایندگان سازمان انتخاب شود.

هر عضو سازمان تنها می تواند چهار دوره پیاپی عضو نهاد رهبری سراسری سازمان باشد و تنها پس از دو دوره دوری از نهاد رهبری سراسری می تواند دوباره بهعضویت آن در آید. اعضای نهاد رهبری سراسری با حق رای در همایش سراسری نمایندگان سازمان شرکت خواهند کرد.
 بند ۰۳- رایزنان

01- سرپرستان هر سازمان ایالتی، استان و کشوری

02- ۰۲- شرپرست هر گروه کار سراسری

03- ۰۳- اعضای شورای سردبیری رسانه های سراسری

پیوست ۰۱- وظیفه رای زنان سرپرست بخش های تشکیلاتی برقرای پیوند پیوسته پایدار میان بخش های تشکیلاتی خود و نهاد رهبری است. آنان موظف به پذیرش مسئولیتی در نهاد سراسری سازمان یا گروه های کار سراسری نیستند. دوره انتخاب رایزنان سرپرست بخش های تشکیلاتی برابر با فاصله دو نشست دوره ای بالاترین نهاد آن بخش تشکیلاتی است و نباید الزاما با دوره انتخاب نهاد رهبری سراسری یکی باشد

پیوست ۰۲- رایزنان سرپرست بخش های تشکیلاتی می توانند نماینده ای را برای شرکت در نشست های نهاد رهبری سراسری بفرستند. این نماینده می تواند ثابت نباشد این نماینده رایزن نهاد رهبری سراسری نیست.

پیوست ۰۳- رایزنان نهاد رهبری سراسری در صورت انتخاب نشدن در بخش تشکیلاتی خود بدون حق رای در همایش سراسری نمایندگان سازمان حق شرکت خواهند داشت.

پیوست ۰۴- نهاد رهبری سراسری رایزن دیگری ندارد.

04- هزینه شرکت رایزنان نهاد رهبری سراسری در نشست های آن از سوی نهاد رهبری سراسری تامین نمی شود. این هزینه نباید از محل تعهدات مالی بخش های تشکیلاتی در برابر نهاد اجرایی سراسری پرداخت شود.

پیوست ۰۶- نهاد رهبری سراسری سازمان حق دارد بسته به تشخیص خود از نظرات کارشناسان استفاده کند.

بند ۰۴- شیوه انتخاب

نهاد رهبری سراسری سازمان از سوی همایش سراسری نمایندگان و از میان اعضای آن انتخاب می شود.

انتخاب رهبری سراسری به گونه ای است که گرایش های و گروه بندی های درون سازمانی به نسبتی برابر با همایش سراسری نمایندگان در آن حضور داشته باشند. شیوه ی انتخاب نسبی است. تعداد نامزدهایی که هر عضو همایش سراسری نمایندگان سازمان حق دارد برای عضویت در نهاد رهبری سراسری سازمان انتخاب کند برابر است با حاصل ضرب شمار اعضای نهاد رهبری سراسری سازمان (بیست و یک) ضرب در درصد رای موافق آن سند خط مشی سیاسی ارائه شده به همایش سراسری که بیشترین رای موافق را آورده است.

هر سند حق دارد تنها به اندازه درصد آرای موافق خود در همایش در نهاد رهبری سراسری نماینده داشته باشد. این شمار حاصل ضرب شمار اعضای نهاد رهبری سراسری سازمان (بیست و یک) در درصد رای موافق هر سند خط مشی سیاسی است..

تعیین اعضای نهاد رهبری سراسری سازمان بر پایه ی شمار آرا و پشتیبانی از اسناد صورت می گیرد.

نیاز به تکمیل نهاد رهبری سراسری سازمان هنگامی پیش می آید که شمار اعضای ان به کم تر از بیست و یک تن برسد.

تکمیل نهاد رهبری سراسری با توجه به نسبت آغازین نمایندگان گرایش ها و گروه بندی های درون سازمانی در آن و بر مبنای شمار آرای نامزدهای عضویت در شورا در همایش سراسری نمایندگان صورت می گیرد.

تکمیل نهاد رهبری سراسری بدون رای گیری در نهاد رهبری سراسری یا نهاد دیگر سازمانی انجام میشود.

نهاد رهبری سراسری می تواند تنها به تعداد یک تن از هر گرایش یا گروه بندی درون سازمانی و در مجموع سه تن تکمیل شود. هر گاه نیاز به تکمیل بیشتر نهاد باشد، باید همایش سراسری ویژه نمایندگان سازمان فراخوانده شود.

بند ۵- گروه سرپرستی

نهاد رهبریسراسری سازمان گروه سرپرستی پنج نفره پیوسته دارد که در نخستین نشست شورا انتخاب می شود.

نهاد رهبری سراسری گروه سرپرستی خود را به گونه ای انتخاب می کند که از هر گرایش یا گروه بندی درون سازمانی دست کم یک نفر در آن حضور داشته باشد. اعضای گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسری نمی تواند عضو نهاد اجرایی باشند.

هر یک از اعضای گروه سرپرستی یکی از وظایف زیر را بر عهده دارد.

01- سرپرستی نهاد رهبری سراسری

02- نظارت بر کار نهاد اجرایی سراسری

03- اداره ی نشستهای نهاد رهبری سراسری و آگاهی ار آیین نامه های مربوطه

04- تنظیم و نظارت بر تنظیم همه گزارشهایی که نهاد رهبری سراسری عهده دار آماده کردن آنها است.

05- نظارت بر کار گروه های کار سراسری که در کنار خود نهاد رهبری سراسری کار می کنند و گروه بندی های درون سازمانی

سرپرست نهاد رهبری سراسری مسئول گروه سرپرستی آن است و از سوی خود نهاد رهبری سراسری انتخاب می شود.

نماینده ی هر گرایش یا گروه بندی درون سازمانی در گروه سرپرستی از سوی خود آن گرایش یا گروه بندی پیشنهاد می شود و باید رای موافق به او در نهاد رهبری سراسری بیش از رای مخالف باشد.

گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسری وظیفه پی گیری، به انجام رساندن و سرپرستی همه کارهایی را بر عهده دارد که بر پایه اینکارپایه سازمانی و یا بویژگی از سوی همایش سراسری نمایندگان به نهاد رهبری سراسری واگذار شده است.

هیچ یک از اعضای گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسری نمی تواند سرپرست یک گروه کار سراسری باشد، مگر با آرای موافقدوسوم اعضای نهاد رهبری سراسری سازمان.

بند ۶- نشستها

نشستهای نهاد رهبری راسری دست کم هر چهار ماه یکبار برگزار می شود.

نشست ویژه نهاد به درخواست یک چهارم اعضای آن گروه سرپرستی نهاد اجرایی سراسری و یا یک چهارم اعضای سازمان برگزار می شود.

پیوست ۰۱- هرگاه بذرگزاری نشست یژه نهاد رهبری سراسری از سوی یکی از نام بردگان بالا درخواست شود و گروه سرپرستی ار برگزاری آن سرباز زند، درخواست کننده می تواند نشست ویژه را برگزار کند.

بند ۰۷- گروههای کار در کنار نهاد رهبری سراسری گروه های کار سراسری زیر، در کنار خود نهاد رهبری سراسری سازمان بر پا می شوند

زیر بند ۰۱- بنیاد روزگاران جنبش فداییان خلق ایران این بنیاد مسئول گرد آوری اسناد سازمانی و تاریخ سازمان و مسائلی از این دست مس باشد. زیر بند ۰۲- گروه کار سراسری کارپایه سازمانی، آیین نامه ها و شیوه های مدیریت تهیه و تدوین همه ی کار پایه ها و آیین نامه هایی که همایش سراسری نمایندگان سازمان لازم می داند، همه کارپایه هاو آیین نامه هایی که کارپایه سازمانی پیش بینی کرده است و همه آیین نامه هایی که دامنه ارجای آنها سراسری است، از سوی گروه کار سراسری کارپایه سازمانی، آیین نامه ها و شیوه های مدیریت انجام می شود.

وظیفه ی دیگر این گروه کار تحقیق پیوسته در باره ی شیوه های مناسب مدیریت و مدور کردن آن برای کاربرد سازمان است

زیر بند ۰۳- گروه کار سراسری پژوهش و برنامه وظیفه ی این گروه کار تدوین برنامه سازمانت و سازماندهی بحث های نظری و دیدگاهی در سازمان است.

زیر بند ۰۴- گروه کار سراسری نامزدی برای مسئولیت های سراسری وظیفه این گروه کار، گرد آوری و جستجوی نامزدهای پذیرش مسئولیت در سازمان و کسانی است که در زمینه های کاری گوناگون آمادگی و توانایی کار دارند.

اعضای نهاد رهبری سراسری و نهاد داوری سراسری نمی توانند عضو گروه کار نامزدی برای پذیرش مسئولیت های سراسری باشند

بخش نهم

- شورای سراسری سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

شورای سراسری سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» نهادی مشورتی است که برای هماهنگی فعالیت های سازمان در کشور تشکیل می شود.

اعضای این شورا، اعضا گروههای سرپرستی نهادهای رهبری سراسری، ایالتی، استانی و اعضای نهادهای اجرایی سراسری، ایالتی و استانی و مسئولین سازمانهای کشوری هستند.

بند ۰۱- گروه سرپرستی

گروه سرپرستی شورای سراسری سازمان در برگیرنده سرپرستان نهادهای نام برده است و سرپرستی آن را سرپرست نهاد رهبری سازمان بر عهده دارد.

بخش دهم

- نهاد اجرایی سراسری (هئیت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

نهاد اجرایی سراسری مسئول هدایت سیاسی - اجرایی سازمان در چارچوب مصوبات همایش سراسری نمایندگان و نهاد رهبری سراسری است.

بند ۰۱- اختیارات و وظایف

01- تعیین مواضع سازمان

02- نمایندگی سازمان

03- هدایت فعالیت گروه های کار سراسری و هماهنگی بخش های تشکیلاتی و دیگر نهادهای سازمان به جز نهاد رهبری سراسری؛ نهادهای دآوری و گروههای کار

سراسری که در کنار خود نهاد رهبری سراسری بر پا می شوند

04- تهیه برنامه فعالیت های سازمان و بودجه های آن

05- تهیه مرتب و دوره ای گزارش از کادرهای نهاد اجرایی سراسری برای نهاد رهبری

سراسری و همه سازمان، حداکثر هر سه ماه یکبار

پیوست ۰۱- سرپرست نهاد اجرایی سراسری ، سرپرست سیاسی سازمانو سرپرست اجرایی سازمان نمیتوانند سرپرست یک گروه کار سراسری باشند، مگر با رای موافق دوسوم اعضای نهاد رهبری سراسری سازمان.

پیوست ۰۲- اعضای نهاد اجرایی سراسری نمیتواند سرپرست یک بخش تشکیلاتی سازمان باشند، مگر با رای موافق دو سوم اعضای نهاد رهبری سراسری سازمان

پیوست ۰۳- هر یک از اعضای نهاد اجرایی سراسری کارهای تحت مسئولیت خود را سرپرستی و پیگیری میکند. سرپرست نهاد اجرایی سراسری بر انجام کارها از سوی دیگر اعضای نهاد اجرایی سراسری و سرپرستان همه گروه های کار سراسری سازمان نظارت و آنها را هماهنگ می کند.

بند ۰۲- شمار اعضا و ترکیب

شمار اعضای نهادهای اجرایی سراسری هفت تن است.

نهاد اجرایی سراسری در برگرنده سرپرستان زیر است

- 01- سرپرست نهاد اجرایی سراسری
- 02- سرپرست سیاسی سازمان
- 03- سرپرست اجرایی سازمان
- 04- سرپرست گروه کار سراسری رسانه ها
- 05- سرپرست گروه کار سراسری روابط عمومی
- 06- سرپرستگروه کار سراسری امور و روابط جهانی
- 07- سرپرست گروه کار سراسری تشکیلات و مالی

سرپرست سیاسی سازمان سرپرست و هماهنگ کننده ی همه ی فعالیت های سیاسی سراسری سازمان است. همه مسئولین و گروههای کار سراسری باید زمینه های سیاسی کار خود را با سرپرستی سیاسی سازمان هماهنگ کنند.

سرپرست اجرایی سازمان سرپرست و هماهنگ کننده ی همه کارهای اجرایی سراسری سازمان است همه مسئولین و گروه های کار سراسری باید زمینه های اجرایی کار خود را با سرپرست اجرایی سازمان هماهنگ کنند.

پیوست ۰۱- هرعضو سازمان تنها دو دوره پیایی می تواند عضو نهاد اجرایی سازمان باشد. عضویت دوباره تنها پس از دو دوره دوری از نهاد اجرایی امکان دارد.

بند ۰۳- شیوه انتخاب

نهاد رهبری سراسری سازمان در نخستین نشست خود نهاد اجرایی سازمان را از میان اعضای خود برمی گزیند.

نهاد اجرایی از سوی گروه بندی یا گروه بندی هایی که سند خط مشی سیاسی شان در همایش سراسری نمایندگان سازمان تصویب شده است، به نهاد رهبری سراسری پیشنهاد می شود. باید از پیش مشخص باشد که هر نامزد عضویت در نهاد اجرایی سراسری نامزد پذیرش سرپرستی کدام مسئولیت است.

هرعضو نهاد اجرایی در این انتخاب باید رای موافق دستکم پنجاه درصد و یک تن از اعضای نهاد رهبری سراسری را داشته باشد.

هریک از اعضای نهاد اجرایی سراسریجانشین دارد. جانشین هر یک از آنان از سوی خود او پیش نهاد می شود و باید از سوی نهاد اجرایی سراسری پذیرفته شود و مورد مخالفت نهاد رهبری سراسری نباشد.

شیوه ی تکمیل نهاد اجرایی سراسری همانند شیوه انتخاب آن است و نهاد رهبری سراسری باید درنخستین نشست خود نهاد اجرایی سراسری را تکمیل کند. تا آن هنگام جانشین هر عضو نهاد اجرایی سراسری وظایف او را انجام خواهد داد.

بند ۰۴- رایزنان

01- سرپرستان همه گروهها کار سراسری تنها در زمینه کاری خود رایزن نهاد اجرایی

سراسری سازمان هستند.

پیوست ۰۱- نهاد اجرایی سراسری سازمان رایزن دیگری ندارد و

پیوست ۰۲- نهاد اجرایی سراسری سازمان حق دارد بسته به تشخیص خود از نظرات کارشناسانه استفاده کند.

بند ۰۵- نشست ها

نشستهای نهاد اجرایی سراسری دست کم هر ماه یک بار برگزار می شود. نشست ویژه نهاد اجرایی سراسری به درخواست یکی از اعضای آن گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسری، یک چهارم اعضای نهاد رهبری سراسری و یک چهارم اعضای سازمان برگزار می شود.

بخش یازدهم

- نهادهای داوری سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

نهادهای داوری سازمان برای رسیدگی به و تصمیم گیری در باره اختلافات و شکایات اعضا و نهادهای سازمان از یکدیگر در همه زمینه های زندگی سازمانی و شکایات مربوط به پذیرش عضویت تشکیل می شوند.

دوره کار هر نهاد داوری برابر بافاصله زمانی نشست های دوره ای نهاد برگزار کننده آن است.

بند ۰۱- اختیارات و وظایف

هریک از نهادهای داوری سازمان در چاقوب بخش تشکیلاتی خود دارای اختیارات قانونی است.

تصمیمات هر نهاد داوری در حوزه مسئولیت خود برای همه اعضای و نهادهای سازمان الزام آور است.

تصمیم گیری نهاد داوری با دست کم شصت درصد رای موافق اعضای آن صورت می گیرد. نهادهای داوری تنها با درخواست دست کم یک عضو یا نهاد سازمان فعال می شوند و نمی توانند به تصمیم خود به داوری در یک مورد بپردازند.

حق تفسیر رسمی اسناد کارپایه ای و آیین نامه ای سازمان تنها با نهادهای داوری است.

نهادهای داوری تنها در باره ی نقض آشکار اسناد آرمانی، برنامه ای و سیاسی سازمان حق داوری دارند. این نهادها حق داور درباره تفسیر اسناد پیش گفته را دارا نیستند.

پیوست ۰۱- نهاد برگزیننده هر نهاد داوری موظف است در نخستین نشست خود آن دسته از تصمیمات نهاد داوری را که مستقیماً به نهاد برگزیننده برمی گردد، مورد بررسی و تصمیم گیری قرار دهد.

پیوست ۰۲- تنها نهاد برگزیننده هر نهاد داوری حق تصمیم گیری در باره تصمیمات آن را دارد.

بند ۰۲- انتخاب

نهادهای داوری از سوی بالاترین نهاد سازمانهای روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و ایالتی و از سوی همایش سراسری نمایندگان سازمان انتخاب می شوند. سازمان پایه نهاد داوری ندارد.

سازمان در خارج از کشور تنها نهاد داوری سراسری دارد.

انتخاب نهادهای داوری به شیوه ساده و با رای موافق دستکم دوسوم اعضای نهاد برگزیننده انجام می شود.

اعضای سازمان که نامزد عضویت در نهاد داوری اند نباید الزاماً عضو نهاد برگزیننده نهاد داوری باشند.

اعضای نهاد داوری با حق رای در نشست نهاد برگزیننده خود شرکت می کنند.

بند ۰۳- نهاد داوری سراسری

نهاد داوری سراسری بالاترین نهاد داوری سازمان است.

همایش سراسری نمایندگان سازمان هفت تن از اعضای سازمان را به عنوان اعضای نهاد داوری سراسری برمیگزیند.

برای رسیدگی به هر موضوع تنها پنج تن از اعضای نهاد داوری سراسری مامور می شوند. هرگاه شمار اعضای نهاد داوری سراسری به کمتر از هفت تن برسد، باید نهاد داوری سراسری تکمیل شود. اگر نیاز به تکمیل بیش از این بوجود بیاید، باید همایش سراسری ویژه نمایندگان سازمان تشکیل شود.

تکمیل نهاد داوری سراسری در نشست نهاد رهبری سراسری سازمان و با رای موافق دستکم دوسوم اعضا نهاد رهبری سراسری سازمان ودست کم دوسوم رایزنان آن انجام می شود.

اعضای نهاد داوری سراسری نمی توانند عضو گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسری و عضو نهاد اجرایی شوند.

پیوست ۰۱- هر عضو سازمان تنها سه دوره پیاپی می تواند عضو نهاد داوری سراسری باشد و تنها پس از دو دوره کناره گیری می تواند دوباره به عضویت نهاد داوری سراسری درآید.

بخش دوازدهم

گروههای کار سراسری در سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

تنظیم کار در هر زمینه کاری بر عهده ی گروه کار سراسری آن است. همه اعضای سازمان که علاقه به کار در زمینه ای خاص دارند، باید از سوی گروه کار سراسری آن سازماندهی شوند. فعالیت در یک زمینه کاری داوطلبانه است.

همه ی کارهای سراسری سازمان گروه کار سراسری دارد.

سرپرستان گروه های کار سراسری از سوی نهاد رهبری سراسری سازمان انتخاب می شوند تعداد اعضای گروههای کار سراسری بین سه تا هفت تن است.

اعضای هر گروه کار سراسری از سوی سرپرست آن به نهاد اجرایی سراسری پیشنهاد می شوند و برای عضویت در گروه کار سراسری باید به تایید نهاد اجرایی سراسری برسند.

گروه های کار سراسری تحت مسولیت نهاد اجرایی سراسری فعالیت می کنند؛ بهجر گروههای کار سراسری که نهاد رهبری سراسری در کنار خود بر پا می کند.

سرپرستان گروه های کار سراسری حداکثر تا سه ماه پس از همایش سراسری نمایندگان سازمان گروه کار سراسری خود را سازماندهی می کنند.

هر عضو سازمان می تواند هم زمان در چند گروه کار سراسری عضو باشد و

هیچ کس مجاز نیست سرپرستی بیش از یک گروه کار سراسری را داشته باشد، مگر آنکه نهاد رهبری سراسری سازمان با آرای خود با آن موافقت کند.

هر گروه کار سراسری باید در زمینه کار خود از همه کارهایی که در سازمان انجام میشود آگاهی داشته باشد. در گزارش گروه کار سراسری به نشست های نهاد رهبری سراسری باید

این کارکردها باز تاب داشته باشد.

هر عضو سازمان میتواند در خواست کار در هر یک از گروههای کار سراسری و سرپرستی آن را بکند. غیر از سرپرستی آن دسته از گروه های کار سراسری که نتیجه سرپرستی آنها عضوین

در نهاد اجرایی سراسری سازمان است

سر پرست هر گروه کار سراسری جانشین دارد، که از سوی خود گروه کار سراسری برگزیده می شود و باید به تایید نهاد اجرایی سراسری برسد، غیر از گروه کار سراسری در کنار خود

نهاد رهبری سراسری که جانشین آنها باید به تایید خود شورا برسد.

سرپرست هر گروه کار سراسری رایزن نهاد رهبری سراسری و در زمینه کار خود رایزن نهاد اجرایی سراسری است.

هر گروه کار سراسری که سرپرست آن عضو نهاد اجرایی سراسری نیست، باید در نهاد اجرایی سراسری ناظر داشته باشد.

– گرایش ها و گروهبندی های درون سازمانی در سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

گروه بندی درون سازمانی از سوی گروهی از اعضای سازمان پایه گذاری می شود که به مشی سیاسی و سیاست های راهبردی و کاربردی یکسان یا برداشتی ویژه تر و همسو تر از ((دیدگاهها و آماج های)) سازمان و برنامه آن باور دارند.

عضویت در گروه بندی درون سازمانی داوطلبانه است.

چارچوب گروه بندی های درون سازمان ماندگار نیست.

هر گرایش یا گروهبندی درون سازمانی باید در زمینه تشکیل خود یک مبنای نوشتاری داشته باشد.

هر عضو سازمان در هر زمینه ویژه تنها می تواند به یک گرایش یا گروه بندی درون سازمان تعلق داشته باشد.

هر عضو سازمان می تواند به چند گرایش یا گروه بندی درون سازمانی در زمینه های گوناگون تعلق داشته باشد.

گروه بندی های درون سازمانی زیر نظر نهاد رهبری سراسری سازمان کار می کنند.

گروه بندی های درون سازمانی بخش های ساختاری ندارند.

موازن دموکراتیک سازمانی باید در روابط درونی گروه بندی های درون سازمانی رعایت شود.

گروه بندی های درون سازمانی می توانند برای انتخاب نهاد رهبری سراسری سازمان فهرست انتخاباتی ارائه کنند و آن را به رای یک جا بگذارند.

گروه بندی های درون سازمانی می توانند در نشست های همایش های نمایندگان سازمان و نهاد رهبری سراسری مردم هم آیند.

گروه بندی های درون سازمانی اگر در همایش سراسری نمایندگان سازمان پیروز شوند حق تشکیل نهاد اجرایی سراسری سازمان را دارند.

گروه بندی های درون سازمانی می توانند برای سرپرستی گروههای کار سراسری نامزد پیشنهاد کنند.

بخش چهاردهم

– بخش اعضای همگون

بخش اعضای همگون گردهمایی آن دسته از اعضای سازمان اسن که صرف نظر از همه ی مسائل دیگر در زمینه ای خاص همگون هستند و تمایل به گردآمدن در این بخش را دارند.

نمونه بخش زنان

فعالیت در بخش اعضای همگون سازمانی داوطلبانه است

بخش پانزدهم - همه پرسى و نظر سنجى در سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

بند ۰۱ - همه پرسى

همه پرسى، رای گیری از همه اعضای سازمان در باره زمینه های گوناگون زندگی سازمان است.

تنها همایش های سراسری دوره ای و ویژه نمایندگان سازمان حق تعیین برگزاری همه پرسى سراسری را دارند.

هر همایش سراسری دوره ای و ویژه نمایندگان سازمان حق دارد در چارچوب دستور کار خود برگزاری همه پرسى را برای سازمان مقرر کند.

در نبود همایش سراسری نمایندگان درخواست سه چهارم همه اعضای سازمان برای برگزاری همه پرسى الزام آور است.

برگزاری همه پرسى زیر نظر گروه سرپرستی نهاد رهبری سراسر سازمان صورت می گیرد.

برای رسمیت یافتن نتیجه ی همه پرسى نیازی به برگزاری همایش سراسری نمایندگان نیست.

نتیجه ی همه پرسى الزام آور است.

اسناد پایه ای سازمان بدون تایید در همه پرسى رسمیت نمی یابند. این اسناد در بخش مربوط به همایش سراسری نمایندگان نام برده شده اند.

نتایج همه پرسى در دسترس همگان گذاشته شود.

بند ۰۲ - نظر سنجى

نهاد رهبری سراسری سازمان و نهاد اجرایی سراسری آن حق دارند به تشخیص خود یا در خواست اعضای سازمان برای آگاهی از نظرات آنان و همفکری با دیگر اعضای سازمان در موارد گوناگون دست به برگزاری نظر سنجى همگانی یا موضوعی بزنند.

نتیجه نظر سنجى برای دستگاه رهبری سراسری سازمان تعهد آور نیست.

نتیجه نظر سنجى بسته به مورد می تواند در دسترس همگان گذاشته شود.

نظر سنجى همگانی در موارد کلان و عمومی برگزار می شود و باید از همه اعضای سازمان صورت گیرد.

نظر سنجى موضوعی در باره موردی ویژه و از کسانی صورت میگیرد که در آن زمینه سر رشته دارند.

بخش شانزدهم

- فداییان بیرون از تشکیلات سازمان و نیروهای هم سو و هم آرمان با سازمان

- برای همفکری و همکاری با فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان و نیروهای هم سو و هم آرمان با سازمان، سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» از شیوه های زیر استفاده می کند.
- 01- فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان حق شرکت در نشست های تئوریک و سیاسی سازمان به جز نشست های نهاد رهبری سراسری و نهاد اجرایی سراسری آن را دارند.
- 02- فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان حق کار در زمینه های کاری و عضویت در گروه های کار غیر از سرپرستی آن را دارند.
- 03- فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان در چارچوب امکانات فنی حق شرکت در همایش های نمایندگان سازمان به عنوان میهمان را دارند.
- 04- نمایندگان نهادهای دموکراتیک هم سو و هم آرمان با سازمان حق دارند به عنوان میهمان در همایش های نمایندگان سازمان شرکت کنند.
- 05- نهادهای سراسری سازمان باید فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان و نهادهای دموکراتیک هم سو و هم آرمان با سازمان را در نظر سنجی ها شرکت دهند.
- 06- نهادهای سراسری سازمان باید هنگام برگزاری همه پرسی در سازمان از فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان و نهادهای دموکراتیک هم سو و هم آرمان با سازمان نظر سنجی کنند.
- 07- نهادهای سازمان باید راهکارهای لازم جهت استفاده هرچه بیشتر از دانش و تجربه فدائیان بیرون از تشکیلات سازمان و نهادهای دموکراتیک هم سو و هم آرمان با سازمان را بهکار گیرند.

بخش هفدهم

- خزانه داری

دارایی سازمان بر اساس آیین نامه مالی توسط نهادهای مربوطه اداره میشود. در آمدسازمان را ماهانه عضویت، کمک های مالی اعضا و دوست داران سازمان و در آمد حاصل از دارایی های سازمان تشکیل میدهد. مبنای تعیین ماهانه عضویت در آمد هر عضو سازمان است. میزان و شیوه پرداخت ماهانه عضویت را آیین نامه مالی که به تصویب نهاد رهبری سراسری سازمان میرسد تعیین میکند. تمام نهادهای سازمان موظف هستند، برای دوره فعالیت خود برنامه مالی تنظیم کنند. فقط در چارچوب این برنامه است که منابع مالی برای فعالیت در اختیار آنان قرار می گیرد.

بخش هژدهم

- آیین نامه های پیرو

- آیین نامه های پیرو این کار پایه سازمانی عبارتند از
- 01- کارپایه بخش تشکیلاتی
 - 02- کارپایه سازمان جوانان پیشگام (بخش جوانان سازمان)
 - 03- آیین نامه بخش اعضای همگون
 - 04- آیین نامه شورای سراسری
 - 05- آیین نامه عضوگیری
 - 06- آیین نامه گرایش ها و گروه بندی های درون سازمانی
 - 07- آیین نامه گروه های کار سراسری
 - 08- آیین نامه مالی
 - 09- آیین نامه نهاد اجرایی سراسری
 - 10- آیین نامه نهاد رهبری سراسری
 - 11- آیین نامه نهادهای داوری
 - 12- آیین نامه همایش سراسری نمایندگان
 - 13- آیین نامه همه پرسى و نظر سنجى
- چگونگی تصویب این آیین نامه ها در همایش سراسری نمایندگان در آیین نامه همایش سراسری نمایندگان سازمان مشخص خواهد شد.

بخش نوزدهم

- بخش پایانی

- این کارپایه سازمانی در هفتمین همایش سراسری نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» تصویب شد و لازم الاجرا است.
- همه آیین نامه ها یا مقررات سازمان باید در انطباق با این کار پایه سازمانی باشند. در صورت بروز تناقض حکم کارپایه سازمانی معتبر است. تغییرات در کارپایه سازمانی باید دست کم دو سوم آرای موافق همایش های سراسری نمایندگان سازمان صورت گیرد.
- قرارهای پیوستی
- ۰۱- در باره اجرای این کارپایه سازمانی
- نهاد رهبری سراسری سازمان موظف است تا ششماه انطباق ساختار و فعالیت تشکیلات سازمان بر مبنای این کارپایه سازمانی را سازماندهی کند و انجام دهد.
- ۰۲- در باره ی کار پایه ها و آیین نامه ها

همه ی آیین نامه های نام برده شده در این کارپایه سازمانی تا تصویب در هشتمین همایش سراسری نمایندگان سازمان با تصویب نهاد رهبری سراسری سازمان قابل اجرا است. این آیین نامه ها باید حداکثر تا شش ماه پس از پایان هفتمین همایش سراسری نمایندگان سازمان به تصویب نهاد رهبری سراسری سازمان برسد.

۰۳- عضو گیری در تشکیلات خارج از کشور

نهاد اجرایی سراسری سازمان موظف است تا نه ماه پس از پایان هفتمین همایش سراسری نمایندگان سازمان در خارج از کشور با عضوگیری دوباره بر مبنای این کار پایه سازمانی چار-چوب تشکیلات سازمان را تدقیق کند.

پیش نهاد جایگزینی واژه عضو و واژه های پیرو آن با واژه هموند و واژه های پیرو آن

سند سیاسی

پیشنهادی به کنگره هفتم سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

اصلاحات، سیاست ها و راهکارها

اصلاحات

۱- ژرفش جنبش مدنی

جنبش مدنی در کشور ما از قدمت صد ساله خوردار است. آماج اصلی این جنبش استقرار مردم سالاری، جمهوری دموکراتیک و لائیک ونفی هرگونه ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد در کشور ما است. جنبش مدنی که از دوم خرداد سال ۷۶ به اینسو در شکل جنبش اصلاح طلبانه بر آمد کرده است، طی این سالها تعمیق یافته، در جامعه ریشه دوانده و به دستاوردهای ارزنده ای نادل آمده است. ما از جایگاه جنبش مدنی و از موضع تقویت آن حرکت میکنیم.

۲- جنبش اصلاحات و دستاوردهای آن

✉ جنبش اصلاح طلبی بمثابه ظرف کنونی جنبش مدنی برخاسته از نیاز جامعه ما به تحول بنیادین و پیامد دگرگونی در ساخت اجتماعی است. و جنبشی است رادیکال که ریشه در مطالبات افشار مدرن جامعه دارد. سمت و سوی این جنبش نفی ولایت فقیه دموکراتیزه کردن ساختار قدرت و ایجاد نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروههای اجتماعی است. خصلت این جنبش مسالمت آمیز و گفتمان آن اصلاح طلبانه وقانون - گرایانه است.

اکثریت مردم کشور ما تیروی اجتماعی این جنبش هستند. در این جنبش نقش روزنامه نگاران، روشنفکران، جوانان، دانشجویان و زنان چشمگیر و بارز است.

* جنبش اصلاحات با وجود اینکه تارسیدن به اهداف خود راه درازی در پیش دارد، ولی دستاوردهای آن قابل تاکید است: دگرگونی در گفتمان سیاسی، ارتقاع آگاهی سیاسی مردم و پی

بردن آنها به ارزش و جایگاه رای خود، تقویت گرایش مردم سالاری در جامعه، ارتقاء آگاهی مردم از حقوق شهروندی، فراهم آوردن زمینه های گسترش نهادهای مدنی، نرم ساختن متصلب سیاسی و بالا بردن هزینه کاربست قهر.

۳- ارزیابی از وضعیت اصلاحات و جنبش اصلاح طلبانه

روندهای سیاسی در کشور ما از تعامل سه جریان: تمامیت گرایان، اصلاح طلبان حکومتی، و نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب بیرون از حاکمیت و عامل منطقه ای و بین المللی شکل می گیرد.

تمامیت گرایان: ابتکار در بالا، انزوا در پایین"

* تمامیت گرایان بعد از شکست در انتخابات دوره ششم مجلس شورا در یافتند که در صحنه انتخابات همواره بازنده اند. آنها با یورش سازمان یافته به اصلاحات، صحنه اصلی مبارزه را از پای صندوق های رای بدون حکومت و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه کشانده اند. جایی که از نیرو و موقعیت برتری برخوردارند. ولی فقیه در راس این یورش قرار دارد.

خامنه ای و گرایش مصلحت گرا در طیف تمامیت گرایان بعد از انتخابات دوره ششم مجلس شورا ابتکار عمل را بدست گرفته و با اتخاذ استراتژی جدید و اجرای گام به گام آم و بهره گیری ابزاری از قانون، انسجام را در صفوف این جناح تامین و اصلاح طلبان حکومتی را گام به گام عقب نشاندهند. محتوای این استراتژی عبارت است از: توسعه سیاسی نه، اما اصلاحات از نوع فقهاتی آری"

این استراتژی مصادره اصلاحات و جایگزینی آلترناتیو خود بجای توسعه سیاسی را مد نظر دارد و هدف آن تهی کردن جنبش اصلاحات از محتوی واقعی آن است.

مجریان این استراتژی از یک سو نیروهای جناح خود را برای تن دادن به اصلاحات در عرصه های محدود و معین آماده می کنند و از سوی دیگر میکوشند با توسل بانواع حیل از جمله حربه "قانون" و سرکوب، اصلاح طلبان حکومتی را در حد "حداقل" آنان متوقف سازند. آنها در دو سال گذشته برای سوق دادن اصلاحات به نقطه "اپتیموم" کوشیده اند.

* حلقه های تاکتیکی این استراتژی را میتوان چنین جمع بندی کرد:

- پیشبرد استراتژی بحران سازی

- تعطیلی مطبوعات مستقل و منتقد که ویله ارتباط اصلاح طلبان با مردم و بازوی قدرتمند آنها بودند و در شکل گیری افکار عمومی و بشکست کشاندن نقشه های تمامیت گرایان نقش موثر ایفا می کردند.

- دستگیری و به زندان افکندن چهرهای شاخص اصلاح طلب و روزنامه نگاران شجاع و محروم کردن جنبش اصلاحات از افراد کار آمد- بالا بردن هزینه سیاسی و انسانی اقدامات رادیکال.

- سرکوب جنبش دانشجویی و سوق دادن آن به انفعال و تشدید شکاف در درون آن.
- تشدید اختلاف در درون جبهه دوم خرداد از کانال زیر ضرب گرفتن اصلاح طلبان رادیکال و تمرکز فشار بر روی آنها، تلاش برای جلب گرایش سستی و محافظه کار و خنثی کردن گرایش معتدل.

- بهره برداری از سیاست آرامش فعال" و سیاست و روش اعتدالی خاتمی.
- بالا بردن هزینه ارتباط گیری و همکاری بین اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت
- حذف نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی و سرکوب آلتز ناتویهای غیر حکومتی.
- نا امید کردن مردم از اصلاحات و اصلاح طلبان حکومتی، دفاع ریا کارانه از خواستها و مطالبات برخی گروه های اجتماعی، دست گذاشتن بر مسایل اقتصادی، فقر و اشتغال برای اعمال فشار بر اصلاح طلبان.

- و سرانجام ایجاد بحرانهای سیاسی و گاه نظامی خارجی، و یا بهره برداری جناحی مغایر با منافع ملی کشور علیه اصلاحات از بحرانهای منطقه ای و بین المللی

*تمامیت گرایان با کاربست این استراتژی در زمین گیر کردن اصلاحات و تحکیم محدوده های تنگ بر آن موفقیت زیادی بدست آورده اند. موقعیت برتر آنها در حکومت از یک سو واز سوی دیگر تناقضات فکری و سیاسی، تعلل ها و تزلزل های اصلاح طلبان حکومتی و سرانجام ضعف سازمانی اصلاح طلبان غیر حکومتی پارامترهای موثر در کامیابی تمامیت گرایان بوده است. با این وجود آنها نتوانسته اند بر پایگاه اجتماعی خود بیفزایند. انتخابات ۱۸ خرداد نشان داد که موقعیت آنها در بین افکار عمومی ضعیف تر گشته و در بین مردم منزوی تر شده اند. انزوای دو افزون آنها در داخل کشور با روند دیگری هم تکمیل می شود که خصلت منطقه ای و بین المللی دارد با حذف شدن طالبان" در افغانستان و ضربه خوردن بنیاد گرایان اسلامی در منطقه تمامیت گرایان اسلامی تحت فشار قرار گرفته و در آینده تحت فشار بیشتری قرار

خواهند گرفت. آنها علیرغم موفقیت شان در به رکود کشاندن اصلاحات، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی بیش از پیش بی آینده می شوند.

* در بین تمامیت گرایان دو گرایش بارز وجود دارد: گرایش مصلحت گرا و افراطی.

جریان افراطی قبل از انتخابات دوره ششم مجلس شورا پیشفراول تهاجم اصلاحات بود اما از آن پس گرایش مصلحت گرا با تهاجم سازمان یافته به روند اصلاحات، ابتکار عمل را بدست گرفت و از گرایش افراطی بمثابه اهرم فشار علیه اصلاح طلبان بهره جست.

اصلاحات در بحران

اصلاحات با تهاجم سازمان یافته تمامیت گرایان و ناتوانی و تزلزل اصلاح طلبان حکومتی به رکود گراییده و با بحران روبرو است. اما مولفه های اجتماعی جنبش اصلاحات پابرجا است و اکثریت مردم، نهادهای مدنی، جنبش های اجتماعی ثو افکار عمومی خواهان تداوم و تعمیق اصلاحات هستند. رشد شهر نشینی، افزایش روشنفکران و دانشجویان، مشارکت پذیری زنان، ارتقای آگاهی سیاسی مردم و شکل-گیری افکار عمومی، گسترش اطلاعات و ارتباطات و روندهای جهانی بستر مساعد برای پیشرفت اصلاحات است.

* با برگزاری انتخابات دوره ششم مجلس شرا وانتقال نهادهای انتخابی به اصلاح طلبان حکومتی ودیوار بدیوار شدن اصلاحات با نهادهای غیر انتخابی از یکسو و از سوی دیگر تهاجم سازمان یافته تمامیت گرایان به دستاوردهای اصلاحات با توسل به نهادهای غیر انتخابی و وابسته بهولایت قیه، اصلاحات به سد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه برخورد کرده است. ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه مانع اصلی تداوم و پیشرفت اصلاحات است. این امر در شرایط کنونی دیگر ارزیابی و پیش بینی نیست که ما در کنگره ششم بر آن تاکید کردیم، بلکه واقعیت مرکزی صحنه سیاسی کنونی کشور است.

* اصلاح طلبان حکومتی با اغراق در قدرت و توانایی محافظه کاران در سرکوب و اعمال خشونت و رویکرد به سیاست "ارامش فعال" از کاربست استرژژی فشار از پایین و چانه زنی در بالا، فاصله گرفته اند و نیروهای جنبش اصلاحات از جمله جنبش دانشجویی را بسوی انفعال و کم تجربگی سوق دادند. آنها نوانستند مقاومت در مقابل تهاجمات تمامیت گرایان را سازمان دهند. پیشبرد سیاست آرامش فعال" بر جنبش اصلاحات ضربه زد و بستر مساعدی را برای پیشروی تمامیت گرایان فراهم آورد.

اصلاح طلبان حکومتی تاکنون فرصت های گرانمایی را از دست داده اند.

* اصلاحات ار بحران اندیشه، استراتژی و سازماندهی رنج می برد. اصلاح طلبان حکومتی پاسخ روشن به مسایل تئوریک جمبش اصلاحات در مرحله کنونی وچگونگی دمکراتیزه کردن ساختار سیاسی و مناسبات دین و حکومت نداده اند.

مردم سالاری دینی مطروحه توسط خاتمی، مفهومی متناقض و مبهم است ویا جنبش اصلاحات و آماج آن مغایرت دارد.

* اصلاح طلبان حکومتی بعد از انتخابات ششم مجلس شورا همچنان سیاست جلب نظر ولی فقیه، دور زدن و خنثی نگهداشتن او را ادامه دادند. هدایت تهاجم علیه اصلاحات توسط ولی فقیه، نا کارایی این سیاست رانشان داد. با این وجودت آنها کمابیش این سیاست را ادامه میدهند.

* اصلاح طلبان حکومتی بر آنند که گرایش افراطی در جبهه تمامیت گرایان را منزوی و نفرد کنند وگرایش خردگرا را بامید پذیرش قواعد انتخابات شکل دهند و امکان دستیابی به توافق با آنها را بر محور تداوم اصلاحات و حفظ کل نظام سیاسی فراهم سازند. این سیاست پیش نرفت و تمامین گرایان انسجام خود را حفظ نموده و تن بقواعد بازی ندادند.

* اصلاح طلبان حکومتی به اقدامات محافظه کاران جهت انتقال صحنه اصلی مبارزه به درون ساخت قدرت تن دادند. آنها با در دست گرفتن قوه ی مجریه و مقننه باین باور رسیدند که می توان برنامه اصلاحات را از درون نهادهای رسمی بویژه نهادهای انتخاباتی پیش برد مبتنی بر چنین فکری آنها با تاکید بر نمایز و جدائیشان از نیرو های اصلاح طلب و آزادخواه بیرون از حاکمیت، از توان جنبش اصلاحات برای تداوم اصلاحات و مقابله با تهاجمات تمامیت گرایان بهره لازم را نگرفتند.

* اصلاح طلبان حکومتی نسبت به نهاد سازی و سازمان دهی گروه های اجتماعی، طرح مطالبات اقشار و طبقات پایین و میانی جامعه و جنبش های اجتماعی کم نوجه بوده و برای رفع موانع سازمانیابی گروه های اجتماعی، تاسیس و قوام نهادهای مدنی تلاش کافی به عمل نمی آوردند. آنها از درک نقش احزاب و تشکل های سیاسی ومدنی که با سازماندهی نیروهای اجتماعی می توانند توازن قوا را بسود جریان اصلاح طلبی تغییر دهند، باز مانده اند.

محضوریت های سیاسی و محدودیت های فکری، مانع از اتخاذ مشی بسیج نیروهای اجتماعی از سوی آنها است

* بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان حکومتی نسبت به قانون اساسی برخورد یک جانبه و گاه قدسی دارند. آنها از ظرفیت های موجود قانون اساسی و از مواردی که مسکوت گذاشته شده است، سخن می گویند؛ اما تجربه نشان داده هر موقع آنها در این جهت گام برداشته اند با سد نهادهای غیر انتخابی روبرو شده اند. اکثریت اصلاح طلبان حکومتی از طرح تغییرات در قانون اساسی و پیشبرد کارزار در این زمینه اجتناب می ورزند..

* جنبش اصلاحات فاقد رهبری و ستاد هدایت کننده است. اصلاحات توسط خاتمی طرح و تبلیغ شد. نقش او در اشاعه اندیشه های اصلاح طلبانه قابل تاکید است. ولی وی به علت موقعیتش در ساخت سیاسی، دیدگاهها و خصوصیت فردی اش نمی توانسته و نمی خواسته رهبر جنبش اصلاحات باشد. او نقش سمبل اصلاحات را داشت و این در ذهنیت مردم در حال تضعیف است.

* زویدادهای بعد از انتخابات ۸۰ ترکیب کابینه و اظهارات خاتمی مشخص کرد که وی با صراحت بیشتر نسبت به سابق در موضع نفی اصلاحات رادیکال و پیگیر قرار گرفته و در صدد پیشبرد اصلاحات معتدل است. خاتمی می خواهد اصلاحات بگونه ای پیش برود که هزینه آن از جهات مختلف کاهش یابد، از دامنه تشنجات در درون حکومت کاسته شود و فضای آرام برای اجرای برنامه سوم فراهم آید.

او بر آن است که دستاوردهای چهار ساله گذشته را حفظ کند و به میزان حدوتری اصلاحات سیاسی را بدون چالش جدی با ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن از طریق تعاملات ندریجی و قانونی پیش ببرد. اعتدال برای او بعنوان استراتژی، تاکتیک و روش مطرح است. او می کوشد خواستههای مردم را به توانایی های جمهوری اسلامی محدود سازد. دولت خاتمی و شعارهای آن بیان کننده حداقل خواسته های مردم هستند.

تن دادن خاتمی به فشارهای تمامیت گرایان و عدم اتکا او به نیروهای اصلاحات در به رکود کشاندن اصلاحات موثر بوده است.

* استراتژی بازدارندگی فعال توسط بخش هایی از اصلاح طلبان حکومتی مطرح شده است. ولی در این استراتژی برخی مولفه های سیاست آرامش فعال هم چنان حفظ شده است.

* در بین اصلاح طلبان حکومتی گرایشهای مختلف شکل گرفته است: گرایش رادیکال، معتدل، سنتی و محافظه کار. گرایش رادیکال خواهان شتاب گیری اصلاحات، دمکراتیزه کردن تمام بخش های ساختار سیاسی و برخورد قاطع و پیگیر به امر اصلاحات است و توجه بیشتری نسبت به پایه اجتماعی اصلاحات مبذول میدارد (اصلاحات رادیکال). گرایش معتدل معتقد به آهنگ آرام و بطئی و دمکراتیزه کردن بخش هایی از ساختار سیاسی و وارد نشدن بخش های دیگر به روند دمکراتیزاسیون و کاربست شیوه های معتدل است و نسبت به پایه اجتماعی اصلاحات توجه کمتری دارد (اصلاحات معتدل). گرایش سنتی و محافظه کار خواستار اصلاحات اندک و محدود نسبت به دوره قبل از دوم خرداد است. در حال حاضر وزن سنکین در طیف جبهه دوم خرداد با گرایش معتدل است.

تقسیم بندی مذکور گرایش عمومی را در طیف اصلاح طلبان حکومت نشان می دهد. با این وجود در این طیف برخی از نیروها به لحاظ برنامه ای رادیکال و بجهت شیوه برخورد معتدل هستند و بالعکس. بعضی نیرو ها نیز بین این گرایش ها نوسان دارند.

نیروهای اجتماعی جنبش اصلاحات در مسیر برآمدهای مستقل

* اصلاح طلبان غیر حکومتی که یکی از دو مولفه جنبش اصلاح طلبان را تشکیل می دهند دارای کمین و کیفیت بالایی بوده و در چند سال گذشته هیچ فرصتی را در حمایت از اصلاحات از دست نداده و برای تدام و تعمیق آن مبارزه کرده اند. اصلاح طلبان غیر حکومتی بعلت سرکوب و پراکندگی، همچنان از سازمان نیافتگی رنج می برند ولذا هنوز مبارزه در سطح جامعه عمدتا حول این نیرو و تمامیت گران تمرکز نیافته است.

اصلاح طلبان غیر حکومتی مخالف ولایت فقیه و ارگانهای انتصابی هستند و از اصلاح طلبان حکومتی توقع عمل به تعهدات خود را دارند.

* مطبوعات مستقل م و منتقد قبل از انتخابات مجلس گرانیگاه مبارزه جبهه دوم خرداد علیه تمامیت گرایان بود. با یورش به مطبوعات و تعطیلی آنها، از موقعیت مطبوعات و نقش هدایتگری آنها کاسته شد و روزنامه های جایگزین هم به علت فشارهای وارده هنوز نتوانسته اند جای آنها را پر کنند.

* فعالیت فرهنگی، ادبی و هنری نویسندگان، شعر، هنرمندان و روشنفکران مستقل کشور که پی ریزی تحولات فرهنگی و اشاعه فرهنگ دمکراتیک و مدرن و مبارزه علیه دیدگاههای ارتجاعی

نقش مهمی دارند و سالهای اخیر بر میزان آنها بطور قابل ملاحظه ای افزوده شده است، با وجود فضای اختناق گسترش پیدا کرده است.

* بحران در واحدهای تولیدی، تعویق پرداخت دستمزدها، اخراج کارگران، خصوصی سازی واحدهای تولیدی بدون پیشبرد سیاستهای حمایتی، تشدید فقر و فلاکت کارگران، بی توجهی دولت و مجلس به مطالبات آنها، زمینه ساز اعتراضات کارگری شده است. جنبش کارگری در حال حاضر گسترده ترین جنبش اعتراضی در کشور است ولی کارگران هنوز فاقد اتحادیه های سراسری هستند. گرایش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری در صفوف کارگران تقویت شده است. جنبش کارگری عیلرغم گستردگی هنوز وارد مبارزه سیاسی و صنفی نشده و با سایر جنبش های اجتماعی پیوند نخورده است.

* جنبش دانشجویی در معرض یورش مداوم محافظه کاران قرار دارد. فعالین این جنبش احضار و یا بازداشت می شوند.

جنبش دانشجویی بعنوان اثرگذارترین نیرو در روند اصلاحات بعد از فاجعه کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز و رویکرد به سیاست "آرامش فعال" به انفعال گرایید و نتوانست نقش بارز و قابل توجه ای در روند اصلاحات بازی نماید. چالش ناگزیر بین گرایش مدرن و سنتی، به شکاف در دفتر تحکیم وحدت به نوعی دچار رخوت و سستی سیاسی شده است. گرایش به استقلال تشل های دانشجویی از جناح حکومتی و ایجاد تشکل های نو اندیش در بین دانشجویان تقویت شده است.

* جوانان که فعال ترین نیرو در انتخابات دوم خرداد و بعد از آن بودند، به علت بر آورده نشدن مطالباتشان، به رکود گراییدن اصلاحات و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی با گاههای شتابان از اصلاحات فاصله می گیرند. جوانان انفجاری ترین نیروی اجتماعی در کشور هستند. حرکات اعتراضی جوانان گسترش یافته است. ولی این حرکات فاقد سازماندهی و اهداف معین بوده و صرفا شورش علیه وضع موجود است. جوانان از بالاترین پتانسیل نافرمانی مدنی برخوردارند.

مبارزه زنان برای تغییر قوانین ناعادلانه و کسب حقوق سیاسی و اجتماعی، برابر حقوقی زن و مرد و علیه دیدگاه و فرهنگ مرد سالاری و مقاومت آنها در برابر فشارهای حکومت در حال

گسترش است. زنان از تشکیل نهادهای مدنی استقبال کرده و حضور آنها در این نهادها بارز و چشمگیر است.

* حرکت اعتراضی معلمان در ماههای اخیر رو بگسترش نهاد و اوج تازه ای گرفت ولی به لیجادهای تشکل مستقل سراسری معلمان نیانجامید.

* نهادهای مدنی با وجود موانع متعدد در عرصه های مختلف پا گرفته اند. ولی هنوز از آنچنان قوام و موقعیت برخوردار نیستند که در روند اصلاحات نقش موثر ایفا کنند

* مبارزه برای تحقق حداقل حقوق ملی هم در عرصه سیاسی و هم ملی در حال گسترش است. این مبارزات که عمدتاً با شعار اجرای مواد بکلی فراموش شده ای از قانون اساسی جریان دارند، خصلت بسیج گرایانه پیدا کرده اند. این حرکات ضمن اینکه خود را جزو جنبش اصلاح طلبانه می دانند؛ ولی عمدتاً مستقل از اصلاح طلبان حکومتی هستند.

در بین این نیروها که مولفه های جنبش مدنی هستند و در شرایط کنونی بر بستر جنبش اصلاحات حرکت می کنند- گرایش به استقلال و برآمد در سیمای مستقل قویا رشد یافته است. آنها عمدتاً خواستار پیشبرد اصلاحات رادیکار و پیگیر هستند.

روندهای بین المللی و کشور ما

* رویداد ۱۱ سپتامبر و طرح مبارزه با تروریسم فضای جدیدی را در سطح جهانی بوجود آورد که می تواند به تضعیف موقعیت بنیاد گرایان در منطقه و ایران منجر گردد. با این همه این امکان مثبت از سوی مشی برتری طلبانه و ماجرا جویانه هییت حاکمه امریکا تهدید می شود. رویدادهای اخیر نشان داد که همدردی همه ی جهانیان با فاجعه ۱۱ سپتامبر مبارزه با تروریسم دستاویز سیاست های سلطه طلبانه و برتری جویانه دولت بوش قرار گرفته است .

سیاست های جنگ طلبانه جورج بوش و قرار دادن ایران همراه با عراق و کره شمالی بعنوان «محور اهریمنی» وضعیت خطیری را برای کشور ما بوجود آورده است. تداوم دشمنی کور با امریکا، مخالفت با حل صلح آمیز مسئله فلسطین، حمایت از برخی گروههای اسلامی و برخی حرکن های تحریک آمیز در افغانستان، موضع گیری های غیر مسئولانه خصومت بین دو کشور را تشدید و فضای بحرانی بین آنها بوجود آورده است .

جناح محافظه کار منافع ملی کشور ما را به گروگان گرفته و میخواهد با یاجاد فضای متشنج و جنگی بین دو کشور بر روند اصلاحات نقطه پایان بگذارد. تلاش محافل قدرتمندی از این جناح برای اعلام و برقرای حالت فوق العاده در این راستا است.

سیاست ها

ماخواستار تغییر قانون اساسی در راستای طرد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و جایگزینی نهادهای انتخابی بجای نهادهای انتصابی هستیم.

* اصلاحات و جنبش اصلاح طلبانه از دوم خرداد سال ۷۶ به این سو قوی ترین و گسترده ترین گرایش سیاسی و اجتماعی در کشور ما بوده است. نتایج انتخابات ۱۸ خرداد نشان داد که این جنبش هنوز از پایگاه وسیع اجتماعی برخوردار است اما عدم شرکت بخشی از نیروهای اصلاح طلب در انتخابات ۱۸ خرداد و موضع انتقادی بخش قابل توجهی از رای دهندگان نشانه شکل گیری نیروهای اعتراضی و عین نسبت به خاتمی، اصلاح طلبان حکومتی و روند اصلاحات است. با ندادن رکود اصلاحات و تصریح و تاکید خاتمی به اصلاحات معتدل تزلزل ها و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی، ناامیدی از روند اصلاحات و اصلاح طلبان حکومتی در بین نخبه گان جامعه و بویژه در بین جوانان شتاب گرفته است. بر اثر این وضع و بر بستر نارضایتی عمومی نافرمانی مدنی بتدریج گسترش می یابد؛ شکاف ملت-دولت در سطح گسترده تر باز می شود، مبارزات از پای صندوق های رای به خیابان ها انتقال می یابد و موقعیت یاس و طغیان، ناامیدی و شورش شکل می گیرد. علائمی از چرخش در جامعه مشاهده می شود.

* با آنکه فرصت ها و امکانات برای تداوم اصلاحات در جامعه بتمامی از بین نرفته است امکان فعال کردن و سازمان دادن نیروهای اجتماعی اصلاحات هنوز هم وجود دارد، اما اگر گشایشی در روند تداوم اصلاحات بوجود نیاید؛ این احتمال وجود دارد که مردم راههای دیگر را تجربه کنند و آن فرصت تاریخی و نادر که برای تحقق تحول در ساختار قدرت بطور تدریجی و با هزینه کم در جامعه بوجود آمده بود، از دست برود. خطر شکل گیری آلترناتیوهای غیر دموکراتیک (از جمله سلطنت) روز بروز بیشتر می شود.

* تمامیت گرایان به رهبری ولی فقیه راههای قانونی پیشرفت اصلاحات را بسته اند و در فاصله بین مصوبات مجلس شورا و اجرای آن سد ایجاد کرده اند. ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه سد راه پیشرفت اصلاحات و تحولات اجتماعی در جامعه ما است.

* ترکیب جوان جمعیت کشور، مطالبات انباشته شده مردم، بر آورده نشدن خواسته‌های تاریخی جامعه، سخت جانی استبداد ولایت فقیه، مشکلات اقتصادی و معیشتی، معضلات متعدد اجتماعی و رشد تضادها بیانگر نیاز به تحول اساسی در جامعه ما و در دستور قرار گرفتن آن است. بنظر ما اصلاحات رادیکال در شرایط کنونی گزینه مطلوب برای برون رفت جامعه از بحران و مشکلات موجود و خواست اکثریت مردم است.

اهداف اصلاحات رادیکال عبارتند از: طرد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، دمکراتیزه کردن ساختار سیاسی، جایگزینی نهادهای انتخابی به جای نهادهای انتصابی، استقرار مردم سالاری، تامین حقوق شهروندان، آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروههای مختلف اجتماعی.

بر پایه چنین استنتاج سیاسی است که ما بر ضرورت تداوم و تعمیق اصلاحات تاکید داریم و تلاش می کنیم که جبهه اصلاحات و در درون آن قطب اصلاح طلبان رادیکال و پیگیر تقویت شود سازمانهای سیاسی اصلاح طلب در داخل و خارج کشور، جنبش های اجتماعی و نهادهای مدنی، روزنامه نگاران آزادیخواه، روسنفران و چهره های سیاسی اصلاح طلب، نیروهای اصلاحات رادیکال و پیگیر هستند. وزنه اصلی این نیرو در پیرامون و خارج از حاکمیت است.

تلاش ما این است که اصلاح طلبان غیرحکومتی (نیروی سوم) سازمان پیدا کرده و موقعیتشان در جامعه تقویت شود. این امر می تواند در تداوم تعمیق اصلاحات و در تقویت مواضع و موقعیت قطب اصلاح طلبان رادیکال و پیگیر نقش موثر ایفا کند. ما برای همکاری و اتحاد عمل این نیروها تلاش می کنیم.

* ماضمن تاکید بر تداوم مبارزه در ساخت قدرت برای پیشبرد اصلاحات، معتقدیم که صحنه اصلی مبارزه باید به سطح جامعه انتقال یابد. نیروی اصلی پیشبرنده اصلاحات روزنامه ها و نشریات مستقل و منتقد، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و جنبش های اجتماعی هستند.

* برای تداوم و تعمیق اصلاحات ضروری است قانون اساسی در راستای تامین موازین دمکراتیک و حقوق بشر و جایگزینی نهادهای انتخابی به جای نهادهای انتصابی تغییر یابد، قوانینی که ناقض حقوق بشر است ملغی گردد و نظام قضایی بر مبنای عرف و اصول دموکراتیک باز سازی شود.

* ما از گسترش حرکات اعتراضی مسالمت آمیز، از شجاعت مدنی و نافرمانی مدنی و از اعمال فشار از پایین از جانب جنبش های اجتماعی و نهادهای مدنی دفاع می کنیم و آنرا در راستای تداوم و تعمیق اصلاحات و بهم خوردن توازن قوای موجود در بالا و طرد ولایت فقیه می دانیم.

ما قاطعانه از موازین دموکراتیک، حقوق فردی، سیاسی و اجتماعی شهر و ندان دفاع و علیه نقض آن مبارزه می کنیم و مخالف جدی کاربست قهر علیه حرکات اعتراضی و مطالبات مردم هستیم.

* ما خواهان همکاری ؛ اتحاد و همبستگی نیروهای چپ دموکرات هستیم.
* باند ثروت و قدرت، ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی هستند. سیاست ما افشای برنامه، سیاست ها و اقدامات آنها و طرد ساختار سیاسی فرهنگی مبتنی بر ولایت فقیه است. ما ضمن تکرار مخالفت اصولی خود با حذف فیزیکی مخالفان، بر طرد و انزوای نیروهای افراطی و خشونت طلب تاکید ویژه داریم.
تمامیت گرایان بر خلاف ادعاها و نمایش هایشان از قدرت بالا برای سرکوب و اعمال خشونت بر خوردار نیستند.

* سیاست ما نقد و تقویت موضع گرایش رادیکال و پیگیر، روشنگری مواضع گرایش معتدل و اعمال فشار به آن جهت پیشبرد اصلاحات و خنثی نگه داشتن گرایش سستی و معافانه کارانه در بین اصلاح طلبان حکومتی است. ما نسبت به مواضع و اقدامات اصلاح طلبان حکومتی، از موضع نقد سازنده و تاثیر گذار، برخورد می کنیم و از اقدامات مثبت آنها در جهت تداوم و تعمیق اصلاحات استقبال می کنیم.

* ما نظر اصلاح طلبان حکومتی را به این موضوع جلب می کنیم که امکان پیشبرد اصلاحات تنها از طریق گفتگو و چانه زنی در بالا وجود ندارد. راه پیشروی اصلاحات در درجه اول منوط است به: تاکید بر مردم سالاری و حقوق مردم، پایبندی به شعار «ایران برای همه ی ایرانیان» و اجرای آن، خاتمه دادن به مرزبندی، «خودی» و «غیر خودی» و دفاع قاطعانه از آزادی فعالیت جریانهای سیاسی غیر حکومتی، تکیه بر پایه اجتماعی اصلاحات و ایجاد پیوند گسترده و ارگانیک با آن تقویت هر چه بیشتر نهادهای مدنی، فعال کردن ظرفیت های نهفته در جامعه، بسیج و سازماندهی نیروی پیشبرد اصلاحات و مقاومت سازمان یافته در برابر تهاجمات تمامیت

گرایان و اظهار قدرت در مقابل آنها، ندوین استراتژی اصلاحات، تشکیل ستاد رهبری کننده اصلاحات، استفاده از تمام ظرفیت ها و امکانات نهادهای انتخابی تا حد مقدور.

ضرورت عاجل دارد که بیشترین و وسیع ترین نیرو در مقابل تهاجمات تمامیت گرایان سازمان داده شود و رههای فراخوان مردم و اعمال قدرت آنها جستجو گردد. همه پرسى از جمله ی این راهها است. باید کوشید که همه پرسى را به روشی برای اصلاحات زادیکال تبدیل کرد و از محدود کردن آن به اصلاحات جزئی که در نهایت در جهت حفظ ساخت کنونی قدرت باشد، اجتناب ورزید.

ما نیروهای حامی جنبش اصلاح طلبانه را به سازماندهی مقاومت علیه تعرض تمامیت گرایان، دفاع از دستاوردهای اصلاحات و مبارزه برای تداوم و تعمیق اصلاحات فرا می خوانیم. مطبوعات مستقل و منتقد، روزنامه نگاران آزادیخواه، جنبش دانشجویی، جوانان، کارگران، زنان، نویسندگان و هنرمندان، نهادهای مدنی، دانشگاہیان، مدافعان محیط زیست، و خلق های محروم از حقوق ملی و فرهنگی، نیروهای پشتیبان اصلاحات هستند. ما در مبارزه علیه استبداد حاکم و برای تداوم و تعمیق اصلاحات بر این نیروها، تکیه داریم.

* ما از مطبوعات مستقل و منتقد و از روزنامه نگاران آزادیخواه در برابر یورش تمامیت خواهان و از مبارزه آنان برای تامین آزادی بیان و عقیده، گردش آزادانه اخبار و اطلاعات در برابر مدافعان جامعه تک صدایی دفاع می کنیم. ما روزنامه نگاران آزادیخواه را به مبارزه قاطع علیه سانسور فرا می خوانیم.

* ما حمایت از نویسندگان، هنرمندان و فرهنگ سازان و تشکل های آنها را در مقابل اقدامات سرکوبگرانه وظیفه خود می دانیم.

* افشا سیاست های فریب کارانه محافظه کاران و نقد سیاستهای دولت در عرصه مسایل کارگری، دفاع از جنبش اعتراضی کارگران، کوشش در جهت پیوند آن با جنبش دموکراتیک و سایر جنبش های اجتماعی، حمایت از مطالبات و حقوق کارگران و تلاش آنها برای ایجاد تشکل های سراسری و مستقل کارگری، خروج تشکل های موجود از سلطه خانه کارگر و برسمیت شناختن حق اعتصاب کارگران از عمده وظایف ما است.

* ما از آزادی های فردی و اجتماعی جوانان و از خواسته و مشارکت آنان در حیات سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی کشور و از تجمعات جوانان برای ابراز شادی، اعتراض و ابراز مطالبات دموکراتیک حمایت می کنیم.

* ما از جنبش دانشجویی حمایت می کنیم و بر آزادی فعالیت گروه های دانشجویی با دیدگاهها و گرایش های سیاسی متفاوت، استقلال تشکل های دانشجویی از حکومت و جناح های حکومتی تاکید داریم و خواهان بازگشت جنبش دانشجویی موضع نقد قدرت هستیم.

* مبارزه علیه مقررات ضد زن، فرهنگ مرد سالاری و مبارزه برای تامین حق برابری زن و مرد و دفاع از ایجاد تشکل های مستقل زنان وظیفه اصولی و همیشگی ما است.

در شرایط حاکمیت دینی، این مبارزه از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

* ما برای رفع موانع شکل گیری نهادهای مدنی و سازمانیابی گروه های مختلف اجتماعی مبارزه می کنیم و مشوق برپایی گسترش نهادهای مدنی هستیم.

* شوراهای محلی یکی از کانالهای مشارکت اجتماعی مردم است. بسط و گسترش شوراهای تمام مناطق و برخی سطوح یکی از خواستههای مبرم جنبش اصلاحات است. ما از احیا ، گسترش و ارتقا نقش شوراهای در مشارکت امور و نظارت در اداره مناطق حمایت می کنیم.

* مبارزه با هرگونه ستم ملی، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواست های دموکراتیک جنبش های ملی، تقویت تفاهم و اتحاد بین خلق های ایران در زمره وظایف ما است.

* ما برای حفظ محیط زیست و دفاع از تشکل های سبز مبارزه می کنیم.

* ما از قانونیت مدنی و برابری همه ی شهروندان در مقابل قانون دفاع می کنیم و معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروند علیه قوانین غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر و علیه کاربرد قهر برسمیت شناخته شود. در مختصات کشور ما، عدم تمکین به قوانین ضد دموکراتیک عین قانونیت است.

* ما معتقدیم که جنبش اصلاحات باید در قالب احزاب و سازمانهای سیاسی و نهادهای مدنی متشکل شود و حضور سیاسی و اجتماعی آنها شکل قانونی بخود گیرد. ما خواستار آنیم که حق فعالیت آزاد احزاب سیاسی تامین و تضمین گردد و شرایط فعالیت قانونی سازمان ما وسایر

نیروهای سیاسی که بشیوه مسالمت آمیز مبارزه می کنند و خواهان فعالیت علنی، آزادانه و قانونی در ایران هستند، فراهم آید.

راهکارها

در عرصه سیاسی

- رفع توقیف از مطبوعات مستقل و منتقد، اصلاح قانون مطبوعات و لغو سانسور، تامین آزادی بی قید و شرط بیان، قلم مطبوعات اجتماعات، تظاهرات و تامین آزادی های فردی و اجتماعی و لغو ممنوعیت ها در این زمینه.
- تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی، تشکل های دموکراتیک و صنفی و رفع موانع سازمانیابی گروه های اجتماعی و نهادهای مدنی.
- لغو اعدام، ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی، لغو کلیه قوانین جزایی اسلامی نظیر سنگسار، قصاص و حد و لغو تبعیضات مذهبی؛
- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، اعلام منع پیگرد همگانی و رفع موانع بازگشت مهاجرین.
- تغییر قوانین ناعادلانه در عرصه حقوق زنان بعنوان خواست مقدم آنها
- حق دسترسی کلیه شهروندان به اخبار و اطلاعات و تامین گردش آزادانه آنها
- لغو نظارت استصوابی و بازنگری در قانون انتخابات با هدف تامین و تضمین حق مشارکت تمام نیروهای سیاسی کشور، انحلال نهادهای گزینش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه انقلاب و تامین مشارکت برابر حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور.
- برگزاری علنی دادگاههای سیاسی اجتماعی با شرکت هئیت منصفه.
- پی ریزی سیاست خارجی فعال بر اساس منافع ملی، پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و رفع تشنج بین ملل و کشورهای مختلف جهان و تلاش برای ایجاد و تحکیم مناسبات دوستانه و برابر حقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه، محکوم کردن تروریسم و فاصله گرفتن از جریان های افراطی و بنیادگرا، دفاع از دولت خود گردان فلسطین، مذاکرات صلح خاورمیانه و عدم مخالفت با موجودیت دولت اسراییل، برقراری مناسبات نزدیک

با کشورهای اروپا و مذاکره مستقیم و علنی با امریکا برای عادی سازی روابط بین دو کشور، شرکت فعال در باز سازی افغانستان در چارچوب طرح سازمان ملل متحد.

در عرصه های اجتماعی

- برنامه ریزی برای کاستن از ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی (فساد، رشوه خواری، اعتیاد، روحیه خشونت، خود کشی، روانپریشی و افسردگی و..)

- مبارزه با فرهنگ غیر مولد، دلالی و واسطه گری

- مبارزه با تخریب محیط زیست

برای مهار بحران اقتصادی و بهسازی زندگی مردم

کشور ما با بحران اقتصادی مزمن و ریشه دار مواجه است و تورم و رکود، بحران صنایع، بیکاری فزاینده، کاهش مداوم قدرت خرید اقشار کم در آمد، فقر، تعمیق شکاف طبقاتی، شکل گیری ناهنجار قطب فقر و ثروت، متورم شدن سرمایه های سرگردان و دلالی - تجاری، خارج بودن بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن از نظارت دولت، فساد و رانت خواری، موانع عدیده در عرصه ی سرمایه گذاری در بخش های مولد و... از معضلات اقتصاد کشور ما هستند.

رشد سرمایه داری تجاری - دلالی در طی دو دهه به اقتصاد کشور خصلت دلالی بخشیده است. فساد و رانت خواری ذاتی نظام دلالی است.

برای برون رفت از بحران اقتصادی و ساماندهی اقتصاد کشور، تغییر ساختار اقتصاد از طریق پیشبرد برنامه توسعه امری اس ضرور. ما خواهان پیشبرد آن برنامه توسعه هستیم که بر تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، گسترشدمکراسی و بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت اجتماعی مبتنی باشد. اصلاحات سیاسی شرط رشد اقتصادی است اما در عین حال همزمان با اصلاحات سیاسی، ضروری است. اقدامات مناسب جهت مهار بحران اقتادی و بهبودی زندگی مردم صورت گیرد.

در این راستا ما اقدامات زیر را پیشنهاد می دهیم:

- سرمایه گذاری در بخش مولد صنعتی، تکنولوژی، پژوهشی و کشاورزی مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و موانع موجود در این عرصه ها برطرف گردد.

- برای جلوگیری از متورم شدن بیشتر سرمایه های تجاری - دلالی و سرمایه های سرگردان و سرازیر شدن آن بسوی بخش های تولیدی برنامه ریزی شود

- جلو متورم شدن بوروکراسی کشور گرفته شود، نقش دولت در اقتصاد کاهش و نقش برنامه ریزی و نظارتی آن افزایش یابد؛ خصوصی سازی بخشی از واحدهای تولیدی با برنامه ریزی سنجیده و در جهت بالا بردن تولیدات کشور همراه با اجرای سیاست های حمایتی از کارگران و زحمتکشان اجرا گردد.

- مناسبات اقتصادی با تمام کشورهای جهان با نظر داشت منافع ملی برقرار گردد.
- بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن تحت نظارت و هدایت دولت قرار گیرد.
- شفاف سازی در عرصه ی برنامه نویسی، بودجه گذاری و فعالیت های پنهان اقتصادی جاری شود، ثروت آقا زاده ها مورد حساب رسی قرار گیرد و رانت خوارهای اقتصادی حذف و کمک های اقتصادی به جریانهای اسلامی در دیگر کشورها قطع گردد.
- نهادهای موازی رهم ادغام و نهادهای زاید و هزینه زا منحل گردند.
- از اهرم مالیاتی، بودجه گذاری و سوبسید(و یا راههای جایگزین سوبسید) برای افزایش قدرت خرید اقشار کم درآمد و با کاستن از فاصله فقر و ثروت جلو گیری از نمرکز فوق العاده ثروت و قدرت اقتصادی در دست عده معدود بهره گیری شود.
- دستمزد کارگران و کارمندان در شرایط بحران اقتصادی کنونی از طریق افزایش آن به میزان تورم سالانه تثبیت شود.
- تدابیر ضرور برای کاهش بکاری در کشور اتخاذ گردد.
- درمان و بهداشت همگانی تامین و از صندوق های بیمه، بازمشستگی و سازمان تامین اجتماعی حمایت شود و سیاست ضرور در جهت تقویت تعاونی های مصرفی و حذف واسطه ها و دلال ها اتخاذ گردد.

بهبود خلیق

شماره ی ۲۷۳

در تدارک کنگره

اصلاحات، سیاست ها و راهکارها

بهر روز خلیق

اصلاحات

۱- ژرفش جنبش مدنی

جنبش مدنی در کشور ما از قدمت صد ساله خوردار است. آماج اصلی این جنبش نفی هرگونه ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد، استقرار مردم سالاری، جمهوری دمکراتیک و لائیک در کشور ما است. جنبش مدنی که از دوم خرداد سال ۷۶ به این سو در شکل جنبش اصلاح طلبانه بر آمد کرده است با وجود اینکه تا رسیدن به آماج اصلی آن فاصله دارد، ولی در طی این سالها تعمیق یافته، در جامعه ریشه دوانده و به دستاوردهای ارزنده ای نائل آمده است. ما از جایگاه جنبش مدنی و از موضع تقویت آن حرکت می کنیم.

۲- جنبش اصلاحات و دستاوردهای آن

✉ جنبش اصلاح طلبی بمثابه ظرف کنونی جنبش مدنی، برخاسته از نیاز جامعه ما به تحول بنیادین و پیامد دگرگونی در ساخت اجتماعی است. جنبش اصلاح طلبانه جنبشی است رادیکال که ریشه در مطالبات اقشار مدرن جامعه دارد. هدف این جنبش نفی ولایت فقیه، دمکراتیزه کردن ساختار قدرت و ایجاد نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروههای مختلف اجتماعی است. خصلت این جنبش مسالمت آمیز و گفتمان آن اصلاح طلبانه و قانون گرایانه است.

اکثریت مردم کشور ما تیروی اجتماعی این جنبش هستند. در این جنبش نقش روزنامه نگاران، روشنفکران، جوانان، دانشجویان و زنان چشمگیر و بارز است.

* جنبش اصلاحات با وجود اینکه به اهداف خود دست نیافته است، ولی دستاوردهای آن قابل تاکید است: دگرگونی در گفتمان سیاسی، ارتقا آگاهی سیاسی مردم و پی بردن آنها به ارزش و جایگاه رای خود، تقویت گرایش مردم سالاری در جامعه، ارتقاع آگاهی مردم از حقوق شهروندی، فراهم آوردن زمینه های گسترش نهادهای مدنی، نرم کردن متصلب سیاسی و بالا بردن هزینه کاربست قهر.

۳- ارزیابی از وضعیت اصلاحات

و جنبش اصلاح طلبانه

* جنبش اصلاحات با دو مولفه آن یعنی اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی تعیین می یابد. در چند سال گذشته اصلاح طلبان بیرون از حکومت در حمایت از اصلاحات هیچ فرصتی را از دست نداده و برای تداوم و تعمیق آن مبارزه کرده اند.

حاکمیت دو گانه

* در جمهوری اسلامی حاکمیت دو گانه شکل گرفته است که منشا مشروعیت یکی از ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه (جناح تمامیت گرا) و دیگری از رای و انتخاب مردم* (جناح اصلاح طلب) است. جناح تمامیت گرا دست بالا را در ساخت جمهوری اسلامی دارد.

این جناح ضرباتی را که جنبش اصلاح طلبانه بر آن وارد آورده بود، باز سازی کرده و موقعیت خود را در ساخت حکومت تثبیت نموده است. با این وجود قادر نیست جناح اصلاح طلب را

حذف کند. حاکمیت دو گانه زمینه ساز بحران سیاسی و تداوم چالش در جمهوری اسلامی است.

تمامیت گرایان: ابتکار در بالا، انزوا در پایین"

* تمامیت گرایان بعد از شکست در انتخابات دوره ششم مجلس شورا در یافتند که در صحنه انتخابات همواره بازنده اند. آنها با یورش سازمان یافته به اصلاحات، صحنه اصلی مبارزه را از پای صندوق های رای بدرون حکومت و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه کشانده اند. جایی که از نیرو و موقعیت برتری برخوردارند. ولی فقیه در راس این یورش قرار دارد. خامنه ای و گرایش مصلحت گرا در طیف تمامیت گرایان بعد از انتخابات دوره ششم مجلس شورا ابتکار عمل را بدست گرفته و با اتخاذ استراتژی جدید و اجرای گام به گام آن و بهره گیری ابزاری از قانون، انسجام را در صفوف این جناح تامین و اصلاحات را گام به گام عقب نشانده اند. محتوای این استراتژی عبارت است از: توسعه سیاسی نه، اما اصلاحات از نوع فقهاتی آری"

این استراتژی مصادره اصلاحات و جایگزینی آلترناتیو خود بجای توسعه سیاسی را مد نظر دارد و هدف آن تهی کردن جنبش اصلاحات از محتوی واقعی آن است. مجریان این استراتژی از یک سو نیروهای جناح خود را برای تن دادن به اصلاحات در عرصه های محدود و معین آماده می کنند و از سوی دیگر با توسل بانواع حیل از جمله حربه "قانون" و سرکوب، اصلاح طلبان حکومتی را در حد "حداقل" آنان متوقف ساخته اند. آنها در دو سال گذشته در صدد کاستن از شکاف بین دو جناح و سوق دادن اصلاحات به نقطه "اپتیموم" بودند.

* حلقه های تاکتیکی این استراتژی را میتوان چنین جمع بندی کرد:

- پیشبرد استراتژی بحران سازی

- تعطیلی مطبوعات مستقل و منتقد که ویله ارتباط اصلاح طلبان با مردم و بازوی قدرتمند آنها بودند و در شکل گیری افکار عمومی و بشکست کشاندن نقشه های تمامیت گرایان نقش موثر ایفا می کردند.

- دستگیری و به زندان افکندن چهرهای شاخص اصلاح طلب و روزنامه نگاران شجاع و محروم کردن جنبش اصلاحات از افراد کار آمد- بالا بردن هزینه سیاسی و انسانی اقدامات رادیکال.

- سرکوب جنبش دانشجویی و سوقدادن آن به انفعال و تشدید شکاف در درون آن.

- تشدید اختلاف در درون جبهه دوم خرداد از کانال زیر ضرب گرفتن اصلاح طلبان رادیکال و تمرکز فشار بر روی آنها، تلاش برای جلب گرایش سنتی و محافظه کار و خنثی کردن گرایش معتدل.

- بهره برداری از سیاست آرامش فعال" و سیاست و روش اعتدالی خاتمی.

- بالابردن هزینه ارتباط گیری و همکاری بین اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت

- حذف نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی و سرکوب آلتز ناتیه‌های غیر حکومتی.

- نا امید کردن مردم از اصلاحات و اصلاح طلبان حکومتی، دفاع ریا کارانه از خواستها و مطالبات برخی گروه های اجتماعی، دست گذاشتن بر مسایل اقتصادی، فقر و اشتغال برای اعمال فشار بر اصلاح طلبان.

- و سرانجام ایجاد بحرانهای سیاسی و گاه نظامی خارجی، و یا بهره برداری جناحی مغایر با منافع ملی کشور علیه اصلاحات از بحرانهای منطقه ای و بین المللی

*تمامیت گرایان با کاربست این استراتژی در سوق دادن اصلاحات به رکود و تحمیل محدوده های تنگ بر آن موفقیت زیادی بدست آورده اند. موقعیت برتر آنها در حکومت انتقال صحنه اصلی مبارزه از مطبوعات و جنبش دانشجویی به درون ساخت قدرت از یک سو و از سوی دیگر تناقضات فکری و سیاسی، تزلزل ها و تزلزل های اصلاح طلبان حکومتی و سرانجام ضعف تئوریک و فقدان استراتژی آنها و سرانجام ضعف سازمانی اصلاح طلبان غیر حکومتی پارامترهای موثر در کامیابی تمامیت گرایان بوده است. با این وجود آنها نتوانسته اند بر پایگاه اجتماعی خود بیفزایند. انتخابات ۱۸ خرداد نشان داد که موقعیت آنها در بین فکار عممی ضعیف تر گشته و در بین مردم منزوی تر شده اند. انزوای دم افزون آنها در داخل کشور با روند دیگری هم تکمیل می شود که خصلت منطقه ای و بین المللی دارد با حذف شدن طالبان" در افغانستان و ضربه خوردن بنیاد گرایی اسلامی در منطقه تمامیت گرایان اسلامی تحت فشار قرار گرفته و در آینده تحت فشار بیشتری قرار خواهند گرفت. آنها علیرغم موفقیت شان در به رکود کشاندن اصلاحات، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی بیش از پیش بی آینده می شوند.

* در بین تمامیت گرایان دو گرایش بارز وجود دارد: گرایش مصلحت گرا و افراطی.

جریان افراطی قبل از انتخابات دوره ششم مجلس شورا پیشقراول تهاجم اصلاحات بود گرایش مصلحت گرا با تهاجم سازمان یافته به روند اصلاحات، ابتکار عمل را بدست گرفت و از گرایش افراطی بمتابه اهرم فشار علیه اصلاح طلبان بهره جست.

اصلاحات در بحران

* اصلاحات با تهاجم سازمان یافته تمامیت گرایان و ناتوانی و تزلزل اصلاح طلبان حکومتی به رکود گراییده و با بحران روبرو است. اما مولفه های اجتماعی جنبش اصلاحات پابرجا است و اکثریت مردم، نهادهای مدنی، جنبش های اجتماعی ثو افکار عمومی خواهان تداوم و تعمیق اصلاحات هستند. رشد شهر نشینی، افزایش روشنفکران و دانشجویان، مشارکت پذیری زنان، ارتقای آگاهی سیاسی مردم و شکل گیری افکار عمومی، گسترش اطلاعات و ارتباطات و روندهای جهانی بستر مساعد برای پیشرفت اصلاحات است.

* با برگزاری انتخابات دوره ششم مجلس شورا وانتقال نهادهای انتخابی به اصلاح طلبان حکومتی ودیوار بدیوار شدن اصلاحات با نهادهای غیرانتخابی از یکسو و از سوی دیگر تهاجم سازمان یافته تمامیت گرایان به دستاوردهای اصلاحات با توسل به نهادهای غیر انتخابی و وابسته به ولایت فقیه، اصلاحات به سد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه برخورد کرده است. ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه مانع اصلی تداوم و پیشرفت اصلاحات است. این امر در شرایط کنونی دیگر ارزیابی و پیش بینی نیست که ما در کنگره ششم بر آن تاکید کردیم، بلکه واقعیت مرکزی صحنه سیاسی کنونی کشور است.

* اصلاح طلبان حکومتی با رویکرد به سیاست "آرامش فعال" از کاربست استرژژی فشار از پایین و چانه زنی در بالا، فاصله گرفته اند و نیروهای جنبش اصلاحات از جمله جنبش دانشجویی را بسوی انفعال و کم تجربگی سوق دادند. آنها نوانستند مقاومت در مقابل تهاجمات تمامیت گرایان را سازمان دهند. پیشبرد سیاست آرامش فعال" بر جنبش اصلاحات ضربه زد و بستر مساعدی را برای پیشروی تمامیت گرایان فراهم آورد.

اصلاح طلبان حکومتی تاکنون فرصت های گرانبهایی را از دست داده اند.

* اصلاح طلبان حکومتی از ابتدا سیاست جلب نظر ولی فقیه، دور زدن و خنثی نگهداشتن او را در پیش گرفتند. هدایت تهاجم علیه اصلاحات توسط ولی فقیه، نا کارایی این سیاست رانشان داد. با این وجودت آنها کمابیش این سیاست را ادامه میدهند.

* سیاست اصلاح طلبان حکومتی این بود که گرایش افراطی در جبهه تمامیت گرایان را منزوی و منفرد کنند و گرایش خردگرا را بامید پذیرش قواعد انتخابات شکل دهند این سیاست شکست خورد و تمامیت گرایان انسجام خود را حفظ نموده و تن بقواعد بازی نמידهند.

* اصلاح طلبان حکومتی فاقد تئوری و استراتژی برای پیشبرد اصلاحات هستند. آنها پاسخ روشن به چگونگی دمکراتیزه کردن ساختار سیاسی و مناسبات دین و حکومت نداده اند.

* اصلاح طلبان حکومتی نسبت به نهاد سازی و سازمان دهی گروه های اجتماعی، طرح مطالبات اقشار و طبقات پایین و میانی جامعه و جنبش های اجتماعی کم توجه بوده و برای رفع موانع سازمانیابی گروه های اجتماعی، تاسیس و قوام نهادهای مدنی تلاش کافی به عمل نمی آوردند. آنها از درک نقش احزاب و تشکل های سیاسی و مدنی که با سازماندهی نیروهای اجتماعی می توانند توازن قوا را بسود جریان اصلاح طلبی تغییر دهند، باز مانده اند.

محموریت های سیاسی و محدودیت های فکری، مانع از اتخاذ مشی بسیج نیروهای اجتماعی از سوی آنها است

* بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان حکومتی نسبت به قانون اساسی برخورد یک جانبه و گاه قدسی دارند. آنها از ظرفیت های موجود قانون اساسی و از مواردی که مسکوت گذاشته شده است، سخن می گویند؛ اما تجربه نشان داده هر موقع آنها در این جهت گام برداشته اند با سد نهادهای غیر انتخابی روبرو شده اند. و منوانسته اند کاری از پیش ببرند.

اکثریت اصلاح طلبان حکومتی از طرح تغییرات در قانون اساسی و پیشبرد کارزار در این زمینه اجتناب می ورزند..

* جنبش اصلاحات فاقد رهبری و ستاد هدایت کننده است. اصلاحات توسط خاتمی طرح و تبلیغ شد. نقش او در اشاعه اندیشه های اصلاح طلبانه قابل تاکید است. ولی وی به علت موقعیتش در ساخت سیاسی، دیدگاهها و خصوصیت فردی اش نمی توانسته و نمی خواسته رهبر جنبش اصلاحات باشد. نقش او به عنوان سمبل اصلاحات در ذهنیت مردم در حال تضعیف است.

* رویدادهای بعد از انتخابات ۸۰ ترکیب کابینه و اظهارات خاتمی مشخص کرد که وی با صراحت بیشتر نسبت به سابق از موضع اصلاحات رادیکال و پیگیر فاصله گرفته و در صدد پیشبرد اصلاحات معتدل است. خاتمی می خواهد اصلاحات بگونه ای پیش برود که هزینه آن

از جهات مختلف کاهش باید، از دامنه تشنجات در درون حکومت کاسته شود و فضای آرام برای اجرای برنامه سوم فراهم آید.

او بر آن است که دستاوردهای چهار ساله گذشته را حفظ کند و به میزان محدودتری اصلاحات سیاسی را بدون چالش جدی با ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن از طریق تعاملات ندریجی و قانونی پیش ببرد. اعتدال برای او بعنوان استراتژی، تاکتیک و روش مطرح است. او می‌کوشد خواسته‌های مردم را به توانایی‌های جمهوری اسلامی محدود سازد.

تن دادن خاتمی به فشارهای تمامیت‌گرایان و عدم اتکا او به نیروهای اصلاحات در به رکود کشاندن اصلاحات موثر بوده است.

*خاتمی جایگاه خود را در بین گرایش‌های اصلاح طلبانه و ساختار سیاسی روشن کرده است: حرکت در چارچوب قانون، ساختار سیاسی موجود و بدون دگرگون کردن ساخت قدرت. اما تمامیت‌گرایان راه‌های قانونی پیشرفت اصلاحات را بسته اند و روز بروز حلقه محاصره را تنگ تر می‌کنند

* استراتژی بازدارندگی فعال توسط بخش‌هایی از اصلاح طلبان حکومتی مطرح شده است. ولی در این استراتژی برخی مولفه‌های سیاست آرامش فعال هم چنان حفظ شده است.

* در بین اصلاح طلبان حکومتی گرایشهای مختلف شکل گرفته است: گرایش رادیکال، معتدل، سنتی و محافظه کار. گرایش رادیکال خواهان شتاب گیری اصلاحات، دمکراتیزه کردن تمام بخش‌های ساختار سیاسی و برخورد قاطع و پیگیر به امر اصلاحات است و توجه بیشتری نسبت به پایه اجتماعی اصلاحات مبذول میدارد (اصلاحات رادیکال). گرایش معتدل معتقد به آهنگ آرام و بطئی و دمکراتیزه کردن بخش‌هایی از ساختار سیاسی و وارد نشدن بخش‌های دیگر به روند دمکراتیزاسیون و کاربست شیوه‌های معتدل است و نسبت به پایه اجتماعی اصلاحات توجه کمتری دارد (اصلاحات معتدل). در حال حاضر وزن سنگین در طیف جبهه دوم خرداد با گرایش معتدل است.

تقسیم بندی مذکور گرایش عمومی را در طیف اصلاح طلبان حکومت نشان می‌دهد. با این وجود در این طیف برخی از نیروها به لحاظ برنامه‌ای رادیکال و بجهت شیوه برخورد معتدل هستند و بالعکس. بعضی نیروها نیز بین این گرایش‌ها نوسان دارند.

نیروهای اجتماعی جنبش اصلاحات

در مسیر بر آمدهای مستقل

* مطبوعات مستقل ومنتقد قبل از انتخابات مجلس گرانیگاه مبارزه جبهه دوم خرداد علیه تمامیت گرایان بود. با یورش به مطبوعات و تعطیلی آنها، از موقعیت مطبوعات و نقش هدایتگری آنها کاسته شد و روزنامه های جایگزین هم به علت فشارهای وارده هنوز نتوانسته اند جای آنها را پر کنند.

* فعالیت فرهنگی، ادبی و هنری نویسندگان، شعر، هنرمندان و روشنفکران مستقل کشور که در پی ریزی تحولات فرهنگی و اشاعه فرهنگ دمکراتیک و مدرن و مبارزه علیه دیدگاههای ارتجاعی نقش مهمی دارند و سالهای اخیر بر میزان آنها بطور قابل ملاحظه ای افزوده شده است، با وجود فضای اختناق گسترش پیدا کرده است.

* بحران در واحدهای تولیدی، نوعی پرداخت دستمزدها، اخراج کارگران، خصوصی سازی واحدهای تولیدی بدون پیشبرد سیاستهای حمایتی، تشدید فقر و فلاکت کارگران، بی توجهی دولت و مجلس به مطالبات آنها، زمینه ساز اعتراضات کارگری شده است. جنبش کارگری در حال حاضر گسترده ترین جنبش اعتراضی در کشور است ولی هنوز به جنبش سیاسی و آزادیخواهانه فرا نروئیده است. گرایش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری در صفوف کارگران تقویت شده است.

* جنبش دانشجویی در معرض یورش مداوم محافظه کاران قرار دارد. عده ی قابل توجهی از عناصر موثر آن در زندان ها بسر می برند.

* جنبش دانشجویی بعنوان اثر گذار ترین نیرو در روند اصلاحات بعد از فاجعه کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز و رویکرد به سیاست "آرامش فعال" به انفعال گرایید و نتوانست نقش بارز و قابل توجه ای در روند اصلاحات بازی نماید. چالش ناگزیر بین گرایش مدرن و سنتی، به شکاف در دفتر تحکیم وحدت انجامیده است. دفتر تحکیم وحدت به نوعی دچار رخوت و سستی سیاسی شده است. گرایش به استقلال تشکل های دانشجویی از جناح حکومتی و ایجاد تشکل های نو اندیش در بین دانشجویان تقویت شده است.

* جوانان که فعال ترین نیرو در انتخابات دوم خرداد و بعد از آن بودند، به علت بر آورده نشدن مطالبات، به رکود گراییدن اصلاحات و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی با گامهای

شتابان از اصلاحات فاصله می گیرند. جوانان انفجاری ترین نیروی اجتماعی در کشور هستند. حرکات اعتراضی جوانان گسترش یافته است. ولی این حرکات فاقد سازماندهی و اهداف معین بوده و صرفاً شورش علیه وضع موجود است.

جوانان از بالاترین پتانسیل نافرمانی مدنی برخوردارند.

* مبارزه زنان برای تغییر قوانین ناعادلانه و کسب حقوق سیاسی و اجتماعی، برابر حقوقی زن و مرد و علیه دیدگاه و فرهنگ مرد سالاری و مقاومت آنها در برابر فشارهای حکومت در حال گسترش است.

* نهادهای مدنی با وجود موانع متعدد در عرصه های مختلف پا گرفته اند. ولی هنوز از آنچنان قوام و موقعیت برخوردار نیستند که در روند اصلاحات نقش موثر ایفا کنند.

* مبارزه برای تحقق حداقل حقوق ملی هم در عرصه سیاسی و هم ملی در حال گسترش است. این مبارزات که عمدتاً با شعار اجرای مواد بکلی فراموش شده ای از قاتون اساسی جریان دارند، خصلت بسیج گرایانه پیدا کرده اند. این حرکات ضمن اینکه خود را جزو جنبش اصلاح طلبانه می دانند؛ ولی عمدتاً مستقل از اصلاح طلبان حکومتی هستند.

در بین این نیروها که مولفه های جنبش مدنی هستند و در شرایط کنونی بر بستر جنبش اصلاحات حرکت می کنند- گرایش به استقلال و برآمد در سیمای مستقل قویا رشد یافته است. آنها عمدتاً خواستار پیشبرد اصلاحات رادیکال و پیگیر هستند.

روندهای بین المللی

* روندهای بین المللی بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر به زیان بنیاد گرایان در منطقه و ایران پیش می رود اما هنوز تاثیر قابل ملاحظه ای بر صف آراییی های سیاسی و توازن قوا در ایران نگذاشته است. روندهای بین المللی امکانات جدیدی را برای جنبش اصلاحات فراهم آورده است که در صورت اتخاذ سیاستهای مناسب می توان از آن بسود تداوم و تعمیق اصلاحات بهره گرفت.

سیاست های ما

* اصلاحات و جنبش اصلاح طلبانه از دوم خرداد سال ۷۶ به این سو قوی ترین و گسترده ترین گرایش سیاسی و اجتماعی در کشور ما بوده است. نتایج انتخابات ۱۸ خرداد نشان داد که این جنبش هنوز از پایگاه وسیع اجتماعی برخوردار است اما با نداوم رکود اصلاحات و تصریح و

تاکید خاتمی به اصلاحات معتدل تزلزل ها و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی، ناامیدی از روند اصلاحات و اصلاح طلبان حکومتی در بین نخبه گان جامعه و بویژه در بین جوانان شتاب گرفته است. بر اثر این وضع نافرمانی مدنی بتدریج گسترش می یابد؛ شکاف ملت-دولت در سطح گسترده تر باز تولید می شود و مبارزات از پای صندوق های رای به خیابان ها انتقال می یابد. علانمی از چرخش در جامعه مشاهده می شود.

* با آنکه فرصت ها و امکانات برای تداوم اصلاحات در جامعه بتمامی از بین نرفته است امکان فعال کردن و سازمان دادن نیروهای اجتماعی اصلاحات هنوز هم وجود دارد، اما اگر گشایشی در روند تداوم اصلاحات بوجود نیاید؛ این احتمال وجود دارد که مردم راههای دیگر را تجربه کنند و آن فرصت تاریخی و نادر که برای تحقق تحول در ساختار قدرت بطور تدریجی و با هزینه کم در جامعه بوجود آمده بود، از دست برود.

* تمامیت گرایان به رهبری ولی فقیه راههای قانونی پیشرفت اصلاحات را بسته اند و در فاصله بین مصوبات مجلس شورا و اجرای آن سد ایجاد کرده اند. مردم به تجربه دریافته اند که نمی توان هم اصلاحات را تداوم بخشید و هم ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه را حفظ کرد.

* راه پیشروی اصلاحات تغییر توازن قوا ی موجود بزبان تمامیت گرایان و بسود اصلاح طلبان است. تحقق این امر در درجه اول منوط به کنار گذاشتن سیاست آرامش، تدوین استراتژی اصلاحات، تشکیل ستاد رهبری کننده اصلاحات، استفاده از تمام ظرفیت ها و امکانات نهادهای انتخابی تا حد مقدور خاتمه دادن به مرزبندی، «خودی» و «غیر خودی» و دفاع قاطعانه از آزادی فعالیت جریانهای سیاسی غیر حکومتی، تکیه بر پایه اجتماعی اصلاحات و ایجاد پیوند گسترده و ارگانیک با آن تقویت هر چه بیشتر نهادهای مدنی، فعال کردن ظرفیت های نهفته در جامعه، بسیج و سازماندهی نیروی پیشبرد اصلاحات و مقاومت سازمان یافته در برابر تهاجمات تمامیت گرایان است .

ضرورت عاجل دارد که بیشترین و وسیع ترین نیرو در مقابل تهاجمات تمامیت گرایان سازمان داده شود و رهیهای فراخوان مردم و اعمال قدرت آنها جستجو گردد. رفتارندم از جمله ی این راهها است.

* ترکیب جوان جمعیت کشور، مطالبات انباشته شده مردم، بر آورده نشدن خواسته‌های تاریخی جامعه، سخت جانی استبداد ولایت فقیه، مشکلات اقتصادی و معیشتی، معضلات متعدد اجتماعی و رشد تضادها بیانگر نیاز به تحول اساسی در جامعه ما و در دستور قرار گرفتن آن است. بنظر ما اصلاحات رادیکال در شرایط کنونی گزینه مطلوب برای برون رفت جامعه از بحران و مشکلات موجود و خواست اکثریت مردم است.

(* بر پایه چنین استنتاج سیاسی است که ما تلاش می کنیم که جبهه اصلاحات و در درون آن قطب اصلاح طلبان رادیکال و پیگیر تقویت شود سازمانهای سیاسی اصلاح طلب در داخل و خارج کشور، جنبش های اجتماعی و نهادهای مدنی، روزنامه نگاران آزادیخواه، روشنفکران و چهره های سیاسی اصلاح طلب، نیروهای اصلاحات رادیکال و پیگیر هستند. وزنه اصلی این نیرو در پیرامون و خارج از حاکمیت است.

تلاش ما این است که اصلاح طلبان غیرحکومتی (نیروی سوم) سازمان پیدا کرده و موقعیتشان در جامعه تقویت شود. این امر می تواند در تداوم و تعمیق اصلاحات و در تقویت قطب اصلاح طلبان رادیکال و پیگیر نقش موثر ایفا کند

* اهداف اصلاحات رادیکال عبارتند از : طرد استبداد حاکم، دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی، استقرار مردم سالاری، تامین حقوق شهروندان، آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروههای مختلف اجتماعی.

* ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن مانع پیشرفت لصلاحات سیاسی و فرهنگی هستند. سیاست ما افشا برتامه، سیاستها و اقدامات آنها است و ماضمن تکرار مخالفت اصولی خود با حذف فیزیکی مخالفان، بر طرد و انزوای نیروهای افراطی و خشنونت طلب تاکید ویژه داریم.

* سیاست ما تقویت و نقد موضع گرایش رادیکال و پیگیر، روشنگری مواضع گرایش معتدل و اعمال فشار به آن جهت پیشبرد اصلاحات و خنثی نگه داشتن گرایش سستی و مجافظه کارانه در بین اصلاح طلبان حکومتی است. ما نسبت به مواضع و اقدامات اصلاح طلبان حکومتی، از موضع نقد سازنده و تاثیر گذار، برخورد می کنیم

* ما ضمن تاکید بر تداوم مبارزه در ساخت قدرت برای پیشبرد اصلاحات معتقدیم که گرانیگاه جنبش اصلاحات باید بر دوش مجموعه احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و جنبش های اجتماعی تمرکز یابد

* ما از گسترش حرکات اعتراضی مسالمت آمیز، از نافرمانی مدنی و از اعمال فشار از پایین از جانب جنبش های اجتماعی و نهادهای مدنی دفاع می کنیم و آنرا در راستای تداوم و تعمیق اصلاحات و بهم خوردن توازن قوای موجود در بالا می دانیم.

* ما قاطعانه از موازن دموکراتیک حقوق فردی سیاسی اجتماعی شهروندان و علیه نقض آن مبارزه می کنیم.

ما نیروهای حامی جنبش اصلاح طلبانه را به سازماندهی مقاومت علیه تعرض تمامیت گرایان، دفاع از دستاوردهای اصلاحات و مبارزه برای تداوم و تعمیق اصلاحات فرا می خوانیم.

مطبوعات مستقل و منتقد، روزنامه نگاران آزادیخواه، جنبش دانشجویی، جوانان، کارگران، زنان، نویسندگان و هنرمندان، نهادهای مدنی، دانشگاهیان، مدافعان محیط زیست، و خلق های محروم از حقوق ملی و فرهنگی، نیروهای پشتیبان اصلاحات هستند. ما در مبارزه علیه استبداد حاکم و برای تداوم و تعمیق اصلاحات بر این نیروها، تکیه داریم.

* ما از مطبوعات مستقل و منتقد و از روزنامه نگاران آزادیخواه در برابر یورش تمامیت خواهان و از مبارزه آنان برای تامین آزادی بیان و عقیده، گردش آزادانه اخبار و اطلاعات در برابر مدافعان جامعه تک صدایی دفاع می کنیم. ما روزنامه نگاران آزادیخواه را به مبارزه قاطع علیه سانسور فرا می خوانیم.

* ما حمایت از نویسندگان، هنرمندان و فرهنگ سازان و تشکل های آنها را در مقابل اقدامات سرکوبگرانه و وظیفه خود می دانیم.

* ما دفاع از جنبش اعتراضی کارگران، کوشش در جهت پیوند آن با جنبش دموکراتیک و سایر جنبش های اجتماعی، حمایت از مطالبات و حقوق کارگران و تلاش آنها برای ایجاد تشکل های سراسری و مستقل کارگری، از عمده وظایف ما است.

* ما از آزادی های فردی و اجتماعی جوانان و از خواسته و مشارکت آنان در حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور و از تجمعات جوانان برای ابراز شادی، اعتراض و ابراز مطالبات دموکراتیک حمایت می کنیم.

* ما از جنبش دانشجویی حمایت می کنیم و بر آزادی فعالیت گروه های دانشجویی با دیدگاهها و گرایش های سیاسی متفاوت، استقلال تشکل های دانشجویی از حکومت و جناح های حکومتی تاکید داریم و خواهان بازگشت جنبش دانشجویی موضع نقد قدرت هستیم.

* مبارزه علیه مقررات ضد زن، فرهنگ مرد سالاری و مبارزه برای تامین حق برابری زن و مرد و دفاع از ایجاد تشکل های مستقل زنان وظیفه اصولی و همیشگی ما است. در شرایط حاکمیت دینی، این مبارزه از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

* ما برای رفع موانع شکل گیری نهادهای مدنی و سازمانیابی گروه های مختلف اجتماعی مبارزه می کنیم و مشوق برپایی گسترش نهادهای مدنی هستیم.

* شوراهای محلی یکی از کانالهای مشارکت اجتماعی مردم است. ما از احیا، گسترش و ارتقا نقش شوراهای مشارکت امور و نظارت در اداره مناطق حمایت می کنیم.

* مبارزه با هرگونه ستم ملی، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواست های دمکراتیک جنبش های ملی، تقویت تفاهم و اتحاد بین خلق های ایران در زمره وظایف ما است.

* ما برای حفظ محیط زیست و دفاع از تشکل های سبز مبارزه می کنیم.

* ما از قانونیت مدنی و برابری همه ی شهروندان در مقابل قانون دفاع می کنیم و معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروند علیه قوانین غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر و علیه کاربرد قهر برسمیت شناخته شود. در مختصات کشور ما، عدم تمکین به قوانین ضد دموکراتیک عین قانونیت است.

* ما لازمه تداوم و تعمیق اصلاحات و برون رفت از وضعیت رکود را در آن می دانیم که جنبش اصلاحات در قالب احزاب و سازمانهای سیاسی و نهادهای مدنی متشکل شود و حضور سیاسی و اجتماعی آنها شکل قانونی بخود گیرد. ما اصلاح طلبان را فرا می خوانیم تا با تضمین حق فعالیت احزاب سیاسی را بمثابه وظیفه ی دولت اعلام نماید و شرایط فعالیت قانونی سازمان ما و سایر نیروهای سیاسی که بشیوه ی مسالمت آمیز مبارزه می کنند و خواهان فعالیت علنی، آزادانه و قانونی در ایران هستند، فراهم آورند.

راهکارها

در عرصه سیاسی و اجتماعی

- رفع توقیف از مطبوعات مستقل و منتقد، اصلاح قانون مطبوعات و لغو سانسور، تامین آزادی بی قید و شرط بیان، قلم مطبوعات اجتماعات، تظاهرات و تامین آزادی های فردی و اجتماعی و لغو ممنوعیت ها در این زمینه.
 - تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی، تشکل های دموکراتیک و صنفی و رفع موانع سازمانیابی گروه های اجتماعی و نهادهای مدنی.
 - لغو اعدام، ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی، لغو کلیه قوانین جزایی اسلامی نظیر سنگسار، قصاص و حد و لغو تبعیضات مذهبی؛
 - آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، اعلام منع پیگرد همگانی و رفع موانع بازگشت مهاجرین.
 - تغییر قوانین ناعادلانه بعنوان خواست مقدم زنان
 - حق دسترسی کلیه شهروندان به اخبار و اطلاعات و تامین گردش آزادانه آنها
 - لغو نظارت استصوابی و بازنگری در قانون انتخابات با هدف تامین و تضمین حق مشارکت تمام نیروهای سیاسی کشور، انحلال نهادهای گزینش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دادگاه ویژه ی روحانیت، دادگاه انقلاب و تامین مشارکت برابر حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور.
 - برگزاری علنی دادگاههای سیاسی اجتماعی با شرکت هئیت منصفه.
 - پی ریزی سیاست خارجی فعال بر اساس منافع ملی، پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و رفع تنشج بین ملل و کشورهای مختلف جهان و تلاش برای ایجاد و تحکیم مناسبات دوستانه و برابر حقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه، محکوم کردن تروریسم و فاصله گرفتن از جریان های افراطی و بنیادگرا، دفاع از دولت خود گردان فلسطین، مذاکرات صلح خاورمیانه و عدم مخالفت با موجودیت دولت اسرائیل، برقراری مناسبات نزدیک با کشورهای اروپا و مذاکره مستقیم و علنی با امریکا برای عادی سازی روابط بین دو کشور، شرکت فعال در باز سازی افغانستان در چارچوب طرح سازمان ملل متحد.
- در عرصه ی حقوقی

برای تداوم و تعمیق اصلاحات ضروری است قانون اساسی بر پایه موازین دکرکاتیک و حقوق بشر باز نویسی شود، قوانینی که ناقض حقوق بشراست ملغی گردد، ساختار دموکراتیک جایگزین ساختار سیاسی ولایت فقیه گردد و نظام قضایی بر مبنای عرف و اصول دموکراتیک باز سازی شود

برای مهار بحران اقتصادی و به سازی زندگی مردم کشور ما با بحران اقتصادی مزمن و ریشه داری مواجهه است و تورم ورکود، بحران صنایع، بیکاری فزاینده، فقر، تعمیق شکاف طبقاتی، شکل گیری ناهنجار قطب فقر و ثروت، متورم شدن سرمایه های سرگردان و دلالی- تجاری، خارج بودن بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن از نظارت دولت، موانع عدیده در عرصه ی سرمایه گذاری در بخش های مولد و... از معضلات اقتصاد کشور ما هستند.

برای برون رفت از بحران اقتصادی و ساماندهی اقتصاد کشور، تغییر ساختار اقتصاد از طریق پیشبرد برنامه توسعه امری است ضرور. ما خواهان پیشبرد آن برنامه توسعه هستیم که بر تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، گسترش دموکراسی و بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت اجتماعی مبتنی باشد. اصلاحات سیاسی شرط رشد اقتصادی است اما در عین حال همزمان با اصلاحات سیاسی، ضروری است. اقدامات مناسب جهت مهار بحران اقتادی و بهبودی زندگی مردم صورت گیرد.

در این راستا ما اقدامات زیر را پیشنهاد می دهیم:

- سرمایه گذاری در بخش مولد صنعتی، تکنولوژی، پژوهشی و کشاورزی مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و موانع موجود در این عرصه ها برطرف گردد.
- برای جلوگیری از متورم شدن بیشتر سرمایه های تجاری- دلالی و سرمایه های سرگردان و سرازیر شدن آن بسوی بخش های تولیدی برنامه ریزی شود
- جلوگیری از متورم شدن بوروکراسی کشور گرفته شود، نقش دولت در اقتصاد کاهش و نقش برنامه ریزی و نظارتی آن افزایش یابد؛ خصوصی سازی بخشی از واحدهای تولیدی با برنامه ریزی سنجیده و در جهت بالا بردن تولیدات کشور همراه با اجرای سیاست های حمایتی از کارگران و زحمتکشان اجرا گردد.
- مناسبات اقتصادی با تمام کشورهای جهان با نظر داشت منافع ملی برقرار گردد.

- بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن تحت نظارت و هدایت دولت قرار گیرد.
- شفاف سازی در عرصه ی برنامه نویسی، بودجه گذاری و فعالیت های پنهان اقتصادی جاری شود، ثروت آقا زاده ها مورد حساب رسی قرار گیرد و رانت خوارهای اقتصادی حذف و کمک های اقتصادی به جریانهای اسلامی در دیگر کشورها قطع گردد.
- نهادهای موازی رهم ادغام و نهادهای زاید و هزینه زا منحل گردند.
- از اهرم مالیاتی، بودجه گذاری و سوبسید (و یا راههای جایگزین سوبسید) برای افزایش قدرت خرید اقشار کم در آمد وبا کاستن از فاصله فقر و ثروت جلو گیری از نمرکز فوق العاده ثروت و قدرت اقتصادی در دست عده معدود بهره گیری شود.
- دستمزد کارگران و کارمندان در شرایط بحران اقتصادی کنونی از طریق افزایش آن به میزان تورم سالانه تثبیت شود.
- تدابیر ضرور برای کاهش بکاری در کشور اتخاذ گردد.
- درمان و بهداشت همگانی تامین و از صندوق های بیمه، بازمشستگی و سازمان تامین اجتماعی حمایت شود و سیاست ضرور در جهت تقویت تعاونی های مصرفی و حذف واسطه ها و دلال ها اتخاذ گردد.

موخره : سند سیاسی که در اختیار رفقا قرار می گیرد بر پایه وضعیت موجود و روندهایی که از دوم خرداد به ابنسو جریان دارد تدوین شده است. همچنانکه در سند اشاره شده است علائمی از چرخش در اوضاع سیاسی کشور مشاهده می شود که برخی از مولفه های آن قابل رویت است ولی هنوز با قاطعیت نمی توان مشخصات آن را ترسیم کرد. از یک سو فشار برای بی اعتبار و حذف کردن اصلاح طلبان حکومتی توسط تمامیت گرایان تشدید شده است و این امکان وجود دارد که آنها تصمیمات جدید اتخاذ کنند و از سوی دیگر روند فاصله گرفتن از جناح های حکومتی و نا امیدی از اصلاح طلبان شتاب گرفته و پتانسیل اعتراضی بالا رفته است. این احتمال وجود دارد که در ماه های آتی نحولاتی در صحنه سیاسی کشور رخ دهد. در چنین صورتی الزاما تغییراتی در سند داده خواهد شد.

سند خط مشی سیاسی

پیشنهادی به کنگره هفتم

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

حذف ولایت فقیه، رفراندوم برای تغییر قانون اساسی

از طرف:

مهدی ابراهیم زاده، فریدون احمدی، بیژن اقدسی، ماشا الله سلیمی، محمد صادق عسگری، منوچهر مقصود نیا

ارزیابی از جنبش اصلاح طلبانه و تحول طلبانه تعمیق در جامعه بن بست در حاکمیت جنبش اعتراضی و خودجوش مردم در ۲ خرداد ۱۳۷۶ خورشیدی با سیلی غافلگیر کننده به نظام فقهاتی و گونه ای نمادین در صحنه سیاسی کشور چهره آشکار کرد. این جنبش با همراهی بخشی از نیروهای حکومتی، که بعدها به دصلاح طلبان حکومتی معروف شدند، با آن نام جنبش دوم خرداد و بعدها جنبش اصلاحات گرفت. اطلاق صفت اصلاح طلبی بر این جنبش نه بر صلاح و حفظ وضع موجود که بر انتخاب شکل مسالمت آمیز تحول دلالت دارد.

نمود امکان فعالیت نیروهای و احزاب غیر حکومتی در نتیجه سرکوب و پراکندگی آنان پیش رفت جنبش را تا حدود زیادی به اراده و تصمیم اصلاح طلبان حکومتی وابسته کرد. این امر در عدم حضور مستقل و سازمان یافته مردم در صحنه تاثیر به سزایی داشت.

سیاست های راهبردی و کاربردی و سیوه های تاکتونی اصلاح طلبان حکومتی در پیشبرد جنبش اصلاحات به شکست رسیده و آن را به رکود کشانده است. خواستهای اساسی جنبش مردمی در راستای اعمال حق حاکمیت مردم و موازین دموکراسی و جمهوریت خواستهای تاریخی جنبش دموکراتیک مردم ایران درصد سال اخیر است.

اینک در تداوم مبارزه دیر پای مردم ما علیه ارتجاع و استبداد، برای آزادی، مردم سالاری، توسعه، عدالت و استقرار حقوق و آزادی های دموکراتیک و مدنی مضمون تحولات سیاسی جاری کشور را تشکیل می دهد. جامعه و جنبش نیرومند آزادیخواهی و تحول طلبی آن موضع ناهمخوانی ساختار سیاسی حاکم بر کشور با سطح رشد بالندگی فرهنگ و نهادهای عرفی و مدنی را به چالش اصلی تبدیل کرده است. تضاد اعمال اراده مردم در برابر اراده ولی فقیه و تضاد دموکراسی با حاکمیت ولایت فقیه به مثابه بنیان اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی عینیت و حدت یافته است. تغییر ساختار سیاسی و در نتیجه تغییر قانون اساسی به نیاز مبرم جامعه به گام ضرور و کیفی برای تعمیق اصلاحات و به مسئله ای که جامعه حل آن را در دستور نهاده فرارویدده است.

• از مهم ترین دستاوردهای جنبش اصلاح طلبانه و تحول طلبانه در جامعه ارتقای آگاهی سیاسی مردم، تقویت گرایش مردم سالاری ارتقای آگاهی مردم از حقوق شهروندی، به چالش کشیدن آشکار تر ولایت فقیه، ملموس بودن ضد دموکراتیک بودن قانون اساسی جمهوری اسلامی، مزوی شدن جبهه ولایت فقیه، افزایش

جسارت مردم در مبارزه برای تحقق خواسته‌های شان و افزایش شناخت مردم از محدودیت‌های سیاسی و دیدگاهی اصلاح طلبان حکومتی است.

هیچ یک از دستاوردهای جنبش اصلاحات، که همه آنها با حضور مردم در صحنه به دست آمد، به جز چند استثنا نهادینه نشد و در قوانین بازتاب پیدا نکرد. جنبش مردم نیز کماکان بی سازمان، بی شکل و توده وار باقی ماند. از این رو جنبش اصلاحات شکست پذیر و دستاوردهای آن بازگشت پذیر ماند.

• جبهه ولایت فقیه با غلبه بر غافلگیری آغازین خویش و با هماهنگ کردن واکنش‌ها و اقدامات طیف‌های گوناگون خود تحت هدایت ولی فقیه، راه برد مقابله با اصلاحات را بر مبنای تکیه بر قوانین جمهوری اسلامی، ضمن ادامه به کارگیری روش‌های غیر قانونی و نهادهای رسمی و غیر رسمی سرکوب تنظیم کرده است و تلاش می‌کند کنترل اوضاع را در دست بگیرد.

مخالفت جبهه ولایت فقیه با اصلاحات و دشمنی آن با جنبش مردم مهمترین مانع پیشرفت این روند و قانونیت یافتن آن است

این جبهه سرکوب نیروی سوم، جنبش دانشجویی، مطبوعات و اصلاح طلبان پیگیر و سرشناس حکومتی، ایجاد و تشدید در جبهه اصلاحات از جمله با تکیه بر مرز خودی و غیر خودی و خطوط قرمز حکومتی و هر چه پر رنگ تر کردن آنها، بالا بردن هزینه گفتگو و هم‌کاری با نیروهای غیر حکومتی برای اصلاح طلبان حکومتی، استفاده از نهادهای جبهه ولایت فقیه مانند: ولی فقیه، شورای نگهبان، قوه قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزارت اطلاعات، پذیرش صوری شعارهای مردم و مسخ با برنامه و منظم آنها و اعتبار و بی‌نقش نشان دادن نتیجه رای مردم به عنوان شیوه‌های کاربردی در جهت شکست جنبش اصلاحات و بازگرداندن جامعه به شرایط پیش از دوم خرداد استفاده کرده است و می‌کند.

طرفداران نظام فقاہتی که در آغاز در صدد بودند با یک برنامه شش ماهه شکست خود را جبران کرده به جنبش اصلاح طلبی خاتمه دهند، بعد از افشای برخی از آمران و عاملان قتل های زنجیره ای به استراتژی جنگ فرسایشی روی آوردند. اقدامان اذایی با وقت کشی و ورش های نیرنگ آمیز، بحران سازی های مداوم و خسته و مایوس کردن مردم از ادامه مبارزه جهت تعمیق اصلاحات از ساز و کارهای جدی آنها در این دوره بود. یکی از واهمه های اصلی آنها تشکیل نیروی سوم و رشد آن ائتلاف بخشی از اصلاح طلبان رادیکال حکومتی با این نیرو و تداوم حیات مطبوعات مستقل و نیمه مستقل در جامعه بود. به همین دلیل با حساسیت ویژه ای با کنفرانس برلین برخورد کرده و متعاقب آن به دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان و محاکمه و زندانی کردن آنها پرداخته و فعالیت جریان موسوم به ملی - مذهبی و نهضت آزادی را ممنوع ، و اکثر رهبران آنها را دستگیر و روانه زندان و یا خانه «امن» کردند. جریان های صنفی و فرهنگی از جمله کانون نویسندگان ایران مورد تعقیب، فشار و سرکوب قرار گرفتند و تعدادی از فعالان آنها به قتل رسیدند. و این برخوردها کماکان ادامه دارد.

در رابطه با اصلاح طلبان حکومتی، جبهه ولایت فقیه با ارائه چهره به ظاهر واقع بین و راست معتدل از خود، روش تهدید و تحجیب را در پیش گرفت. این جبهه با استفاده از ناپیگیری ها، تردیها و ضعف های بینشی و سیاسی و نیز شعارهای غیر واقع بینانه اصلاح طلبان حکومتی نظیر «خودی و غیر خودی» و «مردم سالاری دینی» سیاست طرد اصلاح طلبان رادیکال و جذب بخش محافظه کار و نیز ایجاد وحشت در بین میانه روها را اتخاذ کرد. ترور حجاریان پیام روشن و آشکار به اصلاح طلبان حکومتی داشت؛ یا عافیت طلبی و ماندن در قدرت و یا حذف فیزیکی و سیاسی.

پاسخ اصلاح طلبان پُر رنگترشدن استراتژی «آرامش فعال» بود که پروسه بعدی توسط خاتمی به سیاست اعتدال فرا رویید.

پیشرفت و جنبش اصلاحات شعارهای آن را رادیکال تر کرده و منجر به جا بجایی در طیف نیروهای آن شده است. بخشی از چهره هایی که در ۲ خرداد و آغاز جنبش اصلاحات از اصلاح طلبان پیگیر حکومتی بودند، دیگر از اصلاح طلبان حکومتی به شمار نمی آیند. جنبش

اصلاحات با پیشرفت خود سرنوشت خود را از سرنوشت بخشی از اصلاح طلبان ساز شکار حکومتی جدا خواهد کرد.

* از آنجا که بخش بزرگی از اصلاح طلبان حکومتی هدف اصلی خویش را استقرار «مردم سالاری» و ایجاد «جامعه مدینه النبی» اعلام کرده بودند، از سیاست «آرامش فعال» به سیاست اعتدالی خاتمی روی آوردند. آنها با به کارگیری این سیاست می خواستند و می خواهند در چارچوب حفظ دستگاه ولایت فقیه و نهادهای زیر مجموعه آن و قانون اساسی موجود به برخی اصلاحات دست زنند تا بتوانند از یک سو جمهوری اسلامی را از بحران ساختاری، اقتصادی و سیاسی نجات دهند و از طرف دیگر موقعیت خویش را در قدرت سیاسی تقویت کنند. حاصل این سیاست چیزی جز تضعیف جنبش دموکراتیک مردم ایران و تقویت جناح های ارتجاعی رژیم نبود.

خاتمی با وجود کسب ۲۲ میلیون رای کماکان سیاست تمکین به ولایت فقیه را ادامه داده است. این سیاست که تحت عنوان «سیاست اعتدالی» نامگذاری شده است نمود آشکار خود را در ترکیب کابینه تحمیلی وی به مجلس بارز ساخت.

کوچکترین اقدام اصلاح طلبان حکومتی با سد دستگاه ولایت فقیه، قوه قضاییه و نهادهای انتصابی نظیر شورای نگهبان و قانون اساسی روبرو شده است.

پس از انتخابات مجلس ششم و تسلط اصلاح طلبان حکومتی بر قوه مقننه انتظار بسیاری از مردم این بود که آنها با در اختیار داشتن دو قوه مجریه و مقننه گامهای جدی تر برای پیشبرد اصلاحات و وعده های داده شده بردارند. اما این اصلاح طلبان که از مقطع جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸ و در بیم از کف دادن کنترل امور «فشار از پایین» اتکا به حرکت ها و اعتراضات و تشکل های مردمی را در بهترین حالت و نهاده تنها به چانه زنی در بالا در پشت درهای بسته روی آوردند و گام به گام در برابر تعرضات گستاخانه ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن عقب نشستند. اکنون شکست تاکتیک های سیاسی آنان همچون «آرامشی فعال» بن بست پروژه سیاسی مردم سالاری به معنای استقرار دموکراسی در عین حفظ حکومت دینی و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی در پاسخ گویی به نیازهای جنبش اصلاحات به امری آشکار تبدیل شده است.

حاصل این وضعیت تشدید سرکوب آزادی های سیاسی و اجتماعی و نقض خشن حقوق شهروندی و نیز گسترش فساد اقتصادی در جامعه است.

هم اینک بخشی از رهبران نهضت آزادی و جریان موسوم به ملی - مذهبی روزنامه نگاران و دانشجویان در بیدادگاه رژیم در پشت درهای بسته در حال محاکمه اند. تاکنون بسیاری از نمایندگان مجلس توسط مقامات قضایی احضار شده اند. قوه قضاییه رژیم هم نقش وزارت اصلاحات را بازی می کند و هم رل شاکی را و نیز مدعی العموم و قاضی را.

به همان اندازه که بخش بزرگی از اصلاح طلبان حکومتی به سیاست مماشات و تمکین زیر پرچم سیاست اعتدالی روی آورده اند، جنبش مردم آشکارا خصلت ضد رژیم به خود می گیرد. حرکت های پی درپی اعتراضی جوانان و مقاومت آنان در برابر نهادهای سرکوب رژیم و نیز گسترش اعتراضات توده ای، روشنفکری، دانشجویی، کارگری و معلمان از جمله بست نشینی و تظاهرات خیابانی از نمونه های این واقعیات هستند.

* جامعه ما در همه عرصه های سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با بحران عمیقی روبرو است.

در عرصه ی سیاسی- خواست توده های میلیونی مردم برای ایجاد تحولات بنیادی سیاسی و مقابله دانگستر در ابعادی ملی و فراگیر با حکومت دینی و مظاهر آن در برابر تلاش حکومت گران به ویژه بخش محافظه کار آن برای سد کردن و سرکوب این خواست، در عرصه های اقتصادی- بیکاری وسیع، کاهش مداوم قدرت خرید مزد و حقوق بگیران، فقر و فلاکت فزاینده، تشدید شکاف طبقاتی و افزایش بی سابقه بی عدالتی اجتماعی، رانت خواری و فساد مالی و اقتصادی، تورم لجام گسیخته و رکود اقتصادی، تعطیل واحدهای تولیدی، ناتوانی در پرداخت دستمزد کارگران و ده ها نشانه دیگر و در عرصه اجتماعی- افزایش و گسترش بی سابقه ناهنجاری های اجتماعی هم چون اعتیاد، خود کشی، افسردگی، روان پریشی، خشونت در خانواده و علیه زنان و کودکان، فسادگسترده درحکومت و دستگاه اداری و نمونه های بسیاری از این دست از شواهد و نمودهای این بحران همه جانبه هستند.

روندهای سیاسی و جتماعی در کشور ما بر زمینه وبستر یان بحرانها شکل می گیرند و انکشاف می یابند.

نیروهای اجتماعی و طبقاتی پیش برنده تحولات را آگاه ترین گروههای مردم از میان کارگران، روستاییان، زحمتکشان، روشنفکران، اقشار متوسط جامعه و بخش گسترده فعالان فرهنگی، ملی، فکری و تخصصی جامعه تشکیل می دهد. در میان این نیروها نقش و موقعیت زنان و جوانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

چالش های این نیروهای عظیم اجتماعی برای حقوق دموکراتیک و خواسته های اقتصادی و اجتماعی خویش جنبش تحول طلبی را پدید آورده است.

اکثریت بسیار بالایی از مردم در شرایط کنونی خواهان تحولات بنیادی سیاسی و دگرگونی ریشه ای روال و ساختار نظام سیاسی حاکم هستند. جنبش اصلاح طلبانه و تحول طلبانه مردم علیرغم سرکوب گری ها و توطئه های جناح واپس گرای حکومت هم از نظر گستردگی پایگاه اجتماعی هم از نظر ژرفش خواسته ها و اهداف وهم از نظر سطح آگاهی های سیاسی تعمیق و گسترش یافته است.

* حل مسئله ملی برای حکومت محلی از اعراب نداشته و سیاست ستم مضاعف بلاوقفه ادامه دارد. تا جایی که حتی باعث اعتراض نمایندگان کرد و نیز نمایندگان آذربایجان (شرقی، غربی، و استانهای اردبیل و زنجان) در مجلس قرار گرفت و تاکنون هیچ مقام رسمی کشور و از جمله شخص خاتمی به اعتراض خودی ها نیز توجه نکرده اند.

نه تنها جناح حاکم واپس گرای رژیم بی توجه به حقوق زنان هم چنان سیاستهای تبعید جنسی را ادامه می دهد، بلکه اصلاح طلبان حکومتی نیز با پیشه کردن سکوت در برابر این امر شریک تداوم سیاست فوق هستند. تاکنون یک مورد هم نشده که قوانین جزایی ضد انسانی مانند سنگسار مورد اعتراض رئیس جمهور و دیگر رهبران اصلاح طلبان حکومتی گیرد

* در جمهوری اسلامی ضمن اینکه برای ثروتمندان و مقامات عالیرتبه و آقازاده ها، همه گونه امکان و شرایط لازم برای تفریح و عیش و عشرت فراهم است، شادی برای مردم و جوانان کشور جرم سنگینی محسوب می شود، حتی اگر این شادی بر اثر پیروزی تیم ملی فوتبال ایران باشد.

با وجود اینکه ترکیب اصلی جمعیتکشور را جوانان تشکیل می دهند، هیچ گونه تمهیدات جدی و اساسی برای آینده آنان صورت نمی گیرد. جوانان شدیداً نگران آینده خویش هستند. فرار مغزها در بین نسل جوان ابعاد بی سابقه ای یافته است. اعتیاد به مواد مخدر زندگی بخش

زیادباز جوانان و حتی نوجوانان کشور را در معرض نابودی قرار داده است تا جایی که، ندراس ابتدایی نیز از خطر اعتیاد در امان نمانده است.

تن فروشی، بزهکاری کودکان و نوجوانان، خیابان خوابی، جنایت های سازمان یافته کشتار زنان مفلوک خیابانی به دست نمایندگان ارتجاع نگرانی همگان را موجب شده است.

- جامعه ما با بحران عمیق اقتصادی روبرو استو نشانه های بارز آن بی کاری وسیع، نرخ پایین سرمایه گذاری در تولید، کاهش تولید، تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی، افزایش تورم،
- کاهش قدرت خرید مردم و تشدید شکاف طبقاتی است.

در بسیاری از واحدهای تولیدی کارگران بیش از یک سال است که حقوق ماهانه خویش را دریافت نکرده اند.

تسلط مافیایی بنیادهای انحصاری نظیر کمیته امداد امام، بنیاد مستضعفان، بنیاد شاهد، بنیاد ۱۵ خرداد و آستان قدس رضوی بر اقتصاد کشور (اعم از تولیدی، مالی یا تجاری) از عوامل تشدید کننده بحران اقتصادی و نیز تمرکز ثروت در دیت ثنوکرات ها می باشد

دولت خاتمی نیز مانند وره هاشمی رفسنجانی سیاست تعدیل اقتصادی و نیز اجرای توصیه صندوق بین المللی پول از جمله خصوصی سازی بی ضابطه و بی رویه در جهت منافع سرمایه تجاری، دلالی و ثنوکراتیک و سرمایه داران وابسته به قدرت و به منظور اختصاصی کردن منابع ملی و عمومی را در پیش گرفته است، که حاصل آن گسترش شدید فقر، بی عدالتی و تمرکز ثروت در دست گروهی معدود از صاحبان قدرت سیاسی و مذهبی است. این سیاست منجر به تاراج دارایی های ملی کشور شده است.

دست اندر کاران مسائل کارگری رژیم در نظر دارند بخش بیشتری از کارگاههای تولیدی کشور را از شمول قانون کار معاف بدارند.

رانت خواری و امتیاز جویی از دیگر مشخصات اقتصادی در جمهوری اسلامی است که شامل حال مقامات عالی رتبه و آقا زاده ها می باشد که هر از گاهی احبار ان فقط در حد کلی و بدون اعلام فاعل و یا فاعلان آن در مطبوعات درج می شود.

اهداف و راستاهای خط مشی سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» بر تاکید مجدد بر مفاد اسناد مصوبه کنگره پنجم تحت عنوانین ((دیدگاهها و آماج ها)) و ((برای دموکراسی و عدالت اجتماعی)) و اسناد مصوبه کنگره ششم در این زمینه بار دیگر اعلام می کند:

- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مدافع دموکراسی پیشرفت، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و مدافع حقوق بشر است و بر همین پایه علیه هرگونه ستم طبقاتی ملی جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می کند.

- سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به حدودیت زمانی قدرت به تناوب و انتقال قانونی و مسامت آمیز آن به حزبیت و نظام چند حزبی معتقد است.

- کشورما نیازمند حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری به جای جمهوری اسلامی است . سازمان ما به عنوان یک نیروی اپوزیسیون چپ و دموکرات برای تحقق چنین هدفی مبارزه می کند. تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت آمیز تامین شود.

- در حکومت دموکراتیک دین رسمی وجود ندارد. دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی و آموزشی جدا است و آزادی وجدان و حق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می شود. حکومت دموکراتیک بر پایه اشکال غیر متمرکز از جمله فدرالیسم که منطبق بر ساختار ویژگی های فرهنگی و ملی ما است پی ریزی می شود. در این حکومت خود مختاری یا دیگر اشکال دموکراتیک اداره امور محلی ملیت ها* (اقوام) تضمین شده و امور هر منطقه توسط مجلس و شورای منطقه ای و محلی اداره می گردد.

- سازمان ما تامین برابر حقوقی زن و مرد را یکی از پایه های دموکراسی و جامعه مدنی و در زمره ارکان اصلی حقوق بشر می داند.

راستا های خط مشی سیاسی

سازمان بر استقرار حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری مبارزه می کند.

01- در راستای پاسخ به نیاز جامعه و تحقق هدف فوق حذف ولایت فقیه و تمامی نهادهای زیر مجموعه آن و در نتیجه تغییر بنیادی قانون اساسی ضروری است. از این رو ما خواهان برگزیری رفتارندم برای تغییر قانون اساسی هستیم.

02- رفتارندم به مثابه شکل مسالمت آمیز اعمال اراده ملی بیش از هر زمان در فضای

سیاسی کشور طنین نیرومندتری می گیرد. سازمان ما در پاسخ بیه نیاز جامعه به تغییر قانون اساسی می کوشد نیروی سیاسی - اجتماعی هرچه بیستری حول شعار رفتارندم برای تغییر قانون اساسی گرد آید. سازمان ما سیمای خود را با طرح هر چه گسترده تر این خواست محوری ترسیم خواهد کرد.

03- شعار مردم سالاری دینی یا جامعه مدینه النبی در خدمت اهداف جنبش دموکراتیک مردمن ایران نیست. از این رو نقد این سیاست که بویژه از سوی خاتمی رئیس جمهور مطرح می شود، برای تقویت جنبش مردم سالاری در جامعه اهمیت ویژه ای یافته است.

04- سازمان راه حل ها و پیشنهادهای سیاسی خود را بر اساس اوضاع سیاسی و سمت گیری های سیاسی - اجتماعی خود اتخاذ می کند و می کوشد سیمای یک سازمان چپ، ملی، دموکرات، نوگرا و سکولار را در مواضع سیاسی خود بازتاب دهد. نا در عین حال از اقدامات و مواضع سایر نیروها و جریانات سیاسی که در راستای منافع مردم ومصالح جنبش آزادیخواهانه و تحول طلبانه می کوشند، پشتیبانی می کند و در راه ایجاد هماهنگی، توافق و ائتلاف می کوشد.

05- ما از اقدامات مثبت اصلاح طلبان حکومتی و دینی در راستای تعمیق مبارزه دموکراتیک مردم استقبال می کنیم و آنها را به انجام اقدامات زیرافرا می خوانیم

- پذیرش جدایی دین از حکومت
- نقد میراث خمینی و فاصله گیری از آن
- محدود نکردن خویش در حصار تنگ شعارهایی نظیر «خوری و فیر خودی» یا «مردم سالاری دینی»، بازی در چارچوب قانون اساسی و به چانه زنی در بالا
- در پیش گرفتن سیاست گسترش جبهه اصلاحات
- اعتراض به سرکوب نیروهای اپوزیسیون و تجاوز به حقوق آنان
- 06- حل مسئله ملی یکی از پایه های اساسی نهادینه شدن دموکراسی در ایران است.

ما ضمن تاکید بر اجرای مصوبه کنگره ششم در این زمینه معتقدیم که در شرایط کنونی مبارزه جهت تحقق مطالبات و خواست های مناطق تحت ستم مضاعف ملی از اهمیت جدی برخوردار است.

- 07- پیشبرد اهداف سیاسی بدون اعمال نیرو ممکن نیست. مردم نیروی اصلی تحولات در جامعه هستند. از این رو تلاش برای سازماندهی، تشکل و نیز سمت دهی مبارزات مردم باید به وظایف جاری سازمان تبدیل شود.
- 08- مبارزه برای حق تشکل های مستقل مردمی اعم از سندیکاها، شورا و تشکل های دانشجویی، نویسندگان، زنان، جوانان، کارگران و زحمتکشان.
- 09- مبارزه برای تامین حق اعتصاب عمومی و حق تظاهرات خیابانی مردم جهت ابراز خواسته هایشان تاخذ خواست تغییر قانون اساسی.
- 10- مبارزه برای تامین برابر حقوقی زن و مرد و لغو قوانین ضد زن.
- 11- مبارزه برای لغو مجازات اعدام و ممتنعیت اعمال هرگونه شکنجه.
- 12- دموکراتیزه کردن ساختار قوه قضاییه، تدوین قوانین قضایی بر اساس دستاوردهای دموکراتیک و حقوق بشری، افشای قوانین جرایم- کیفری ضد انسانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی.
- 13- نیروی سوم به عنوان بخش مهمی از جنبش مردمی اصلاحات از عدم تشکل رنج می برد این واقعیت منجر به تاثیر گذاری محدود این نیرو بر روند اصلاحات است. مهم ترین عوامل عدم اتحاد این نیرو سرکوب آن نبود امکان فعالیت آزاد سیاسی و عوامل درونی آن بویژه پرهیز از همکاری و ائتلاف با یکدیگر است. سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» سازمانیابی نیروی سوم را یک ضرورت جدی می داند و همه تلاش خود را در این راه به کار میبرد.
- 14- کوشش در جهت همگرایی و اتحاد نیروهای چپ و آزادیخواه.
- 15- تشمت و پراکندگی اپوزیسیون دموکرات و عدالت خواهی یکی از عوامل بقای وضعیت موجود جامعه است. از این رو تلاش برای ایجاد ائتلاف وسیع از همه نیروهایی که به نفی ولایت فقیه و برپایی جمهوری دموکراتیک معتقد هستند، ضرورت دارد. سازمان در راستای تقویت تاثیر و وزن نیروی سوم و برای ایجاد زمینه های تشکیل آلترا ناتیو دموکراتیک پیکار میکند.
- 16- سازمان ما بروش مسالمت آمیز مبارزه تاکید دارد.

۱۷- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) حق نافرمانی مدنی را از جمله اعتراضات مردم در شکل تظاهرات؛ اعتصابات، بست نشینی و شورش های مردمی برای بیان خواسته ها و احقاق حق خود را برشمیت می شناسد.

۱۸- ما معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروندی به رسمیت شناخته شود.

۱۹- ما از اقلونیت دموکراتیک و برابری همه شهر وندان در برابر قانون دفاع می کنیم.

۲۰- ما لازمه پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور را در آن می دانیم کخ جنبش جاری آزادی خواهی و اصلاح طلبی در قالب احزاب و سازمانهای سیاسی و تشکل های دموکراتیک متشکل شود و حضور سیاسی آنها شکل قانونی به خود گیرد . به نظر ما دولت ملتزم است حق فعالیت آزاد احزاب سیاسی را تامین و تضمین نماید و شرایط فعالیت قانونی ما و سایر نیروهای سیاسی را فراهم آورد. به عنوان گام اصلی برای تامین شرایط فعالیت قانونی احزاب سیاسی ضروری است با تصویب قوانینی حق فعالیت سیاسی مخالفین حکومت به رسمیت شناخته شود

۲۱- سازمان ما التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی را نفی کارزار برای تغییر قانون اساسی و به زیان مبارزه دموکراتیک مردم ایران می داند.

۲۲- مبارزه برای حفظ محیط زیست و تلاش برای فرا رویاندن آن به جنبشی فراگیر .

راهکارها

در زمینه آزادی های سیاسی

* آزادی زندانیان سیاسی

* ممنوعیت هر نوع شکنجه روحی و جسمی ، سنگسار، قصاص، حد، و دیگر مجازات های غیر انسانی

* برچیدن زندانهای مخفی از جمله دفتر اماکن

* رفع تبعیضات ، جنسی ، مذهبی، منسی، ملی ، و سنی

* به رسمیت شناختن حقوق زندانیان اعم از متهم و مجرم

* تلاش در راه ایجاد شرایط برای فعالیت قانونی و آزادی احزاب سیاسی

* افشای سیاست های ضد کارگری وزارت کار و خانه کارگر و دیگر نهادهای رسمی کارگری جمهوری اسلامی

* دفاع از مطالبات صنفی - سیاسی کارگران و زحمتکشان و حق تشکیل مستقل آنان

* لغو اخذ مجوز برای انتشار روزنامه ها و مطبوعات

* تلاش در جهت تامین آزادی بی قید و شرط بیان ، قلم و مطبوعات

* پیکار برای بازگشت امن همه ی ایرانیان به کشور و رفت و آمد بی قید و شرط ایرانیان مقیم خارج از کشور و افشای موانع موجود از سوی ارگانهای امنیتی در اشکال بازجویی، گزارش نویسی و درخواست همکاری

* مبارزه برای انحلال نهادهای انتصابی به ویژه شورای نگهبان قانون اساسی و مجمع تشخیص مصلحت نظام

* پیکار برای لغو نظارت ولی فقیه بر قوه قضاییه

* تلاش برای لغو نظارت ولی فیه بر صدا و سیما و تامین اداره دموکراتیک ، مستقل و بدون سانسور آن

* سازماندهی فشار برای خارج کردن بنیادهای بزرگ مالی مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، و آستان قدس رضوی از کنترل نهادهای غیر انتخابی و واگذاری تعیین سرنوشت آنها به مجلس جهت تدوین قوانین ضرور در مورد چگونگی اداره آنها

در زمینه مبارزات مردم

جنبش های اعتراضی و مطالباتی مردم در حال گسترش است، اما به دلیل سرکوب آن توسط جمهوری اسلامی و غیر سراسری و غیر متشکل بودن و عدم پیوند آنها با احزاب سیاسی عمدتاً ، فاقد دستاوردهای مورد نیاز می باشد. در این راستا اقدامات مشخص زیر قابل تاکید است.

* تبدیل حرکات صنفی، سیاسی، و منطقه ای به حرکات و جنبش های آگاهانه و سنجیده سراسری و نیز تلاش برای برقراری پیوند این مبارزات با یکدیگر و نیز جریانات سیاسی مترقی از وظایف سازمان به شمار میرود

* کمک به تشکیل تشکل های اجتماعی، صنفی، سیاسی، فرهنگی، و توده ای و تقویت آنها

* دعوت از مردم برای اعتراض دسته جمعی علیه سیاست های سرکوب گرانه

* تقویت جنبش دموکراتیک زنان و مبارزه برای انتخاب آزادانه پوشش و علیه تحمیل پوشش اجباری و تلاش برای شرکت در همه فعالیت ها، مسئولیت ها و مجامع سیاسی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی

* مبارزه برای تحقق نیازهای جوانان ونوجوانان اعم از آموزشی، اعم از آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، تفریحی

در عرصه ملی

در این عرصه علاوه بر اجرای مصوبه کنگره ششم در مورد مصوبه کنگره ششم در مورد مسئله ملی بایستی در جهت انجام اقدامات زیر تلاش شود

* مبارزه برای به رسمیت شناختن حق آموزش به زبان مادری هر کلیت در مدارس و دانشگاه های کشور

* فشار به دولت جهت سرمایه گذاری درمورد تربیت کاردهای ملی جهت اداره امور محلی

* تشویق سرمایه داران مناطق ملی جهت سرمایه گذاری در زادبوم خویش و فشار بر دولت که اتخاذ سیاست های مالیاتی مناسب و تامین امنیت سرمایه در این مناطق و نیز تسهیل در ارائه وام های تولیدی در جهت رشد اقتصادی این مناطق کام بردارد

* مبارزه با سیاست فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی در جهت تحقیر ملی و نفاق افکنی بین خلق ها

* برقراری ارتباط با گروه ها و جریان هایی که در زمینه مسائل ملی - فرهنگی فعال هستند

* سازماندهی بحث و گفتگو در مورد گزینه ها در این زمینه

ضمیمه ۱: دستاورهای جنبش اصلاحات تنها در نتیجه اقدامات مشترک مردم و اصلاح طلبان حکومتی به دست آمده است.

در همه مواردی که اصلاح طلبان حکومتی در پیشرفت اصلاحات مصمم بوده اند، مردم از آنان پشتیبانی به عمل آورده اند. اما اصلاح طلبان حکومتی با پاسخگویی به خواست های جامعه فاصله داشته اند و تاکنون از پی گیری خواست های اساسی مردم خود داری کرده اند(پیشنهاد بیژن اقدسی و منوچهر مقصود نیا)

ضمیمه: در عرصه اقتصاد پیشنهادهای زیر به دست ما رسیده است که متأسفانه به دلیل کمبود وقت قادر به وارد کردن آنها نشده ایم. این پیشنهادها را برای کار بیش تر بر روی آنها ضمیمه سند خود می کنیم.

* اقدام سریع برای توزیع ثروت و در آمد به ویژه از طریق مبارزه با فساد و انتقال دارایی ها و ثروت های عمومی که از طریق رانت خواری و قدرت انحصاری در اختیار اقشار خاصی قرار گرفته است

* برنامه افزایش کارآمدی عمومی نیروی کار

* جبران عقب ماندگی بخش های کشاورزی ، صنعتی و خدمات اجتماعی و تأمین از طریق تحول ساختاری در نظام اقتصادی با اتخاذ روش (رشد توام با باز توزیع در آمد) و تجدید نظر در طرح های عمرانی، توزیع مناسب پولی و مالی ، سیاست های مالیاتی و بازنگری پیوند همه جانبه بین فعالیت های اقتصادی.

* استفاده از کارشناسان خردمند، ورزیده و مستقل در عرصه تصمیم گیری های اقتصادی در راستای توسعه عمومی به جای واگذاری پست ها به وابستگان جناح ها بهی و ویژه صاحبان قدرت های اقتصادی

* ارائه استراتژی و راهکارهای تعریف شده مناسب برای انتقال واحدهای دولتی به بخش خصوصی، مشروط به تعیین حدو مرز های مشخص مالکیت دولتی با مالکیت عمومی و مالکیت تعاونی و اولویت با انتقال واحدهای تحت کنترل بنیادها و واحدهای تولیدی مصرفی به سرمایه های کوچک و متوسط خواهد بود. منابع استراتژیک مانند نفت باید در اختیار دولت مردم سالار باقی بماند.

* گسترش و تعمیق نظام تأمین اجتماعی به بیمه های درمانی و بیمه های بیکاری در همه کشور
* تغییر اساسی، جدی و سریع روشهای تعدیل ساختاری به روش های مهار و تثبیت جابجایی ارادی در منابع اقتصادی ، جلوگیری از سقوط دستمزدهای واقعی، توزیع عادلانه تر در آمد
* کنترل ساختاری تورم، ارتباط دادن تصمیم های اقتصادی موثر بر رفاه و مصرف و دستمزد

مردم با اقتصاد مردم گرا و روش های سیاسی مردم سالار

* تصمیم گیری های سنجیده همراه با اصلاح ساختارهای اقتصادی قبل از یا همراه با ورود به افتاد جهانی و تقویت بنیه به ویژه دفاع از سطح زندگی مردم

- * در چارچوب روابط بین المللی باید پسیوستن انفعالی به نظام جهانی و سازمان تجارت جهانی جای خود را به پیوندی مستقلانه و فعال در نظام جهانی بدهد
- * اتخاذ روش های معطوف به ایجاد اشتغال به جای روشهای در آمد زای ناموزون و ناعادلانه
- * برنامه توسعه فنی و علمی کارآمدی از طریق تحول در ساختارهای آموزشی و پژوهشی؛
- * نوسازی و نوآوری در روش های برنامه ریزی سیستمی به جای برنامه های صوری و دستوری قبلی و هماهنگ کردن خرد برنامه با نشانه ها و رفتارهای بازار.

توضیح: بخش جهان و چند بخش دیگر نیز تا کنگره به این سند افزوده خواهد شد.

در تدارک کنگره

نقل از کار ۲۷۳

پیش نویس سند خط مشی سیاسی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

حذف ولایت فقیه، رفراندوم برای تغییر قانون اساسی

از طرف:

مهدی ابراهیم زاده، فریدون احمدی، بیژن اقدسی، ماشا الله سلیمی، محمد صادق عسگری، منوچهر مقصود نیا

ارزیابی از اوضاع کنونی

جنبش اعتراضی و خودجوش مردم در ۲ خرداد ۱۳۷۶ خورشیدی با سیلی غافلگیر کننده به نظام فقهاتی و گونه ای نمادین در صحنه سیاسی کشور چهره آشکار کرد. و با همراهی بخش اصلاح طلب حکومتی، با آن نام آن جنبش اصلاحات گرفت نبود امکان فعالیت نیروهای و احزاب غیر حکومتی در نتیجه سرکوب و پراکندگی آنان پیش رفت جنبش را تا حدود زیادی به اراده و تصمیم اصلاح طلبان حکومتی وابسته کرد. این امر در عدم حضور مستقل و سازمان یافته مردم در صحنه تاصیر بسزایی داشت.

سیاست های راهبردی و کاربردی و شیوه های تاکتونی اصلاح طلبان حکومتی در پیشبرد جنبش به شکست رسیده و جنبش را به بن بست کشانده است.

*هیچ یک از دستاوردهای جنبش اصلاحات، که همه آنها تنها با حضور مردم در صحنه به دست آمد، نهادینه نشد و در قوانین بازتاب پیدا نکرد. جنبش مردم نیز کماکان بی سازمان، بی شکل و توده وار باقی ماند. از این رو جنبش اصلاحات شکست پذیر و دستاورهای آن بازگشت پذیر ماند.

• جبهه ولایت فقیه با غلبه بر غافلگیری آغازین خویش و با هماهنگ کردن واکنش ها و اقدامات طیف های گوناگون خود تحت هدایت ولی فقیه، راه برد مقابله با اصلاحات را بر مبنای تکیه بر قوانین جمهوری اسلامی، ضمن ادامه به کار گیری روش های غیر قانونی و ارگانهای رسمی و غیر رسمی سرکوب تنظیم کرده است و تلاش می کند کنترل اوضاع را در دست بگیرد.

مخالفت جبهه ولایت فقیه با اصلاحات و دشمنی آن با جنبش مردم مهمترین مانع پیشرفت این روند و قانونیت یافتن آن است

این جبهه از سرکوب بخش های پیگیر جنبش اصلاحات یعنی نیروی سوم، جنبش دانشجویی، مطبوعات و اصلاح طلبان پیگیر و سرشناس حکومتی، ایجاد و تشدید شکاف در جبهه اصلاحات از جمله با تاکید بر مرز خودی و غیر خودی و خطوط قرمز حکومتی و هر چه پر رنگ تر کردن آنها، بالا بردن هزینه گفتگو و هم کاری با نیروهای غیر حکومتی برای اصلاح طلبان دولتی، استفاده از نهادهای جبهه ولایت فقیه مانند: ولی فقیه، شورای نگهبان، قوه قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزارت اطلاعات، پذیرش صوری شعارهای مردم و مسخ آنها و یا اعتبار و بی نقش نشان دادن نتیجه رای مردم به عنوان شیوه های کاربردی در جهت شکست جنبش اصلاحات و بازگرداندن جامعه به شرایط پیش از دوم خرداد استفاده کرده و می کند.

طرفداران نظام فقهاتی که در آغاز در صدد بودند با یک برنامه شش ماهه شکست خود را جبران کرده به جنبش اصلاح طلبی خاتمه دهند، بعد از افشای برخی از آمران و عاملان قتل های زنجیره ای به استراتژی جنگ فرسایشی روی آوردند. اقدامات ایذایی، بحران سازی های مداوم و خسته و مایوس کردن مردم از ادامه مبارزه جهت تعمیق اصلاحات از ساز و کارهای جدی آنها در این دوره بود.

یکی از واهمه های اصلی آنها تشکیل نیروی سوم و رشد آن ائتلاف بخشی از اصلاح طلبان رادیکال حکومتی با این نیرو و تداوم حیات مطبوعات مستقل و نیمه مستقل در جامعه بود. به همین دلیل با حساسیت ویژه ای با کنفرانس برلین برخورد کرده و متعاقب آن به دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان و محاکمه و زندانی نمودن آنها پرداخته و فعالیت جریان موسوم به ملی - مذهبی و نهضت آزادی را ممنوع ، و اکثر رهبران آنها را دستگیر و روانه زندان و یا خانه «امن» کردند.

در رابطه با اصلاح طلبان حکومتی، جبهه ولایت فقیه با ارائه چهره به ظاهر واقع بین و راست معتدل از خود، روش تهدید و تحبیب را در پیش گرفت. این جبهه با استفاده از ناپیگیری ها، تردیدها و ضعف های بینشی و سیاسی و نیز شعارهای غیر واقع بینانه اصلاح طلبان رادیکال و جذب بخش محافظه کار و نیز ایجاد وحشت در بین میانه روها را اتخاذ کرد. ترور حجابیان پیام روشن و آشکار به اصلاح طلبان حکومتی داشت؛ یا عافیت طلبی و ماندن در قدرت و یا حذف فیزیکی و سیاسی.

پاسخ اصلاح طلبان پُر رنگترشدن استراتژی «آرامش فعال» بود که پروسه بعدی توسط خاتمی به سیاست اعتدال فرا رویید.

پیشرفت و جنبش اصلاحات شعارهای آن را رادیکال تر کرده و منجر به جا بجایی در طیف نیروهای آن شده است. بخشی از چهره هایی که در ۲ خرداد و آغاز جنبش اصلاحات از اصلاح طلبان پیگیر حکومتی بودند، دیگر از اصلاح طلبان حکومتی به شمار نمی آیند. جنبش اصلاحات با پیشرفت خود سرنوشت خود را از سرنوشت بخشی از اصلاح طلبان سازشکار حکومتی جدا خواهد کرد.

* از آنجا که بخش بزرگی از اصلاح طلبان حکومتی هدف اصلی خویش را استقرار «مردم سالاریدینی» و ایجاد «جامعه مدینه النبی» اعلام کرده بودند، از سیاست «آرامش فعال» به سیاست اعتدالی خاتمی روی آوردند. آنها با به کارگیری این سیاست می خواستند و می خواهند در چارچوب حفظ دستگاه ولایت فقیه و نهادهای زیر مجموعه آن و قانون اساسی موجود به برخی اصلاحات دست زند تا بتوانند از یک سو جمهوری اسلامی را از بحران ساختاری ، اقتصادی و سیاسی نجات دهند و از طرف دیگر موقعیت خویش را در قدرت

سیاسی تقویت کنند. حاصل این سیاست چیزی جز تضعیف جنبش دموکراتیک مردم ایران و تقویت جناح سنت گرای رژیم نبود.

خاتمی رئیس جمهور ۲۲ میلیونی کماکان سیاست تمکین به ولایت فقیه را ادامه داده است. این سیاست که تحت عنوان «سیاست اعتدالی» نامگذاری شده است؛ نمود آشکار خود را در ترکیب کابینه تحمیلی وی به مجلس بارز ساخت. کوچکترین اقدام اصلاح طلبان حکومتی با سد دستگاه ولایت فقیه، قوه قضاییه و نهادهای انتصابی نظیر شورای نگهبان و قانون اساسی روبرو شده است.

تذکر قانونی خاتمی به قوه ی قضاییه و کشمکش جناح ها بر سر اختیارات رئیس جمهور و نیز اختیارات مجلس و شورای نگهبان، مراجعه طرفین به قانون اساسی و موضوع رفتارندم از سوی نمایندگان اصلاح طلب مجلس و بلوف سیاسی خواندن این امر از سوی محافظه کاران و سنت گرایان و نتایجی که حاصل شد، واقعیات فوق را تایید می کند.

حاصل این وضعیت تشدید سرکوب آزادی های سیاسی و اجتماعی و نقض خشن حقوق شهروندی و نیز گسترش بی عدالتی و بحران رو به تزاید سیاسی و اقتصادی در جامعه است. هم اینک بخشی از رهبران نهضت آزادی و جریان موسوم به ملی - مذهبی در بیدادگاه رژیم در پشت درهای بسته در حال محاکمه اند. تاکنون بسیاری از نمایندگان مجلس توسط مقامات قضایی احضار شده اند. قوه قضاییه رژیم هم نقش وزارت اصلاحات را بازی می کند و هم رل شاکی را و نیز مدعی العموم و قاضی را.

به همان اندازه که بخش بزرگی از اصلاح طلبان حکومتی به سیاست مماشات و تمکین زیر پرچم سیاست اعتدالی روی آورده اند، جنبش مردم آشکارا خصلت ضد رژیم به خود می گیرد. حرکت های پی درپی اعتراضی جوانان و مقاومت آنان در برابر ارگانهای سرکوب رژیم و نیز گسترش اعتراضات توده ای، کارگری از جمله بست نشینی و تظاهرات خیابانی از نمونه های قابل تاکید این واقعیات هستند.

* حل مسئله ملی برای حکومت محلی از اعراب نداشته و سیاست ستم مضاعف بلاوقفه ادامه دارد. تا جایی که حتی باعث اعتراض نمایندگان کرد و نیز نمایندگان آذربایجان (شرقی، غربی، و استانهای اردبیل و زنجان) در مجلس قرار گرفت و تاکنون هیچ مقام رسمی کشور و از جمله شخص خاتمی به اعتراض خودی ها نیز توجه نکرده اند.

* نه تنها جناح سنت گرا و محافظه کار رژیم بی توجه به حقوق زنان هم چنان سیاستهای تبعیض جنسی را ادامه می دهد، بلکه اصلاح طلبان حکومتی نیز با پیشه کردن سکوت در برابر این امر شریک تداوم سیاست فوق هستند. تاکنون یک مورد هم نشده که قوانین جزایی ضد انسانی مانند سنگسار مورد اعتراض رئیس جمهور ۲۲ میلیونی قرار گیرد

* در جمهوری اسلامی ضمن اینکه برای ثروتمندان و مقامات عالیرتبه و آقازاده ها، همه گونه امکان و شرایط لازم برای تفریح و عیش و عشرت فراهم است، شادی برای مردم و جوانان کشور جرم سنگینی محسوب می شود، حتی اگر این شادی بر اثر پیروزی تیم ملی فوتبال ایران باشد.

* با وجود اینکه ترکیب اصلی جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند، هیچ گونه تمهیدات جدی و اساسی برای آینده آنان صورت نمی گیرد. جوانان شدیداً نگران آینده خویش هستند. فرار مغزها در بین نسل جوان ابعاد بی سابقه ای یافته است. اعتیاد به مواد مخدر زندگی بخش زیادی از جوانان و حتی نوجوانان کشور را در معرض نابودی قرار داده است تا جایی که، مدارس ابتدایی نیز از خطر اعتیاد در امان نمانده است.

• جامعه ما با بحران عمیقی اقتصادی روبرو است. و نشانه های بارز آن بی کاری وسیع، نرخ پایین سرمایه گذاری در تولید، کاهش تولید، تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی، افزایش تورم، کاهش قدرت خرید مردم و تشدید شکاف طبقاتی است.

تسلط مافیایی بنیادهای انحصاری نظیر کمیته امداد امام، بنیاد مستضعفان، بنیاد شاهد، بنیاد ۱۵ خرداد و آستان قدس زضوی بر اقتصاد کشور (اعم از تولیدی، مالی یا تجاری) از عوامل تشدید کننده بحران اقتصادی و نیز تمرکز ثروت در دیت ثنوکرات ها می باشد

دولت خاتمی نیز مانند وره هاشمی رفسنجانی سیاست تعدیل اقتصادی و نیز اجرای توصیه صندوق بین المللی پول از جمله خصوصی سازی بی ضابطه و بی رویه را در پیش گرفته است

در بسیاری از واحدهای تولیدی کارگران بیش از یک سال است که حقوق ماهانه خویش را دریافت نکرده اند. سیاست خصوصی ساز بدون هیچ ضابطه ی قانونی در جهت منافع سرمایه داران پی گیری می شود

دست اندر کاران مسائل کارگری رژیم در نظر دارند قانونی را در مجلس به تصویب برسانند که ۹۶ درصد کارگاههای تولیدی کشور را از شمول قانون کار معاف بدانند. رانت خواری از دیگر مشخصات اقتصادی در جمهوری اسلامی است که شامل حال مقامات عالی رتبه و آقا زاده ها می باشد که هر از گاهی اخبار آن فقط در حد کلی و بدون اعلام فاعل و یا فاعلان آن در مطبوعات درج می شود.

اهداف و راستاهای خط مشی سیاسی

فداییان خلق ایران «اکثریت»

اهداف

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» بر تاکید مجدد بر مفاد اسناد مصوبه کنگره پنجم تحت عناوین ((دیدگاهها و آماج ها)) و ((برای دموکراسی و عدالت اجتماعی)) و اسناد مصوبه کنگره ششم در این زمینه بار دیگر اعلام می کند:

- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مدافع دموکراسی پیشرفت، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و مدافع حقوق بشر است و بر همین پایه علیه هرگونه ستم طبقاتی ملی جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می کند.

- سازمان ما حاکمیت و قدرت را ناشی از اراده مردم می داند و به محدودیت زمانی قدرت به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز آن به حزبیت و نظام چند حزبی معتقد است.

- کشورما نیازمند حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری به جای جمهوری اسلامی است. سازمان ما به عنوان یک نیروی اپوزیسیون چپ و دموکرات برای تحقق چنین هدفی مبارزه می کند. تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت آمیز تامین شود.

- در حکومت دموکراتیک دین رسمی وجود ندارد. دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی و آموزشی جدا است و آزادی وجدان و حق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می شود. حکومت دموکراتیک بر پایه اشکال غیر متمرکز از جمله فدرالیسم که منطبق بر ساختار ویژگی های فرهنگی و ملی ما است پی ریزی می شود. در این حکومت خود مختاری یا دیگر اشکال دموکراتیک اداره امور محلی ملیت ها (اقوام) تضمین شده و امور هر منطقه توسط مجلس و شورای منطقه ای و محلی اداره می گردد.

- سازمان ما تامین برابر حقوقی زن و مرد را یکی از پایه های دموکراسی و جامعه مدنی و در زمره ارکان اصلی حقوق بشر می داند.

خواستهای اساسی جنبش مردمی در راستای اعمال حق حاکمیت مردم و موازین دموکراسی و جمهوریت خواستهای تاریخی جنبش دموکراتیک مردم ایران در صد سال اخیر است.

راستا های خط مشی سیاسی

۱- سازمان بر استقرار حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری مبارزه می کند.

۲- شرط مقدم تحقق هدف سیاسی سازمان نفی ولایت فقیه و تمامی نهادهای غیر انتخابی زیر مجموعه آن است تغییر بنیادین قانون اساسی شرط لازم نفی ولایت فقیه است. از این رو ما خواهان برگزاری فراراندن برای تغییر قانون اساسی هستیم

۳- شعار مردم سالاری دینی یا جامعه مدینه النبی در خدمت اهداف جنبش دموکراتیک مردم ایران نیست. از این رو نقد این سیاست که بویژه از سوی خاتمی رئیس جمهور مطرح می شود، برای تقویت جنبش مردم سالاری در جامعه اهمیت ویژه ای یافته است.

۴- ما از اقدامات مثبت اصلاح طلبان حکومتی در راستای تعمیق مبارزه دموکراتیک مردم استقبال می کنیم و آنها را به انجام اقدامات زیر فرا می خوانیم

- نقد میراث خمینی و فاصله گیری از آن

- محدود نکردن خویش در حصار تنگ شعارهایی نظیر «خوری و فیر خودی» یا

«مردم سالاری دینی»، بازی در چارچوب قانون اساسی و به چانه زنی در بالا

- در پیش گرفتن سیاست گسترش جبهه اصلاحات.

۵- حل مسئله ملی یکی از پایه های اساسی نهادینه شدن دموکراسی در ایران است. ما ضمن تاکید بر اجرای مصوبه کنگره ششم در این زمینه معتقدیم که در شرایط کنونی مبارزه جهت تحقق مطالبات و خواست های مناطق تحت ستم مضاعف ملی از اهمیت جدی برخوردار است.

۶- مردم نیروی اصلی تحولات در جامعه هستند. زین رو تلاش برای سازماندهی، تشکل و نیز سمت دهی مبارزات مردم باید به وظایف جاری سازمان تبدیل شود.

۷- مبارزه برای حق تشکل های مستقل مردمی اعم از سندیکاها، شورا و تشکلهای دانشجویی، نویسندگان، زنان، جوانان، کارگران و زحمتکشانشان.

۸- مبارزه برای تامین حق اعتصاب عمومی و حق تظاهرات خیابانی مردم جهت ابراز خواسته هایشان تاخذ خواست تغییر قانون اساسی.

۹- مبارزه برای تامین برابر حقوقی زن و مرد.

۱۰- نیروی سوم به عنوان بخش مهمی از جنبش مردمی اصلاحات از عدم تشکیل رنج می برد این واقعیت منجر به تاثیر گذاری محدود این نیرو بر روند اصلاحات است.

مهم ترین عوامل عدم اتحاد این نیرو سرکوب آن، نبود امکان فعالیت آزاد سیاسی و عوامل درونی آن بویژه پرهیز از همکاری و ائتلاف با یکدیگر است. سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» سازمان یابی نیروی سوم را یک ضرورت جدی می داند و همه تلاش خود را در این راه به کار میبرد.

۱۱- سازمان معتقد است که تشتت و پراکندگی اپوزیسیون دموکرات و عدالت خواهی یکی از عوامل بقای وضعیت موجود جامعه است. از این رو تلاش برای ایجاد ائتلاف وسیع از همه نیروهایی که به نفی ولایت فقیه و برپایی جمهوری دمکراتیک معتقد هستند، ضرورت دارد.

۱۲- سازمان ما به روش مسالمت آمیز مبارزه تاکید دارد

۱۳- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) حق نافرمانی مدنی را از جمله اعتراضات مردم در شکل تظاهرات، اعتصابات، بست نشینی و شورش های مردمی برای بیان خواسته ها و احقاق حق خود را برسمیت می شناسد.

۱۴- سازمان ما دیدگاهی را که فعالیت قانونی را التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی معنی می کند، نفی کارزار برای تغییر قانون اساسی دانسته و آن را به زیان مبارزه دموکراتیک مردم ایران ارزیابی می کند

راه کارها

در عرصه ملی

در این عرصه علاوه بر اجرای مصوبه کنگره ششم در مورد مصوبه کنگره ششم در مورد مسئله ی ملی بایستی در جهت انجام اقدامات زیر تلاش شود

* مبارزه برای به رسمیت شناختن حق آموزش به زبان مادری هر کلیت در مدارس و دانشگاه های کشور

* فشار به دولت جهت سرمایه گذاری در مورد تربیت کاردهای ملی جهت اداره امور محلی

* تشویق سرمایه داران مناطق ملی جهت سرمایه گذاری در زادبوم خویش و فشار بر دولت که اتخاذ سیاست های مالیاتی مناسب و تامین امنیت سرمایه در این مناطق و نیز تسهیل در ارائه وام های تولیدی در جهت رشد اقتصادی این مناطق گام بردارد

* مبارزه با سیاست فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی در این زمینه و به خصوص با سیاست حاکم جمهوری که در جهت تحقیر ملی و نفاق افکنی بین خلق ها است

* برقراری ارتباط با گروه ها و جریان هایی که در زمینه مسائل ملی - فرهنگی فعال هستند
* سازماندهی بحث و گفتگو در مورد گزینه ها در این زمینه

در زمینه مبارزات مردم

جنبش های اعتراضی و مطالباتی مردم در حال گسترش است، اما به دلیل سرکوب آن توسط جمهوری اسلامی و غیر سراسری و غیر متشکل بودن و عدم پیوند آنها با احزاب سیاسی عمدتاً، فاقد دستاوردهای مورد نیاز می باشد. در این راستا اقدامات مشخص زیر قابل تاکید است.

* تقویت حس همدردی بین مردم مناطق مختلف با یکدیگر و بسیج آنها برای حمایت از مبارزات یکدیگر.

* تبدیل حرکات منطقه ای به سراسری و نیز تلاش برای برقراری پیوند این مبارزات با یکدیگر و نیز جریانات سیاسی مترقی از وظایف سازمان به شمار می رود

* خبر رسانی: باید کوشش کرد تا مناطق مختلف از مبارزات همدیگر آگاهی داشته باشند.

* کمک به تشکیل تشکل های اجتماعی، صنفی، سیاسی، فرهنگی، و توده ای و تقویت آنها

* دعوت از مردم برای اعتراض دسته جمعی علیه سیاست های سرکوب گرانه

* تقویت جنبش دموکراتیک زنان و مبارزه برای انتخاب آزادانه پوشش و علیه تحمیل پوشش اجباری و تلاش برای شرکت در همه فعالیت ها، مسئولیت ها و مجامع سیاسی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی

* مبارزه برای تحقق نیازهای جوانان و نوجوانان اعم از آموزشی، اعم از آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، تفریحی

در زمینه آزادی های سیاسی

* تلاش در راه ایجاد شرایط برای فعالیت قانونی و آزادی احزاب سیاسی

* افشای سیاست های ضد کارگری وزارت کار و خانه کارگر و دیگر نهادهای رسمی کارگری جمهوری اسلامی

* دفاع از مطالبات صنفی- سیاسی کارگران و زحمتکشان و حق تشکیل مستقل آنان

* ضرورت اخذ مجوز برای انتشار روزنامه ها و مطبوعات

* تلاش در جهت تامین آزادی بی قیدو شرط بیانف قلم و مطبوعات

* پیکار برای بازگشت امن همه ی ایرانیان به کشور و رفت و آمد بی قید و شرط ایرانیان مقیم خارج ار کشور و افشای موانع موجود از سوی ارگانهای امنیتی در اشکال بازجویی، گزارش نویسی و درخواست همکاری

در زمینه تغییر قانون اساسی

* لغو نظارت ولی فقیه بر قوه قضاییه، دموکراتیزه کردن ساختار آن، تدوین قوانین قضایی بر اساس دستاوردهای دموکراتیک و حقوق بشری، افشای قوانین جرایمی- کیفری ضد انسانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی.

* لغو نظارت ولی فقیهبر صدا و سیما و تامین اداره دموکراتیک، مستقل و بدون سانسور آن
* انحلال نهاد های انتصابی به ویژه شورای نگهبان قانون اساسی و مجمع تشخیص مصلحت نظام

* خارج کردن بنیادهای بزرگ مالی مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، و آستان قدس رضوی از کنترل نهادهای غیر انتخابی و واگذاری تعیین سرنوشت آنها به مجلس جهت تدوین قوانین ضرور در مورد چگونگی اداره آنها

ضمیمه :

پیشنهاد رفیق مهدی ابراهیم زاده به آغاز بند ۱۴ راستاهای خط مشی سیاسی:

پای بندی به قانون در پیوند تنگاتنگ با تعهد متقابل حکومت برای رعایت حق مخالفت با قانون اساسی معنی دارد. به بیان دیگر ما حاضر به فعالیت و تبلیغ اندیشه های خود در چارچوب قانونی هستیم که آن قانون (مجربان آن) ظرفیت شنیدن سخن مخالف با خودش را داشته و تلاش برای دگرگونی آن جرم محسوب نمی شود

طرح اولیه پیرامون

در تدارک کنگره (کارشماره ۲۷۳)

اهداف سیاسی پیشنهادها و سیاست های سازمان فدائیان

خلق ایران «اکثریت»

فریدون احمدی

توضیح: این سند بعنوان طرح اولیه، بر مبنای ندقیق و تکمیل سند سیاسی مصوب کنگره ششم تدوین شده است. فصل های ارزیابی از جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه، موضع ما نسبت به اصلاح طلبان حکومتی باز نویسی شده، فصلهای اهداف سیاسی ریال پیشنهادها و سیاست های ما برای مهار بحران اقتصادی، ما و نیروهای اجتماعی جنبش، قانونیت و فعالیت علنی، آزاد و قانونی یاعینا و یا با تغییراتی جزئی آورده شده است و فصل راستا ها و راهکارهای سیاست ما به سند مصوب کنگره ششم اضافه شده است. این سند هم به دلیل به پایان سیدن مهلت ارائه سند و هم بنا بر ضرورت تکمیل و تلفیق با اسناد و نظرات همسو، طرح اولیه سند پیشنهادی است.

اهداف سیاسی ما

سازمان ما با تاکید مجدد بر مفاد دو سند مصوب کنگره پنجم سازمان تحت عناوین «دیدگاهها و آماج ها» و «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی» بار دیگر اعلام می کند که:

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» مدافع دموکراسی، پیشرفت، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم. . و مدافع حقوق بشر است و بر همین پایه علیه هر گونه ستم طبقاتی، ملی، جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می کند...

کشور ما نیازمند حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری است. ما برای تحقق چنین هدفی مبارزه می کنیم، تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت آمیز متحقق شود. در حکومت دموکراتیک دین رسمی وجود ندارد، دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی و آموزشی جدا است و آزادی وجدان و حق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می شود. سازمان سیاست های جاری خود را بر مبنای آرمان ها و اهداف سیاسی و بر پایه تحلیل اوضاع سیاسی کشور تدوین می کند.

ارزیابی از جنبش آزادیخواهانه و حول طلبانه

تعمیق در جامعه

بن بست در حاکمیت

جامعه ما، در همه ی عرصه های سیاسی ، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با بحران عمیقی روبروست.

در عرصه های سیاسی: خواست توده های میلیونی مردم برای ایجاد تحولات بنیادی سیاسی و مقابله دامنگستر در ابعاد ملی و فراگیری با حکومت دینی و مظاهر آن در برابر تلاش حکومتان بویژه بخش محافظه کار برای سد کردن و سرکوب این خواست.

در عرصه اقتصاد: بیکاری وسیع، کاهش مداوم قدرت خرید دستمزد و حقوق بیگران، فقر و فلاکت فزاینده، تشدید شکاف طبقاتی و افزایش بی سابقه ی بی عدالتی، رانت خواری و فساد مالی و اقتصادی، تورم لجام گسیخته و رکود اقتصادی، تعطیلی واحدهای تولیدی، ناتوانی در پرداخت دستمزد کارگران و ده ها نشانه دیگر.

در عرصه اجتماعی: افزایش و گسترش بی سابقه ناهنجاری های اجتماعی همچون اعتیاد، خود کشی، افسردگی، روان پریشی، خشونت در خانواده و علیه زنان و کودکان، فسادگسترده در حکومت و دستگاه اداری و از نمونها و نشانه های این بحران همه جانبه هستند.

روندهای سیاسی و اجتماعی در کشور ما بر زمینه و بستر این بحرانها شکل می گیرند و انکشاف می یابند.

* در دوم خرداد ۱۳۷۶ خواست ها ، جانفشانی ها و تلاشهای مختلف مردم در کشور ما برای حقوق دموکراتیک و آزادیهای فردی و اجتماعی، دورهتکوین و انباشت آرام اما عمیق و مداوم خود را طی کرد و در ابعادی توده ای و سراسری تجلی آشکار یافت. روند های منتهی به دوم خرداد و سیر پس از آن تا کمون، نشانگر نفی هنجارها و سیاست های موجود با خصلتی فراگیر و ملی و بازتاب شکست قطعی جمهوری اسلامی در تحمیل یک حکومت دینی به جامعه ای در خد معین سکولاریزه شده در ایران بود

جمهوری اسلامی از نظر فرهنگی، در تحمیل الگوی رفتاری مطلوب خود، در فلسفه سیاسی و از نظر ساختار سیاسی مستقر با شکست مواجه شده است.

- اینک در ندادم مبارزه دیر پای مردم ما علیه سنت گرایی و استبداد، برای آزادی و دموکراسی، پیشرفت و عدالت، استقلال حقوق و آزادی های دموکراتیک و مدنی مضمون تحولات سیاسی جاری کشور را تشکیل می دهد
- پایه و نیروهای اجتماعی این تحولات را پیشرفته ترین گروه های مردم از میان کارگران و زحمتکشان، روشنفکران و اقشار متوسط جامعه و بخش گسترده فرهنگی، فکری، تخصصی جامعه تشکیل می دهد. در میان این نیروها نقش و موقعیت زنان و جوانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

چالش های این نیروهای عظیم اجتماعی برای حقوق دموکراتیک و خواستههای اقتصادی و اجتماعی خویش، جنبش برومند تحول طلبی و دگرگون خواهی را پدید آورده است. این نیرو طی سالهای اخیر خواست های سیاسی خود را در قالب جنبشی اصلاح طلبانه به پیش برده است. اطلاق صفت اصلاح طلبانه نه ناظر بر اصلاح و حفظ وضع موجود که بر انتخاب شکل مسالمت آمیز دلالت دارد.

اکثریت بسیار بالائی از مردم، در شرایط کنونی خواهان تحولات بنیادی سیاسی و دگرگونی ریشه ای روال و ساختار نظام سیاسی حاکم هستند.

جنبش آزادی خواهانه و اصلاح طلبانه مردم علیرغم سرکوبگری ها و توطئه های جناح محافظه کار حکومت و مداخلات و واپس نشینی اصلاح طلبان حکومتی هم از نظر گستردگی پایگاه

اجتماعی، هم از نظر ژرفش خواسته ها و اهداف و هم از نظر سطح آگاهی های سیاسی مردم تعمیق و گسترش یافته است.

* جنبش دگرگونی خواهی و تحول طلبی بازتاب خود را به شکل ایجاد شکاف در حکومت و پیرامون آن گسست بخشی از نیروهای مذهبی از روش های مرسوم در جمهوری اسلامی و پیدایش نیروهای اصلاح طلب حکومتی و دینی به نمایش گذاشت.

این نیروها در گشایش فضای سیاسی و فرهنگی و کاهش فشارهای اجتماعی دستاوردهایی داشتند و گامهایی به پیش برداشتند. اما در روند ادامه آنها به دلیل پابندی به ولایت فقیه، ارجح شمردن منافع حکومت اسلامی بر منافع جنبش آزادی خواهانه و اصلاح طلبانه و دیدگاه محدود نسبت به امر دموکراسی و جامعه مدنی نتوانستند همپا با رشد جنبش در جامعه و نیازهای آن گام بردارند.

پس از انتخابات مجلس ششم و تسلط اصلاح طلبان حکومتی بر قوه مقننه انتظار بسیاری از مردم ایران این بود که آنها با در اختیار داشتن دو قوه مجریه و مقننه گام های جدی تر برای پیشبرد اصلاحات و وعده های داده شده بردارند.

اما این اصلاح طلبان که از مقطع جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸ و در هراس از کف دادن کنترل امور «فشار از پایین» اتکا به حرکت ها و اعتراض ها و تشکل های مردمی را در بهترین حالت وانهاد و تنها به چانه زنی در بالا در پشت در های بسته روی آورده بودند؛ گام به گام در برابر تعرضات گستاخانه ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن عقب نشستند. اکنون شکست تاکتیک های سیاسی آنان همچون «آرامش فعال» بن بست پروژه سیاسی مردم سالاری دینی به معنای استقرار دموکراسی در عین حفظ حکومت دینی و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، و نا توانی اصلاح طلبان حکومتی در پاسخگویی به نیارهای جنبش اصلاحات به امری آشکار تبدیل شده است.

اکنون جامعه و جنبش نیرومند آزادیخواهی و تحول طلبی آن موضوع ناهمخوانی ساختار سیاسی حاکم بر کشور با سطح رشد بالندگی فرهنگ و نهادهای عرفی و مدنی را به چالش اصلی تبدیل کرده است. تضاد اعمال اراده مردم در بابر اراده ولایت فقیه و تضاد دموکراسی با حاکمیت ولایت فقیه به مثابه بنیاد اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی عینیت و وحدت یافته است

تغییر ساختار سیاسی و در نتیجه تغییر قانون اساسی به نیاز مبرم جامعه، به گام ضرور و کیفی برای تعمیق اصلاحات و به مساله ای که جامعه حل آن را در دستور نهاده فرا روئیده است.

راستاها و راهکارهای سیاسی ما

رفراندم برای تغییر قانون اساسی

*رفراندم به مثابه شکل مسالمت آمیز اعمال اراده ملی، هر زمان در فضای سیاسی کشور
طنین نیرومندی می گیرد.

سازمان ما در پاسخ به نیاز مبروم جامعه به تغییر قانون اساسی، می کوشد نیروی
سیاسی- اجتماعی هرچه بیشتری حول شعار رفراندم برای تغییر قانون اساسی گرد آید.
در دوره آتی، سازمان ما سیمای سیاسی خود را با طرح هر چه گسترده تر این خواست
محوری ترسیم می کند.

• پیشبرد اهداف سیاسی، بدون اعمال نیرو ناممکن است. جنبش نحول جویانه
و اصلاح طلبانه شایسته است همه اشکال مسالمت آمیز اعمال اراده و نیرو را بکار
گیرد تا دشمنان آزادی و مردم سالاری را به عقب وا دارد. اشکال مختلف مقاومت و
نافرمانی مدنی راهپیمایی و تظاهرات گسترده، اعتصابات سراسری، تجمع ها و گرد
هم آیی های گوناگون و دیگر انواع حرکن های اعتراضی و ابتکاری مردم، شیوه ها
و ابزاری هستند که جنبش آزادیخواهانه و تحول طلبانه نمی تواند از آنها چشم
پوشد و بر آنها منکی نشود. سازمان ما بر این نظر است که باید بر این نوع حرکت
های اعتراضی مردمی اتکا نمود و تلاش کرد که آنها در راستاهای اهداف سیاسی و
دموکراتیک واحدی سمت یابند.

• سازمان ما راه حل ها و پیشنهادهای سیاسی خود را بر اساس تحلیل اوضاع سیاسی
و سمتگیری های سیاسی- اجتماعی خود اتخاذ می کند و می کوشد سیمای یک
سازمان چپ دموکرات، نوگرا و سکولار را در مواضع سیاسی خود بازتاب دهد. در
عین حال از اقدامات و مواضع سایر نیروها و جریانات سیاسی که در راستای منافع

مردم و مصالح جنبش آزادیخواهانه و نحول طلبانه می کوشند؛ پشتیبانی می کند و در راه ایجاد هماهنگی، توافق و ائتلاف می کوشد.

• تلاش در راستای تقویت تاثیر و ثقل نیروی سوم، نیروهای خارج از جناح های حکمتی و ایجاد زمینه های تشکیل آلترناتیو دموکراتیک

- کوشش در جهت همگرایی و اتحاد نیرو های چپ و آزادیخواه

- تقویت مواضع اصلاح طلبان پیگیر و رادیکال در میان اصلاح طلبان اسلامی از راستاها و مولفه های سیاست سازمان ما را تشکیل می دهد.

• ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آنمحافظة کاران و تمامیت گرایان جمهوری اسلامی به عنوان مانع اصلی توسعه سیاسی، پیشرفت جامعه و تامین منافع مردم، کماکان آماج اصلی افشاگری و سیاست های ما هستند.

• هر اقدام واقعی اصلاح طلبان حکومتی در راستای توسعه سیاسی و پیشبرد اصلاحات مورد پشتیبانی سازمان ما خواهد بود. ما در عین حال فقدان اراده و برنامه در میان این نیرو برای پیشبرد جدی اصلاحات و قربانی کردن مصالح مردم و جنبش اصلاح طلبانه به پای مصالح نظام و حفظ ساختار و مناسبات موجود را صریح و آشکار مطرح کرده مورد انتقاد قرار خواهیم داد.

پیشنهاد ها و سیاستهای ما برای پیشبرد اصلاحات

اصلاحات آری! ولایت فقیه نه!

تامین آزادی بی قید و شرط بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات و تامین آزادی های اجتماعی و فردی و لغو ممنوعیت ها در این زمینه.

- تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی، سندیکاهای کارگری، تشکل های مستقل زنان و دانشجویان و تشکل های دموکراتیک.

- تامین حق برابری زن و مرد و لغو کلیه قوانین و مقررات ضد زن و تامین آزادی پوشش.

- ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی و لغو کلیه قوانین جزایی اسلامی نظیر سنگسار، قصاص، حد و لغو تبعیضات مذهبی.

- آزادی کلیه زندانیان سیاسی، اعلام منع پیگرد همگانی و رفع موانع بازگشت مهاجرین.
 - لغو نظارت استصوابی و انحلال نهادهای گزینش، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاههای انقلاب و
 تامین مشارکت برابر حقوق همه شهر وندان در حیات سیاسی کشور.

- حق دسترسی کلیه شهر وندان به اخبار و اطلاعات.

- پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین ملل و کشورهای مختلف جهان و تلاش برای
 ایجاد و تحکیم رابطه ی دوستانه و برابر حقوق با تمامی کورهای جهان و بخصوص ممالک
 منطقه.

برای تعمیق اصلاحات سیاسی و فرهنگی ضروری است. قانون اساسی بر پایه موازین دموکراسی
 و حقوق بشر تغییر یابد، ساختار سیاسی دموکراتیک جایگزین ساختار سیاسی ولایت فقیه گردد،
 همه ارگانهای سیاسی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از سوی مردم در انتخابات آزاد بر گزار
 شوند، قوانینی که ناقض حقوق بشر است، ملغی و اصول ناظر بر حقوق بشر پایه تغییر قانون
 اساسی اعلام گردد و نظام قضایی بر مبنای عرف و اصول دموکراتیک باز سازی شود.

- مجازات اعدام لغو گردد.

- انجام رفتارندم برای تغییر قانون اساسی در راستای تامین مضامین فوق

برای مهار بحران اقتصادی و بهسازی زندگی مردم

برای برون رفت از بحران اقتصادی و ساماندهی اقتصاد کشور، تغییر ساختار اقتصادی از طریق
 پیشبرد برنامه توسعه امری است ضرور. ما خواهان پیشبرد آن برنامه توسعه ای هستیم که، بر
 تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی گسترش دموکراسی، بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت
 اجتماعی مبتنی باشد.

اصلاحات سیاسی شرط رشد اقتصادی است اما در عین حال همزمان با اصلاحات سیاسی
 ضروری است اقدامات مناسب جهت مهار بحران اقتصادی و بهبود زندگی مردم صورت
 گیرد. در این راستا ما اقدامات زیر را پیشنهاد می کنیم:

سرمایه گذاری در بخش مولد صنعتی، تکنولوژی، پژوهشی و کشاورزی در کلیه مناطق کشور
 مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و موانع موجود در این عرصه برطرف شود.

- برنامه ریزی برای جلوگیری از متورم شدن بیشتر سرمایه های تجاری - دلالی و سرمایه های
 سرگردان و سرازیر شدن آنها بسوی بخش های مولده جامعه اتخاذ گردد.

- برقراری رابطه اقتصادی با تمامی ملل و دولت های گیتی با در نظر داشت منافع ملی.
 - خلع ید از مافیای اقتصادی حاکم بر بنیاد مستضعفان ، آستان قدس رضوی دیگر نهادهای مشابه

- رانت های اقتصادی حذف و کمک های اقتصادی به جریان های اسلامی در دیگر کشورها قطع گردد.

- نهادهای موازی درهم ادغام شود و نهادهای زاید و هزینه زا منحل گردد.
 - از اهرم مالیاتی، بودجه گذاری و سوبسید برای افزایش قدرت خرید اقشار کم در آمد و کاستن از فاصله فقر و ثروت بهره گیری شود
 - دستمزد کارگران و کارمندان در شرایط بحران اقتصادی کنونی، از طریق افزایش آن به میزان تورم سالانه تثبیت شود.

- تدابیر ضرور برای کاهش بیکاری در کشور اتخاذ گردد
 - در مان و بهداشت همگانی تأمین؛ و از صندوق های بیمه بازنشستگی و سازمان های تامین اجتماعی حمایت شود و سیاست های ضرور برای حذف واسطه ها و دلال ها اتخاذ گردد.

ما و نیرو های اجتماعی جنبش

آزادیخواهانه و اصلاطلبانه

نخبگان فکری ، فرهنگی تخصصی کشور ، جنبش های دانشجویی، کارگران و زنان، نویسندگان و هنر مندان، مطبوعات مستقل ومنتقد، خلق های محروم از حقوق ملی و فرهنگی و مدافعان محیط زیست، نیروهای اجتماعی جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه کشور هستند. ما مبارزه برای پیشبرد اصلاحات سیاسی و فرهنگی بر این نیروها تکیه داریم. رهوس سیاست های ما در قبال این نیروها عبارتند از:

- مبارزه علیه مقررات ضد زن، فرهنگ مرد سالاری و مبارزه برای تامین حق برابری زن و مرد و دفاع از ایجاد تشکل های مستقل زنان.

- کوشش در جهت تقویت پیوند جنبش کارگری با جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه، حمایت از مبارزات و مطالبات صنعتی کارگران و از تلاش فعالات کارگری برای ایجاد سندیکا های مستقل.

- دفاع از آزادی و ضرورت وجود مطبوعات مستقل و منتقد در برابر یورش ارتجاع و حمایت از مبارزه آنها برای تامین آزادی بیان و عقیده در برابر مدافعان جامعه تک صدایی و پیشبرد همکاری با آنها.
- حمایت از خواست های جوانان و نوجوانان، مشارکت و و فعالیت آنها در حیات سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی کشور، دفاع از آزادی فعالیت گروههای دانشجویی با دیدگاههای گرایش های سیاسی متفاوت ، از تامین استقلال جنبش دانشجویی از حکومت و جناح های حکومتی .
- مبارزه با هرگونه ستم ملی، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواسته های دمکراتیک و وحدت طلبانه جنبش های ملی، تقویت تفاهم و اتحاد بین همه خلق های ایران به منظور تقویت جنبش برای توسعه سیاسی کشور که زمینه ساز تحقق فدرالیسم و عدم تمرکز در کشور است.
- فعالیت آنها در حیات سیاسی اجتماعی و فرهنگی کشور، دفاع از آزادی فعالیت گروه های دانشجویی با دیدگاه ها و گرایش های سیاسی متفاوت، از تامین استقلال برای جنبش دانشجویی در قبال حکومت و جناح های حکومتی.
- دفاع از نویسندگان، هنرمندان و فرهنگ سازان در مقابل اقدامات سرکوبگرانه و حمایت از تشکل های مستقل آنها بویژه کانون نویسندگان.
- مبارزه با هرگونه ستم ملی، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواسته های دمکراتیک و وحدت طلبانه جنبش های ملی، تقویت تفاهم و اتحاد بین همه ی خلق های ایران به منظور تقویت جنبش برای توسعه سیاسی کشور که زمینه ساز تحقق فدرالیسم و عدم تمرکز در کشور است.
- مبارزه برای حفظ محیط زیست و تلاش برای فرارویاندن آن به یک جنبش فراگیر.

قانونیت و فعالیت علنی، آزاد و قانونی

ما از قانونیت مدنی و برابری همه شهروندان در مقابل قانون دفاع می کنیم و معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دمکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم

تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروند علیه قوانین غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر و علیه کاربرد قهر برسمیت شناخته شود.

ما لازمه پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور را در آن می دانیم که جنبش جاری آزادیخواهی و اصلاح طلبی در قالب احزاب و سازمانهای سیاسی و تشکلهای دموکراتیک متشکل شود و حضور سیاسی آنها شکل قانونی بخود گیرد. به نظر ما دولت ملتزم است حق فعالیت آزاد احزاب سیاسی را تامین و تضمین نماید و شرایط فعالیت قانونی ما و سایر نیروهای سیاسی را فراهم آورد.

بعنوان گام اصلی برای تامین شرایط فعالیت قانونی احزاب سیاسی ضروری است با تصویب قوانینی، حق فعالیت سیاسی مخالفین حکومت، اپوزیسیون به رسمیت شناخته شود.

سازمان برای دستیابی به فعالیت علنی ، آزادانه و قانونی در ایران تلاش می کند و اقدامات خود را متناسب با پیشروی جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبانه گشایش فضای سیاسی و تغییر توازن قوا به زیان نیروهای تمامیت گرا و خشونت طلب پیش می برد.

یادداشت

نظر به اینکه مقدمه سند ارائه شده از جانب من برای برخی از رفقا ابهاماتی را سبب شده که گویا مقوله یاد شده در مقدمه (ملی مردمی) جزو مسائل کلان و دیدگاهی و آماجی سازمان است و در آینده نزدیک مجدداً برای تدقیق در دستور کار سازمان خواهد بود. من مسامحتاً در راستای معاضدت، و رفع هر گونه شائبه، آن مقدمه را در پیشنهاد اخیر خود منظور نخواهم کرد. ولی با تأکید مجدد بر اینکه اتخاذ سیاست و ارائه خط - مشی سیاسی از جانب ما باید بادفاع مستمر ما از منافع ملی و ملاحظه مصلحت عمومی جامعه با سمتگیری های عدالت خواهانه ما همراه باشد که جوهر و معنای اصلی سیما و برآمد سیاسی ملی مردمی سازمان ما به مثابه یک سازمان چپ غیر ایدئولوژیک، آزادیخواه، عدالت پژوه، دموکرات مسالمت جو و صلح طلب را افاده می کند

رضا جوشنی

در تدارک کنگره کار: ۲۷۳

بر آمدی دیگر روالی دیگر

دکتر رضا جوشنی

بجای مقدمه
 نوشته زیر تحت عنوان مولفه های خط مشی سازمان ملی مردمی ما به مثابه پیشنهاد مقدماتی عرضه می شود تا پس از همکاری و همفکری علاقمندان ، در صورت ضرور با شناسنامه معین به کنگره آتی سازمان ارائه گردد. لازم است به چند نکته مهم زیر توجه شود.
 الف - سازمان ما طبق این نوشته به عنوان یک سازمان ملی مردمی و دمکراتیک برآمد سیاسی خواهد داشت.

برآمد سیاسی ملی مردمی سازمان:

۱- از دفاع و جانبداری مستمر از منافع ملی (که شامل کلیه امکانات و ذخایر مادی و معنوی کشور بویژه در رابطه با مناسبات ایران با کشورهای همسایه ، منطقه و جهان به اعتبار موقعیت تاریخی ، اقتصادی ژئوپولیتیکی و فرهنگی آن است) و ملاحظه مصالح عمومی کشور (که در مواجهه با منافع و تعارضات طبقات، اقشار و گروههای اجتماعی ، مسایل منطقه ای(محلی) و جناح بندی ها و دسته بندی های سیاسی و گروهی و شخصی ، خیر و مصلحت عمومی کشور را لحاظ می کند) مایه می گیرد.

۲- تلاشی است در راه زادایش داوری ها و توهمات تاکنونی و برخی تابو ها که نوامانی عنصر چپ و عنصر ملی را ناسازگاری می داند. وکوششی است در راه آشتی و سازگاری مفهوم چپ در برآمد عصری و چهره انسانی و عدالت خواهانه آن از طرفی و مفهوم ملی به معنای همگانی

وسراسری کشوری آن، در آمیزه ای از منافع، مصالح، ثروت، تاریخ و فرهنگ ما از طرف دیگر.

۳- تلاشی است در فرا رویاندن سازمان از یک جریان بسته و صرفاً طبقاتی و محدود به جریان مردمی عمومی و فراگیر که مناسب و پذیرنده همیاری ها و همراهی ها در مقیاس کشوری، در شرایط بکلی متفاوت کنونی و آینده جامعه باشد. بدیهی است که تسری چنین رویکردی یعنی «حضور ملی سازمان» در جامعه در حوزه مناسبات درون سازمانی نیز ناگزیر خواهد بود. و مناسبات درون و بیرون سازمانی با این رویکرد، باز تعریف و تدوین گردد.

۴- این «حضور ملی» ما زمینه ای فراهم خواهد کرد برای کنش واکنش های مناسب و هدفمند آتی ما و مالا جامعه ما در مواجهه با روندهای فراگیر جهانی و مشارکت سودمند در آن روندها.

یاد آوری: تاکید این نگاه به زوایایی مشابه آنچه که در بالا آمده است، اولاً از هرگونه گرایش ناسیونالیستی (ملی گرایانه) که بویژه در عصر حاضر و ارتباطات گسترده جهانی موجود اساساً رنگ و بوی دیگری به خود می گیرد و نشانه در جا زدن است، فاصله دارد. ثانیاً مبادی با هویت تاریخی احراز شده سازمان ندارد.

ب)- این سند نخواست است به روال سنتی برای هر یک از گروه ها و اقشار طبقات اجتماعی جداگانه «سیاست پردازی» کند و پاراگراف و بخش ویژه‌ای را به هر یم از آنها که بارها در اسناد ما تکرار شده و مورد موافقت همگان است اختصاص دهد. در عین حال مصرأ بر آن است که در کنگره نیز از این بابت «بنا به سنت» به یجا کمیسیون های جنبی فرمال و غیر مفید و خسته کننده از فیبل جوانان، زنان، کارگران و ملیت های و ... اقدام نشود. اگر کسانی واقعا در این عرصه حرف تازه ای برای گفتن دارند، می توانند به اشکال مختلف ارائه کنند. تا وظایف اجرایی ارگانهای رهبری آینده مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

پ)- تصویب سندی از این دست در کنگره کافی است. اتخاذ مواضع سازمان براساس مولفه های موجود در چنین سندی (در صورت تصویب در کنگره) خواهد بود. و ارائه و تصویب سند دیگری تحت عنوان سند ((برنامه عمل دوساله)) یا «راهکارها» که توسط شورای مرکزی مقرر شده، ضرور نیست. اختصاص نیروی ویژه برای کار روی سند برنامه عمل دوساله و راه کارهای عملاً تکرار مکررات است، و صرف وقت و نیرو برای تصویب آن در کنگره نیز لزومی ندارد.

تجربه کنگره های ما عملکرد شورا نشان داده است که این کار بیشتر جنبه فرمالیته دارد. شورای مرکزی خود موظف و مختار خواهد بود که شرح وظایف یکساله و دوساله خود را با بهره گیری از این مولفه ها بمثابه راهبرد سیاست های آتی، و دیگر مصوبات کنگره تهیه و به اجرا گذارد و راهکارهای مشخص سیاسی و اجتماعی ا منطبق بر اوضاع و احوال متغیر روز که غیر قابل پیش بینی هستند و بر اساس سند حاضر مشخص گرداند.

می توان با ارائه و تصویب برخی قرارهای اجرایی همخوان با این مولفه ها، فعالیت و سیاست گذاری های شورای منتخب را تسهیل کرد.

اندک اندک زه کوه سنگ کشند
توان کوه را کشان کردن

مولفه های خط مشی سیاسی سازمان ملی و مردمی ما

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»، سازمانی است: ملی، مردمی و دمکراتیک مولفه های خط مشی سیاسی سازمان برای تامین آزادی، دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشورمان به عنوان راهنمای فعالیت ارگانهای سیاسی و اجرایی منتخب کنگره آتی به شرح زیر است:

الف- خطوط کلی

تاکید بر تامین آزادی ها و حقوق فردی و اجتماعی مردم میهن ما. تلاش در راه فراهم شدن هرچه بیشتر شرایط و امنیت برای آزادی، تاکید بر مردم سالاری (دموکراسی) تلاش به منظور دمکراتیک کردن (شدن) نظام سیاسی حاکم بر جامعه. تاکید بر اجرای مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر. پیگیری توأمان «نوسعه سیاسی» و «توسعه اقتصادی متوازن». با سمت گیری عادلانه. رعایت منافع ملی و ملاحظه مصالح عمومی جامعه در اتخاذ مواضع.

ب- در رابطه با اصلاحات

روند اصلاحات به عنوان تجلی جنبش «تامین حقوق مدنی» سالها فراموش و سرکوب شده مردم ایران، پس از فراز و نشیب ها و پشت سر گذاشتن تجارب و کسب دستاوردها و تحمل تاکامی ها و هزینه های سنگین چند ساله اخیر، وارد مرحله حساس و نگران کننده ای شده، که سرنوشت آینده کشور، با آن گره خورده است. اصلاحات با همه تنگناهای موجود هنوز از

پشتیبانی اجتماعی قابل توجه و نهادهای مدنی موجود برخوردار است. این حمایت بالقوه و بالفعل مردم و وجود نیروهای مدافع آن در بخشی از حکومت از امکانات و ذخیره های ادامه حیات و گسترش آن هستند.

در شرایط کنونی، جریان ها و سازمان ها و نهادهای اجتماعی واحزاب و سیاسی جامعه بسته به اینکه چه رابطه ای با روند اصلاحات تنظیم و برقرار کنند،(پایداری و دفاع از آن ، یا بی اعتنایی و وداع با آن) مورد داوری قرار می گیرند. مولفه های مهم سیاست های ما در رابطه با اصلاحات عبارتند از:

- پایداری بر روند اصلاحات، چاره جویی برای رفع موانع و مشکلات آن و تلاش در راه گسترش و تداوم آن.
- حمایت از اقدامات موثر اصلاحی نیروها و شخصیت های درون جناح اصلاح طلب حاکمیت
- نقد صریح و مشفقانه خطاها و اشتباهات پروسه اصلاحات و نیروها و شخصیت های درون جناح اصلاح طلب حاکمیت با انگیزه رفع خطاها و اشتباهات و جلوگیری از توسعه گرایش محافظه کاری در این جناح .
- اتخاذ سیاست نزدیکی با نیروها و شخصیت های سیاسی جنبش اصلاحات درون و بیرون و حاشیه حاکمیت به منظور اشتراک مساعی برای دستیابی به راهکارهای اغلب بر بحران موجود در روند اصلاحات. و کشوده شدن افق اصلاحات بنیادی(رادیکال) با همراهی و حمایت متقابل همه نیروهای جبهه اصلاحات. (بیرون و درون حاکمیت، داخل و خارج کشور لاییک، ملی مذهبی و دوم خردادی)

پ) حاکمیت و جناح های درون پیرامون آن و ...
ساختار سیاسی دو گانه حاکمیت با مشخصات زیر راه تحول اجتماعی کشور را در تنگنا قرار داده است.

1- جناح محافظهکار، که نهادهای انتصابی و کلیدی حاکمیت از قبیل نهاد ولایت، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، و قوه قضاییه و رادبو وتلوژیون را زیر پوشش دارد.. این جناح دارای امکانات مالی گسترده ولی فاقد مشروعیت اجتماعی است.

2- جناح اصلاح طلب که نهادهای انتخابی ریاست جمهوری (دولت) و مجلس را در اختیار دارد و علیرغم بروز کاستی های آشکار در ایفای وظایف تاریخی، هنوز از حمایت مردمی و اجتماعی گسترده برخوردار است.

3- جناح محافظه کار با بهره گیری از همه امکانات قانونی، شبه قانونی و فراقانونی و نیز عملیات ایدایی از طریق ایادی و گروه های وابسته، توانسته است به بهای سنگین رسوایی و بی اعتباری اجتماعی خویش، روند اصلاحات را از تحرک و فعالیت باز دارد و نیروهای اصلاح طلب را در تحقق اهداف تعیین شدهشان به مهار کشد و یا در تنگنا بگذارد ولی هنوز موفق نشده است مردم را از مطالبه و ادامه راهشان مایوس گرداند و عزم و اراده نیروهای اصلاح طلب درون و بیرون حاکمیت را در هم شکند. وضعیت عمومی جامعه نشان از حیات و پایداری حتی المقدور دستاوردهای تاکنونی روند اصلاحات و تلاش اصلاح طلبان حکومتی و خارج از حکومت در اتخاذ راهکارهای مقابله با جناح محافظه کار و عمل به آن در حوزه های متفاوت است مولفه های کلی سیاست ما در رابطه با وضعیت فوق بدین قرار است:

- تلاش در راه دفاع و تقویت جمهوریت و نهادهای انتخابی در برابر ولایت فقیه و نهادهای انتصابی در راستای تغییر موازه قوا و دموکراتیزه شدن ساختار سیاسی حاکم به عنوان مهمترین راهبرد سیاسی در شرایط کنونی.

- جستجوی رهیهای عملی «مقاومت مدنی» در مقابل عملکردها و سیاستهای مخرب نهادهای انتصابی موثر در حیات عمومی کشور از قبیل شورای نگهبان، قوه قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ..

تلاش مبارزه برای «اصلاحات و تغییرات» لازم و مناسب در قانون اساسی و قوانین مدنی در جهت نیازهای کنونی جامعه و مطالبات اساسی مردم منطبق بر تصریح مندرجدر قانون اساسی در شکل مراجعه به آرا عممی و یا اشکال دیگر مخالفت صریح و قاطعانه با اقدامات و سیاست های تخریبی و ضد دموکراتیک نیروها و شخصیت های درون جناح محافظه کار حاکمیت باهدف افشا و عقب نشاندن آنها، و اتخاذ راهکارهایی در جهت حاکمیت با هدف افشا و عقب نشاندن آنها و اتخاذ راهکارهایی خوشنیت طلبان و نیروهای افراطی. اتخاذ سیاست های سوق و تشویق محافظه کاران میانه رو به پذیرش قواعد بازی سیاسی در سمت و سوی ایجاد فضای

مناسب و دموکراتیک برای رقابت های سیاسی و فراهم شدن امکان برای عرضه راهکارهای اجتماعی مختلف.

پ)- اشکال و سیوه های مبارزه

بر آمد جنبش تامین حقوق مدنی در روش متمدنانه و امروزی آن، از جمله حضور در پای صندوق های رای که دوم خرداد طلیعه آن بود، راه و روش مبارزه و پروسه تحقق تغییر و تحول سیاسی و اجتماعی کشور ما را وارد مرحله کاملا جدیدی نمود. تاکید ما و دیگر نیروهای سیاسی بر این شیوه ها و روش های مسالمت آمیز مبارزه مردم برای تحقق مطالبات اجتماعی، فرهنگ مبارزاتی ما را بامعیارهای متعارف و مدنی معاصر همسو کرده است.

پاسداری و تثبیت این روش مبارزاتی در سازمان هم با تجاب سالهای اخیر مردم مامخوانی دارد و هنج برای سازمان ما در تاثیر گذاری آن بر سرنوشت جامعه دارای اهمیت حیاتی است دا مولفهای سیاست های مت در رابطه با مسائل کنونی جامعه و اشکال و سیوه های مبارزه عبارتند از:

- بسیج اجتماعی مطالباتی و اعتراضی با تاکید بر روش های مسالمت آمیز.
- مخالفت با هرگونه اعمال خشونت از جانب نیروهای حاکمیت در مقابل مطالبات مردم. و مخالفت باشکال و روش های خشونت آمیز مبارزه برای تحقق مطالبات اجتماعی؛
- پشتیبانی از مطالبات دموکراتیک و عادلانه اقشار، طبقات و گروههای اجتماعی کشور: زحمتکشان، اقلیت های «قومی» و «ملی» و مذهبی، زنان، جوانان، دانشجویان، دانشگاهیان، اهل قلم و مطبوعات و رسانه ها، فن آوران، کارمندان، فرهنگیان و
- دفاع از تشکیل و ادامه حیات تشکل ها و واحدهای سیاسی و صنفی، احزاب سیاسی، شوراها و نهادهای مدنی برای تثبیت و قوام دست آوردهای تاکنونی جنبش تامین حقوق مدنی اصلاحات.
- تاکید بر فعالیت سیاسی آزاد، قانونی و علنی سازمانها و احزاب سیاسی در چارچوب قانون اساسی و تلاش در راه کسب و تامین آن.
- تاکید بر بهره گیری مناسب از حق «نافرمانی مدنی» به اقتضای شرایط و اوضاع و احوال.

- ترغیب نیروهای اسلامی و لاییک و چپ به مدارا بایکدیگر در گشایش گره های تاکنون ناگشوده جامعه و مخالفت با سیاست حذفی.

- ***

ت- عرصه های عمومی و بین المللی

نظام جمهوری اسلامی در طول حیات ۲۳ ساله اش به باور همه دلسوزان کشور کارنامه مثبتی در عرصه تنظیم منطقی مسایل فرهنگی و قومی و ملی و تامین مصالح عمومی کشور و منافع عالی ملی نداشته است.

1- عم وجود روحیه و فرهنگ مدارای ملی در حاکمیت و بسیاری از نیروهای سیاسی جاعه در آستانه انقلاب و سالهای پس از تحقق مطالبات فرهنگی و اداری هم میهتان ساکن مناطق فوق را تاکنون معوق گذاشته است

2- خروج بلاوقفه سرمایه های مادی معنوی و علمی و تخصصی به خارج نشان از بی اعتنایی نظام به مصالح کشور است.

3- تسخیر سفارت امریکا و به دنبال آن قطع رابطه ایران با امریکا، ادامه جنگ ایران و عراق، سیاست نادرست خاور میانه ای نظام در رابطه با مسئله فلسطین و اسرائیل، سیاست خارجی ایران در رابطه با افغانستان و جمهوریهای آسیای میانه، قضیه سلمان رشدی، گرایش صدور انقلاب اسلامی همه و همه بر علیه منافع ملی کشور ماعمل کرده و خسارات مادی و معنوی کمر شکنی بر دوش مردم و جامعه ما قرار داده است. اتخاذ سیاست معقولانه در این عرصه ها لازمه جبران تدریجی این خسارات عظیم است.

مولفه های این سیاست ها عبارتند از :

- فاصله گیری و مخالفت با گرایش های افراطی «سراسری» و «قومی» و ترویج فرهنگ تفاهم ملی.

جستجوی راه حل برای تحقق مطالبات فرهنگی اداری مناطق ملی تاکید بر ارزشهای مثبت تاریخی فرهنگی ملی، مذهبی، در جهت همزیستی مسالمت آمیز در واحد ملی و کشوری و در عرصه بین المللی.

- تاکید بر سیاست تشنج زدایی در مناسبات کشور ما با همه کشورها و دولت های جهان و تنظیم و برقراری رابطه عادی با همه آنها از جمله آمریکا.

- مخالفت صریح و قاطع با تروریسم در واحد ملی و بین المللی، در اشکال و انگیزه های گوناگون آن و دفاع از چاره جویی ها و مقابله هماهنگ بین المللی با آن.

سند پیشنهادی به کنگره هفتم

برنامه و راهکارهای سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» در دوسال آینده
برای تداوم جنبش اصلاحات و عقب راندن مقاومت محافظه کاران

مقدمه

- از آنجا که سازمان ما مدافع مردم سالاری بوده و آزادی را از اهداف مقدم خود می شمارد:
- و با توجه به مبارزه فراگیری که در جامعه ما میان توسعه نیافتگی و تجدد در جریان بوده و ما در جبهه تجدد برای نوسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تلاش می کنیم:
- و با اصرار بر آنکه سازمان ما دفاع و حفظ محیط زیست را در تغییرات داخلی و خارجی از وظایف خود می داند،
- با یاد آوری از آنکه ما به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز دولت منتقد بوده و منشا حاکمیت و قدرت را اراده مردم می دانیم.
- و با ایمان به آنکه هیچ تغییر و تحولی در کشورمان بدون حضور و اشتراک فعال شهر وندان و تشکلهای سیاسی، صنفی و فرهنگی مستقل آنها موفق و پایدار نخواهد بود؛
- و با اعتراف و اعتقاد به نقش مهم جنبش های زنان، جوانان، و مردم مناطق غیر فارس نشین،
- و بالاخره با اشاره به اینکه سازمان ما جنبش اصلاح طلبی جاری در کشورمان را که از نیازهای تاریخی ریشه گرفته و به وسعت تمامی کشور در میان مردم کوچک و

بازار، درکارخانه ها ، دانشگاهها و مدارس گرفته ، تا در بالاترین ارگانهای دولتی در جریان است در مسیر دستیابی به تغییرات و نیازهای فوق ارزیابی کرده و خود را بخشی از این جنبش می داند.

لذا تلاش در جهت اجرا، تبلیغ و تشویق محورهای ذیل را در مرکز فعالیت های خود طی دو سال آینده قرار می دهیم.

راستاهای سیاسی، اهداف و شیوه های حرکت ما در این دوره

1- اصلی ترین چال در تحولات جاری در کشورمان میان نیروهای اصلاح طلب با هدف مردم سالازی و نیروهای ضد اصلاحات با هدف ولایت فقیه در جریان است.

2- جنبش اصلاحات منوقف نشده، چه در حکومت و چه در سایر عرصه های اجتماعی ، همچنان در جریان بوده و از پشتیبانی اکثریت مردم کشورمان برخوردار است.

3- جنبش اصلاحات ضربات زیادی از جانب نیروهای محافظه کار متحکم شده و در حال حاضر با مشکلات جدی برای ادامه راه خود روبرو است.

4- قصد نیروهای محافظه کار و طرفدار ولایت این است که با سو استفاده از اختلاف نظرهای موجود در میان نیروهای گوناگون جنبش اصلاحات و نداشتن استراتژی مشترک، اجزای تشکیل دهنده این جنبش را با استفاده از سرکوب و فشار از یکدیگر دور کرده و با تضعیف آنها، خاتمه اصلاحات را اعلام کنند.

5- خواست اساسی مردم در حال حاضر نیل به مردم سالاری و کوتاه کردن دست مافیای سیاسی- اقتصادی از حیات ملت است. مردم این خواست خود را از طرق مختلف از جمله در پای صندوق های رای بوضوح نشان داده اند.

6- هدف اساسی نیروهای اصلاح طلب نیز می بایست آن باش که ضمن تلاش برای تفوق و همکاری بیشتر در میان خود بدون کتمان کردن اختلافاتشان، نیروهای محافظه کار را واردکنند که به اراده و رای مردم گردن بگذارند.

7- سرنوشت این چالشگری بدون شک به آن بستگی خواهد داشت که تا چه حد و چگونه از آرا و نیروی محرکه مردم و حق اشتراکشان در تحولات استفاده خواهد شد.

8- قانون اساسی موجود جوابگوی نیازهای جامعه ما نیست. فعالیت در جهت اجرای بند های مفید به حال اصلاحات در قانون اساسی؛ علاوه بر آن که قانون گرایی را متعارف می کند، زمینه های جدی برای چالش بر سر تغییر قانون اساسی را فراهم می کند.

9- سازمان ما به نسبت توان خویش و با توجه به شرایط، در جهت شرکت عملی برای دستیابی به اهداف فوق و سهم پذیری در این جنبش، هم و غم خود را بکار خواهد گرفت.

10- ما در تلاشمان حول محورهای فوق از تمام شیوه های مدنی و مسالمت آمیز استفاده و استقبال می کنیم.

11- ما سیاست ها و اقدامات نیروهای محافظه کار را که از طریق ارگانهای انتصابیگیری میشود، افشا و طرد می کنیم.

12- ما سعی خواهیم کرد با استفاده از شیوه دیالوگ با مخالفین و موافقین دور و نزدیک خود، به بسط و گسترش تعقل گرایی در فرهنگ سیاسی کشورمان یاری برسانیم.

13- ما در جهت کمک به ایجاد، تقویت و گسترش تشکل های سیاسی، صنفی و فرهنگی مردم تمام، امکانات خود را بکار خواهیم گرفت.

پیشنهادات ما

1- لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان در تایید کاندیداهای ریاست جمهوری، مجلس و ... با اتکا به اصل ۶ و ۷ قانون اساسی.

2- ادغام سازمانها، دادگاهها و سایر ارگانهای موازی موجود در دستگاه قضایی و قانونمند کردن این دستگاه، بنا به اصل سوم بند ۰ و اصول ۱۵۹ و ۱۶۸ قانون اساسی.

.....

3- تشویق مردم برای استفاده از کانالهای محدود اما موجود و قانونی برای بیان و دستیابی به خواسته‌هایشان با این هدف که این کانالها هر چه بیشتر و مستقل تر در خدمت مردم قرار بگیرند.

4- تلاش در جهت ایجاد تشکلهای مدنی مستقل از ارگانهای حکومتی و برسمیت شناختن آنها از طرف دولت اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی این حق را به رسمیت شناخته است.

5- ارائه سیاست هایی که حضور فعال زنان را در اماکن کاری تضمین کند. از جمله تشویق مجلس به تصویب لایحه ایی که صاحبکاران را ملزم می کند تا حداقل ۳۰٪ از استخدامیها در هر یک از اماکن کاری را زنان تشکیل بدهند.

6- تلاش برای بالا بردن ظرفیت ها در تحمل و گردن گذاشتن به حق اشتراک نظر و اشتراک عمل نمایندگان و بازیگران سیاسی- اجتماعی در مناطق غیر فارس نشین. اجرا شدن اصول ۱۵ ، ۱۹، ۴۸، قانون اساسی اقدامی ضروری در رفعمشکلات موجود در شرایط کنونی است

.....

7- ایجاد محدودیت در پرداخت سوبسید بر کالاهای وارداتی.

8- تامین شرایط مناسب برای جذب سرمایه گذاری های خارجی.

9- ایجاد محدودیت در و اعمال کنترل بر فعالیت های اقتصادی بنیاد مستضعفان و انتقال بخشی از امکانات این بنیاد به ارگانهای که در جهت تسهیل در امور معیشتی مردم کار می کنند : همچون سازمان های بیمه های اجتماعی.

10- استقبال از سیاست عدم تشنج در عرصه روابط خارجی و عدم دخالت در امور کشورهای همسایه.

11- استقبال از سیاست های عملی برای بهبود و عادی ساختن روابط سیاسی- اقتصادی با کشورهای صنعتی از جمله ایالات متحده.

راهکارهای ما

- 1- گشایش دیالوگ با اشخاص، نهادها و ارگانهای سیاسی برای مباحثه مستقیم با آنان بر سر مسائل مشخص سیاسی- اجتماعی، از جمله باولی فقیه با مضمون مخالفت با نقش حکومتی وی که با امر جمهوریت و مردم سالاری غیر قابل انطباق است. طبق قانون اسی، رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است؛
 - 2- ارائه نام کاندیدهای مورد تایید سازمان در انتخابات آتی و در صورت امکان معرفی کاندید از طرف سازمان.
 - 3- ایجاد بحث فعال پیرامون غیر قانونی بودن و مضرات ارگانهای موازی در دستگاه قضایی.
 - 4- اقدام عملی برای انتشار روزنامه به نام سازمان در داخل کشور.
 - 5- نوشتن مقالات در پاسخگویی به مباحثی که در مطبوعات داخلی پیرامون مواضع ما مطرح می شود و ارسال این مقالات به مطبوعات داخل کشور.
 - 6- سازمان دادن به تماس های فردی با فعالین سیاسی در داخل کشور، نه برای ایجاد شبکه های سازمانی، بلکه برای تبادل نظر و تقویت فکری دو جانبه.
 - 7- تبدیل نشریه کار به نشریه تئوریک- سیاسی و استفاده از سایت خبری سازمان برای درج اخبار.
- توضیح: همانطور که در آغاز آمده، موارد مطروحه در این سند عمده ترین خطوط را در ۲ سال آینده نشان داده است ولی بدان معنا نیست که ما فعالیت هایمان را در جهت آزادی های فردی- اجتماعی، دفاع از خواست های معیشتی مردم، آزادی زندانیان سیاسی؛ مونوعیت شکنجه، افشا تباربری های اجتماعی، ضرورت عدالت اجتماعی و غیره را فراموش کنیم که اینها از عرصه های تلاش همیشگی ما بوده و به این دو سال محدود نمی شوند.
- با درود های فراوان حجت نارنجی

www.iran-archive.com

سند پیشنهادی

به کنگره هفتم سازمان

فربیا - جمشید - ایرج

a. آنچه که خواهد آمد با انگیزه تاثیر در تدوین مولفه های اساسی مشی و برنامه سازمان تنظیم شده است چرا که تنظیم کنندگان سند پیشنهادی در عین تسلیح به اصول عام جنبش های اجتماعی و بویژه جنبش اصلاح طلبی عینا و بطور ملموس روابط پیچیده و کنش و واکنش سیاسی جناح های متشکله ساخت قدرت سیاسی را شاهد می باشند. بنابراین جوهره سند ارائه شده به کنگره متکی بر واقعیات اجتماعی مرتبط با ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی قدرت است.

b. دوستان همفکر تنظیم کننده سند سعی وافر داشته اند که این نوشتار نه از حوزه آرمانی یا نگاه صرفا سیاسی بلکه از دل واقعیت غیر قابل کنمان جامعه استحصال گردد تا کنگره سازمان را در تصمیم گیری عینی و اصولی تر یاری رسانیده باشند.

c. ما تلاش نموده ایم تا سند از روال سنتی تنظیم اسناد دوری گزیند، بنابر این سند پیش رو بر مبنای چارچوبی برخاسته از مولفه های سیال، پویا و عینی جامعه تنظیم گردیده تا آماج مرحله ای و نهایی جنبش اصلاحات و مواع بازدارنده آن را تبیین نماید.

d. تنظیم سند توسط ما فعالان سیاسی داخل کشور آغاز گر تلاشی است در مرحله نوین جهت بیرون راندن سازمان از شرایط محدود و بسته کنونی، زدودن پیرایه های کم تحرکی، ترغیب انگیز و تمایلات بالقوه فعالان سیاسی داخل و خارج کشور، ترمیم نقصان و کاستی های ناشی از حضور سازمان در خارج از کشور و بالطبع دوری آن با بخشی عظیم از امکانات نیروی انسانی حاضر در متن جامعه.

1- جنبش اصلاحات ایران با همه موانع حرکتی رو به جلو دارد

جنبش اصلاحات در ایران با همه رویدادهای تلخ و شیرین ۵ ساله گذشته منحنی مشخص با روندی روبهجلو را برابر دیدگان ترسیم می نماید. اصلاحات مورد نظر روندی است که ساختار قدرت سیاسی به تبع ساختار اجتماعی تحول خواه آن را به طور برگشت ناپذیر و در یک فرآیند و بوروکراتیک و قانونی طی می کند.

جنبش اصلاحات در ایران با تمامی تاخیر تاریخی خود و موانع پیش رو، در دوم خرداد ۷۶ چنان سیطره ای یافت که در آن مفاهیمی چون قانون گرایی و برقراری امنیت را عنوان نمود که جز مطالبات به تاخیر افتاده ای بود که بعد از شکست مشروطیت در این برهه فرصت بروز یافته بود تا وارد مرحله اجرایی و عملیاتی شدن گردد. / اگر در این برهه مفاهیم حقوق بشری و آزادی فردی و اجتماعی کمتر در تیر رس نگاه جنبش موصوف قرار می گیرد ناشی از همین وقفه و تاخیر مذکور بوده است که منجر به عدم تشکیل فرآیندهای خاص و الزامی جهت ورود به دوران مدرنیسم یا تجدید گرایی گردیده است.

جنبش دوم خرداد ۷۶ جنبشی خود انگیزه و مردمی بود که اصلاح طلبان حکومتی توانستند آن را نمایندگی نمایند تا با برخورداری از حمایت توده ای اصلاحات متعادل را مد نظر قرار دهند ؛ چرا که این جنبش خصلت رادیکالیستی نداشت و هدف جنبش استقرار حاکمیت ملت یا مردم سالاری بود ؛ بنا بر این توانست جابجایی قدرت با حفظ اصل رژیم از طریق مسالمت آمیز و با راه کارهای قانونی و دمکراتیک را عملی سازد. هم اکنون اصلاحات در ایرانچنان سیطره افکنده است و فراگیر شده است که حتی مخالفان اصلاحات نیز دست کم ودر گفتار و نوشتار بر لزوم انجام اصلاحات اصرار می ورزند و باور نموده اند که اگر اصلاحات را نپذیرند باید به انتظار عواقب دیگری بنشینند.

از آنجا که همه ی تحولات اجتماعی - سیاسی و با تغییراتی بطنی و ندریجی همراه بوده اند که با گذر از مراحل و بستر هخای خاص و با فراهم شدن و پیش فرض هایی به وقوع پیوسته اند علی الحال اصلاحات ایران نیز خارج از این اصل صورت نمی گیرد.

در ایران کنونی اصلاحات به معنی واقعی تمام نیافته است و اساسا اصلاحات تمام یافتنی نیست. اگر چه در ۵ سال گذشته به خاطر موانع و راه بندهای ایجاد شده از سوی لایه های افراطی چرخ اصلاحات به کندی حرکت نموده است ولی هیچ گاه از حرکت باز نایستاده است.

2- حاکمیت سیاسی ایران با ویژگی دوگانگی

ایران جامعه ای در حال گذار است. باسقوط قاجار جامعه از دوران سنتی خارج شده تا به دوران مدرنیسم وارد شود. لیکن این گذار تاکنون تداوم نیافته است از این لحاظ در جامعه کنونی ایران هم گفتمان سنتی و هم گفتمان متجدد جریان دارد.

هر دو نوع گفتمان در عرصه ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی قدرت دارای نفوذ خاصی هستند. چنانچه توانسته اند مطالبات و نوع ساختار آرمانی خود را در میثاقی به نام قانون اساسی جمهوری اسلامس متجلی سازند حتی در از نگرش این سند ملی در سال ۱۳۶۸ توافق و تمایل هر دو نوع گفتمان زمینه ساز این اقدام ملی بود.

حاکمیت دوگانه اختصاصی به جوامع در حال گذار دراد که جنبش اجتماعی در آنها نمود خاصی دارد. طبیعی است که در میان نیروها و نهادهای دموکراتیک که به صورت انتخابی بوجود می آیند و نیروهایی که در میان نهادهای انتصابی قدرت اصلی راد در دست دارند شاهد کشمکش و تعارض باشیم. نمونه های تاریخی آن حاکمیت دوگانه مصدق و شاه که فرجام تعارض کودتای ۲۸ مرداد بود. انقلاب بهمن ۵۷ نیز نقطه پایان بر حاکمیت دو گانه رژیم آریامهری توسط جنبش انقلابی بود. لیکن در شرایط کنونی وجود دوگانگی در حاکمیت نمیتواند تداعی کننده امکان کودتا و یا انقلاب جهت پایان بخشیدن به منازعات سیاسی حاکمیت دو گانه کنونی باشد چرا که رژیم جمهوری اسلامی در عین دارا بودن چالش در تلاش برای کار آمد کردن همین حاکمیت است و بر آن است تا با حرکت اصلاحی به تعارضات و کشمکش ها پایان بخشیده و وارد مرحله نوین گردد.

شعارهای خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی در دوم خرداد ۷۶ شعار های تاکتیکی نبودند، بلکه شعارهای یک جامعه در حال گذار از یک فاز تاریخی به فاز دیگر بود که با شرایطی متفاوت

تر از برهه های گذشته و در عین حال وجود کشمکش تقابلی سنت و مدرنیسم روبرو شده بود. لیکن در برهه کنونی ضخامت لایه های مدرن چنان قابل توجه گردیده است که لایه های رو به تضعیف سنت را به چالش فرا خوانده است و در ساختار اجتماعی و برجستگی خاص یافته است باید پذیرفت که اکثریت جامعه گرایش و میل به مدرنیسم را دارد ولی نباید فراموش نمود که سنت گرایان نیز اقلیتی قدرتمند هستند که بخش قابل توجه و حذف ناپذیر لایه های اجتماعی را در صندوق های رای خود دارند. به علاوه این مدرنیسم در حوزه سیاسی نمود بارزتری دارد و در حوزه فرهنگی این نسبت به سود سنت است و همین قضیه را بسیار پیچیده تر می کند.

۲-۱- محافظه کاران: مستاصل در ساخت سیاسی، منزوی در ساخت اجتماعی

شکست محافظه کاران در انتخابات دوم خرداد ۷۶ آنان را بهطور یکپارچه در شوک و حیرت فرو برد. آرام آرام با خروج از پس لرزه های دوم خرداد عقلای جناح مذکور به بررسی علل ناکامی خود پرداختند چنانچه هم اکنون عنوان می کنند که علت اصلی رویگردانی توده ها با کاهش اعتبار اجتماعی و ریزش آرای آنها برخاسته از افراطی گری روش مبارزه سیاسی آنان بوده است.

محافظه کاران دریافته اند که شیوه خشونت و رفتار های حذفی بجای آن که اثر مطلوب و مورد انتظار آنان را در پی داشته باشد بیشتر به منظر عمومی از این گونه روشها و کاهش اعتبار اجتماعی دامن زده و به ایجاد فاصله هر چه بیشتر میان آنان و مردم انجامیده است.

در انتخابات ۱۸ خرداد ۸۰ برای اولین بار مدیریت سیاسی جناح محافظه کار بر روی جوانان لبخند انتخاباتی زدند؛ و این نه مایه شگفتی که مبنای یک چرخش در نگاه سیاسی آنان است. بنابر این بدور از هرگونه تردید و با اندکی جسارت سیاسی باید عنوان نمود که سیر تحولات در جامعه ایران در این برهه به نقطه ای رسیده است که زمینه ظهور و بروز جریان محافظه کاری نو را میتوان شاهد بود چنانچه بخش هایی از نیروهای جوان تر جناح محافظه کار باز نگر در گفتمان سیاسی و تغییر ادبیات گفتاری و نوشتاری و روشهای فعالیت سیاسی غیر قابل کتمان است که باید از آن به مثابه دوستی پذیری آنان یاد نمود.

وجود رادیکالیسم در لایه قوی و کهنسال جناح محافظه کار آن را ضعیف نموده و می نماید لیکن تضعیف هر چه بیشتر جناح محافظه کار و عدم تعامل و نقد آن پیش از آن که به نفع

اصلاح طلبان حکومتی باشد به زبان اصلاحات و مردم سالاری است زیرا فرصت تضارب آرا و اندیشه نیز از دست رفته و اصلاحات در عرصه عمل نقش تاریخی و سرنوشت ساز خود را ایفا نخواهد کرد که خود خطری جدی برای جنبش اصلاحات و اصلاح طلبان حکومتی بود.

۲-۲- اصلاح طلبان حکومتی بر سر دو راهی مشی اعتدال گرایی و سایر مشی های ناهمخوان خود با شرایط:

- مشی اعتدال گرایی در صدد یافتن راهکارهایی جهت برون رفت از مشکلات کنونی ایران است چنین مشی وضع موجود را عاری از مشکلات ارزیابی نمیکند ولی با دوری گزینی از افراطیوئی و افراط گویی ها به بقا اصلاحات یاری می رساند و روند آن را موزون می کند البیه باید هوشیار بود که مشی مذکور به چنان تنزلی در نغلند که صرفا در خدمت حل موانع آنی و مقطعی حاملان خود باشد.

- مشی اعتدال گرایی قادر به کاهش از التهابات همیشگی فضای سیاسی ایران می باشد. این مشی با محافظه کاری مرز بندی دارد و با میانه روی های پراگماتیست ها تفاوت دارد و مشی مذکور حدو مرز معیار و اندازه اعتدال بر اساس واقعیات در وجه ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی قدرت تعیین میگردد و نه بر حسب تمایل و سلیقه منتقدان به این مشی .

- مشی اعتدال گرایی پیگیری سنجیده و قاطع مبانی اصلاحات و مطالبات واقعی مردم است و راهی است عقلانی که با حداقل هزینه و آسیب به پیش می رود و با فرهنگ ایرانی و ساز و کارهای جنبش اصلاحات تطابق دارد و اصلاحات را ممکن می سازد و تنها حفظ وضع موجود نیست بلکه آینده نگری و واقع بینی گرانیگاه آن است.

- مقوله اعتدال گرایی با موضوع مهمی پیوند می خورد از آنجایی که هر پیشرفت و برون رفتی نیازمند نهادها و سازو کارهای قوی اجتماعی است که به درد نحولات آینده بسط و توسعه را صورت می دهند بنا بر این اعتدال گرایی پیش از هر چیز با تشکیل نهادهای اجتماعی معنا می یابد تا خلاء های بنیادین توسعه سیاسی را پر سازد.

۲-۳- آسیب شناسی اصلاح طلبان حکومتی

- فقدان ثوری و استراتژی مشخص جهت جنبش اصلاحات ایران، اصلاح طلبان حکومتی را بر سر دو راهی قرار داده است. نگاهی در میان اصلاح طلبان حکومتی خود را ملزم به تدوین عاجل استراتژی می نماید نگاهی دیگر اعتقاد بر آن دارد که جنبش اصلاحات ایران امروز

مبتنی بر راه برد منسجمی نیست ولی در حال تحقق و تدوین است به هر صورت نبود راه برد موثر جهت تداوم و تعمیق اصلاحات، گروه های اصلاح طلب را همچون سازمان ما دچار نوعی روزمره گی در رفتار سیاسی و در ملاحظات اخلاقی و سیاسی بازدارنده برای نقد و ارزیابی و مطرح کردن موانع باز دارنده نموده است.

- یکی از آسیب های جدی جبهه دوم خرداد آن است که در پی رویدادها بعضا از مرحله ابتکار عملی به واکنش گرایی کشانیده می شوند که بعضا به عنوان واقعیتی غیر قابل انکار است.

- برخی اصلاح طلبان حکومتی، نقد نظرات خود و همفکرانشان را بر نمی تابند. غافل از آنکه برنده ترین سلاح برای رسیدن به یک جامعه مردم سالار نقد آرا و عقاید رهبران، گروهها و فعالان سیاسی است.

- نا آشنایی کافی رهبران فکری جنبش اصلاح طلبی با ساختار نهادهای سه گانه قدرت یا قوای سه گانه و روابط آنها با یکدیگر در جامعه مدرن عملا راه انجام اصلاحات را در آنچه که نیاز به اصلاح دارد با مانع روبرو ساخته است. در یک نظام دموکراتیک و مردم سالار چیزی به نام استقلال قوا قابل تصور نیست؛ بنا بر این در چنین نظام هایی نه استقلال قوا نه تفکیک قوا عمل می کند. پس تشخیص وجوه افتراق نهادهای قدرت و برداشت صحیح از نظریه تفکیک قوا که بنیاد جامعه مدرن و حاکمیت ملت مردم سالاری بر آن منگی است. برای جنبش اصلاح طلبی در این مقطع تاریخی از ضروریات قابل توجه است.

- اوضاع این روزها هشدار می دهد به اصلاح طلبان حکومتی است مبنی بر این که اگر بیش از این فرصت ها را از دست دهند ناچار می شوند انفعالی تر برخورد کنند.

بنابر این دیگران بنام اصلاحات علیه اصلاحات گام برداشته تا اصلاحات را به انجحراف و بیراهه بکشانند.

۲-۴- اصلاح طلبان غیر حکومتی:

نامتحد در استراتژی؛ نامتشکل در تاکتیک

- اصلاح طلبان غیر حکومتی نیز از استراتژی واحد و منسجمی برخوردار نبوده بنا بر این در خصوص رویدادهای سیاسی نیز فاقد وحدت رویه هستند و بعضا مواضع و رفتارهای آنان

همچون اصلاح طلبان حکومتی عکس العملی است که خود باعث عدم هماهنگی بین آنان و اصلاح طلبان حکومتی می‌گردد.

- اصلاح طلبان غیر حکومتی هنوز از انسجام فکری برخوردار نیستند و از سازمان نیافتگی رنج می‌برند و صرفاً در محدوده جریان روشنفکری قابل جمع هستند و در ساخت اجتماعی قدرت نیز فاقد برد موثر و مفید هستند.

- اصلاح طلبان غیر حکومتی بیشتر به ساخت روشنفکری نزدیکتر هستند و برخلاف روشنفکران دولتی و مدیران سیاسی هنوز در فضای آرمانگرایانه سیر میکنند.

- وجود پراکندگی، فقدان سازمان یافتگی اصلاح طلبان غیر حکومتی باعث آن گردیده تا در سطح جامعه این نیرو بطور مستقیم درگیر با تمامیت گرایان نشده و مسایل و اهداف خود را عموماً از کانال اصلاح طلبان حکومتی پیش می‌رانند.

3- اجزا جنبش اصلاحات ناپیوسته به هم

اجزا گوناگون جنبش اصلاحات نظیر جنبش کارگری، دانشجویی علیرغم سوابق دیرین مبارزاتی و جنبش زنان و جوانان باهمه تلاش‌های خود هنوز فاقد پیوند و ارتباط ارگانیک در خور توجه هستند. هنوز تفکر مستقل و فراگیر به عمق این اجزا رسوخ نیافته است. لیکن هر دو جناح در اجزا جنبش اصلاحات بنا به سوابق و میزان نفوذ دارای عقبه اجتماعی هستند و هر یک سعی می‌کنند در منازعات سیاسی و کشمکش‌های جناحی از این اجزا بر له یا علیه اصلاحات بهره‌جویند.

جنبش کارگری:

عدم پرداخت به موقع دستمزدها، اخراج کارگران به علت رکود و بحران در واحد‌های تولیدی، بی‌توجهی به مطالبات کارگران روز به روز زمینه ساز رشد اعتراضات صنفی کارگران شده است، چنین شرایطی باعث آن گردیده است تا جناح محافظه کار با حضور در حرکات اعتراضی و بسیج و سازماندهی و سعی در هدایت آن از این موضوع ابزاری بر علیه اصلاح طلبان حکومتی بسازد.

- جنبش کارگری ایران در عین گستردگی هنوز درگیر مسائل صنفی است و بیشتر این مبارزه در صنایع کوچک و متوسط جریان دارد که بعضاً زیر مجموعه بخش خصوصی تلقی می‌گردند و

در صنایع بزرگ دولتی اقدام قابل توجهی را شاهد نبوده ایم. به هر صورت جنبش کارگری هنوز به مبارزه صنفی - سیاسی وارد نگردیده است.

- جنبش کارگری هنوز در روند با سایر اجزا جنبش اصلاح طلبی نظیر دانشجویان، زنان و جوانان قرار نگرفته است تا بتواند در برهه های حساس از حرکت اعتراضی و قانونمند هر جزو جنبش اصلاحات حمایت لازم را به عمل آورد.

جنبش زنان:

- جنبش زنان ما متشکل و فاقد هرگونه تظاهر و حرکت اجتماعی با هویت مستقل است.
- فعالیت زنان در جهت تامین مطالبات بیشتر از زاویه تلاش فراکسیون زنان مجلس پنجم و ششم پی رفته است و تلاش برای رفع موانع قانونی سد راه فعالیت گوناگون زنان کماکان ادامه دارد.
- در عرصه عمومی بیشتر شاهد تلاش و حرکات فردی زنان در مقابله با سیاست های ضد دموکراتیک و زن ستیز هستیم.
- حضور فعالانه زنان در انجمن ها و سازمان های غیر دولتی افزایش چشم گیری پیدا کرده است.
- جنبش زنان در عین حمایت گسترده از اصلاحات و تحولات اجتماعی هنوز از ناحیه محافظی از قدرت در هر دو جناح به آن سمت سوق داده می شد تا زنان در حاشیه باشند.
- مبارزه زنان برای تغییر قوانین، کسب حقوق سیاسی و اجتماعی، برابر حقوقی با مردان ، مبارزه با فرهنگ مرد سالاری و مقاومت در بابر فشارهای حکومت در حال گسترش است.

جنبش دانشجویی

- جنبش دانشجویی به عنوان اثر گذارترین نیرو در جنبش اصلاحات از بعد از فاجعه کوی دانشگاه تهران و تبریز و تلاش هر دو جناح حکومتی جهت کنترل آن و اعمال سیاستهای خود اخیرا جنبشی در خود فرو رفته ارزیابی میشود که به تقد و نه انفعال گراییده است. با توجه به وضعیت رقت بار کنونی دفتر تحکیم وحدت و تقویت جریان مستقل دانشجویی ، گرایش به

استقلال تشکل های دانشجویی از سلطه جناح های حکومتی و ایجاد تکل های نوین در بین دانشجویان تقویت شده است.

۴- اشکال و شیوه های پیکار سیاسی پیشنهادی ما:

- تاکید بر خصلت مسالمت آمیز و قانونی بودن پیکار سیاسی سازمان.
- تاکید بر فعالیت سیاسی قانونی، علنی بر مبنای اصول قانون اساسی و تلاش جهت بستر سازی و کسب تامین آن
- مخالفت جدی با هر گونه اعمال رادیکالیستی، خشونت آفرینی از جانب حاکمیت در بابر مطالبات بحق مردم.
- دوری از هرگونه روش و سیاستهای حذفس و تاکید بر رعایت قواعد بازی سیاسی در مناسبات بین احزاب و سازمان های سیاسی درون و برون حکومتی.
- دوری جستن از هرگونه اقدام و روشی که منجر به در غلتیدن به سیاست براندازی در رابطه با حاکمیت گردد.
- تلاش برای تقویت و تحکیم شوراهای، سازمانهای غیر حکومتی، تشکل های صنفی و سیاسی به مثابه ابزار و ادوات تحکیم مبنای جنبش اصلاحات.
- تلاش برای بستر سازی مناسب جهت اصول به فراموشی سپرده قانون اساسی در راستای دفاع و تقویت مبنای جمهوریت.

۵- سیاست های پیشنهادی ما:

- تلاش وقفه ناپذیر براینهادینه کردنمردم سالاری با محویت قانون گرائی و واردار کردن همه نهادها بویژه نهادهای انتصابیه قانون گرای به عنوان یکی از پایه های مردمسالاری چرا که راه پیشبرد اصلاحات تغییر توازن قوا به سود حاکمیت قانون و اعمال اصلاحات است.
- تلاش جهت منزوی کردن اقدامات تمامیت خواهانه از منظر دمکراتیزه شدن ساختار سیاسی و لزوم استقرار مردم سالاری، تامین حقوق فردی و اجتماعی آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمانها و ایجاد تقویت نهادهای صنفی و درونی.
- کمک به تقویت گرایش اعتدالی به مثابه مشی غالب و عممی اصلاح طلبان حکومتی در عین نقد برخی عملکرد آنان.

- افشا و خنثی سازی سیاست ضد اصلاحات، اصلاح طلبان حکومتی محافظه کاران.
- کمک به رشد و گسترش اصلاح طلبان غیر حکومتی در راستای تقویت و تحکیم موقعیت اجتماعی آنان در جامعه.
- کمک به گسترش تعامل بین اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی از یک سو و تعامل بین اصلاح طلبان حکومتی و محافظه کاران از سوی دیگر در راستای پیشبرد و تعمیق اهداف جنبش اصلاحات.
- بایستی در راه بهره گیری هرچه بیشتر از ظرفیت های موجود قانون اساسی کوشید و تمامی اصول ترقی آن به ویژه اصولی که هنوز اجرا نشده یا کمتر به آن پرداخته شده در دستور اجرا قرار گیرد.
- قانون اساسی راه اصلاحات را باز گذاشته است جهت تحقق چنین راهی اعم از اجرای اصول مدرن و یا بازنگری در برخی اصول آن می توان زمینه ای فراهم ساخت تا بر پایه آن بخش عمده ای از مطالبات اصلاحات در ایران تحقق یابد بنابر این هدف اساسی اصلاحات میتواند تامین کامل حقوق ملت بر مبنای قانون اساسی باشد که تاکنون مورد بی مهری قرار گرفته است.
-
- بخشی از قانون اساسی ناظر به اختیارات و قدرت حاکمیت است که تاکنون این اختیارات نه تنها به طور کامل تامین شده بلکه فراتر از قانون مذکور صورت گرفته است. بنا بر این اولین هدف اصلاحات برگرداندن حاکمیت به چارچوب اختیارات قانونی و باز پس گیری اختیارات فرا قانونی است پس دفاع و تقویت نهادهای انتخابی و جمهوریت در برابر پیشگیری از رشد فراقانونی نهادهای انتصابی و وادار کردن آنان به عملکرد برابر قانون از اهم سیاست ما تلقی می شود؛ که خود باعث رفع نارسایی های موجود در نظام حکومتی دو گانه کنونی می باشد.
- اتخاذ هر گونه موضع گیری رادیکالیستی و تند بر علیه روند اصلاحات نتیجه اش متزلزل شدن موقعیت جناح اصلاح طلب حکومتی در نزد افکار عمومی است.

دفاع از جنبش اعتراضی کارگران و مطالبات صنفی به حق آنان، تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری تا مرحله تحقق پیوند آن با جنبش دموکراتیک و سایر اجزای جنبش اصلاحات و مردم سالاری ایران

- افشا سیاست های اغوا گرانه و محافظه کاران و نقش آنها در پیشبرد سیاست های ضد کارگری
- تلاش برای به رسمیت شناختن حق اعتصاب برای کارگران به مثابه یکی از حقوق اولیه و ابزار تامین مطالبات کارگری در برابر سرمایه داری و کارفرمایان
- حمایت از تلاش مستقل کارگران و فعالین جنبش کارگری برای تشکیل سندیکاهای اتحادیه های کارگری جهت خروج تشکل های کارگری از زیر نفوذ و سلطه خانه کارگر در راستای سازماندهی مستقل تشکل های صنفی کارگران
- رفع هرگونه تبعیض و تلاش برای برابری حقوقی زن و مرد، بر چیده شدن موانع قانونی بر سر راه انتخاب شغل زنان.
- مساعدت به جنبش دانشجویی که بعد از تحمل ضربات و صدمات جدی در پیله انتقاد و بررسی فرورفته است. جهت دست یابی به جایگاه تاریخی خود به مثابه یکی از بازوهای جنبش اصلاحات.

نقد

اسناد سیاسی

بهروز خلیق

(۱) تناقض های فاحش یک سند

اسناد سیاسی که برای کنگره هفتم ارائه شده و تعدادی از آنها در نشریه کار انتشار یافته است، نشان از تعدد گرایش های سیاسی در سازمان ما دارد. در اسناد انتشار یافته می توان دوریها و نزدیکی ها را مشاهده کرد، وجوه مشترک و متفاوت را دریافت و نقاط ضعف و قوت آنها را مورد بررسی قرار داد.

عدم تشکیل کمیسیون اسناد و ارائه سندهای متعدد بنام افراد صرفنظر از مضراتش، این حسن را دارد که جلو مصادره اسناد دیگران گرفته می شود و افراد مدعی، نظرات خود را طرح و در معرض قضاوت و نقد قرار میدهند. ندوین سند سیاسی ردیف کردن روی هم ریختن جملات ناهمگون و ناهم خوان نیست، بلکه طراحی و معماری خط و مشی سیاسی است که مولفه های آن در هماهنگی با هم قرار داشته و سیاست های مشخصی را نسبت به روندها، نیروها و مسایل مهم جامعه ارائه می دهد.

شرط اول این مسئله داشتن دید روشن نسبت به خط مشی سیاسی است. نویسنده هر سند قبل از اینکه قلم روی کاغذ بگذارد باید در ذهن خود خط - مشی سیاسی را طراحی و معماری کرده باشد. وگرنه سند مغشوش، گسیخته و متناقضی را ارائه خواهد داد.

سندی که تحت عنوان ((طرح اولیه پیرامون اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاستهای سازمان)) ارائه شده است، دارای تناقض های فاحش و ابهامات زیادی است. در شماره قبلی نشریه کار

شعار اصلی سند مذکور یعنی «رفراندوم برای تغییر قانون اساسی» مورد نقد قرار گرفت و در این مطلب به بخش دیگری از تناقض ها و ابهامات آن پرداخته می شود.

شرط اول این مسئله داشتن دید روشن نسبت به خط مشی سیاسی است. نویسنده هر سند قبل از اینکه قلم روی کاغذ بگذارد باید در ذهن خود خط - مشی سیاسی را طراحی و معماری کرده باشد. و گرنه سند مغشوش، گسیخته و متناقضی را ارائه خواهد داد.

سندی که نحت عنوان «طرح اولیه پیرامون اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست های سازمان» ارائه شده است، دارای تناقض های فاحش و ابهامات زیادی است. در شماره قبلی نشریه کار شعار اصلی سند مزبور یعنی «رفراندوم برای تغییر قانون اساسی» مورد نقد قرار گرفت و در این مطلب به بخش دیگری از تناقض ها و ابهامات آن پرداخته می شود.

رفراندوم برای تغییر قانون اساسی

یا پیشرفت اصلاحات؟

سند مزبور از دو قسمت تشکیل شده است. دو فصل آن توسط نویسنده تخریر شده و بقیه فصل ها از سند مصوب کنگره ششم برگرفته شده است.

سند کنگره اساس برای پیشبرد اصلاحات به تحریر در آمده بود، به همین خاطر برای قسمت دوم آن تیتراژ «پیشنهادها و سیاست های ما برای پیشبرد اصلاحات» در نظر گرفته شده بود.

نویسنده مزبور در بخش اول از تغییر قانون اساسی و ایجاد زمینه های تشکیل آلترناتیو دمکراتیک دفاع می کند. همچنانکه در نقال قبلی گفته شد تغییر قانون اساسی و طرح ارائه آلترناتیو به معنی برکناری جمهوری اسلامی و نشانده نیروی دمکراتیک بجای آن است. در حالیکه پیشبرد اصلاحات خط مشی - سیاسی دیگری را می طلبد. اما چگونه می توان هم زمان دو سیاست و دو خط مشی را پیشبرد؟ هم برکناری جمهوری اسلامی و هم اصلاحات. اصلاحات می تواند؟ زمینه ساز برکناری جمهوری اسلامی باشد ولی سیاست برکناری نیست.

نویسنده مشخص نمی کند که کدام سیاست مد نظرش است؟ رفراندوم برای تغییر قانون اساسی و برکناری جمهوری اسلامی یا سیاست پیشبرد اصلاحات؟

اگر فراندم برای تغییر قانون اساسی و برکناری جمهوری اسلامی مطرح است، چرا پیشنهاد برای پیشبرد اصلاحات داده شده است؟ و اگر پیشبرد اصلاحات در محور سیاست ها قرار دارد چرا تغییر قانون اساسی بمثابه سیاست روز پیشنهاد شده است؟
 ((اصلاحات آری، ولایت فقیه نه))

در قسمت دوم (برگرفته از سندکنگره ششم) عنوان ((اصلاحات آری، ولایت فقیه نه)) همچنان حفظ شده است. این عنوان دو موضوع را مشخص می کند:

- ما طرفدار اصلاحات هستیم و سیاست ما پیشبرد اصلاحات است
- سیاست و یا هدف ما افشا و طرد ولایت فقیه است.

در مورد اول همان تناقض گفته شده مشاهده می شود: پیشبرد اصلاحات و یا تغییر قانون اساسی؟ و اما در مورد دوم، هم چنانکه در مطلب قبلی گفته شد سیاست افشا و طرد ولایت فقیه لزوماً با برکناری جمهوری اسلامی یکی نیست. گرچه در صورت مقاومت محافظه کاران، طرد ولایت فقیه می تواند به برکناری جمهوری اسلامی منجر گردد.

تناقض دیگر سند در همین موضوع است. تغییر قانون اساسی و جایگزینی آلترناتیو دموکراتیک بجای جمهوری اسلامی و یا افشا و طرد ولایت فقیه؟ کدامیک؟
 نوشته در این مورد نیز همزمان دو سیاست را ارائه می دهد و برای خواننده روشن نمی کند که در پی مشی ((اصلاحات آری، ولایت فقیه نه)) است و یا بدنبال تغییر قانون اساسی و بر کناری جمهوری اسلامی؟

برنامه برای اصلاحات یا قانون اساسی /

در بخش دوم (برگرفته از سند کنگره) تحت عنوان ((پیشنهادها و سیاست های...)) یک جمله اضافه شده است: ((انجام فراندم برای تغییر قانون اساسی در راستای مضامین فوق))
 در زمان تدوین سند کنگره ششم اینت قسمت به عنوان پیشنهادهای ما برای پیشبرد اصلاحات در نظر گرفته شده بود. نویسنده با اضافه کردن یک جمله به یکباره آن را به عنوان مضامین قانون اساسی مورد نظرش قرار داده است. این سوال مطرح است که چگونه می تواند برنامه ی یکسانی را هم برای قانون اساسی جایگزین مطرح کرد و هم برای اصلاحات، طبعاً در وجهی آن دو اشتراکاتی دارند ولی نمی توانند یکسان باشند. اگر برنامه ی نویسنده برای هر

دو یکسان است پس تفاوت بین اصلاحات و شعار تغییر قانون اساسی در چیست؟ آیا تنها در شکل است؟

لغو نظارت استصوابی یا تغییر قانون اساسی؟

در سنمذ کنگره ششم در بخش پیشنهادها مسئله ی لغو نظارت استصوابی آمده است نویسنده از یک طرف همان پیشنهاد را از سند اخذ کرده و از طرف دیگر تغییر قانون اساسی را عنوان نموده است. پیشبرد این دو وجه به طور همزمان امکانپذیر نیست. اگر تغییر قانون اساسی به عنوان شعار مرکزی و موضوع روز است، طرح لغو نظارت استصوابی موضوعیتی ندارد.

معلوم نیست که بر پایه این نوشته سازمان بعد از کنگره هفتم باید برای تغییر قانون اساسی مبارزه کند یا لغو نظارت استصوابی؟

و جالب تر این که لغو نظارت استصوابی و آزادی زندانیان سیاسی به عنوان مضامین قانون اساسی پیشنهاد شده است. ارتباط آن دو با قانون اساسی چیست و چگونه می تواند مضمون قانون اساسی باشد؟ نویسنده باید چگونگی این موضوع را توضیح دهد و آن را معنی کند. خواننده ی کند ذهن مثل من، قادر به درک آن نیست.

این مسئله در مورد انحلال نهادهای گزینشی، دادگاه ویژه ی روحانیت و دادگاههای انقلاب هم صادق است.

تقویت مواضع پیگیر اصلاح طلبان پیگیر یا تغییر نظام؟

در بخش راستاها و راهکارهای سیاسی آمده است: ((تقویت اصلاح طلبان پیگیر و رادیکال در میان اصلاح طلبان اسلامی)). با خواندن این جمله بلافاصله این سوال مطرح می شود که تقویت مواضع اصلاح طلبان رادیکال به چه منظوری صورت میگیرد؟ بخش هایی از آنها در نهادهای حکومتی جاگرفته اند و برای پیشبرد اصلاحات تلاش می کنند. تقویت آنها به منزله اصلاحات است. تقویت مواضع اصلاح طلبان رادیکال در حکومت در تناقض با تغییر قانون اساسی و برکناری جمهوری اسلامی قرار دارد. چرا که آنها می خواهند جمهوری اسلامی را حفظ کنند.

تقلیل گرایی

در نوشته آمده است ((اطلاق صفت اصلاح طلبانه نه ناظر بر اصلاح حفظ وضع موجود که بر انتخاب شکل مسالمت آمیز تحول دارد)) نویسنده در مطلب افزوده اش به سند کنگره ششم از کاربست واژه «جنبش اصلاح طلبانه» اجتناب می ورزد و از جنبش دگرگونی و تحول خواهی اسم میبرد و می گوید که این جنبش در سالهای اخیر خواستهای سیاسی خود را در قالب جنبش اصلاح طلبانه پیش برده است. در این زمینه ذکر چند نکته ضروری است:

- نیرویی که می خواهد وضع موجود را حفظ کند در چهارچوب اصلاحات قرار نمی گیرد. این نیرو محافظه کار است.
- اگر ((جنبش دگرگونی خواهی و تحول طلبی)) ناظر بر اصلاحات نیست، پس چرا گفته میشود که در سال های اخیر در قالب جنبش اصلاح طلبانه پیش برده است. چرا برای پیشبرد اصلاحات برنامه داده می شود. و چراهای دیگر.
- تاکنون کسی صفت ((اصلاح طلبانه)) را تنها شکل مسالمت آمیز تحول معنی نکرده است، اگرچه یکی از خصیصه های اصلاحات پیشبرد مسالمت آمیز آن است. ولی صفت اصلاح طلبانه ناظر بر اصلاح وضع موجود است.

اصلاحات به معنی تغییر تدریجی است که از یک سو در مقابل محافظه کاری و ارتجاع قرار دارد و از سوی دیگر از انقلاب فاصله می گیرد. چگونه می توان آن جنبشی را که در دوم خرداد نمود یافت و اصلاحات را برای تغییر زندگی اجتماعی و سیاسی برگزید و توانست به قوی ترین و گسترده ترین گرایش سیاسی فرا روید تنها به شکل مسالمت آمیز آن تقلیل داد. این تقلیل گرایی ما را به بیراهه می برد.

تناقض دیگر نوشته، در همین نکته است که اگر صفت اصلاح طلبانه ناظر بر انتخاب شکل مسالمت آمیز تحول است چرا گفته می شود که «تغییر قانون اساسی به نیاز مبرم برای تعمق اصلاحات فرا روئیده است». در چنین صورتی تغییر قانون اساسی برای «تعمیق شکل مسالمت آمیز تحول» چه معنی دارد؟ اساساً تعمیق اصلاحات چه معنی خواهد داشت؟

در خاتمه

سند مذکور مونتاز بخش هایی از سند سیاسی کنگره ششم و فصل های تحریر شده توسط نویسنده است. سند کنگره برای تداوم و تعمیق اصلاحات تدوین شده بود و بخش هایی افزوده شده بر پایه تغییر قانون اساسی و ارائه آلترناتیو است. لذا پایه سند بر تناقض قرار گرفته است.

نویسنده نمی داند در کجا ایستاده است و چه سیاستی را می خواهد پیش ببرد: اصلاحات؟ تغییر قانون اساسی؟ حذف ولایت فقیه؟ برکناری جمهوری اسلامی؟ انقلاب؟ و ...

اگر نویسنده ابتدا در ذهن خود جایگاهش را تعیین می کرد، مشی سیاسی خود را طراحی و معماری می نمود و سپس آن را به رشته تحریر در می آورد از تناقض ها و ابهام ها کاسته می شد و نیازی به کمک گرفتن از سند کنگره ششم (سند اصلاحات) و مونتاژ کردن آن با شعار رفراندم برای تغییر قانون اساسی نبود. در تمام این سالها تلاش ما در این جهت بود که از ابهامات بکاهیم و سند شفاف و روشنی را ارائه بدهیم. شفافیت سند سیاسی، یکدست و همگن بودن آن می تواند به پیشبرد سیاست های روشن کمک کند. سند متناقض و مبهم به عملکرد متناقض منجر خواهد شد. به عنوان نمونه می توان به مسئله تغییر قانون اساسی و لغو نظارت استصوابی اشاره کرد. سازمان بر پایه این سند، بعد از کنگره، مردم را برای تغییر قانون اساسی دعوت کرد یا لغو نظارت استصوابی؟

تجربه نشان داده است که با یک شعار نمیتوان خط مشی سیاسی تدوین کرد. نویسنده شعار رفراندم برای تغییر قانون اساسی را مبنا قرار داده و برای آن خط - مشی سیاسی ساخته است. در حالیکه شعار از بطن خط مشی سیاسی بیرون می آید و می تواند بیان فشرده آن باشد. نویسنده بطور وارونه عمل کرده است: ابتدا تعیین شعار و سپس جمع آوری مطالب برای آن. امید است که در باز نویسی سند ابهامات و تناقضات فاحش آن رفع گردد و شیوه منطقی در نوشتن سند بکار گرفته شود.

۲ «حذف ولایت فقیه»

یا «رفراندم برای تغییر قانون اساسی» کدامیک؟

در دوسند از بین اسناد ارائه شده به کنگره «حذف ولایت فقیه»، «رفراندم برای تغییر قانون اساسی» و «ولایت فقیه نه اصلاحات آری» بمثابة شعارهایی که هرکدام خط مشی سیاسی معینی را بیان می کنند، تیتراژ خورده است.

«حذف ولایت فقیه» و رفراندوم برای تغییر قانون اساسی» و جایگزینی نیروی آلترا ناتیو یک خط مشی سیاسی نیست. آن دو وجوهی از دوخط مشی سیاسی متفاوت هستند و نمی توان آنها را خط مشی سیاسی یکسانی به حساب آورد.

مقدمتا باید گفت که ولایت فقیه لزوم با حکومت اسلامی یکی نیست. حکومت اسلامی تنها در شکل و ساختار مبتنی بر ولایت فقیه بروز نمی یابد و میتواند در اشکال مختلف حکومتی تجلی پیدا کند. این موضوع را میتوان در تمایز بین حکومت اسلامی در ایران و برخی کشورهای مسلمان مشاهده کرد.

قانون اساسی که در انقلاب برای جمهوری اسلامی تدوین و به تأیید خمینی رسیده بود، مبتنی بر ولایت فقیه نبود. ولایت فقیه یک قرائت از حکومت اسلامی است و قرات های دیگری نیز وجود دارد. هم افراطی تر از ولایت فقیه (نظیر طالبان) و هم تعدیل یافته تر از آن. نوع و غلظت در هم آمیزی دین و دولت می تواند متنوع و متفاوت باشد.

ما در زیر به برخی تمایزات و تفاوت های خط مشی سیاسی ((رفراندوم برای تغییر قانون اساسی)) و جایگزینی نیروی آلترا ناتیو (برکناری جمهوری اسلامی) و خط مشی سیاسی «حذف ولایت فقیه» می پردازیم:

1- خط مشی سیاسی اولی کلیت نظام را زیر ضربه می برد ولی خط مشی سیاسی دوم نوک ضربه را متوجه ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن می سازد. یعنی بخشی از حکومت را افشا و طرد میکند نه مجموعه حکومت را.

2- برکناری جمهوری اسلامی برکناری همه جناح های حکومتی است در حالیکه حذف ولایت فقیه متوجه جایگزینی نهادهای انتخابی بجای نهادهای انتصابی، حذف ارگانهایی نظیر شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و گرفتن اهرم قدرت از جناح تمامیت گرا است.

3- بخشی از نیروهای پیرامون حکومت و نیز جریانهای سیاسی مثل نهضت آزادی و

ملی - مذهبی ها به جمهوری اسلامی بدون ولایت

فقیه اعتقاد دارند. خط مشی برکناری جمهوری اسلامی در شرایط کنونی به معنای فاصله گرفتن از این نیروها است. آنها با نیروهایی که مشی برکناری جمهوری اسلامی را پیش می برند

همراهی نمی کنند. اما خط مشی دوم واجد بستر مشترک برای همکاری بین نیروهای لاییک و نیروهای پیرامون حکومت و ملی - مذهبی ها است.

4- خط مشی اولی بجهت اینکه برکناری کلیت حکومت را در دستور روز قرار میدهد جای پای در بالا نمی تواند داشته باشد. در حالی که خط مشی دوم در مبارزه با ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه با بخشی از نیروهای حکومتی همسو می باشند.

5- جمهوری اسلامی و ساختار سیاسی آن از دوگانگی برخوردار است. جمهوریت و اسلامیت، نهادهای انتخابی و انتصابی. مشی «رفراندم برای تغییر قانون اساسی» به هر دو جنبه می تازد. اما خط مشی دومی از جمهوریت و نهادهای انتخابی دفاع می کند و خواهان تقویت اولی و حذف دومی است.

6- خط مشی اولی یعنی نقطه پایان گذاشتن بر روند اصلاحات و جنبش اصلاح طلبانه است. ولی خط مشی دومی متوجه برداشتن موانع اصلاحات، تداوم و تعمیق آن است.

7- نیروهای اجتماعی و سیاسی بمنابۀ یک پارامتر مهم در تدوین خط مشی سیاسی در نظر گرفته می شود. سازمانهای سیاسی با پایبندی به دیدگاهها و آماج های خود و تحلیل شرایط سیاسی می کوشند که سیاست های خود را بگونه ای پی بریزند که بیشترین نیروی سیاسی و اجتماعی را در بر گیرد.

خط مشی اولی بخش قابل توجهی از نیروهای سیاسی را در بر نمی گیرد و قادر نیست با آنها نقطه ی اشتراک برقرار نماید. در حالیکه خط مشی دومی طیف وسیع تری از نیروهای سیاسی و اجتماعی را شامل می شود و لذا دامنه ی و توان بسیج آن بیشتر است.

8- جناح حاکم، ولایت فقیه و نیروی وایسته به آن با وجود اینکه در ساخت قدرت قدرت دست بالا را دارند و لب در سطح ملی و بین المللی منزوی هستند و در موقعین ضعیفی قرار دارند.

خط مشی دوم نوک ضربه را متوجه نقطه ضعیف حاکمیت می سازد و می کوشد با بسیج بیشترین نیرو آن راعقب بنشاند. اما خط مشی اول متوجه تمام جناح های حکومتی از جمله جناح اصلاح طلب است. در حالیکه جناح اصلاح طلب هنوز از پایگاه اجتماعی وسیعی برخوردار است.

۹- در تدوین خط مشی تلاش می شود که در «بالا» و بین جناح های حکومتی شکاف بیندازد و یا از موجود بهره برداری کنند تا نگذارند که حکومت گران یکپارچه به مقابله با نیروهای آزادیخواه برخیزند. این امر یکی از خصیصه های خط مشی سیاسی است.

اما خط مشی سیاسی که با طرح «رفراندوم برای تغییر قانون اساسی» و ارائه ی آلترناتیو دمکراتیک، برکناری جمهوری اسلامی را در دستور قرار می دهد، بجای بهره گیری از شکاف عمیقی که بین جناح اصلاح طلب و محافظه کار وجود دارد، آنها را یکپارچه در مقابل خود قرار می دهد. چرا که هر دو جناح در حفظ جمهوری اسلامی ذینفع هستند.

زیر ضرب گرفتن ساخت سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه در جهت تشدید شکاف موجود در «بالا» تاثیر گذار است و با بخشی از نیروهای حکومتی در این مبارزه همسو است.

با توجه به تفاوت ها و تمایزاتی که بین دو خط مشی سیاسی وجود دارد، یکسان پنداشتن آنها در تدوین خط و مشی سیاسی امری است خطا و اغتشاش آفرین. اغتشاش ها و تناقضات در عمل به تدوین سیاست های متناقض و متضاد می انجامد و امکان پیشبرد سیاست واحد، روشن و شفاف را سلب می کند.

تمایز بودن مشی برکناری جمهوری اسلامی و مشی حذف ولایت فقیه موضوع بحث جدی در درون سازمان ما و بخشی از نیروهای اپوزیسیون در دهه اخیر بود. حاصل بحث ها به این امر منجر شد که اکثریت نیروهای سازمان ما تفاوت بین آندو را پذیرفتند و به اسناد سیاسی کنگره پنجم و ششم که بر این پایه تنظیم شده بود رای دادند.

نویسندگان دو سند به تمایزات و تفاوت ها توجه ننموده آن مباحثات را به فراموشی سپرده و در یک سند، هم حذف ولایت فقیه و هم رفراندوم برای تغییر قانون اساسی را مطرح نموده اند و یعنی همزمان دو خط مشی را در یک سند کنجانند. اما نمی توان در عمل بطور همزمان دو خط مشی سیاسی را پیش برد. نویسندگان دو سند باید روشن کنند کدام یک از آن دو خط مشی سیاسی را پیشنهاد دارند.

توضیح پیرامون یک مقاله نقد یا تحریف؟

بهر روز خلیق

در شماره قبلی نشریه کار (شماره ۲۷۴) مطلبی تحت عنوان «همه ما پاسخگو هستیم» بقلم فریدن احمدی درج شده است. در این مقاله گفته شده است: ((.. در این زمینه تحلیل گر سیاسی دیگری از جمله دلایل موقعیت کنونی اصلاح طلبان و اصلاحات را رو آوردن خاتمی به سیاست اعتدال (اصلاحات معتدل) و فاصله گیری او از اصلاحات رادیکال قلمداد می کند)). نویسنده در زیر نویس نوشته، این موضوع را به من نسبتا داده و منبع آن را شماره ۲۷۳ نشریه کار ذکر کرده است و بدنبال آن اضافه نموده است:

«بدون اینکه اثبات کند و دلیلی ارائه دهد که چه زمانی خاتمی مبین اصلاح طلبی رادیکال و یا خواهان اصلاحات رادیکال بوده است. در اینجا «کناه» متوجه تغییر شرایط می شود. این شرایط است که تغییر کرده است و الا مفسران ما عاری و بری از خطا هستند». برای آگاهی خوانندگان نشریه کار و نویسنده لازم به توضیح است:

۱- جلب نظر تحلیل گران اپوزیسیون برای پاسخگویی امری است مثبت و از آن باید استقبال کرد. اگر نقد (روش تحلیل) به منابع مستند متکی باشد و بطور مستدل مورد نقد قرار گیرد می تواند به ارتقا تحلیل های سیاسی کمک کند.

۲- متأسفانه نوشته مزبور فاقد این دو عنصر است (یا حداقل در ارتباط با نظرات من). خوب بود نویسنده مطلب مورد استناد را نقل می کرد و سپس به نقد آن مینشست. در شماره ۲۷۳ نشریه کار سمد سیاسی پیشنهادی به کنگره هفتم تحت عنوان «اصلاحات، سیاست ها و راهکارها» درج شده است. در ارتباط با موضوع مطروحه در این سند آمده است: «رویداد های بعد از انتخابات، ترکیب کابینه و اظهارات خاتمی مشخص کرد که وی با صراحت بیشتری نسبت به قبل از موضع اصلاحات رادیکال و پیگیر فاصله گرفته و درصدد پیشبرد اصلاحات معتدل است».

در این جمله خاتمی (مبین اصلاح طلبی رادیکال)) و ((خواهان اصلاحات رادیکال)) قلمداد نشده است. معلوم نیست نویسنده این واژه ها را از کجا گرفته و چرا اصرار دارد آنها را به من نسبت دهد. وقتی گفته می شود که خاتمی با صراحت بیشتر نسبت به سابق از موضع اصلاحات رادیکال فاصله می گیرد، معنی آن روشن است؛ یعنی اینکه اولاً او در گذشته هم

در موضع اصلاحات رادیکال نبوده است و دوما اینکه صراحت او در موضع گیری پیرامون اصلاحات رادیکال و پیشبرد «اصلاحات معتدل» نسبت به قبل بیشتر شده است.

سند سیاسی محل ارائه و مستندات این موضوع نیست. نویسنده می تواند به مقالاتی که در این زمینه در نشریه کار چاپ شده است^۳ مراجعه کند.

۳- بندی که از سند سیاسی نقل شد، توضیح حرکن خاتمی بعد از انتخابات ۸۰ است. معلوم نیست چه ارتباطی به مسئله «گناه» و «تغییرات» وجود دارد. خوب بود که نویسنده توضیح بیشتری در این مورد می داد تا خواننده این ارتباط را می فهمید.

۴- نقد روشهای تحلیل سیاسی کار پسندیده ای است. ولی اگر نوشته ها و مواضع هر تحلیل گر سیاسی مبنای نقد قرار نگیرد و ذهنیات و تمایلات نویسنده جایگزین آن شود، کار بهیچوجه نخواهد کشید و تحریف جای نقد را خواهد گرفت.

جنبش دانشجویی

مرحله نوینی از جنبش دانشجویی

از: مهدی فتاپور

با حاد شدن فضای سیاسی ایران در ماههای اخیر جنبش دانشجویی و نقشی که این جنبش در تحولات آینده ایفا خواهد کرد به یکی از مرکزی ترین مبحث تبدیل گردید. دانشجویان فعال ترین نیروی اجتماعی جامعه ایرانند و موضع و عملکرد آنان تأثیراتی تعیین کننده بر تحولات آینده خواهد داشت. در ایران امروزه بیش از یک میلیون نفر در دانشگاهها مشغول تحصیلند و با توجه به نقش آنها به عنوان فعالترین و آگاه ترین بخش جوانان ایران حرکت آنان تعیین کننده ی کل جنبش جوانان ایران است.

در سالهای اخیر دانشجویان فعالترین نیروی مقاومت در برابر تهاجمات محافظه کاران بوده و در شرایط کنونی، سازماندهی هر مقاومتی بدون نقش فعال دانشجویان ناممکن است.

در سمینارها و جلسات مختلفی که جهت بررسی این جنبش و دشواریهای کنونی آن چند ماه قبل در رابطه با سالگرد ۱۶ آذر برگزار گردید همه شرکت کنندگان بر نقش و اهمیت جنبش دانشجویی ایران در روندهای آتی جامعه تاکید کردند. از جمله نکات مورد تاکید اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در این سمینارها(و یا مقالاتی که در این رابطه نوشته شد) عبارت بودند از:

خطر افول جنبش دانشجویی و مخاطراتی که افول این جنبش متوجه کشور می سازد.

خطر حکومتی شدن جنبش دانشجویی

ضرورت استقلال جنبش دانشجویی از سازمانها و احزاب سیاسی

نقش دفتر تحکیم وحدت و ضرورت غلبه بر اختلافات درونی آن. جنبش دانشجویی ایران در آستانه ورود به مرحله جدیدی از حیات خویش است و شاید بسیاری از دشواریها و پیچیدگی های کنونی این جنبش ناشی از حصلت این مرحله گذار باشد و به همین دلیل بررسی این جنبش اهمیتی بیشتر می یابد. در این مقاله تلاش گردیده مرکزی ترین ویژگی های این جنبش در شرایط کنونی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

تحول طلبی خصلت مرکزی جنبش دانشجویی

دانشجویان و در مفهومی وسیعترین جوانان خواستار دگرگونی و پیشرفتند. خصلت مرکزی مبارزات دانشجویان آنگاه که بیک جنبش سیاسی فرا می روید تحول طلبی آن است. دانشجویان آینده را از آن خود می دانند و خواهان آنند که آنرا آنگونه که خود می خواهند و نه آنگونه که به آنان داده می شود، بسازند. جنبش دانشجویی جنبش نقد نارسایی ها و تغییر است. دانشجویانو در مفهومی وسیعترین جوانان آنگاه که جنبش سیاسی پا به عرصه مبارزات اجتماعی می نهد که متقاعد شده باشند، تحول اجتماعی ضروری است و امکانات چنین تحولی وجود دارد. آنان ایده هایی را می پذیرند که راه تحقق چنین تحولی را ترسیم کند و به آنان روحیه و توان مبارزه در آن را بدهد و آنگاه حاضرند سختی های چنین راهی را تحمل کنند.

سی سال پیش دانشجویان ایران چنین تحولی را در سیمای چه گوآرا و جنگجویان ویت گنگ می دیدند و سازمانهای چریکی آن زمان را بنیان نهادند. در جریان انقلاب، جوانان ایران پذیرفتند که ایده های بنیان گذاران جمهوری اسلامی قادر است جامعه ایران را در همه زمینه ها دگرگون ساخته و جامعه ای برتر از همه کشورهای جهان پدید آورد. آنان در سیاست نه شرقی و نه غربی با مستکبران جهان، غرور ملی- شیعی سالها سرکوب شده ی ایرانیان را منعکس می دیدند. هزاران جوان به بسیج پیوسته و در میدانهای جنگ حماسه آفریدند. جوانان ایران در تحکیم پایه های رژیم اسلامی نقش بزرگ ایفا نمودند. در دانشگاهها نیز انجمن های اسلامی دانشجویی به عنوان بخشی از جنبش دانشجویی در انقلاب فرهنگی و تصفیه دانشگاهها از دانشجویان وابسته به اپوزیسیون نقش بزرگی داشتند. آنگاه که چنین تصوراتی رنگ باخت،

جنبش دانشجویی ایران نیز به خاموشی گرایید. ۵ سال پیش خاتمی سیاستی نوین و گفتمانی متفاوت را بشارت داد و به چهره محبوب جوانان و دانشجویان ایران بدل گردید. آنان در این گفتمان، تغییر و تحول جامعه ایران را منعکس می دیدند. امروز خواست مرکزی جوانان کسب آزادی های فردی و اجتماعی است و آنان نحول جامعه و تحقق این خواست ها را در مسیر ترسیم شده توسط اصلاح طلبان ممکن دیدند. سبیل این مبارزه آنگاه که چهره ی تحول خواهشان زیر سوال رود به همان سرعت که قلب جوانان را تسخیر کرده اند، موقعیت خود را از دست خواهند داد.

محافظه کاران هیچ شانس برای نفوذ در جنبش دانشجویی ندارند. این ناتوانی نه فقط به این دلیل است که خواست ها و افکار آنان با شرایط عمومی امروز جهان بیگانه است، نه فقط به این دلیل است که نادرستی نظراتشان در عمل اثبات گردیده، عواملی که در رابطه با دیگر اقشار جامعه نیز صادق است و آنان را در میان مردم منزوی ساخته. در رابطه با دانشجویان از همه اینها مهمتر آنکه تصویری که آنان از خود در جامعه ارائه داده اند سکون و بازگشت است و دانشجویان چنین نیرویی را علیه خود می دانند.

حکومتی شدن جنبش دانشجویی

در سمینار های برگزار شده، بسیاری از سخنرانان از خطر حکومتی شدن جنبش دانشجویی سخن گفته و نسبت به آن هشدار دادند.

جنبش دانشجویی انتقاد است و تحول. در شرایطی که حکومت نه منادی و سرمدار دگرگونی و تحول، بلکه بخشا مانع و دشمن دگرگونی و بخشا همراهی کننده خواست متراکم شده تغییر در درون جامعه است، جنبش دانشجویی حکومتی نخواهد شد ممکن است جنبش سرکوب شود، ممکن است بسردی بگراید، ولی حکومتی شدن این جنبش در شرایط کنونی با ویژگی های این جنبش بیگانه است. همواره این امکان وجود دارد که بخشی از دانشجویان و جوانان حکومت وقت را تایید کنند، ولی جوانان در شکل یک جنبش توده ای تا آنجایی در خدمت پیشبرد برنامه های یک حکومت قرار می گیرند که این حکومت خود مبتکر و پیشبرنده تحولات بنیادین در جامعه باشد و موفق گردد جوانان را متقاعد سازد که این تحولات زندگی آنان را دگرگون خواهد نمود و جامعه ای برتر از جامعه دیروز خواهد ساخت. اگر در چین گارد

جوان به نیروی ضربت مائو مبدل گردید به این دلیل بود که آنها متقاعد شده بودند که انقلاب فرهنگی با واژگون کردن همه ارزشهای پیشین تا خد معکوس کردن مفهوم چراغ سبز و قرمز چراغ راهنمایی، قادر است همه مشکلات چین و جهان را حل کند و اگر در ایران در جریان انقلاب جوانان نیروی خود را در اختیار رهبران جمهوری اسلامی قرار دادند، به این خاطر بود که متقاعد شده بودند آنان قادر ند تحول و دگرگونی و جامعه ای که در آن والاترین ارزشها حاکم است را به ارمغان آورند. دوران چنین تصوراتی سالهاست که سپری گردیده .

پس از انقلاب فرهنگی، تصفیه و گشایش دانشگاهها بخشی از دانشجویان حکومت راتایید می کردند ولی این جنبش دانشجویی نبود که حکومتی شد.

جنبش دانشجویی در این سالها خاموش شد و پس از یک دهه دگردیسی درونی از نیمه دوم دهه ۷۰ مجدداً با شعارها و سیمایی دیگر قد بر افراشت. آنانکه از حکومتی شدن جنبش دانشجویی در این سالها سخن می گویند، انجمن های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت را با این جنبش یکی می گیرند. این انجمن ها در این سالها نه تنها دانشجویان را نمایندگی نمی کردند، بلکه اکثر دانشجویان نسبت به آنان احساسات منفی داشتند. دانشجویان در این انجمن ها چهره ساکن عبوس رژیم را منعکس می دیدند.

جنبش دانشجویی ایران تنها تا آن حد مدافع اصلاح طلبان درون حکومت خواهد بود که آنان از خود سیمای یک نیروی تحول طلب ارائه دهند. حمایت از اصلاح طلبان حکومتی تنها تا آن حدی توسط جنبش دانشجویی مورد پذیرش قرار می گیرد که آنان در دفاع از ضرورت تحول به محافظه کاری تن نداده باشند.

جنبش دانشجویی بی تاب است و خواهان دستیابی به نتایج معین است. ایده هایی که درست یا نادرست، پیشروی اصلاحات را در دهه ها ممکن می داند، به دشواری می تواند توسط دانشجویان و کل جوانان پذیرفته شود. در شرایط کنونی، طبیعی است که جریان های حکومتی دروجوه معینی در پیشروی و تحول از خود تردید نشان دهند. در چنین شرایطی دانشجویانی که در ارتباط با اصلاح طلبان درون حکومت می باشند، هرگاه که ویژگی جنبش دانشجویی را درک نکنند و تمایز ضرورت های حاکم بر این مبارزه و مبارزه درون حکومت را مورد توجه قرار ندهند، خود منفرد خواهند شد. خطر حکومتی شدن، چنین تشکل هایی را تهدید می کند و نه جنبش دانشجویی را.

اگر دفتر تحکیم وحدت در این مسیر گام بر می دارد، به جنبش دامشجویی لطمه زده و موقعیت کنونی خود را در جنبش دانشجویی از دست خواهد داد و اگر جنبش دانشجویی زنده و فعال باشد، نمایندگان دیگری برای خود بر خواهد گزید.

افول جنبش دانشجویی

در یکسال اخیر بسیاری از تحلیل گران از افت جنبش دانشجویی سخن گفته اند. پس از سرکوب حرکت ۱۸ تیر ماه و برخورد خشن با حرکان اعتراضی در شکل تظاهرات، چنین نوع اعتراضاتی محدود گردیده و پس از ۱۸ تیر ماه ما شاهد تظاهرات بزرگ از نوع تظاهرات پس از وقایع کوی دانشگاه نیستیم. اتخاذ سیاست آرامش فعال را تنها دلیل و مانع بکارگیری چنین شیوه های اعتراضی دانستن، منجر به ارائه تصویری محدود از دلایل عدم وجود تظاهرات بزرگ دانشجویی خواهد شد. دانشجویان هیچگاه سیاست آرامش فعال را باور نکردند.

این خصوصیت جنبش دانشجویی است که پس از هر سرکوب گسترده، تا مدتی اشکال دیگری از اعتراض را بر می گزیند و اگر جو عمومی جامعه و جنبش دانشجویی به خاموشی نگراییده باشد، پس از مدتی اعتراضات بعدی را در ابعاد وسیعتر و با شعارهایی رادیکالتر برگزار می کند. بالاخص در شرایط امروز که بخش محدودی از دانشجویان آماده پرداخت هزینه سنگین مبارزاتی هستند. طبیعی است که فعالیت دانشجویی راههای دیگری که شرکت بخش وسیعتری از دانشجویان را ممکن می کند جستجو نمایند.

جو پر تلاطم و مباحثی که در دانشگاهها وجود دارد نشان می دهد که جنبش دانشجویی زنده است و عمق می یابد. دانشجویان کماکان فعالترین نیروی جنبش اصلاحاتند و اگر سیستم خشن رهبران رژیم مانع برگزاری تظاهرات بزرگ اعتراضی گردیده، این جنبش در اشکال دیگر حرکت می کند و سیاست سرکوب به تقویت رادیکالیسم در جنبش دانشجویی کمک نموده.

جوانان ایران ارزشهایی را که رهبران محافظه کار آنها را پایه های رژیم می دانند به زیر سوال برده و نفی کرده اند. یک مرحله از این مبارزه با شکست سنگین رهبران محافظه کار رژیم در برابر نوجویی جوانان پایان رسیده. هیچگاه در دوران قبل از انقلاب ارزشهای مورد تایید جوانان در حد امروز از ایده های محافظه کاران حاکم دور نبود و ارزشهای مورد تایید غرب تا این حد

رسوخ نداشت. اگر سرکوب قادر است در راه فعالیت متشکل و سازمان یافته سیاسی مانع پدید آورد؛ در این عرصه از مبارزه سرکوب و خشونت کاربردی ندارد. تعطیل نشریات، جایگزین های خود را خواهد یافت. دشوار کردن استفاده از ماهواره رد و بدل مخفیانه ویدیویی را رواج خواهد داد و برای جوانان جاذبه یک عمل مبارزاتی مخفی را هم به لذت دیدن یک فیلم غربی می افزاید. جوانان آزادی های فردی و اجتماعی مطالبه می کنند و رهبران محافظه کار قادر نیستند این خواسته را سد کنند.

دانشجویان فعال در مسایل اجتماعی آن بخش از جوانانند که می کوشند جایگزینی ارزشهای نوین به جای ارزش های نفی شده را آگاهانه انجام دهند.

لازمه این امر بحث و تبادل آزاد اندیشه است که در این زمینه محافظه کاران در دو سال اخیر موفق گردیده اند مانع پدید آورند. موانعی که تنها به نفی خشن تر ارزشهای مورد تایید آنان خواهد انجامید.

دشواریهای کنونی جنبش دانشجویی دشواری های کل جنبش اصلاحات است.

این نادرست است که از دانشجویان انتظار داشته باشیم که تئوری های حاکم بر استراتژی مبارزه در شرایط کنونی را تدوین کنند. رهبری اصلاحات در تدوین استراتژی پیشبرد اصلاحات منجمله در دانشگاهها دچار دشواری است. مشکلات دانشجویی ناشی از این ناروشنی است و نادرست خواهد بود که این ناروشنی را افول جنبش دانشجویی بنامیم

دفتر تحکیم وحدت

یکی از مهمترین مشکلات جنبش دانشجویی ایران دشواری هایی است که دفتر تحکیم وحدت با آن روبروست. دفتر تحکیم وحدت در یک دوره نقش برجسته ای در گسترش جنبش دانشجویی ایفا نمود. مشکلات این سازمان به عنوان نیرومند ترین تشکل دانشجویی بر کل جنبش دانشجویی تاثیر گذارده است. دفتر تحکیم وحدت از دل انجمن های اسلامی بیرون آمده و بعنوان سازمان متشکل کننده دانشجویان معتقد به رژیم اسلامی و با هدف اولیه مبارزه با سازمانهای دانشجویی اپوزیسیون بنیان گذاری شد. تحولات این سازمان در چار چوب تحولات مجموعه این نیروها قابل بررسی است و طبیعتا بنا به خصلت دانشجویان، این انجمن ها همواره در صف رادیکال تحول طلبی در درون نیروهای اسلامی بوده اند.

تغییرات درونی این دفتر طبیعتاً گرایش های گوناگون را در درون این سازمان شکل داد. عدم امکان تشکیل تشکل های دیگر دانشجویی در سالهای گذشته این امکان را که گرایش های گوناگون قادر باشند سازمانهای خود را تشکیل دهند ناممکن ساخته و یان طبیعتاً بر تشنجات و اختلافات درون این سازمان می افزاید. راه حل دراز مدت غلبه بر این تشنجات شکل گیری تشکل های مختلف سیاسی دانشجویی است. تا به امروز مشکل تنها ممانعت هایی نبوده که محافظه کاران در راه تشکل های مستقل پدید آورده اند، دفتر تحکیم وحدتی ها نیز در سالهای اخیر نه تنها از شکل گیری چنین تشکل هایی دفاع نکرده اند، بلکه در راه آنان مانع آفریده اند. دفتر تحکیم وحدتی ها هم تصور کرده اند وجود سازمانهای دانشجویی دیگر معنای تفرقه در جنبش دانشجویی را خواهد داشت و به تضعیف آن در برابر محافظه کاران خواهد انجامید.

دفاع دفتر تحکیم وحدت از شکل گیری دیگر تشکل های دانشجویی نه فقط از لحاظ پابندی به دیدگاههای اصلاح طلبانه و دمکراتیک بلکه بخاطر بقای دراز مدت خود این دفتر و غلبه بر بحرانهای درونی آن ضروریست.

نباید فراموش کرد که دفتر تحکیم وحدت تاریخ خاص خود را داشته و به نیروی معینی در دانشگاهها متکی است. دعوت از این دفتر که اعتقادات بنیادین خود را دگرگون کرده و برنامه و دیدگاههای دیگری بپذیرد نه تنها ناممکن بلکه مضر است. وجود یک سازمان سیاسی دانشجویی نیرومند با دیدگاههای اصلاح طلبی اسلامی نیاز جنبش اصلاحات است و باید از وجود آن در همین مقام دفاع کرد.

از سوی دیگر عدم تشکیل تشکل های دیگر دانشجویی و تحولات نظری مسئولین دفتر تحکیم وحدت موقعیت خاصی به این دفتر بخشیده. این سازمان امروز با اعتقادات دوران بنیانگذاران آن تعریف نمی شود. در مرامنامه این دفتر که تغییری ننموده، جملاتی وجود دارد که امروز به محافظه کارترین محافظه کاران تعلق دارد. دفتر تحکیم وحدت امروز متشکل کننده طیف وسیعی از دانشجویان بانظراتی گوناگون است و تا زمانی که امکان تشکیل تشکل های مختلف دانشجویی فراهم نگردیده است، چنین موقعیتی را حفظ خواهد کرد. اساسنامه و مرامنامه تدوین شده در سال ۵۸ با محتوای فعالیت و نیروهایی که امروزه در این سازمان متشکلند ناهمخوان است.

بسیاری از نیروهای اصلاح طلب، در ماههای اخیر مسئولان دفتر تحکیم وحدت را به رعایت دموکراسی در درون صفوف خود دعوت کرده و. از خطرات ساختارهای غیر دموکراتیک برای یک سازمان دانشجویی هشدار دادند. این تذکرات و هشدارها مسئولانه ولی ناکافی است. شکل دهی یک ساختار دموکراتیک درونی با موقعیت بیرونی یک سازمان در رابطه است. ان بخش از نیروها که می کوشند، دفتر تحکیم وحدت را با اصول مورد اعتقاد خود که بخشی از دانشجویان اصلاح طلب را نمایندگی می کند تعریف نمایند، قادر نیستند پرچم دار دموکراسی درون سازمانی باشند. چه در سطح جامعه و چه در محیطی مانند دانشگاه نمی توان خود را تنها جریان سیاسی دانست و روابط دموکراتیک درونی شکل داد.

دموکراسی درون سازمانی تنها به انجام انتخابات دموکراتیک محدود نیست. بقای سازمانی که نیروهای مختلفی در درون آن فعالیت می کنند، در گرو آن است که آنان همگی خود را در حرکت و تصمیم گیری های آن سازمان سهیم بدانند و اینتها با تضعیف مرکزیت و اختیارات بیشتر انجمن ها و سازمانهای این تشکیلات در دانشکده های مختلف امکان پذیر است. موضع گیری های مستقل انجمن های دانشکده های مختلف در ماه های اخیر در این راستا بوده ولی این حرکت زمانی می تواند موفق باشد که آگاهانه و بصورت یک سیستم پذیرفته شده و نه به دلیل یک اجبار ناشی از اختلاف در بالا پیش برده شود..

احزاب سیاسی و جنبش های دانشجویی

بسیاری از صاحب نظران دفتر تحکیم وحدت را بدلیل ارتباط نزدیک آن با احزاب و سازمانهای اصلاح طلب درون حکومت مورد نقد قرار می دهند. هر یک از فعالین جنبش دانشجویی طبیعتا با برنامه و سیاست های این یا آن حزب و یا جریان سیاسی احساس نزدیکی خواهند داشت. مشاوره و همفکری دانشجویان فعال با همفکران خود در احزاب سیاسی در خدمت تقویت جنبش دانشجویی است. اگر مسئولین دفتر تحکیم وحدت با مشارکتی ها نزدیکی فکری دارند، استفاده از تجربیات آنان امتیاز آنان است و طبیعتا این به معنای تاثیر گذاری مشارکتی ها بر سیاست های آنان خواهد بود. نمی توان دفتر تحکیم وحدتی ها را به این مناسبت مورد شماتت قرار داد. اگر دیگر گرایش های دانشجویی از ارتباط و مشاوره با

همفکران خود محرومند، نباید بهره گیری از چنین امکانی توسط دانشجویان انجمن های اسلامی را مورد نقد قرار داد.

مشکل جنبش دانشجویی ایران وجوه این رابطه و تلاش این احزاب در تاثیر گذاری بر جنبش دانشجویی نیست. مشکل در مضمون این رابطه است..

مشکل در سیاستی است که احزاب سیاسی برای جنبش دانشجویی توصیه می کنند. مبارزه برای پیشبرد اصلاحات توسط دانشجویان نمی تواند همان مشخصاتی را دارا باشد که این مبارزه در کارخانه ها دارد و یا درون مجلس، مبارزه، مذاکره، سازش توسط اصلاح طلبان در درون حکومت ویژگی هایی متفاوت با این مبارزه در درون دانشگاه دارد. نمی توان و نباید از دانشجویان خواست که مبارزه خود را محدود به الزامات مبارزه در درون حکومت سازند.

دو سال و نیم قبل بخشی از اصلاح طلبان از دانشجویان انتقاد کرده و از آنها می خواستند که اجازه دهند مسئولین برنامه های خود را در درون حکومت پیش برند و از اعمال فشار خودداری کنند. آنان تصور می کردند که اصلاح طلبان خود در درون حکومت قادرند اصلاحات را پیش برند چنین فکری که از دانشجویان می خواهد خواست ها و شیوه های مبارزاتی خود را محدود به ملاحظات مسئولین در بالا سازند، فردا زمانی که از دانشجویان انتظار مبارزه فداکارانه داشته باشد، پاسخی نخواهد شنید.

یرگزیده شدن برخی از فعالین سابق دفتر تحکیم وحدت به نمایندگی مجلس و گمارده شدن برخی از آنان در مناسب دولتی گامی مثبت است که می تواند در انعکاس خواست ها و روحیه دانشجویان در بالا موثر باشد ولی آنگاه که این فعالین سابق درک نکنند که رهبری جنبش دانشجویی و مسئولیت دولتی با یکدیگر ناهمساز است و پذیرش مسئولیت دولتی به معنای پایان حضور در رهبری جنبش دانشجویی است و از نفوذ و احترامشان در میان دانشجویان همفکر خود نه در جهت انتقال تجربیات و یاری دادن به آنها، بلکه در جهت متقاعد کردن آنان به اجرای آنچه برای پیشبرد مسئولیت جدید خویش ضروری می دانند، بهره گیرند، نقش منفی در جنبش دانشجویی ایفا خواهند کرد.

تشکیل شوراهای دانشجویی

در دوران دانشگاه تشکل های سرتاسری تنها تشکل های دانشجویان وابسته به حکومت است. دفتر تحکیم وحدتی ها بعنوان نیرومندترین تشکل دانشجویی در سالهای اخیر نقش مثبتی داشته اند ولی دفتر تحکیم وحدتی ها نماینده کل دانشجویان نیستند.

دانشجویان نیازمند تشکل هایی هستند که بتواند تمامی دانشجویان را نمایندگی کند. تنها تشکلی که می تواند در این مقام قرارگیرد شورا های دانشجویی منتخب دانشجویان است. درچنین شوراها(و یا انجمن ها) یی دانشجویان با گرایش گوناگون می توانند حضور داشته باشند و ترکیب این انجمن ها انعکاس مجموعه جنبش دانشجویی خواهد بود. شوراها و انجمن های منتخب دانشجویان یا تشکیل نشده اند و یا دامنه اختیارات و فعالیت های آنها محدود است. در آنجاهایی که انتخابات انجام شده، بسیاری از انجمن های انتخاب شده وظیفه خود را تنها دفاع از منافع صنفی دانشجویان می دانند.

انجمن ها و شوراهای منتخب وظیفه دفاع از منافع عمومی دانشجویان را عهده دار خواهند بود. دفاع از منافع صنفی دانشجویان طبیعتا از مرکزی ترین وظایف این تشکل ها است ولی در شرایطی که بخش بزرگی از دانشجویان روندهای سیاسی جامعه را تعقیب کرده و می کوشند بر آن موثر باشند، انجمن های منتخب نمی توانند وظایف خود را بهدفاع از منافع صنفی دانشجویان محدود کنند. مثلا : استفاده آزاد از اینترنت خواست عمومی دامشجویان است. محدودیت در این عرصه برای همه دانشجویان مشکل زا است. مبارزه برای آزادی استفاده از اینترنت وظیفه نمایندگان دانشجویان است که طبیعتا با مسایل سیاسی جامعه ما تماس خواهد داشت.

تشکیل و تقویت انجمن ها و شوراهای منتخب دانشجویان و حمایت از آنان در دفاع از خواست های عمومی دانشجویان نیاز جنبش دانشجویی است.

دیدگاهها نقل از: کار شماره ۲۷۵

امریکایی ها عوض نشده اند

برگردان: محمود کرد

جنز مارتینز از سازماندگان کنفرانس ((پورتوالگره)) برزیل بود که در هفته گذشته در برزیل تشکیل گردید . او یک اقتصاددان است از رهبران سازمان غیر دولتی اقتصاد جهانی، محیط زیست و توسعه می باشد، مرکز این سازمان شهر «بن» آلمان است. مصاحبه دیل توسط روزنامه اشپیگل با وی صورت پذیرفت.

پرسش

*آقای مارتینز در زوربخ تظاهرات خشونت باری علیه کنفرانس اقتصاد جهانی بوقوع پیوست، در نیو یورک منتقدین رادیکال روند جهانی شدن دستگیر گردیدند، آیا شما وقتی جدی گرفته می شوید که در گیری ایجاد کنید؟

پاسخ- متأسفانه چنین است ، ارائه دلایل، پژوهش های علمی و مدارک مستدل به تنهایی موثر نیستند، افکار عمومی زمانی تاثیر می پذیرد که وحشت زده شود، وقتی که با سر و صدای زیاد تظاهرات صورت گیرد. سیاست مداران وقتی موضوع را جدی می گیرند که علاوه بر دانشمندان و متفکرین که در اتاق های بسته مشکلات جهانی شدن را هشدار می دهند، با چهره های هر چه گسترده تر مردم مواجه گردند.

پرسش

* آیا کاربرد خشونت برای پیشبرد اهداف کشورهای فقیر مشروع است؟
همواره گروه‌هایی وجود دارند که سیاست بازار جهانی عیله خود را چنان تهاجمی می بینند که خود را مجاز به عکس العمل خشن می پندارند، اما اکثریت بزرگ تظاهر کنندگان مسالمت جویند.

پرسش

* علیه چه چیزی تظاهرات می کنید، علیه روند جهانی شدن؟
نه! این روند بازگشت ناپذیر است و لیما خواهان آن نوع جهانی شدن هستیم که انسان در مرکزیت آن قرار داشته باشد و نه اقتصاد؛ روندی که به سمت فقر زدایی و عدالت اجتماعی جهت گیری کند، نه رسیدن به حداکثر سود آن هم در عرصه های مشخصی از اقتصاد.
* بجای اینکه در مذاکرات شرکت کنید، ترجیح می دهید که در «پورتوالگرهن برزیل اجلاسی در مقابل کنفرانس سران نیویورک تشکیل دهید، آیا می ترسید که با رهبران اقتصاد جهانی مستقیما جدل کنید؟

: ما اصلا نمی خواهیم در مذاکرات شرکت کنیم، این وظیفه پارلمانها و دولت ها است. ما می خواهیم شفافیت ایجاد کنیم و حرف هایمان شنیده شود و به همین خاطر بطور مثال ما در تهیه مقدمات کنفرانس تامین رشد که از سوی سازمان ملل در ماه مارس در مونتری تشکیل می گردد، شرکت داریم. ما در سالن های مذاکرات حاضر خواهیم بود و از آن گزارش خواهیم کرد و می توانیم موضع خودمان را در مذاکرات داخل سازیم.

* پس از ۱۱ سپتامبر آمریکایی ها قبل از همه اعلام کردند که به منظور مقابله با ترور به کشورهای فقیر کمک خواند کرد آیا این امر صورت پذیرفته است؟

:آمریکا در سیاست خود پس از ۱۱ سپتامبر تغییر اساسی بوجود نیاورده است.
آنها همیشه آخرین جای را در کمک به کشورهای در حال توسعه داشته اند آمریکایی ها فقط یک درصد از در امد ناخالص ملی شان را صرف کمک به کشورهای فقیر می کنند این در حالی است که این نسبت در آلمان بسیار بیشتر است. آمریکا بهع تازگی به برخی از کشورها از جمله پاکستان که برایشان معنی استراتژیک دارد وعده هایی داده اند، البته آنها در عرصه های مشخصی و نه بیشتر.

* در نوامبر سال گذشته تحت تاثیر ۱۱ سپتامبر قدرت های مالی جهان در مورد یک مرحله جدید تجاری به توافق دست یافتند، هدف اصلی این توافق از میان برداشتن سوبسید و موانع کمرگی بود فکر می کنید کشورهای فقیر سودی از این مسئله خواهند برد؟

ما یک ردیف کشورهای در حال توسعه داریم که در آنها قوانین بازار آزاد پیاده شده است، در نتیجه یا بخشی از اقتصاد آنها ضعیف و یا کاملاً نابود شده اند چرا که این بخشها نتوانستند با کالاهای کشورهای صنعتی که با سوبسید وارد کشور شده بودند رقابت کنند.

* می توانید یک نمونه بیاورید؟

زمانی که آفریقای جنوبی بازارش را روی کالاهای با سوبسید اروپایی باز کرد قوطی های محتوی گوجه و هلو وارد آن کشور شدند این اجناس با قیمتی بسیار مناسب تر از کالاهای مشابه داخلی که بدون سوبسید در بازار موجود بودند، عرضه و فروخته شدند، نتیجه بسیاری از موسسات تولید این کالاها و هزاران شغل از بین رفتند. بازار آزاد به تنهایی هیچ کمکی نمی کند.

* یکی از مهم ترین خواسته های منتقدین روند جهانی شدن، بستن مالیات بر درآمد ارز است که می باید این مالیات صرف کشورهای فقیر شود، این امر چگونه شدنی است؟
روزانه در جهان ۱۵۰۰ میلیارد دلار به شکل ارز در جریان است که بخش مهم آن صرف اهداف سودا گرانه می شود این امر خود باعث تنش های بزرگی در معاملات ارز می گردد موجب فشار به اقتصاد کشورهای فقیر می گردد، بستن مالیات بر درآمد ارز می تواند به ثبات بازار کمک کند.

* بستن مالیات بر سرمایه گذاری و بازرگانی در کشورهای در حال رشد، می تواند خود منجر به فشارهای مالیاتی گردد؛ آیا بدین ترتیب این کشورها بیشتر تحت تاثیر قرار نمی گیرند؟
خیر مالیات حدود ۱ درصد تاثیر کمی بر جریان سرمایه گذاری در دراز مدت خواهد گذاشت، البته این مالیات معجزه نمی کند و فقط وسیله ای است در کنار بسیاری وسایل دیگر این مالیات به تنهایی قادر نیست ثبات را به بازار مالی بیاورد بنابراین همین ما نیازمند اهرم های دیگری هستیم مانند نظارت بر بانک ها، کنترل جریان سرمایه و بستن بهشت های مالیاتی.
* وزیر توسعه آلمان از شما حمایت می کند، بجز او شما چه کسانی را در کنار دارید؟

تا دو سال پیشتر پیشنهادات ما با مقاومت های شدیدی مواجه می شد ولی حالا حتی نخست وزیر فرانسه و بسیاری از اعضای پارلمان اروپا از ما حمایت می کنند، مقاومت بر علیه ما بیشتر از هر جا در آمریکا است، بهمین خاطر ما فعلا تلاش هایمان را معطوف به بستن مالیات در محدوده اروپا کرده ایم.

* چه کسی پول می گیرد؟

: بهترین حالت برای ما این است که این پول در اختیار سازمان ملل گذاشته شود، یک بخش از این پول می تواند جهت اقدامات عاجل برای حفظ محیط و مبارزه با فقر بکار گرفته شود.

* روز دوشنبه اجلاس سران اقتصادی جهانی پایان می گیرد، اجلاسی که در آن در مورد فقر و توسعه نیز بحث شد، چه انتظاراتی از آن دارید؟

در نیو یورک رهبران سرمایه داری جهان دور هم گرد آمده اند تا در پشت در های بسته مذاکره کنند این کلوپ خصوصی سرمایه داری جهانی است من هیچ انتظاری از این اجلاس ندارم

* پس چرا کشورهای جهان سوم به این دور جدید در بازار جهانی نظر مثبت داده اند؟ بسیاری از کشورهای در حال توسعه قادر نیستند علیه این کشورها نظر دهند، چرا که به لحاظ سیاسی و اقتصادی وابسته اند حتی اگر دارای رای برابر نیز باشند.

این کشورهای صنعتی هستند که نظرشان را پیش می برند، حالا این کشورها باید ثابت کنند که چه میزان در این دور، در امر کمک برای توسعه جدی هستند.

* چه چیزی این جدیت را اثبات می کند؟

کشورهای در حال توسعه به کمک مالی نیازمندند تا اقتصاد خود را بسازند، آنها نیازمند حمایت از سرمایه گذاری خصوصی توسعه دهنده ، کاستن هرچه وسیع تر از بدهی های و بسیج همه امکانات داخلی شان هستند، تامین مالی توسعه باید در عرصه های وسیع مورد توجه قرار گیرد، در کنار آن تامین اجتماعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

* این دولت ها فاقد سرمایه اند، بخش خصوصی شان نیز هم چنین، آیا بهتر نیست که کنسرنها خود راسا امر توسعه را در این کشورها در دست گیرند؟

: نه چرا که اقتصاد بازار آزاد به تنهایی به توسعه خدمت نمی کند؟ سرمایه داران بیشتر از هر چیز به سود می اندیشند و بعد به انسان و محیط زیست، بنابر این دولت ها باید سمت دهنده

توسعه باشند در غیر این صورت خطر این مسئله زیاد است که سرمایه گذاری خلاف روند توسعه عمل کند.

* کجا؟

مثال های زیادی وجود دارد از جمله کنسرن نفتی شل در نیجریه و نایک در جنوب شرقی آسیا که در آن حداقل تامین اجتماعی نیز مراعات نمی شود، در آنجا دختران و زنان تحت شرایط اسف باری باید کار کنند.

* آیا می خواهید سرمایه داری را کاملاً متوقف سازید؟

کامل برعکس، سرمایه گذاری خصوصی مهم و لازم است البته در صورتی که آنها قواعد مشخصی را رعایت کنند، به همین خاطر ما نیازمند قوانین و مقررات بین المللی هستیم که مطابق آن سرمایه گذاران موظف به تامین و حفظ حداقل تامین اجتماعی؛ محیط زیست و ارزشهای انسانی گردند، چیزی که تاکنون وجود نداشته است.

برنامه و راهکارهای سیاسی

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

برای تداوم جنبش اصلاحات در دو سال آینده

مقدمه

• از آنجا که سازمان ما مدافع مردم سالاری بوده و آزادی را از اهداف مقدم خود می‌شمارد:

• و با توجه به مبارزه فراگیری که در جامعه ما میان توسعه نیافتگی و تجدد در جریان بوده و ما در جبهه تجدد برای نوسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تلاش می‌کنیم:

• و با اصرار بر آنکه سازمان ما دفاع و حفظ محیط زیست را در تغییرات داخلی و خارجی از وظایف خود می‌داند،

• با یاد آوری از آنکه ما به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز دولت معتقد هستیم

• و با ایمان به آنکه هیچ تغییر و تحولی در کشورمان بدون حضور و اشتراک فعال شهر وندان و تشکلهای سیاسی، صنفی و فرهنگی مستقل آنها موفق و پایدار نخواهد بود؛

• و با اعتراف و اعتقاد به نقش مهم جنبش های زنان، جوانان، و مردم مناطق غیر فارس نشین،

• و بالاخره با اشاره به اینکه سازمان ما جنبش اصلاح طلبی جاری در کشورمان را که از نیازهای تاریخی ریشه گرفته و به وسعت تمامی کشور در میان مردم کوچه و

بازار، درکارخانه ها، دانشگاهها و مدارس گرفته، تا در بالاترین ارگانهای دولتی در جریان است در مسیر دستیابی به تغییرات و نیازهای فوق ارزیابی کرده و خود را بخشی از این جنبش می داند.

لذا تلاش در جهت اجرا، تبلیغ و تشویق محورهای ذیل را در مرکز فعالیت های خود طی دو سال آینده قرار می دهیم.

سیاست های راهبری

- 1- لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان در تایید کاندیداهای رایست جمهوری... با اتکا به اصل ۶ و ۷ قانون اساسی.
- 2- ادغام سازمانها، دادگاهها و سایر ارگانهای موازی در دستگاه قضایی و قانونمند کردن این دستگاه، بنا به اصل سوم بند ۱۰ و اصول ۱۵۹۰ و ۱۶۸ قانون اساسی.
- 3- گشایش دیالوگ با ولی فقیه بر سر مسائل مشخص سیاسی- اجتماعی، ضمن احترام به مقام مذهبی وی، ولی عدم تطابق نقش حکومتی وی با امر جمهوریت و مردم سالاری، طبق قانون اساسی رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است؛
- 4- تشویق مردم برای استفاده از کانالهای محدود اما موجود و قانونی برای بیان و دستیابی به خواستههایشان با این هدف که این کانالها هر چه بیشتر و مستقل تر در خدمت مردم قرار بگیرند
- 5- تلاش در جهت ایجاد تشکلهای مدنی مستقل از ارگانهای حکومتی اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی این حق را به رسمیت شناخته است.
- 6- ارائه سیاست که حضور فعال زنان را در اماکن کاری تضمین کند. طبق اصول ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی.
- 7- تلاش برای بالا بردن ظرفیت ها در تحمل و گردن گذاشتن به حق اشتراک نظر و اشتراک عمل نمایندگان و بازیگران سیاسی- اجتماعی در مناطق غیر فارس نشین.

اجرا شدن اصول ۱۵، ۱۹، ۴۸، قانون اساسی اقدامی ضروری در رفع مشکلات موجود در شرایط کنونی است

- 8- ایجاد محدودیت در پرداخت سوبسید بر کالاهای وارداتی.
- 9- تامین شرایط مناسب برای جذب سرمایه گذاری های خارجی.
- 10- ایجاد محدودیت در فعالیت های اقتصادی بنیاد مستضعفان و انتقال بخشی از امکانات این بنیاد به ارگانهای به سازمان های بیمه های اجتماعی.
- 11- استقبال از سیاست عدم تشنج در عرصه روابط خارجی و عدم دخالت در امور کشورهای همسایه.
- 12- استقبال از سیاست های عملی برای بهبود و عادی ساختن روابط سیاسی- اقتصادی با کشورهای صنعتی از جمله ایالات متحده.
- 13- تلاش برای حضور سیاسی ملموس سازمان در مباحث و تحولات داخل کشور.

راه کارهای مناسب برای محورهای فوق

- 8- ارائه نام کاندیدهای مورد تایید سازمان در انتخابات آتی و در صورت امکان معرفی کاندید از طرف سازمان.
- 9- ایجاد بحث فعال پیرامون غیر قانونی بودن و مضرات ارگانهای موازی در دستگاه قضایی.
- 10- ارسال نامه های سرگشاده به آقای خامنه ای از طرف ارگانهای مرکزی سازمان واز جمله از طرف کنگره.
- 11- نوشتن مقالات در پاسخ گویی به مباحثی که در مطبوعات داخلی پیرامون مواضع ما مطرح می شود و ارسال این مقالات به مطبوعات داخل کشور.
- 12- تشویق مجلس به تصویب لایحه ایی که صاحبکاران را ملزم می کند تا حداقل ۳۰٪ از استخدامیها در هر یک از اماکن کاری را زنان تشکیل بدهند.
- 13- نوشتن تقاضا برای وزارت ارشاد برای انتشار روزنامه سازمان در داخل کشور.

- 14- سازمان دادن به تماس های فردی با فعالین سیاسی در داخل کشور، نه برای ایجاد شبکه های سازمانی ، بلکه برای تبادل نظر و تقویت فکری دو جانبه.
- 15- تبدیل نشریه کار به نشریه تئوریک- سیاسی و استفاده از سایت خبری سازمان برای درج اخبار و متناسب کردن مضمون این سایت با مواضع و مصوبات رسمی سازمان.
- 16- تشکیل گروه های کار از میان تمام اعضای علاقه مند برای فعالیت در پیشبرد محورهای فوق.
- 17- (طبعاً گروه های کار متداول نیز می توانند همچنان به کار خود ادامه دهند).
- با درود های فراوان حجت نارنجی

کنگره هشتم

www.iran-archive.com

سند خط مشی سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
پیام کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به همه جمهوریخواهان دمکرات ایران
توانمندی ما در اتحاد ماست!
گزارش کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سند خط مشی سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

مصوب نخستین کنگره فوق العاده سازمان - ۲ تا ۵ مهر ۱۳۸۲ (۲۴ تا ۲۷ سپتامبر
۲۰۰۳)

برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال به جای جمهوری اسلامی

نگاه ما به اوضاع سیاسی کشور

۱) با تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی، بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از عملکرد این حکومت، جامعهء ایران را در معرض از هم گسیختگی قرار داده است. راه غلبه بر این بحران ها و بازسازی دموکراتیک جامعه، از برکناری جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال در کشور می گذرد.

۲) جمهوری اسلامی به خاطر نقض حقوق بشر، تلاش برای دست یابی به تسلیحات هسته ای، مخالفت با صلح خاورمیانه و حمایت از بنیادگرایان اسلامی تحت فشار دولت آمریکا، اتحادیهء اروپا و مجامع بین المللی قرار دارد. جمهوری اسلامی بیش از پیش در سطح بین المللی منزوی می شود.

۳) محافظه کاران و نهادهای وابسته به ولایت فقیه که سیمای واقعی جمهوری اسلامی ایران را به نمایش می گذارند، از نظر پایگاه اجتماعی در ضعیف ترین وضعیت خود طی حیات این نظام قرار دارند، در موقعیت شکننده و آسیب پذیری به سر می برند و مورد نفرت اکثریت بالایی از مردم ایران قرار دارند.

سیاست این جریان، اعمال فشار و سرکوب مخالفان است و این در حالی است که کارآیی چنین سیاستی، هم به دلیل هراس محافظه کاران از انفجار خشم عمومی علیه حکومت و هم عامل فشارها و تهدیدات خارجی، محدود است.

۴) جنبش اصلاح طلبانه دوم خرداد، دیگر به گذشته تعلق دارد. دستاورد بزرگ این جنبش، آشکار کردن ضدیت ولایت فقیه با جمهوریت و دموکراسی برای توده های مردم و برکشاندن این چالش به سطح ملی بود. اما این جنبش در همان سطح محدود ماند و در همان جا هم پایان یافت. بر بستر جنبش اصلاح طلبانه و بر پایه مطالبات مردم و ذهنیت آن ها و حرکات اعتراضی در جامعه و حضور جنبش های اجتماعی، جنبش تحول در جامعه ما تقویت شده است. اکنون زمینهء تکوین جنبشی فراهم آمده که در بیرون از حکومت و علیه حکومت با هدف استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی و سکولاریسم به جای جمهوری اسلامی رو به شکوفایی دارد. این حرکت نوین، خصلت آلترناتیو حکومتی را دارا است و بدیل حکومت دین سالار (تئوکراتیک) است.

۵) از جنبش دوم خرداد، مولفهء برون حکومتی این جنبش طی روندی چند ساله و بر بستر آزمون و تجربه، از خاتمی و اصلاح طلبان سرخورده و ناامید شد و راه جدایی از آن ها را در پیش گرفت. این روند، در مقطع انتخابات دور دوم ریاست جمهوری عیان و در انتخابات دور دوم شوراها تبارز آشکار سیاسی یافت. در مولفهء حکومتی این جنبش، بخش محافظه کار آن به خاطر علایق و وفاداری اش به حفظ نظام اسلامی در سرایشب تمکین به ولایت فقیه پیش می رود و جریان رادیکال آن زیر فشار دافعه در سمت خروج از حکومت طی مسیر می کند. آیندهء سیاسی این نیرو مشروط به تعیین تکلیف آن با حکومت و اندیشه دین سالار شده است.

نیروهایی که در جنبش اصلاح طلبانه دوم خرداد متحد یا هم سو شدند، اکنون در مسیر تجزیه به نفع یکی از دو جبههء تحول و ضدتحول قرار گرفته اند.

۶) تا آن جا که به رابطهء مردم و حکومت برمی گردد، اکثریت عظیم مردم این حکومت را نمی خواهند و آن را پس می زنند؛ روند گسست در معادلهء حاکمیت - مردم به فرجام رسیده است. اما آنجا که موضوع با امر جایگزینی و شیوهء تحقق جا به جایی قدرت ارتباط می گیرد، شعور عام جامعه هنوز در معرض انتخاب و زیر تاثیر القائات سیاسی متفاوت و متنافر قرار دارد. شعور دموکراتیک جامعه اما برعکس، ولو در حالت

بی سازمانی، می رود که در کانون اپوزیسیون جمهوری خواه، دموکرات و سکولار جمهوری اسلامی متمرکز شود؛ با درکی به مراتب ژرفتر از اوایل دهه هفتاد شمسی و با کمیته بسیار فراتر از مقطع پیش از دوم خرداد.

اشتراک در دیدگاه ها و مواضع دموکرات های اپوزیسیون جمهوری اسلامی هیچ گاه تا بدین حد نبوده است، گر چه اراده برای اتحاد در بین آن ها همچنان فاصله زیادی با اقتضای سیاسی روز دارد.

در میان نیروهای اپوزیسیون هنوز هیچ نیرویی تا پایه آلترناتیو بالفعل برآمد نداشته است، اما در همه بخش های آن تحرکات و ابتکارات شدت یافته اند.

۷) جنبش های اجتماعی و تحرکات مردمی مدام گسترش می یابند.

- جنبش دانشجویی دوره استقلال یابی از قدرت را گذر کرده و اینک به یک جنبش نیرومند نقد قدرت فرا روییده است. جوانی و رادیکال بودن این جنبش همراه با گستردگی جغرافیایی آن، بر زمینه پتانسیل اعتراضی وسیع در جوانان کشوری با جمعیت سنی جوان، تهدیدی جدی علیه نظام حاکم و امیدی بزرگ برای جنبش تحول طلبانه کشور ما است.

- جوانان نیروی تحول و انفجاری جامعه ما به حساب می آیند. گرچه حرکت اعتراضی آن ها سازمان یافته نیست و شکل جنبشی به خود نگرفته است، ولی نقش آن ها در انتخابات گذشته و در تظاهرات خیابانی غیرقابل انکار است. تحول سیاسی در کشور ما با حرکت جوانان گره خورده است.

- گسترش مقاومت زنان و به ویژه دختران جوان در برابر تحمیلات ارتجاعی حکومت، به حرکت زنان که یک رکن اصلی در جنبش تحول طلبانه و دموکراتیک است، ابعاد تازه ای داده است.

- بر کمیت اعتراضات صنفی کارگری و توده های زحمتکش افزوده می شود و در مواردی این حرکات خصلت سیاسی به خود می گیرد.

- نارضایتی وسیع در بین استادان دانشگاه ها و آموزگاران در حال تکامل به حرکات فراگیر است.

- روحیه ایستادگی و اعتراض در میان روشنفکران و هنرمندان رو به اعتلا دارد.

- جنبش های ملی در مناطق مختلف کشور گسترش یافته و از توان جدیدی در مبارزه برای حقوق دموکراتیک و ملی خود برخوردار می شوند.

جنبش های ملی، جمهوری خواه، مخالف تمرکز قدرت و طرفدار حکومت فدرال هستند و برای تأمین خواسته های دموکراتیک خود مبارزه می کنند. در میان این جنبش ها در مواردی گرایش های منفی حامل ناسیونالیسم افراطی نیز دیده می شود.

جنبش مدنی هم در شکل مقاومت و هم در سیمای نافرمانی گسترش و ژرفا می یابد.

۸) روندها و چشم اندازهای سیاسی در کشور ما اینک با تحولات بین المللی سخت گره خورده و در سیاست های دولت بوش، ایران جایگاه حساسی یافته است. جمهوری اسلامی اکنون از نظر بین المللی تحت فشار سنگین قرار دارد.

در هیئت حاکمه آمریکا سناریوهای سیاسی متنوعی در رابطه با جمهوری اسلامی مد نظر است که طیفی از سیاست های اعمال فشار بر این حکومت برای مطیع کردن آن تا توسل به زور نظامی علیه جمهوری اسلامی را در بر می گیرد. این که کدامیک از سناریوها و در چه مرحله ای به اجرا در آید تابعی است از پارامترهای سیاسی در سطح بین المللی و منطقه، در هیئت حاکمه آمریکا و در جمهوری اسلامی.

مشی سیاسی ما

۱ - هدف راهبردی ما استقرار یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال در ایران است که شرط ضرور برای تحقق آن، برکناری جمهوری اسلامی به مثابه مانع اصلی برقراری دموکراسی در کشور است. مشی و راه کارهای سیاسی ما با این هدف تبیین می شود و در خدمت آن قرار دارد.

- ۲ - ما حذف ولایت فقیه و تغییر ساختار سیاسی قدرت را، در شرایط امروز بسیج کننده ترین و نافذترین شعار در مبارزه علیه جمهوری اسلامی می دانیم.
- ۳ - مبارزه ما علیه حکومت متوجه نفی و نقد مواضع هر جریانی از حکومت خواهد بود که به هر شکل خواهان حفظ حکومت دینی است و از جمله جریانی که بر توهم «مردم سالاری دینی» پای می فشارد.
- ۴ - ما اصلاح طلبان و روشنفکران دینی ای را که در موضع تقابل با ولایت فقیه قرار دارند به تعرض علیه ولایت فقیه و نفی و نقد آن، به پذیرش جدایی دین از دولت و پیوستن به جنبش تحول فرامی خوانیم.
- ۵ - ما در پی آن نوع تحول سیاسی رادیکال هستیم که بر گذار مسالمت آمیز متکی شود. نافرمانی و مقاومت مدنی توده ای، اتحاد نیروهای جمهوری خواه دموکرات و فشارهای بین المللی در خدمت چنین تحولی قرار دارند. ما در عین مخالفت با خشونت بر حق مردم در دفاع از خود در برابر سرکوب تأکید داریم.
- ۶ - ما با تأکید بر شعارهای رفراندوم، تشکیل مجلس مؤسسان، تغییر قانون اساسی و تعیین نوع حکومت جایگزین می کوشیم حمایت بین المللی را از این شعارها جلب کنیم.
- ۷ - ما از گسترش مبارزات اعتراضی و مطالباتی در میان کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، ملیت ها و اقلیت های مذهبی و دیگر گروه ها و اقشار اجتماعی ترقی خواه در مبارزه علیه رژیم حاکم دفاع می کنیم.
- ۸ - برابری زن و مرد از ارکان اساسی جمهوری سکولار و دموکراتیک است. در این راستا ما علیه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، فرهنگ مردسالار و سنت های ارتجاعی تحکیم کننده نابرابری زنان مبارزه می کنیم و از پای گیری تشکل های مستقل زنان دفاع می کنیم و در مقاومت و مبارزه زنان در مقابل هنجارهای تحمیلی دینی و سازمان دهی آن مشارکت می ورزیم.

۹- ما با آگاهی از نقش ویژه جنبش دانشجویی در پیشبرد جنبش تحول و دموکراسی خواهی، از روند تشکل یابی آن ها و از ایجاد تشکل های مستقل دانشجویی و از خواسته های آنان که عمدتاً خواست های جنبش تحول خواه کشور است، دفاع می کنیم.

۱۰- ما تعرض همه جانبه رژیم و کارفرمایان به حقوق سندیکایی کارگران و مزدبگیران را محکوم و از تلاش و مبارزه حق طلبانه آنان برای افزایش دستمزد، حق تشکل، حق اعتصاب، بیمه بی کاری و بیمه اجتماعی و برای بهره مندی از یک قانون کار دموکراتیک و مدرن حمایت می کنیم و خود را در این مبارزه سهیم می دانیم. ما از تلاش کارگران و فعالین مستقل سندیکایی برای احیا و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری حمایت می کنیم.

کوشش ما این است که جنبش کارگری با جنبش تحول و دیگر جنبش های اجتماعی پیوند خورده و نقش موثر در تحولات سیاسی کشور ایفا کند.

۱۱- ما ضمن حمایت از خواسته های آزادی خواهانه و حق طلبانه ملیت های آذربایجانی، بلوچ، ترکمن، عرب و کرد میهن مان حل دموکراتیک مسئله ملی را یکی از شروط مهم استقرار جمهوری و دموکراسی پایدار در کشور می دانیم.

۱۲- ما برای شکل گیری جبهه ای با هدف استقرار نظامی مبتنی بر دموکراسی و سکولاریسم در ایران به جای جمهوری اسلامی مبارزه می کنیم که گسترده ترین طیف جمهوری خواهان دموکرات در اپوزیسیون جمهوری اسلامی و نیروهای جمهوری خواه و دموکراتی را که در سال های اخیر بر بستر چالش بین ولایت فقیه و اصلاح طلبان دینی شکل گرفته است، در بر گیرد.

این جبهه بر جنبش های اجتماعی و نیروی مردم متکی است و در برگیرنده همه سازمان ها و احزاب سیاسی، جریان ها و احزاب ملی و فعالین فکری، سیاسی و فرهنگی منفرد خواهد بود که نظامی مبتنی بر دموکراسی، جمهوریت و سکولاریسم را جایگزین جمهوری اسلامی می خواهند.

در راستای شکل گیری اتحاد جمهوری خواهان، ما برای هم سو کردن ابتکارات جداگانه ای که به این منظور صورت می گیرند، تلاش کرده و دیگر سازمان ها و احزاب جمهوری خواه را به شرکت در این تلاش دعوت می کنیم. ما مطرح کردن این جبهه به مثابه آلترناتیو جمهوری اسلامی در سطح ملی و بین المللی را وظیفه خود قرار می دهیم.

۱۳ - ما مخالف دخالت احتمالی نظامی دولت آمریکا در ایران هستیم. مخالفت ما با چنین سیاستی، در هر حال از موضع مخالفت با جمهوری اسلامی و از جایگاه آلترناتیو آن خواهد بود.

ما با تقویت بنیادگرایی اسلامی و دست افزار آن تروریسم از سوی جمهوری اسلامی، قاطعانه مخالفیم و علیه مداخلات این حکومت در امور دیگر کشورها هستیم.

۱۴ - ما ضمن مخالفت با آن سیاست های خارجی که از اعمال فشار به جمهوری اسلامی قصد سازش و معامله با این رژیم علیه دموکراسی در ایران و مغایر با منافع کشور ما را دارند، تنها از آن نوع کارزار جهانی علیه جمهوری اسلامی استقبال می کنیم که در راستای منافع مردم ایران موثر بیفتد.

از این رو:

(الف) از همه نهادهای بین المللی و همه دول می خواهیم که از مبارزات مردم ایران برای استقرار جمهوریت و دموکراسی حمایت کنند.

(ب) از تمام نهادهای بین المللی و همه دول می خواهیم که رعایت حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را مبنایی پایدار در مناسبات خود با آن قرار دهند.

(ج) ما با هر گونه اقدامی که از سطح حمایت سیاسی فراتر برود و خصلت آلترناتیو سازی از سوی دولت های خارجی به خود گیرد، مخالفیم.

www.iran-archive.com

پیام کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به

همه جمهوریخواهان دمکرات ایران

توانمندی ما در اتحاد ماست!

همه تشکل ها و فعالان سیاسی جمهوریخواه را به ابتکار مشترک در برگزاری کنفرانس اتحادها فرامی خوانیم

جمهوریخواهان مبارز! کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در نشست دوم تا پنجم مهرماه خود، امر تحقق اتحاد گسترده همه کسانی را که استقرار یک نظام دمکراتیک و سکولار با ساختار جمهوریت در ایران را خواهانند، از عمده ترین موضوعات سیاسی جاری و آینده نزدیک میهنمان ارزیابی کرد و از شورای مرکزی منتخب خود، و از هر عضو و هوادار سازمان ما خواست که تلاش هدفمند و خستگی ناپذیر در این راه را یکی از وظایف مرکزی خود قرار دهد. کنگره از تمامی احزاب و سازمان های سیاسی جمهوریخواه دمکرات، و همه فعالان سیاسی مدافع دمکراسی و جمهوری دعوت کرد که کوشنده پیگیر این آرزوی مشترک و این نیاز مبرم عمومی باشند.

دوستان!

اکنون که جمهوری اسلامی با بحران های فرجامین حیات خود روبرو است، حال که اکثریت عظیم مردم ایران به این باور رسیده اند که دستاورد بزرگ جمهوریت آنان در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نمی تواند در یک نظام سیاسی دینی تحقق واقعی یابد، اکنون که

شرایط بین المللی در چنان سمتی رقم می خورد که همسویی چشمگیری در سطح جهان علیه جمهوری اسلامی شکل می گیرد و در همان حال قدرتمندان حاکم بر مین ما با گروگان گرفتن مصالح و منافع ملی ایران و بی توجه به خواست و اراده مردم، کشور ما را در معرض بدترین مخاطرات قرار می دهند، و سرانجام در موقعیتی که کم نیستند جریان ها و نیروهایی که در پی آشفته بازار سیاسی اند تا با تکیه بر کاخ سفید و اشنگتن و بهره جویی ریاکارانه از خشم بحق مردم ایران از جمهوری اسلامی، کشور ما را به قصد دستیابی به اهداف خود به عقب برگردانند و یا نوع دیگری از قدرت ولایی را در ایران بازتولید کنند؛ مبرم ترین نیاز سیاسی همانا برآمد متحد همه کسانی است که دمکراسی و جدایی دین از حکومت را در شکل جمهوریت می خواهند.

این هدف دمکراتیک، ترقیخواهانه و مردمی، نیروی قریب به اتفاق ایرانیان آزادیخواه را با خود دارد و از نیروی حمایتی عظیمی در جامعه برخوردار است. اما روشن بودن هدف و حتی آگاهی به پشتوانه بزرگ اجتماعی آن، بهیچ رو برای تحقق یافتن آن کفایت نمی کند. این هدف تنها آن زمان به اعمال نیروی کلان سیاسی بدل می شود که میسران و پرچمداران آن از چندگانگی به یگانگی در عمل گذر کنند. این هدف، فقط آنگاه همه نیروی اجتماعی بزرگ خود را در میدان عمل سیاسی بسیج خواهد کرد که همه ما دریابیم که زمان صف بندی های کلان و روشن در کشور ما فرا رسیده است. خواست جمهوری، تنها موقعی می تواند به یک تکیه گاه و محل جذب نیروهای حامل دوگانگی ها و کانون جلب نیروها و جریان های سیاسی در حال گذار به یک جمهوری، مبتنی بر دموکراسی، تبدیل شود که پایبندان ثابت قدم این هدف در عمل نشان دهند که خواستار و مجری اصل همبستگی وسیع بین خود هستند.

دوستان!

ما بر آنیم که چراغ تلاش در راه شکل گیری اتحاد بین جمهوریخواهان دمکرات طی دو دهه گذشته هیچگاه خاموش نبوده است. اما معتقدیم که به دلیل غفلت ورزی ها، این

تلاش ها کارساز نبوده و کارآمد نیفتاده اند. ما به حسن نیت همه آنهايي که در اين راه انديشيده اند، ابتکار عمل بخرج داده اند و برآمدهای سياسي معيني را شکل بخشیده اند. عميقاً باورمنديم و از همين روست که تمام اين زحمات را به گرمی پاس می داريم و اعلام می کنيم که همين حرکات جداگانه و غير هماهنگ خود از عوامل موثر در زمينه سازی آن حرکت بزرگی که نياز امروzin است، قلمداد می شوند. ولي، اينک سخن بر سر یک اراده نوين و سترگ است. اکنون، موضوع اينست که جمهوريخواهان دمکرات با تعلق به ديدگاهها و افق های انديشگی گوناگون، با ناهمسانی در برنامه های اجتماعي، با پيشينه های متفاوت و با حمل مسئوليت خود ويژه در قبال هر آنچه که کرده اند و يا بازماندن از عمل به آنچه که می بایست انجام دهند، ناگزير در برابر یک انتخاب سياسي قرار دارند و در آستانه یک آزمون تاريخی برای ايفای وظيفه ای که رقم زننده آينده سياسي آنهاست، واقع شده اند.

ياران!

امروزه ما با تعداد زيادی سازمان های چپ دمکرات، ملی دمکرات و نيز دين باوران معتقد به مردم سالاری و جدایی دين از حکومت روبرو هستيم. در همان حال با طيف گسترده ای از فعالان سياسي دارای دانش و تجربه در عرصه سياست و کار سازمانگری مواجهيم که فعاليت هايشان در بيرون از چارچوب تشکل های سياسي جريان دارد. در صحنه سياسي کشور ما، کم نيستند محافل و نهادهای سياسي غير حزبی و يا جريان های مطبوعاتی و فکری گسترده ای که در راه جمهوري مبارزه می کنند و به درجات متفاوت نشان خود را بر روندهای سياسي کشور دارند. اتحاد گسترده جمهوريخواهان دمکرات، همه اين مؤلفه ها و عناصر را می بايد در برگیرد. در اين هدف مشترک، اصل بر جلب است و اراده بر احتراز از حذف. نيل به هدف اصلی ما آنجا نزديکتر که، اتحاد بزرگ ما اتحاد تشکل های سياسي و فعالان سياسي دموکرات و جمهوريخواه با یکديگر باشد.

برپایی چنین اتحادی، که وظیفه سنگین آن مقدماتاً به عهده احزاب و سازمان های سیاسی است، بی تردید دشوار است، ولی بهیچوجه ناممکن نیست هر آینه اراده و ابتکار در این راه پشتوانه و راهنمای کار باشد. به یقین، کارما آنجا کارستان خواهد افتاد که اینهمه انرژی پراکنده را در یک کانون پتانسیل معطوف به عمل فشرده بسازیم. کاری که با شکل گیری «اتحاد جمهوریخواهان» و «سمینار پاریس»، امیدها را افزایش داده است.

دوستان!

ما بر آنیم که باید برخواست مشترک و سیاست های پایه ای تکیه کرد و از مطلق گرایی در شیوه و راههای رسیدن به هدف دوری جست. به طبع تحقق هر خواستی، بی درنگ موضوع راه نیل به این خواست را پیش می کشد. اما در همانحال، تقلیل موضوع راه به یک تاکتیک واحد، واز آن بدتر تحت الشعاع قرار دادن هدف توسط راه رسیدن به آن، نه تنها نقض غرض بلکه فاجعه ای است سیاسی که تازیانه آن بر پشت تک تک ما فرود می آید، دود آن فقط به چشم مردم می رود، و سود آن تنها به جیب آن هایی که ما را متفرق می خواهند.

ما می توانیم و باید بتوانیم که پیرامون عمومی ترین اشتراکات مان در این سربزنگاه تاریخی ویژه، متحد شویم و بر بستر حرکت متحد و در جریان عمل سیاسی، اختلافات را به بحث های معطوف به رهجویی و رهیابی به هدف وانهمیم. تفرقه را تجربه تلخ کرده ایم، اتحاد را آزمون شیرین کنیم. تلاش برای هم پیوندی اتحادهای به تازگی پا گرفته، یافتن مکانیسم هایی برای گردآمدن وسیع احزاب سیاسی و فعالین سیاسی منفرد در یک جبهه، و سرانجام رهجویی برای همسویی و همکاری جمهوریخواهان دموکرات درون و بیرون کشور، در خدمت چنین آزمون آینده سازی قرار دارند.

در این راستا ما، فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برگزارای کنفرانس اتحادها را پیشنهاد می کنیم و همه احزاب، سازمان ها و فعالان سیاسی جمهوریخواه دمکرات را به ابتکار مشترک در برگزاری این کنفرانس فرا می خوانیم. ماهمچنین بر آنیم که تلاش برای

اتحاد باید با اقدام عملی برای بسیج نیروی اجتماعی دموکراسی و جمهوریخواهی همراه شود و از این مسیرگذرکند. پیشنهاد ما سازمانگری گسترده ترین همکاری های عملی جمهوریخواهان دموکرات است.

جمهوریخواهان مبارز!

برای خواست مشترک، همراه شویم. وقت را از دست ندهیم و نیاز زمان را به پاسخ برخیزیم. ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) را در این تلاش مشترک، یار خود بدانید و دست ما را که به سوی شما نزدیک می شود، بفشارید.

با دروهای گرم و با امید به اتحاد دموکرات های جمهوریخواه

کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۱۳۸۲

گزارش

کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثریت)

کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روزهای دوم تا پنجم مهر سالجاری برگزار شد. کنگره های نوبتی سازمان، مطابق کارپایه تشکیلاتی آن، هر ۲ سال یکبار برگزار می شوند. این کنگره، اما، یکی بخاطر تغییرات آشکار شده در وضع مردم نسبت به حاکمیت و بطور خاص نسبت به اصلاح طلبان حکومتی در جریان انتخابات شوراها در اسفندماه سال گذشته، دیگری وضع جمهوری اسلامی در پهنه جهانی و بویژه حدت یافتن مناسبات ایران و آمریکا، و سرانجام جستجوی طرق عمل هماهنگ ارگان های مرکزی در درون خود و در ارتباط با یکدیگر، بیش از ۶ ماه زودتر از موعد مقرر بطور فوق العاده برگزار شد. تحولات پیشگفته و سرعت این تحولات سیاستگزاری مشخص و مجددی را در این موارد ایجاب می کرد.

شورای مرکزی منتخب کنگره هفتم سازمان دستور زیر را به کنگره پیشنهاد کرده بود:

۱_ بررسی عملکرد ارگان های مرکزی سازمان

۲_ تصویب خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن

۳_ تصویب طرحهای مدیریتی

۴_ موارد ضرور اساسنامه ای

۵_ تصویب قرارها

۶_ انتخابات شورای مرکزی و هیات رسیدگی به شکایات و داوری در جریان تدارک کنگره کار تدارکاتی قابل توجهی برای تقریباً تمامی موضوعات دستور پیشنهادی انجام یافته بود، که در سطور آتی به هر مورد اشاره خواهد شد.

تدارک کنگره

برگزاری کنگره فوق العاده قریب ۷ ماه پیش از برگزاری آن پیشنهاد شده و پس از نظرسنجی از تشکیلات از تصویب شورای مرکزی گذشته بود. پس از آن کار تدارک آغاز گردید. مجموعه تدارک ارائه شده به کنگره به قرار زیر بود:

_ گزارش عملکرد ارگان های مرکزی؛

_ پیش نویس خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن، مصوب کمیسیون مربوطه، همراه با ۳ طرح بدیل؛

_ طرح مدیریتی ناظر بر چگونگی انتخاب شورای مرکزی و هیات سیاسی - اجرایی، مصوب کمیسیون مدیریت و سازماندهی؛

_ طرح موارد ضرور اساسنامه ای شامل الف: گروه بندی های درون سازمانی، ب:

یات رسیدگی به شکایات و داوری، ج: همه پرسى. این طرح واجد پیشنهادی برای تعداد اعضای شورای مرکزی نیز بود؛

در راستای تدارک انتخابات ارگانهای مرکزی، کمیسیون مدیریت و سازماندهی مراجعه نسبتاً وسیعی نیز به اعضای سازمان کرده و آمادگی ها و علاقمندی های آنان را صورت برداری کرده بود.

تدارکات پیشگفته به فراخور و حتی الامکان پیش از کنگره انتشار بیرونی یا درونی یافته و به بحث گذاشته شده بودند.

جریان کنگره

کنگره در روز و ساعت مقرر توسط هیات رئیسه شورای مرکزی هفتم گشایش یافت. کنگره که در پانزدهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی و مقارن با روزهای خونین این جنایت عظیم و فراموش ناشدنی برگزار می شد، کار خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام همه جانباختگان فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ و تمام قربانیان سیاست های شکنجه، زندان و اعدام رژیم طی بیست و پنج سال حاکمیت آن و به یاد رفقای که جایشان در کنگره خالی است و دیگر در میان یاران نیستند، آغاز کرد.

سپس هیات رئیسه سنی در جایگاه ریاست کنگره قرار گرفت و با استماع گزارش مسئول شعبه تشکیلات از روند تدارک اجرایی، تعداد نمایندگان حاضر، تعداد آراء و کالتی و... رسمیت کنگره را اعلام کرد. متعاقباً ۵ نفر بعنوان هیئت رئیسه دائمی کنگره انتخاب شدند و کار هدایت کنگره را بعهدہ گرفتند.

هیات رئیسه مقدماتاً به تصویب دستور کار کنگره اقدام کرد. دستور پیشنهادی شورای مرکزی دوره هفتم بدون تغییری مورد تائید کنگره قرار گرفت. اما این تفاهم وجود داشت که موضوع خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن اولویت نخست کنگره است و با تصویب آن هیات رئیسه مجاز است به فراخور روند کنگره انتخابات ارگان های مرکزی را در دستور بگذارد. با این حال کنگره در جریان ۴ روز کار فشرده و به یمن کار تدارکاتی انبوهی که پیشتر صورت گرفته بود، موفق شد به کل دستور مصوب رسیدگی کند. شرح رسیدگی به تک تک موضوعات در دستور در ادامه این گزارش بدست داده خواهد شد.

در نخستین روز کنگره، با اطلاع از اعلام اعتصاب غذای یکروزه در ایران در حمایت از دانشجویان زندانی و عموم زندانیان سیاسی، که دو روز پس از خاتمه کنگره برگزار می شد، قراری به کنگره ارائه شد که پیشنهاد می کرد شرکت کنندگان با دست زدن به اعتصاب غذا در آخرین روز کنگره، با این حرکت و با دانشجویان و دیگر زندانیان سیاسی همبستگی کنند. این قرار با تأیید قاطع کنگره روبرو شد و به این ترتیب آخرین روز کنگره، از نخستین لحظات آن تا پایان، در اعتصاب و با حس عمیقی از همبستگی با زندانیان سیاسی معترض به استبداد و ارتجاع و با همه آنهایی که شجاعانه در زیر سیطره نظام حاکم با دست زدن به اعتصاب غذا اعتراض خود را به زندانبانان به نمایش می گذارند، برگزار شد. به این مناسبت پیامی نیز توسط کنگره به «همه آزادگان در بند جمهوری اسلامی» صادر شد.

چنان که مرسوم کنگره های سازمان است، در این کنگره نیز هیات ها و نمایندگانی از سازمان ها و احزاب سیاسی ایرانی و خارجی، تعدادی از شخصیتها و صاحب نظران سیاسی یا فرهنگی کشورمان و تعدادی از فعالان سیاسی به عنوان میهمان حضور داشتند. همچنین عده ای از کادرها و اعضای پیشین و نیز دوستداران سازمان میهمان کنگره بودند.

هیات ها یا نمایندگان سازمان ها و احزاب سیاسی حاضر در کنگره عبارت بودند از: حزب توده ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، حزب کمونیست عراق، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، سازمان های جبهه ملی ایران در اروپا و آمریکا، کمیته همبستگی نروژ- ایران، نشریه نگرش.

علاوه بر این احزاب زیر که امکان حضور در کنگره را نیافته بودند، به آن پیام داده بودند: جبهه متحد چپ اسپانیا، حزب چپ سوئد، حزب سبزهای فرانسه، حزب

سوسیالیست فرانسه، حزب کمونیستهای ایتالیا، حزب کمونیست فرانسه. تعدادی از نیروهای مدعو به دعوت پاسخی نداده بودند.

نمایندگان احزاب و سازمان های سیاسی و سایر تشکل ها امکان یافتند پیام تشکل خود را به کنگره ابلاغ کرده و پیرامون گره های کار کنگره اظهار نظر کنند. پیام حزب کمونیست عراق که حاوی گزارشی از وضع حاضر در عراق و توضیح مواضع این حزب در قبال این وضع بود مورد توجه ویژه کنگره قرار گرفت.

عموم میهمانان کنگره حق داشتند در مباحث کنگره شرکت کنند و حول این مباحث به کنگره و ارگانهای آن پیشنهاد دهند.

آخرین نکته قابل ذکر در مورد جریان کنگره پخش زنده بخش اعظم مباحث آن از طریق اینترنت در اتاق اینترنتی سازمان بود. این کیفیت، که از کنگره پیشین سازمان عملی شده است، همراه با توضیحات تکمیلی دست اندر کاران کنگره، امکان تعقیب زنده کار کنگره را برای علاقمندان آن فراهم آورده است. از این قرار دوستان و رفقای حاضر در اتاق اینترنتی سازمان توانستند مباحث سیاسی، نظری در زمینه تشکیلاتی، نطق های پیش از دستور، پیام احزاب و دیگر تشکلها را همزمان با کنگره دریافت داشته و با کنگره ارتباط داشته باشند.

چنان که پیشتر گفته شد، بررسی عملکرد ارگان های مرکزی سازمان در فاصله دو کنگره، تصویب خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن، تصویب طرحهای مدیریتی و سازماندهی، تصویب موارد ضرور اساسنامه ای، رسیدگی به قرارهای پیشنهادی به کنگره و انتخاب ارگان های مرکزی موضوعات دستور کار کنگره را تشکیل می دادند. در پایان نیز مراسمی برای تودیع ارگان های دوره هفتم و خوشامد گویی به ارگانهای منتخب کنگره فوق العاده پیش بینی شده بود. در سطور آتی کار رسیدگی به این موضوعات به تفکیک گزارش شده است.

خط مشی سیاسی

چنان که گفته شد این تفاهم در کنگره وجود داشت که این موضوع اولویت نخست کنگره است و از این رو نخستین کار مضمونی کنگره نیز تعیین سند پایه برای خط مشی سیاسی بود. کمیسیون سیاسی منتخب شورای مرکزی هفتم طرحی را زیر عنوان « برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک، لائیک و فدرال، بجای جمهوری اسلامی » برای کنگره آماده کرده بود. علاوه بر این طرح، طرحهای بدیل زیر نیز به کنگره ارائه شده بودند:

_ « در راه بزرگناری جمهوری اسلامی و برای سعادت مردم ایران، از رفیق آزاد

_ « برای برپایی جمهوری به جای حکومت اسلامی، از رفیق بیژن اقدسی

_ « ائتلاف فراگیر دموکراسی برای ایران، همبستگی وسیع سیاسی برای سرنگونی رژیم اسلامی، از رفیق کیانوش توکلی.

(تمامی طرحهای نامبرده پیشتر در نشریه کار شماره های ۳۰۹ و ۳۱۰ انتشار یافته اند).

تعیین سند مبنا با اظهار نظر عمومی نمایندگان حول مختصات یک سند پاسخگوی وضع حاضر و موافقت یا مخالفت با این یا آن طرح جریان یافت. سپس روی طرح ها رای گیری شد. نتیجه رای گیری به قرار زیر بود:

سند کمیسیون: ۵۷ درصد آراء

سند رفیق آزاد: ۱۴ درصد آراء

سند رفیق اقدسی: ۱۴ درصد آراء

سند رفیق توکلی: ۶ درصد آراء

به این ترتیب سند کمیسیون سیاسی منتخب شورای مرکزی هفتم بعنوان سند پایه کنگره و برای کار تکمیلی تصحیحی بر روی آن انتخاب شد. متعاقباً "کمیسیونی که بایست روی سند کار می کرد توسط خود کنگره انتخاب شد. این کمیسیون ۷ نفره و مخبر آن رفیق بهزاد کریمی بود.

کار انتخاب سند پایه خط مشی سیاسی و کمیسیون آن در همان روز اول به انجام رسید و از آن پس کار کمیسیونی بر روی سند آغاز گردید. نمایندگان کنگره با ارائه بیش از ۱۳۰ پیشنهاد تکمیلی و تصحیحی برخورد بسیار فعالی را با کار کمیسیون و موضوع خط مشی سیاسی سازمان ابراز داشتند. در سومین روز کنگره و پس از رسیدگی کمیسیون به انبوه پیشنهادها، طرح نهایی شده برای تصویب به کنگره ارائه شد. جلاس عمومی به پیشنهادهایی که کمیسیون نپذیرفته بود و نیز تغییراتی که در سند پایه وارد شده بودند رسیدگی کرد و پس از بحث موافق و مخالف کلیات طرح، آن را به رای گذاشت. نتیجه رای گیری به قرار زیر بود:

موافق کلیات سند: ۶۸ درصد

مخالف: ۲۳ درصد

ممتنع: ۹ درصد

آئین نامه کنگره حداقل ۶۰ درصد آراء در موافقت با اسناد پایه ای را حد نصاب برای پذیرش اسناد پایه ای بعنوان سند کنگره قرار داده است. به این ترتیب سند خط مشی سیاسی با احراز ۶۸ درصد آراء در موافقت با آن، بعنوان مصوبه و سند کنگره فوق العاده در مجموعه اسناد سازمان ثبت گردید.

بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی

پس از تعیین سند پایه برای خط مشی سیاسی و انتخاب کمیسیون آن، کنگره به بررسی

عملکرد ارگانهای مرکزی در فاصله کنگره هفتم و فوق العاده نشست. «ارزیابی از فعالیت هیات رئیسه شورا و شورای مرکزی سازمان»، «ارزیابی عملکرد هیات سیاسی اجرایی»، گزارش عملکرد قریب به اتفاق گروههای کار و کمیسیونهای دائمی، و نیز گزارش فعالیت هیات رسیدگی به شکایات و داوری، بیشتر تهیه شده و در پوشه کنگره در اختیار حاضران در کنگره قرار گرفته بودند. کار بررسی عملکرد ارگانها شامل پرسش از مسئولان و پاسخ اینان، اظهار نظر عمومی کنگره پیرامون عملکرد ارگانها و سرانجام پاسخگویی نهایی مسئولان می شد.

دعوت از مردم به شرکت در انتخابات شوراها، اعلام حمایت از قطعنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد ایران، و نیز کیفیت اجرای تصمیم کنگره هفتم دایر بر اینترنتی کردن نشریه کار، از زمره مکررترین مواردی بودند که سخنرانان در موافقت یا مخالفت با آن ها صحبت کردند.

پس از مراحل فوق قرار بر این شد که نمایندگان قرارهای پیشنهادی خود پیرامون عملکرد ارگان های مرکزی را در اختیار هیات رئیسه کنگره بگذارند تا در زمان رسیدگی به قرارها به آن ها رسیدگی شود. در مورد عملکرد سیاسی ارگان های مذکور تنها یک قرار ناظر بر شرکت در انتخابات شوراها پیشنهاد شد که با توجه به اظهار نظر «ارزیابی عملکرد هیات سیاسی اجرایی» در انطباق با قرار مذکور، دهندگان پیشنهاد منظور خود را تامین شده دانسته و از به رای گذاشتن پیشنهاد خود منصرف شدند.

طرحهای مدیریت و سازماندهی

زیر این عنوان، در جریان تدارک کنگره کمیسیونی انتخاب شده بود که وظیفه مرکزی آن جستجوی طرق عمل هماهنگ ارگان های مرکزی در درون خود و در ارتباط با یکدیگر، و ارائه طرح به کنگره در این باره بود. این کمیسیون همچنین می بایست

آمادگی ها و علاقمندی های اعضای سازمان را برای عضویت در ارگان های مرکزی و پذیرش مسئولیت در آن ها، صورت برداری کند.

کمیسیون مذکور نتیجه کار خود در بخش اول را پیش از برگزاری کنگره به تشکیلات ارائه کرده و آن را به دوری از بحث نیز گذاشته بود. در این مورد، جز در خصوص تعداد اعضای شورای مرکزی، پیشنهاد بدیلی ارائه نشده بود.

کنگره کار خود در این موضوع را با اظهار نظر عمومی و نیز بحث موافق و مخالف برای تعیین سند پایه آغاز کرد. سپس روی طرح بعنوان سند پایه رای گیری شد.

نتیجه آراء :

موافق: ۵۸ درصد

مخالف: ۲۳ درصد

ممتنع: ۱۹ درصد

پس طرح کمیسیون بعنوان سند پایه مورد تأیید کنگره قرار گرفت. آنگاه کمیسیونی به انتخاب کنگره برای کار بعدی روی آن تعیین شد. تعداد اعضای این کمیسیون ۵ نفر و مخبر آن رفیق حسن جعفری بود. این کمیسیون نیز نتیجه کار خود را، پس از رسیدگی به پیشنهادهای رسیده از سوی نمایندگان و وارد کردن بخشی از آن ها در طرح نهایی، در سومین روز کنگره به آن ارائه داد.

از آنجا که در جریان کار کنگره و به هنگام رسیدگی به موضوع «موارد ضرور اساسنامه ای» تصمیم این شد که همین کمیسیون، رسیدگی به موارد اساسنامه ای را نیز بعهده گیرد، در اینجا گزارش را با کار کنگره در موضوع اخیر ادامه می دهیم.

موارد ضرور اساسنامه ای

زیر این عنوان رسیدگی به ۳ مورد اساسنامه ای، که با توجه به هم تحول اوضاع بیرونی، که الزام تصمیم گیری های عمومی عاجل را برای سازمان پیش کشیده است، و هم مناسبات درونی تشکیلات، اهمیت یافته اند، مطرح بود:

* گروه بندی های درون سازمانی (فراکسیون ها)، که انتظام دادن به مناسبات گرایش های موجود در سازمان موضوع آن بود،

* هیات داوری، که عهده دار رسیدگی به شکایات اعضا و ارگانهای سازمان از یکدیگر و داوری در این باره خواهد بود،

* همه پرسى، که باید کار مراجعه به عموم اعضای سازمان برای اخذ تصمیمات مهم یا تأیید آنها را آئین مند کند.

پیش از کنگره طرحی در این موضوعات توسط سازمانگر تدوین اساسنامه سازمان، رفیق بیژن اقدسی، در مشاورت با رفقایى که در این موضوعات پیشنهادهایی داده بودند، تهیه شده بود. طرح بدیلی وجود نداشت.

کنگره کار تعیین سند پایه را بر مبنای همان طرح ارائه شده پیش برد. با توجه به ناهمجوهری سه موضوع پیشگفته قرار شد که در مورد پایه بودن هر یک از آنها جداگانه تصمیم گیری شود. پس از اظهارنظر عمومی و بحث موافق و مخالف در هر باره، رای گیری برای تعیین طرح پایه انجام شد. نتایج رای گیری:

در مورد گروه بندی های درون سازمانی :

موافق: ۲۸ درصد

مخالف: ۴۲ درصد

ممتنع: ۳۰ درصد

در مورد هیات داوری :

موافق: ۷۲ درصد

مخالف: ۱۰ درصد

ممتنع: ۱۸ درصد

در مورد همه پرسى:

موافق ۹۴ درصد

(مخالف و ممتنع رای گیری نشده است).

پس، موضوع نخست، یعنی «گروه بندی های درون سازمانی» بعنوان پایه پذیرفته نشد و از طرح حذف شد. دو موضوع دیگر با رای موافق قابل توجهی بعنوان طرح پایه مورد تأیید کنگره قرار گرفتند. در زمان تشکیل کمیسیون کنگره پیشنهاد دایر بر این که کاربندی روی این موضوعات به همان کمیسیون منتخب کنگره در موضوع مدیریت و سازماندهی سپرده شود، را پذیرفت و از این پس کمیسیون نامبرده کار بر روی تمام طرحهای تشکیلاتی را، که بعنوان پایه پذیرفته شده بودند، پیش برد.

کمیسیون نتیجه کار خود را در سومین روز کنگره برای تصویب به آن ارائه داد. اجلاس کنگره با رسیدگی به پیشنهادهای پذیرفته نشده توسط کمیسیون و سپس رای گیری روی کلیات سند، به کار خود در این زمینه خاتمه داد. نتیجه رای گیری روی کلیات سند به قرار زیر بود:

موافق: ۸۲ درصد

مخالف: ۸ درصد

ممتنع: ۱۰ درصد

به این ترتیب این سند نیز با اکثریت بالای آرای موافق تصویب شد و وجوه اساسنامه ای آن، یعنی هیات داوری و همه پرسى، بعنوان وجوهی از اسناد پایه ای سازمان ثبت شدند.

انتخاب شورای مرکزی و هیات داوری

انتخاب ارگان های مذکور در این کنگره نه بعنوان آخرین موضوع دستور بلکه پیش از رسیدگی به قرارها صورت گرفت و تنها یک قرار، که نتیجه آن می توانست در نتیجه انتخابات مؤثر افتد، پیش از انتخابات رسیدگی شد. این قرار مربوط به سهمیه بندی برای رفقای زن برای حضور در شورای مرکزی می شد و پیش بینی می کرد که شورای مرکزی ای که کنگره فوق العاده انتخاب می کرد می بایست حداقل شامل ۲۵ درصد اعضای زن باشد. قرار به رسیدگی گذاشته شد و چند پیشنهاد دیگر نیز در ارتباط با میزان سهمیه ارائه شدند. پس از بحث موافق و مخالف، ابتدا اصل سهمیه بندی به رای گذاشته شد. نتیجه رای گیری:

موافق: ۷۰ درصد

(در این رای گیری و رای گیری های بعدی به اخذ آراء موافق اکتفا شده و یا تعداد کم آراء برای اعلام «تصویب نشد» کفایت می کرده است).

با تصویب اصل سهمیه بندی، رای گیری روی تک تک پیشنهادهای ناظر بر میزان سهمیه انجام شد. نتیجه رای گیری ها:

پیشنهاد دایر بر ۵۰ درصد سهمیه زنان: موافق ۴ درصد

پیشنهاد دایر بر حداقل ۲۵ درصد سهمیه زنان: موافق ۱۴ درصد

پیشنهاد دایر بر حداقل ۲۰ درصد سهمیه زنان: ۵۶ درصد

پیشنهاد دایر بر حداقل به نسبت تعداد اعضای زن در تشکیلات: ۴۲ درصد

پیشنهاد دایر بر حداقل به نسبت تعداد نمایندگان حاضر در کنگره: «تصویب نشد»

پس پیشنهاد دایر بر حداقل ۲۰ درصد سهمیه زنان تصویب شد.

متعاقب آن نیز پیشنهادی از تصویب کنگره گذشت، که به موجب آن رفقای زن برای عضویت در شورای مرکزی باید حداقل ۳۰ درصد آراء را کسب کنند (توضیح: این قید تاکنون بدون تفکیک برای رفقای زن و مرد و برابر حداقل ۵۰ درصد آراء بوده است).

سپس لیست کاندیداهای عضویت در شورای مرکزی تنظیم و قطعی شد و هر کاندیدا فرصت یافت تا اطلاعاتی را در باره احوال شخصی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، ... و نیز علایق و آمادگی هایش برای کار در شورا به اطلاع اجلاس برساند.

سرانجام رای گیری به صورت مخفی انجام شد. کنگره تصویب کرده بود که هر کس حداکثر به ۱۳ نفر می توانست رای دهد. از میان ۳۳ کاندیدا، ۲۰ نفر در همان نوبت اول رای گیری به عضویت شورای مرکزی درآمدند و در نوبت تکرار رای گیری به علت برابری آراء دو نفر یک رفیق دیگر نیز به عضویت شورا پذیرفته شد.

در ترکیب جدید شورا ۵ رفیق زن، بدون استفاده از «سهمیه بندی» حضور دارند، و بیشترین آراء نیز به یک رفیق زن داده شده است. ۷ رفیق در شورای پیشین عضویت رسمی نداشته اند و هر ۷ نفر آنان برای نخستین بار است که به عضویت شورای مرکزی در می آیند.

پس از انتخاب شورای مرکزی، نوبت به انتخاب هیات داوری رسید. ترکیب این هیئت شامل ۳ نفر است و حضور کاندیداهای عضویت آن در کنگره الزامی نیست. برای عضویت در این ارگان ۶ رفیق کاندیدا بودند. در این مورد هر کس می توانست به تا ۳ نفر رای دهد و کسانی به عضویت هیات در می آمدند که حداقل ۲/۳ آراء را کسب کرده باشند. براین قرار، پس از دو نوبت رای گیری سه رفیق به عضویت نهاد داوری انتخاب شدند.

قرارها

با تفکیکی در قراردادهای سیاسی و تشکیلاتی، دو قرار سیاسی به کنگره ارائه شده بودند: ۱- قرار در محکومیت طرح دولت شارون برای اخراج یاسر عرفات از فلسطین. این قرار اعلام می کند: "کنگره طرح دولت شارون برای اخراج یاسر عرفات، رئیس جمهور منتخب و رهبر خلق فلسطین از سرزمین های اشغالی را محکوم و از قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در این رابطه حمایت می کند". ۲- قرار در مورد اتحادها. در این قرار، با استقبال از شکل گیری «اتحاد جمهوریخواهان» و «سمینار پاریس»، تمامی احزاب و سازمان های سیاسی جمهوریخواه دموکرات به تشدید تلاش برای اتحاد گسترده جمهوریخواهان دموکرات دعوت شده اند. کنگره پس از تصویب قرار اتحادها همچنین در مورد صدور پیامی به همه نیروهای دموکرات جمهوریخواه تصمیم گرفت.

علاوه بر این، با توجه به کوششی که در کنگره برای ارائه قطعنامه ای پیرامون اوضاع جهانی مرتبط با منطقه و ایران انجام یافته بود، کنگره شورای مرکزی منتخب خود را موظف کرد که در اسرع وقت قطعنامه ای حاوی موضوعات مذکور را تدوین کند و به نام خود انتشار دهد.

سایر قرارها، که عموماً "شورای مرکزی منتخب کنگره را برای انجام اقدامات معین تشکیلاتی مخاطب گرفته بودند، طی قرار واحدی، که از تصویب کنگره گذشت، جهت رسیدگی و اقدام ضرور به شورای مرکزی منتخب سپرده شدند. مورد استثناء قراری در مورد زمان کنگره آتی سازمان بود که به موجب آن کنگره آتی سازمان باید در خلال ۲ سال آینده برگزار شود. این قرار نیز در کنگره طرح و تصویب شد.

به این ترتیب کنگره فوق العاده سازمان با رسیدگی به تمام موضوعات در دستورش و اخذ تصمیمات ضرور در هر باره با موفقیت به کار خود پایان داد. تقدیر از رفقای که با زحمات سنگین شان در دوره نسبتاً کوتاه تدارک و در جریان کنگره به کسب این موفقیت کنگره در شرایط بسیار حساس برگزاری آن کمک شایانی کرده بودند، قرار پایانی بخش رسمی کنگره بود.

پس از آن، مطابق پیش بینی قبلی، مراسم تودیع از ارگان های پیشین و خوشامدگویی به ارگان های منتخب کنگره با جشن و سرور و سرود، و رضایت مشهود ناشی از توفیق کنگره برپا شد.

تلاش چهار روزه کنگره فوق العاده اینک در سند خط مشی سیاسی مصوب آن، در عزم اعلام شده اش برای آن که نیروی پیگیر پی ریزی اتحاد وسیع جمهوریخواهان دمکرات باشد، و در گام استوارش برای تعمیق دموکراسی درون سازمانی، به ثبت رسیده است. این موفقیت توأماً تعهدی است از جانب سازمان نسبت به جنبش ترقیخواهانه و دموکراتیک مردم میهمان، و نیز از جانب ارگان های رهبری آن نسبت به تمامی نیروهای سازمان. امیدها برای آن که سازمان این تعهد را سربلندانه بجا آورد بسیارند.

کنگره ی نهم

www.iran-archive.com

کنگره ی نهم

سند خطمشی سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
مصوب شورای مرکزی منتخب کنگره نهم (کنگره "با خاوران")
برای استقرار جمهوری ایران به جای جمهوری اسلامی

جمهوری مدنظر ما یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال است!

اطلاعیه پایان اجلاس کنگره نهم "کنگره با خاوران"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گزارش کنگره نهم "کنگره با خاوران"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای تامین حقوق زنان

فرآیند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون)

جهانی دیگر ممکن است

پیام های کنگره نهم "کنگره با خاوران"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام ها به کنگره نهم "کنگره با خاوران"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اطلاعیه

پایان اجلاس کنگره نهم

"کنگره با خاوران"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از نهم تا دوازدهم شهریور ماه ۱۳۸۴ در کشور هلند تشکیل گردید و با انتخاب اعضای شورای مرکزی با موفقیت به کار خود پایان داد. در کنگره نهم اسناد سیاسی و سازمانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در باره هر یک تصمیم ضرور گرفته شد.

کنگره این امکان را از طریق شبکه اینترنتی (پالتاک) فراهم کرد که علاقمندان بتوانند همزمان جریان کنگره را دنبال کنند.

در کنگره هیئت‌هایی از احزاب و سازمان‌های سیاسی دوست حضور داشتند و در بحث‌ها و تبادل نظرها مشارکت ورزیدند.

کنگره نهم به دلیل تقارن با سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و اجتماع پرشکوه بازماندگان قربانیان در گلزار خاوران "با خاوران" نامیده شد. در روز دوم کنگره همزمان با حضور پرشکوه هزاران نفر در گلزار خاوران، مراسم شورانگیزی به همین مناسبت در صحن کنگره برگزار گردید.

کنگره نهم هم چنین شاهد حضور و مشارکت بسیاری از فعالان "جنبش فدائی" بود که صمیمانه و فعالانه در روند کنگره مشارکت داشتند.

فضای کنگره بسیار گرم و صمیمانه بود و اعضای کنگره، به رغم تفاوت نظرها پیرامون اوضاع سیاسی و وظایف ما، کار کنگره را به پیش برده و با موفقیت به پایان رساندند.

کنگره نهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

(کنگره با خاوران)

۱۳ شهریور ۱۳۸۴

www.iran-archive.com

گزارش

نهمین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کنگره ((با خاوران))

نهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روزهای نهم تا دوازدهم شهریور ماه ۱۳۸۴ برگزار شد. این کنگره نوبتی نیز بر پایه سند موازین مناسبات تشکیلاتی در فاصله‌ای کمتر از دو سال از برپایی کنگره فوق‌العاده سازمان تشکیل گردید. دستور کار پیشنهادی شورای مرکزی منتخب کنگره پیشین به کنگره نهم شامل موارد زیر بود:

- ۱- بررسی عملکرد ارگان‌های مرکزی سازمان
 - ۲- تصویب سند خط مشی سیاسی سازمان
 - ۳- بررسی مشکلات سازمانی، مدیریت و سازماندهی
 - ۴- تدقیق و تکمیل سند دیدگاه‌ها و آماج‌ها
 - ۵- تصویب سند اساسنامه
 - ۶- بررسی گزارش هیئت رسیدگی به شکایات و داوری "رشد"
 - ۷- انتخاب شورای مرکزی
- گروه کار زنان شورای مرکزی که خواهان تدقیق معینی در سند مصوبه کنگره پنجم برای تامین حقوق زنان بود و رفیقی که "تعیین اولویت‌ها" برای مجموعه فعالیت‌های هیئت سیاسی اجرایی در دوره آتی را در کنگره ضروری می‌دید، خواستار افزوده شدن این موضوع در دستور کنگره شدند که این تغییرات در دستور پذیرفته شد.

تدارک کنگره

تدارک مضمونی این بار کنگره نیز شش ماه پیش از برگزاری آن شروع شد. شورای مرکزی وقت و هیئت رئیسه آن مسئولیت تدارک کنگره را به عهده داشتند.

در جهت تدارک اقدامات زیر به عمل آمد:

- هیئت رئیسه شورا گزارش تمامی جلسات شورای مرکزی را آماده کرده و در اختیار تشکیلات قرار داده بود. هیئت سیاسی - اجرایی نیز علاوه بر گزارش‌های میان‌دوره‌ای، گزارش فعالیت دوساله خود را تقدیم کرده بود. علاوه بر آن تمامی گروه‌های کار و هیئت رئیسه شورا گزارش مستقل خود را آماده کرده، در اختیار قرار داده بودند. مجموعه این گزارش‌ها به علاوه دید تیز بین و تجربه تک تک رفقای تشکیلات دستمایه کافی را برای بررسی عملکرد ارگان‌های مرکزی سازمان فراهم نموده بود.

- - جهت تدوین پیش نویس سند خط مشی سیاسی سازمان، از شش ماه پیش کمیسیونی ۹ نفره توسط شورای مرکزی منتخب کنگره فوق العاده انتخاب شده بود. این کمیسیون با اینکه نتوانسته بود مطابق قرار یک ماه پیش از کنگره سند تهیه شده را در اختیار تشکیلات قرار دهد، نهایتاً توانست دو هفته پیش از کنگره مصوبه خود را در اختیار تشکیلات قرار دهد. طرح‌های آلترناتیوی هم از سوی رفقای در درون یا بیرون کمیسیون تهیه شده بود که از میان آنها دو پیش‌نویس به کنگره ارائه شد.
- کمیسیون مدیریت و سازماندهی منتخب شورای مرکزی نیز گزارش کار خود از بررسی مشکلات سازمانی و پیشنهادهای ارائه شده از جانب رفقای تشکیلات در ارتباط با این مضمون را برای بررسی به کنگره تقدیم کرده بود.
- کمیسیون دیدگاه‌ها و آماج‌های منتخب شورای مرکزی علاوه بر تهیه پیش‌نویسی در جهت تدقیق و تکمیل سند مصوب کنگره پنجم سازمان و تقدیم آن به کنگره، از آنجا که در این سند نسبت به مسائل جهانی اظهار نظر نشده است و نظر به اهمیت اساسی نوع برخورد به مقوله فرایند جهانی شدن، سند کامل دیگری را با نام "فرآیند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون)، جهانی دیگر ممکن است، نگرش‌ها، پرنسپ‌ها و سمت‌گیری‌های ما" تهیه نمود و به کنگره ارائه کرد.
- کمیسیون اساسنامه نیز پیش‌نویس یک اساسنامه کامل را برای جایگزینی سند "موازن مناسبات تشکیلاتی در خارج از کشور" مصوب کنگره سوم، تهیه کرده، در اختیار کنگره قرار داده بود.
- هیئت رسیدگی به شکایات و داوری "رشد" نیز که برای نخستین بار در کنگره پیشین مستقل از شورای مرکزی انتخاب شده بود، گزارش خود را ارائه داده بود.

جریان کنگره

کنگره در زمان مقرر توسط هیئت رئیسه شورای مرکزی هشتم هشتم با خوشامد گوئی وبا سرود بهاران خجسته باد گشایش یافت. همزمانی برگزاری کنگره با هفدهمین سالگرد کشتار

جمعی زندانیان سیاسی در زندان‌های جمهوری اسلامی مناسبتی بود که کنگره با یاد عزیزی که در گلزار خاوران خفته‌اند، در همبستگی با خانواده‌های ایشان "با خاوران" نامیده شود و با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام همه جانب‌باختگان آغاز گردید. کنگره با موج مقاومت در زندان‌های رژیم نیز هم‌زمان بود. در هفته‌ها و ماه‌های پیش از کنگره و هم‌زمان با برگزاری آن نیز تعدادی از زندانیان سیاسی در اعتصاب غذا به سر می‌بردند. جمعی از اعضای سازمان در همراهی با آنان و در دفاع از حقوق بشر و آزادی زندانیان سیاسی و در اعتراض به جنایات اخیر رژیم در کردستان از چند هفته پیش از افتتاح کنگره، اعتصاب غذای نوبتی روزانه خود آغاز کرده و چون مشعلی دست به دست سپرده بودند تا به کنگره برسند. در آخرین روز قبل از کنگره دوستانی از میان مردم بلژیک نیز به نشانه همبستگی بین‌المللی به این اعتصاب غذا پیوسته بودند.

پس از گشایش کنگره، مطابق آئین‌نامه‌ی کنگره‌های سازمان، هیئت رئیسه سنی در جایگاه ریاست کنگره قرار گرفت و پس از خوش آمد گویی کار خود را با فراخواندن مسئول گروه کار تشکیلات آغاز نمود تا وی در مورد روند گردهم‌آوری اعضای کنگره و اعتبارنامه آنان، تعداد اعضای حاضر در صحن کنگره و تعداد اعضایی که از طریق اینترنت در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشتند و رسمیت یافتن کنگره توضیح دهد. سپس با اعلام رسمیت یافتن کنگره توسط هیئت رئیسه سنی پنج نفر از اعضای کنگره کاندیداتوری خود را برای هیئت رئیسه دائمی کنگره اعلام کردند و پس از گرفتن رای اعتماد از اعضا، هدایت کنگره را در دست گرفتند.

هیئت رئیسه بر اساس برنامه‌ریزی پیش‌بینی‌شده، ابتدا تصویب دستور کار کنگره را مد نظر قرار داد. در این ارتباط پیشنهادی مبنی بر ادغام چند دستور و کاهش زمان مصروف ارائه شد. مطابق این پیشنهاد، کنگره باید موضوعات تشکیلاتی یعنی اساسنامه، مدیریت و سازماندهی را تنها در موارد حاد و عاجل مورد رسیدگی قرار می‌داد و به این منظور نیز تشکیل تنها یک کمیسیون کفایت می‌کرد و کمیسیون مستقلی نیز برای رسیدگی به قرارها تشکیل نمی‌شد و حسب مورد کمیسیون‌های دیگر کنگره قرارها را بررسی می‌کردند. این پیشنهاد از آن رو ارائه شده بود که تصور می‌شد حجم دستور نسبت به زمان کنگره زیاد است و در این کنگره نیز کماکان موضوع خط مشی سیاسی سازمان در دور آتی فعالیت آن اولویت نخست کنگره باشد. با تصویب این

پیشنهاد و پیشنهادی متعاقب آن که بررسی اولویت‌های فعالیت ارگان‌های مرکزی در دور بعدی را در دستور کنگره ضروری می‌دید، قرار شد که موضوعات اساسنامه‌ای، مدیریتی و اولویت‌ها در کنگره باهم مورد رسیدگی قرار گیرند و تنها یک کمیسیون برای آنان تشکیل گردد. گروه کار زنان نیز موفق شد بررسی پیش‌نویس سند ارائه‌شده خود را در دستور کار کنگره بگنجانند. بحث‌های این کنگره نیز همچون دو کنگره پیشین از طریق اتاق اینترنتی سازمان پخش می‌شد. هر چند که این تماس عمدتاً یک‌طرفه بود و دوستان اتاق اینترنتی عمدتاً شنونده بودند، اما اعضای کنگره توانستند در دقایقی شنونده نظرات حضار در فضای مجازی اینترنتی باشند. کنگره نهم سازمان پیام‌هایی نیز برای بخش‌های مختلفی از مردم کشورمان صادر نمود. مخاطبان ویژه پیام‌ها در این کنگره، خانواده‌های جان‌باختگان فاجعه ملی، آزادی‌خواهان دربند ایران، کارگران، مزدبگیران و زحمتکشان یدی و فکری، فعالان تشکل دانشجویی، جنبش مستقل زنان و مبارزان تأمین حقوق ملی در ایران واحد و دموکراتیک بودند.

با خاوران

هم‌زمانی برپایی کنگره با دهم شهریور ماه، هفدهمین سالروز نمادین کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و هم‌زمان با حضور بازماندگان جان‌باختگان این فاجعه در خاوران و دیگر گلزارهای کشورمان، مراسم ویژه‌ای در سومین روز در صحن کنگره نهم برگزار شد. این مراسم با بزرگداشت یاد و خاطره عزیزان جان‌باخته و در همبستگی با خانواده‌های عزیز آنها شروع و با یک دقیقه سکوت و سرود "بهارا به میهن ما بنگر" ادامه یافت. سپس آقای حجت تقی‌پور، نماینده کانون زندانیان سیاسی-هلمند، رهایی‌یافته‌ای از آن دوران سیاه از خاطرات آن روزهای خود سخن گفت و در پایان خطابه‌اش فعالیت مشترک در راه رهایی زندانیان سیاسی را خواستار شد. در ادامه شعر چکامه چاک چاک شاعر برجسته، رضا مقصدی خوانده شد و با تأثر مضاعف به‌خاطر شنیدن خیر مرگ جانگداز مادر رضایی‌ها، در میان اشک و اندوه همگانی دسته‌های گلی به بستگان عزیزان جان‌باخته تقدیم شد.

میهمانان کنگره

بنا به روالی که از کنگره پنجم سازمان به بعد معمول است، در این کنگره نیز هیئت‌ها و نمایندگانی از سازمان‌ها و احزاب سیاسی ایرانی و غیر ایرانی، تعدادی از شخصیت‌ها و فعالان سیاسی کشورمان به عنوان میهمان حضور داشتند. در این کنگره تعداد بیشتری از اعضای اتحاد فداییان خلق ایران با حضورشان به دعوت ما پاسخ داده بودند. از میان یاران همواره همراه سازمان نیز همچون کنگره‌های گذشته، عده‌ای از کادرها و اعضای پیشین و نیز دوستداران سازمان میهمان کنگره بودند. همچنین شخصیت‌هایی از جنبش دموکراتیک و چپ افغانستان به عنوان میهمان در کنگره ما شرکت داشتند.

هیئت‌ها یا نمایندگانی از سازمان‌ها، احزاب و جریان‌های سیاسی ذیل در کنگره حضور داشتند: اتحاد جمهوری‌خواهان ایران، جبهه متحد بلوچستان ایران، حزب توده ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له)، سازمان‌های جبهه ملی ایران (برون‌مرز)، کانون زندانیان سیاسی ایران - هلند و کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران.

علاوه بر تشکل‌های یادشده، احزابی که امکان حضور در کنگره را نیافته بودند، از طریق ارسال پیام همراهی خود را نشان دادند که در میان آنان از جمله از حزب دموکرات ایران، حزب سبزهای فرانسه، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست فرانسه و دفتر اروپایی حزب ملت ایران می‌توان یاد کرد.

از اقدامات جالبی که خوشبختانه در این کنگره نیز همچون کنگره پنجم سازمان امکانش فراهم گشت، تشکیل میز گردی با شرکت میهمانان و نمایندگان احزاب حاضر در کنگره بود.

شرکت‌کنندگان در میزگرد، هر یک موضوعی را برای بحث انتخاب کردند و پیرامون آن نظراتشان را ابراز نمودند. در میزگرد موضوعاتی چون تحولات اخیر افغانستان و تاثیر آن بر

منطقه و ایران - وضعیت کنونی ایران، کردستان و مسئله کرد - ایران و مسئله ملی - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و مسئله ملی - اتحادها و ائتلاف‌های نیروهای سیاسی ایران و مسئله وحدت نیروهای چپ - و ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری مورد بحث و تبادل نظر میهمانان و اعضای کنگره قرار گرفت.

خط مشی سیاسی

همانگونه که انتظار می‌رفت در این کنگره نیز موضوع تعیین خط مشی سیاسی دو سال آتی در اولویت نخست کنگره قرار گرفت. مطابق روال معمول، نخستین کار مضمونی کنگره تعیین سند پایه برای خط مشی سیاسی بود. کمیسیون سیاسی منتخب شورای مرکزی هشتم پیش‌نویس سندی را با عنوان « برای استقرار جمهوری ایران به‌جای جمهوری اسلامی - جمهوری مورد نظر ما یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و فدرال است! » برای کنگره آماده کرده بود. علاوه بر این پیش‌نویس، طرح‌های بدیل زیر نیز به کنگره ارائه شده بودند:

- سند سیاسی پیشنهادی (آلترناتیو) به کنگره نهم، از طرف رفیق مهدی فتاپور

- جمهوری فدرال به‌جای حکومت اسلامی ایران، از طرف رفقا سیاوش بهلولی و کاوه عظیمی
 پس از یک دور اظهار نظر عمومی اعضای کنگره پیرامون هر سه پیش‌نویس و نهایتاً بحث موافق و مخالف روی هر سند، جهت تعیین سند پایه رای گیری به عمل آمد. هرکس می‌توانست به یک، دو یا سه سند رای مثبت بدهد. نتیجه رای گیری به قرار زیر بود:

سند کمیسیون: ۵۶ درصد آراء

سند رفقا سیاوش بهلولی و کاوه عظیمی: ۴۸ درصد آراء

سند رفیق مهدی فتاپور: ۴۱ درصد آراء

به این ترتیب سند کمیسیون سیاسی منتخب شورای مرکزی هشتم به‌عنوان سند پایه جهت کار تکمیلی تصحیحی بر روی آن انتخاب شد. سپس از میان کاندیداهای عضویت در کمیسیون کنگره ۷ نفر انتخاب شدند، ولی از آنجا که ۴ نفر از انتخاب شدگان به سند کمیسیون منتخب

شورا رای موافق نداده بودند، این نگرانی برای بسیاری از اعضای کنگره پیش آمد که چه بسا کمیسیون انتخابی کنگره نتواند سند را طوری اصلاح کند که موافق رای کنگره باشد. از این رو متعاقب ساعت‌ها تبادل نظراعضای کنگره با یکدیگر، هیئت رئیسه قراری را پیشنهاد کرد که بر مبنای آن اکثریت منتخبان سند سیاسی در کنگره حاضر باید به سند مبنای رای داده باشند. با تصویب این قرار توسط ۶۸ درصد اعضای کنگره، راهی برای تجدید نظر بر تصمیم‌گیری قبلی کنگره و انتخاب مجدد کمیسیون خط مشی سیاسی گشوده شد. متعاقباً هیئت رئیسه کنگره قراری را مبنی بر لغو تصمیم قبلی که به انتخاب کمیسیون ۷ نفره منجر شده بود، ارائه داد که این قرار نیز با ۶۵ درصد آراء تصویب شد. در نتیجه رای‌گیری مجدد برای تعیین کمیسیون از میان ۱۰ کاندیدا صورت گرفت و کمیسیون ۷ نفره جدید انتخاب گردید. در این کمیسیون اکثریت ۴ نفر از رای‌دهندگان به سند کمیسیون تأمین شده بود. کمیسیون در نخستین جلسه خود با افزودن یک عضو مشاور به ترکیب خود کوشید که بهره‌مندی بیشتری از نظرات مدافعان سه سند ارائه شده، داشته باشد. حسب انتظار نظر به اهمیت بحث‌های مطروحه در سند، تعداد کثیری از پیشنهادها به کمیسیون رسید. کمیسیون بنا به وظیفه خود به بررسی پیشنهادها پرداخت و حاصل کار خود را در اختیار کنگره برای تصویب نهایی گذاشت. اما متأسفانه به علت ضیق وقت کنگره قادر نشد نسبت به پیشنهادهای تصویب نشده اظهار نظر کند و تنها پیشنهادهای مربوط به تبتیر سند مورد بررسی قرار گرفتند. به این ترتیب، از جانب کمیسیون قراری شامل ۳ بند به کنگره ارائه شد که بر مبنای آن:

- ۱- کنگره نسبت به آخرین پیش‌نویس مصوب کمیسیون منتخب کنگره، رای تمایل خود را ابراز می‌کند.
 - ۲- کنگره شورای مرکزی را موظف کند که حداکثر ظرف یکماه و نیم پس از اتمام کنگره، پیش‌نویس دارای رای تمایل کنگره را از طریق رسیدگی به پیشنهادها ارائه شده به کمیسیون کنگره منضم، تدقیق و انتشار دهد.
 - ۳- برای انجام وظیفه فوق کمیسیون منتخب کنگره تا آن زمان کار خود را ادامه دهد.
- از سوی هیئت رئیسه رای‌گیری نسبت به بند اول این قرار هم‌ارز با دادن رای تمایل به کلیت سند تلقی شد. به این ترتیب کلیت سند با آرای ۶۳ درصد حاضران دارای حق رای تصویب

شد و سپس با رای مثبت کنگره نسبت به بند ۲ و ۳ قرار پیش گفته، نحوه تدقیق و تکمیل آن نیز روشن گردید.

بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی

بررسی عملکرد شورای مرکزی، هیئت سیاسی - اجرایی و سایر ارگانهای مرکزی در این کنگره نیز همچون تمام کنگره‌های پیشین، از اهم وظایف کنگره تلقی می‌شد. برای بررسی دقیق‌تر عملکرد قبلا «گزارش و ارزیابی از فعالیت هیئت رئیسه و شورای مرکزی منتخب کنگره فوق‌العاده (کنگره هشتم)»، «گزارش عملکرد هیئت سیاسی - اجرایی منتخب شورای مرکزی هشتم سازمان» و گزارش عملکرد گروه‌های کار و کمیسیون‌های دائمی تهیه شده و در پوشه کنگره در اختیار حاضران قرار گرفته بود. کار بررسی عملکرد ارگان‌ها شامل پرسش از مسئولان و پاسخ ایشان و سرانجام پاسخگویی نهایی مسئولان بود.

موضوعاتی که در این مرحله از سوی اعضای کنگره مطرح شدند شامل موارد زیر بود: عدم توفیق کافی در جذب دوباره آن بخش از رفقای سازمان که به دلایل گوناگون در سال‌های اخیر از سازمان کنار کشیده‌اند و همچنین جوانانی که به مسائل سیاسی روی می‌آورند، نگرانی از کاهش صرف انرژی رفقای که بیشتر در امر پیشبرد اتحادها و ائتلاف‌ها کوشا هستند، در فعالیت‌های مستقل سازمانی و شاید بتوان آنرا ناشی از عدم هدایت هماهنگ شورای مرکزی سازمان دانست، کیفیت اجرای تصمیم دایر بر اینترنتی کردن نشریه کار و چرخشی بودن مسئولیت سردبیری آن، فعالیت کمتر از انتظار مجموعه فعالیت‌های مربوط به جوانان و ارتباطات بین‌المللی و تاخیر در تشکیل گروه کار زنان از جمله موارد مطروحه در این دستور بودند. سپس کنگره کمیسیونی را برای بررسی نقطه نظرها و پیشنهادهای مربوطه انتخاب نمود و کمیسیون نتایج بررسی خود را در دو دور در اختیار کنگره قرار داد.

کمیسیون در ادامه با اشراف به کمبود وقت کنگره و مجموعه مسائل حل نشده باقی در آن، بر تصویب سند ارائه شده خود به کنگره اصرار نمود و به ثبت آن در اسناد کنگره و دادن توجه شورای مرکزی آتی به محتوای آن اکتفا کرد.

دیدگاه‌ها و آماج‌ها، فرآیند جهانی شدن

بر پایه قرار مصوبه کنگره هفتم سازمان مبنی بر لزوم تدقیق و تکمیل سند دیدگاه‌ها و آماج‌ها، شورای مرکزی هشتم شش ماه پیش از کنگره کمیسیونی را برای تهیه پیش‌نویس این سند جهت تقدیم به کنگره تشکیل داد. کمیسیون منتخب شورا در راستای انجام مسئولیت خود، با این دید که مسئله فرآیند جهانی شدن اهمیت اساسی در تدوین دیدگاه‌های ما دارد و از آنجا که درسند پیشین نسبت به مسائل جهانی اظهار نظر نشده است، تصمیم گرفت که در گام نخست سند کامل دیگری را با نام "فرآیند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون)، جهانی دیگر ممکن است، نگرش‌ها، پرنسپ‌ها و سمت‌گیری‌های ما" تهیه و در گام بعدی سند دیدگاه‌ها و آماج‌ها را تدقیق و تکمیل کرده و سپس هر دو پیش‌نویس را به کنگره ارائه کند.

در کنگره پس از طرح سوالات و یک دور اظهار نظر عمومی، با اینکه سند بدیلی به کنگره ارائه نشده بود، با این وجود رای‌گیری نسبت به مبنا بودن سند فرآیند جهانی شدن (بنا به قرار رفیق صمد) صورت گرفت و با ۸۰ درصد آراء به‌عنوان مبنا پذیرفته شد. متعاقباً ۷ نفر از رفقا آمادگی خود را برای عضویت در کمیسیون کنگره اعلام نمودند و با تایید ایشان توسط کنگره، کمیسیون کار خود را آغاز کرد. کمیسیون در روند کار خود، به جهت اهمیت موضوع فرآیند جهانی شدن و به خاطر کمی وقت، امکان بررسی جامع اسناد ارائه شده را نیافت. از این‌رو ضمن تاکید لزوم کار در زمینه آماج‌ها و دیدگاه‌ها و برنامه، به ارائه یک قرار به کنگره بسنده کرد. به موجب این قرار: - کنگره با تایید راستای سند "فرآیند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون)، جهانی دیگر ممکن است، نگرش‌ها، پرنسپ‌ها و سمت‌گیری‌های ما" از شورای مرکزی آتی می‌خواهد کار روی سند دیدگاه‌ها و آماج‌ها و برنامه را ادامه داده و نتایج آن را حسب ضرور به کنگره آتی ارائه دهد. - این قرار با اکثریت آرای کنگره به تصویب رسید.

برای تامین حقوق زنان

گروه کار زنان سازمان تدقیق سند «برای تامین حقوق زنان» مصوب کنگره پنجم را از ماه‌ها پیش از کنگره در دستور کار خود قرار داده بود. گروه کار به رغم بررسی‌های معین و طرح‌های بدیلی که در داخل و خارج گروه کار در این ارتباط تهیه شده بود، با توجه به برآوردی که از حجم دستور کار کنگره داشت، به انجام مهم‌ترین تغییرات ضرور در سند پیشین قناعت کرده بود. سند پیشنهادی گروه کار، دو هفته پیش از کنگره در اختیار تشکیلات قرار گرفته بود. افزایش کلمه "اجباری" به بند ۴ سند و افزودن یک بند در پایان آن، مجموعه تغییرات پیشنهادی گروه کار زنان به کنگره بود که هر دو تغییر بدین شکل به تصویب رسیدند:

بند ۴- حق برابر زنان و مردان در استفاده از کلیه امکانات آموزشی، ورزشی، فرهنگی و هنری باید تضمین گردد. ما مخالف هر گونه جدائی جنسی اجباری در این عرصه‌ها هستیم. آموزش دختران و پسران باید تا سن ۱۶ سالگی اجباری گردد.

بند ۱۳- ما خواهان الحاق بدون قید و شرط ایران به کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و اجرای مفاد قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴ (اعلامیه منع خشونت علیه زنان) هستیم.

اساس‌نامه، مدیریت و اولویت‌ها

چنان که پیشتر آمده است، کنگره تصمیم گرفت که مجموعه مباحث مربوط به اساس‌نامه،

مدیریت و اولویت‌ها را با هم مورد بررسی قرار دهد. شورای مرکزی هشتم در راستای اجرای مصوبه کنگره هفتم سازمان مبنی بر تدقیق اساسنامه، از ۶ ماه پیش کمیسیون اساسنامه را تشکیل داده بود. حاصل کار رفقای کمیسیون تدوین اساسنامه کاملی برای سازمان با کلیه اجزاء آن بود. کمیسیون مدیریت و سازماندهی نیز که با فاصله کوتاهی پس از پایان کنگره پیشین در راستای اجرای قرار آن کنگره آغاز به کار کرده بود، مجموعه مشکلات و مسائل سازمان را دسته‌بندی کرده و با تهیه پرسشنامه‌ای درجه اولویت و اهمیت مسائل را از اعضای سازمان خواستار شده بود. در ارتباط با مسائل اساس‌نامه‌ای، مدیریتی و تعیین اولویت‌ها نیز پس از یک دور سوال و جواب که اغلب با اظهار نظر عمومی نیز همراه بود، کمیسیون ۷ نفره‌ای از جانب کنگره برای بررسی موضوعات یادشده انتخاب شد. کمیسیون در فرصت تنها یک‌روزه باقی‌مانده از کنگره، ضمن تدقیق بیشتر سند اساسنامه، با این برآورد که ممکن است بررسی سند به عنوان یک کلیت از دستور خارج شود، تنها یک بند از آن راه، که مستقیماً به نحوه انتخاب شورای مرکزی مربوط می‌شد، به رای کنگره گذاشت و عملاً ادامه کار در این زمینه به شورای مرکزی نهم و کنگره آتی محول شد.

هیئت رسیدگی به شکایات و داوری «رشد»

بررسی گزارش هیئت رسیدگی به شکایات و داوری از جمله دستورهای کنگره نهم سازمان بود. «گزارش فعالیت هیئت رسیدگی به شکایات و داوری "رشد"»، کتاب تهیه شده بود و به همراه مصوبه کنگره فوق‌العاده سازمان در مورد تشکیل و نحوه انتخاب این هیئت و همچنین بخشی از مکاتبات هیئت با بعضی از مسئولان سازمانی در پوشه کنگره قرار داشت. کنگره پس از استماع گزارش شفاهی عملکرد هیئت و طرح سوالات و اظهار نظر برخی از اعضای کنگره، اعضای هیئت را مورد تشویق قرار داد. عمده‌ترین سوالی که از هیئت مطرح شد، مربوط

به ارگان فرجام‌خواهی در صورت عدم قبول حکم از طرف متشاکی بود که کنگره به عنوان عالی‌ترین ارگان سازمان در این مورد نیز بالاترین مرجع معرفی شد.

قرارها

همانگونه که قبلاً اشاره شد، در این کنگره کمیسیون مستقلی برای رسیدگی به قرارها تشکیل نشد و تصویب شد که کمیسیون‌های دیگر کنگره حسب مورد قرارهای مربوط را بررسی کنند. در جریان کار کنگره قرار ویژه‌ای به کنگره احاله نشد. از مجموعه قرارها تنها دو قرار (یک قرار مستقل و یک قرار مربوط به قرارها) در کنگره بررسی شد. بر اساس قراری در مورد کمیسیون آرشیو، شورای مرکزی موظف گردید، در امتداد ابتکار خویش کلیه پیشنهادهای ارائه شده به شورا را اعم از پرسدوری، مصوبه یا تصویب نشده استخراج کرده، در صد مصوبات نسبت به کل پیشنهادها را محاسبه نماید و در صد زمان صرف‌شده را نیز تعیین نموده و گزارش‌های تهیه‌شده از فعالیت خود بر این مبنا را در اختیار تشکیلات قرار دهد. قرار دیگری که به پیشنهاد هیئت رئیسه در کنگره تصویب شد، به قراردایی اشاره داشت که از سوی اعضای کنگره به هیئت رئیسه آن ارائه شده بود و مضمون آن احاله یک مسئولیت مشخص از سوی کنگره به شورای مرکزی آتی بود. کنگره با تصویب این قرار شورای مرکزی آتی را موظف به بررسی این قرارها و گزارش آن به کنگره بعدی نمود.

انتخاب شورای مرکزی و هیات رسیدگی به شکایات و داوری «رشد»

انتخاب دو ارگان یادشده آخرین موضوع دستورکنگره بود. با اینکه بسیاری از قرارهای ناظر به نحوه انتخاب این ارگان‌ها بررسی نشده بودند، کنگره در آخرین ساعات برگزاری اش ناچار به انتخاب این ارگان‌ها بود. از میان کلیه قرارهای پیشنهادی تنها دو قرار مورد بررسی قرار گرفتند. یکی از قرارها مربوط به تقلیل تعداد شورای مرکزی به ۱۷ نفر بود و با تصویب نشدن آن مقرر شد که بنا به تصمیم کنگره پیشین تعداد اعضای شورای مرکزی همان ۱۹ نفر بماند. قرار دیگر بخشی از بندی از اساسنامه پیشنهادی کمیسیون اساسنامه بود. بر مبنای آن بخش: اکثریت شورا را باید صاحبان سند خط مشی مصوب عهده‌دار شوند و برای جلوگیری از داشتن اکثریت شکننده، کنگره با ۱۰ درصد تبعض مثبت در انتخابات شورا از این مسئله جلوگیری می‌کند تا بدین وسیله سازمان بتواند تا کنگره بعدی سیاست‌گذاری بر اساس مصوبات را پیش ببرد. این قرار نیز توسط کنگره تصویب نشد. در راستای تامین حقوق اقلیت در انتخاب شورای مرکزی سازمان، در این کنگره نیز رای‌گیری به صورت نسبی ساده صورت گرفت و به این ترتیب هر کس حق داشت از میان ۲۶ نفر نامزد عضویت در شورای مرکزی حداکثر نام ۱۲ نفر را در ورقه رای خود علامت زند. پس از فرصتی برای همفکری لیست کاندیداهای عضویت در شورای مرکزی و هیئت رسیدگی به شکایات و داوری تنظیم و قطعی شد و رای‌گیری برای انتخاب اعضای این دو ارگان هم‌زمان صورت گرفت. هر ۱۹ رفیق انتخاب شده در همان دور اول حائز حد نصاب لازم شدند. در ترکیب جدید شورا ۴ رفیق زن حضور دارند و از ۵ رفیق منتخب که در شورای پیشین حضور نداشتند، دو رفیق عضو مشاور شورای پیشین برای نخستین بار منتخب کنگره برای عضویت در شورای مرکزی می‌باشند. هر سه عضو هیئت رسیدگی به شکایات و داوری منتخب کنگره پیشین، این‌بار نیز کاندیدای این مسئولیت بودند که با آرای بالا تر از دو سوم مورد نیاز مجدداً انتخاب شدند.

به این ترتیب کنگره نهم سازمان نیز با رسیدگی نسبی به موضوعات در دستورش و ابراز رای تمایل نسبت به یک خط مشی سیاسی و نیز اتخاذ برخی از ضروری‌ترین تصمیمات پیش رویش با پیروزی به کار خود پایان داد. اعضای کنگره قبل از پایان کار مراتب تشکر خود را از زحمات دست‌اندرکاران تدارک و برپایی کنگره به ایشان با کف زدن طولانی خود اعلام کردند و با جشن و سرور و سرود، دور جدیدی از همکاری با یکدیگر را آغاز نمودند. در شب‌های کنگره، هنگامی که رفقای عضو کمیسیون‌ها در گوشه‌هایی از محل همایش، به کشاکش فکری در جهت یافتن فرمول‌هایی مقبول‌تر برای اسناد پیشنهادی مشغول بودند، به کوشش رفقای خوش‌ذوق سازمان، در سالن اصلی بساط شادی و رقص، شعر و سرود برپا بود. رفقا از راه دور می‌آیند و به راه دور باز می‌گردند. اختلافات نظری و سیاسی کم نیستند و گاه سبب می‌شوند که تیرنگاه‌های خشمناک و سخن تند رفیقی، قلب رفیق دیگری را بخراشد. اگر این شب‌ها نباشند و دست‌ها در دست هم گره نشود و رقص و پایکوبی و همدلی، عصیت‌های بی‌ریشه را نزاید، چه بسا تا دیداری دیگر بخشی از نیروی همراهی لازم زایل گردد. دو سال تلاش پیگیر در راستای دست‌یابی به اهداف مصوبه کنگره در پیش روست. کنگره محتوای کلی و نام جمهوری مورد نظر ما را بار دیگر تایید کرده است. کنگره روند جهانی‌شدن کنونی را مورد نقد قرار داده و از امکان «جهانی‌سازی» دیگری حمایت کرده است. برای رسیدن به چنین اهدافی یک دنیا کار لازم است. با حفظ همدلی اعضای سازمان با یکدیگر که در پایان هر کنگره آرام بیش از هر زمان دیگری است، می‌توان و باید بخش قابل قبولی از این کار را به نتیجه رساند.

برای تامین حقوق زنان

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راستای مبارزه در راه تامین کامل حقوق زنان کشور موارد زیر را راهنمای عمل خود قرار می دهد:

۱- در قوانین ایران باید اصل برابر حقوقی زنان و مردان در همه ی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان اصلی تغییر ناپذیر گنجانده شود. شرط لازم آن جدایی تمامی قوانین از اصول و احکام مذهبی است و همه ی قوانین و مقرراتی که آشکار و یا در محتوای خود مغایر با این اصل یعنی برابر حقوقی کامل زن و مرد هستند، باید لغو شوند.

۲- در عرصه ی سیاسی زنان حق دارند بدون هر نوع تبعیض برای احراز مقام های عالی حکومتی با مردان رقابت کنند. هر گونه منع قانونی در این زمینه باید لغو شود.

۳- ما خواهان برابر حقوقی کامل زنان و مردان در کسب مشاغل هستیم. اصل دستمزد برابر برای کار برابر در قوانین کار کشور باید تصریح گردد و هر گونه تبعیض در استخدام، ارتقاء شغل و استفاده از حقوق کار مانند مرخصی، بازنشستگی، بیمه ی بیکاری و از کار افتادگی باید ممنوع شود.

۴- حق برابر زنان و مردان در استفاده از کلیه امکانات آموزشی، ورزشی، فرهنگی و هنری باید تضمین گردد. ما مخالف هر گونه جدائی جنسی اجباری در این عرصه ها هستیم. آموزش دختران و پسران باید تا سن ۱۶ سالگی اجباری گردد.

۵- انتخاب آزادانه لباس و پوشش از حقوق اولیه انسانی است و قانون باید آن را تضمین کند.

۶- آزادی و برابری کامل حقوق زن و مرد در امر ازدواج و طلاق باید تامین شود. حق زن برای سرپرستی فرزند باید به رسمیت شناخته شود. قانون باید در هنگام طلاق اصل تقسیم مساوی ماحصل مادی زندگی مشترک را تضمین کند.

۷- چند همسری چه در شکل رسمی ازدواج و چه در شکل صیغه باید ممنوع شود. سن قانونی ازدواج ۱۸ سال اعلام شود.

۸- ما خواهان آن هستیم که برای زنان کم درآمد امکانات بهداشتی رایگان در زمان بارداری تامین شود.

۹- قانون باید حق تصمیم گیری درباره ی جلوگیری از بارداری و سقط جنین را برای زنان محفوظ دارد و دولت را موظف به حمایت از آن کند.

۱۰- قانون باید با هر گونه اعمال خشونت علیه زنان از جانب مردان مقابله کند. تجاوز و سوءاستفاده ی جنسی تحت هر عنوان از جمله ازدواج با دختران خردسال تحت پی گرد قانونی قرار گیرد. هر قانونی از جمله قانون تمکین که ایذاء روحی و جسمی زن از طرف شوهر را امکان پذیر می سازد، باید لغو گردد. برای دفاع از زنانی که قربانی خشونت و تجاوز جنسی قرار می گیرند، باید با تمهیدات قانونی و ایجاد خانه های امن از آنان حمایت به عمل آید.

۱۱- ارتقاء فرهنگ یکی از راه های مبارزه با تبعض جنسی و در راستای تحقق برابری جنسی است. همه ی نهادهای اجتماعی که به نحوی در این مبارزه می توانند موثر واقع شوند باید در ترویج اندیشه برابری زن و مرد بکوشند.

۱۲- ما از جنبش های فمینیستی و مستقل زنان که در جهت کسب آزادی و برابری برای زنان تلاش می کنند حمایت می کنیم. ما گسترش و تحکیم تشکل های مستقل زنان را به سود تامین حقوق زنان و گسترش دموکراسی می دانیم.

۱۳- ما خواهان الحاق بدون قید و شرط ایران به کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و اجرای مفاد قطعنامه ۱۰۴ / ۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴ (اعلامیه منع خشونت علیه زنان) هستیم.

www.iran-archive.com

فرآیند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون)

جهانی دیگر ممکن است

نگرش‌ها، پرنسپ‌ها و سمتگیری‌های ما

در جریان کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) "کنگره با خاوران"، کنگره امکان بررسی جامع سند "فرآیند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون)، جهانی دیگر ممکن است" را نیافت. به جهت اهمیت موضوع فرآیند جهانی شدن کنگره ضمن تاکید لزوم کار در این زمینه، به ارائه یک قرار بسنده کرد. به موجب این

قرار: - کنگره با تائید راستای سند "فرآیند جهانی شدن (گلوبالیزاسیون)، جهانی دیگر ممکن است، نگرش‌ها، پرنسپ‌ها و سمت‌گیری‌های ما" از شورای مرکزی منتخب خود خواست تا کار روی سند دیدگاه‌ها و آماج‌ها و برنامه را ادامه داده و نتایج آن را حسب ضرور به کنگره آتی ارائه دهد. - این قرار با اکثریت آرای کنگره به تصویب رسید.

نگرش‌ها

- جهانی شدن امری برآمده از تاریخ، فرآیندی ریشه‌دار و فراگردی وسیع، گسترده و همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که مرزهای ملی را در می‌نوردد و بعنوان واقعیتهای انکارناپذیر در حال تکوین و تکامل است. نفی فرآیند جهانی شدن و دوری‌گزینی از آن در جهان امروز، امری ناممکن و نابخردانه است. اما پذیرش فرآیند جهانی شدن بعنوان یک واقعیت انکارناپذیر، بمعنای قبول گزینه نئولیبرالیسم نیست. در گزینه نئولیبرالیسم، شکاف بین برندگان و بازندگان آن عمیق‌تر می‌شود و جهان چهارم از دل سیاه چاله‌های متعدد حذف اجتماعی در سراسر جهان پدیدار می‌گردد. - جهانی شدن فرآیندی است متناقض، بسیار پیچیده و دارای چهره روشن و تاریک. در فرآیند جهانی شدن:

از یکسو بر میزان تولید مادی و معنوی، ثروت و امکانات بشر برای یک پی‌ریزی جامعه‌ای آزاد، دموکراتیک، عادلانه و سبز افزوده می‌شود و از سوی دیگر فقر و بی‌نوائی، نابرابری، قطبی شدن، حذف اجتماعی و تخریب محیط‌زیست گسترش و تعمیق می‌یابد و استعمار کارگران شدت پیدا می‌کند.

در فرآیند جهانی از یکسو جهان سنتی به چالش طلبیده می‌شود تا از سنت‌های دیرپای غیرعقلانی و ضد توسعه دست بردارد و از سوی دیگر در واکنش به جهانی شدن پویش بنیادگرایی تشدید می‌گردد.

- در برخورد با فرآیند جهانی شدن هم لازمست چهره روشن آن را بمناب‌ه دست‌آوردهای گران‌بار بشریت ارج گذاشت و هم برای زدودن چهره تاریک آن مبارزه نمود. هم از فرصت‌هایی که

جهانی شدن فراهم می‌آورد بسود تحقق آرمان‌ها، ارزش‌ها و توسعه کشور بهره گرفت و هم برای انسانی ساختن آن کوشید.

- فرآیند جهانی شدن امری است سامان‌پذیر. سپردن فرآیند جهانی شدن به بازار بعنوان تنها سامان‌دهنده روندها، چهره جهان را تاریک‌تر کرده و بر ابعاد فقر، نابرابری، حذف اجتماعی، قطبی شدن، تخریب محیط زیست و استثمار نیروی کار خواهد افزود. ما طرفدار ارتقای نهادهای موجود بین‌المللی تا حصول به اقتداری جهانی بمنابۀ اهرم سامان‌دهنده فرآیند جهانی هستیم.

- بنظر ما فرآیند جهانی شدن می‌تواند دمکراتیک‌تر و عادلانه‌تر اداره، تنظیم و صورت‌بندی شود. ما در فرآیند جهانی شدن بر دمکراتیزه کردن نهادهای بین‌المللی و بالابردن نقش سازمان‌های غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی، توزیع و تسطیح عادلانه قدرت، ثروت و اطلاعات اعتقاد داریم.

- ما بر شکل‌گیری جامعه جهانی که در آن شهروندان جهانی در تصمیمات اقتصادی و شغلی و تولیدی، سیاسی و اجتماعی بطوری فعالانه و آزادانه در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی سهم باشند، تاکید داریم.

- فرآیند جهانی شدن فرصت‌ها و امکاناتی را برای توسعه کشورها فراهم می‌کند. شایسته است که با برنامه‌های سنجیده برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های فرآیند جهانی شدن حرکت کرد. تأخیر در این زمینه، کشور ما را به ورطه‌ی کشورهای عقب مانده سوق خواهد داد.

- ما مخالف یک‌جانبه‌گرایی در سطح جهانی و تلاش دولت آمریکا برای نشانیدن خود بعنوان دولت جهانی هستیم و از چند جانبه‌گرایی در سطح جهانی دفاع می‌کنیم.

پرنسیپ‌های ما در برخورد با فرآیند جهانی شدن حقوق بشر، حاکمیت قانون، دمکراسی مشارکتی، عدالت اجتماعی و برابری، کارائی اقتصادی، توسعه پایدار و انسانی، حفظ محیط زیست، برابری همه جهان‌وندان، میثاق‌های جهانی، صلح و همبستگی فراملی.

ما بمنابۀ جریان چپ دمکراتیک در فرآیند جهانی شدن بر ارزش‌های دمکراتیک و سوسیالیستی تاکید داریم.

اهداف و سمتگیری‌ها

- ارتقای حاکمیت قانون به سطح بین‌المللی. شفافیت و کنترل‌پذیری در حاکمیت جهانی. تأمین حاکمیت مردم از طریق آرایش حاکمیتی چندلایه از سطح محلی تا جهانی، دمکراتیزه کردن امر حاکمیت از طریق دمکراتیک کردن دولت‌ها و ارتقای نقش نهادهای فراملی، سازمان‌های غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی. تشکیل و تقویت شبکه‌های سازمان‌های غیردولتی.

- تغییر دمکراتیک ساختار سازمان ملل متحد در جهت ارتقای نقش تک تک اعضای آن، تشکیل شورای امنیت انتخابی، تأسیس شورای امنیت انسانی (برای هماهنگ کردن سیاست‌های توسعه انسانی)، اجلاس جامعه مدنی جهانی، نظام‌های تقویت‌کننده پاسخ‌گویی جهانی. تشکیل و تقویت نیروهای دائمی حافظ صلح و نیروهای ضربتی انسان‌دوستانه. تقویت کنترل تسلیحات و نظارت بر آن، مبارزه قاطع با تروریسم، جنایات سازمان‌یافته و شبکه‌های قاچاق و پایان دادن به جنگ علیه کشورها، اقوام، نژادها و نسل‌کشی‌ها.

- ارتقای حقوق بشر به سطح امنیت، تقویت نهادهای حقوق بشر و اعمال فشار و مداخله نهادهای بین‌المللی در کار حکومت‌ها برای رعایت حقوق بشر.
- لغو بدهی کشورهای فقیر، اجرای تعهدات و سیاست‌های مربوط به کاهش فقر جهانی و توقف برنامه تطابق ساختاری نئولیبرالی. ایجاد ابزارهای جدید سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها (بهداشت، آموزش، رفاه و ...)

- تدوین قوانین و مقررات اجباری برای رفتار شرکت‌های فراملی، مکانیسم مالیاتی جهانی از جمله وضع مالیات بر مبادلات و نقل و انتقال پولی در بورس جهانی و اختصاص آن به مبارزه با فقر، بیماری ایدز، بیسوادی، حفظ محیط زیست و کمک به کشورهای در حال توسعه.

- تدبیر مکانیسم‌های مشوق و الزام‌آور بصورت مقررات بین‌المللی برای پیوند زدن منافع اقتصادی و حقوق بشر، فعالیت‌های اقتصادی و تجاری با محیط زیست و سوق دادن آنها در مجرای استانداردهای اجتماعی، رفاهی و محیط زیستی.

- رفع تبعیض جنسیتی و تأمین برابری کامل حقوق زن و مرد.

- همکاری‌های صنفی - سندیکائی فراملیتی، تحکیم جمع‌گرایی و همبستگی جهانی.

جهانی دیگر ممکن است، اگر متحداً تلاش کنیم زندگی مشترک جهانی دیگری را سازمان‌دهی
نمائیم.

www.iran-archive.com

پیام های

نهمین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

"کنگره با خاوران"

به مناسبت هفدهمین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در ۱۳۶۷

به همه آزادی خواهان در بند ایران

به جنبش مستقل زنان ایران

به همه مبارزان تأمین حقوق ملی در ایران واحد و دموکراتیک

به کارگران، مزدبگیران و زحمتکشان یدی و فکری

به فعالین تشکل های دانشجویی

* * *

به مناسبت

هفدهمین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در ۱۳۶۷

خانواده های جان باختگان فاجعه ملی !

برگزاری کنگره نهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با هفدهمین سالگرد روزهایی مصادف شده است که در آن، رژیم جمهوری اسلامی ایران مرتکب یکی از بزرگترین جنایات تاریخ معاصر ایران شد و هزاران تن از فرزندان مردم را در زندان ها قتل عام کرد. کنگره، در برابر خاطره تابناک انسان هایی سر تعظیم فرود می آورد که گرانباترین گوهر خود یعنی جانانشان را در طبق اخلاص نهادند و در راه دستیابی مردم ایران به آزادی فدا کردند. کنگره ما به احترام نام و یاد همه جانباختگان این فاجعه عموم بشری و ملی و برای همبستگی با همه باز ماندگان این عزیزان خود را "کنگره با خاوران" می نامد. برای ما، گذشت زمان نه تنها غباری بر یاد یاران از دست رفته ننشاند، که این خاطرات را صیقل بخشیده و درخشان تر کرده است.

ما به شما بازماندگان و خانواده های جان باختگان در کشتار ۱۳۶۷ اطمینان می دهیم از مهم ترین تعهدات ما در قبال یاد عزیزان از دست رفته خود، پیگیری حقوقی و سیاسی پرونده قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان و پاییز ۱۳۶۷ است. سازمان ما مبارزه برای تشکیل دادگاه صالحه برای رسیدگی به بیدادی را که هفده سال پیش بر آزادی خواهان در بند ایرانی رفت، از وظایف خود می داند. ما از همه تلاش های خانواده های قربانیان قتل عام سال ۶۷ برای دنبال کردن این پرونده با تمام توان خود حمایت می کنیم و در برابر این عزیزان متعهدیم که بدین تلاش ها یاری رسانیم. ما از مجامع بین المللی، جمعیت های مدافع حقوق بشر و نیروهای مترقی در سراسر جهان می خواهیم از این تلاش ها حمایت کنند.

اکنون که حکومت جمهوری اسلامی برای از میان بردن آرامگاه خاوران به مثابه یادبود جان باختگان راه آزادی توطئه می چند، ضرورت دارد از اقدام شما بازماندگان یارانمان برای عقیم گذاشتن این توطئه به فوریت و هر چه گسترده حمایت کنیم. خاک خونین خاوران باید به عنوان مکان یادبود ملی زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و به ویژه محل تجدید خاطره با جان باختگان فاجعه ۱۳۶۷ حفظ شود. گلزار خاوران، مظهر سرهای افراشته ای که «نه» گویان به رژیم قرون وسطایی بالای دار رفتند، و نماد سرافکنندگی نظام جمهوری اسلامی است. شما در تمام هفده سالی که از کشتار ۱۳۶۷ گذشته است، از جمله در سیاه ترین سال های خفقان، هنگامی که حتی یک حضور ساده در خاوران نیز برای خود شما خطر آفرین بود، با تداوم گردهمایی های خود در آن مکان، با برگزاری سالگرد کشتار عزیزانتان بر سر مزارشان، نگذاشتید توطئه سکوت در مورد فاجعه ملی موفق شود و خاوران را به مثابه مکان زنده نگه داشتن یاد جان باختگان،

حفظ کردید. اکنون که حکومت می خواهد حاصل هفده سال مبارزه شما را از میان بردارد، دفاع از این یادبود ملی، وظیفه همه ایرانیان آزادی خواه و دمکرات است.

هفده سال پس از فاجعه ملی ۱۳۶۷، هنوز هیچ مقام جمهوری اسلامی مسئولیت آن کشتار بی رحمانه را که طبق قوانین خود این نظام نیز از اساس غیرقانونی بود، بر عهده نگرفته است. بر عکس، تداوم مسندنشینی شماری از متهمان اصلی این پرونده و قرار گرفتن آنان در زیر چتر حمایت ولایت فقیه، نشانگر آنست که سران نظام بنا ندارند بابت آنچه در دهه ۶۰ و به ویژه در سال ۱۳۶۷ در زندان های کشور گذشت به مردم ایران پاسخگو باشند. این فرار از مسئولیت، اهمیت مبارزه برای رسیدگی مستقل به پرونده فاجعه ملی ۱۳۶۷ را مضاعف کرده است.

ما برآنیم همه کسانی که به عنوان عامل یا آمر آن قتل عام در زندان های متعدد کشور در مظان اتهامند، باید در دادگاهی که از دایره اعمال فرامین و اراده حکام فعلی خارج باشد، پاسخگو باشند. ما برای کشف کامل حقیقت فاجعه ملی ۱۳۶۷ پیکار می کنیم و از پای نمی نشینیم تا مسئولان آن جنایت بزرگ به پای میز محاکمه کشیده شوند. ما قتل عام ۶۷ را زخمی بر روان جامعه ایرانی می دانیم که التیام آن، جز با رسیدگی به این پرونده در مراجع صالحه امکان پذیر نیست.

بار دیگر مراتب احترام خود به جان باختگان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی و همدردی خود با شما بازماندگان قربانیان آن قتل عام را اعلام می کنیم.

کنگره نهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۹ شهریور ۱۳۸۴

* * *

به همه آزادی خواهان در بند ایران

مبارزان زندانی!

درد همه ما شرکت کنندگان کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را پذیرید. دست شما آزادگان را که به خاطر اعتراض به استبداد حاکم و مبارزه تان برای برقراری آزادی و دموکراسی در کشور زندانی شده اید، به گرمی می فشاریم، با شما اعلام همبستگی می کنیم و خواهان رهایی تان از زندان هستیم.

زندان سیاسی، نشانه استبداد و دیکتاتوری و زندانی سیاسی، نماد مقاومت در برابر آن است. هریک از شما که در اسارت رژیم جمهوری اسلامی به سر می برید، یک نماد ایستادگی در قبال زور و خفقان هستید. هر جور علیه شما، تازیانه ای است بر گرده میلیون ها انسان ایرانی که اعتراض خموش آنان به دیکتاتوری فقهی حاکم در فریاد رسای شما بازتاب دارد. شما، تنها نیستید! بیشمار پشتیبانان با خود دارید و همراهان بسیاری با شماست. نام امیر انتظام - این قدیمی ترین زندانی سیاسی جمهوری اسلامی - ، اسم اکبر گنجی - این زندانی سیاسی حماسه آفرین - و آوازه ناصر زرافشان - این زندانی سیاسی شجاع - فشرده نام همه شما فرزندان در بند مردم ایران اعم از دانشجو، روشنفکر، روزنامه نگار، هنرمند، کارگر و فعال سیاسی است و تک تک شما، دستکم برای بخشی از جامعه ما نام های آشنا و عزیز هستید. نام عام همه شما، زندانی سیاسی است که یک نام ملی در ایران امروز است. نامی که، وجود استبداد

فقیه و ولی فقیه مستبد را تداعی می کند و نشان از وجود مقاومت در برابر جمهوری اسلامی دارد.

آزادگان در بند!

زندانبانان می خواهند به شما چنین القاء کنند که فراموش شدگانید و از یادرفتگان. اما شما به فراست چنین ترفندهایی را به هیچ می گیرید و نفس گرم خیل آزادی خواهان پشتیبان خود را از پشت دیوارهای ستر زندان حس می کنید. اینک در ایران و بیرون ایران، اعتراض به زندانی شدن شما موج وار رو به گسترش است. امضاء طومارها برای اعتراض به شرایط غیرانسانی زندانها، و با خواست آزادی شما، حرکتی وسیع در صحنه سیاسی کشور است. نهادهای بین المللی بسیاری، دادخواه و یاور شما در برابر زندانبانان شما شده اند. تحصن و اعتصاب غذا در حمایت از شما، روندهایی بی وقفه اند. دهها کمیته و کانون در دفاع از زندانیان سیاسی در درون مرز و برون مرز و در اقضا نقاط جهان فعالند. جمع های همسته خانواده های زندانیان سیاسی شکل گرفته اند. و شعار دیرآشنای " زندانی سیاسی آزاد باید گردد " هرچه بیشتر طنین می گیرد و به کلام ملی بدل می شود.

دوستان زندانی!

ما اکنون در صحن کنگره به احترام شما بپا می خیزیم و هم صدا فریاد بر می داریم که: " زندانی سیاسی آزاد باید گردد! " ما با گذاشتن دست خود در دستان شما، بار دیگر بر تصمیم کنگره های پیشین مان مبنی بر موظف بودن سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در دفاع پیگیر از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه فعال برای رهایی زندانی سیاسی پای می فشاریم.

درودهای ما بر شما یاران باد!

کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دهم شهریور ماه ۱۳۸۴

* * *

به جنبش مستقل زنان ایران

زنان آزاده!

کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار می شود که فضای کشورمان را بارقه های امید در عرصه پدیداری حرکت های مستقل از سوی اکثریت گروه های اجتماعی کشور، روشن می کند. در زمره این پرآمدها و از مهم ترین شان، جنبش مستقل زنان ایران است که شما طلایه داران، سرفرازانه و با درایت و جسارت، گام به گام آن را پیش می برید. حرکت سنجیده و شجاعانه شما در اعتراض به قانون اساسی زن ستین حاکم، یک نقطه عطف در مبارزه زنان ایران علیه نابرابری حقوقی بین زن و مرد بوده و افق نوینی را در جنبش دموکراتیک میهن مان گشوده است. این برآمد مستقل، حاصل کار پر حوصله و دراز مدتی است که شما فعالان با هدف والای تأمین برابرحقوقی زن و مرد در ایران پیش برده اید و مصمم اید که هم چنان در این راه پیش بروید.

زنان مبارز!

حتی سر کار آمدن دولت امنیتی - اطلاعاتی که زن ستیزی خشن از مشخصات برجسته آن است، قادر نیست در اراده استوار شما اندک خللی وارد آورد. دشواری های مضاعفی که بر اثر اوضاع سیاسی جدید پدید آمده است، مسلماً کار شما را سخت تر می کند اما نمی تواند شما را از تصمیم و عزم جزم تان باز دارد. زیرا که این یک تصمیم گذرا نیست، تصمیمی تاریخی است و بر خواست نیروی میلیونی زنان و نیروی وسیع مردان پشتیبان شما متکی است.

در چنین شرایط سختی، باز این شمائید که ایستاده اید تا نشان دهید که جنبش زنان با حداقل امکانات برای اثبات هویت زن، برای دستیابی به برابرقوقی و عدالت اجتماعی، برای دستیابی به جامعه ای عاری از خشونت علیه زنان و نیز در راستای اینکه حقوق زنان حقوق بشر است مبارزه می کند و بر این باور است که تغییر قانون اساسی موجود، شرط مقدم دستیابی به این خواسته های برحق است.

یاران مبارز!

ما نیز در امر پیکار برای رفع تبعیض علیه زنان و برای رسیدن شما زنان مبارز و آزادی خواه کشورمان به اهداف انسانیتان با شما همگام هستیم و عمیقاً بر این باوریم که بدون تثبیت و تضمین حقوق برابر و انسانی زنان، رسیدن به دموکراسی، صلح و توسعه امری ناممکن است. ما از گسترش و تحکیم جنبش مستقل زنان که به سود تأمین حقوق زنان و گسترش دموکراسی است، حمایت کرده و دست همه شما عزیزانی را که در این راه بی وقفه تلاش می کنید به گرمی می فشاریم.

کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

"کنگره با خاوران"

دهم شهریور ماه ۱۳۸۴

* * *

به همه مبارزان تأمین حقوق ملی در ایران واحد و دموکراتیک

آزادی خواهان مبارز!

کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در زمانی برگزار می شود که چالش بر سر مسئله ملی و رفع تبعیض و ستم از ملیت ها و اقوام ساکن میهن مان - آذربایجانی ها، بلوچ ها، ترکمن ها، عرب ها و کردهای ایران، دارد جایگاه واقعی خود را در عرصه سیاسی کشور پیدا می کند. مسئله ملی هیچ گاه این چنین گسترده، مورد توجه نحلته های سیاسی کشور قرار نگرفته بود. این، یک پیروزی برای مبارزه دیرینه سال بر سر دموکراسی در کشورمان و یک پیشرفت در روند همه تلاش ها در رسیدن به حقوق ملی است. همین که اکنون دیگر هیچ جریان سیاسی مطرح در ایران را نمی توان سراغ گرفت که ولو به هر نام و هر چند با هر تعبیر، منکر وجود مسئله ملی باشد، و همین که مقامات حکومت معترفند که یکی از چالش های جدی جمهوری اسلامی چالش های ملی و قومی است و دیگر هیچ یک از گروه بندی های قدرت نمی توانند از کنار این واقعیت و پایه اجتماعی آن عبور کنند، نشان می دهد که مسئله ملی در ایران به یک گفتمان عمومی و سراسری فرا روئیده و زمینه طرح و بحث راه حل های آن بیش از پیش فراهم آمده است.

وقایع خونین ماه های اخیر در خوزستان و کردستان از یکسو و تحرکات سیاسی تشکل های ملی و قومی در راستای برآمدی متحد طی یک سال گذشته از دیگرسو، ایجاب می کند که همه کوشندگان راه دموکراسی در ایران واحد و متحد تلاش نوینی را در یافتن راه حل معطوف به حل دموکراتیک مسئله ملی در ایران ابراز دارند.

کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) "کنگره با خاوران" در پیوند با این وظیفه مبرم و برپایه دیدگاه های سازمان ما در این زمینه مناسب می داند تا باردیگر اعلام دارد که سازمان ما:

۱. مخالف اعمال سیاست زور و سرکوب علیه خواست های ملی و قومی در کشور است و بر همین اساس، سرکوبگری اخیر جمهوری اسلامی در کردستان و خوزستان را جداً تقبیح و محکوم کرده و با تأکید بر مسئولیت حکومت در حوادث خونین این دو منطقه و ابراز همدردی با خانواده های قربانیان آن، خواستار آزادی فوری همه بازداشت شدگان وقایع کردستان و خوزستان است؛

۲. مدافع خواست های ملی و قومی کشور در راستای ایجاد ایرانی واحد و دموکراتیک است که در آن هرگونه تبعیض و تحقیر ملی و فرهنگی و مذهبی رخت بر بندد و همزیستی تاریخی واحدهای ملی و قومی متشکله ملت ایران در ساختار فدرال و دموکراتیک تضمین شود؛

۳. منتقد هرگونه ناسیونالیسم افراطی و مخالف گرایش های جدایی طلبانه از سوی هر جریان و فردی در هر بخش از کشور است و در همان حال با هر اندیشه و رفتاری که وجود مسئله ملی در ایران را نفی می کند و خواست های برحق ملی را بر نمی تابد مخالفت می ورزد؛

۴. همه احزاب و جریان های متعلق به ملیت ها و اقوام ایرانی را که در راه تحقق حقوق دموکراتیک مبارزه می کنند به اتحاد با یکدیگر و اتحاد با همه نیروها و جریان های دموکراتیک سراسری فرا می خواند و از تشکل های سراسری که در راه یک ایران دموکراتیک به جای جمهوری اسلامی مبارزه می کنند سیاست همکاری و اتحاد با احزاب ملی و قومی دموکرات را انتظار دارد.

کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

یازدهم شهریور ۱۳۸۴

* * *

www.iran-archive.com

به کارگران، مزدبگیران و زحمتکشان یدی و فکری

کنگره ما در شرایطی برگزار می شود که نیروهای واپس گرای ماجراجو و عدالت ستیز پس از تسخیر قدرت دولتی، سرکوب آزادی خواهان، تشکل های مدنی و سندیکایی و فعالین آنها را تشدید کرده اند تا بدین وسیله مانع فعالیت این تشکل ها و فعالین آنان گردند. یکی از اهداف این اقدامات پایان دادن به تلاش ها و پیکار شما برای بهبود شرایط معیشتی و اجتماعی شما

زحمتکشان است. ادامه مقاومت شما در مقابل تعرض آنان به حقوق سندیکای تان و افزایش آگاهی طبقاتی و سیاسی در میان شما که تداوم گسترش و ارتقاء کیفیت مبارزات شما نقش مهمی داشته است آنان را وحشت زده و نگران کرده است. آنها از تلفیق مطالبات صنفی با مطالبات سیاسی، از پیوند اعتراضات صنفی-سیاسی شما با سایر جنبش های اجتماعی در هراسند زیرا می دانند که برقرار شدن این پیوندها چنان جنبش اعتراضی نیرومندی را به وجود خواهد آورد که جمهوری اسلامی را یارای ایستادگی در مقابل آن نباشد.

کارگران، زحمتکشان!

از احمدی نژاد و دولت او که با شعار و وعده عدالت اجتماعی قدرت را بدست آورده است بخواهید تا به شعارهای خود عمل کند، به او بگویید با وزیر کار دست پرورده و گوش به فرمان نهاد ارتجاعی و کارگر ستیز شورای نگهبان مخالفید، از او بخواهید که طرح خروج کارگاه های دارای تا پانزده نفر از شمول قانون کار را به کنار نهد، به او بگویید با طرح گسترش پایگاه های بسیج و نظامی کردن کارخانه ها مخالفید، با حذف تعداد دیگری از مواد قانون کار که توسط جنتی درخواست شده است مخالفت کنید، به احمدی نژاد بگویید کدام یکی از اینها که می خواهید انجام دهید با وعده عدالت اجتماعی مطابقت دارد؟

زحمتکشان!

رژیم از احیاء و تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری که به درستی به محوری ترین مطالبه جنبش کارگری تبدیل شده است، از تلاش ها و از عزم جزم شما برای احیاء و تشکیل این سندیکاهای و از امیدی که ثمردهی فعالیت های پیگیرانه برای این امر در میان شما ایجاد کرده است سخت به هراس افتاده است. حکومت گران از تکرار تجربه تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد نگرانند. آنها می دانند که با شکل گیری چنین سندیکاهایی، دیگر امکان یکه تازی برای سندیکاهای سرمایه داران وجود نخواهد داشت و باند حاکم بر خانه کارگر نخواهد توانست مدعی سخنگویی دروغین کارگران باشد. آنها می دانند که این سندیکاهای مستقل کارگری است که می تواند مانع از لغو قانون کار شوند، در برابر نهادهای شبه فاشیستی حکومتی در محل های کار مقابله کند و در راه تحقق حقوق پایمال شده کارگران و زحمتکشان تلاش نمایند.

کنگره نهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اعلام حمایت قاطع خود از تشکیل سندیکاهاى مستقل شما کارگران و زحمت‌کشان، پیشرفت‌های ارزنده شما در این راستا را به فعالان سندیکایی و به همه کارگران تبریک می‌گوید و همین جا خاطره سه تن از فعالین و مبارزین برجسته جنبش سندیکایی و کارگری ایران- زنده یادان البرت سهرابیان، یوسف عبادی و یعقوب مهدیون را که در فاصله دو کنگره سازمان ما زندگی را بدرود گفتند گرامی داشته و زحمات بیش از نیم‌قرن آنها در پایداری جنبش سندیکایی کشور را ارج می‌نهد. ما ضمن حمایت از افزایش مناسب دستمزد، خواهان تشکیل صندوق تضمین پرداخت حقوق و دیون کارگران توسط دولت هستیم و از مبارزه و تلاش کارگران، آموزگاران و فرهنگیان، پرستاران و سایر مزدبگیران یدی و فکری برای رسیدن به حقوق مطالباتیشان، و برای احیاء و گسترش حقوق بنیادین کار و تضمین این حقوق در قالب یک قانون کار مدرن و دموکراتیک منطبق بر کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار، منشور جهانی حقوق سندیکایی و منشور حقوق بشر حمایت می‌کنیم.

کنگره نهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوازدهم شهریورماه هزار و سیصد و هشتاد و چهار

* * *

به فعالین تشکل‌های دانشجویی

دوستان عزیز!

درودهای گرم ما حاضرین کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را بپذیرید. دست شما جوانان پرتلاش را می فشاریم و برایتان در مبارزه برای آزادی و دموکراسی کامیابی آرزو مندیم. سازمان ما در طول سالهای اخیر، پیوسته و قاطع از تلاش‌های مصممانه و شجاعانه شما دانشجویان مبارز برای بازگشایی فضای بسته کشور و رهایی جامعه دیکتاتورزده از دست نیروهای مدافع جمهوری اسلامی حمایت کرده و با نگرانی و امید مبارزات و فعالیت‌های شما فعالین دانشجویی در دانشگاه‌ها و جامعه را دنبال نموده است. اکنون نیز که فضای سیاسی کشور را ابرهای تیره‌تر پوشانده است، ما برای سمت‌گیری نوین شما جوانان مبارز در قبال شرایط جدید سیاسی اهمیت زیادی قائل هستیم.

دانشجویان مبارز!

همان‌گونه که خود شما هم بارها اعلام کرده‌اید، گفتمان اصلاح‌طلبی جامعه اکنون دیگر در چارچوب تنگ حکومتی باقی نمانده، بلکه آنرا پشت سر نهاده و به عرصه‌های دیگر جامعه کشیده شده است. حاکمیت اسلامی امروز با یک نیروی جدی و موثر در سطح جامعه و

مشخصاً در میان روشنفکران، دانشجویان، زنان و کارگران مواجه است. گفتمان این نیرو دیگر نه ایجاد رفرف در قوانین موجود که تحول اساسی و تغییر ساختار قدرت سیاسی کشور است. گسترش سرکوب و فشارهای حاکمیت پس از انتخابات ریاست جمهوری نیز برای مهار این نیرو و جلوگیری از تشکیل یابی آن است. از اینرو است که در حال حاضر مرکزی ترین مسئله در برابر جنبش دانشجویی، یافتن راههای تشکیل یابی دانشجویان با کمترین هزینه است. همانگونه که در مبارزه با استبداد حاکم، ناگزیر از هزینه پردازی هستیم و شما دانشجویان مبارز از ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به این سو نشان داده اید که از هیچ فداکاری دریغ ندارید، اما از این هم گریزی نیست که بپذیریم که بدون داشتن یک پروژه متکی بر نیرو، هزینه پردازی صرف چشم اندازی به نفع جنبش دموکراتیک نخواهد گشود.

اگر استبداد حاکم در سالهای اخیر از هر طریق کوشیده است که بین فعالان جنبش دانشجویی و تشکل های دموکراتیک آن با توده دانشجو فاصله بیندازد و این تشکل ها را از داشتن بدنه قوی و پشتیبانی گسترده محروم بدارد، بر شما فعالان دانشجویی و تشکل های دموکراتیک است که برای مقابله با این ترفند اکنون بیش از هر وقت دیگر توجه خود را به درون دانشگاه معطوف بدارید و با اتخاذ انواع ابتکارات و تکیه بر خواست های صنفی و سیاسی دانشجویان، پایگاه وسیع خود را تأمین و آنرا تثبیت نمایید. جنبش دانشجویی قبل از همه در دانشگاه است که می تواند تجدید امکانات، نیرو و منابع کند. این جنبش پیش از هر چیز، سخن گوی بدنه اجتماعی خود در سطح دانشگاه های کشور می تواند باشد. هرگز فراموش نکنیم که لازمه سازماندهی کلان، بزرگتر شدن بدنه جنبش دانشجویی است.

تنوعات متعدد در بین حدود دو میلیون دانشجوی کشور، امری است واقعی و نه تنها به معنی فاصله گیری از هم و عدم همکاری بین گروه های مختلف دانشجویی نیست، بلکه به عنوان مظهر تکثر، تضمین کننده برقراری دموکراسی در بین دانشجویان است. مهم، یافتن و اجرای آن نوع از سازماندهی است که این تنوع و تکثر را بتواند در قالب یک اتحاد دانشجویی گسترده بازتاب دهد. اتحاد برپایه تکثر، خود اهرم اصلی در حفظ و گسترش پیوند جنبش دانشجویی با بیرون از دانشگاه است. تنها یک جنبش دانشجویی متحد و نیرومند است که امکان ارتباط وسیع با جامعه و دیگر مؤلفه های جنبش دموکراتیک کشور را خواهد داشت.

دانشجویان مبارز!

جنبش دموکراتیک میهن‌مان چشم با امید به شما می‌نگرد. شما منبع شور و شعور سیاسی و اجتماعی هستید. ما چشم به راه کامیابی‌های شما هستیم و بار دیگر از صحن کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) دروهای خود را به شما که در زمره مشعل‌داران مبارزه برای آزادی و دموکراسی هستید، تقدیم می‌داریم.

کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوازدهم شهریورماه ۱۳۸۴

پیام ها

به کنگره نهم

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

www.iran-archive.com

پیام ها

به کنگره نهم

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

"کنگره با خاوران"

اتحاد جمهوری خواهان ایران

جبهه متحد بلوچستان ایران

حزب توده ایران

حزب دموکرات ایران

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب سبزهای فرانسه

حزب کمونیست اسپانیا

حزب کمونیست فرانسه

دفتر اروپایی حزب ملت ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان‌های جبهه ملی ایران (برون‌مرز)

کانون زندانیان سیاسی ایران - هلند

کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

* * *

پیام هیئت اجرایی اتحاد جمهوری خواهان ایران

دوستان گرامی،

برگزاری کنگره نهم سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را به شما تبریک می گوئیم. کنگره نهم سازمان شما در ماه‌های پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و با تغییر تعادل نیرو در درون قدرت همزمان گشته است. اکنون بنیادگرایان موفق گردیده‌اند که همه اهرم‌های قدرت را در کف گیرند. آنان موفق شده‌اند مجلس و دستگاه دولت را در اختیار گیرند و سرگرم سازماندهی پیشروی خود و تحت فشار قرار دادن جامعه و در صورت امکان عقب نشانیدن مردم از مطالبات خود در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هستند.

دوستان عزیز در چنین شرایطی نیروهای سیاسی کشور ما با وظایف عاجلی مواجه اند. مقابله با بنیادگرایان حاکم، دفاع از جنبش‌های اجتماعی و نهادهای مدنی و وظایف سنگینی را در برابر ما قرار می دهد.

شکست جنبش دوم خرداد شرایط نوینی را در جامعه شکل داده. جامعه ما نیازمند نیروهایی است که بتوانند چشم اندازه‌های نوینی را در برابر مردم بگشایند و راه را برای برون رفت از بحران‌ها و دشواری‌های جامعه ما بگشایند. جمهوری خواهان ایران قادرند چنین چشم اندازی را ترسیم کنند. تلاش برای ارائه یک بدیل جمهوری خواه با چهره و سیاستی متمایز از دیگر نیروهای اجتماعی، تلاش برای ارائه و گسترش گفتمان جمهوری خواهی، کوشش در جهت تقویت نهادهای مدنی و تشکل‌های مردمی و دموکراتیک وظیفه ای است که در برابر همه ما که برای حقوق بشر و دموکراسی می کوشیم، قرار گرفته است.

دوستان عزیز دست شما را بگرمی می فشاریم و امیدواریم کنگره شما در این لحظات دشوار که کشور ما در برابر مخاطرات جدی قرار دارد بتواند تصمیماتی راه گشا در عرصه‌های فوق، در اتحاد و شکل دهی بدیل جمهوری خواه و در نزدیکی و همگامی همه کسانی که به فردای بهتری برای جامعه ما می اندیشند اتخاذ نماید.

هیات اجرایی اتحاد جمهوری خواهان ایران

۲ سپتامبر ۲۰۰۵

* * *

پیام جبهه متحد بلوچستان ایران

رفقا و دوستان هم‌مرزم!

جبهه متحد بلوچستان ایران، "BUF" ضمن ارج گذاری به روند مبارزات تاریخی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برای ساختن ایرانی آزاد، آباد و فدر دانی از تمامی شهدای دانشور هم‌مرزم و بیشمارتان، نهمین کنگره سازمان را پیشاپیش تبریک گفته، امیدواریم تصمیمات و تمامی مصوبات نهمین کنگره در راهگشایی بن بست های سیاسی کنونی جنبش ملی ایران کمک کرده، فصل نوینی را بویژه در امر اتحاد تمامی نیروهای اپوزیسیون سیاسی ایران میسر سازد.

رفقا! سازمان شما همواره نگاهی مثبت و صادقانه در رفع ستم ملی خلق‌های تحت ستم ایران داشت و مدام در تشکیلات ویژه خلق‌های آن، سازمان، رفع چنین ستمی را یکی از وظایف کار سیاسی خویش در جامعه چند ملیتی ایران قرار داده است. جبهه متحد بلوچستان ایران، ضمن ارج گذاری از سازمان شما در مورد پذیرفتن حق تعیین سرنوشت خلق‌ها در ایرانی آزاد و دموکراتیک امیدوار است در این کنگره از چگونگی امداد و کمک‌های عملی، خاصاً در راستای اتحاد عمل‌های سیاسی به صدور قرارهای ویژه‌ای جهت رشد هرچه بیشتر این جنبش‌ها بپردازند.

نماینده جبهه متحد بلوچستان ایران "اروپا"

عزیز بلوچ دادیاری

۳۰ آگوست ۲۰۰۵

* * *

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن تبریک برگزاری نهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دروهای گرم خود را به شما و همه رفقای فدائی تقدیم می کند.

مبارزه در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، آرمان ها و اهداف بزرگی هستند که ما را به یکدیگر پیوند می دهد. حزب توده ایران از همان نخستین سال های پایه گذاری جنبش فدائیان با وجود اختلافات نظری، با احساس مسئولیت به مبارزه شما توجه ویژه داشته و معتقد بوده و هست که اعتقادات ما در راه رهایی توده های محروم از زنجیرهای استبداد و استثمار اصول مشترک نیرومندی هستند که توده ای ها و فدائیان را در کنار هم و در یک سنگر قرار می دهد. ما همچون شما معتقد بوده ایم و تاکید داریم که اتحاد عمل نیروهای مترقی، ملی و آزادی خواه میهن ما به ویژه اتحاد عمل در بین نیروهای مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان، عامل اساسی و انکار ناپذیر در راستای ایجاد یک جایگزین مردمی و دموکراتیک در مقابل رژیم ضد مردمی "ولایت فقیه" است.

رفقای عزیز!

نهمین کنگره شما در مقطع حساسی از حیات سیاسی میهن و در شرایط فوق العاده حساس داخلی و خارجی برگزار می شود، که وظایف دشواری را در برابر همه نیروهای مترقی و آزادی خواه در تبیین و تصریح مبرم ترین مسایل پیش روی جنبش قرار داده است.

پیروزی نیروهای ارتجاعی در بدست گرفتن کنترل مجلس و به دنبال آن شکست کاندیدای نیروهای اصلاح طلب در نهمین انتخابات ریاست جمهوری و یکدست شدن حاکمیت در کنترل ارگان‌های مختلف قدرت، وضعیت دشواری را برای جنبش اجتماعی و نیروهای سیاسی پیشرو کشور بوجود آورده است. همانطور که می‌دانید نظر حزب ما در جریان انتخابات خرداد ۱۳۸۴ این بود که باید همه نیروهای اجتماعی را برای جلوگیری از پیروزی ارتجاع و یکدست شدن حاکمیت بسیج کرد. ما ضمن تاکید این نکته که اصولاً در چهارچوب رژیم ولایت فقیه و ادامه حاکمیت استبداد نمی‌توان از "انتخابات آزاد" سخن راند و در عین حال ضمن طرح این مساله که کارنامه ضعیف دولت خاتمی و سیاست های مماشات گرانه و تسلیم طلبانه دولت او ضربه سنگینی به باور نیروهای اجتماعی به روند اصلاحات زده بود، بر این عقیده بودیم که باید همه تلاش‌ها را در راه ایجاد یک جبهه واحد بر ضد استبداد و برای دموکراسی به کار گرفت و با بسیج توده‌ها اجازه نداد که ارتجاع به خواست خود در زمینه تصاحب کرسی ریاست جمهوری دست بیابد. بدیهی است که اختلاف نظر در ارزیابی اوضاع بغرنج و دشوار کشور، در جریان انتخابات خرداد ماه، بی‌شک به امر سازمان دهی مبارزه مشترک نیروهای مترقی و آزادی خواه برضد نیروهای ارتجاع و رژیم استبدادی یاری نرساند و از این رو این وظیفه بر دوش ماست که ضمن بررسی حوادث ماه‌های اخیر راه را به سمت اتحاد عمل همه نیروهای مترقی و آزادی خواه و سازماندهی مبارزه مشترک نیروهای اجتماعی در راه طرد رژیم ولایت فقیه بیابیم.

روشن است که نیروهای تاریک اندیش و مدافع استبداد خشن، در موقعیت جدید در صدد باز پس گرفتن سنگرهای هستند که جنبش مردمی کشور با استفاده از فضای تنفس ایجاد شده در هشت سال اخیر بدست آورده بود. ما بر این باوریم که مطمئناً گردان‌های مختلف جنبش اجتماعی که در سالیان اخیر هم از نظر سازماندهی و هم به لحاظ ذهنی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند، با مقاومت خود در مقابل هجوم ارتجاعی که نشانه‌های آن در چند هفته اخیر مشهود بوده است، سد ایجاد خواهند کرد. ادامه مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان، پیکار دلیرانه و راه جویانه جوانان و دانشجویان، حضور فعال روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان مردمی و ترقی خواه و مقاومت ستایش برانگیز زنان بر ضد رژیم، آن زمینه قدرتمندی است که نیروهای سیاسی کشور را در سیاست گذاری خود در این رابطه یاری می‌رساند. امری که باید بیش از هر چیز توجه نیروهای ترقی خواه جامعه را به خود جلب کند اتخاذ سیاست‌های یکدست و

واقع گرایانه ای می باشد که ادامه حضور توده ها را در میدان مبارزات سیاسی روز میهن میسر و تسهیل کند.

رفقا

تحولات پدیده و مهم جهانی در سال های اخیر شرایطی را به وجود آورده است که هیچ نیروی سیاسی ای نمی تواند و نباید در ارزیابی شرایط مبارزه و سیاست گذاری مبارزاتی خود بر آن ها چشم بیند. ۱۵ سال پس از فروپاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی سابق اروپای شرقی و اعلام پایان جنگ سرد، و چهار سال پس از حمله تروریستی جنایتکارانه به ساختمان مرکز تجارت جهانی در نیویورک و متعاقب آن اعلام جنگ بر علیه تروریسم، نظامی گری، برتری طلبی همه جانبه و بی توجهی به توافق ها و نهادهای بین المللی به جنبه مسلط سیاست ایالات متحده و نزدیکترین متحدان آن تبدیل شده است.

تدوین و اتخاذ برنامه "خاورمیانه بزرگ" از سوی دولت ایالت متحده را باید تلاشی در راه ایجاد یک جغرافیای سیاسی نوینی در خاورمیانه و خلیج فارس دید که تضمین کننده منافع استراتژیک این کشور است. وجود پایگاه های نظامی گسترده آمریکا در تمامی کشورهای همسایه ایران نمی تواند نگرانی جدی نیروهای صلح دوست و استقلال طلب ایران و منطقه را بر نیانگیزد. ما همچنین گسترش "جهانی شدن" سرمایه داری در خاور میانه را نمی توانیم و نباید از آماج برنامه "خاورمیانه بزرگ" جدا بدانیم.

رفقای گرامی!

حزب توده ایران معتقد است که با توجه به همه مسایل و دشواری هایی که منطقه به خاطر سیاست های نظامی گری درگیر آنست مهمترین وظیفه نیروهای مترقی کشور و منطقه دفاع از صلح و تشنج زدائی است. مبارزه ما در دفاع از دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی نه تنها مابینتی با مبارزه برای صلح و حمایت از راه حل های صلح آمیز و مبتنی بر گفتگو ندارد، بلکه بطور تنگاتنگی به آن وابسته است. اگر "جهانی دیگر ممکن است"، ما مبارزه برای آن را از مسیر تحولات صلح آمیز، همبستگی بین المللی با دیگر خلق ها و مبارزه بر حق آن ها در دفاع از استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی میسر و ممکن می دانیم. اگر به ضرورت پیوستن مبارزات مردم کشور به "جنبش اجتماعی جهانی" که در سالیان اخیر به مثابه چالشی در

مقابل هجوم محافل قدرتمند محافظه کار و مدافعان سیاست های نو لیبرالی واقعیت یافته است، معتقدیم باید شرایط آن را در بسیج و سازماندهی وسیع ترین صفوف توده ها برای مبارزه برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی و نفی تسلط امپریالیستی بوجود آورد.

رفقای فدایی!

در انتها اجازه دهید بار دیگر تاکید کنیم که طرد رژیم ولایت فقیه به مثابه سد اساسی راه تحولات میهن ما، در گرو سازماندهی جنبش مردمی و گردان های اصلی آن است. این وظیفه خطیر بدون تلاش متحد و عمل متحد همه نیروهای مدافع حقوق بشر و معتقد به دموکراسی و عدالت اجتماعی در زمینه های گوناگون امکان پذیر نیست.

ما ضمن آرزوی موفقیت برای نهمین کنگره شما در تدوین برنامه عملی برای مبارزات سیاسی آتی شما، امیدواریم که این کنگره بتواند به حفظ و تقویت وحدت سازمان برادر یاری کرده و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را در شرایط دشوار کنونی، در رویارویی با تحولات پرشتاب، پیچیده و بغرنج، مجهز و آماده سازد.

با گرم ترین درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ شهریور ۱۳۸۴

* * *

پیام حزب دموکرات ایران

با درود به مبارزان راه آزادی ملت ایران

دوستان و رفقای عزیز

حزب دموکرات ایران ضمن تبریک به مناسبت برگزاری کنگره سراسری سازمان فداییان خلق اکثریت و قدر دانی از تلاشهای این سازمان در مقابله با نظام سرکوبگر دینی حاکم بر سرنوشت ملت ایران، بر خود فرض میداند موارد الزامی و ضروری را در شرایط خطیر کنونی به اطلاع برساند.

دوستان عزیز:

در حالی کنگره سازمان (فداییان خلق اکثریت) را برگزار میکنید، که رژیم ضد ملی حاکم بر ایران صدها نفر از مبارزان را در سیاهچالهای خود به بند کشیده و هزاران تن از آنها را در درون جامعه در محاصره خود قرار داده است. فشار روز افزون بر مبارزان داخل کشور هر روز گسترده تر شده و بر دامنه پراکندگی موجود در میان مبارزان افزوده است. به همین دلیل حزب دموکرات ایران بجای سکوت و خود درمانی شعاری و کاذب که ویژگی و مشخصه دوران سیاه سرکوب است در اقداماتی عملی، در تقابل با سیاستهای سرکوبگرانه حاکمیت سیاسی - دینی طرحهایی را در داخل و خارج از کشور پیشنهاد و به مرحله عمل نزدیک نموده است.

هموطنان مبارز:

حزب دموکرات ایران در دو سال گذشته همواره تلاش نموده است به همراه شخصیتها و نیرو های معتقد به مردم ایران، زمینه را برای هماهنگی و یکسوگی تمامی جریانات و نیرو های سیاسی فراهم آورد تا اندیشه عملی - سیاسی اجتماعی ضد استبدادی در داخل و خارج از کشور به سامان برسد. تا کنون این تلاشها که ضرورت زمان و درک نیرو های سیاسی مطرح را با خود همراه کرده است بتدریج به مرحله نهایی شدن نزدیک میشود. حزب دموکرات ایران ضمن اعلام حمایت از استقرار حکومتی دموکراتیک در ایران، پیش شرطهای آنرا گرد هم آمدن نیرو های معتقد به آزادی و دموکرات میدانند، و در این راستا از دوستان سازمان فداییان خلق اکثریت نیز میخواهد در این حرکت دورانساز، با تمامی نیرو های سیاسی موثر و شخصیتهای مستقل دموکرات در تغییر شرایط سیاسی و سرنوشت ساز در همراهی با ملت مشارکت نمایند.

حزب دموکرات ایران ضمن آرزوی موفقیت برای تک تک اعضای سازمان شما ، آزادی و استقرار دموکراسی در ایران را هدف مشترک همه مبارزان دموکرات از جمله سازمان فدائیان خلق اکثریت میداند.

زنده باد آزادی

برقرار باد دموکراسی

پاینده ملت ایران

حزب دموکرات ایران ۱۳۸۴/۶/۸

* * *

پیام دفتر سیاسی

حزب دموکرات کردستان ایران

اعضای محترم رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نمایندگان محترم کنگره

تبریکات صمیمانه‌ی ما را به مناسبت برگزاری کنگره تان بپذیرید. امیدواریم که این کنگره در به انجام رساندن برنامه‌ی کار و همچنین اتخاذ تصمیم‌هایی سنجیده در راستای پیشبرد جنبش حق طلبانه مردم ایران پیروز و موفق باشد.

کنگره شما در شرایطی برگزار می‌شود که کشور ایران دوران سرنوشت‌سازی را می‌گذراند. تعیین احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهوری ایران و کابینه عمدتاً نظامی-امنیتی وی و در یک کلام یکدست شدن حکومت بر محور ولایت فقیه طلیعه یورشی جدید و استبداد عریان‌تری است به منظور نقض حقوق و آزادی‌های اندکی که فرزندان خلق‌های ایران به بهای هزاران شهید و زندانی شکنجه شده طی قریب به ۲۷ سال سلطه‌ی ارتجاع بر ایران بدست آورده‌اند. سرکوب وحشیانه و به رگبار بستن مردم به ستوه آمده کردستان در تظاهرات خیابانی و اعتصابات یک ماه و نیم گذشته از آثار شوم این یورش می‌باشند. هم اکنون صدها نفر از جوانان کرد تحت شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی در زندان‌های بدنام رژیم بسر می‌برند. جرم همه آنها ابراز ناراضیاتی از ستم و جور رژیم و فریاد برای حقوق پایمال شده‌شان می‌باشد.

چند ماه پیش شاهد کشتار برادران عرب بپاخاسته‌ی جنوب و اعمال فشار بر مردم آذربایجان بودیم. ستم، تبعیض، سرکوب خواست‌های دموکراتیک سیاسی ملت‌های گوناگون ایران و انواع تحقیرهایی که بر آنان روا داشته می‌شود دیگر تحمل ناپذیر شده‌اند.

رفقای گرامی!

اکنون وقت آن فرا رسیده است که همگی ملت‌های ستم‌دیده و زجر کشیده ایران را بر محوری واحد و قابل قبول گرد آورد تا پتانسیل انقلابی آنها را حول سرنگونی رژیم و بنیاد حکومتی دموکراتیک که در آن همه ملت‌های ایرانی به صورت دلخواه و داوطلبانه و به دور از تحکم و هژمونی یک ملت یا یک گروه بر دیگران، زندگی نوینی را آغاز نمایند. در یک کلام ایران به معنای واقعی کلمه متعلق به همه ایرانیان باشد. ما این محور را شکل حکومتی دموکراتیک و فدرال می‌دانیم که در آن همه ملت‌های ایرانی بطور همسان در جوار هم به زندگی سازندگی مشغول شوند.

فدرالیزم شکلی از اشکال حق تعیین سرنوشت برای ملیت‌هاست که سازمان‌های چپ آن را جزو پرنسیب‌های خود محسوب می‌دارند و در دنیای پیشرفته امروز شاهد موفقیت این آزمون در گوشه و کنار جهان هستیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز بر اساس این پرنسیپ دیرینه اعتقاد راسخی به شکل حکومتی فدرال بر مبنای جغرافیایی و ملی دارد و جز این نمی‌تواند باشد.

لیکن اعتقاد به یک اصل به همراه تبلیغ و کوشش در راه تحقق آن جنبه عملی گسترده و همه‌جانبه به خود می‌گیرد، و ما بیش از هر زمان گذشته تبلیغ این شعار و کوشش در راه عملی ساختن آن را بعد از فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی، ضروری می‌دانیم و، بر این باور هستیم که طرح این شعار و تبلیغ آن در میان مردم بهترین محور به منظور اتخاذ نیروی عظیم ناراضی از رژیم و امید دادن به ملیت‌های تحت ستم می‌باشد.

امیدواریم کنگره نهم شما با مطالعه تحلیل دقیق این موضوع و تصویب آن، گامی مهم در راه پیشبرد جنبش سراسری ایران بردارد و به این ترتیب همه با هم آلترناتیوی دموکراتیک و شفاف را به مردم ایران نوید دهیم. اطمینان داریم که چنین موفقیتی می‌تواند موجب جلب اعتماد بیشتر خلق‌های ایران به سازمان شما باشد.

دستتان را می‌فشاریم و در انتظار نتایج موفقیت آمیز کنگره‌تان هستیم.

حزب دموکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی

۵ شهریور ۱۳۸۴

۲۷ آگوست ۲۰۰۵

* * *

www.iran-archive.com

پیام حزب سبزهای فرانسه

دوستان عزیز،

برگزاری کنگره شما در این مقطع زمانی دارای مفهوم ویژه‌ای است. این کنگره بعد از انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی یکی از مهره‌های سرسپرده رژیم روحانیون برگزار می‌شود. با به قدرت رسیدن آقای خاتمی امیدهای زیادی در بین مردم ایران و نیز در خارج، بویژه در اروپا بوجود آمد. اما عدم اجرای وعده‌های داده شده توسط اصلاح طلبان، ناامیدی‌هایی را بوجود آورد. این کنگره بعد از دو سال و نیم که از حمله نظامی آمریکا به عراق به می‌گذرد برگزار می‌شود. سیاست آمریکا چیزی جز بازوی نظامی جهانی شدن سرمایه‌داری نیست و با بکارگیری

قدرت نظامی می خواهد هژمونی جهانی خود را گسترش دهد و بویژه "سیاست معیارهای دوگانه" را اعمال کند و ثروت کشورهای مغلوب را احتکار و پایگاه‌های نظامی در تمامی نقاط حساس مستقر نماید.

استراتژی جرج بوش برپایه صادرات دموکراسی با اسلحه است، که در پروژه "خاورمیانه بزرگ" اعمال می شود.

دیکتاتوری ملاحای محافظه کار در خدمت "جنگ پیشگیرانه" نو محافظه‌کاران آمریکا قرار دارد. این دو محافظه‌کار توانایی همکاری با هم را دارند.

سبزه‌های فرانسه خواهان خلع سلاح اتمی همه کشورهای منطقه از جمله پاکستان و اسرائیل هستند.

دوستان عزیز ما امیدواریم در کنگره آتی شما در آینده ای نزدیک در فضای دموکراتیک در تهران شرکت کنیم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی - با احترام فائقه

پاتریک فاریباز مسئول روابط بین‌المللی حزب سبزه‌های فرانسه

پاریس ۳۰ اوت ۲۰۰۵

* * *

پیام حزب کمونیست اسپانیا

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

احمد فرهادی دبیر روابط بین الملل

رفقای عزیز،

دعوت صمیمانه شما را برای شرکت در نهمین کنگره سازمانتان که در روزهای ۳۱ آگوست تا ۳ سپتامبر در آمستردام برگزار می شود دریافت کردیم. بخاطر عدم امکان حضور در این واقع مهم از فرصت استفاده کرده دروهای صمیمانه خود را به شما ابراز داشته و موفقیت های بیشمار را در این کنگره برایتان آرزو می کنیم.

به این باور هستیم که مصوبات کنگره تان سهم برجسته ای را در مبارزه مشترک همه نیروهای مترقی و مردمی ایران برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی به عهده خواهد گرفت و همچنین روابط برادرانه میان حزب ما و شما را تقویت خواهد کرد.

با درودهای صمیمانه

خوزه لوئیس سن ته پاس

دبیر روابط بین المللی حزب کمونیست اسپانیا

۲۰۰۵.۸.۳۰

* * *

پیام حزب کمونیست فرانسه

رفقای گرامی،

حزب کمونیست فرانسه با ابراز خرسندی از نهمین کنگره سازمان فدائیان (اکثریت) برای مبارزه شما در راه آزادی، حاکمیت قانون، پیشرفت اجتماعی و شکل گیری آلترناتیو دموکراتیک فراخور انتظار مردم ایران، آرزوی پیروزی می نماید.

ما از مشکلات مبارزات شما برای ایرانی دارای ارتباط جهانی، فعال در راه امنیت جمعی، خلع سلاح اتمی و صلح واقف هستیم.

کمونیست‌های فرانسه در کنار شما و نیز همه نیروهای ترقیخواه ایرانی قرار دارند.

ما بار دیگر همبستگی خود را با شما ابراز می داریم.

با درودهای گرم و برادرانه

حزب کمونیست فرانسه

پاریس ۳۰ اوت ۲۰۰۵

* * *

پیام دفتر اروپایی حزب ملت ایران

پاینده ایران
ای آفریدگار پاک
ترا پرستش می کنم و از تو یاری می جویم
با درود های فراوان بر شما هم میهنان دور از میهن و با درود به روان تابناک تمامی جان
باختگان راه استقلال، آزادی، مردمسالاری و سربلندی تمامی قوم های ایرانی در ایرانی یگانه
هم میهنان گرامی :

ضمن پیشکش شادباش بمناسبت نهمین همایش سازمان فدائیان خلق (اکثریت) آرزو داریم که
نهاد همبستگی ملی در درون و برون میهن رویش خود را آغاز کند .
هم میهنان شما در حزب ملت ایران ، به پیروی از رهبران دشنه آجین شده خود داریوش فروهر
، عاشق ایران و قوم های ایرانی ، و پروانه فروهر گردآفرید ایران خواه ، همچنان به دور از
هرگونه خشونت های ایران بر باد ده ، در راه برقراری همبستگی ملی به مثابه نخستین گام برای
برقراری مردم سالاری تلاش می نماید .

هم میهنان ارجمند

تا ستم و خودکامگی هست ، استقامت و مبارزه هم هست . آنچه نیاز است تجربه گرفتن از یک صد سال مبارزه ملت ایران برای رسیدن به آزادی و مردم سالاری است ، شکست همواره در « من » و « تو » بوده است و پیروزی در « ما »

هم میهنان آزاد یخواه

به خاطر میهنمان و بخاطر خون پاک شهیدانمان ، باید از فاصله ها بکاهیم و صفوف خود را هرچه فشرده تر کنیم و هرگونه خشونت میهن برباد ده را کنار نهاده تا شاهد مردم سالاری را در آغوش کشیم .

سازمان های سیاسی باید در ضرورت یک فرایند سنجیده با مدارای فرهنگی - سیاسی هم داستان شوند که میهن عزیزمان دوران فضیلت سوزی را می گذراند .

دفتر اروپایی حزب ملت ایران برای همایش تان و تک تک شما آرزوی پیروزی و بهروزی را دارد.

برقرار باد همبستگی ملی ایرانیان در سراسر جهان

در آرزوی ایرانی آزاد و آباد و به دور از بند و زندان و شکنجه

پاینده ایران

دفتر اروپایی حزب ملت ایران

۱۰ شهریور ۲۰۰۵

* * *

پیام کمیته مرکزی سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

رفقای عزیز،

برگزاری نهمین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را به همه اعضای سازمان تبریک می گوئیم و موفقیت کنگره در گشودن راه فعالیت شما و در تعیین سیاست ها و راهکارهای آتی را آرزو می کنیم.

رفقا:

کنگره شما در یکی از حساس ترین شرایط میهن مان برگزار می شود. نتایج انتخابات ریاست جمهوری اخیر نشان داد که جامعه ما در آستانه چرخش جدیدی قرار گرفته است، مشخصه آن از یکسو، تحکیم قدرت مستبدان در حکومت و از سوی دیگر، همزمان با پیشروی مرتجع ترین جناح حکومتی، شکل گیری صف بندی های جدید در جامعه است.

اکنون پیروان ولایت فقیه و باندهای قدرت حول و حوش آن، با اتکا به اهرم های قدرت خود از شورای نگهبان و بسیج و سپاه، کنترل خود را نه فقط بر صندوق های رای، که از این طریق بر همه ارکان حکومت گسترش داده است. با انگشت نهادن بر نیازهای عاجل و روزمره بخش مهمی از مردم کشور ما که عمری است با فقر و بیکاری دست به گریبان اند و وضعیت آنها قبل از همه محصول کار همین حکومت است، توانسته است که بر این پیشوری خود در کانون قدرت حکومتی مهر مشروعیت هم بزند.

نتایج این انتخابات نه تنها دست آوردهای سیاسی بعد از انتخابات دوم خرداد را در معرض خطر قرار داده است، بلکه بیان واقعیت دیگری نیز هست که تمرکز جنبش سیاسی بر آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم اگرچه ضروری، اما کافی نبوده است. تلاش برای گشودن فضای سیاسی جامعه، کنکاش برای ایجاد فضای تنفس برای جنبش های اجتماعی و نهادهای مدنی در سال های بعد از دوم خرداد، اگر چه سیمای جامعه ما را در طول هشت سال گذشته تغییر داده است، اما نتوانسته است راه به اعماق جامعه گشوده، به نیازهای عاجل نیروهای اجتماعی نقب زده، همه عرصه های زندگی اجتماعی را در برگیرد. موفقیت مستبدترین جناح حکومتی در بهره برداری از وضعیت فلاکتبار اقتصادی مردم و تبدیل شعار عدالت اجتماعی به اهرم موفقیت خود، نشانه این واقعیت است.

رفقا،

ما در برابر روند بازگشتی که هم اکنون در جامعه ما آغاز شده است و نه فقط دستاوردهای مبارزات مردم کشور ما در طول سال های اخیر، بلکه مسدود کردن فضای تنفس آن در شرایط آتی را در مد نظر دارد، نیازمند استراتژی روشن برای مقابله با این پیشروی هستیم. جنبش سیاسی و مدنی کشور ما باید با تمام قوا و با همه ابزارهای ممکن خود در مقابل پیشروی

ارتجاع بایستد و راه تهاجم به دستاوردهای جنبش را مسدود نماید. برای موفقیت در این زمینه ما نیازمند سیاست روشنی در دو عرصه هستیم:

۱- ما نیازمند سامان دادن به اتحادی گسترده و وسیع در میان جمهوری خواهان دموکرات و چپ برای شکل دادن به یک آلترناتیو در جهت پی ریزی آینده ای امید بخش برای مردم ایران هستیم.

۲- ما به عنوان نیروی چپ و مدافع منافع کارگران و مزدبگیران کشورمان، برای حضور قدرتمند نه فقط در چنین اتحادی، بلکه قبل از همه پرداختن به نیازهای عاجل همین نیروهای اجتماعی و رشد جنبش آنها، نیازمندیم با صفوفی فشرده تر و اثر گذارتر از امروز عمل کنیم. باید به دوران جدایی ها و خود محوری ها در صفوف چپ ایران نقطه پایان گذاشت و در جهت ایجاد یک نیروی متحد و موثر در عرصه دفاع از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان کشورمان گام برداشت.

رفقای عزیز!

برای کنگره شما که به حق آن را در هفدهمین سالگرد کشتار دسته جمعی هزاران تن از رهروان راه آزادی و عدالت در زندان های جمهوری اسلامی، "با خاوران" نامیده اید، بار دیگر آرزوی موفقیت می کنیم و در مقابل یاد همه آن جانباختگان و دیگر رهروان راه آزادی و سعادت مردم کشورمان سر تعظیم فرود می آوریم.

کمیته مرکزی

سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

۲ سپتامبر ۲۰۰۵

* * *

پیام سازمان های جبهه ملی ایران - برونمرزی - اروپا

خانم ها و آقایان:

برگزاری کنگره نهم سازمان شما، مصادف شده است با هفدهمین سالگرد روزهایی که در آن، رژیم جمهوری اسلامی ایران مرتکب یکی از بزرگترین جنایات تاریخ معاصر ایران شده است و هزاران تن از فرزندان مردم را در زندان ها قتل عام کرد. جمهوری اسلامی بدین جنایت بسنده نکرده و کشور ما را اکنون در یکی از حساس ترین و بحرانی ترین دوران های حیات خود قرار داده. ما براین باوریم که حاکمیت انتصابی با ناتوانی در شناسایی و دفاع از منافع ملی ایران در برابر جهان امروزی و عدم توانائی در حل مسائل و مشکلات داخلی، شایستگی و صلاحیت مدیریت کشور را ندارد.

شرایط بحرانی و اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی و بین المللی کنونی می رود تا استقلال و همبستگی ملی ما را زیر ضربات جدی و غیر قابل جبران قرار دهد. تنها با مبارزه پیگیر، قاطع و گذشتن از جمهوری اسلامی و همیاری گرایش های مختلف سیاسی، می توان این بحران ملی را حل نمود.

بیایم فصل مشترک خود را که آزادی و سربلندی ایران و دموکراسی و جمهوری خواهی است با تکیه بر اندیشه های مصدق بزرگ استوار سازیم. با تکیه بر اندیشه سیاسی او و به روز کردن آن، ائتلاف ملی علیه استبداد را به گفتمان ملی تبدیل کنیم.

امروز "اصول میثاق ملی ایرانیان برای شکل دهی حکومت دموکراتیک" مهندس عباس امیر انتظام کارپایه سیاسی سازمان های جبهه ملی ایران برونمرز، برای به چالش کشیدن جمهوری اسلامی می باشد. ما همه نیروهای ملی و دموکرات را به همکاری حول این میثاق ملی و پر بار کردن آن دعوت می کنیم.

به باور ما شرط پیروزی در برابر این رژیم ضد انسانی و ضد ایرانی همکاری نیروهای سیاسی مختلف با اعتقاد به مردم ایران، منافع ملی و تمامیت ارضی ایران، دموکراسی، آزادی و رعایت حقوق قوم های مختلف ملت بزرگ ایران می باشد.

ما آرزوی موفقیت برای کنگره نهم شما را در جهت اعتلای منافع مردم ایران و پیشبرد منافع ملی ایران داریم.

با آرزوی سربلندی و آزادی ایران
سازمان های جبهه ملی ایران-برونمرز-اروپا
پنج شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۴

* * *

پیام کانون زندانیان سیاسی ایران - هلند

پیشاپیش درودهای ما را بپذیرید. کانون زندانیان سیاسی ایران - هلند به شما و تمامی دست اندرکاران نهمین کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شادباش می گوید. برای شما آرزوی پیشبرد تمامی برنامه هایتان را در جهت آرمان های انسان دوستانه و عدالت جویانه خواستاریم.

به گل گشت جوانان یاد ما را زنده دارید ای رفیقان
بگذارید با شما از یک کابوس هفت ساله یا ده ساله سخن بگویم. که همانند سفرهای پر مخاطره ژول ورن با انبوهی از ناشناخته ها، ترس ها و حیرت روبرو می شویم. از شامگاه بیست و دوم بهمن ماه روحانیت شیعه با قبضه قدرت سیاسی در ایران سرانجامی را برای سرزمین ما رقم زد، که از پی آن همه آرزوهای شریف، غولی بیرون آمد که هیچ چیز را یارای مقابله با آن نبود. از همان روزهای نخست، سرکوب و ارعاب در دستور کار قرار گرفت. چندی نگذشته بود که زنده یاد سعید سلطان پور و توماج و یارانش را سلاخی کردند. آغاز دهه شصت روزگار شوم و تاریکی را برایمان به همراه داشت. گروه، گروه بدون نام و نشان به جوخه های تیرباران سپرده شدند و عده بسیاری رهسپار سفری شدند، که سرانجامش هیچ آشکار نبود. در آغاز زندانی میبایست پروسه حیرت را از سر بگذراند. با ورود و پذیرای این همه فجایع غیر قابل باور بود. در روزهای نخست بسیاری با پدیده ای به نام توهم رهایی روبرو بودند. و پس

از چندی مرحله دوم آغاز می گردید. بریدن حس ها، آرام، آرام می پذیرفتیم. احساس ما را می کشتند. روزهای نخست از دیدن زخم هایی در کمر و یا کف پای همدیگر دلمان به درد می آمد. همدردی می کردیم. پس از مدتی از شنیدن خبرهای هولناک دیگر زیاد بخود نمی لرزیدیم و این خود آغاز فاجعه ای دیگر بود. در این میانه گروهی از ما شکست را پذیرفتیم. گروهی دیگر گناه را پذیرفتیم و برای تقاص این گناه تا ناکجا آبادها رفتیم. تا آنجایی که هر روز نوجوانی سیزده ساله به بند یک زنان عادل آباد می رفت و مادرش را شکنجه می کرد، تا توبه کند. نام این کار را مسئولین زندان و توابین گذاشته بودند شرف توبه. و گروهی از ما، بیشترشان از جایگاه حفظ کرامت انسانی در مقابل این طاعون سیاه ایستادگی کردند. کسانی که در بیرون این معرکه مرگبار بودند، با دیگرانی که گرفتار آمده بودند مصداق شعر سعدی بودند و بودیم.

تو در میانی و ندانی این معنا به راه بادیه داند قدر آب زلال

ما تجربه های بسیار تلخ و اندوه باری را در طی این سال ها از سر گذرانده ایم. اما نمی گذاشتیم پر امیدمان چیده شود. شور زندگی ادامه داشت. ما هنوز از دیدن آسمان آبی، صدای پرندگان و هر چیز دیگری که نشانی از زندگی داشت لذت می بردیم.

اما خسته بودیم، احساس تنهایی می کردیم. به خودمان می گفتیم آیا در پس این دیوارها کسی به فکر ما هست؟ دلما برای شانه های پدر، مادر و همسران و فرزندانمان دلتنگ بود. و طوفانی دیگر رسید. تابستانی به غایت تلخ و شور. پ-م می گفت ما را به دفتر زندان بردند. فرمی پر کردیم، به گمانم همین روزها آزادمان کنند. ب-م می گفت چه خیال باطلی. مرداد ماه آغاز بریدن بند ناف زندگی مجاهدین بود.

گروه گروه، منافقی یا مجاهد؟ جمهوری اسلامی را قبول دارید یا نه؟ کار اطلاعاتی می کنی یا نه؟ و از پی آنان نوبت چپ ها رسید. نماز می خوانی یا نه؟ جمهوری اسلامی را قبول داری یا نه؟ ن-الف بلند بلند فریاد می کشید لعنت بر رجوی، مرگ بر منافقین، و آن طرف تر م-ح مصممانه به پیشواز مرگ می رفت. هیچ کدام از این پاسخ ها نتوانست گریزی برای مرگشان باشد. دستگاه کشتار سر بازایستادن نداشت. ما در جهان بی خبری و فراموشی به قتل گاه می رفتیم. هنگامی جهان باخبر شد که بخش اعظمی در گوشه و کنار میهن استبدادزده مان قتل عام شده بودند. اوین، گوهر دشت، کارون، دیزل آباد، عادل آباد، وکیل آباد و ده ها ظالم آباد دیگر.

دفتر ایام ورق می خورد. بار دیگر جمع مستان اندک اندک می رسند. زرافشان، گنجی، طبرزدی، برادران محمدی، باطبی، فخرآور و پایانی ندارد.

ما فکر می کنیم آنها نیز همین سوال را دارند. آیا کسی به فکر ما هست؟

مجددا ضمن شادباش برای کنگره نهم سازمان، از شما و سایر احزاب و سازمان های سیاسی به جد خواستار در دستور کار قرار دادن همکاری مشترک برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و در نهایت تلاش برای رهایی تمامی زندانیان عقیدتی، سیاسی هستیم.

با آرزوی بهروزی برای مردم ایران

کانون زندانیان سیاسی ایران- هلند

۲ سپتامبر ۲۰۰۵

* * *

www.iran-archive.com

پیام کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

رفقا برادران،

تلاش پیگیر شما در خارج از ایران، برای پشتیبانی از آمال و آرزوهای بحق مردم ایران و زحمتکشان آن، پر ارج می باشد. چنین روندی، امید به آینده را برای برکناری حاکمیت ولایت فقیه بیشتر می کند.

اینجانب به نمایندگی از کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران به اطلاع شما می رسانم که:

ما در زمینه ی مطالبات بحق زحمتکشان ایران به تلاش های پیگیر خود ادامه می دهیم، و بخصوص از پایگاه های سندیکایی بین المللی بهره مند هستیم. اینجانب در همکاری نزدیک با کمیسیون کارگری شما و بخصوص با رفیق صادق کارگر، به فعالیت خود ادامه میدهم، با توجه به اینکه ما عضو دائمی فدراسیون سندیکایی جهانی می باشیم، تا ۳ ماه دیگر در کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی که در کوبا برگزار خواهد، اینجانب و رفیق صادق کارگر در این کنگره شرکت کرده تا از حمایت بین المللی زحمتکشان بهره مند شویم.

از شرکت در کنگره شما خوشحالیم و در خاتمه موفقیت شما را در کنگره صمیمانه خواهانیم.

با درود

حسین نظری

۲ سپتامبر ۲۰۰۵

نگاهی به تاریخچه

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

از آغاز تا امروز ۱۳۷۵-۱۳۴۹ (۱۹ بهمن)

سال پیش در بیست و پنجمین سالگرد تاسیس جنبش فدائیان فشرده یی از آنچه که بر فدائیان گذشته است، توسط شعبه ی روابط بین المللی به زبان انگلیسی تهیه و به عنوان پنجمین شماره نشریه ی خبرها و نظرها (news&views) انتشار یافت. با توجه به تذکرات رسیده اصلاح و امسال در بیست و ششمین سالگرد تاسیس سازمان به زبان انگلیسی و هم زمان با آن ترجمه ی آلمانی، فرانسه، عربی و اسپانیایی آن نیز انتشار می یابد. در زیر متن فارسی آنرا مشاهده می کنید.

پیش گفتار

به دنبال کودتای ۱۹۵۳ و سقوط دولت ملی و دموکراتیک به نخست وزیری دکتر مصدق، سیاست سرکوب و قتل توسط رژیم محمد رضا شاه پهلوی علیه آزادی خواهان ایرانی به اجرا درآمد.

با هدف قرار دادن مهم ترین سازمان سیاسی آن زمان یعنی حزب توده ایران و جبهه ملی ایران که پایگاه اصلی فعالیت های آزادی خواهانه ی مردم ایران بودند؛ سیاست سرکوب موفق گردید که اپوزیسیون سازمان بافته ایران را در هم بشکند.

لیکن در اوایل دهه ۶۰ زمزمه های مخالفت با رژیم دیکتاتور شاه از نو شنیده میشد. محافل روشنفکری تبدیل به مراکز فعالیت سیاسی گردید.

دانش آموزان و دانش جویان ایرانی نسبت به جنبش های آزادیخواهانه و انقلابی که طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در کشورهای مختلف به ویژه در کوبا و ویتنام جریان داشت گرایش زیادی پیدا کرده بودند. استقلال، دموکراسی، سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی آماج های اصلی مبارزه روشنفکران ایرانی بود. از آنجا که برای رهبری جنبش سازمانهای قوی و با تجربه عملا وجود نداشت، بحث محافل روشنفکری روی چگونگی بر کردن این خلا متمرکز بود.

از تاسیس تا انقلاب ۱۹۷۹

نخستین اجلاس جنبش فدایی در سال ۱۹۶۳ توسط بیژن جزنی و یارانش برگزار شد. آنها به این نتیجه رسیده بودند که نفوذ قدرتمند امریکا در ایران و سرکوب آزادی خواهان مخالف دولت فعالیت های سیاسی مسالمت آمیز را به کلی غیر ممکن ساخته است

در این ارتباط بود که مبارزه ی مسلحانه تنها راه موثر برای دستیابی به آزادی شناخته شد. تلاش های جمع روشنفکران ایرانی، با حمله به یک پست ژاندارمری در جنگل های شمال ایران، ۸ فوریه ۱۹۷۱ ثمر داد و تاسیس سازمان چریک های فدایی خلق ایران اعلام شد.

در دوره ۸ ساله از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۹ فدائیان توسط رژیم دیکتاتوری حاکم زیر شدید ترین حملات قرار داشتند. بیش از هر سازمان مخالف دیگری یعنی نزدیک به ۳۰۰ فدایی خلق توسط رژیم شاه به قتل رسیدند. در این سالها طی چهار دوره ضربه اکثریت رهبران سازمان دستگیر و یا کشته شدند؛ اما سازمان پابر جا ماند.

بزرگترین ضربه زمانی بود که بیژن جزنی و ۶ نفر دیگر از موسسان سازمان به صورت مخفیانه در زندان ترور شدند. این واقعه در ۱۹ آوریل ۱۹۷۵ در زمانی رخ داد که ۸ سال از دستگیری و محکومیت آنها در زندانهای رژیم می گذشت و محاکمه ی دومی انجام نشده بود. فدائیان در جریان انقلاب ۱۹۷۹ که عمدتاً توسط پیروان آیت الل خمینی رهبری گردید، نقش موثر و فعالی را ایفا کردند. در این هنگام، اغلب نیروهایی که مخالف یک دولت مذهبی بودند از فدائیان پشتیبانی می کردند.

به دنبال پیروزی انقلاب، دفاتر فعالیت علنی سازمان در اغلب شهرهای ایران تاسیس شد. این دفاتر بعداً تبدیل به مرکز تجمع جوانان غیر مذهبی و عدالت خواه گردید.

در نخستین انتخابات بعد از انقلاب از فدائیان ۱۰ درصد آرا را به خود اختصاص دادند و بقیه ی آرای به نفع نیروهای مذهبی به صندوق ها ریخته شد.

در این بین، بحث های درون سازمانی فدائیان خلق در مورد انقلاب به جریان افتاد. در صدر این مسائل، نحوه مبارزه و چگونگی برخورد با حاکمیت، مهم ترین موضوع مورد بحث بود.

اکثریت بزرگی از اعضا دیگر اعتقادی به مبارزه ی مسلحانه نداشتند، آنها خواستار اتخاذ خط - مشی همراهی با توده های مردم را برگزیدند توده هایی که پیرو رهبران مذهبی جامعه

بودند. این اختلاف به انشعاب اقلیتی که در برگیرنده ۱۰ درصد از اعضای فعال سازمان بود، منتهی گردید.

سرانجام در روز اول ماه مه ۱۹۸۱ اجتماع یکصد هزار نفری فدائیان در میدان آزادی تهران برگزار گردید. در این روز رهبری سازمان خط - مشی های جدید سازمان را اعلام کرد. از جمله اعلام شد که سازمان فدائیان خ دیگر جنبشی چریکی نیست و یک سازمان سیاسی متعلق به طبقه ی کارگر ایران است. از این رو سازمان، رسماً سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت نامیده شد.

تا اوایل ۱۹۸۰ که هنوز دولت اسلامی بله طور کامل بر اوضاع مسلط نشده بود، سازمان فعالیت های نیمه علنی خود را ادامه می داد. ارگان رسمی سازمان ((نشریه کار)) با تیراژی بین صد تا سیصد هزار در هر هفته منتشر می شد. طی چهار سال تلاش برای ساختن ستون فقرات سازمان تعداد اعضا یک سوم زن - یک پنجم کارگر و سه پنجم دانشجوی و دانش آموز بودند. سن متوسط در میان اعضا سازمان کمتر از ۲۴ سال و در میان کادر رهبری ۳۲ سال بود. سازماندهی بخش قابل توجهی از جوانان مثرقی غیر مذهبی و تاسیس یک سازمان سیاسی سکولار و با نفوذ در جامعه یی شدیداً مذهبی برجسته ترین اقدام سازمان فدائیان خلق بود.

سالهای سرکوب

علیرغم سیاست های س.ف.خ.ا) مبنی بر احتراز از قرار گرفتن در حالت تقابل مستقیم حکومت، آشکار بود که بنیاد گرایان حاکم نمی توانستند فعالیت ها و موجودیت فدائیان را تحمل کنند. با این که در سالهای ۱۹۸۲ - ۱۹۸۰ که س.ف.خ.ا) از سیاست های حکومت در زمینه های مختلف از قبیل اختلافات با عراق، مواضع ضد امریکایی و جنبه های خاصی از اصلاحات اقتصادی، عمدتاً پشتیبانی می کرد، قانوناً اجازه فعالیت نداشت. حتی در همان سالهای احکام اعدام برای فداییان صادر می شد و صد ها مبارز فدایی در زندان به سر می بردند.

تعقیب و سرکوب همه جانبه ی س.ف.خ.ا) در بهار ۱۳۸۳ زمانی آغاز شد که دولت اسلامی ساختارهای سیستم جمع آوری اطلاعات و شبکه های پلیسی خود را کامل نمود. دولت اسلامی در نابود کردن بخش مهمی از رهبری سازمان ناکام ماند و رهبری به خارج از کشور منتقل گردید.

در سال ۱۹۸۸ خمینی قبل از مرگ اش دستور قتل عام سیاسی ایران را صادر کرد. هزاران نفر از جمله صدها فدایی را در زندان ها بدون محاکمه سر به نیست کردند. مردم از این جنایت هولناک به نام فاجعه ملی « یاد می کنند.

در دوره حکومت جمهوری اسلامی چندین هزار فدایی به زندان افکنده شده، صدها نفر از جمله ۸ عضو رهبری اعدام شده و هزاران نفر به خروج و فرار از کشور مجبور شده اند.

سالهای بحران

در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ نتایج تلخ انقلاب ایران و سرنوشت سوسیالیسم در اتحاد شوروی به بحران ایدولوژیک و سیاسی تشکیلاتی منجر شد.

محور اصلی بحث های دوران بحران را، ارزیابی های غلط از جمهوری اسلامی ((سوسیالیسم موجود)) و ساختار غیر دموکراتیک درون سازمانی تشکیل می داد.

این بحران تأثیر فلج کننده بی روی بسیاری از بخش های سازمان داشت. بحث های درونی در سرتاسر سازمان منتشر گردید. در تابستان ۱۹۸۸ حقوق اعضا برای ابراز آزاد نقطه نظرات شخصی و مستقل برقرار گردید و این تحول که نخستینگام در تجدید ساختار سازمان بود، راه را برای ندارک نخستین کنگره هموار کرد.

سالهای دهه ۱۹۹۰

در اوت ۱۹۹۰ نخستین کنگره سازمان در خارج از کشور برگزار گردید. کنگره توجه خود را به بررسی مجدد برنامه سازمان، سیاست گذشته، وضعیت سیاسی و روابط داخلی معطوف نمود. به علاوه کنگره مواضع رهبری را به یک گروه جدید سپرد و فراخوان برای برگزاری کنگره دوم در سال بعد را اعلام نمود. نحوه ی سازماندهی کنگره و دست آوردهای آن وحدت اراده ی سازمان را احیا کرد و اعتماد متقابل و همبستگی میانفعالان و درون سازمان را تحکیم بخشید.

سالهای دهه ۱۹۹۰ تغییرات عمده ای را در جنبش فدائیان به همراه داشت. به دنبال تحلیل تاریخچه ی گذشته ی سازمان، دموکراسی به عنوان هدف فوری و اساسی سازمان اعلام گردید. تلاشهای قبلی در جهت وحدت ایدولوژیک در سازمان به کنار گذاشته شد و به جای آن تفاوت های ایدولوژیک و تفکر مستقل به طور رسمی پذیرفته و مورد پشتیبانی قرار گرفت. کنگره ی نخست سوسیالیسم را به عنوان هدف نهایی خود اعلام کرد. کنگره دوم تصمیم

گرفت که هر دو سال یک بار کنگره ی سازمانی فراخوانده شود. از آن زمان تصمیم فوق به طور کامل به اجرا در آمده است.

در سال ۱۹۹۵ چهارمین کنگره ی سازمان برگزار گردید به خاطر همزمانی این گرد همایی با بیست و پنجمین سالگرد ترور بنیان گذار سازمان بیژن جزنی، این کنگره بنام او نام گذاری شد.

در تاریخ سازمان دهه ۱۹۹۰ تنها به عنوان دهه ی پذیرش و انتشار اصولی و دموکراتیک میان تشکیلاتشناخته نخواهد شد، بلکه به عنوان دوره ی همکاری و روابط بهتر میان سازمان و جنبش لیبرال، اصلاح طلب و دموکراتیک ایران تثبیت خواهد شد.

به سوی آینده ای بهتر

در ایران بنیاد گرایی هم چنان حکومت می کند. لیکن اکثریت مردم ایران از رژیم فعلی ناراضی هستند. هدف مردم ایران از انقلاب ۱۹۷۹ سرنگونی دیکتاتوری، فساد و بی عدالتی بود. اما جمهوری اسلامی این خواسته ها را بر آورده نکرد. به جای آن تحقیر و آزار زنان ایرانی رویه ی جاری شد و شکل قانونی به خود گرفت.

فاصله ی طبقاتی میان فقیر و غنی افزایش یافت، امکانات اجتماعی و اقتصادی کشور به خصوص با مهاجرت سه میلیون نفر از اقشار تحصیل کرده صدمه جدی زده است. روابط گروه های مختلف قومی و مذهبی به طور کلی در معرض تهدید قرار گرفته است. روابط خارجی جمهوری اسلامی منجر به انزوای سیاسی کشور شده است.

سال ۱۹۹۶ به خاطر توطئه حکومت علیه روشنفکران سرشناس، نویسندگان و روزنامه نگاران و هم چنین به خاطر جلب حمایت جامعه ی بین المللی علیه عملیات تروریستی ج.ا.ا. بهم منظور قتل رهبران مخالف در خارج از کشور قابل توجه است.

فداییان به عنوان اعضای بزرگ ترین سازمان سکولار ایران می خواهند یک جمهوری دمکراتیک را جایگزین تنو کراسی فعلی نمایند. آنها برای برقراری حکومتی که آزادانه و به صورت مسالمت آمیز انتخاب شده باشد تلاش می کنند. این هدف وسیعا مورد پشتیبانی مردم ایران است.

تحولات سال ۱۹۹۶ نشان داد که شالوده‌ی مطوئنی برای همکاری و کوشش های متحد میان تمام نیروهای اپوزیسیون ایرانی- به جز مجاهدین و سلطنت طلبان- برای رسیدن به یک جمهوری دمکراتیک و تماما انتخابی وجود دارد.

برای دستیابی به اهداف فوق، ما فدائیان بر ارزشهای مدرن، دموکراتیک و سوسیالیستی تکیه می کنیم. ما ضد برتری طلبی جنسی هستیم و ما خواستار دنیایی هستیم که بر پایه ی همکاری بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها و میان فرهنگ های مختلف بنا شود ما نیز نگران آینده ی این سیاره ایم.